
ALMANAGH
DE
KABOUL
1936-37

سالنامۂ کابل

۱۳۱۵

از نشرات انجمن ادبی کابل

باهتمام سید قاسم (رشتیا) عضو انجمن

مطبعۂ عمومی کابل

انجمن ادبی کابل
شعبه (رسیدیه)

تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۱۶
آدرس : جادهٔ ارگ انجمن ادبی کابل
عنوان تلگرافی : کابل ، انجمن

۶
۲۰۰

جناب عبدالحکیم خان !

مبلغ پانزده افغانی قیمت یک جلد سالنامه پشتی چرمی که در بغل مرسله تاریخی ۲۷ ثور خط روزنامچه بعهده داشتی آمده

ایک مجلد سالنامه ملکی که ممرد لف مرسله مدرسی خط آن محترم روزنامچه نخهیم و نیز زر فضارت صحیحانه شما

در عطوعات دلخن خط ابرنده داده و بدل تشکر میماند ما تحریرم

ALMANACH DE KABOUL

1936-1937

ÉDITÉ PAR LE CERCLE LITTÉRAIRE DE KABOUL

Rédacteur en Chef: S. KASSÊM RECHTIA

membre du Cercle Littéraire de Kaboul

Imprimerie Générale

ACKU

بسم الله الرحمن الرحیم



مقدمه

بعون و عنایت خدای بیچون و حسن توجهات حکومت معظم عرفان پرور ، سالنامهٔ کابل چهارمین دورهٔ سنوی خود را بپایان رسانیده اینک قدم بدورهٔ سال پنجم میگذارد .

سالنامه های منتشرهٔ سالهای سابق انجمن از لحاظ تقطیع و حجم و از جهت قیمت نیز نظر بحجم آن گرانتر بود . ولی در آغاز طبع و تدوین سالنامهٔ حاضره سفارش و خواهش غالب مشتریهای با ذوق ما را وادار نمود

که از جنبهٔ رسیدن سالنامه در دست رس عموم و از سبب سهولت بردن و نقل آن درهر جائی، ازتقطیع وحجم آن کاسته و یك سالنامهٔ نفیس تری تدوین نمائیم - لهذا این خواهش اهل ذوق را با کمال منت پذیرفته و بتدوین و طبع سالنامهٔ حاضره موافق منظور مذکور پرداختیم!

این سالنامه از جهت داشتن مضامین مهمه خصوصاً اطلاعات راجع بافغانستان و مجاری سال ۱۳۱۰ داخلی این کشور و تصاویر نفیس شاهان افغانستان وعمارات ومناظر مختلفه ازهمه جهت ممتاز است.

امید واریم باکمی قیمت و مزایای طباعتی و تناسب حجمی که دارد این سالنامه جلب توجه مشترکین محترم خود را کرده بتواند.

در خاتمه از مراحم و نوازش حضور همایون اعلیحضرت پدر تاجدار خود المتوکل علی الله که همواره مساعدت و شفقت ذات شاهانهٔ شان موجب تشویق و قوت قلب و قلم خدام این انجمن واقع میشود، سپاس گذاری نموده بقای عمر ذات همایونی را از ایزد پاك تمنا می نمائیم! ونیز ازمقامات عالیه ومعظم دولتی خاصتاً مقام صدارت جلیلهٔ عظمی، نسبت به کمك‌ها وابراز لطف و مرحمتی که در جمع و تدوین معلومات مفیدهٔ داخلی مندرجهٔ این سالنامه بما فرموده اند، واز باقی فضلا وارباب قلم محترم که از اظهار لطف و کمك های قلمی خود شان مضایقه ننموده وبما منت گذاشته اند، شکر گذار بوده سعادت و موفقیت شانرا از درگاه الهی نیاز می نمائیم.

(هیئت انجمن ادبی کابل)

ACKU



شهریار معارف پرور و تربیتخواه افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه ایده الله نصره

L'AUGUSTE SOUVERAIN D'AFGHANISTAN
SA MAJESTÉ MOHAMMAD ZAHER CHAH



پادشاه افغانستان

شهریار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه و اطال الله عمره و دولته که ذات همایونش در ین سنه قدم بمرحلهٔ بیست و دومین حیات شریف خود میگذارند، ذات همایونی متولد در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در کابل و پس ازسن مقتضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی و متوسط و بالاخره تحصیلات خود را ذات همایونی درمکاتب عالی کابل با ختام رسانیده موقعیکه والد ماجد فقیدشان اعلیحضرت محمد نادرشاه کبیر عازم سفارت افغانستان در پاریس گردیدند، ذات همایونی نیز بمعیت آن شهریار فقید بغرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه و علوم عالیه را در رشته های مختلف بمکاتب عالی و خاندان های با دانش و معظم آن مملکت تحصیل، و تربیهٔ خصوصی را نسبت بمسائل داخلی وطن واخلاق ملی و ادراک مطالب لازمه راجع بوطن و خصایص

را از والد بزرگوار خود حاصل فرمودند .

اس از واقعهٔ شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسر حد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان و تعقیب سنت سنیهٔ پدر بزرگوار خود درشعبهٔ عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی با صبیهٔ معظمهٔ والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده و در اخیر همین سنه چندی بوکالت و زارت جلیلهٔ حربیه و بعداً بوکالت وزارت معارف مؤظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی درحسن اداره و صحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهریار شهید بتاریخ ۱۶ عقرب باتفاق و درخواست وکلا و بزرگان ملت و عموم افراد عسکری و کشوری اریکه پیرای سلطنت سنیهٔ افغانستان شده سال حاضر چهار مین سال ازجلوس میمنت مانوس این شهریار جوان محسوب میشود .

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

۱ ـ شهزاده بیگم بلقیس	تاریخ ولادت	۲۸ حمل	سنه	۱۳۱۱ ش
۲ ـ والاحضرت شهزاده محمد اکبرخان	«	۱۹ اسد	«	۱۳۱۲ «
۳ ـ والاحضرت شهزاده احمد شاه خان	«	۲۱ سنبله	«	۱۳۱۳ «
٤ ـ شهزاده بیگم مریم	«	۱۰ عقرب	«	۱۳۱۵ «

افغانستان

بقلم جناب غلام جیلانی خان
اعظمی معاون انجمن

افغانستان در آسیای مرکزی درتحت (۲۹) درجه و(۳۰) دقیقه و۳۸ درجه و (۳۵) دقیقه عرض و (۶۰) درجه و (۵۰) دقیقه طول البلد واقع است جوانب این مملکت محدود است ، شرقاً با پنجاب هند که کوهستان افغانان سرحدی آنرا از پنجاب و سند جدا می نماید ، از جهت شرق شمالی با ترکستان چین اتصال دارد . شمالاً بصحرای خوارزم و مملکت بخارا که رود خانهٔ آمو آنرا از خاك بخارا فصل می نماید ، غرباً بخاك ایران ، جنوباً ملحق است با بلوچستان .

این مملکت با فراخی (۷۰۰۰۰۰۰) کیلو متر مربع دارای سطوح مرتفعه و کوهای بلند یست که مهم ترین آن سلسلهٔ هند و کش بطرف شمال و سلسلهٔ سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد . بلند ترین ارتفاعات این مملکت کوهستانی الی (۷۳۰۰) متر بشمار آمده . ضمناً صحاری فراخ ، جنگه های سر سبز ، کوه پایه های خاکی نیز داشته ، رود خانه های آب های خوشگوار که غالباً داخلهٔ خاك را مشروب میسازد فراوان دارد . منبع اکثر واهم این رود خانها کوهستان مرتفع مرکزی مملکت است که اگر بقاعده آبیاری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساخته میتواند .

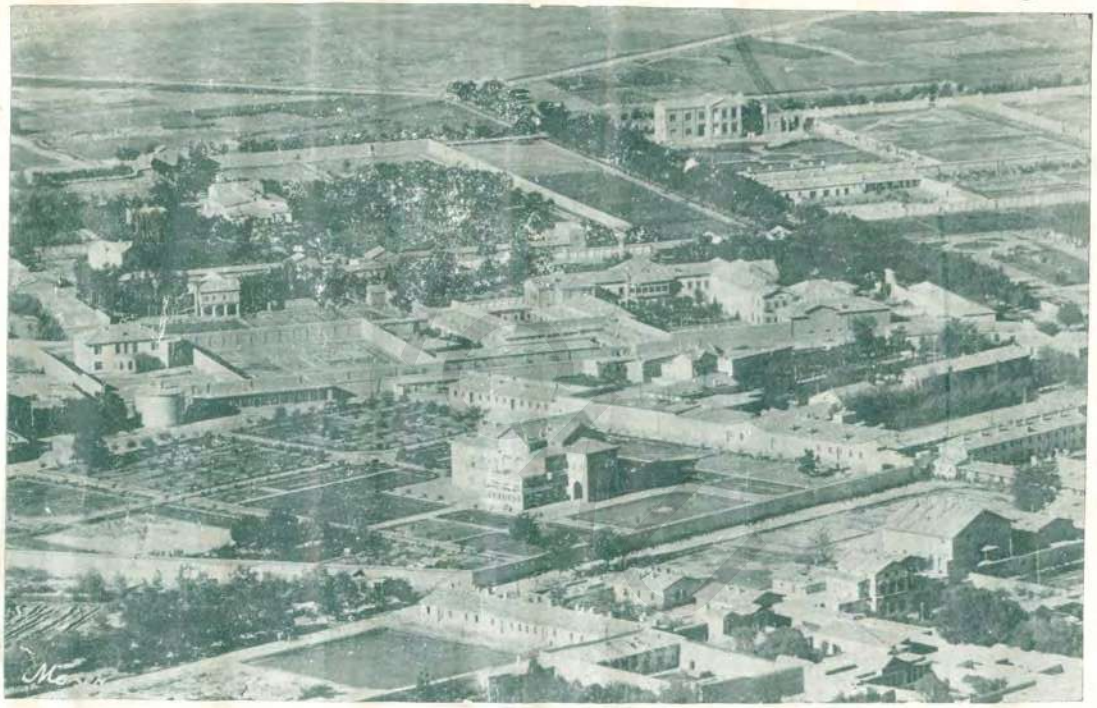
آب و هوای ملک گرچه از لحاظ پستی ها و بلندیهای و ضعیت طبیعی مختلف مو نقاط گرم سیر و سرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است واندازهٔ حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالک طاقت فرسا شده نمیتواند.

بعلت همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات ممالک گرم سیر و سرد سیر هردو درین مملکت بعمل می‌آید. روبهمرفته در جهٔ حرارت بحساب سانتیگرید درتابستان از (۴۲) در جهٔ فوق و در زمستان از (۲۰) درجه تحت الصفر متجاوز نمی شود.

از نقطهٔ نظر اقتصاد این کشور عزیز خیلی غنی و بهترین ودایع قدرت را دارا است مثلا: زراعت، فلاحت، معادن بکر، حیوانات اهلی و وحشی، اقسام طیور و جنگلات میوه و غیر میوه، ادویه جات طبی، سبزیجات، در هرنقطهٔ آن موجود و مورد استفاده است.

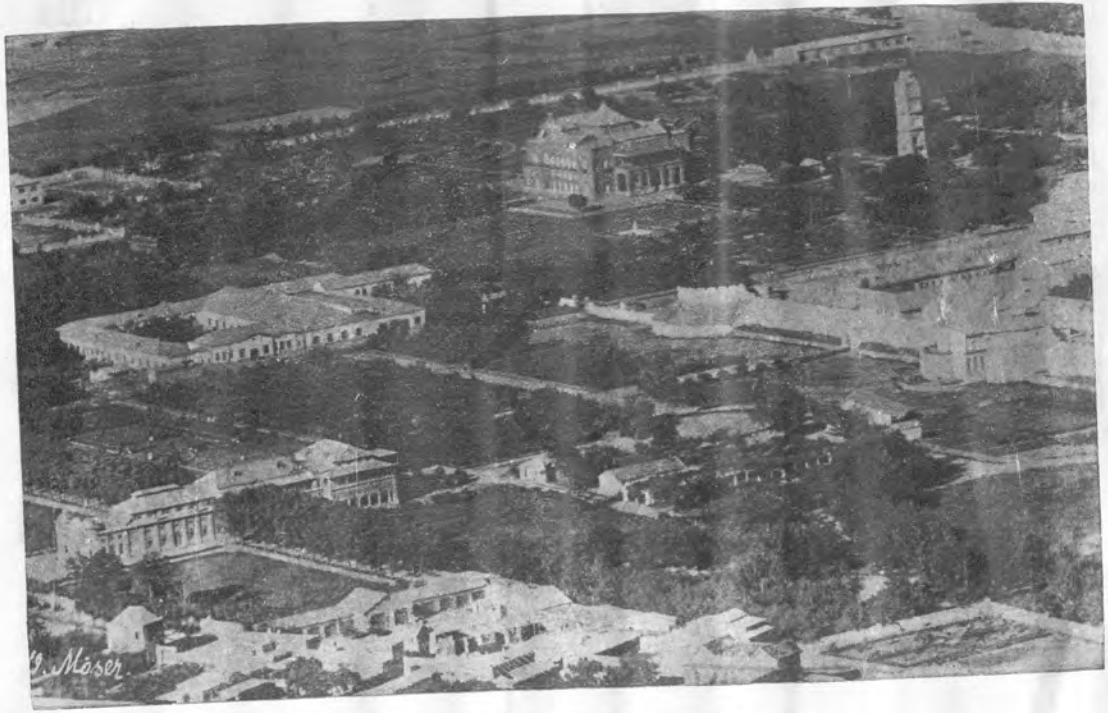
قسمت اعظم و عمدهٔ حیات اهالی را زراعت و فلاحت و مالداری تأمین می نماید. از بارزترین پیداوار ملک بمقصد تجارت، پشم، پنبه قالین، ابریشم، پوست قره قلی، پوست دیگرحیوانات، ادویه جات، میوه های خشک و تازه است که بخارج میرود، اما برتر ازان مواد یکه مهم ترین سرمایهٔ مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن ومس وذغال سنگ ونفت وغیره معدنیات است که تاهنوز بکار نیفتاده. افغانستان از حیث دارائی معادن مختلف ومتعدد وپیداوار زراعتی و حیوانی اهمیت بسزا دارد.

صنایع درافغانستان خیلی سابقه دارد. چه ازاعصار قبل‌الاسلام‌الی دوره های چهار قرن، سه قرن قبل، صنایع بومی ازقبیل معماری، مجسمه سازی، نقاشی



از مناظر شهر کابل که از طیاره عکس گرفته شده

Kaboul moderne et pittoresque (photo-avion)



از مناظر قشنگ و عالی شهر کابل که از طیاره عکس گرفته شده

Vue panoramique de Kaboul (photo prise par avion)

منبت کاری ، حجاری ، نساجی ، خامك دوزی، چکن دوزی و سایر کار های دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلالی ، نجاری و غیره بقدری رونق وترقی داشت که امروز آثار وبقایای آن زیب موزه ها و اسباب استعجاب تماشا ئیان میشود . صنایع حاضره عبارت است ازاقسام صنایع قدیمهٔ فوق و بعضی صنایع عصریه . ولی بطوری که در همه جای دنیا رونق صنایع قدیمه کاسته شده است صنایع قدیمهٔ افغانستان نیز ازین حادثه تخلیص گریبان نتوانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بسیار اندازه مکفی حوایج حیاتی اهالی شده میتواند .

تجارت امتعهٔ ممالك خارجه در افغانستان ومواد خام وقالین و قالینچهٔ افغانستان بممالك مذکوره مبادله شده ، نماینده های تجارتی در شهرهای معروفهٔ اروپا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین وغیره و در شرق در هند و بلوچستان میباشد .

مبادلات تجارتی افغانستان غالباً بوسیلهٔ شرکت های ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آزاد وتحت کنترول حکومت نبوده وسرمایه های خارجی در افغانستان تاهنوز نمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت وتجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار و سیس تورکستان است که راه های آن ترمز ، کشکی و بندر کرکی میباشد ، و بعد خاك ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه وسیستان بشمارمیرود . نفوس افغانستان بتعداد ۱۲ ملیون واساساً دارای نژاد واحد آریائی وبطور عمومی متکلم بدوزبان پشتو و فارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی باهم تفاوت جزئی دارد و نیز بطور اقلیت بعضی لغات از قبیل نورستانی پشئی ، ارمری وغیره درین اقوام محدودی مروج است ولی عموماً لغات متذکرهٔ

فوق منشعب از لغات اصل پشتو که یکی از آن خیلی قدیم این مملکت است و لغات غلجه و داردی میباشد که خود اینها باصطلاح اهل زبان از خانوادهٔ زبانهای « هندوایرانین » شناخته میشوند .

تحصیل زبان پشتو وفارسی در جزء نصاب مکاتب کشوری و دوایر دولتی حتمی است . دین رسمی ملت افغانستان دیانت مقدس اسلام ومذهب مهذب حنفی است پیروان ادیان جزئیه ازقبیل هنود و یهود که بکمقدار کمی جزء اتباع افغانی اند نیز تحت تأمین گرفته می شود .

حکومت افغانستان شاهی مشروطه و مستقل است . پارلمان مرکب ازمجلس شورای ملی واعیان است . وکلای مجلس شورای ملی نماینده های مستقیم ملت میباشند که بلا واسطه برای سه سال ازطرف ملت انتخاب می شوند . حقوق وحدود ملت ودولت درقانون اساسی بواسطهٔ نخستین پارلمانیکه درسال ۱۳۰۸ بارادهٔ شهریار شهید اعلیحضرت محمد نادرشاه پادشاه غازی و فقید افغانستان افتتاح شده بود تعیین گردیده ، مجلس اعیان که اعضای آن از برجسته گان مملکت است از حضور پادشاه تعیین می شود .

پای تخت مملکت شهر کابل است . ولایات نایب الحکومه نشین افغانستان بعد از کابل ، قندهار ، هرات ، مزار شریف ، قطغن و بدخشان است . کذا حکومات اعلی نشین آن جنوبی ، مشرقی ، میمنه ، فراه وچغانسور میباشد .

درتقسیمات منکیه ، افغانستان منقسم است به نایب الحکومه گی ها ، حکومتی های اعلی ، حکومتی های کلان ، حکومتی های درجهٔ اول ودوم وسوم وعلاقه داری ها .



از مناظر جلال آباد ، اثر خامهٔ جناب غلام محی الدین خان معاون مکتب صنایع

Paysage de Djelalabad: Peint par le vice-directeur de l'Ecole des Arts et Métiers.

مراتب عسکری درافغانستان عبارت است از : سپه سالار ، نایب سالار فرقه مشر اول و ثانی ، غند مشر اول وثانی ، کند کشر ، تولی مشر ، بلوکشر اول وثانی ، پرکشر ، دلگیمشر . و مراتب رسمی کشوری عبارت است از : مقام صدارت عظما ، وزیرها ، معین ها ، رئیس ها ، مدیر های عمومی ، مدیر های شعبه ، معاونین ریاست ها ، معاونین شعبه ، مامورها ، سرکاتب ، کاتب ها .

کابینهٔ دولت مرکب است از : صدر اعظم ، وزیر حربیه ، وزیر خارجه وزیر داخله ، وزیر عدلیه ، وزیر مالیه ، وزیر معارف ، وزیر تجارت ، وزیر فوائد عامه ، وزیر صحیه ، وزیر پست وتلگراف .

امور دربار ودفتر شاهی بوسیلهٔ وزارت دربار ودارالتحریر شاهی اداره میشود .

پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله تعالی ملکه خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی محصل استقلال افغانستان است که درسال ۱۳۱۲ بعد ازشهادت والد بزرگ خود بسن ۲۰ سالگی بدرخواست ملت زینت بخشای تخت شاهی افغانستان گردیدند . درین سنه ازسلطنت همایونی سومین سال منقضی و سال چهارم جلوس اعلیحضرت شان میباشد .

خدمت عسکری وپولیس درمملکت اجباری است . یك قسم عسکر خوش برضای دایمی نیز دولت دارد .

کذا تعلیم علوم عصری درمکاتب جبری ومصارف تعلیم وتربیت ازطرف دولت پرداخته شده محصول از اولیای اطفال اخذ نمی شود . اقسام مکاتب درافغانستان ، دارالفنون ، مکتب صنایع ، مکاتب اعدادی ، رشدی ، مقدماتی است و بشعبهٔ عسکری افغانستان بر علاوهٔ مکاتب اعدادی و رشدی و مقدماتی

تعلیم گاه ها نیز موجود میباشد . درافغانستان تنظیمات صحی باصول عصری است مریضانیکه بشفاخانهای دولتی مراجعه کنند معالجه بطور مجانی می شود علاوتاً معالجهٔ آزاد بوسیلهٔ داکتر نیز برای مریضا در هر نقطهٔ مملکت ممکن و میسر است .

مخابرات پستی ، تیلفونی ، تلگرافی بطورشخصی و در ازای محصول معینه در هر نقطهٔ مملکت آماده و ممکن است ، حمل و نقل پستی وتجارتی و مسافرت در تمام مملکت غالباً بوسیلهٔ موتر می شود .

خطوط سرك وسیم های تیلفون درتمام نقاط مملکت کشیده شده هوتلها و جا های رهایشی در راها و شهر های کشور موجود است .

مصارف حد متوسط یکنفردرافغانستان ازپنج افغانی « ۲ شلنگ » شب و روز تجاوز نمیکند و مصارف ساده تر ازان خود بمراتب کمتر از ین است . طرز معشیت ، البسه ، عمارت در افغانستان بدو صورت سابق وجدید (عصری) متداول است . اهالی شهر نشین غالباً باسلوب عصری حیات بسر میبرند اما هر طبقه بانتخاب اسلوب حیاتی آزاد و تکلیفی در بخصوص داده نمی شود . از مهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض ممالك خارجی محصول سرانه گرفته نمی شود . تجار وسیاحین خارجی بموجب اجازه نامه های پولیس محلی براحت توقف کرده میتوانند . اسلوب تجارت و داد وستد تماماً درافغانستان عصری و برای رسیدگی بامور دعاوی تجار محاکم درهر شهر افغانستان موجود است .

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

صدر اعظم : ج، ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت سردار محمد هاشم خان .

مشاور اول : ع ، ص ذوالفقار خان .

مشاور دوم : ع ، ص سید احمد خان .

رئیس ضبط احوالات : ع ، ص محمد شاه خان .

مدیر شعبهٔ اول . : ع ، خلیل الله خان .

مدیر شعبهٔ دوم : « ، محمد صدیق خان .

مدیر شعبهٔ سوم : « ، محمد فاروق خان .

مدیر اوراق : « ، محمد اسمعیل خان .

ACKU

مدیر عرایض : ع ، میر عبدالله خان .

سرکاتب شعبهٔ شفر : ص ، خواجه محمد نعیم خان ،
وقلم مخصوص

مامورمحاسبه : « ، خواجه ذکر الله خان .

سر کاتب مجلس عالی : « ، نظر محمد خان .
وزراء





ج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت سردار محمدهاشم خان صدراعظم
S.A.R. «A.A.» Sardar Mohammad Hâchêm Khan
premier ministre

این مرد بزرگ از داشتن نیات پاك خدا پرستی و حس سرشار وطن دوستی از بدو تکفل مقام جلیل صدارت عظمی تا حال با بر از خدمات بزرگ وافادات سترگ بمملکت نایل گردیده و در نتیجهٔ این زحمات و صرف مساعی جمیله وجود ذیقیمت والای شان علیل گردیده درسال ۱۳۱۵ بمقصد معالجه عازم مسافرت اروپا و آخراً بعنایت خداوندی صحت کامله را داراو بانظر یات ومعلومات تازه تری عودت بوطن فرموده اینك مصروف اجرای مهمات مملکتی میباشند. ذات والای شان قبل از مسافرت اروپا بتقدیر خدمات ذیقیمت خو ازحضور اعلیحضرت همایونی به نشان ذیشان المراعلی نیز افتخار حاصل نموده اند

وزارت حربیه

وزیر : ع ، ج ، ا ، نشان والاحضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان

معاون : ع ، ع ، ش محمد انور خان نائب سالار

یاور وزیرحربیه : ح ، غلام سعید خان غند مشر ثانی

مدیر تحریرات : ش ، محمد قاسمخان کند کشر

مدیرمخصوص : « ، محمد یوسف خان کند کشر

دائرهٔ استخبارات :

مدیر : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی

آمر شعبهٔ الف : . . . .

آمر شعبهٔ ب : ش ، عبدالله خان کند کشر

آمر شعبهٔ ج : . . . .

ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه :

رئیس : ع ، ش محمد عمر خان فرقه مشر اول

معاون : ح ، مصطفی خان غند مشر اول

دائرهٔ عمومی حرکات :

مدیر : ح ، سراج الدین خان غند مشر ثانی

آمر شعبهٔ ۲ تشکیلات : ش ، محمد امین خان کند کشر
آمر شعبه ۳ تحشیدات : . . . . .

دائرهٔ عمومی تعلیم و تربیه :

مدیر عمومی : . . . . .
آمر شعبهٔ پیاده‌وسواری : ش ، آقا محمد خان کند کشر
آمر « هوابازی : . . . . .
آمر « ترجمه : ش ، ذکریا خان کند کشر
مدیر خریطه : ش ، میر عبد السلام خان کند کشر

ریاست اردو :

رئیس : خ ، ش ، س ، ع ، احمد علیخان فرقه مشر اول
مدیر عمومی مامورین : ح عبد الخالق خان غند مشر ثانی
مدیر اخذ عسکر : « ، حبیب الله خان غند مشر اول

مدیریت صحیه :

مدیر : ح ، حسین علیخان غند مشر ثانی
سرطبیب : عزت مند انظار الاسلام داکتر قریشی
سر بیطار : . . . . .
مدیر انشا آت : ح ، میر اعظم شاه خان غند مشر اول



ع،ج ،ا،ا، نشان والاحضرت سردار شاه محمود خان
غازی سپه سالار و وزیر حربیه

S. A- R. «A. A.» Sardar Choh Mahmoud Khan
ministre de la guerre

این سر بازنامی و
این فرزند رشید
افغانستان که تمام
عمر شریف
خویش را بخدمت
وطن صرف نموده
وکار نامه های
قابل تقدیری را
درعالم عسکری و
غیره شعبات
مملکتی انجام
داده چنانکه
میدانیم در سال
گذشته از اثر
زحمت کشی های
شبانروزی وجود
مبارك شان علیل و
برای معالجه باروپا
عزیمت فرموده
اخیراً مع الخیر
با صحت کامل
و ارمغان قیمت
داریکه عبارت از
معلومات تازه
نسبت به اوضاع عساکر دول بزرگ است بوطن مراجعت و باشوق وجدیت
مفرطی مشغول تنظیمات امور عسکری وطن عزیز شده اند .

ACKU

معاون تعمیرات : ش ، محمد ایاز خان کند کشر

مدیریت عمومی نقلیه :

مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غند مشر اول

مدیر نقلیه شعبهٔ میخانیکی : ش ، ذکریا خان کند کشر

مدیر نقلیه شعبهٔ حیوانی : « ، محمد حسن خان «

ریاست حربیه :

رئیس : ع ، ش سید حسن خان فرقه مشر ثانی

آمر شعبه هیئت معاینه و تدقیق : ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی

آمر شعبهٔ اسلحه : ش ، سر بلند خان کند کشر

آمر « جبا خانه : ح ، عبد الرحیم خان غند مشر ثانی

آمر « آلات وادوات فنیه : « ، محمد اسلم خان « « «

اسلحه دار : ح ، عبدالرشید خان غند مشر ثانی

جبا دار : ح ، محمد عثمان خان غند مشر اول

ریاست لوازمات :

رئیس : ع ، ع ، ش شیر احمد خان نائب سالار

مدیر محاسبه : ش ، خواجه عبدالقیوم خان کند کشر

مدیر لوازم : « ، حبیب‌الله خان کند کشر

ریاست قبایل :

رئیس : ح ، سید محمد حسین خان غند مشر ثانی

معاون : « ، شیر باز خان غند مشر ثانی

ریاست محاکمات :

رئیس : ح ، سید علیخان غند مشر اول

معاون : ش ، عبدالباقی خان کند کشر

وکیل ریاست انجمن اصلاح و ترقی : ع ، ش ، محمد شاه خان فرقه مشر ثانی

مدیر اوراق : ش ، عبدالشکور خان کند کشر

مدیر کلوب : « ، ظهیر الدینخان « «

شفاخانهٔ عسکری :

سر طبیب : عزت مند داکتر عبدالغنی شاه خان

سر جراح : « « نور محمد خان

معاون : « « سید صالح خان

جراح : « « اسمعیل جوهری



ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی
فاتح کابل و زیر مختار و نمایندهٔ فوق العادهٔ اعلیحضرت
همایونی در پاریس ، برن و بروکسل
S. A. R. «A. A.» Sardar Chah Vali Khan envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire de Sa Majesté à Paris, Berne, Bruxelles,

این رجل نامدار
بر علاوهٔ خدمات
و مجاهدات
ذیقیمت گذشته
درین سنه عهدهٔ
وکالت صدارت
عظمی ووزارت
حربیه را در کابل
متکفل بوده و
بایفای خدمات
برجستهٔ این
دو مقام عالی منت
مزیدی به عموم
ملت قدرشناس
افغانستان
گذاشته اند .

قوماندانی طیاره :

قوماندان : ح ، محمد احسان خان غند مشر اول

مدیر دسته : « ، غلام دستگیر خان غند مشر ثانی

مدیر لوازم : ش ، غلام بهاوالدین کند کشر

قوماندانی مکاتب حربیه :

قوماندان : ع ، ش ، س ، ع سردار علی شاه خان فرقه مشر اول

معاون : . . . .

مدیر داخله : ح ، محمد هاشم خان غند مشر اول

مدیر لوازم : ش ، عبدالحسین خان کند کشر

معلم صنف پیاده : ح ، لطیف احمد خان غند مشر ثانی

معلم صنف توپچی : « ، علی احمد خان غند مشر ثانی

سرمعلم صنف استحکام : عزت مند مکی احمد بیگ

سرمعلم صنف توپچی : « « ظفر حسن خان

معلم سپورت : « « ، محمد افضل خان

« لسان روسی : « « ، عبدالرحمن خان

« جو جیتسو : « « ، عبدالله خان

مدیریت مکتب رشدیه :

مدیر : ش ، احمد سیر خان کند کشر
معلم : « ، افتخار الدین خان کند کشر
« لسان انگلیسی : عزت مند محمد اعظم خان
« فزیك وکیمیا : « « ، چودهری عبدالعزیز خان

مکتب احضاریه :

نگران : ع ، ش ، عبداللطیف خان فرقه مشر ثانی
مدیر داخله : ش ، عبدالرشید خان کند کشر
سرمعلم : عزت مند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیك : ش ، محمد یعقوب خان کند کشر
« کورس عالی : ح محمد عمر خان غند مشر ثانی

ریاست فابریکات حربی :

رئیس : ع ، ع ، ش سید عبدالله خان نائب سالار
معاون : . . . . . .
مدیر تحریرات واوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کشر

قوماندانهای عسکری مرکز :

قوماندان فرقهٔ شاهی : ع ، ش ، سردار اسدالله خان فرقه مشر اول

قوماندان قول اردو : ع ، ع ، ش ، س ، ا ، محمد غوث خان نائب سالار

« فرقهٔ اول قول اردو : ع ، ش عبد الغنی خان فرقه مشر اول

وکیل قوماندان فرقهٔ ۲ : « ، « عبد الله خان « « ثانی

قول اردو

قوماندان فرقهٔ ۳ : « ، « نور محمد خان « « اول

قول اردو

قوماندان فرقهٔ توپچی : « ، « عبد القیوم خان « « «

قوماندانهای عسکری اطراف :

قوماندان عسکری غزنی : ع ، ش عبد القیوم خان « « ثانی

« عسکری قندهار : « ، « سردار محمد داود خان فرقه مشر اول

و فراه

قوماندان عسکری : « ، « عبد الاحد خان « « «

هرات

قوماندان عسکری : « ، « الله داد خان « « ثانی

مزار شریف و میمنه

قوماندان عسکری : « ، « محمد قاسم خان « « «

قطغن و بدخشان

قوماندان عسکری : ع ، ش محمد جعفر خان فرقه مشر ثانی

مشر فی

قوماندان قول اردوی : ع ، ش ، س ، ع محمد افضل خان « « اول

جنوبی

قوماندان فرقهٔ اول : ع ، ش ، پیر محمد خان فرقه مشر ثانی

قول اردوی جنوبی

قوماندان فرقهٔ دوم : « « « ، عبدالقیوم خان « « «

قول اردوی جنوبی

صاحبمنصبان احتیاطی :

ع ، ع ، ش ، مهردل خان	،	نائب سالار	قندهاری
« « « ، محمدنعیم خان	،	«	بدخشی
« « « ، محمدعمر خان	،	«	محمد زائی
« « « ، غلام نبی خان	،	«	ناصری
« « « ، سربلند خان	،	«	جاجی
« « « ، زرجان	،	«	وزیری
« « « ، زلمی خان	،	«	منگلی
« « « ، عبدالغنی خان	،	«	محمد زائی
ع ، ش ، اعظم گنجان	،	فرقه مشر	طوطاخیل
« « ، غلام نبی بیگ خان	،	«	هزارهٔ درهٔ صوف

سرکاتب : ص ، عبدالوهاب خان
کاتب : ص ، فضل احمد خان

سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :

سفیر کبیر : ع ، ج ، سردار شیراحمد خان
سرکاتب : ص ، فضل احمد خان
کاتب : ص جمعه خان

سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو :

سفیر کبیر : ع ، ج ، عبدالحسین خان
سرکاتب : ص ، سید محمد عثمان خان
کاتب : « ، عبدالصمد خان
« : « ، محمد یونس خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس :

وزیر مختار : ع ج ا ، ا ، نشان والاحضرت سردارشاه ولیخان غازی (نه سمت وزارت مختاری برن و بروکسل را نیز دارند)
مستشار : ع ، ص ، س ، ع ، اسلام بیگ خان
سرکاتب : ص ، محمد عمر خان
کاتب : « ، علی خان
« : « ، محمد شعیب خان

وزارت خارجیه

وزیر : ع ، ج فیض محمد خان .

معین اول : ع ، ص سردار محمد نعیم خان .

معین دوم : « ، « محمد عثمانخان .

الف ـ مدیریت عمومی سیاسی :

۱: مدیرعمومی سیاسی : ع ، محمد کریم خان .

۲: مدیرشعبهٔ شرق : ص ، محمد اسمعیل خان .

۳: مدیر « غرب : « ، عبدالحکیم خان .

٤: مدیر « مطبوعات : « ، عبدالرؤف خان .
و اطلاعات و ترجمه

ب ـ مدیریت عمومی تشریفات :

۱ : مدیرعمومی : ع ، عبدالحمید خان .

۲ : معاون : ص ، عبدالقادر خان .

ج ـ مدیریت عمومی امور بین المللی :

۱ : مدیرعمومی : ع ، میر محمد صدیق خان .

۲: معاون معاهدات : ص ، محمد رحیم خان .

وزارت خارجیه

وزیر : ع ، ج فیض محمد خان .

معین اول : ع ، ص سردار محمد نعیم خان .

معین دوم : « ، « محمد عثمانخان .

الف ـ مدیریت عمومی سیاسی :

۱: مدیرعمومی سیاسی : ع ، محمد کریم خان .

۲: مدیرشعبهٔ شرق : ص ، محمد اسمعیل خان .

۳: مدیر « غرب : « ، عبدالحکیم خان .

٤: مدیر « مطبوعات : « ، عبدالرؤف خان .

و اطلاعات و ترجمه

ب ـ مدیریت عمومی تشریفات :

۱ : مدیرعمومی : ع ، عبدالحمید خان .

۲ : معاون : ص ، عبدالقادر خان .

ج ـ مدیریت عمومی امور بین المللی :

۱ : مدیرعمومی : ع ، میر محمد صدیق خان .

۲: معاون معاهدات : ص ، محمد رحیم خان .

سرکاتب : ص ، عبدالوهاب خان

کاتب : ص ، فضل احمد خان

سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :

سفیر کبیر : ع ، ج ، سردار شیراحمد خان

سرکاتب : ص ، فضل احمد خان

کاتب : ص جمعه خان

سفارت کبرای اعلیحضرت درمسکو :

سفیرکبیر : ع ، ج ، عبدالحسین خان

سرکاتب : ص ، سید محمد عثمان خان

کاتب : « ، عبدالصمد خان

« : « ، محمد یونس خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس :

وزیرمختار : ع ج ا ، ا ، نشان والاحضرت سردارشاه ولیخان غازی
(که سمت وزارت مختاری برن و بروکسل را نیز دارند)

مستشار : ع ، ص ، س ، ع ، اسلام بیگ خان

سرکاتب : ص ، محمد عمرخان

کاتب : « ، علی خان

« : « ، محمد شعیب خان

وزارت مختاری اعلیحضرت درلندن :

وزیرمختار : ع ، ج ، علی محمد خان

سرکاتب : ص ، جمعه خان

کاتب : « ، محمد سرور خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما :

وزیرمختار : ع ، ج ، عبدالصمد خان

کاتب : ص ، محمدرسول خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین :

وزیر مختار : ع ، ج ، الله نواز خان

سرکاتب : ص ، حفیظ الله خان

وزارت مختاری اعلیحضرت درتوکیو :

وزیر مختار : ع ، ج ، حبیب الله خان

سرکاتب : ص ، عبدالرؤف خان

وزارت مختاری اعلیحضرت درجده :

وزیر مختار : ع ، ج ، محمد صادق خان مجددی

سرکاتب : ص ، عبدالرحمن خان

نمایندهٔ دایمی افغانستان : ع ، ج محمد حیدرخان
درجامعهٔ ملل

کاتب امور جامعهٔ ملل : ص ، عبدالقیوم خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت دهلی :

جنرال قونسل : ع ، ص ، صلاح الدین خان

سرکاتب : ص ، صالح محمد خان

کاتب : « ، عبد الخالق خان

« : « ، صالح محمد خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در تاشکند :

جنرال قونسل : ع ، ص محمد ابراهیم خان

سرکاتب : ص ، محمد انور خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در مشهد :

جنرال قونسل : ع ، ص بازمحمد خان

سرکاتب : ص ، عبدالقدوس خان

کاتب : « ، محمد عزیز خان

« : « ، محمد سعید خان

قونسلگری اعلیحضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبدالرحمن خان

سرکاتب : ص ، عنایت الله خان

کاتب : « ، عبدالصمد خان

آتشهٔ اقتصادی : « ، میر حسن شوکت

قونسلگری اعلیحضرت در کراچی :

قونسل : ع ، محمد شفیع خان

سرکاتب : ص ، محمد احمد خان

کاتب : « ، ص محمد نعیم خان

قونسلگری اعلیحضرت در مرو :

قونسل : ع ، عبدالودود خان

سرکاتب : ص ، عطا محمد خان

قونسلگری اعلیحضرت در سیستان :

قونسل : ع ، عبدالغفور خان

سرکاتب : ص ، محمد طاهر خان

کفیل قونسل افغانی : ص ، حاجی محمد اسحق خان

درجده

ماموریت ویزهٔ افغانی در پشاور :

مامور ویزه : ص ، محمد یوسف خان.

سرکاتب : ص ، عبدالقیوم خان

کاتب : « ، محمد انور خان

« : « ، محمد نعیم خان

ماموریت ویزهٔ افغانی در چمن :

مامور ویزه : ص ، میر غلام فاروق خان

کاتب : « ، عبدالرشید خان



ACKU

وزارت داخله

وزیر	:	ع ، ج ، ا ، ا ، نشان محمد گلخان
معین	:	ع ، ص عبد الرشید خان
مدیر عمومی پولیس	:	ع ، عبد الحکیم خان
مدیرعمومی احصائیه	:	« ، عبدالرحیم خان
مدیر مامورین	:	ص ، عبد الودود خان
مدیرمحاسبه	:	« ، بدر الدین خان
مامور اوراق	:	« ، غلام نقشبند خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	« ، محمد حسن خان

ACKU

وزارت عدلیه

وزیر	:	ع ، ج فضل احمد خان مجددی
معین	:	ع ، ص امین الله خان
رئیس تمیز	:	ج ، ف عبد الرب خان
کفیل رئیس جمعیت العلما	:	« ملا بزرگ خان
مدیر تحریرات واوراق	:	ص ، عبد السلام خان
مدیر مامورین	:	« ، محمد میر خان
مدیر محاسبه	:	« ، محمد ناصر خان

ACKU



ع ، ج ، ا ، نشان محمد گل خان وزیر داخله
S.Ex. «A.A» Mohmmad Gul Khan
ministre de l'intérieur.



ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه
S.Ex. Faiz Mohammad Khan Ministre
des affaires étrangères.



ع ، ج سردار احمد علی خان وزیر معارف
S. Ex. Sirdar Ahmad Ali Khan ministre
de l'instruction publique



ع ، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه
S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre
de la justice.

وزارت مالیه

کفیل وزارت : ع ، ج میر زا محمد خان

ریاست اجرائیه :

معین اول ورئیس اجرائیه : ع ، ص محمد حسین خان

مدیر تصفیهٔ ماضیه : « ، قطب الدین خان

مدیر اوراق : « ، فقیر محمد خان

مدیر مامورین ومعاش ومصرف : « ، محمد افضل خان

مدیر املاك : « ، محمد نعیم خان

مدیر احصائیه : « ، عبد الرحیم خان

مدیر مالیات ومحصولات : « ، غلام حسن خان

ریاست محاسبات :

معین دوم ورئیس محاسبه وکنترول : ع ، ص غلام مجتبی خان

مدیر عمومی کنترول : ع ، محمد اسلم خان

مدیر عمومی بودجه : « ، محمد انور خان

مدیر تفتیش : ص ، محمد حسن خان

مدیر خزائن : ص ، سید کمال خان

مشاور مالی : عزتمند زینو مانچولی .

ترجمان مشاور مالی : « ، محمد عثمان خان

ریاست عمومی مطابع :

رئیس : ع ، ص ، عبدالحمید خان

معاون اول و وکیل ریاست : ع ، ص ، سید محمد ایشان خان

معاون دوم : ع ، سید محمد رسول خان

مدیر زنکو گرافی : ص ، بای محمد نوری

خطاط : « ، سید محمد داود خان

متخصص : . . . . . .

مدیر محاسبه و کنترول : ص ، میر حسام الدین خان

خزانه دار : « ، محمد سرور خان

ریاست ضرابخانه :

رئیس : ع ، ص ، غلام قادر خان

مدیر محاسبه و کنترول : ص ، محمد سرور خان

متخصص : « ، عبدالنبی خان

ACKU

خزانه دار نقدی : ص ، سید مقصود خان

« « جنسی : « ، غلام حیدر خان

« « مواد خام : « ، احمد جان خان

ریاست خزانهٔ عمومی

رئیس : ع ، ص نظر محمد خان

معاون : ص ، عبد الحنان خان



ACKU

وزارت معارف

وزیر	:	ع ، ج ، سردار احمد علیخان
معین	:	ع ، س ، عبد الجبارخان
کفیل ومعاون ریاست تعلیم وتربیه	:	ع ، س ، هاشم شایق خان
عضو ریاست تعلیم وتربیه	:	ص ، محمد قاسم خان
« « «	:	« ، شیخ محمد رضاء خان
« « «	:	« ، عبدالجبار خان
« « «	:	« ، محمد نبی خان
مدیر تفتیش و تدریس وماموربن	:	« ، عزیز الرحمن خان
مفتش علمی و اداری	:	« ، عبدالغفار خان
« « «	:	« ، محمد آصف خان
مدیر تنظیمات	:	« عبدالله خان
مدیر محاسبه	:	« ، محمد یونس خان
مامور اوراق	:	« ، عبد الله خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	« ، عبدالقیوم خان

مدیرموزه و حفریات : ص غلام محی‌الدینخان

مامورتحویلخانهٔعمومی : « محمد یونس خان

مامورمحافظهٔ آثارعتیقهٔ : « محمد حسین خان

بامیان

مامور انتظام کلوب : « احمد علیخان

معارف

مامورنگران ابنیهٔ : « عبد الرحیم خان

دار الفنون

« دایرهٔ لابوراتوار : « داکتر حافظ انور علیخان

داکترشفاخانهٔ معارف : عزت مند احمد علیخان

مامورکتابخانهٔ وزارت : ص ، محمد زمان خان

مامورکتابخانهٔ ملی : ص ، عبد الغنی خان

رئیس انجمن ادبی پشتو : ع ، ص ، محمد عثمان خان

عضو « « « : ص ، محمد اعظم خان

« « « « : « ، قیام الدینخان

« « « « : « ، محمد گل خان

وزارت تجارت

وزیر	:	ع ، ج ، میر زا احمد خان
معین اول	:	ع ، ص محمد حسین خان
معین دوم	:	« « « غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات	:	ع ، عبدالقیوم خان
مدیر عمومی زراعت و معادن وجنگلات	:	واحصائیه « ، محمد زمان خان
مدیر تجارت	:	ص ، میر ضیاء الدین خان
کفیل مدیر ترجمانی	:	« ، محمد علیخان
مدیر مجلهٔ اقتصاد	:	« ، محمد زمان خان ترکی
متخصص زراعت	:	« ، محمد کریم خان
« «	:	« ، نور محمد خان
مدیر مامورین	:	« ، مهتاب الدینخان
مدیر محاسبه	:	« ، محمد عنایت‌الله خان
مدیر اوراق	:	« ، عبدالو دود خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	« ، صالح محمد خان

وزارت تجارت

وزیر	:	ع ، ج ، میر زا محمد خان
معین اول	:	ع ، ص محمد حسین خان
معین دوم	:	« ، « غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات واحصائیه	:	ع ، عبدالقیوم خان
مدیرعمومی زراعت و معادن وجنگلات	:	« ، محمد زمان خان
مدیر تجارت	:	ص ، میر ضیاء الدین خان
کفیل مدیر ترجمانی	:	« ، محمد علیخان
مدیر مجلهٔ اقتصاد	:	« ، محمد زمان خان ترکی
متخصص زراعت	:	« ، محمد کریم خان
« «	:	« ، نور محمد خان
مدیرمامورین	:	« ، مهتاب الدینخان
مدیرمحاسبه	:	« ، محمد عنایت‌الله خان
مدیر اوراق	:	« ، عبدالودود خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	« ، صالح محمد خان

مدیرموزه و حفریات : ص غلام محی‌الدینخان

مامور تحویلخانهٔ عمومی : « محمد یونس خان

مامور محافظهٔ آثار عتیقهٔ : « محمد حسین خان
بامیان

مامور انتظام کلوب : « احمد علیخان
معارف

مامور نگران ابنیهٔ : « عبدالرحیم خان
دارالفنون

« دایرهٔ لابوراتوار : « داکتر حافظ انور علیخان

داکتر شفاخانهٔ معارف : عزت مند احمد علیخان

مامور کتابخانهٔ وزارت : ص ، محمد زمان خان

مامور کتابخانهٔ ملی : ص ، عبدالغنی خان

رئیس انجمن ادبی پشتو : ع ، ص ، محمد عثمان خان

عضو « « « : ص ، محمد اعظم خان

« « « « : « ، قیام الدینخان

« « « « : « ، محمد گل خان



ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت وکفیل مالیه
S.Ex. Mirza Mohammad Khan ministre de commerce et gérant du ministére des finances.



ع ، ج عبدا رحیم خان وزیر فوائد عامه
S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre des travaux publics.



ع ، ج غلام یحیی خان وزیر صحیه
S.Ex. Gholam Yahya Khan ministre
del'hygiène.



ع ، ج رحیم‌الله خان وزیر پست، تلگراف وتیلفون
S.Ex. Rahimullah Khan ministre
des P. T. T.

وزارت فوائد عامه

وزیر : ع ، ج عبد الرحیم خان

معین : ع ، ص نصر الله خان

مدیریت عمومی فابریکات :

مدیرعمومی : ع ، سردار غلام محمد خان

معاون : ص ، امیر محمد خان

مدیرفابریکهٔ گوگرد سازی : « ، محمد حسین خان

مامور فابریکهٔ نجاری دار الفنون : « ، نور احمد خان

متخصص حکاکی و سنگ لاجورد : عزت مند انوار کونزر

مدیرفابریکهٔ نختابی جبل السراج : ص ، محمد ابراهیم خان

متخصص فابریکهٔ نختابی جبل السراج : عزت مند ، ما نیکه

مامورفابریکهٔ نجاری مرکزومربوطات آن حکاکی سنگ تراشی و رنگمالی : ص ، عبد الغفورخان

مدیر اجرائیهٔ فابریکهٔ : ص ، محمد اسلم خان
بوت دوزی

مدیر محاسبهٔ فابریکهٔ : . . . . .
بوت دوزی

مدیر اجرائیهٔ فابریکهٔ : ص ، میر صاحبخان
نساجی مرکز

مدیر محاسبهٔ فابریکهٔ : « یعقوب علیخان
نساجی مرکز

مدیریت عمومی معابر :

مدیر عمومی : ع ، سعد الدینخان

مهندس : عزیز الله نسیم

« : « محمد شفیع خان

معاون مهندس : ص ، احمد شاه خان

مدیر سرك مشرقی : « عبد الرسول خان
حصهٔ ولایت کابل

مدیر سرك مشرقی حصهٔ : « ، محمد کبیر خان
حکومت اعلای مشرقی

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع ، عبد الغیاث خان

مامور محاسبه : ص ، محمد موسی خان

مدیریت جشن واحتفالات :

مدیر : ص ، غلام محی الدینخان

معاون : « نور احمد خان

مدیریت برق :

مدیر : ص ، عبد العلیخان

انجنیر سب استیشن : « غلام محمد خان

مدیرمهندسی : ص ، نظر محمد خان

مدیرمحاسبه : ص عبد الکریم خان

مامور محاسبه : « عبد الاحد خان

مدیر مامورین : ص عبد الحسین خان

مدیر اوراق : ص حبیب الله خان

سرکاتب قلم مخصوص : ص غلام رسولخان

مترجم انگلیسی : ص محمد افضل خان

وزارت صحیه

وزیر	:	ع ، ج ، غلام یحیی خان
معین	:	ع ، ص ، سردار محمد کریم خان
مدیر مشاورهٔ فنی	:	« جلال الدین خان
مدیر مجموعهٔ صحیه	:	« ، عبدالرشید خان
مدیر محاسبه	:	ص ، محمد محسن خان
سرکاتب شعبهٔ ماموربن	:	« ، محمد ابراهیم خان
« « تحریرات	:	« ، فقیر محمد خان
« « اوراق	:	« ، صالح محمد خان

شعبات مربوطهٔ مرکز :

مدیر شفاخانهٔ ملکی	:	ص ، عبدالغفار خان
سرطبیب شفاخانهٔ «	:	« ، دکتور ربیع حکمت بیگ
مدیره شفاخانهٔ مستورات	:	« ، زینب بیگم
کفیل مدیر دواخانهٔ عمومی	:	« ، محمد علیخان
معاون شعبهٔ اکسریز و رادیو	:	« ، عزیزالله خان
دکتور دندان	:	عزتمند محی الدین بیگ

دکتور دندان : ص ، عبدالله خان

دکتورس دندان : عزت مند ، خانم بای محی الدین خان

کفیل سرطبیب رفقی : « ، نوزاد بیگ
سناتوریم

معاون فنی واداری : ص ، محمد عمر خان
رفقی سناتوریم

سرطبیب شفا خانهٔ : عزت مند ، نوزاد بیگ
امراض عقلیه وعصبیه

معاون فنی واداری شفا خانهٔ :

امراض عقلیه‌وعصبیه : ص ، سید قیوم خان

مامورهٔ‌سناتوریم : « ، روح افزا بیگم
مستورات

معاون فنی واداری :

سناتوریم مستورات : « ، محمد موسی خان

معاون معاینه خانهٔ واقع : « ، محمد ابراهیم خان
شهر آرا

« معاینه خانهٔ واقع : عزت مند داکتر کرم الهی خان
قلعهٔ هزاره‌های چنداول

معاون‌معاینه خانهٔ‌واقع : ص محمد موسی خان
بالا حصار

وزارت پست وتلگراف و تیلفون

وزیر : ع ، ج ، رحیم‌الله خان

معین : . . . . . .

مدیر شعبهٔ ارتباط خارجی : ص ، محمد سعید خان

مدیرشعبهٔ پست : « ، احمدشاه خان

مدیر شعبهٔ تلگراف و تیلفون : « ، عبدالخالق خان

مدیر محاسبه : « ، غلام احمد خان

مدیرحمل ونقل : ص ، غلام جیلانی خان

سرکاتب شعبهٔ‌مامورین و تحریرات : « ، محمدایوب خان

سرکاتب شعبهٔ اوراق : « پاینده محمد خان

شعبهٔ مشاوری پست :

مشاور : عزتمند ، فون زیگنس

ترجمان : ص ، غلام فاروق خان

شعبهٔ رادیو تخنیك :

متخصص خارجی : عزتمند ، بوم

« داخلی : ص ، عطاء الله خان

شعبهٔ فنی تیلفون :

متخصص خارجی : عزتمند ، لار سون

« داخلی : ص ، عبدالمجید خان

شعبات مربوطهٔ مرکز :

مامور فابریکهٔ ترمیم موتر : « ، عبدالعزیز خان

انجنیر « « « : عزتمند ، ، اسکاکا

مامور شعبهٔ هوتلها : ص ، امین الله خان

کفیل مامور تیلفون : « ، عبدالاحد خان

خانهٔ مرکز

نگران های تیلفون اطراف :

نگران تیلفون سمت مغربی : ص ، محمد افضل خان

نگران تیلفون سمت مشرقی : « ، غلام حضرت خان

نگران تیلفون سمت شمالی : « ، حاجی محمدخان

نگران تیلفون سمت جنوبی : « ، عبدالاحمد خان

ریاست مبایعات :

رئیس : ع ، ص عبدالرسول خان

مدیر محاسبه و کنترول : ص ، غلام معروف خان

مأمور اجرائیه : « گل ایاز خان

ریاست نسلگری و تربیهٔ حیوانات :

رئیس : ع ، ص محمد یوسف خان

معاون : ص ، فاروق شاه خان

مدیر محاسبه : « ، غوث الدین خان



ACKU

تشکیلات ولایات وحکومتی های ولایات اعلی
و حکومتی های کلان
ولایت کابل

والی : و ، ج محمد عم خان

مستوفی : ع ، ص سید حبیب خان

مامور کنترول مستوفیت : س ، میر امام الدینخان

« اجرائیهٔ « : « عزیز الدینخان

« تحصیلی « : « محمد رضاء خان

« تفتیش « : « امیر محمد خان

قاضی مرافعه : ف ، ملا صالح محمد خان

فوماندان کوتوالی : ح ، طره باز خان

سر مامور فوماندانی کوتوالی : ش ، میر عبد العزیز خان

مدیر جزاء « « : ص ، خیر محمد خان

« تعلیم وتربیه « « : « « « « « «

« محاسبه « « : ص ، غلام رضاء خان

« مجلس « « : « سید کمال خان

وکیل رئیس گمرک	:	ع ، خواجه تاج الدینخان
مدیر محاسبهٔ «	:	ص ، فخر الدینخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا احمد خان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبدالواحد خان
مدیر خزانه	:	« محمد اسمعیل خان
منتظم تلگراف سیمدار	:	محمد امان خان
« « بی سیم	:	« علی گلخان
مامور معابر	:	« دلاور خان

حکومت کلان سمت شمالی :

حاکم کلان	:	ع ، ع خواجه محمد خان .
مدیر کنترول	:	ص ، محمد عثمان خان .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، عبدالجلیل خان .
قوماندان کوتوالی	:	ش ، شیر احمد خان .
مامور گمرک	:	ص ، علی محمد خان .
کفیل مدیر صحیه	:	« ، نصرالله خان .

حکومت کلان غزنی :

حاکم کلان	:	ع ، ع محمد هاشمخان .
مدیر کنترول	:	ص ، فتح محمد خان .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، محمد علی خان .
قوماندان کوتوالی	:	ش ، عزالدینخان .

مامور گمرك : ص ، محمد عمر خان .
کفیل مدیر صحیه : « ، سلطان احمد خان .

حکومت کلان دایزنگی :

حاکم کلان دایزنگی : ع ، ع غلام محی الدینخان .
مامور کنترول : ص ، محمد سعید خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا دین محمد خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، محمد نبی خان .

حکومت کلان لوگر :

کفیل حاکم کلان : ع ، ع محمد حسن خان .
مامور کنترول : ص ، محمد حسین خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا صالح محمد خان .
قوماندان کوتوالی : « « « « .
مامور گمرك : ص ، نورالحق خان .
کفیل مدیر صحیه : « ، محمد نبی خان .

ولایت قندهار

نائب الحکومه : ع ، ش ، سردار محمد داؤد خان
مستوفی : ع ، ص ، محمد اسلم خان
مامور کنترل مستوفیت : ص ، عبدالحمید خان
مامور اجرائیهٔ « : « ، عبدالله خان

سرکاتب تحصیلی مستوفیت	:	ص ، باز محمد خان
مامور تفتیش «	:	« ، محمد حسین خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا اختر محمدخان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد اکبر خان
رئیس گمرك	:	ع ، فخرالدین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صاحبخان
مدیر خارجه	:	ص محمد امین خان
مدیر تحریرات	:	« ، محمد اسمعیل خان
مدیر مخابرات	:	« ، پاینده محمد خان
منتظم تیلگراف	:	« ، عبدالله خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد یوسفخان
مدیر خزانه	:	« ، سیف‌الله خان
مدیر معارف	:	« ، غلام حیدر خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، حاجی جان محمد خان
مدیر معابر	:	« ، محمد اصغر خان
مدیر زراعت	:	« ، مسجدی خان
مامور برق	:	. . . . .
متخصص برق	:	عزت مند ، آوگست اوبل
مامور فابریکهٔ نساجی	:	ص ، نظام الدین خان
متخصص « «	:	عزت مند کمبیر

حکومت کلان گرشك :

حاکم کلان	: ع ، ع دوست محمد خان
مامور کنترول	: ص ، احمد علیخان
قاضی ابتدائیه	: ف ، محمد قسیم خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، عیدی احمد خان
مامور گمرك	: ص ، محمد رضاء خان
مامور صحیه	: « ، محمد صدیق خان

حکومت کلان اروزگان :

حاکم کلان	: ع ، ع شاه بزرگ خان
مامور کنترول	: ص ، نظام الدینخان
قاضی ابتدائیه	: ف ، عبدالحلیم خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، تاج محمد خان
مامور گمرك	: . . . . .

حکومت کلان قلات :

حاکم کلان	: ع ، ع میر اکبر خان
مامور کنترول	: ص ، محمد یعقوب خان
قاضی ابتدائیه	: ف ، ملا نورالحق خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، خان محمد خان
مامور گمرك	: ص ، محمد شریف خان

ACKU

ولایت هرات

نایب الحکومه	:	و ، ج ، س ، ا ، غلام فاروق خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمد علی خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، محمد عثمان خان
مامور اجرائیهٔ «	:	« ، عبدالقدوس خان
مامور تحصیلی «	:	« ، حاجی عطاء محمد خان
مامور تفتیش «	:	« ، محمد جان خان
قاضی مرافعه	:	ف ، احمد علی خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، حاجی محمد عظیم خان
رئیس گمرك	:	ع ، غلام حیدر خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبدالباقی خان
مدیر خارجه	:	ص ، محمد صدیق خان
« تحریرات	:	« ، عبدالقدیر خان
« خزانه	:	« ، عبدالوهاب خان
کفیل مدیر مخابرات	:	« ، نظام الدین خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبدالاحد خان
مدیر زراعت	:	« ، عبدالمجید خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، عبدالنبی خان
مامور معارف	:	« ، عبدالواحد خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، گل محمد خان

مامور تفتیش مستوفیت	:	ص ، سرفراز خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا میر محمود خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد جانخان
مدیر گمرک	:	ص ، عبد الحق خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد رجب خان
مدیر خارجه	:	ص ، سید عبد المومن خان
« تحریرات	:	« ، عبد السمیع خان
« مخابرات	:	« ، عبد الفتاح خان
« خزانه	:	« ، میر سکندر شاه خان
منتظم تلگراف	:	« ، غلام سرور خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، میرزا محمد خان
مدیر زراعت	:	« ، محمد زمان خان
مامور معارف	:	« ، عبدالسلام خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، عبد الاحد خان
مدیر معابر	:	« ، غلامرسول خان
مامور موزیم	:	« ، حاجی محمد سلیم خان

حکومت کلان شبر غان :

حاکم کلان	:	ع ، ع سید آقا خان
مامور کنترول	:	ص ، عبدالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد امین خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد اسحق خان
مامور گمرگ	:	. . . . .

مامور تفتیش مستوفیت	:	ص ، سرفراز خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا میر محمود خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد جانخان
مدیر گمرک	:	ص ، عبد الحق خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد رجب خان
مدیر خارجه	:	ص ، سید عبد المومن خان
« تحریرات	:	« ، عبد السمیع خان
« مخابرات	:	« ، عبد الفتاح خان
« خزانه	:	« ، میر سکندر شاه خان
منتظم تلگراف	:	« ، غلام سرور خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، میرزا محمد خان
مدیر زراعت	:	« ، محمد زمان خان
مامور معارف	:	« ، عبدالسلام خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، عبد الاحد خان
مدیر معابر	:	« ، غلام رسول خان
مامور موزیم	:	« ، حاجی محمد سلیم خان

حکومت کلان شبر غان :

حاکم کلان	:	ع ، ع سید آقا خان
مامور کنترول	:	ص ، عبدالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد امین خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد اسحق خان
مامور گمرگ	:	. . . . .

ولایت قطغن و بدخشان

نائب الحکومه : و ، ج شیر محمد خان

مستوفی : ع ، ص محمد سرور خان

مامور کنترول مستوفیت : ص ، میر محمد نبی خان

مامور اجرائیهٔ « : « ، غلام یحی خان

سر کاتب تحصیلی « : « ، میر عبداللطیف خان

مامور تفتیش « : . . . . . .

قاضی مرافعه : ف ، ملا گلدست خان

قوماندان کوتوالی : ح ، فقیر شاه خان

مدیر گمرك : ص ، محمد انور خان

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا علی محمدخان

مامور خارجه : ص ، سید عبدالسمیع خان

مدیر تحریرات : « ، شاه عبدالله خان

کفیل مدیر مخابرات : « ، گل احمد خان

منتظم تلگراف : « ، محمد عثمان خان

قبل مدیرصحیه : « ، عبدالرحیم خان

مدیر زراعت : « . . . . . .

مدیر خزانه : « ، خواجه عبدالرشید خان

مدیر معارف : « ، عبد القدیر خان

رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه : « ، میان فضل احمد خان

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان	:	ع ، ع سید عباس خان
مامور کنترول	:	ص ، فضل احمد خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد غوث خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، غلام محی الدینخان
مامور گمرك	:	ص ، غلام فاروق خان
« صحیه	:	« ، محمد جعفر خان

حکومت اعلای سمت مشرقی

حاکم اعلی	:	ع ، ع ص محمد قاسمخان
سر رشته دار اعلی	:	ص ، شیر احمد خان
مامور کنترول سررشته داری	:	« ، شیر احمد خان
سرکاتب اجرائیهٔ « «	:	« ، سید محمد اکبر خان
« تحصیلی « «	:	« ، میرزا محمد خان
مامور تفتیش « «	:	« ، غیاث الدین خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا عبد الله خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گمرك	:	ص ، عبد الکریم خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجه	:	ص ، سلطان عزیز خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد اسمعیل خان

مدیر زراعت : ص ، سید حب علیشاه خان
« معابر : « ، عبدالوکیل خان
مامور تحریرات : . . . . .
« خزانه : ص ، محمد جانخان
« معارف : « ، عبدالعلیخان
« مخابرات : « ، نیك محمد خان
منتظم تلگراف تورخم : « ، محمد حسین خان

حکومت کلان اسمار :

حاکم کلان : ع ، ع سید جلال خان
مامور کنترول : ص ، گل احمد خان
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا عبدالغفور خان
قوماندان کوتوالی : غ ، شیر محمد خان
مامور گمرك : . . . . .
« صحیه : ص ، عبدالجلیل خان

حکومت اعلای سمت جنوبی

حاکم اعلی وقوماندان عسکری : ع ، ش ، س ، ع محمد افضل خان
فرقه مشر اول
سر رشته دار اعلی : ص ، عبد المجید خان
مامور کنترول سررشته داری : « ، احمد خان
سرکاتب اجرائیهٔ « : « ، عبد الحمید خان

سر کاتب تحصیلی سرشته داری	: ص	: حسن علیخان
مامور تفتیش	: «	: سید علم خان
قاضی مرافعه	: ف	: ملا سید کاظم خان
قوماندان کوتوالی	: ش	: مدد خان
قاضی ابتدائیه	: .	: . . .
مدیر گمرك	: ص	: عبد المجید خان
مدیر خارجه	: «	: محمد اکبر خان
کفیل مدیر صحیه	: «	: عبد الغفور خان
مدیر معابر	: «	: دلاور خان
مامور زراعت	: «	: محمد کریم خان
« خزانه	: «	: جمال الدین خان
« تحریرات	: «	: غلام حیدر خان
« معارف	: «	: علی جان خان
« مخابرات	: «	: محمد نبی خان

حکومت اعلای مدینه

حاکم اعلی	: ع	: ع ، ص محمد عزیزخان
سر رشته دار اعلی	: ص	: نورمحمد خان
مامور کنتر ول سرشته داری	: «	: محمد حسن خان
سر کاتب اجرائیهٔ « «	: «	: عبد الروف خان
سر کاتب تحصیلی « «	: «	: سکندرخان
سر کاتب تفتیش « «	: «	: میر اکبر خان

قاضی مرافعه	:	ف ، ملا محمد یوسف خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبد الغفور خان
مدیر گمرك اندخوی	:	ص ، محمود خان
مامور گمرك میمنه	:	« ، محمد اسمعیل خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الروف خان
مدیر خارجه	:	ص ، عبد الشکور خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، میر محمد شریف خان
مامور تحریرات	:	« ، عبد الحمید خان
کفیل مامور مخابرات	:	« ، غلام غوث خان
مامور زراعت	:	« ، آقا رحیم خان
« خزانه	:	« ، محمد اسلم خان
« معارف	:	« ، محمد طاهر خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، محمد عمر خان
مامور معابر	:	« ، سلطان عزیز خان

حکومت اعلای فراه و چخانسور

حاکم اعلی	:	ع ، ع ، ص عبدالرزاق خان
سرشته دار اعلی	:	ص ، نور احمد خان
مامور کنترول سررشته داری	:	« ، عزیز احمد خان
سر کاتب اجرائیهٔ « «	:	« ، حیدر علیخان
« « تحصیلی « «	:	« ، شیخ احمد خان
« « تفتیش « «	:	« ، محمد افضل خان

قاضی مرافعه	:	ف ، ملا عبداللطیف خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، غلام حیدر خان
مدیر خارجه	:	ص ، محمد صدیق خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، عبداللطیف خان
مدیر زراعت	:	« ، عبدالباقی خان
مامور گمرک	:	« ، شیر احمد خان
قاضی ابتدائی	:	. . . . .
مامور تحریرات	:	ص ، غلام محمد خان
مامور مخابرات	:	« ، محمد علم خان
منتظم تلگراف سیمدار	:	« ، فیض محمد خان
مامور خزانه	:	« ، محمد عمر خان
مامور معارف	:	« ، گلبدن خان

ACKU

مجلس عالی اعیان

رئیس	:	ع ، ج میرعطا محمد خان
معاون اول	:	ع ، ص حاجی محمد اکبر خان
معاون دوم	:	ع ، ص عبدالرحیم
رئیس تمیز	:	ف ، حافظ عبدالغفار خان
اعضای مجلس	:	ص ، سردار گل محمد خان
» »	:	» ، حاجی شیر محمد خان
» »	:	» ، حاجی عطا محمد خان
» »	:	» ، عبدالحکیم خان
» »	:	» ، معاذ الله خان
» »	:	» ، جان محمد خان
» »	:	» ، سید یاقوت شاه خان
» »	:	» ، ملك رحمدل خان
» »	:	» ، ایشان امام الدین خان
» »	:	» ، شاه محمود خان
» »	:	» ، حاجی عبدالرحیم خان
» »	:	» ، غلام معروف خان
» »	:	» ، عبدالحمید خان
» »	:	» ، خان آقا خان

وکیل میدان	: ص ، مولوی عبدالقدوس خان	مربوط ولایت کابل	
« سیفان و کهمرد	: « ، احمد جا نخان	«	«
« بامیان	: « ، سلطان علیخان	«	«
« چهار یکار	: « ، عبدالستار خان	«	«
« نجراب	: « ، احمد علیخان	«	«
« تگاب	: « ، سید اکبر خان	«	«
« ریزه کوهستان	: « ، عبدالقدوس خان	«	«
« سرخ و پارسا	: « ، عبد العلیخان	«	«
« جبل السراج	: « ، سر فراز خان	«	«
« کوهدامن	: « ، سید احمد خان	«	«
« غزنی	: « ، شهاب الدینخان	«	«
« غور بند	: « ، فقیر محمد خان	«	«
« مقر	: « ، حاجی عبدالقیوم خان	«	«
« جاغوری	: « ، نادر علیخان	«	«
« دایزنگی	: « ، سید غلام رضا خان	«	«
« بهسود	: « ، میر محمد علیخان	«	«
« یکاولنگ	: « ، میر حبیب الله خان	«	«
« سروبی	: « ، محمود خان	«	«
« کوچی دامانی کتواز	: « ، عبدالرحیم خان	«	«
« کتواز	: « ، محمد قچر خان	«	«

وکیل دند	: « « گلبدین خان	مربوط ولایت قندهار	
« کشك نخود	: « « محمد هاشمخان	«	«
« ثلاث	: « « محمد فضل خان	«	«
« گرمسیر	: « « محمد اقبال خان	«	«
« سپین بولدك (کدنی سابق)	: « « آقا محمد خان	«	«
« دهرا هود	:	«	«
« ثیرین	: « « فیض الله خان	«	«
« دهله	: « « حاجی گل محمد خان	«	«
« ترنگ وجلدك	: « « عبدالعزیز خان	«	«
« ارغستان	: « « عبدالصمد خان	«	«
« گرشك	: « « محمد موسی خان	«	«
« زمینداور	: « « عبد الرزاق خان	«	«
« ارزگان	: « « محمد شاه خان	«	«
« گزاب	: « « عبدالعزیز خان	«	«
« اجرستان	: « « میر افضل خان	«	«
« کوچی پشت رود	: « « دوست محمد خان	«	«
« مرکز هرات	: « « محمد شریف خان	مربوط ولایت هرات	
« بلوکات	: « « فضل حق خان	«	«
« غور	: « « میر محمد محسن خان	«	«
« سبزوار	: « « محمدسرور خان	«	«
« غوریان	: « « محمد عزیز خان	«	«

وکیل کشك و گلران	:	ص ، محمد یعقوب خان	مربوط ولایت هرات
« قلعهٔ نو	:	« سلطان محمد خان	« «
« بالا مرغاب	:	« عبد الباقی خان	« «
« اوبه	:	« سید محمد عمر خان	« «
« تولك وتنگا بستان	:	« دوست محمد خان	« «
« شهرك	:	« رحمت الله خان	« «
« چقچران	:	« غلام رسول خان	« «
« مرکز مزار شریف	:	« عبد الکریم خان	مربوط ولایت مزار شریف
« نهر شاهی	:	« رجب علیخان	« «
« سنگچهارك	:	« محمد ظریف خان	« «
« تاشقرغان	:	« محمد ناصر خان	« «
« سر پل	:	« محمد عظیم خان	« «
« اقچه	:	« صالح محمد خان	« «
« بلخ	:	«	« «
« دولت آباد	:	« نور الله خان	« «
« درهٔ صوف	:	« طوره بیگ	« «
« شبرغان	:	« میر محمد اسلم خان	« «
« ایبك	:	« میرزا کلان خان	« «
« مرکز خان آباد	:	« غلام حیدر خان	مربوط ولایت قطغن وبد خشان

وکیل قندوز	:	« عبد الغیور خان	مربوط ولایت قطغن و بدخشان
« تخار ین	:	« « سید محمد خان	« «
« حضرت امام صاحب	:	« « صاحب نور خان	« «
« اندراب	:	« « ملا بابه خان	« «
« غوری	:	« « نائب خوشوقت خان	« «
« تالقان	:	« « محمد اکبر خان	« «
« مرکز بدخشان (فیض آباد)	:	« « محمد ذاکر خن	« «
« واخان	:	« « شیر خان بیگ خان	« «
« دره واز	:	« « داکی خان	« «
« کشم	:	« « محمد حسین خان	« «
« جرم	:	« «	« «
« پنگی قلعه	:	« « بابه جان خان	« «
« چال و اشکش	:	« « میر فضل احمد خان	« «
« مرکز جلال آباد	:	ص « محمد انور خان	مربوط حکومت اعلای مشرقی
« سرخ رود	:	« « سید محمد صادق خان	« «
« مهمند ره	:	« « عبد الله خان	« «
« شنوار	:	« « محمد ظفر خان	« «

وکیل کامه	:	ص ، میا عبدالغفورخان	مربوط حکومت اعلای مشرقی
« لغمان	:	« ، عبدالقادر خان	« «
« نورستان	:	« ، مشك عالم خان	« «
« خوگیانی	:	« ، شیر علیخان	« «
« حصارك	:	« ، محمد امیرخان	« «
مرکز حکومت کلان کنرها	:	« ، مجاهدین خان	« «
« کنر خاص و کوز کنر	:	« ، سید جانخان	« «
« برکنر درهٔ سین	:	« ، محمد امین خان	« «
« درهٔ پیچ	:	« ، محمد حسن خان	« «
« رودات	:	« ، میا جانخان	« «
« کوچی ننگ نهاری	:	« ، محمد هاشمخان	« «
« گردیز	:	« ، امیر محمد خان	مربوط حکومت اعلای جنوبی
« ارگون	:	« ، سیدحبیب شاه خان	« «
« خوست	:	« ، صاحب جانخان	« «
« «	:	« ، میرزا محمد خان	« «
« منگل	:	« ، بدك خان	« «
« جاجی	:	« ، صاحب گل خان	« «

ACKU

وکیل جدران	:	ص ، نیك محمد خان	مربوط حکومت اعلای جنوبی
« چمکنی	:	« ، محمد عزیز خان	« «
« زرمت	:	« ، محمد نعیم خان	« «
« وکیل مرکز وعلاقه‌جات بیرون سونه پشتون کوت	:	« ، ابوالقاسم خان	مربوط حکومت اعلای میمنه
« قیصار	:	« ، عبدالرحمن خان	« «
« درزاب و گرزیوان	:	« ، عبدالرحمن خان	« «
« اند خوی	:	« ، چار یار قل خان	« «
« تگاب شیرین	:	« ، سید ابوالخیر خان	« «
« مرکز فراه	:	. . . . .	مربوط حکومت اعلای فراه
« چخانسور	:	. . . . .	« «
« بکواه و خاشرود	:	ص ، غلام سرور خان	« «

ACKU

مجلس عالی اعیان

رئیس	: ع ، ج میرعطا محمد خان
معاون اول	: ع ، ص حاجی محمد اکبر خان
معاون دوم	: ع ، ص عبدالرحیم
رئیس تمیز	: ف ، حافظ عبدالغفار خان
اعضای مجلس	: ص ، سر دار گل محمد خان
« «	: « ، حاجی خیر محمد خان
« «	: « ، حاجی عطا محمد خان
« «	: « ، عبدالحکیم خان
« «	: « ، معاذ الله خان
« «	: « ، جان محمد خان
« «	: « ، سید یاقوت شاه خان
« «	: « ، ملك رحمدل خان
« «	: « ، ایشان امام الدین خان
« «	: « ، شاه محمود خان
« «	: « ، حاجی عبدالرحیم خان
« «	: « ، غلام معروف خان
« «	: « ، عبدالحمید خان
« «	: « ، خان آقا خان



ع ، ج میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
Président du Sénat.



ع ، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی
S. Ex. Abdoul Ahad Khan président
du Conseil National.



ع ، ج والاحضرت سرداراحمدشاه خان وزیردربار

S. A. Ahmad Chah Khan Ministre de la Cour.



ع ، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور همایونی و رئیس انجمن ادبی کابل

S. Ex. Mohammad Naouroz Khan secrétaire privé de S. M. et président du Cercle Littéraire de Kaboul

اعضای مجلس		:	ص ، محمد رسول خان
»	»	:	» » ، عبدالصمد خان
»	»	:	» » ، عبدالغفور خان
»	»	:	» » ، حاجی عبدالحکیم خان
»	»	:	» » ، سید فیض‌الله خان
»	»	:	» » ، حاجی میرزا محمود خان
»	»	:	» » ، عبداللطیف خان
»	»	:	» » ، امین الله خان
»	»	:	» » ، محمد عمر خان
»	»	:	» » ، میر محمد علیخان آزاد
»	»	:	» » ، عبدالستار خان
»	»	:	» » ، سید احمد شاه خان
»	»	:	» » ، علی احمد خان
»	»	:	» » ، عبدالرحمن خان
»	»	:	» » ، محمد حسن خان مهمند
»	»	:	» » ، خداداد خان
»	»	:	» » ، نظر محمد خان
»	»	:	» » ، ملک محمد اصغر خان
»	»	:	» » ، جلال‌الدینخان
»	»	:	» » ، محمد حسن خان وردك
»	»	:	» » ، سید شمس‌الدین خان

اعضای مجلس	:	ص ، سید محمد خان
« «	:	« ، سید احمد خان
« «	:	« ، مولوی محمد پذیر خان
« «	:	« ، نور الدیخان
« «	:	« ، حاجی محمد شریف خان
« «	:	« ، یار محمد خان
« «	:	« ، سردار گل محمد خان
« «	:	« ، محمد اکبر خان
« «	:	« ، غلام رسول خان
« «	:	« ، دیوان حکم چند

هیئت اداری :

منشی مجلس اعیان	:	ص ، محمود خان
سر کاتب تحریرات	:	« ، محمد حسین خان
« « انجمن تحقیقیه	:	« ، محمد انور خان
« « انجمن تدوین واصول	:	« ، سید محبوبخان
« « دائرهٔ تمیز	:	« ، غلام رسول خان
« « محاسبه	:	« ، محمد یوسف خان
« « اوراق	:	« ، محمد اکبر خان

ACKU

ریاست بلدیهٔ کابل

رئیس	:	و ، ج عبدالرزاق خان
معاون	:	« ص ، سید جلال الدین خان
مدیر تحریرات	:	« « ، عبدالله خان
« محاسبه	:	« « ، محمد رفیق خان
مامور تحصیلی	:	« « ، محمد رفیق خان
« نمبر موتر و گادی	:	« « ، میر عبدالفتاح خان
نگران « «	:	« « ، قنبر محمد خان
مهندس خارجی	:	عزت مند مستر سایل اوف
« داخلی	:	ص تاج الدین خان
پیمایشی ها	:	« محمد حسین خان ، غلام غوث خان حضرت شاه خان وعلاؤ الدین خان
نقشه کش ها	:	« ر مضان خان ، عبدالمجید خان وعبدالغفور خان وعبدالرحمن خان
مقنی کار میزی	:	ف ، عجب گلخان
معمار باشی مهندسی	:	ص ، محمد نعیم خان
« « میزی	:	« « ، عبدالروف خان
نجار « «	:	« « ، محمد هاشمخان
سرکاتب تفتیش و سنجش	:	« « ، محمد نعیم خان
« اوراق	:	« « ، محمد حسین خان
مامور تنظیفات	:	« « ، عبدالرشید خان
« پتیم خانهٔ نادری	:	« « ، محمد ابراهیم خان

ACKU

روسا ومامور های بلدیهٔ مراکز ولایات و حکومتی های اعلی وکلان

رئیس بلدیهٔ قندهار	:	ع ، محمد ناصر خان
« « هرات	:	« « ، غلام یحیی خان .
« « مزار شریف	:	« « ، فراح الدین خان
« « خان آباد	:	« « ، میر عبدالسلام خان
« « جلال آباد	:	ص ، سلطان احمد خان
« « گردیز	:	« « ، محمد رضا خان .
« « میمنه	:	« « . . . . .
مامور « فراه	:	« « ، محمد حسین خان
« « چهاریکار	:	« « ، عبد الرسول خان
« « غزنی	:	« « ، عبد السلام خان
« « دایزنگی	:	« « . . . . .
« « لوگر	:	ص ، لطف الله خان
« « گرشك	:	« « . . . . .
« « ارزگان	:	« « . . . . .
« « ثلات	:	« « . . . . .
« « غوریات	:	« « . . . . .
« « بادغیسان	:	« « . . . . .
« « شبرغان	:	« « . . . . .
« « بدخشان فیض آباد)	:	ص ، بزرگ خواجه خان
« « کنر ها و اسمار	:	« « . . . . .

ACKU

تشکیلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزیر	:	ع ، ج ، والاحضرت سردار احمد شاه خان
معین	:	ع ، ص غلام احمد خان
مدیر تنظیمات	:	ص ، عبدالرحیم خان
معاون تنظیمات	:	« ، محمد اکرم خان
« «	:	« ، غلام نبی خان
« «	:	« ، عبدالحبیب خان
مدیر تشریفات	:	« ، عبدالرشید خان
« عمومی محاسبه	:	« ، عبدالوهاب خان
« خزانه	:	« ، سراج الدین خان
« نقلیه	:	« ، محمد اکبر خان
ناظر کارخانهٔ طباخی	:	« ، ساجی نظر محمد خان
خانه سامان باشی عمومی	:	« ، صالح محمد خان
فراشباشی	:	« ، عبدالرشید خان

ACKU

عرض بیگی حضور : ص ، محمد اسمعیل خان همایونی

موتر ران باشی : « ، خواجه محمد خان

سرکاتب اوراق : « ، محمد عظیم خان

مصاحبین حضور همایونی

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

« « ، حاجی محمد نواب خان

« « ، صالح محمد خان

« « ، محمد سرور خان

« « ، سلطان احمد خان



ACKU

دارالتحریر شاهی

سرمنشی حضور همایونی: ع ، ج محمد نوروز خان

مدیر قلم مخصوص : ع ، نور محمد خان

« شعبهٔ اول : « ، حافظ نور محمد خان

« « دوم : « ، عبدالاحمد خان

« « سوم : « ، سراج الدینخان

« « چهارم : « ، غلام قادر خان

مترجم زبان عربی و ترکی : ص ، سید مبشر خان طرازی

« زبان انگلیسی و اردو: « ، یعقوب حسن خان

« « فرانسوی : « ، محمد حیدر خان

« « « : « ، احمد علیخان

مشاور امور شرعیه : . . . . .

متخصص اقتصاد : ص ، حبیب الله خان

رئیس دائرهٔ خصوصی حضور همایونی : ع ، ص ، خواجه جانگل خان

سریاوریت حربی حضور همایونی

سریاورحربی حضور : ع ، ش ، عبد الغفور خان فرقه مشر ثانی

معاونی سریاور : « « « ، محمد لطیف خان « « «

یاورحربی حضور : « « « ، فیض محمد خان « « «

« « : ح ، محمد صفر خان قند مشر اول

« « : « « ، سید صالح محمد خان « « «

« « : « « ، عبد الغنی خان « « ثانی

« « : « « ، عبدالله خان « « «

« « : ش ، محمد حسین خان « « «

« « : غ ، غلام محمد خان تولیشر

سرکاتب تحریرات : ص ، پاینده محمد خان

ACKU



ع ، ج سردار محمد نعیم‌خان وزیر معارف
S. Ex. Sardar Mohammad Naïm Khan le nouveau ministre de l'instruction publique

درموقعیکه سالنامه از طبع فارغ و مستعد نشر بود، بکمال مسرت اطلاع گرفتیم که عالیقدر جلالتمآب سردار محمد نعیم خان پسر عم اعلیحضرت همایونی معین اول وزارت امور خارجه که یکی از جوانان تعلیمیافتهٔ کارآگاه ولائق و فعال مملکت ما میباشند، ازحضور اشرف ملوکانه بوزارت معارف عز تقرر حاصل نموده ـ اینست که یك قطعه عکس جلالتمآب موصوف را بدست آورده باین معرفی مختصر بر داختیم و ضمناً مراتب مسرت و امتنان خود را نسبت باین انتخاب نیك اظهار وامیدقوی داریم که امور معارف افغانستان که طرف توجه مخصوص اعلیحضرت همایونی وسائر رجال بهیخواه وطن عزیز ما میباشد، از اثر مساعی ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف بیش از پیش حائز ترقی و توسعه گردد .

ازمقر ریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۵



ع ، ج محمد حیدر خان نمایندهٔ دائمی
افغانستان در جامعهٔ ملل



ع ، ص محمد اکبر خان مصاحب
حضور همایونی



ع ، ص امین الله خان معین
وزارت عدلیه

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۵



ع ، ج محمد حیدر خان نمایندهٔ دائمی
افغانستان در جامعهٔ ملل



ع ، ص محمد اکبر خان مصاحب
حضور همایونی



ع ، ص امین الله خان معین
وزارت عدلیه

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۵



ع ، ش محمد قاسم خان قوماندان فرقهٔ قطغن وبدخشان



ع ، ش عبدالغفور خان سرياور حربی حضور همایونی



ع ، ش عبدالقیوم خان قوماندان فرقهٔ غزنی

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۵



ع ، ص عبدالرسول خان رئیس مبایعات



ع ، ص محمد علی خان مستوفی هرات

از مقرریهای سال ۱۳۱۵



ع ، محمدکریم خان مدیرعمومی سیاسی
وزارت خارجه‌که اخیراً باین
عهده‌مقرر شده اند



جناب عبدالله خان دکتور معادن تعلیم
یافتهٔ المان که در سال ۱۳۱۵ بوطن
مراجعت و مشغول کار شده اند

اجراآت دوائر مملکتی

در سال ۱۳۱۵ بتوجهٔ حکومت معظم متبوع و مساعی و زحمات قابل قدر هیئت محترم دولت و مامورین دوایر ، امور مملکتی اعم ازقسمت های کشوری ولشکری دارای ترقیات محسوسی شده ودر اثر همین نظم و پیشرفت های امور دولتی ملت درکمال امنیت وآسایش بترقی امور جانی ومعاشرتی خود سرگرمی وتوجه دارند واین جنبش وتوجهٔ دولت وملت بترقی مملکت ، افغانستان عزیزرا باقدمهای صحیح ومرتب بطرف سعادت وار تقا می کشاند .

هیئت انجمن ادبی کابل از توجهات ترقی خواهانهٔ حکومت مهربان خود سپاس گذاری نموده اینك مختصر شرح کار روائی دوایر محترم مملکتی را قرار آتی بملاحظهٔ قارئین سالنامه میرسانیم :

امور حربیه

امور حربیه که بزرگترین و مهم ترین شعبات مملکتی را تشکیل داده حفظ و استقرار امنیت در داخل و تأمین صلح و حفظ حقوق و منافع مملکت در خارجه بسته به آن میباشد ، همانطوریکه از بدو تاسیس حکومت موجوده یعنی از اول زمامداری مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی فقید وهمچنان ازروز جلوس اعلیحضرت معظم همایونی محمد ظاهرشاه خلدالله ملکه بزیر نظر رجل نامدار وفرزند رشید وطن والاحضرت سردار شاه محمود خان غازی

سپه سالار و وزیر حربیه طرف توجه خاص قرار گرفته ، طوریکه مشاهده میکنیم وامنیت امروزهٔ وطن و موقعیت عسکر افغانستان درعالم بهترین شاهد آن است ، درین رشته ترقیات قابل تقدیری بوجود آمده و می توان گفت که عسکر موجودهٔ ما از هر جهت دارای تشکیلات صحیح و فراخور حال مملکت ما شده و هم امید قوی می رود که از اثر توجهات حکومت متبوعه ومساعی والاحضرت افخم وزیر صاحب حربیه و تجارب ومعلومات جدیدیکه این مرد بزرگ درضمن مسافرت اروپائی خود حاصل فرموده اند ، عسکر افغانی بیش از پیش حائز ترقیات مطلوبه گردیده موجبات مزید اطمینان ملت و حکومت و اسباب افتخار مملکت افغانستان را فراهم سازد .

ناگفته نماند که در مدت ۹ ماهیکه والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان غازی بکفالت وزارت حربیه کار میکردند ، از توجه وزحمت ذیقیمت معظم له امور حربیه بکمال خوبی درجریان بوده پیشرفتهای جالب توجهی درین رشته بظهور رسیده است که ذیلاً طور خلاصه اجراآت هر شعبه ازشعبات وزارت حربیه درین سال از نظر خوانندگان عزیز گذارش داده میشود :

ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه :

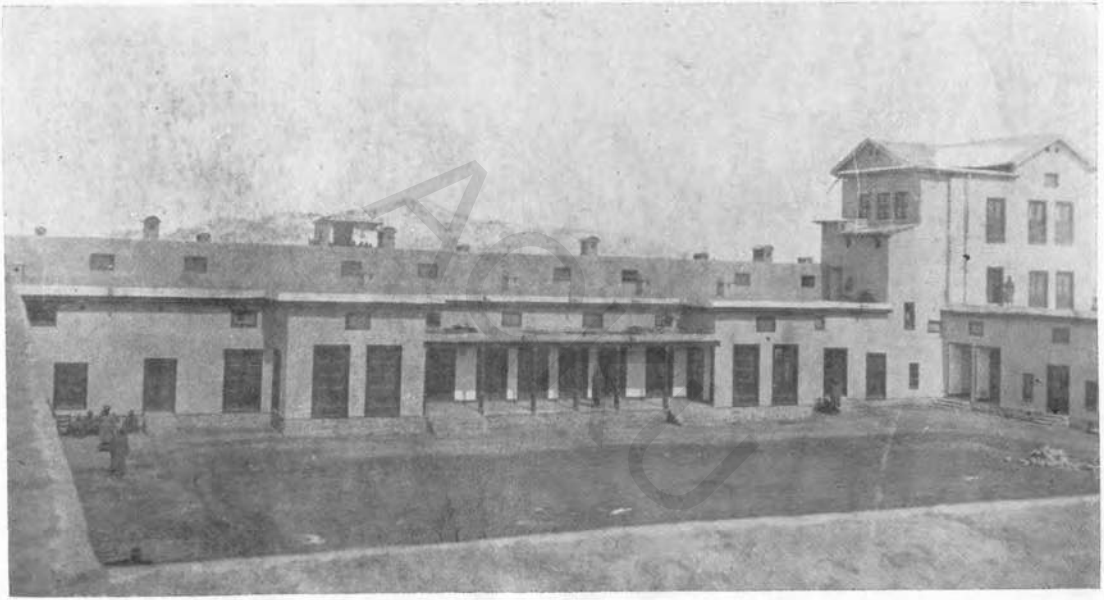
برای اینکه از اجراآت وفعالیت دوائر مختلفهٔ ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه بصورت سریعه اخذ مطلب کرده بشود چنین مصیب دانسته شد که باید فعالیت دوائر مذکوره بطور خلاص وماده وار درقید تحریر آورده شود :

۱ـ نظر به تجاربیکه درظرف یك سال استحصال کرده شده بود ، اصلاحات لازمه دربعضی تشکیلات قطعات اردو .



از عمارات مهمهٔ مرکز ، منظرهٔ عمومی مکاتب حربیه واقع بالاحصار کابل

Vue générale des nouveaux bâtiments de l'école militaire à Kaboul



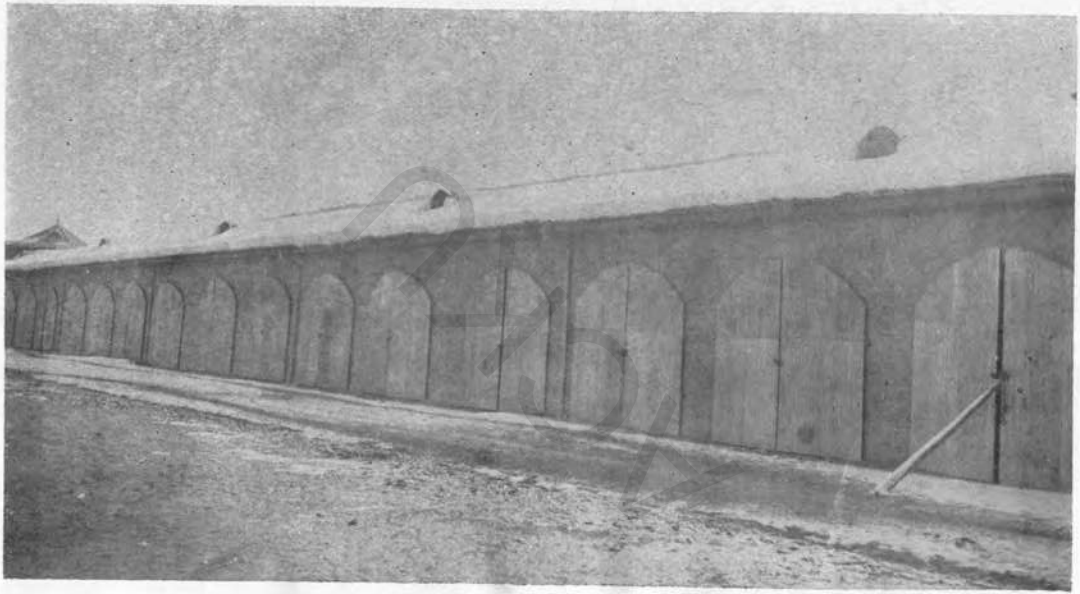
از عمرانات جدید وزارت حربیه در کابل : قرارگاه فرقهٔ توپچی : حصهٔ نشیمن دوائر واقع زنده بانا

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul



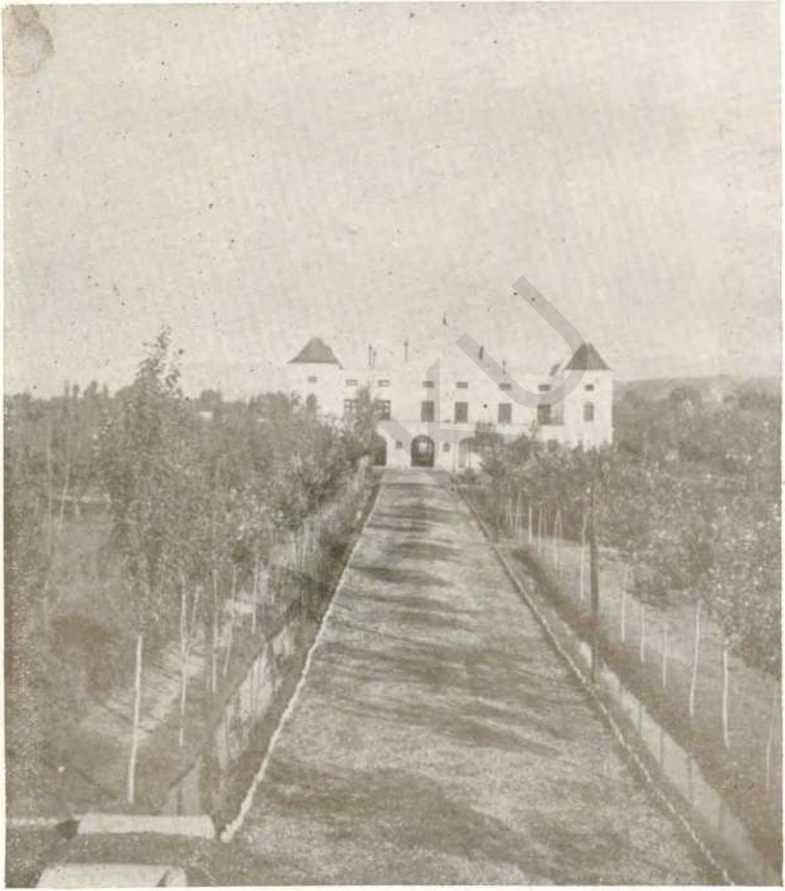
از عمرانات جدید وزارت حربیه در کابل ، رخ داخلی یك قسمت از عمارات قشلهٔ فرقهٔ توپچی

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul



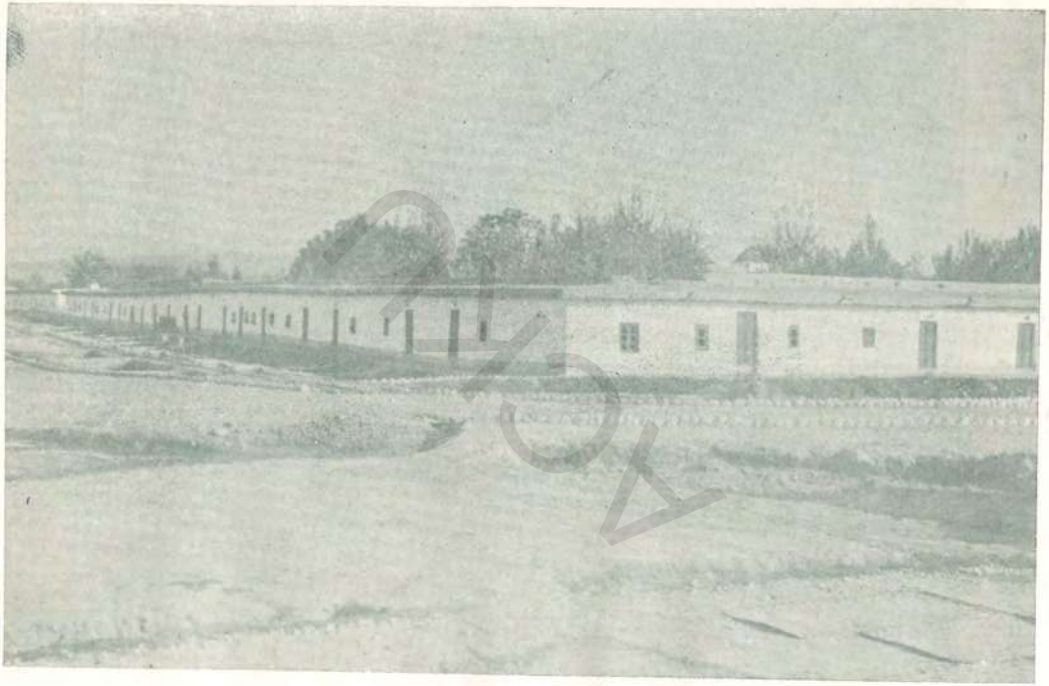
از عمارات جدید وزارت حربیه در کابل ، موضع توپهای درون قلعه در قشلهٔ توپچی

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul: Les garages pour les gros canons.



قوماندانی فرقهٔ عسکری درخان آباد (عمارت حیات آباد)

Immeuble du commandement de la division de Khanabad



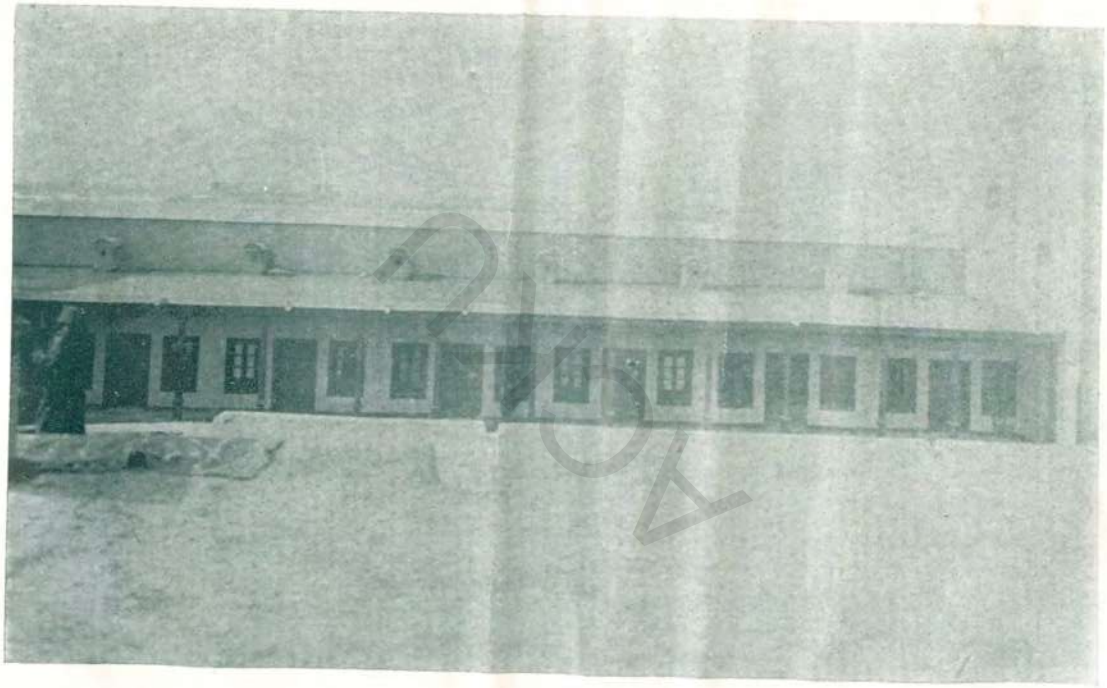
از عمارات جدید ولایت قطغن و بدخشان : چهاونی عسکری در خان آباد

Une partie des nouveaux barqaquement à Khanabad



از عمرانات جدید وزارت حربیه در کابل : قشلهٔ دو منزلهٔ فرقهٔ توپچی

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul:



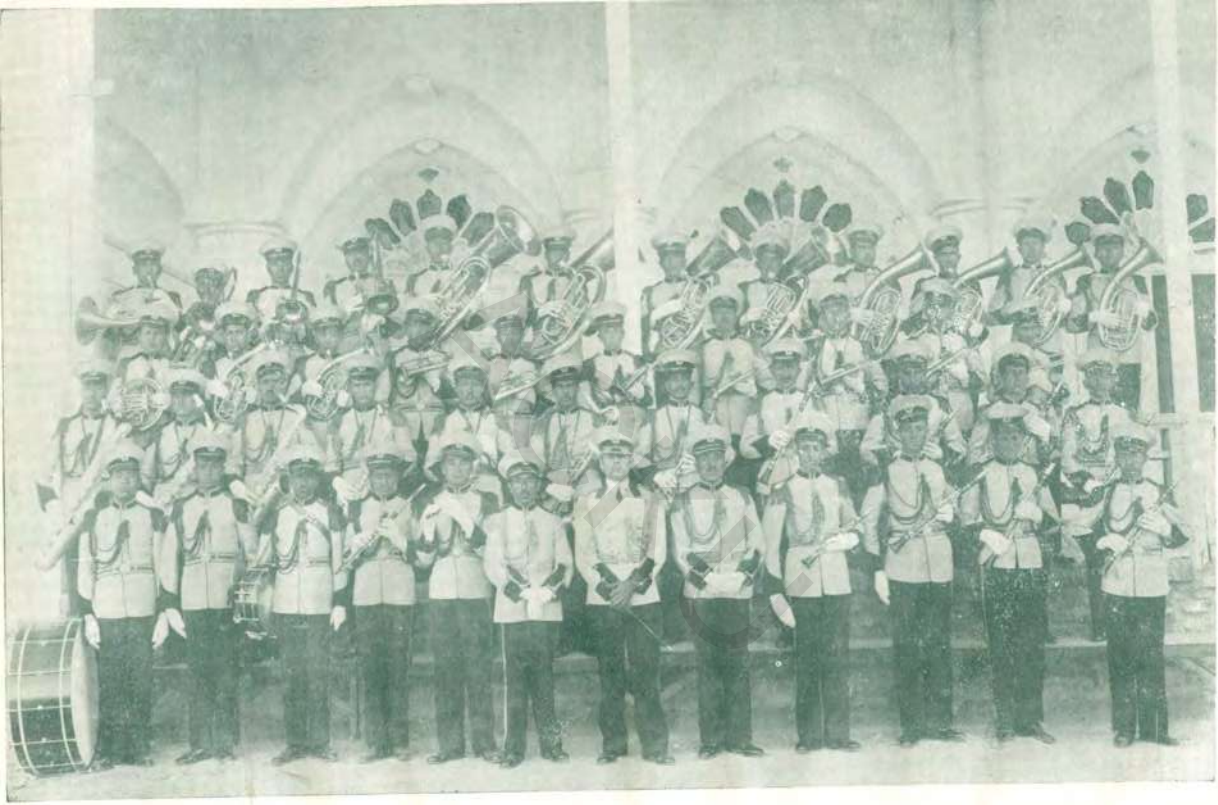
از عمارات جدید وزارت حربیه در کابل ، سمت داخلی یك قسمت از عمارت راست قشلهٔ توپچی

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul .



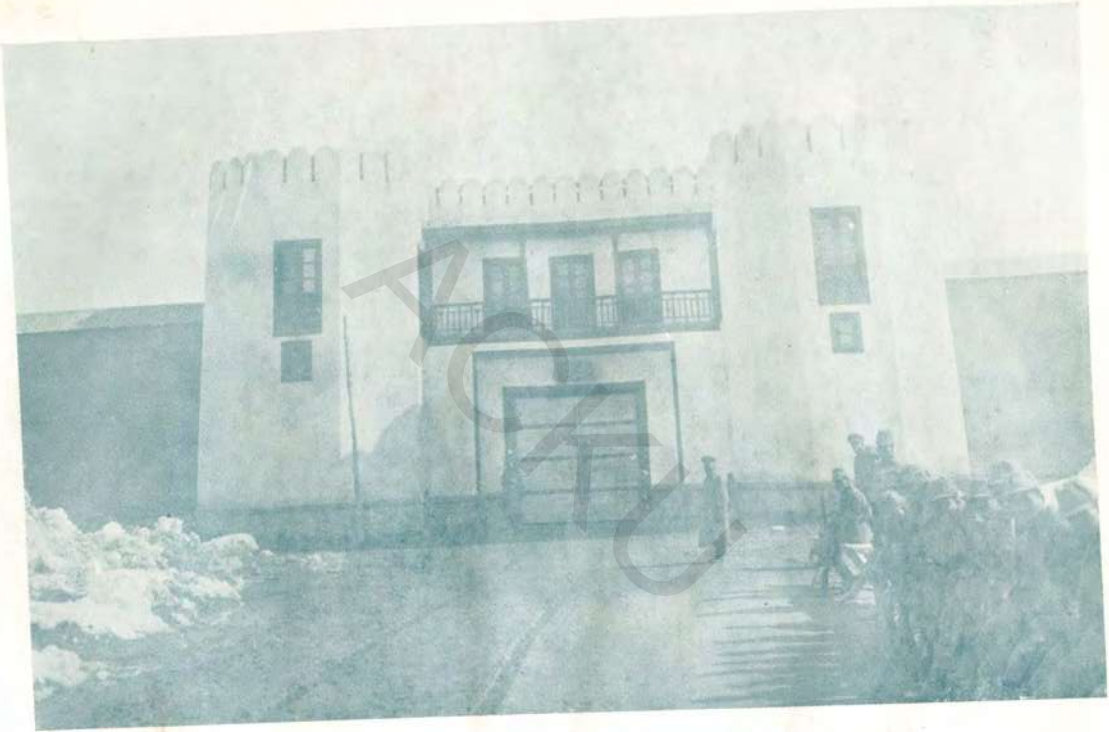
موزیك سالون مخصوص وزارت حربیه

Orchestre du salon du Ministére de la Guerre



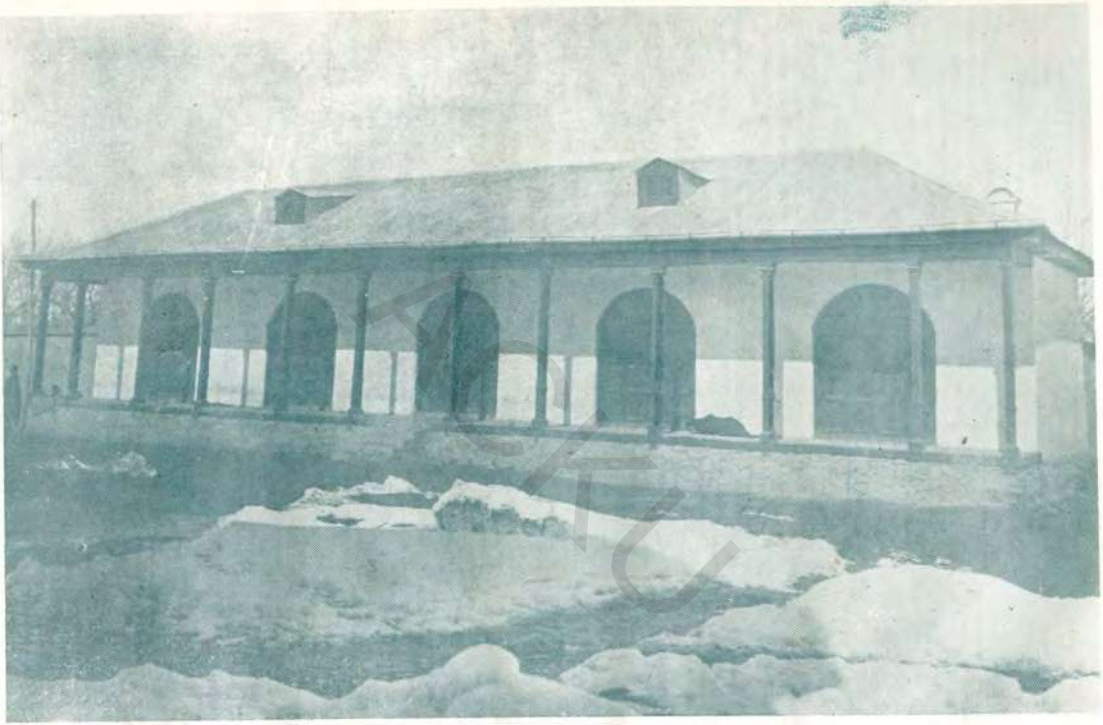
اور کستر ای آر مونی وزارت حربیه

Orchestre Harmonie du Ministére de la Guerre



از عمرانات جدید وزارت حربیه در کابل ؛ دروازهٔ بزرگ قلعهٔ فرقهٔ توپچی

Le grand portail de la nouvelle forteresse de la division d'artillerie à Kkaboul



از عمارات جدید وزارت حربیه در کابل : موضع توپها در داخل قلعهٔ فرقهٔ توپچی

Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul: Les garages pour les gros canons

۲ـ بعضی اصلاحات لازمه درتشکیلات دوائر مربوط وزارت حربیه وقرارگاه های قطعات اردو .

۳ـ اصلاحات در تجهیزات قطعات اردو .

٤ـ برای مقاصد خصوصیه ، سوقیات بعضی قطعات ازیك محل به دیگر نقاط .

٥ـ برای تأمین انضباط حدود ، اعطای لوایح وهدایات لازمه .

٦ـ نظریه تجارب ، تبدیل بعضی قطعات ازنقطهٔ نظرسوق الجیش .

۷ـ اعطای پروگرام های تعلیم وتربیه برای قطعات اردو .

۸ـ اخذ دیپلومه یعنی شهادتنامهٔ گروپ طلاب موزیکه از مکتب موزیك وتوزیع آنها به غند های قطعات مرکز .

۹ـ اخذ امتحان طلاب انجنیری وابراز موفقیت آنها .

۱۰ـ برای پیدا کردن اختصاص در مسلك طوپچی اعزام چند نفر طلبه ازشاگردان افغان که درترکیه میباشند به آلمان .

۱۱ـ اقدامات لازمه برای تکمیل دیگر طلاب مکتب موزیك .

۱۲ـ جلب واستخدام بعضی معلمین .

۱۳ـ تجدید قرار داد بعضی معلمین ومستخدمین سابقه .

۱٤ـ طبع ونشر بعضی آثار مفیده .

۱٥ـ توزیع بعضی آثار لازمهٔ مفید برای قطعات اردو .

۱٦ـ اجرای بعضی تطبیقات به قطعات اردو .

۱۷ـ اخذ امتحان تعلیمگاه های ضابطان قطعات اردو .

۱۸ـ نشر وتوزیع بعضی لوایح تطبیقات به قطعات .

۱۹ـ جلب واشتراك صاحبمنصبان قطعات اطراف به تفتیش فرقهٔ شاهی .

۲۰ـ تعدیلات لازمه درا لبسهٔ ضابطان و منسوبین قطعات اردو .
۲۱ـ برای ترقی وتعالی قوای هوائیهٔ اردو ، اعطای اعانه ازطرف ذات شاهانه وخاندان شاهی و منسوبین عسکری و دیگر طبقات افراد ملت .
۲۲ـ برای تعلیم وتربیهٔ هوائی جلب واستخدام بعضی پیلوت های خارجی .
۲۳ـ برای تسهیل بعضی امور صناعتی قطعات دادن ماشین گستنر .
۲۴ـ شمولیت تمامی صاحبمنصبان به مجلهٔ اردو .

ریاست حربیه :

۱ـ : تورید یك تعداد تفنگ های جدید ۳۰۳ بور .
۲ـ : « « جبه خانهٔ « « «
۳ـ : تشبث در باب اکمال تفنگ های ماشیندار .
۴ـ : ترمیم بعضی اسلحهٔ خفیفه و ثقیلهٔ ترمیم طلب بتوسط فابریکهٔ حربی و کارگران مگزین ارگ
۵ـ : تحصیل یك مقدار اسلحهٔ پراگنده شدهٔ زمان انقلاب .
۶ـ : « « جبا خانه های پراگنده شدهٔ زمان انقلاب .
۷ـ : معاینهٔ اسلحهٔ جدید الورود .
۸ـ : « تفنگ های دستی ماشیندار ها و غیره آلات و ادوات عسکریه که خواه بطورنمونه ازخارج آمده وخواه در داخل تهیه شده .
۹ـ : تهیه و تادیهٔ یکمقدار جبه خانهٔ ثقیله و خفیفهٔ حربیهٔ مانورهٔ قطعات .
۱۰ـ : تشبث در خصوص خریداری یك مقدار بارود توپچی .
۱۱ـ : خریداری یکمقدار بارود سیاه برای امورعمارات داخل مملکت .
۱۲ـ : تهیه و تدارك بعضی انواع جبه خانه و مواد باریه توسط

فابریکهٔ آلات حربی .

۱۳ـ : تصفیه و تنظیم جبه خانه ها .

۱٤ـ : اکمال بعضی ادوات استحکامیه .

۱۵ـ : تشبث در خصوص اکمال بعضی آلات محاربه و مواصله .

۱٦ـ : معاینهٔ کارهای عسکریهٔ حربی و اصلاح بعضی اعمالات مذکوره.

۱۷ـ : ترمیم بعضی جبه خانه ها .

۱۸ـ : تهیه و تدارك آلات و ادوات لازمهٔ کسبه های قطعات .

۱۹ـ : تشبث در باب تاسیس فابریکهٔ باروت سفید .

۲۰ـ : ساختمان کارطوس های طوپهای عادی آنش بواسطهٔ کارگران جبه خانه .

۲۲ـ : ترتیب وتنظیم رایورهای قوه های عمومیهٔ اسلحه و جبه خانه و آلات و ادوات عسکریه و تقدیم آن بمقامات لازمه .

ریاست اردو

تعمیراتیکه درسال ۱۳۱۵ ازطرف مدیریت تعمیرات وزارت حربیه اجراشده :

الف : تعمیرات جدیده :

۱ ـ کارات باقیماندهٔ قشلهٔ توپچی واقع زنده بانان که از سازگذشته ۱۳۱٤ باقی مانده بود درین سال با دو باب دکان متعلقهٔ قشلهٔ مذکور تعمیر وتکمیل گردیده است .

۲ ـ تکمیل عمارت بیست باب موتر خانه های شیر پور که از سال گذشته باقی مانده و درین سال تمام شده است .

۳ ـ کار آهن پوش دیوار احاطهٔ وزارت‌حربیه درین سال اجرا شده .

ب : ترمیمات :

۱ ـ ترمیمات جباخانهٔ بالاحصار .
۲ ـ ترمیمات قوماندانی طیاره .
۳ ـ ترمیمات شفاخانهٔ عسکری .
٤ ـ ترمیمات عمارت وزارت .
٥ ـ ترمیمات عمارت قول اردو .
٦ ـ ترمیمات بعضی عمارات دیگر مربوطهٔ وزارت حربیه .

مقرریها و ترفیعات جدید وزارت حربیه :

ع ، ش ، عبدالغفور خان فرقه مشر وکیل ریاست ارکان حربیهٔ عمومیهٔ وزارت حربیه بسر یاوری حربی حضور اعلیحضرت همایونی .

ع ، ش ، محمد شاه خان فرقه مشر از جملهٔ منصبداران احتیاطی بوکالت ریاست اصلاح و ترقی عسکری وزارت .

ع ، ش ، عبدالقیوم‌خان فرقه مشرغزنی کهسابق غند مشر ووکیل قوماندانی فرقهٔ مذکور بود ترفیعاً برتبهٔ فرقه مشری ثانی قوماندان عسکری غزنی .

ع ، ش ، محمدقاسم خان فرقه مشر قوماندان فرقه قطغن و بدخشان کهسابقاً برتبهٔ غند مشری وکیل قوماندانی مذکور بود ترفیعاً فرقه مشر ثانی وقوماندان عسکری قطغن و بدخشان .

ح ، محمد امین خان غند مشر از جملهٔ منصبداران احتیاطی بفرقهٔ عسکری سمت مشرقی .

ح ، محمدرحیم‌خان غند مشر ازجملهٔ منصبداران‌احتیاطی به‌قول‌اردوی‌جنوبی .
« ، عبد الله خان غند مشر از جملهٔ منصبداران احتیاطی بفرقهٔ مشرقی .
« ، محمد ایوب خان غند مشر از جملهٔ منصبداران احتیاطی به فرقهٔ مزار شریف .
« ، سید عبد الصمد خان غند مشرغند ۳ پیادهٔ فرقهٔ شاهی تبدیلاً به‌غند اول فرقهٔ مذکور .
« ، عبد الرحمن خان غند مشر از جملهٔ منصبداران احتیاطی به فرقهٔ عسکری هرات .
« ، محمد ایازخان غند مشرغند اول سوار فرقهٔ فراه به غند مشری غند احتیاط قندهار .
« ، سید صالح محمد خان از جملهٔ منصبداران احتیاطی به یاوری حربی حضور همایونی .
« ، محمداخترخان برتبهٔ غند مشری‌ثانی کیسارسیاه گرد مربوط‌مزار شریف .
« ، محمد کبیر خان پسر حمد داری دکه مربوط قوماندانی مشرقی .
« ، غلام سرورخان برتبهٔ غند مشری ثانی کیسارقره تپه مربوط ولایت‌هرات .
« ، خدا بخش خان کندکمشر کیسار اسلام قلعه مربوط ولایت هرات

ترفیعاً برتبهٔ غند مشری ثانی کیسار موضع مذکور .

منصبدارانیکه در سال ۱۳۱۵ داخل بست احتیاطی وزارت حربیه گرفته شده اند :

ع ، ش ، محمد عمر خان رئیس انجمن اصلاح و ترقی از بست ریاست اصلاح وترقی منفك‌ودرجملهٔ منصبداران احتیاطی‌وزارت‌حربیه منظورگردیده .

ع ، ش ، محمد هاشم خان فرقه مشر اول عضو انجمن اصلاح و ترقی از بست ریاست مذکور منفك و درجلهٔ منصبداران احتیاطی وزارت حربیه شامل و منظور شده .

ح ، محمد حسین خان غند مشر اول غند ٤ ـ ٣٥ پیادهٔ فرقهٔ مشرقی از بست فرقهٔ مشرقی منفك و درجلهٔ منصبداران احتیاطی منظور گردیده .

« ، محمد ابراهیم خان غند مشر معاون تعلیم گاه خورد ضابطان از آنجا منفك و در بست احتیاطی منظور شده .

« ، عبد الوکیل خان غند مشر غند احتیاطی فرقهٔ قندهار از آنجا منفك و در جلهٔ منصبداران احتیاطی وزارت حربیه منظور گردیده .

« ، غلام جیلانی خان غند مشر غند اول فرقهٔ اول جنوبی ، در جلهٔ منصبداران احتیاطی منظور گردیده .

« ، شیر محمد خان یاور حربی حضور همایونی ، در جلهٔ منصبداران احتیاطی وزارت حربیه شامل گردیده .

« ، شیرین گل خان غند مشر سابق فرقهٔ قطغن و بدخشان ، در بست منصبداران احتیاطی شامل و منظور شده .

« ، احمد شاه خان غند مشر فرقهٔ مشرقی از بست قوماندانی مذکور منفصل و شامل بست احتیاطی شده .

امور خارجیه

حکومت متبوعهٔ ما از بدو امر تا امروز نه تنها در مقابل ممالك همجوار و دوستیکه با آنها علایق سیاسی دارد ، بلکه درمقابل همه ممالك جهان بارها به ثبوت

رسانیده است که طرفدار آرامش و هواخواه تعاون وتساند عمومی میباشد وسیاست خارجی افغانستان برمقررات جامعهٔ اقوام وآرزوهای صلح پرستی ملت افغان پایدار واستوار است .

یگانه آرزوی افغانستان امروز ، آن است که همه احتیاجات خویش را تکمیل وتمام شعب لازمهٔ حیات ملی افغانی را تامین نموده حقوق دیگران را محترم شمارد و بهیچگونه مزاحم شان نگردد و دیگران نیز حقوق و مصئونیت او را احترام نمایند .

از آغاز دورهٔ نادرشاهی تا امروز که سال چهارمین فرمان روائی اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهرشاه است حکومت متبوعهٔ ما همیشه نظریهٔ فوق الذکر راخط مشی قرار داده و درهرآن تامین وسایل تطبیقیهٔ آن پرداخته است ، خصوصاً ازاخیرماه سنبله ۱۳۱۳ مطابق ۲۳ سنا میر ۱۹۳٤ به بعد که درجامعهٔ اقوام داخل گردیده وزارت امورخارجه وسائر وزارات و دوائر دولتی مقررات جامعهٔ ملل رامورد غور وتعمق وحتی الامکان اصول متذکرهٔ آنهارا مدار اجرا آت خویش قرارداده اند . درسال ۱۳۱۵ نیز علاوه براجرا آت روزمره و تطبیق مقررات جامعهٔ ملل درشعب سیاسی ، صحی ، عرفانی ، صنعتی ، تجارتی ، زراعتی وامور عامه ، حکومت ما دراجرا آت ذیل مبادرت نموده است :

۱ ، حکومت متبوعهٔ ما به پنج طرح و پیشنهاد قرار دادها و هدایات ذیل که درنزدهمین جلسهٔ کنفرانس بین المللی کار درماه جوزا ۱۳۱٤ (٤ الی ۲۵ جون ۱۹۳۵) قبول شده بود اظهار موافقت نموده است :

الف ، طرح قرار داد منع بکار بردن زنان درکارهای زیرزمینی

ب : « « تحدید ساعات کار درمعادن زوغال

ج : طرح قرار داد تقلیل ساعات کار وتحدید آن بهفتهٔ ٤٠ ساعت .
د : « « تقلیل ساعات کار درکار خانه های شیشه سازی .
ه : هدایات درباب بیکاری جوانان .

۲ـ نمایندهٔ مادربیستمین کنفرانس بین المللی کار که ازتاریخ ١٤جوزا تا۳ سرطان ١٣١٥ (چهارم الی بیست و پنجم جون سال ١٩٣٦) منعقد شده بود شمولیت ورزیده است .

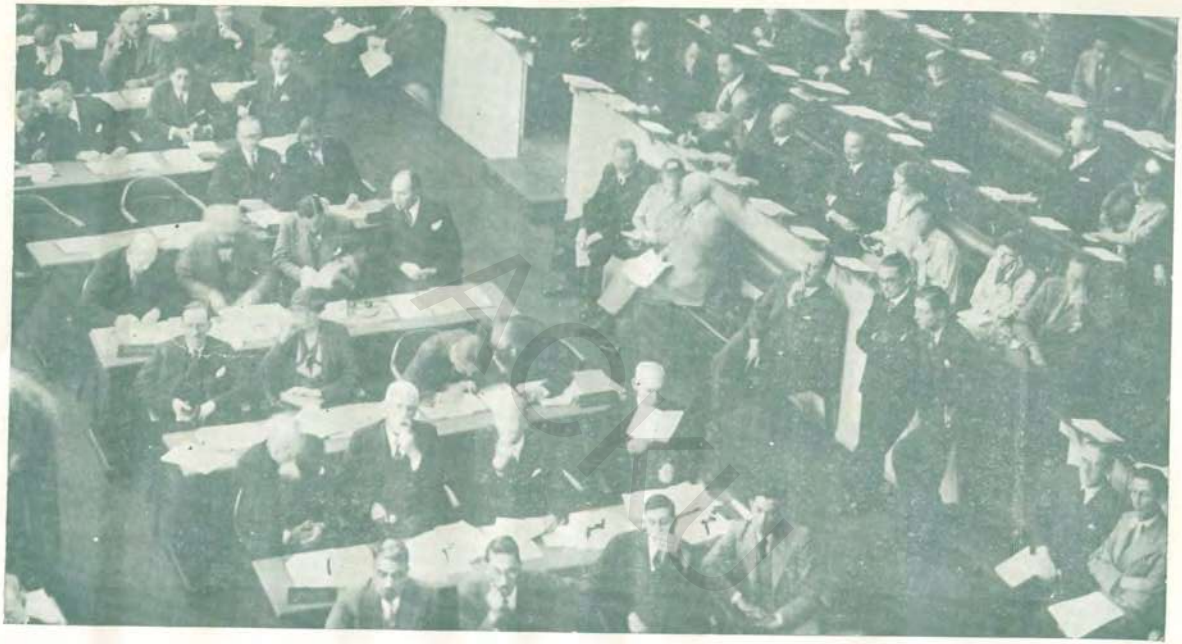
۳ـ نمایندهٔ ما در کنفرانس ١٨جوزا تا ٤ سرطان (٨ـ٢٦جون١٩٣٦) که راجع به انسداد تجارت غیرمشروع ادویهٔ مخدره انعقاد یافته بود شامل گردیده وهمکاقرار دادی که برای جلوگیری از تجارت نامشروع ادویهٔ مخدرهٔ در کنفرانس مذکور عقد شده است درتحت نفوذ حکومت متبوعهٔ ما میباشد .

٤ـ نمایندهٔ ما درمجلس فوق العادهٔ مورخهٔ ٢٥جوزا (١٥ جون) که راجع به مسئلهٔ ایطالیا وحبشه درجینواعقد شده بود شامل شده و درنتیجه چون بموافقت اکثریت آراء رفع (تعزیرات اقتصادی) پیشنهاد گردید ، حکومت افغانستان نیز رفع تعزیرات مذکور را بتاریخ ٢٣سرطان (١٥جولائی) ابلاغ نمود .

٥ـ نمایندهٔ حکومت متبوعهٔ ما درکنگرهٔ مهندسی شیمیائی لندن که بتاریخ ٣٢ جوزا (٢٢ جون ١٩٣٦) شروع و به ٥ سرطان (٢٧ جون) خاتمه یافته شامل شده است .

٦ ـ نمایندهٔ افغانی در کنفرانس بین المللی عرفانی که بتاریخ ٢١ سرطان (١٣جولائی١٩٣٦) درجینوا انعقاد یافته بود شمولیت ورزیده است .

۷ ـ از حضور اشرف ملوکانه ، برای شمولیت در مجلس سالانهٔ جامعهٔ ملل که بتاریخ ٢٩ سنبله (٢١ ستامبر ١٩٣٦) در جینوا افتتاح و بتاریخ



جلسهٔ سالانهٔ جامعهٔ ملل ؛ درقطار و سطی اول ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه و نمایندهٔ اول افغانستان- دوم ع ، ج علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در لندن نمایندهٔ دوم - سوم ع ، ج محمد حیدر خان نمایندهٔ دائمی افغانستان در جامعهٔ ملل نمایندهٔ سوم - چارم ص ، عبد القیوم خان کاتب نمایندگی افغانی در جامعهٔ ملل نمایندهٔ چهارم .

L'Assemblée plénière de la S. D. N. à Genève (sep. 1936) les délégués afghans au premier plan



کنفرانس بین المللی جلوگیری از تجارت غیر مشروع ادویهٔ مخدره که ع ، ش محمد عمر خان نمایندهٔ افغانی دران شمولیت ورزیده

Conférence internationale pour empêcher le trafic illicite des stupéfiants à Genève (Le délégué afghan est marqué par une croix)



افغانستان در مجامع بین المللی : اجلاس عمومی سالانهٔ جامعهٔ ملل (نمایندهٔ افغانی درصف اول قطار وسطی شخص اول از طرف راست)

L'Assemblée pleinière de la S.D.N. à Génève (Le délégué afghan est marqué par une croix)



افغانستان در مجامع بین المللی : مجلس عمومی جامعهٔ ملل برای مطالعهٔ قضیهٔ حبشه و ایطالیا (۳۰ جون تا ٤ جولائی ۱۹۳٦) و قتیکه امپراطور حبشه نطق خود را قرائت می کند (نمایندهٔ افغانی در صف اول قطار و سطی شخص اول از طرف راست)

L'Assemmblée de la S. D. N. L'Empereur d'Etiopie prononce son discours (Le delégué afghan cst marqué par une crois

۱۷ میزان (۱۰ اکتوبر) مذکورختم شد ، ع ، ج فیض محمد خان وزیر امورخارجه رئیس هیئت افغانی و نمایندهٔ اول ، ع ، ج علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت همایونی در لندن نمایندهٔ دوم و ، ع ، ج ، محمد حیدرخان نمایندهٔ دایمی افغانستان در جامعهٔ ملل نمایندهٔ سوم انتخاب گردیده و در اجلاس سالانهٔ مجمع ملل از ۲۹ سنبله تا ۱۷ میزان شمولیت ورزیدند و علاوتاً بنابر درخواست جامعهٔ ملل ، ع ، ج وزیر امور خارجهٔ افغانی در مجلس انتخاب رئیس کمیسیون ششم (مسائل سیاسی) ریاست فرمودند و در غیاب وزیر خارجه ع ، ص سردار محمدنعیم خان معین اول وزارت خارجیه بصورت کفالت ایفای وظیفه می فرمودند .

۸ ـ بقرار تصویب مجلس ۱۲ سرطان (٤ جولائی ۱۹۲۶) که شورای جامعه ممالك را برای تطبیق مقررات میثاق جامعه مطالبه نموده بود حکومت متبوعهٔ ما نیز بوسیلهٔ ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه ذیلاً بجواب سرمنشی جامعه پرداخت :

« بجواب مراسلهٔ ۱۹۲۶ C. O. 124-XII شما درموضوع تصویب مجلس ۱۲ سرطان ۱۳۱۵ (٤ جولائی ۱۹۳۶) افتخار دارم باطلاع شما برسانم که بعقیدهٔ حکومت من مواد میثاق بحال امروز پیش اگر کاملاً وبوقت مناسب تعمیل وتطبیق یابد ، محتاج به تعدیل نبوده بطور قطعی می تواند از تعرض جلوگیری نماید ، با آنهم افغانستان برای پذیرش همه ترتیبات جدیدی که جهت تقویهٔ میثاق ازطرف بهی خواهان جامعهٔ اقوام گرفته شود حاضراست» .

۹ ـ حکومت متبوعهٔ ما تصویب نموده است تا وزارت امور خارجه بنمایندهٔ دایمی خویش در جامعه ملل اختیار دهد که قرار داد انسداد تجارت و نشریات فحش را امضاء نماید .

۱۰ـ اخیراً حسب تصمیم وزارت پست، تلگراف و تیلفون بوزارت تمختاری افغانی مقیم پاریس هدایت داده شده تا از جانب وزارت موصوفه برمعاهدهٔ عمومی پستی وپارسلات پستی قاهره (منعقده درسال ۱۲۱۳) مطابق ۱۹۳٤) الحاق نماید .

۱۱ـ مصدقهٔ پروتوکول معاهدهٔ بیطرفی وعدم‌تجاوزفیمابین دولت پادشاهی افغانستان ودولت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی که‌پروتوکول مذکوربتاریخ۹حمل ازطرف‌ع. ج فیض محمد خان وزیر امورخارجهٔ ما وموسیو (کرستنسکی) کفیل وزارت‌امورخارجهٔ دولت شوروی درمسکوامضاشده بود بعد ازطی مراتب اصولی بساعت چهار ونیم بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۱ سنبله بـا تشریفات معموله بین ع. ص سردار محمد نعیم خان کفیل وزارت امورخارجهٔ ما وموسیو (کوپرسکی) سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی درقصر استور (وزارت خارجه) تعاطی گردید .

۱۲ـ بتاریخ ۸ حوت وزارت امور خارجهٔ ما نظربه علائق هم کیشی که افغانستان با ممالك اسلامی وشرقی‌مخصوصاً‌مملکت مصر دارد ، به تقریب درخواست شمولیتیکه حکومت مصرازجامعهٔ ملل نموده بود ، پیغام‌سفارشی بنام‌سرمنشی جامعهٔ ملل صادرنموده است تاجلسهٔ فوق العاده برای پذیرش مملکت مصر هر چه زودتر انعقاد بیابد .

امور داخله

درین‌سال بفضل خداوندی وتوجه مامورین مربوطه اعم از وزارت داخله ونائب بحکومه هاوحکام اعلی وکلان و محلی وعلاقه داران که به کمال وظیفه شناسی

در اجرا و تدویر امور وانتظام امنیت وتهیهٔ وسایل رفاهیت اهالی ابراز فعالیت نموده اند ، امور داخلیه بصورت اطمینان بخش در جریان بوده ، ازهر جهت موجبات آرامی و خاطر جمعی ملت و حکومت را فراهم نموده است . خلاصهٔ اجرا آت وزارت داخله درسال ۱۳۱۵ قرار ذیل است :

۱ ــ شعبهٔ پولیس :

قسمت اول اجرا آت امور اداری :

اول : نسبت به تحکیم و قیام امنیت عمومیهٔ مملکت مطابق تدابیر نافعهٔ تجربه شده، مثل کنترول و احصائیه برداری عموم واقعات و جرائم وصورت تحقیق و فیصله و باز خواست آن حتی از فقرات تمام و با تمام و صورت اقدامات مامورین مسئول امنیت و مقایسه و موازنهٔ تعدادی واقعات و ملاحظهٔ درجات امنیت هرعلاقه وحکومات و ولایات درین سال چنان اقدامات نافعی اتخاذ شده است که به فضل ایزد متعال و توجهات حکومت منبوعهٔ ما در سر تا سر مملکت امنیت کلی و سکون کار فرما بوده است چنانچه احصائیهٔ واقعات جرایم این سال وقتیکه با سالهای ما قبل مقایسه شود بدرجهٔ نصف و اگر با سنوات ماضی تطبیق کنیم بدرجهٔ ثلث و ربع هم نمیرسد .

دوم : راجع به تهیهٔ لباس پوشاکهٔ بهاری و زمستانی محبوسین و تهیهٔ خوراکه وجیرهٔ آنها درین سال نیز اهتمامات شایانی بعمل آمده است چنانچه ازقسم البسهٔ محبوسین ولایات وحکومات اعلی تحت یك حسن انتظام وسررشتهٔ خوبی بعمل آمده است .

۳ : راجع به تهذیب اخلاق و اصلاح حال و تعلیم و تربیهٔ محبوسین در محبس خانه ها و هم چنان توجهات مزید بامور دینی و مذهبی شان و تهیهٔ کتب تدریسیه برای محبوسین و آموختن فنون و حرفت و صنعت ذریعهٔ معلمین مخصوصیکه برای شان مقرر است مزیداً اقدامات درستی بعمل آمده هکذا امور صناعتی محبوسین بخصوص محبوسین محبس عمومی مرکز در اثر ترتیبات درستی که درین سال از طرف حکومت اتخاذ شده است خیلی منفعت بخش میباشد چنانچه ذیلاً امور صنعتی محبس مرکزی علیحده ذکر می شود .

٤ : نسبت به تعلیم و تربیهٔ افراد و اصلاح وضع و لباس و اسلحهٔ عمومیه افراد در پین سال نیز ترتیبات شایانی اتخاذ و دساتیر درستی صادر شده است ، گفته میتوانیم که درین سال تشکیلات و تعلیمات و اصلاح وضع و اخلاق و حسن اداره و ضبط و ربط سائر امور افراد کوتوالی و پلیس بی سابقه است و هم بروی همین اساسات مفیده روز بروز رو بهمرفته دارای یك نسق و نظم اطمینان بخش شده میرود .

٥ : در صنف تهانه جات ملکیه و تشکیلات افرادی آن و ضبط و ربط و حسن ادارهٔ آنها و تجویز البسه و اسلحهٔ شان نیز درین سال اقدامات مناسبی بعمل آمده است .

٦ : نسبت به حسن ادارهٔ امور راجعه به پاسپورت و مرعائیات آن بمقصد افزونی واردات دولت و وصول راپور های احصائیه وارده و صادرهٔ اتباع داخله و خارجه از طرف نقاط سرحدی و تهیهٔ مواهیر جدید رسمی مخصوص پاسپورت باصول عصری به نقاط صلاحیت دار اعطای پاسپورت اقدامات

صحیحی بعمل آمده است .

۷ ، نسبت به حسن اداره امور راجعه بمسائل حقوقی و سیر عائدات آن بمقصد افزونی واردات دولت و وصول راپور های احصائیهٔ عائدات آن ازطرف نقاط مربوطه درین سال نیز توجه شایانی شده است چنانچه ادارهٔ آن تحت یك ترتیب درستی بعمل آمده است .

قسمت دوم : تاسیسات تعلیماتی وتشکیلات قوای پلیس وکوتوالی مملکت :

اول ـ تاسیس یك تعلیم گاه منظم پلیس بمرکز برای تحصیل تعلیمات مفیدهٔ عصری پلیسی .

الف ، تشکیل تعلیم گاه پلیس عبارت ازتشکیلات وسیع و منظمی بوده ازقبیل مدیر ومعلمین وسرمعاون ومعاون وضابط وکتاب ومنسوبین ومستخدمین بقدرلزوم شامل وتماماً اشیای مالزمهٔ تدریسات وتجهیزات ومصارف عمومیهٔ آن به ادارهٔ مکتفی منظور وتهیه شده است .

ب ، از تمام مناطق قوماندانی های کوتوالی ولایات وحکومات اعلی بقدر لزوم یك عده متعلمین ازصنف ضابطان وخورد ضابطان وسلاح اندازان شامل و داخل تعلیم گاه مذکور شده مصروف تعلیمات میباشند .

دوم ـ دربست قوماندانی کوتوالی مرکزی کابل به ادارهٔ یك توالی پلیس سمتی برای شهرجدید ودکانهای بازارچمن حضوری جدید تشکیل ومنظورشده به تشکیل آن یك عده ضابط و خورد ضابط ومطابق بست مقرره سلاح انداز منظور و نفر و البسه و اسلحه و تماماً لوازم و تجهیزات مالزمهٔ آن منظماً تهیه و تدارك گردیده مصروف خدمت شده اند .

۳ ـ تشکیل قولی اطفائیهٔ ناریهٔ قوماندانی کوتوالی مرکزی کابل درین سال خیلی وسیع شده است چنانچه موتر های اطفائیهٔ جدید اضافه بر موترهای سابقه که در دیگر شعبات موجود بود نیز به آن مربوط و افزود گردیده و به تشکیل آن تولیمشر و بلوکمشران میخانیکی و خورد ضابط و یك عده موتر ران و زیر دست موتران و افراد بقدر لزوم منظور واوازم و مصارف لازمهٔ اطفائیه نیز باصول درست تهیه و تنظیم گردیده است .

٤ ـ یك تعداد محافظینیکه برای حفاظت سیم برق جبل السراج جدید منظور گردیده است به اندازهٔ یك بلوك نفری است که عبارت از ضابط وسلاح اندازباشد . آنهم دربست کوتوالی کابل منظور گردیده چنانچه نفرات و البسه و غیره مایحتاج شان تدارك شده است .

٥ ـ یك تعداد کاتب ها ویکنفر زیر دست برقی بمحبس خانهٔ دهمزنگ جدید منظور گردیده تا کارات افزوده و ادارهٔ عمر های صناعتی را بخوبی یا خبری نموده باشند و امور تنویریهٔ آنهم درست باشد و هم چنان یکنفر باشی برای کار خانهٔ نل و خشت سمنت سازی منظور شده است .

٦ ـ یك عده نفری کهبرای کارات محافظی در وزارت فواید عامه موجود بود قرار بست منظوری بودجه در بست افراد کوتوالی ولایت کابل گرفته شده هم چنان حمالان ریاست گمرك کابل داخل بست کوتوالی و پلیس آمده انتظام تکمیل نفر و غیره ما یحتاج اداری شان بعمل آمده است .

۷ ـ برای تشکیل پلیس های دائمی درمرکز حکومات کلان شمالی ، غزنی ، لوگر توتیباتی گرفته شده ودران جمله افراد سائر و خورد ضابطان ومنصبداران با موتر های لاری و تجهیزات درست ومصارف لازمه تشکیل گردیده است .



از عمارات جدید قوماندانی کوتوالی کابل ؛ فابریکهٔ نساجی محبس عمومی که بطرف شمالی تعمیر محبس واقع است

Dans la prison centrale de Kaboul: Nouvelle fabrique de tissage.

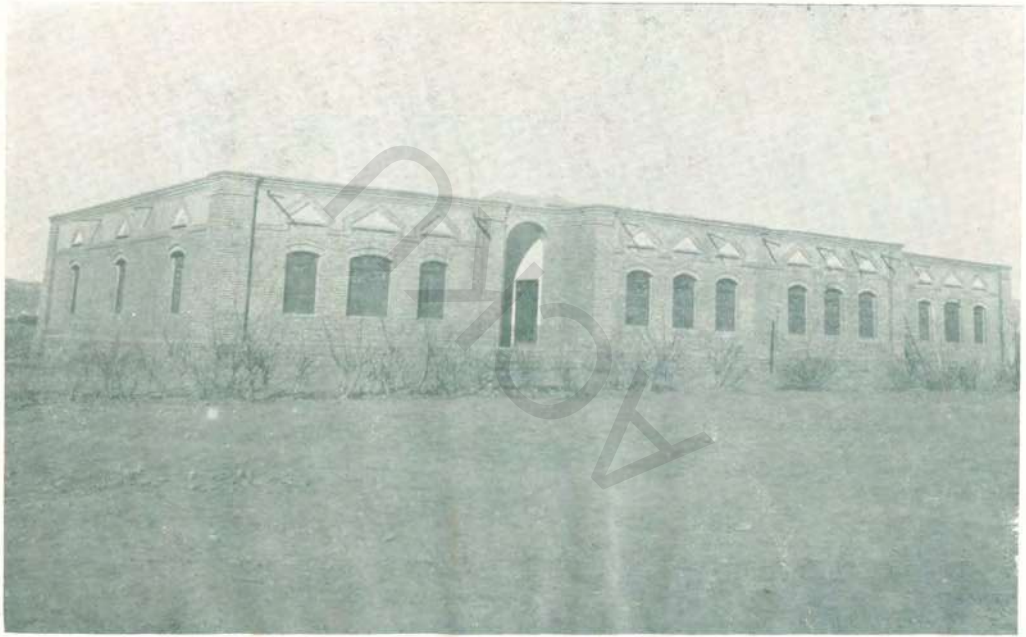


از عمارات جدید قوماندانی کوتوالی کابل : مدخل عمومی و برج سنگر دار شمالی غربی محبس دهمزنگ
L'entrée principale de la nouvelle prison de Kaboul

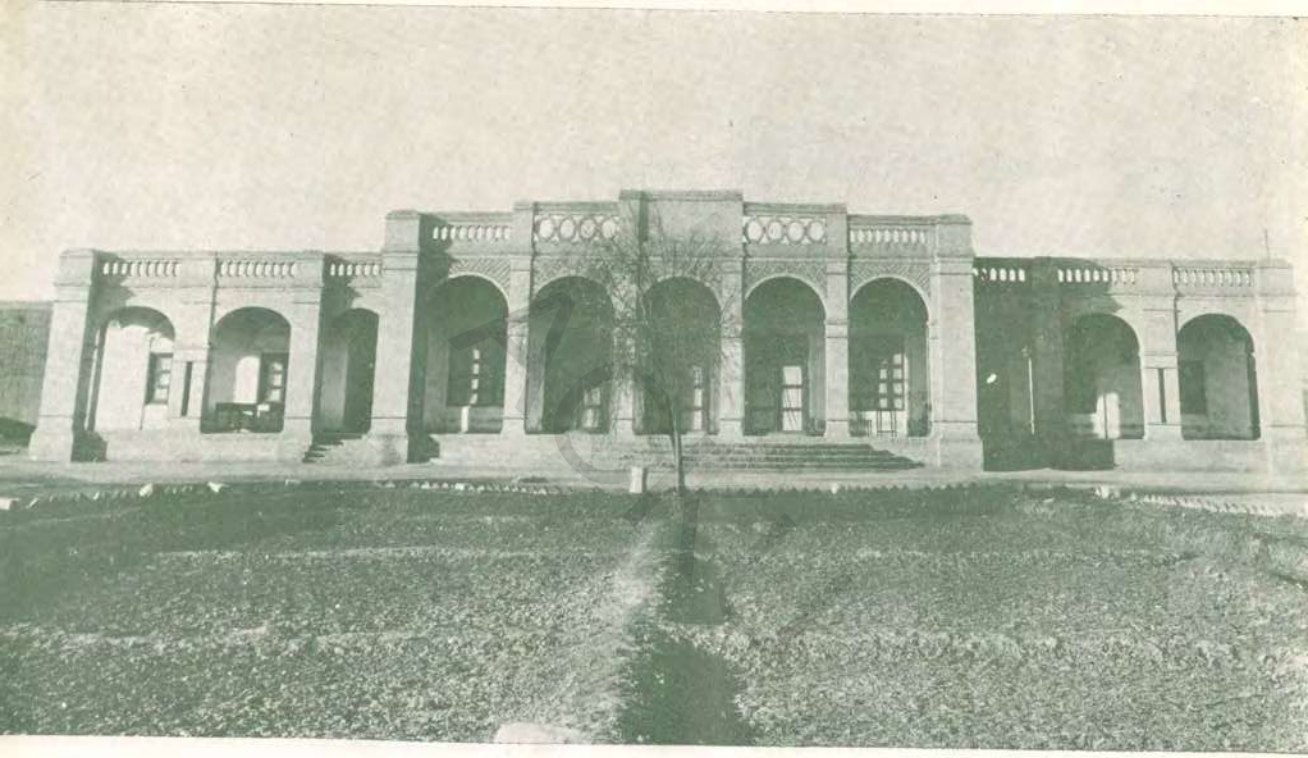


از عمارات هرات : عمارت نائب‌الحکومگی که درزمن ع ، ج عبد الرحیم‌خان نائب‌الحکومهٔ سابق ، ساخته شده

Palais du gouverneur nouvellement construit à Hérat



از عمارات جدید ولایت هرات: مکتب در شهر نو
École nouvellement construite à Hérat



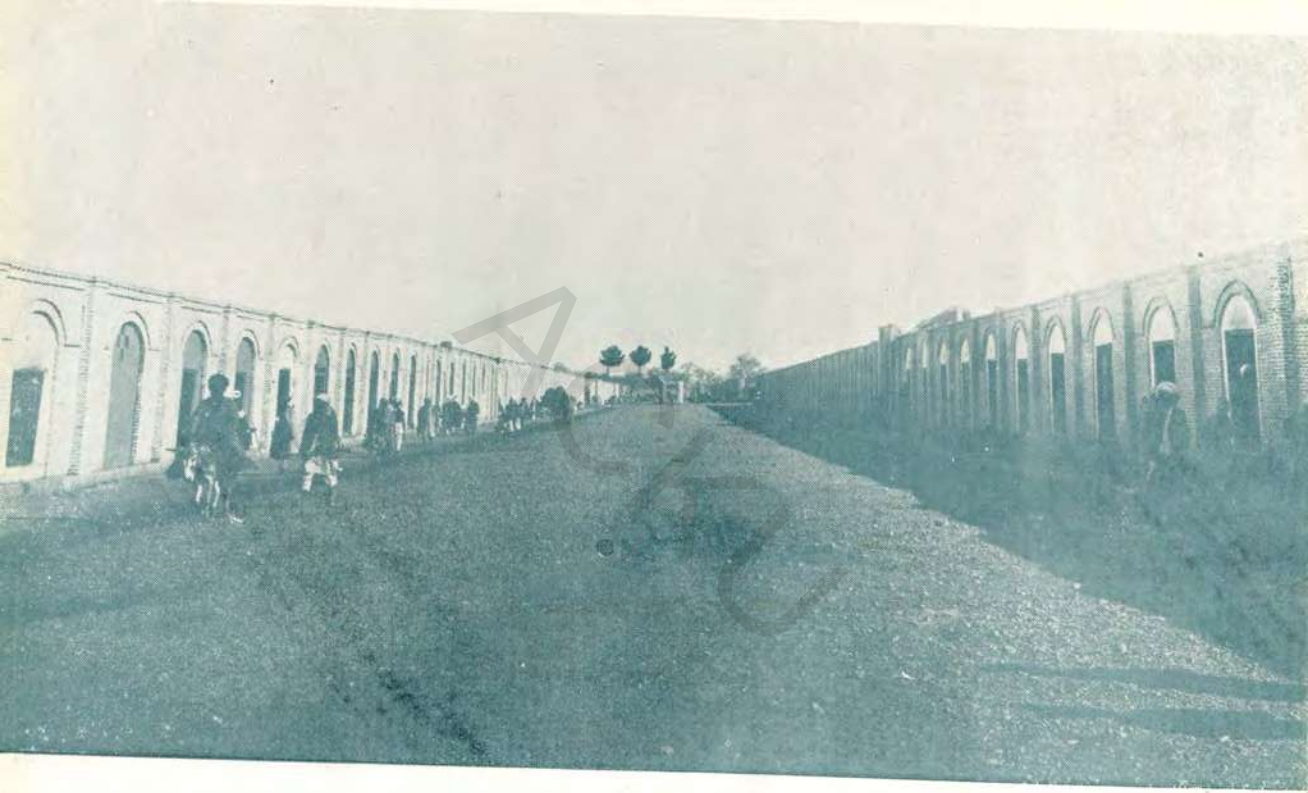
ازتعمیرات جدید ولایت هرات : عمارت ریاست بلدیه درشهرنو

Nouvel immeuble de la municipalité d'HÉRAT

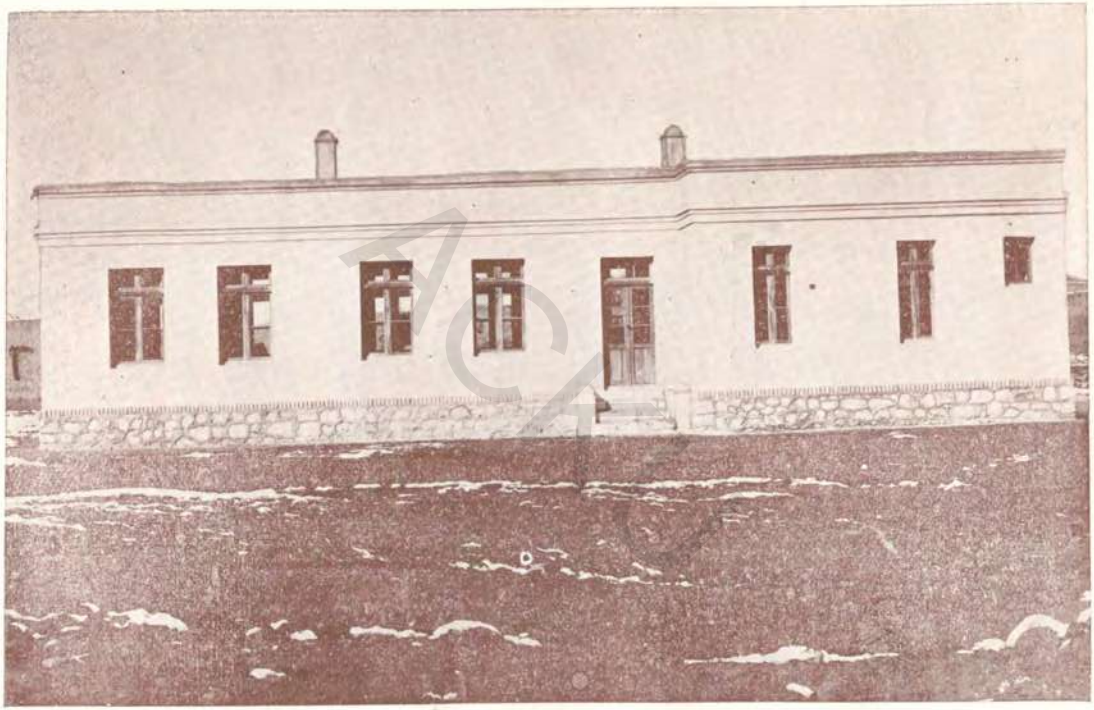


از عمارات جدید ولایت هرات : یکی از بازارهای جدید شهر نو

Un des nouveaux bazars de la ville d'HÉRAT



از عمرانات جدید ولایت هرات : بازار نو در حکومتی غوریان
Nouveaux bazars à GHORIIAN (Prov. d'HÉRAT)



از عمرانات سال ۱۳۱۵ حکومت اعلای میمنه ؛ عمارت تلگرافخانهٔ مرکزی

Station télégraphique nouvellement construite à Maimanah



از عمرانات سال ۱۳۱۵ حکومت اعلای میمنه : عمارت حکومتی درجه اول پشتون کوت

Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Maimanah

۸ـ : قوهٔ ضابطهٔ حکومتی درجهٔ ۳ جدید التشکیل (ازرو) مربوط حکومتی کلان لپو گرد و هم چنان قوهٔ ضابطهٔ علاقه داری جدید التشکیل (امنه) مربوط حکومتی کتواز درین سال جدید تشکیل و تنظیم و نفرات و اسلحه و البسه و غیرهٔ شان تهیه شده است .

۹ـ : برای اصلاح امور حسابیهٔ قوماندانی های کوتوالی مطابق اصول جدید محاسبات در مرکز قوماندانی های کوتوالی ولایت قندهار و هرات و مزار شریف وقطغن و بدخشان وحکومتی اعلای سمت جنوبی ترتیبات لازمه اتخاذ و شعبات اجرائیه و کنترول تاسیس و وظایف هر شعبه از هم تفریق و مسئولیت تعین گردیده است تا امور حسابیهٔ قوماندانی های پولیس بصورت درستی در تدویر بیاید البته در سال ۱۳۱۶ شعبات محاسبهٔ باقی قوماندانی ها نیز به اصول جدید تعدیل خواهد یافت .

۱۰ـ : قوهٔ ضابطهٔ سه حکومتی محلی و یك علاقه داری جدید التشکیل مربوط مرکز ولایت هرات تکمیل و تنظیم شده است .

۱۱ـ : به قوماندانی کوتوالی مرکزی ولایت قطغن یکنفر سرمامور پلیس بدرجهٔ کندکشر و یکنفر کاتب پلیس بدرجهٔ ٤ و به قوماندانی کوتوالی مرکزی حکومتی کلان شمالی و قوماندانی کوتوالی فراه و میمنه یك یك نفر مامور پلیس بدرجهٔ تولی مشر و یك یك نفر کاتب پلیس بدرجهٔ ٤ برای حسن انتظام امور جزائیه و رفاه عامه منظوری یافته است .

۱۲ـ : به قوماندانی کوتوالی مرکزی حکومتی اعلای سمت مشرقی یك عده پلیس که عبارت از یك تولی و از درجهٔ ضابط و خورد ضابط و سلاح انداز باشد و یکنفر تولی مشر پیاده قسم حاضر باش جدید منظور و هکذا

در حکومتی در جهٔ ۳ جدید التشکیل نورستان قوهٔ ضابطهٔ حکومتی مطابق بست یك حکومت محلی منظور گردیده است .

۱۳ـ « بحکومتی درجه اول چغانسور یکنفر تولی مشر پیاده و یك بلوك سواره جدید منظور شده است .

۱۴ـ « برای رفاهیت عامه در چند نقطهٔ ذیل « دروازهٔ قم « میرزایلی « آبدان میر علم « دشت خیر آباد (در ولایت مزار شریف) « چنگالی و جلوگیری ـ دولت آباد (درحکومتی اعلای میمنه) تهانه جات مخصوصه تاسیس و قوهٔ ضابطهٔ آنها تشکیل شده است .

قسمت سوم : امور صنعتی مجلس عمومی :

مجلس عمومی که در اثر افکار ترقی خواه حکومت متبوعهٔ ما از عرصهٔ چهار سال است تشکیل و برای مشغولیت و اصلاح خیالات محبوسین تقریباً از سه سال باینطرف کارخانه های بافندگی و نجاری و معماری و رنگ ریزی وغیره دران تأسیس و محبوسین مشغول گردیده اند اکنون اکثریه ماهر کار شده اند « درعرض سال ۱۳۱۰ تاسیس بعضی دستگاها و کارخانه های جدید که بعمل آمده و محبوسین دران مشغول و مصروف شده و به اکثریه نفری که ماهر کار شده اند اجرت کار شان اجوره هم داده می شود قرار ذیل است :

الف ـ کارخانه های جدیدالتأسیس :

۱ « کارگاه بافندگی تسر دو برهٔ پشمی و نخی .

۲ « کارخانهٔ خیاطی .

۳ « « بوت دوزی .

٤ ، کارخانهٔ خشت کپربل برای پوشش عمارات .
٥ ، « آهنگری .
٦ ، « بوریا بافی .
٧ ، « ساخت بند تفنگ و امثال آن .

ب ـ کارخانه های سابقه که وسعت داده شده :

١ ، کارخانهٔ شطرنجی بافی وسعت کافی داده شده
٢ ، « تسمه بافی « «
٣ ، « الچه بافی « «
٤ ، « نل و خشت سنعتی « «
٥ ، « گلیم بافی « «
٦ ، « کاشی سازی « «
٧ ، « تابلو نویسی « «
٨ ، « نجاری « «
٩ ، « خرادی « «
١٠ ، « رنگرزی « «
١١ ، « حلبی سازی « «
١٢ ، « قالین بافی « «

ج ـ زراعت ترکاری در باغ محبس مطابق فن زراعت خوبتر شده است .

د ـ اجرا آت شعبهٔ معماری که در همین سال ١٣١٥ به عمل آمده عبارت ازسلسلهٔ تعمیرات از قبیل تعمیر جدید توقیف خانه و اکمال بعضی نواقص مثلاً تعمیر چاه حمام محبس و غیره میباشد .

در حکومتی در جهٔ ۳ جدید التشکیل نورستان قوهٔ ضابطهٔ حکومتی مطابق بست یك حکومت محلی منظور گردیده است .

۱۳ـ : بحکومتی درجه اول چغانسور یکنفر تولی مشر پیاده و یك بلوك سواره جدید منظور شده است .

۱۴ـ : برای رفاهیت عامه در چند نقطهٔ ذیل : دروازهٔ قم ، میرزایلی ، آبدان میر علم ، دشت خیر آباد (در ولایت مزار شریف) ، چنگالی و جلوگیری ـ دولت آباد (درحکومتی اعلای میمنه) تهانه جات مخصوصه تاسیس و قوهٔ ضابطهٔ آنها تشکیل شده است .

قسمت سوم : امور صنعتی مجلس عمومی :

مجلس عمومی که در اثر افکار ترقی خواه حکومت متبوعهٔ ما از عرصهٔ چهار سال است تشکیل و برای مشغولیت و اصلاح خیالات محبوسین تقریباً از سه سال باینطرف کارخانه های بافندگی و نجاری و معماری و رنگ ریزی وغیره دران تأسیس و محبوسین مشغول گردیده اند اکنون اکثریه ماهرکار شده اند ، درعرض سال ۱۳۱۵ تاسیس بعضی دستگاها و کار خانه های جدید که بعمل آمده و محبوسین دران مشغول و مصروف شده و به اکثریه نفری که ماهر کار شده اند اجرت کار شان اجوره هم داده می شود قرار ذیل است :

الف ـ کار خانه های جدیدالتأسیس :

۱ : کارگاه بافندگی تسر دو برهٔ پشمی و نخی .

۲ : کار خانهٔ خیاطی .

۳ : « بوت دوزی .

۲ـ علاقه داری انجیل و آنجان، حکومت درجه اول تشکیل گردیده مرکز حکومت مذکور انجیل تعین شده .

۳ـ علاقه داری جوی نو و آنشان حکومت درجه ۲ تشکیل گردیده مرکز حکومت مذکور جوی نو تعین شده .

(هر سه جدیدالتشکیل حکومات مذکور مربوط مرز دارالحکومه گرمسار است)

٤ ـ علاقه داری کرخ که از سابق منظوری داشته ومربوط مرکز دارالحکومگی بود اکنون مربوط حکومت جوی نو شده .

د : ـ حکومت اعلای مشرقی :

علاقه داری های نورستان لغمان و کامدیش نظر بوسعت محیط و اینکه از مراکز حکومات مربوطه بعید بود برای اینکه در امور اداری حکومت و معاملات اهالی تسهیلات بوده باشد بدو حکومت درجه ۳ تشکیل گردیده به این تفصیل :

علاقه داری نورستان لغمان بحیث حکومت درجه ۳ مربوط حکومت اعلاء و علاقه داری کامدیش بحیث حکومت درجه ۳ مو سوم به (لندی سین) مربوط حکومت کلان اسمار و کنر های سمت مشرقی .

هـ ـ حکومت اعلای فراه :

علاقه داری انار دره مربوط ولایت هرات نظر بمطالعات اداری ازولایت هرات منفك و به حکومت اعلای فراه مربوط شده .

از مقرریها و ترفیعات جدید وزارت داخله :

و ، ج ، شیرمحمد خان وکیل نائب الحکومهٔ قطغن و بدخشان نظر بمراتب خدمتگذاری و صداقتیکه از مشار الیه بمشاهده پیوسته ترفیعاً بنائب الحکومگی

۲ـ صورت تعدیل و تشکیلات جدید ملکیه :

الف : ولایت کابل :

۱ـ یك علاقه داری بنام (امنه) مربوط حکومت درجه اول کتواز ازحیث اهمیت موضع تشکیل یافته .

۲ـ اسم علاقه داری سه پای مربوط حکومت کلان دایزنگی ازنقطهٔ نظر تاریخی بنام شارستان تبدیل گردیده .

۳ـ مناسباً ریشخور سفلی بنام حضرت سلطان و ریشخور علیا بنام سلطان قلعه تبدیل درنظر گرفته شده

ب : ولایت قندهار :

۱ـ اسم حکومت درجه اول کدنی مربوط مرکز دارالحکومه گی به نسبت عدم موزنیت اسم سابقهٔ حکومت مذکور واتساع زبان ملی (پشتو) بنام (سپین بولدك) تبدیل یافته .

۲ـ مرکزحکومت درجه ۲ غورك به علاقه داری خاکریز وعلاقه داری خاکریزبه غورك تبدیل شده که خاکریزحکومت و غورك علاقه داری نامیده میشود.

۳ـ علاقه داری نیش که سابق به غورك مربوط بود کنون بحکومت خاکریز ارتباط یافته .

٤ـ انفکاك قریهٔ پاتان ولشگرازحکومت گیزاب به نسبت بعد مسافه وارتباط آن ازحیث نزدیکی بعلاقه داری چورهٔ ارزگان .

ج : ولایت هرات :

۱ـ علاقه داری‌های : گذاره وادوان وتیزوان وکبراق حکومت درجه اول تشکیل گردیده مرکز مذکور گذاره تعین شده

عاید ات شان علاوه از سال گذشته سپیا شد ، چنانچه احصائیهٔ اجرا آت و عاید ات محاکم که سنجیده شده قرار ذیل است :

الف : ریاست عالیهٔ تمیز :

تعداد فیصله جزائی ـ ٦٠ فقره ـ تعداد فیصلهٔ حقوقی ـ ٣٨ فقره .

پول عاید ات (٢٤٥٢) افغانی

ب : محکمهٔ مرافعه و ابتدائیهٔ مرکز کابل و محاکم شرعیهٔ مربوطهٔ آن :

تعداد فیصلهٔ حقوقی ١٩٠٤ فقره ـ تعداد فیصلهٔ جزائی ـ ٨٧٨ فقره .

« وثایق شرعی ٥١٣٦١ قطعه ـ « نکاحنامهٔ باکره ـ ٦٢١١قطعه

« نکاحنامه ثیبه ٣٢٥١ « ـ پول عاید ات (٤٠٩٢٦٠) افغانی .

ج : محکمهٔ مرافعه وابتدائیهٔ مرکز و محاکم شرعیهٔ مربوطهٔ ولایت قندهار :

تعداد فیصلهٔ حقوقی ٧٠٩ فقره ـ تعداد فیصلهٔ جزائی ٦٦٦ فقره .

« وثایق شرعی ٩٧٥٥ قطعه ـ « نکاحنامهٔ باکره ١٥٨٧ قطعه

« نکاحنامهٔ ثیبه ٨١٠ « ـ پول عاید ات (٨٦١٥٣) افغانی .

د : محکمهٔ مرافعه و ابتدائیهٔ مرکز و محاکم شرعیهٔ مربوطهٔ ولایت هرات :

تعداد فیصلهٔ جزائی ٦٤٥ فقره ـ تعداد فیصلهٔ حقوقی ٥٢٩ فقره .

« وثایق شرعیه ٨٦٨٤ قطعه ـ « نکاحنامهٔ باکره ١٥٧١ قطعه

« نکاحنامهٔ ثیبه ٧٠٨ « ـ پول عاید ات (١٠٧٥٠) افغانی .

هـ : محکمهٔ مرافعه و ابتدائیهٔ مرکز و باقی محاکم شرعیهٔ مربوطهٔ ولایت مزار شریف :

تعداد فیصلهٔ حقوقی ٦٧٨ فقره ـ تعداد فیصلهٔ جزائی ٧٧٢ فقره .

« وثائق شرعی ١٢٢٢٨ قطعه ـ « نکاحنامهٔ باکره ٣٦٤٦ قطعه

و لایت موصوف .

ع . ع « محمد هاشمخان حاکم کلان بدخشان بحکومت کلان غزنی .

« « « غلام محی‌الدین خان وکیل شورای ملی بحکومت کلان دایزنگی .

« « « میر اکبر خان حاکم شنواری سمت مشرقی ترفیعاً به حکومت کلان ولایت مربوط و لایت قندهار .

« « « سید عباس خان وکیل شورای ملی بحکومت کلان بدخشان .

امور عدلیه

وزارت عدلیه در سال ۱۳۱۵ به تعقیب خیالات شریعت پرورانه و نیات حسنهٔ عدالت گسترانهٔ اعلیحضرت همایونی مثل سنوات ماضی در صدور اوامر لازمه و اعضای عدایات مکلفیه و استفتاء شرعیه به تمام محاکم شرعیه اعم از ریاست تمیز ، محاکم مرافعه و ابتدائیه ، اقدامات ، و قضات محاکم شرعیه را به اجرای امور مرجوعه و وظائف محولهٔ به شان اساس مقررات شرعیه بصورت صحیح و حقانیه توصیه و مساعی شان را بفراهم آوری رفاه وامنیت عمومیه و عدم فرو گذاشت از جلوگیری وقوعات مضره و تعیین جزای لازمهٔ شرعی برای مرتکبین قتل ، سرقه ، اخلال امنیت و غیره عطف کرده ، به عدم صدور اوامر در کاغذهای غیر رسمی و تعمیم و فروش وثائق شرعیه وتکلیفنامهٔ رسمیه مکلف شان ساخته . ودرعین حال به اجراآت و فیصله جات محاکم شرعیه غور و دقت بکار برده شده ، و می توان گفت که مجاری امور محاکم شرعیه در این سال از فضل و مرحمت خداوند متعال و نیات حسنهٔ حضرت ملوکانهٔ متبوعه نه تنها مثل دیگر سنوات ماضی بصورت صحیح و حسب خواهش بوده ، بلکه در امسال اجراآت محاکم و

ی ، محکمهٔ مرافعه وابتدائیهٔ مرکز و بافی محاکم شرعیهٔ مربوطهٔ حکومت اعلای قراء :

تعداد فیصلهٔ حقوقی ۱۶۲ فقره ـ فیصلهٔ جزائی ۶۱ فقره
وثائق شرعی ۲۰۷۳ قطعه ـ نکاحنامهٔ باکره ۶۴۷ قطعه
نکاحنامهٔ ثیبه ۲۰۰۶ قطعه ـ پول عایدات (۲۰۰۰۸) افغانی
جمع کل فیصله جات حقوقیه : (۶۱۰۴ فقره)
« « جزائیه : (۴۲۷۹ «)
« وثائق شرعیه : (۱۲۰۰۶۷ قطعه)
« نکاحنامه ها : (۳۶۸۶۶ «)
« عایدات نقدی : (۱۰۰۰۹۰۳۰۷) افغانی
اضافه گی عایدات نسبت به سال ۱۳۱۴ (۶۰ فیصد)

ازمقرری‌ها وترفیعات جدید وزارت عدلیه

ف ، ملا محمد محسن خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ دای چوپان (قندهار) تبدیلاً به قضای محکمهٔ دند مربوط ولایت قندهار .

« ، ملا کریم الله خان قاضی محکمهٔ ابتدائیه تیرین (قندهار) تبدیلاً به قضای محکمهٔ دای چوپان مربوط ولایت قندهار .

« ، ملا فضل‌حق خان قاضی‌محکمهٔ ابتدائیهٔ نوزاد (قندهار) تبدیلاً به قضای محکمهٔ تیرین مربوط ولایت قندهار .

« ، ملا ، عبدالله خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ خاکریز (قندهار) تبدیلاً به قضای محکمهٔ گرمسیر مربوط ولایت قندهار .

ف ، ملا صالح محمد خان به قضای محکمهٔ نوزاد مربوط ولایت قندهار .
« ، ملا عبدالقدوس خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ کشك نخود تبدیلاً به قضای محکمهٔ دهله مربوط ولایت قندهار .
« ، ملا عبدالوهاب خان مفتی محکمهٔ مرافعهٔ قندهار ترفیعاً به قضای محکمهٔ سپین بولدك (کدنی سابق) مربوط ولایت قندهار .
« ، ملا سید خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ قلات به قضای محکمهٔ دهراوود مربوط ولایت قندهار .
« ، ملا نورالحق خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ جلدك ترفیعاً به قضای محکمهٔ قلات مربوط ولایت قندهار .
« ، ملا عبدالحلیم خان ترفیعاً به قضای محکمهٔ ارغستان مربوط ولایت قندهار .
« ، ملا آقا محمد خان مفتی محکمهٔ ابتدائیهٔ شورابك قندهار ترفیعاً به قضای محکمهٔ دهله مربوط ولایت قندهار
« ، ملا محمد عمر خان مفتی محکمهٔ ابتدائیهٔ هرات ترفیعاً به قضای محکمهٔ جدیدالتشکیل حکومتی گذاره مربوط ولایت هرات .
« ، ملا شیر محمد خان مفتی محکمهٔ ابتدائیهٔ هرات ترفیعاً به قضای محکمهٔ جدیدالتشکیل حکومتی جوی نو مربوط ولایت هرات .
« ، ملا نصرالدینخان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ اوبهٔ هرات تبدیلاً به قضای محکمهٔ جدیدالتشکیل حکومتی انجیل مربوط ولایت هرات .
ف ، ملا عبدالله خان به قضای محکمهٔ ابتدائیهٔ درهٔ صوف مربوط ولایت مزار شریف .
« ، ملا فیض محمد خان مفتی محکمهٔ ابتدائیهٔ اشکمش (مزار) ترفیعاً به قضای

محکمهٔ مذکور .

« ، ملا عبدالرحیم خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ اندراب (قطغن) تبدیلاً بقضای محکمهٔ دوشی مربوط ولایت قطغن .

« ، ملا بسم الله خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ دوشی (قطغن) تبدیلاً به قضای محکمهٔ اندراب مربوط ولایت قطغن .

« ، ملا عبدالسلام خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ تالقان (قطغن) تبدیلاً به قضای محکمهٔ کشم مربوط ولایت قطغن .

ف ، ملا عبدالحلیم خان قاضی محکمه ابتدائیهٔ حضرت امام صاحب ، (قطغن) تبدیلاً به قضای محکمهٔ قندوز مربوط ولایت قطغن .

« ، ملا محمد جان خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ کشم (قطغن) تبدیلاً به قضای محکمهٔ تالقان مربوط ولایت قطغن .

« ، ملا عبدالصمد خان قاضی محکمهٔ ابتدائیهٔ قندوز (قطغن) تبدیلاً به قضای محکمهٔ حضرت امام صاحب مربوط ولایت قطغن .

امور مالیه

امور حسابیه و معاملات عایدات و مصارف و توازن بودجه ، یکی از بزرگ ترین شعبات اداری یك مملکت بشمار رفته ، حسن انتظام حسابات و جمع و خرج یك مملکت از یکطرف برای سائر اجرا آت و اقدامات آن مملکت سهولت زیادی پیش میکند ، از طرف دیگر از حسن جریان امور مزبوره که منتج به افزونی تحاصیل عمومی و رفاه عامه میگردد نمایندگی مینماید .

خو شبختانه درین چند سال اخیر امور حسابیه در ردیف سائر امور مملکت مورد توجه خاص اولیای دولت واقع و برای اصلاح و تسهیل اصول محاسبات مملکتی تدابیر درستی اتخاذ گردیده که از اثر مطالعات و تحقیقات چند ساله درسال ۱۳۱۵ تحول خوبی در اصول حسابیه مطابق سیستم های عصری وارد آمده و امید میرود که از اثر این اقدامات امور حسابیهٔ مملکت رونق و انتظام صحیحی را مالک شده در نتیجه ترقیات و انزونی قابل‌ملاحظهٔ در عایدات مملکتی‌وارد و هم موجبات مزید رفاهیت اهالی گردد. خلاصهٔ اجراآت سال ۱۳۱۵ وزارت مالیه قرار ذیل است :

۱ ـ ترتیب بودجهٔ مملکتی مابت سال ۱۳۱۵ که بوقت مقرره و بصورت موازنهٔ صحیح عایدات ومصارف تدوین و پس از طی مراتب اصولی و احراز تصویبات لازمه ، به عموم دوائر مملکت توزیع گردیده و نیز در طول سال مذکور بصورت صحیح در اجرای آن تدقیق و نگرانی بعمل‌آمده است .

۲ ـ عملی ساختن طرز جدید محاسبات که از ۲ سال با ینطرف زیر مطالعه بوده پس از تجارب لازمه در سال ۱۳۱۵ ابتداء در ولایت کابل و بعد در تمام ولایات و حکومات اعلی مورد تطبیق واقع گردیده و در اخیر سال مذکور محاسبات بعضی دوائر دیگر ازقبیل وزارت مالیه و وزارت‌تجارت ووزارت پست وتلگراف ومطبعهٔ عمومی کابل وغیره نیزمطابق اصول‌جدید مذکور تحت اجراء گرفته شد و در همه دوائر مذکوره نتائج اطمینان بخش بدست آمده ـ چنانچه از اثر این کامیابی درابتدای سال ۱۳۱۶ دفاتر حسابیهٔ باقی دوائر مملکتی هم بهمین طرز نو تعدیل داده شده ـ گویا اکنون تمام

دوا ئر حسا بی و طن عز یز ما بیك اصول واحد و مطا بق طرز جدید که نظر بمشورهٔ مشاور مالی وزارت مالیه بر حسب طرز محاسبا تی معمولهٔ امروزهٔ دول عالم و نظر به تطبیقا ت و تجارب اساسیه ، ترتیب یافته ، درجر یان میباشد .

این اصول جدید که در دوائر مالیاتی مملکت اجرا آت امور را بصورت صحیح ، سریع ، واضح و ساده جریان میدهد ، طوریکه شایسته است طما نیت وضمانت بزرگیرا راجع به صحت اجرا آت دوائر متضمن میباشد ـ قواعد اساسی و تشکیلات جدیدهٔ آن قرار آتی است :

۱ ـ تقسیمات صحیح وظایف در بین مامورین .

۲ ـ تفرید و تشخیص مسئولیت های اشخاص .

۳ ـ کنترول سریع ، ساده وموثر قبل ازشروع وبعد ازانجام هریك از امور .

٤ ـ ارتباط نزدیك و صحیح بین دوائر مختلفه بصورتیکه اگر برای هر کدام از دوائر مذکوره بر حسب صلاحیت مخصوص او اختیارات داده شود البته از نتیجهٔ آن یك کار صحیح و مرتب بوجود خواهد آمد .

وظائف مربوطه در هر یك از دوائر (مرکزی و محلی) دربین مامورین به چهار فریق ذیل منقسم است .

الف ـ وظائف اجرائیه .

ب ـ « محاسبه .

ج ـ « تحصیلی واردات .

د ـ « تحویلات و تادیات .

از اثر تقسیم طبقات فوق الذکر و ظائف مذکور در بین چهار دسته : مامورین اجرائیه ، مامورین محاسبه ، تحصیلداران وارداتی . وخزانه داران منقسم گردیده است . ترتیب ارسال صورت های حساب از محالات بمراکز و مراجع بواسطهٔ فرستادن تابلوی های موعدی (جدول) مخصوصه است که بطور خلص ترتیب و وقتاً فوقتاً ارسال میگردد .

۳ ـ عوائد حکومتی از اثر حسن انتظام امور ومساعی مأمورین مربوطه اعم از مامورین وزارت مالیه و مستوفیان و سررشته داران اعلی و غیره در سال ۱۳۱۵ نسبت به سال ۱۳۱۴ (۷ ونیم) فیصد اضافه شده است .

٤ ـ باقیات دولت در سال ۱۳۱۵ به نسبت ۱۳۱٤ (۱۷) فیصد زیادتر حصول شده است .

امور مطابع و صکوکات :

درین سال امور مطابع ، ترقیات زیادی را حائز گردیده وعلاوه ازجدیت و فعالیتیکه در طبع جرائد و مجلات و کتب و تهیهٔ جداول و افسام منشورات وغیره کار آمد دوائردولتی واشخاص انفرادی به عمل آمده ، یك عده ماشینهای طباعتی جدید که مطابق تازه‌ترین اصول عصری میباشد ، خریداری و وارد شده که بعضی از آن نصب و دایر گردیده و باقی در شرف نصب است . گویا درین سال یك مطبعهٔ مکمل باتمام لوازم ضروریهٔ آن تهیه گردیده که البته اثرات مفید و موزونی که در مطبوعات و نشریات و عموم کارات طباعتی

وطن عزیز ما ازان وارد خواهد شد ، بزودی بهمه کس معلوم خواهدگردید . درینجا تنها به ذکر اسمای ماشین های عمدهٔ جدید الورود اکتفا می ورزیم :

۱ ـ : ماشین های زینکو گرافی مکمل باتمام لوازم از (قسم ماشینها و سامان عکسی و « هلیوگیولوشی سازی » و کمره های « رویرود کسیون » (طبع مجدد) و « و رتیکال » و « ردوکسیون » (خوردن کردن) و کلیشه سازی و شیمی گرافی و رو توش و کاپی سنگ و چست والمونیم و غیره ادویهٔ و دیگر لوازم کیمیاوی) (۲۰) پایه

۲ ـ : ماشین های صحافی مکمل از قبیل ماشین های دوخت تار وشیرازه بندی اتو ماتیك (خود کار) و دو خت سیم و ماشین های برش اتو ماتیك و قات کردن و و قایه سازی به انواع مختلف برای هر گونه کار و قایه و شبکه کردن تکت های پستی و غیره (۱٤) پایه

۳ ـ : ماشین (آف سیت) برای طبع مضامین و تصاویر ساده ورنگه ازروی چست که در هر ساعت ٤ و نیم هزار نسخه طبع میکند (ازکار خانهٔ رولند) (۱) پایه

٤ ـ : ماشین های طبع حروفی ازقسم « گودرون » و « استرا » و « فولی » و « اتومان » و « ریو » و « وتیکل : همه اتو ماتیك (خود کار) از بهترین و اعلا ترین رقم ماشین های عصری (٤٠) پایه

٥ ـ : ماشین چاپ بسر جسته (حروف و نقشها و پیرو غیره) و « کپر دروك » (۳) پایه

۶ ـ ، ماشین های پنتوگراف گراویر (تصاویر) از فابریکهٔ « دکل » برای کار (گراویر) هموار و بر جسته بر فولاد و مس و جست و سنگ و شیشه ـ باموتر های برقی (۲) پایه

۷ ـ ، ماشین های گراویر (تصاویر) از فابریك « کلمش » برای گراویر سنگ و شیشه . (۲) پایه

۸ ـ ، ماشین های گیولوشی سازی صنکوکات ازفابریکهٔ « ندرنای وین » از بهترین و اعلا ترین ماشین های عصری (۲) پایه

۹ ـ ، ماشین‌های‌متفرقه برای کارات طباعت‌وحروف‌چینی وغیره (۱۲) پایه

۱۰ ـ ، سامان متفرقه از قسم سامان رسامی و عراده های حمل و نقل کاغذ و سنگ و غیره و غیره .

مقرریها و ترفیعات جدید وزارت مالیه :

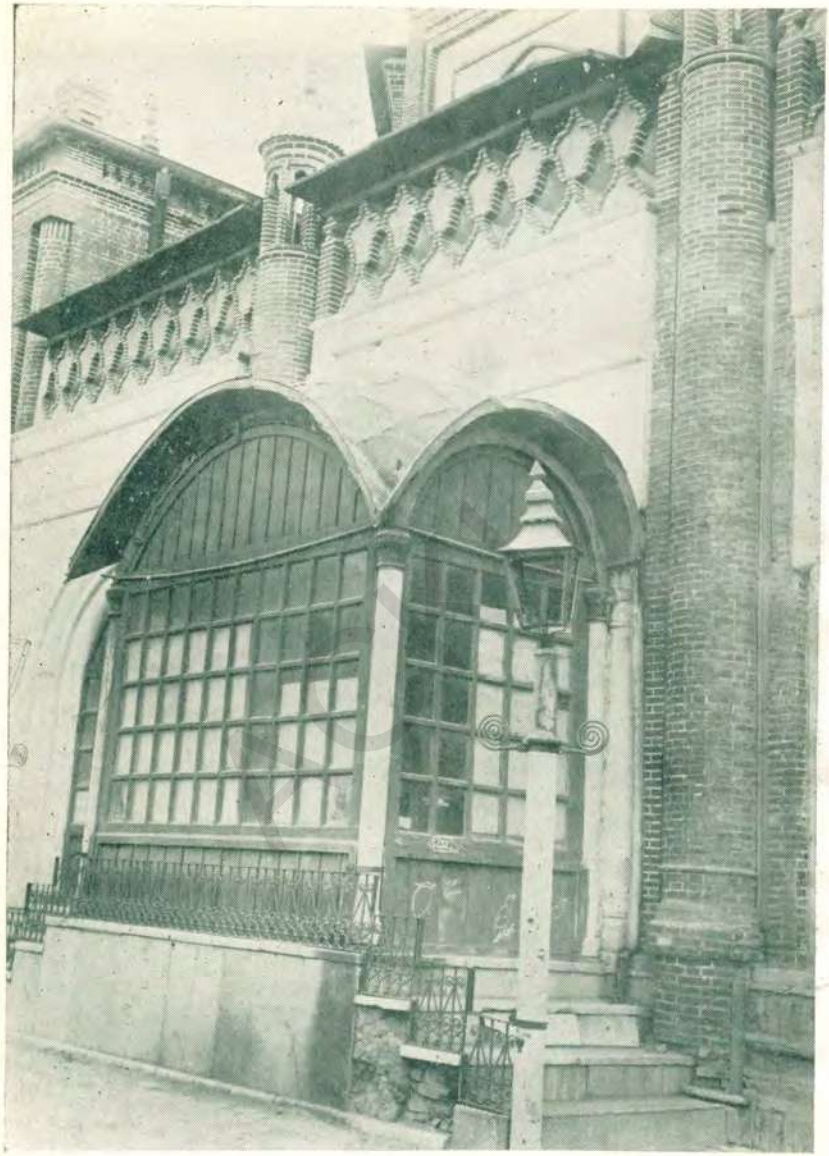
ع ، ص محمد علیخان سابق مدیر محاسبهٔ وزارت دربار به مستوفیت ولایت هرات .

ص ، فقیر محمد خان سابق منشی شورا بمدیریت اوراق وزارت مالیه .

« محمد نعیم خان سابق سررشته دار اعلای قراه بمدیریت جدیدالتشکیل املاك وزارت مالیه .

ص ، نور احمدخان سابق مدیر مالیهٔ گرشك به سررشته داری اعلای قراه .

« ، عبدالحنان خان به معاونی خزانهٔ عمومی .



یك حصه از عمارت کتابخانهٔ وزارت معارف در کابل

Une partie des bâtiments de la bibliothèque du ministère de l'instruction publique à Kaboul:



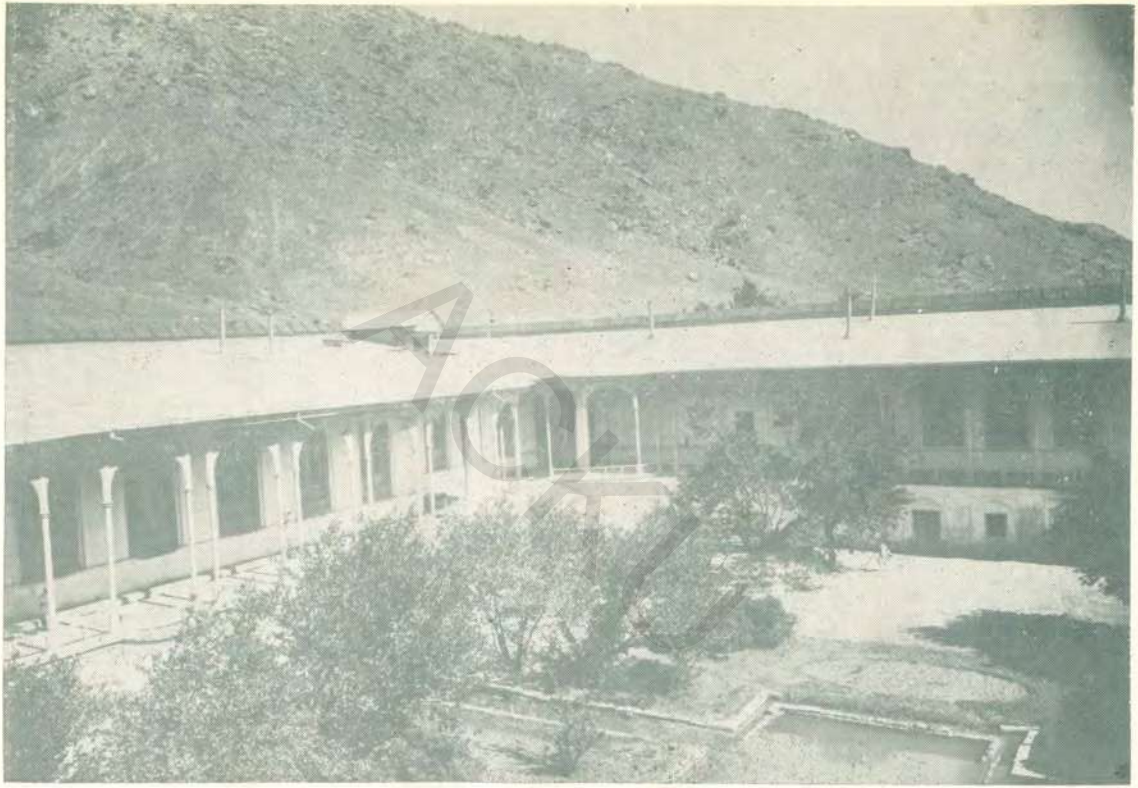
منظرهٔ خارجی عمارت کلوب معارف در کابل

Vue externe de l'immeuble du club de l'instruction public à Kaboul



منظرهٔ داخلی یك حصه از عمارت مکتب عالی حبیبیه در کابل

Une vue des bâtiments du Collège Habibi-iah à Kaboul.



عمارت مکتب زراعت در کابل (واقع باغ بابرشاه)

Vue interne des bâtiments de l'Ecole de l'Agriculture à Kaboul

امور معارف

افغانستان طوریکه درهرشعبهٔ مدنی خود حرکت قابل توجهی کرده درشعبهٔ معارف نیز ازحیث کیفیت وکمیت ترقی شایانی نموده وتعداد مکاتب و موسسات عرفانی به پیمانهٔ جالب توجهی افزود گردیده است .

این معارف موجوده فی الحقیقت بعد از اغتشال ۱۳۰۷ ـ ۱۳۰۸ که اثری ازان نبود بتوجهات فیمتدار اعلیحضرت شهید سعید بوجودآمده ، وعلاقه مندی ذات با برکات اعلیحضرت المتوکل علی الله بمعارف آنراوسعت بخشیده ، چنانکه می بینم معارف درین سال نسبت بسال گذشته ترقی نمایانی کرده برعدهٔ مکاتب فی صد (پنجاه) و برعدهٔ طلبه فیصد (هفتاد) افزوده ، وتاریخ معارف افغانستان این سرعت سیر را سراغ ندارد . بلی هرحکومتی دارای مکتب گردیده میان اهالی هرسمت وحکومت معارف پرور ، گویا یك نوع مسابقه واقع شده ، حکومت هرسمت همینکه یك مکتب تاسیس میکند اهالی آنسمت برای تشکیل مکتب دیگر محل و طلبهٔ دیگر تهیه می بینند . درصورتیکه چندسال قبل تناسب برعکس بود . مسرت بخش تر آنکه در بعضی قرای دور ازمرکز حکومت ، نیز برخلاف توقع مکاتب متعددی دیده میشود ، این حال بجائی رسیده که قبلاً اسم مکتب رسمی دربعضی قراء از جملهٔ مجردات شمرده میشد اکنون یك امر عادی وازجملهٔ امور روز مره بقلم میرود .

روبهمرفته درین سال تقریباً (شصت) مکتب ابتدائی و (شش) مکتب رشدی در ولایات روی مکاتب ابتدائی ورشدی سال قبل تاسیس یافته که هر کدام ازین مکاتب دارای صدها طلبه بوده ونیزدرهر مکتب (یکصدو پنجاه)

نفر طالبه اضافه شده و در نظر است که در سال آتی (۱۳۱۶) طلاب نو وارد نیز در هر مکتب قبول و برای صنف اول (۱۰) نفر دیگر اضافه شود. طبیعی است که این تعداد غیر از تاسیس مکاتب ابتدائی است که درنظر میباشد.

این نکته را نیز در بنجا باید علاوه کرد که رشدیهای ولایات دورهٔ دوم سال خود را طی مینمایند، و بآخر سال ۱۳۱۶ دورهٔ خود را تمام خواهند کرد.

علاوه برمکاتب ابتدائی و رشدی، کورس های صنفکی و عالی که درعرض سال تاسیس یافته از قبیل کورس عالی پست و تلگراف و کورس عالی تخنیکی و کورس حفظ الصحه و زبان و غیره نیز قابل تذکر است.

چون تعمیم زبان پشتو درعرض همین سال طرف توجه قرار داده شد لذا از یکطرف در مرکز و از طرف دیگر در ولایات کورس های متعددی برای آنانیکه تا حال پشتو یاد نداشتند تشکیل گردید، و اهالی از مامور تاغیر آن همه با یك حرارت روز افزون مشغول تعلیم میباشند.

در بن سال یك عده طلاب برای تحصیل عالی در ترکیه فرستاده شده، این دسته علاوه بر محصلین سابق اند که در آنجا مشغول تعلیم بوده اند، و یکعده طلاب افغانی که در خارج تحصیلات خود را در شعبات اقتصاد، زراعتی معدن شناسی به تکمیل رسانیده اند وارد وطن شده و مشغول کار در شعبات خود میباشند.

مکاتب جدید التأسیس:

الف: ولایت کابل:

۱ـ: تاسیس یك شعبهٔ مهندسی در مکتب صنایع مرکز یکباب

۲ـ: « « « لیتوگرافی وچاپ سنگی درمکتب صنایع مرکز «

۳ـ : تاسیس مکتب ابتدائی در نیجراب	یکباب
٤ـ : « « « در محمود عراقی	«
٥ـ : « « « « یمانی وردك	«
٦ـ : « « « « بگرامی	«
۷ـ : « « « « زرغون شهر لوگر	«
۸ـ : « « « « پادخواب شاه «	«
۹ـ : « « « « داغی جان	«
۱۰ـ : « « « « ریزه کوهستان	«
۱۱ـ : « « « « استالف	«
۱۲ـ : « « « « گل بهار	«
۱۳ـ : « « « « کتواز غزنی	«
۱٤ـ : « « « « چهار آسیاب	«
۱٥ـ : « « « « خواجه مسافر پغمان	«
۱٦ـ : « « « « سرای خواجه	«
۱۷ـ : « « « « بامیان	«
۱۸ـ : « « « « دایکندی	«

جمله ۱۸ باب

ب : ولایت قندهار :

۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز	ـ یکباب
۲ : « « ابتدائی	ـ «
۳ : « « «	ـ «

٤ : تاسیس مکتب ابتدائی ـ یکباب
٥ : » » » ـ »
٦ : » » » ـ »

جمله ٦ باب

ج : ولایت هرات :

١ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز ـ یکباب
٢ : » » در گلران ـ »
٣ : » » درحکومتی کشك ـ »
٤ : » » درمرغاب ـ »
٥ : » » درغورات ـ »
٦ : » » درحوض پریان ـ »

جمله ٦ باب

د : ولایت مزار شریف :

١ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز ـ یکباب
٢ : » » ابتدائی » ـ »
٣ : » » » » ـ »
٤ : » » » » ـ »
٥ : » » » » ـ »
٦ : » » در ایبك ـ »
٧ : » » دردولت آباد ـ »
٨ : » » درسنگچهارك ـ »

۹ : تاسیس مکتب ابتدائی در ده دادی ـ یکباب

جمله ۹ باب

ه : ولایت قطغن و بدخشان :

۱ : تاسیس مکتب رشدی درخود مرکز (خان آباد) ـ یکباب

۲ : « « ابتدائی در غوری ـ «

۳ : « « « در فرخار ـ «

جمله ۳ باب

و : حکومت اعلای سمت مشرقی :

۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز (جلال آباد) ـ ۱ ـ باب

۲ : « « ابتدائی در چار باغ صفا ـ « ـ «

۳ : « « در اسلام بیگ آباد ـ « ـ «

٤ : « « در سمرخیل ـ « ـ «

٥ : « « در سنگر سرای کامه ـ « ـ «

٦ : « « در قلعهٔ آخند ـ « ـ «

۷ : « « در کنر خاص ـ « ـ «

۸ : « « در چغتو السراج ـ « ـ «

۹ : « « در بهسود مشرقی ـ « ـ «

۱۰ : « « در سلطان پور علیای سرخ رود ـ « ـ «

جمله ـ ۱۰ ـ «

ز : حکومتی اعلای سمت جنوبی :

۱ : تاسیس مکتب ابتدائی در حصهٔ دوم چمکنی ـ ۱ ـ «

۲ : « « « در رود احمد زائی ـ « ـ «

۳ : تاسیس مکتب ابتدائی در زرمت ـ ۱ ـ باب
٤ : « « « در حصهٔ ۲ زرمت ـ « ـ «
٥ : « « « در اسمعیل خیل و زائی ـ « ـ «
جمله ـ ٥ ـ «

ح : حکومتی اعلای میمنه :
۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز ـ ۱ ـ «
۲ : « « ابتدائی در پشتون کوٹ ـ « ـ «
جمله ـ ۲ ـ «

جمع کل : ـ ٥۹ ـ ٥

فعالیت تالیف و ترجمه نیز در پنسال قابل ذکر و بشرح آتی است .

اولاً ـ یکدسته کتبی که توسط وزارت معارف برای مکاتب در فارسی تالیف و ترجمه یافته .

ثانیاً ـ یکدسته کتبی که برای تعلیم زبان پشتو برای مکتب وخارج مکتب تالیف شده .

ثالثاً ـ یکدسته کتبی که بداوطلبی برای جشن استقلال تالیف وترجمه گردیده .

رابعاً ـ یکدسته کتبی که ادبا وفضلا برای تربیهٔ ادبی وفکری انشاونحریر نموده اند .

در دستهٔ اول می توان کتب عمدهٔ ذیل رانشان نمود :

۱ ـ حساب اول رشدی در حدود یکصد وپنجاه صفحه مقننه
۲ ـ « دوم « « یکصد وهشتاد « «

۳ ـ حساب سوم رشدی در حدود دو صد صفحه مقاله

٤ ـ « « چهارم « « « « «

٥ ـ دینیات رشدیهٔ اول که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق ومنهیات را در بر گرفته .

٦ ـ دینیات رشدیهٔ دوم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق ومنهیات را در بر گرفته .

۷ ـ دینیات رشدیهٔ سوم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق ومنهیات را در بر گرفته .

۸ ـ دینیات رشدیهٔ چهارم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق ومنهیات را در بر گرفته .

۹ـ تاریخ رشدیهٔ اول مشتمل بر مباحث قرون اولای آسیای وسطی .

۱۰ـ « « دوم « « وسطی « « .

۱۱ـ جغرافیهٔ « اول « طبیعی

۱۲ـ « « دوم « امریکا ، افریقا ، استرالیا .

۱۳ـ قرائت فارسی رشدیهٔ اول مشتمل برنظم ونثر فضلای وطنی

۱٤ـ « « « دوم « « « «

علاوه برکتب فوق یکدسته کتب تاریخ ، جغرافیا ، حساب ، هندسه ، نباتات ، حیوانات ، معرفة الارض ، تشریح وفیزیولوژی وغیره ، تعدیل واصلاح وبقالب نو ریخته شده است .

در دستهٔ دوم یعنی زبان پشتو میتوان کتب ذیل را بطور نمونه نشانداد :

الف : ـ کتب مکتبی :

۱ـ دینیات صنف اول ابتدائی
۲ـ « « « دوم «
۳ـ « « « سوم «
٤ـ « « « چهارم «
٥ـ حساب « اول «
٦ـ « « دوم «
۷ـ « « سوم «
۸ـ اخلاق مدنی « « «
۹ـ معلومات عمومی « « «

ب ـ کتب غیر مکتبی :

۱ ـ پشتو شو و نکی تالیف محترم محمد عثمان خان رئیس انجمن ادبی پشتو .
۲ ـ نادری ادب ترجمهٔ « « « «
۳ ـ تفسیر سورهٔ فاتحه « « « «
٤ ـ لوی اصحابان « محترم مولوی قیام الدین خان عضو « دردوجلد.
٥ ـ نوی زوندون تالیف « « «
٦ ـ د مرغلرو امیل از طبع « « « (منظوم).
۷ ـ دپشتو لړی کتاب (برای استفادهٔ طلبا) تالیف محترم مولوی قیام الدینخان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد .
۸ ـ پشتریاد (برای استفادهٔ طلبا) ازطبع محترم محمد گل خان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد .

۹ ـ الفاروق ـ ترجمهٔ محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتو در دوجلد .
۱۰ ـ داسلام خوږی خبری ـ ترجمهٔ محترم محمداعظم‌خان عضوانجمن ادبی پشتو .
۱۱ ـ اصول تعلیم وتربیه درمکاتب ابتدائی ـ ترجمهٔ محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتو .
۱۲ ـ رساله راجع بعلم ـ تالیف محترم‌محمد اعظم‌خان عضو انجمن ادبی پشتو .
۱۳ ـ د پشتو لوست (برای استفادهٔ طلبا) که از طرف مدیریت معارف قندهار تهیه و تالیف شده .
۱٤ ـ دپشتوخبری ـ تالیف محترم پاینده محمدخان معلم مکتب استقلال که ازطرف انجمن پشتو حلیهٔ طبع پوشیده .

دردستهٔ سوم یعنی کتبی که بدا و طبعی درجشن استقلال تالیف و ترجمه یافته :

۱ ـ مکانیك توپچی ـ اثر محترم روزنار دی اینا لوی انجنیر توپچی ترجمهٔ محترم محمد آصف خان پیلوت .
۲ ـ معلومات عمومی توپچی ـ اثر محترم‌محمد غوث خان رشاد (که از کتاب « روح توپچی » اقتباس و تعدیل شده) .
۳ ـ نظریات انداخت توپچی ـ ترجمهٔ محترم محمد ناصر خان که ازمنسوبین همین مسلك است .
٤ ـ تعلیم نامهٔ سوار کاری ـ ترجمهٔ محترم‌خواجه محمدخان کندکشر معلم‌سواری مکتب حربیه .
٥ ـ اصول استفاده ازتاریخ عسکری ـ تالیف و ترجمهٔ محترم احمد الله خان فوفلزی
٦ ـ پسیکولوژی «علم الروح» عسکری « « «

۷ ـ کیمیای تحلیلی ـ اثر پروفسور توماس انگلیزی ، ترجمهٔ محترم محمد عظیم خان متعلم فاکولتهٔ طب .

۸ ـ فیزیولوژی « علم تشریح » تالیف سترلنگ عالم انگلیزی ، ترجمه باعلاوات از طرف محترم عبد الرحمن خان متعلم فاکولتهٔ طب در دو جلد .

۹ ـ زراعت تجارتی ـ تالیف محترم حسن علیخان معلم سابق مکتب زراعت و کاتب ریاست تعلیم و تربیهٔ وزارت معارف .

۱۰ ـ د کچنیا و اخلاقی پالنه ـ اثر سپنسر ترجمه وتعدیل مطابق محیط بزبان پشتو از طرف محترم فیام الدین خان عضو انجمن پشتو .

۱۱ ـ تجوید کافی ـ اثر محترم قاری محمد ابراهیم خان که مستقیماً در پشتو تالیف یافته .

۱۲ ـ گلدستهٔ حکمت ـ جمع وترتیب محترم علی احمد خان احراری متعلم مکتب زراعت .

۱۳ ـ ادبیات ـ اثر محترم عبد الحی خان حبیبی مدیر طلوع افغان .

۱۴ ـ گلد سته د پشتو ـ تالیف محترم محمد اعظم خان عضو انجمن پشتو (متعلق صرف و نحو زبان ملی) .

۱۵ ـ رهنمای پشتو ـ جمع وتالیف محترم پاینده محمد خان معلم مکتب استقلال .

۱۶ ـ مکتب همشیره گریان ـ اثر طبع محترم محمد حیدر خان شاعر ملی و ترجمان دارالتحریر شاهی .

۱۷ ـ چمنستان ـ منتخبات نظم ونثر ادبی جمع وترتیب محترم محمد عثمانخان سرکاتب و میر او طالب خان کاتب ریاست تعلیم و تربیهٔ وزارت معارف .

۱۸ ـ مهر سرخ : ترجمهٔ محترم میر محمد امین خان متعلم مکتب استقلال .

۱۹ ـ مدنیت اسلامی اندلس : اثر فاضل مصری احمد زکی پاشا و ترجمهٔ محترم غلام جیلانی جلالی عضو انجمن ادبی کابل .

۲۰ـ سلطان محمود غزنوی : تالیف دکتور شمس ناظم هندی و ترجمهٔ محترم عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل .

۲۱ـ شیر شاه سوری : تالیف محترم محمد عثمان صرکاتب ریاست تعلیم و تربیهٔ وزارت معارف ، تعلیم یافتهٔ مکتب عالی حبیبیه .

در دستهٔ چهارم یعنی کتبیکه برای تربیهٔ ادبی و فکری انشاء و تحریر یافته بطور نمونه میتوان کتب ذیل را ارائه کرد :

۱ـ سخندان فارس : تالیف فاضل هندی محمد حسین آزاد مرحوم ترجمهٔ محترم قاری عبدالله خان ملك الشعرا عضو انجمن ادبی کابل .

۲ـ شعر العجم : (حصهٔ سوم) تالیف علامه شبلی نعمانی وترجمهٔ محترم سرور خان گویا عضو انجمن ادبی کابل .

۳ـ حکیم سنائی : تالیف محترم خلیل الله خان خلیلی مدیر شعبهٔ اول صدارت عظمی .

٤ـ بامیان : تالیف مسیوها کن وترجمهٔ محترم احمد علیخان مترجم دارالتحریر شاهی .

٥ـ هیکل ساری قدیم افغانستان : تالیف دا کتر هنری هراس معلم دار الفنون بمبائی وترجمهٔ محترم عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل .

٦ـ آثار عتیقه کوتل خیبر خانه : تالیف پروفیسورها کن عضو هیئت عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان ، ترجمهٔ سید قاسم رشتیا عضوانجمن ادبی کابل .

وزارت معارف در ترمیم و تعمیر بناهای مکاتب نیز حسب مقررات و اعتباراتی که برایش داده شده است بعض بناها را تعمیر و بعض مکاتب را ترمیم نموده است .

ترمیمات با لجمله مکاتب مرکز و حتی الامکان مکاتب اطراف را در

عرض سال آغاز کرده در اثنای تدریس باتجام رسانیده است .

در ترمیم و اصلاح بعض مقامات آثار عتیقهٔ بامیان مصارف هنگفتی بخرج رسانیده است . بنابرین در ظرف این سه سال اخیر تنها برای قدر شناسی از آثار عتیقهٔ وطن لکها افغانی تخصیص و بمصرف رسیده است . خلاصه زحمات علمی و مدنی که درین باب بخرج رسیده نظر علمای دنیا را بخود جلب کرده .

مرغ خانهٔ مکملی مربوط بمکتب زراعت که قبلاً در پهلوی بنای مکتب زراعت (بین ده بوری و علی آباد) تعمیر کرده بود ۱۰ کنون در چمن میر واعظ بنا یافته که برای پرورش تقریباً (۳۰۰۰) مرغ آماده و مستعد می باشد .

عمارتی برای پرورش حیوانات جهت مواد آبله کوبی وچیچک که باندازهٔ کافی لازم بود تعمیر نموده .

تعمیر لابوراتور (تجزیه‌خانهٔ کیمیاوی) عمومی و مرکزی را که از سه سال باینطرف زیرتعمیر بود امسال پوشش سوم رسانیده ساختمان آنرا پوره کرده است .

تعمیر فابریکهٔ را که برای شعبهٔ نجاری صنایع درنظر بود آغاز گذاشته است.

عمارتی برای کورس عالی تخنیك که درحقیقت فابریکهٔ تخنیکی میباشد درعرض سال تاسیس ودروس آن درعمارت مکتب صنایع آغاز یافته بود اساس گذاشته به تعمیر آن شروع کرده است .

تعمیر بنای فاکولتهٔ طبی ودارالفنون که مدت چهارسال درینای مختلف دارالفنون درسخانه هاولابوراتورهای خود رادائرواجرامیکرد باتمام مربوط تش آغاز یافته .

درباب حفاظت آثارعتیقه وحفریات نیز وزارت معارف اقدامات نموده نتایج

مفیدی بدست آورده صدها وثائق تاریخی را که راجع بدور براهمانی و بودائی وزردشتی ونیز راجع بدور های هخامنشی‌ها ، یونانیان ، ساسانیان و اسلامیان وطن بود ، کشف کرده دراثبات تاریخ مدنیت قدیمهٔ آسیای وسطی وجنوبی صفحات ممتازی علاوه نموده است . حفر یاتی‌که بعمل آمده است در نقاط ذیل بوده :

در بگرام یا کاپیسا که متعلق بقبل از میلاد عیسی علیه السلام بوده .

در چخانسور که قسمتی بدورهخامنشیان ساسانیان وقسمتی متعلق دوراسلامی بوده .

در قندوز که مربوط به دورهٔ یونانی بوده .

علاوه برین درنقاط مختلف مملکت جهت بدست‌آوردن آثرتاریخی حفریات جزئی زیادی شده که از تفصیل آن درینجا صرف نظر کرده شد .

مقرر یها و ترفیعات جدید وزارت معارف :

ص ، محمد قاسم خان مدیرتحریرات وزارت به عضویت ریاست تعلیم وتربیه .

« ، غلام حیدر خان مدیر مکتب غازی بمدیریت معارف ولایت قندهار .

« ، عبدالواحد خان معلم مکتب غازی بمامور یت معارف ولایت هرات .

« ، غلام محی‌الدین خان معلم‌مکتب صنائع به معاونی مدیریت مکتب مذکور .

امور تجارت وفلاحت و صنائع

امور تجارت و فلاحت و صنائع که اقتصادیات عمومی مملکت را تشکیل میدهد همانطوریکه ازبدوتاسیس‌حکومت موجوده ، مورد توجه خاص اولیای امور قرار گرفته ، دوائر حکومتی بالخاصه وزارت تجارت نیز درین رشته له داخل وظائف آن میباشد ، اقدامات بسیار جدیانه بعمل آورده که از برکت آن

روز بروز اوضاع اقتصاد عمومی مملکت شکل بهبود بخود گرفته و مخصوصاً در سال ۱۳۱۵ درشعب اقتصادی از قبیل ساختمان بندها وشهر ها ، ترقی صادرات و تشویق صنائع و تشکیل و تعمیم شرکت ها و اصلاحات تعرفه و امور پولی و غیره و غیره اقدامات خوبی بعمل آمده است که ماذیلا بطور مختصر فقرات عمدهٔ آن را شرح میدهیم :

شعبهٔ تجارت :

تاسیس شرکتهای جدید :

بنا بر تشویق و توجهٔ وزارت تجارت که به مقصد تمرکز سرمایه و اصلاح امور تجارتی بعمل آورده درسال ۱۳۱۰ پیش از سال های گذشته در توسعهٔ مؤسسات تجارتی و اصلاح اصول تجارت و اجتماع سرمایه افزونی خوبی رخ داده است . شرکتهای جدیدیکه درین سال تاسیس گردیده ذیلاً تحریر میشود :

۱ : تاسیس و افتتاح شرکت اتحادیهٔ شمالی ، که ازاجتماع شرکت های سابقهٔ ولایات شمالی بوجودآمده ودرابتدای سال ۱۳۱۵ افتتاح گردیده کلیهٔ صادرات قره کلی و پنبه و پشم و واردات اموال زراعت و غیره را مینماید .

۲ : شرکت اتحادیهٔ هرات ، که آنهم از اجتماع شرکت های سابقهٔ هرات تشکیل و از یکطرف صادرات پوست قره کلی و پشم واز طرف دیگر واردات اجناس رخت باب و غیره را عهده دار میباشد .

۳ : شرکت «وطن» قندهار ، برای واردات اموال جاپانی و صادرات پشم قندهار وغزنی واثار دره (قراه) ومعدنیات و پنبه وتریاک که درسال ۱۳۱۵ تاسیس گردیده .

٤ ـ اجتماع شرکت « رشتیا » (بلخ) و « متوکین » (مزار) و « افغان » (مهمنه) که باهم دست اتحاد داده اند و کنار واردات اجناس رخت باب و صادرات قره قلی را میکنند .

(تفصیل تشکیل وسرمایه و اجرا آت شرکت های مذکور در جملهٔ ذکر دیگر شرکت های داخلی در تحت عنوان « شرکت های تجارتی » درج شده است)

٥ ـ تجدید و تمدید امتیاز شرکت پشتون قندهار ، که چون مدت امتیاز شرکت مذکور در اول سال ١٣١٦ خاتمه میباید ، بنابر درخواست شرکت مذکور ومطالعات وزارت تجارت امتیاز صادرات میوهٔ خشك قندهار برای ٥ سال دیگر و انحصار واردات شکر و پطرول و سائر روغنیات موتر برای سه سال دیگر شرکت پشتون داده شده است .

چون روده یکی ازصادرات مهم مملکت بشمار رفته حاصلات آن سال به سال ترقی کرده میرود اثر اقدامات وزارت تجارت حق الاجارهٔ آن نسبت بسابق ترقی و برای سه سال به اجاره داده شده است .

شعبهٔ زراعت و فلاحت :

الف : امور بند ها :

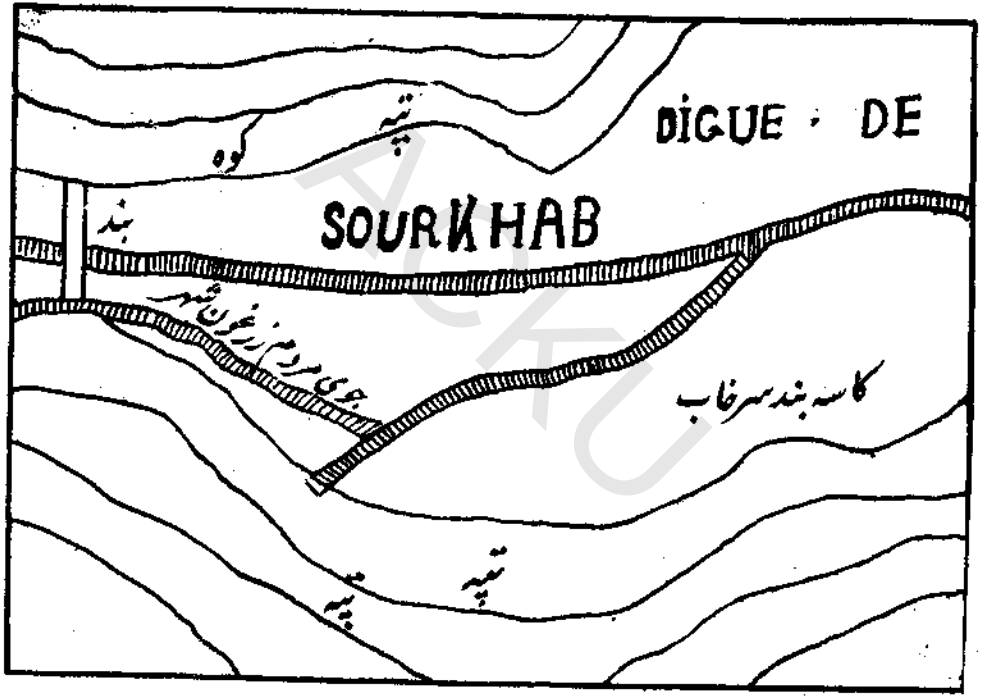
چون ازدیاد ثروت یك مملکت منوط به ترقی زراعت و وابسته به یکمقدار کفایت بخش آبست لهذا حکومت ترقی پرورما درصدد تعمیر یك عده بند های مهم برآمده اساس تعمیرا کثریهٔ آنها : (بند قرغه ، خروارسرخاب زنه خان ، بندسراج غزنی ، مچلغو) درعصر سلطنت بانی ترقی وطن یعنی اعلیحضرت شهید سعید نهاده شده در عصر اعلیحضرت المتوکل علی الله

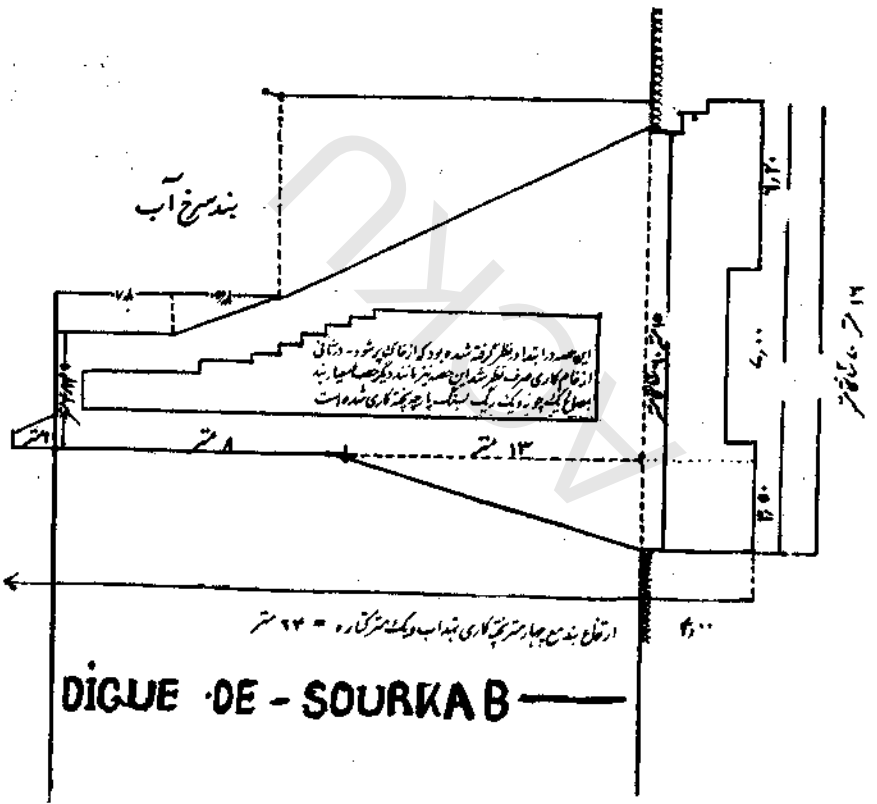
به عمران بندهای مذکور ادامه داده شده کار تعمیر بعضی از آنها نیز مثلا بند سرخاب با تمام رسیده وترمیم بند سراج غزنی تمام است. مادراینجا درجهٔ پیشرفت تعمیر واستعداد آبیاری و غیره خصوصیات بندهای جدید التعمیر را ذیلاً شرح میدهیم:

۱ ـ بند سرخاب لوگر :

کار بند سرخاب بتاریخ روز سه شنبه ۱۶ سنبله ۱۳۰۹ شروع شده و به اخیر میزان ۱۳۱۴ اختتام یافته در ماه قوس به نگران بند مذکور از وزارت تجارت امر داده شد تا دروازهٔ بند را محکم نموده بدون یك مقدار آب ضروری اهالی ما بقی آن را در کاسهٔ بند برای سنه ۱۳۱۶ ذخیره نماید. طول آن ۱۱۴ متر وارتفاع آن ر۲۰ متر ۲۰سانتی وعرض دیوار بسطح زمین ۱۷ سانتی متر است. شکل دیوار بند مخروطی بوده هرقدر که بالا میرود درضخامت کمتر شده میرود. حصهٔ پخته کاری یعنی جسم بند ۳۳۰۷۲ متر مکعب است.

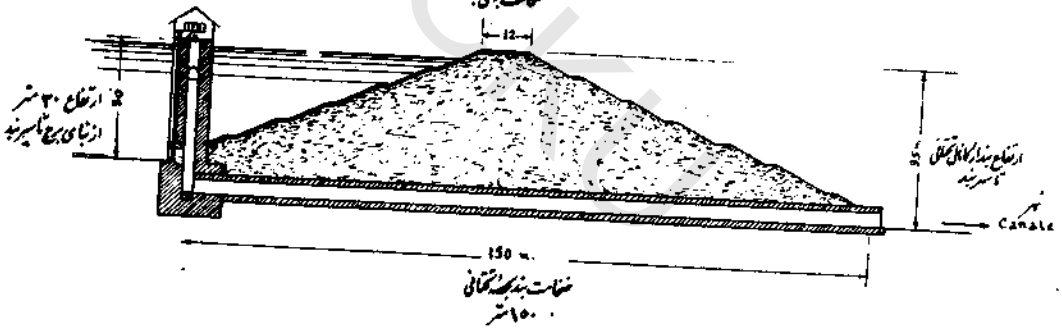
عرض کاسهٔ بند باوسط ۱۴۴ متر است وطول آن ۱۵۰۰ متر وارتفاع آن ۲۰ متر ۷۰سانتی میباشد باینحساب ظرفیت کاسهٔ بندیعنی مقدار آبیکه دران گنجایش دارد ده ملیون (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) متر مکعب آب میشود. مقدار آب مذکور درصورتیکه عوارض نبخیر و نفوذ در خاك وغیره کشیده شود یکبار ده هزار (۱۰،۰۰۰) جریب زمین را آب داده میتواند وچون کاسهٔ بند را در یکسال سه دفعه قرار بیان مهندس پر کرده میتوانیم لهذا مقدار آب سالانه به پانزده ملیون (۱۵،۰۰۰،۰۰۰) مکعب متر میرسد که آبیاری سی هزار (۳۰،۰۰۰) جریب زمین رافی سال تکافو کرده میتواند.


DIGUE · DE
SOURKHAB
تپه
کوه
بند
جوی مردم زرغون شهر
کاسه بند سرخاب
تپه
تپه


بند سرخ آب
۱۳ متر
۸ متر
۱۶ متر
DIGUE DE - SOURKAB

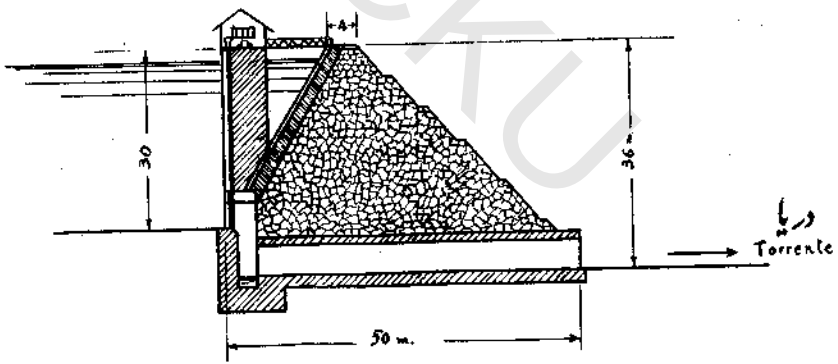
نقشه بند قرغه DIGA di KARGA'

مقیاس $\frac{1}{1000}$ بند قرغه Scala 1:1000



DIGA di KARWAR

بند خروار Scala 1:1000



ACKU

بند سـ خاب یکی از عمرانات مهم زراعتی است که از فیض توجهات حکومت مبتوعهٔ ما به حصول پیوسته است . فائدهٔ خوبی که از تعمیر بندها به ملت میرسد همانا مسکون ساختن نواحی و پابند ساختن یکعدهٔ زیاد هموطنان ما است بکار زراعت که خوشترین و بهترین مشاغل میباشد ؛ سی هزار جریب زمین تکافوی حوائج حیاتیهٔ یك عده عائله های کثیر را نموده آنها را بزمین داری مشغول میسازد .

۲ـ بند خروار لوگر :

بند خروار از حیث متانت وموقعیت وفراخی کاسهٔ بند در جملهٔ بندها درجهٔ اول را اتخاذ نموده وهم یکی از شاه کارهای عمرانات عصرحاضره بشمارمیرود . بند خروار در یك تنگی واقع بوده طول حصهٔ تحتانی آن ۲۰ متر و ارتفاع آن ۳۰ متر وطول حصهٔ فوقانی آن ۲۵۰ متر معین شده است . چنانچه از روی نقشهٔ آن معلوم میشود طرفین تنگی مذکور سنگلاخ بوده برای تعمیر بند خیلی موزون ومستعد است . متن بند ازسنگ خشکه تعمیر گردیده لاکن آن بدنهٔ بند که رخ به آب و متصل به آب است بعرض ۲ متر و۵۰ سانتی متر پخته کاری شده است و مخلوطی مصالح پخته کاری مذکور از چونه و سمنت و سندله و ریگ است که علاوه بران جهة منع نفوذ آب بقدر پنجاه سانتی ورق سمنتی دیگر نیز دارد . بند خروار که ضخامت حصهٔ تحتانی یك دیوار آن ۵۰ متر و عرض حصهٔ فوقانی آن یعنی بارتفاع ۳۰ متر ٤ متر میباشد دارای ظرفیت (۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰) متر مکعب آب خواهد بود و (۷۵۰،۰۰۰) جریب زمین را آب داده خواهد توانست واگر بدو دفعه پر شود (۱٤۰،۰۰۰) جریب زمین را آبیاری خواهدکرد . برج مجرای آب بند مذکور ۳۰ متر بلندی دارد . مخلوطی مصالح تعمیر برج مذبور از سنگ و سمنت و

ریگ است و ماشین حرکت دروازهٔ بند بالای همین برج نصب خواهد شد.

دروازهٔ برج ٥ در ٤ متر بوده ازفولاد ساخته شده است. مجرای آب بقسم صوف (تونل) سنگی بطرف چپ دیوار بند درمیان تکه های سنگلاخ و بطور خیلی مضبوط تعبیه شده است که بدهن آن دروازهٔ بند نصب شده از طرف بالا حرکت داده میشود. طول صوف ٥٠ متر و ارتفاع آن ٤ متر و عرض آن ٣ متر است و فی ثانیه از صوف مذکور ١٢ مکعب متر آب خارج میشود. پایان ترازبند بعد از علاقهٔ چرخ لوگرسه نهر از آب بند جریان خواهدیافت که یکی از آنها دشت زیر کوتل خرپیچك را آبیاری خواهد نمود و دوم آن دشت شاه مزار و غیره را حاصل خیز خواهد ساخت وسوم آن دشت خاکه را سیراب خواهد نمود.

بنای بند خروار در سنه ١٣١٠ نهاده شده در هر سال یك حصهٔ مهم تعمیر آن بسر رسیده است قرار اطلاع مدیر بند خروار کارات سنه ١٣١٥ که ذریعهٔ مدیریت بند بعمل آمده بقرار ذیل است:

١ ـ پخته کاری دیواربند ـ ١٦٩٢ متر مکعب
٢ ـ پخته کاری برج مجرای بند ـ ٦٣٧ متر مکعب
٣ ـ خشکه کاری پشت بند ـ ٦٨٢٥ متر مکعب
٤ ـ کانکریت انداخته شده است ـ ٩ متر مکعب و ٥٨ سانتی متر مکعب
٥ ـ سمنت کاری حصهٔ جنوبی بند: طول ٥٣ متر عرض ٢ متر و ٢٠ سانتیمتر و ارتفاع ٦ متر.
٦ ـ سمنت کاری حصهٔ شمالی بند: طول ٢٧ متر عرض ٢ متر و ٢٠ سانتیمتر و ارتفاع ١١ متر.

در عقب برج کنر شده طول ٧ متر عرض ٧ متر ارتفاع ١١ ونیم متر.

۷ ـ خشکه کاری بند بدو مرتبه کار شده مرتبهٔ اول به پخته کاری برابر است و مرتبهٔ دوم به ۱۰ متر رسیده بسال ۱۳۱۶ در نظر است که کار بند خروار باتمام برسد. اراضی لامزروع ذریعهٔ این بند شاداب و سرسبز خواهد شد ونفوس زیادی بکار زراعت مشغول شده آرام خواهند شد.

۳ ـ بند قرغه :

در بین راه کابل و پغمان در یك تنگی که ساختمان آن خاکی است واقع شده باستثناء منار و مجرای آن که پخته و سمنت و سنگ خشتی و غیره بوده بند قرغه در حصهٔ تحتانی دارای ۲۰۰ متر طول بوده در حصهٔ فوقانی بارتفاع ۳۰ متر ۵۰۰ متر طول پیدا میکند. دیوار بند قرغه از خاك است و تهداب پیش روی بند تا اندازهٔ ۱۶ متر عمیق کنده وپرشده. ضخامت دیوار بند قرغه در ته داب ۱۵۰ متر است و در حصهٔ فوقانی تخمیناً ۱۲ متر میباشد این تپهٔ عظیم خاکی که تشکیل می یابد ذریعهٔ نفری اجوره کار که خاك را توسط واگون ها نقل میدهند تعمیر میشود اگرچه بذرایع میخانیکی ممکن بود که کار ساختمان بند اجرا میشد ولی بواسطهٔ که ازیك عده نفری بیکار مملکت کار گرفته شود و آنها بیکار نمانند بذریعهٔ نفری کار میشود. ظرفیت کاسهٔ بند یعنی مقدار گنجایش آب آن (۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰) ملیون مکعب متر است یعنی (۲۷۰۰۰) جریب زمین را آبیاری خواهد کرد.

مجرای آب بند قرغه از سنگ و سمنت بطور خیلی مضبوط تعمیر شده تهداب ۱۷ در۱۷ متر و از روی زمین بالا ۷ متر در ۷ متراست. بلندی آن ۳۰ متر تعین شده است. حصهٔ خارجی روی داخلی برج مذکور از سنگ خشتی و سمنت تعمیر میشود و حصهٔ داخلی آن مخلوط از سنگ پارچه و سمنت

ساخته شده و قطر و سطح برج دونیم متر است در برج مذکور سه در وازه تعبیه شده است که بار تفاع مختلف واقع بوده عند الضرورت یکی از آنها و یا همهٔ آنها به یکباره گی باز میشوند . در وازهٔ اول ۲ متر در ۳ متر در حصهٔ پایان برج نصب میشود و دوعدد دروازهٔ دیگر که یکنیم متر در ۲ متر مساحه دارند یکی بحد ۱ بر ۳ و دیگری بحد ۲ بر ۳ ارتفاع برج نصب میگردند .

در وازهٔ اول که وزن آن ۸ خروار است ۲ متر در ۳ متر بوده ذریعهٔ ماشین مخصوص که بحصهٔ بالای برج محکم میشود حرکت خواهد کرد .

یك سمت برج که طرف دیوار بند واقع است سنگ مرمر نصره زده گی شانده میشود تا درجهٔ بلندی آب معلوم شود و به پهلوی برج یك زینهٔ آهنی تعبیه شده است که ذریعهٔ آن نفری بالای برج رفته و پایان شده میتوانند . وقتیکه آب از دروازه های برج عبور میکنند درمیان یك صوف طویل جریان مییابد که ارتفاع آن ۳متر و عرض آن ۰ ۳متر وطولش هم ۳۰ متراست . این حصهٔ صوف درمیان سنگلاخ حفر گردیده کار آن خیلی مشکل بوده و دو سال برای انجام آن بکار برده شده است .

نهر بند که دارای گنجایش ۸ مکعب متر فی ثانیه است ٤ متر عرض داشته خیلی دور امتداد می یابد یعنی تقریباً تا زیر کوتل خیر خانه وحدود قریبهٔ آن میرسد .

سطح داخلی دیواربند از یك طبقه سنگ ویا کدام مادهٔ سخت دیگر پوشیده خواهد شد . چون درتحت بندفرغه یکعده زیادکاریزهاموجود بودلهذا لازم دیده شد که کاریزهای مذکور بواسطهٔ مخلوط خاك و بیتون و سمنت مسدود گردد . علاوه براین که بند فرغه زمین بسیاری را آبیاری میکند برفشنگی مناطرفریهٔ خویش

نیز خیلی‌ها خواهد افزود ومیتوان در کناره های آن جاهای غسل آبستنی تعمیر کرد و برای کشتی رانی وتفریح اهالی نیز یك موقع موزونی پیدا خواهد شد. برای مملو ساختن کاسهٔ بند لازم است که یك حصهٔ دریای پغمان را درموسم زمستان دران بریزند.

وفی الحقیقت بند قرغه بعداز خاتمه یافتن خدمت مهمی در آبادی نواحی نزدیك قرغه وشهر کابل خواهد نمود و برای همیشه یك یادگار پرقیمتی از تاسیسات عصر سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه سعید غفرالله له که اکمال آن درعصر سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله ملکهٔ وسلطنته بعمل میآید باقی خواهد ماند.

حصهٔ پخته کاری بند قرغه که درسال ۱۳۱۵ کار شده قرارذیل است:

تهداب	۱۱ در ۱۷ در ۱۰ مساوی	۱۸۷۵	مکعب متر
۱ ـ برج	۷۴ در ۳۰ مساوی	۲۲۲۰	»
	جمله	۴۰۹۰	»
۲ ـ کانکریت تهداب		۵۰۰	»
۳ ـ پخته کاری مجرا			
کانکریت تحت مجرا	۱۶۰ در ۵ در ۱۵ مساوی	۴۰۰	مکعب متر
» کان		۷۰۰	»
	جمله	۱۱۰۰	»
۴ ـ پخته کاری به سنگ پارچه و مخلوط سمنتی	۱۰ در ۱۶۰ مساوی	۱۶۰۰	»
جملهٔ پخته کاری برج و صوف و مجرا		۵۷۰۰	»
۵ ـ باقیماندهٔ پخته کاری برج	۷۴ در ۱۳ مساوی	۱۰۰۰	»

۴ ـ بند زنه خان غزنی:

بند زنه خان غزنی فی الحقیقت اصلاح و تکمیل و توسعهٔ تعمیر آن بندی

است که در زمان سلطان محمودغزنوی ساخته شده و بعد ازان شاید در اثر سیلاب منهدم وازکار برآمده . بند سابقهٔ زنه خان با وجود ضخامت دیوارش چون ذریعهٔ مهندس علم آوری شد معلوم گردید که تهداب نداشت لهذا برای ازدیاد مقاومت و پایداری بند بحصهٔ دیوار بالمقابلهٔ بند سه متر تهداب پیش روی و سه متر دیگر به پشت بند کشیده شده چون بحصهٔ پخته گی یعنی سنگ رسید شروع به بلند نمودن دیوار ثانوی بند ازداخل وخارج شده وعلاوه بران برای منع نفوذ آب احتیاطاً بآ نطرف دیوار بند که آمد آب است بضخامت یکنیم متر دیگر بعمق تهداب گل انداخته تیك شده تا که اگر با لفرض کدام مسام ویا منفذی مانده باشد گل مذکور بفشار آب درمیان منفذ جا گرفته مانع نفوذ آب گردد .

روی دیوار بند سابقه که بصورت دندانه های ناموزون پیش آمده گی ها داشته دو هزار مکعب متر لوش بران نشسته بود صاف شده گل و خاك از روی دندانه ها دور کرده شد و دندانه های مذکور را هم برداشته بعوض آن دندانه های جدیدی ساخته شده که دارای خمیده گی بوده خوف آن نیست که در ثانی بران لوش بچسپد .

جمله حصهٔ پخته کاری بند ۸۸۲۰ مکعب متراست . تهداب حصهٔ دیوار جدید که تعمیر شده از نقطهٔ نظر محکمی خصوصاً در حصهٔ که دروازه ها نصب میشود خیلی اطمینان بخش است .

در کاسهٔ بند زنه خان ده ملیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) مکعب متر آب گنجایش دارد و ذریعهٔ آب مذکور (۲۰۰۰۰) جریب زمین در یك دفعه آبیاری میشود و اگر سه دفعه بند از آب پر شود سه چند زمین آبیاری

میشود . در کاسهٔ بند یك حصه گل پر شده مجبور است که بذریعهٔ آب گل مذکور کشیده شود .

۵ ـ بند مچلغو (سمت جنوبی) :

این بند ۳۶ متر بلندی دارد عرض تهداب آن ۳۲ متر است . عرض حصهٔ بالائی بند ۵ متر سنجیده شده اوسط طول بند مچلغو ۶۴ متر میباشد . کاسهٔ بند مذکور ۷ ملیون (۷۰۰۰۰۰۰۰) مکعب متر آب گنجایش دارد لهذا دریك دفعه (۷۰۰۰۰) جریب زمین که تحت کاسهٔ بند میآید ذریعهٔ آب مذکور قابل الزرع و آباد میشود و اگر سه دفعه بند از آب پرشود دراین صورت سه مقابل زمین آبیاری میشود .

۶ ـ بند سرده غزنی :

این بند کاسهٔ خیلی وسیع دارد و در صورتیکه بخواست خدا آباد شود (۷۰۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری کرده میتواند . درحصهٔ سمت راست دریا بعد ازختم حفریات تهداب یك قسمت دیوار بند ساخته شده است .

۷ ـ بند پاتوی کتواز :

مهندسین درخصوص این بند دو نظریه داده اند لهذا دوموضع را تعین و دو صورت نشان داده اند .

بند اول (صورت اول) :

ارتفاع بند ۳۲ متر ظرفیت بند (۱۶۰۵۰۰۰۰۰۰) مکعب متر زمینی که آبیاری میشود (۳۰۰۰۰۰) جریب .

بند دوم (صورت دوم) :

ارتفاع ۲٫۴ متر ظرفیت بند (۲٫۴۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰) مکعب متر آب ـ زمینی که آبیاری میشود (۵۲۰۰۰۰) جریب .

امتحانات ابتدائی برای یافتن ناداب صحیح درسنه ۱۳۱۴ بعمل آمده کار بند مذکور بسال آینده شروع میشود .

ب ـ باغهای مربوطهٔ وزارت تجارت واصلاح وتربیهٔ نباتات :

۱ ـ باغهای دولتی استالف مربوط مدیریت عمومی زراعت : یعنی باغ تخت و باغ صفای استالف : در باغ تخت اصلاح خیابان ها وکرد ها و چم کاری مرتبه ها باصول فنی و جدید بعمل آمده قرار هدایات متخصص زراعت شاخچه های درختان انگور بطور فنی قطع گردیده مقدار انگور و مقاومت آنها مقابل مرض آتشك افزوده شده است . علاوه بران بگرد و نواح باغ مذکور هجده جریب زمین دیگر جهة تشکیل فوریه های اشجار مثمر گرفته شده و نیز یك حصهٔ آن بیل زده شده و درختان کهن آن قطع و خستهٔ اشجار مثمر نیز پاشیده شده است . مابقی آن در اول سال بذر خواهد شد . در باغ صفایك عده نهال چنار و سیب بدوطرفهٔ خیابانها غرس گردیده کرد های جدید برای سبز یکاری و گل کاری تشکیل داده شده است . بلای تاکهائیکه آثار مرض آتشك بران هویدا بود ذریعهٔ موسیو اوزاکی متخصص جاپانی دواپاشیده شده و نیز تجارب متعددی نسبت به نموی تاکها و ازدیاد حاصل آن بعمل آمده است .

۲ ـ باغ بابر شاه : در باغ بابرشاه بعوض درختان کهن و کم حاصل نهال های جدید و قوی غرس گردیده خیابان های جدید و کرد های جدید قرار نقشهٔ فنی باغبانی طرح گردیده و به تعداد ۳۰۰ اصله نهال در ختان

میوه دار از جاپان خواسته شده بطورفنی تحت هدایات موسیو اوزاکی متخصص جاپانی غرس گردیده باوجودیکه دروقت گرمی هوا حمل و نقل آنها بعمل آمده و اکثر آنها در عرض راه برگ کرده بودند باوجود آن بنسبهٔ زیاد آن سبز شده بیخ گرفته است .

درختان میوه دار ذریعهٔ طایه که زیر دست موسیو اوزاکی داده شده اند قطع فنی شده یکمقدار مار چوبه نیز در کرده های باغ شانده شده است . ازقبیل پیوند و غیره عملیات زراعتی که منتیج باصلاح نباتات میگردند هم بالای اشجار عملی شده انشا الله نتیجهٔ نیك آن درشروع سال آینده معلوم خواهد شد . برای آبیاری مرتبه های باغ بابرشاه و آب دادن چم کاری های آن یك عدد بمبهٔ برقی خواسته شده است که بمرکزهم رسیده بسال آینده انشا الله تعالی نصب خواهد شد .

۳ ، باغ بینی حصار : در باغ بینی حصار اصلاحات زراعتی بروی کار آمده یکعده نهال سیب وناك جدید غرس گردیده که در سال آینده عملیات پیوند برآنهاجاری خواهد شد یکمقدار پسته بباغ بینی حصار گاشته شده یکعده نهال پسته حاصل شده است که ثانیاً درجاهای مناسب غرس خواهدشد وکوشش میشودکه پسته بصورت باغی بعمل بیاید . موسیو اوزاکی متخصص جاپانی عملیات وتجارب سبزیکاری خود را درباغ مذکور شروع نموده ازقسم لوبیا و اقسام کلم خارجی و مار چوبه وتوت زمینی یك مقدار بطور نمونه زرع نموده عملیات زراعت آنهارا ذریعهٔ شاگردان وطنی اجرا نموده است .

آلات وادوات فنی زراعت ازقبیل آلهٔ پاشنده دوا و ادویهٔ ضد حشرات وآلات زراعتی ازخارج خواسته شده وتسلیم اوزاکی متخصص گردیده تاشاگردان

خود را به استعمال آلات جدید زراعت واصول جدید کشتمندی عادی سازد برای اوزاکی متخصص ازجملهٔ اطاق های چمن چند اطاق جهت تجارب فنی وتعلیم طلبه زیردستش تخصیص داده شده است وجمیع سامانیکه جهت جمع نمودن وتجربه نمودن حشرات مضره وتفریق امراض نباتات وغیره لازم است ازداخل وطن وخارج تهیه شده است که ذریعهٔ آن متخصص مذکور تجارب فنی خودرا ادامه داده به تعلیم طلبه بطور دلخواه بپردازد .

٤ : زراعت سبزیجات درجلال آباد و زراعت پنبه درقندهار :

چون زراعت سبزیجات خصوصاً انواع سبزیجات خارجی در وقت زمستان در کابل نایاب بوده قیمت زیادی پیدا میکند موسیواوزاکی متخصص زراعت همرای شاگردانش بجلال آباد فرستاده شد تا زراعت سبزیجات زمستانی را در آنجا عملی سازد . متخصص مذکور بعد از دادن هدایات لازمه طلبهٔ زیردست خود را درجلال آباد گذاشته حسب الامر حکومت متبوعه با دونفر متخصص دیگر مسمی محمد یوسف خان و نور محمد خان عازم قندهار گردیدند تا شرایط زراعت پنبه را در اراضی قندهار بطور فنی ملاحظه نموده راپورت خود را در خصوص زراعت پنبهٔ آنجا تحریر دارند تا در زرغ پنبهٔ اراضی آنولا ترتیبات لازمه گرفته شود .

ج ـ اقسامات متفرقهٔ فلاحتی :

١ ـ استخدام متخصص جنگلات :

چون ایجاد و توسعهٔ جنگل یکی از وسایط مهم ثروت ملی است لهذا حسب نظریهٔ حکومت متبوع یکنفرمتخصص جنگلات ازجاپان استخدام شده متخصص مذکور محالات قریب کابل مثلاً بینی حصار و تپهٔ بلخ و خواجه

مشاغلت می ورزند ازان جهة یکمقدار تخم پیله توسط ص ، محمد کریم خان متخصص زراعت بجلال آباد فرستاده شده تا قرار هدایات متخصص ، حکومتی اعلای مشرقی تخم های مذکور را بمحصلان لازمه تقسیم نموده از نتیجه بوزارت تجارت اطلاع دهد .

علاوه بران هر قدر قوزه که پیشتر از سالهای گذشته نزد تحویلدار پیله خانه جمع شده بود ذریعهٔ یکنفر متخصص کرم پیلهٔ وطنی تبدیه شده یکمقدار ابریشم خالص حاصل شده خواص وخوبئ ابریشم مذکور اطمینان بخش است .

د ـ پیشرفت و ترقی امور زراعت در ولایات :

الف ـ ولایت قندهار :

از توجه و مساعی و ، ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه صاحب قندهار در امور زراعت ولایت مذکور اصلاحات و ترقی زیادی در سنه ۱۳۱۵ بروی کار آمده است که ما چگونگی آنهارا ذیلاً تحریر میداریم .

۱ ـ مدیریت زراعت قندهار درتفتیش اراضی زراعتی قندهار توجه زیادی بکار برده و حدود اکثر اراضی بطور صحیح و یقین معین گردیده .

۲ ـ نهال بادام و شکر پاره و زرد آلو و غیره اشجار مثمر و غیر مثمر در مربوطات ولایت قندهار به تعداد زیاد غرس گردیده ـ تعداد نهال اشجار میوه دار و غیر میوه دار که بقندهار و علاقه جات مربوطهٔ آن غرس گردیده از روی نوعیت قرار ذیل معلومات داده میشود :

بادام	ـ	۳۳۵۶۸۰ اصله
شکرپاره	ـ	۸۴۴۶۵ »
زردآلو	ـ	۵۲۷۹۵ »

۳ ـ توزیع گوسفند های مرینوس و توزیع آنها در ولایات :

چون گوسفند مرینوس از حیث فراوانی و نرمی و خوبی پشم و گوشت بهترین اجناس گوسفند بوده ملل اروپا آنرا یگانه جنس گوسفند پشمی شناخته از تربیه و تکثیر آن فوائد تجارتی زیادی گرفته اند لهذا حسب نظریهٔ حکومت ترقی خواه ما ازوزارت تجارت امر صادر شد که یکعده قوچ و میش گوسفند مرینوس ازمؤسسهٔ تجارتی «سوافقان ترك» شوروی خریداری ودر ازدیادنسل وحلول خواص گوسفند مذکور دراجناس گوسفند وطنی مساعی لازمه بعمل آید .

لهذا دفعهٔ اول یك عده قوچ مرینوس بخاك وطن وارد شده بولایت مزار شریف و بولایت قطغن و میمنه فرستاده شده نتایج محصوله ازقراررابورت هائیکه از ولایات مذکور بمرکز وقتاً فوقتاً میرسد اطمینان بخش است .

دفعهٔ ثانی در ماه جوزای ۱۳۱۵ تکرار یکعده میش و قوچ مرینوس جهة تربیه خانهٔ حیوانات مرکز و درعده اسد یك عده قوچ دیگر خریداری شده که یك حصهٔ آن بولایت هرات فرستاده شد یك عدهٔ دیگر آن بولایت قندهار ـ امید زیاد میرود که بخواست خدا جنس مرینوس درافغانستان منتشر شده اجناس گوسفند وطنی نیز از آمیختن با گوسفندان مرینوس اصلاح شده خواص مرینوس را پیدا کنند .

٤ ـ تربیهٔ کرم پیله :

علاوه بر آنکه در تربیهٔ خانه کرم پیله یکمقدار تخم پیله تحت عملیات انکشاف گرفته شده و ازان غوزه های ابریشم حاصل شده است یکمقدار غوزه ها گذاشته شده است که شب پر کیك ازان برامده برای سال آینده تخم جدید گرفته شود. چون در نواحی جلال آباد مردم به تربیهٔ کرم پیله

۳ ـ توزیع گوسفند های مرینوس و توزیع آنها در ولایات :

چون گوسفند مرینوس از حیث فراوانی و نرمی و خوبی پشم و گوشت بهترین اجناس گوسفند بوده ملل اروپا آنرا یگانه جنس گوسفند پشمی شناخته ازتربیه و تکثیر آن فوائد تجارتی زیادی گرفته اند لهذا حسب نظریهٔ حکومت ترقی خواه ما ازوزارت تجارت امر صادر شد که یکعده قوچ و میش گوسفند مرینوس ازمؤسسهٔ تجارتی «سوافقان ترک» شوروی خریداری ودر ازدیادنسل وحلول خواص گوسفند مذکور دراجناس گوسفند وطنی مساعی لازمه بعمل آید .

لهذا دفعهٔ اول یك عده قوچ مرینوس بخاك وطن وارد شده بولایت مزار شریف و بولایت قطغن و میمنه فرستاده شده نتایج محصوله ازقراردایورت هائیکه از ولایات مذکور بمرکز وقتاً فوقتاً میرسد اطمینان بخش است .

دفعهٔ ثانی در ماه جوزای ۱۳۱۰ تکرار یکعده میش و قوچ مرینوس جهة تربیه خانهٔ حیوانات مرکز و درماه اسد یك عده قوچ دیگر خریداری شده که یك حصهٔ آن بولایت هرات فرستاده شد یك عدهٔ دیگر آن بولایت قندهار ـ امید زیاد میرود که بخواست خدا جنس مرینوس درافغانستان منتشر شده اجناس گوسفند وطنی نیز از آمیختن با گوسفندان مرینوس اصلاح شده خواص مرینوس را پیدا کنند .

٤ ـ تربیهٔ کرم پیله :

علاوه بر آنکه در تربیهٔ خانه کرم پیله یکمقدار تخم پیله تحت عملیات انکشاف گرفته شده و ازان غوزه های ابریشم حاصل شده است یکمقدار غوزه ها گذاشته شده است که شب پر کك ازان برامده برای سال آینده تخم جدید گرفته شود. چون در نواحی جلال آباد مردم به تربیهٔ کرم پیله

انار	۱۰۷۷۵	اصله
سیب	۱۳۷۷٤	»
بهی	۳۷٤٦	»
تاك	۲۸ ۵۹٤	»
توت	۳٦۹٦۲	»
آلوبخارا	۲۵۸۰	»
شفتالو	۸۷۷۲	»
آلوچه	۱۲٦۸٤	»
انجیر	۲۵۸۲۸	»

متفرقه (نهال‌های اشجار متمرازقبیل تاك وسنجد وشاه توت وغیره) ـ ۱۲۲۳۸۲ اصله

بید	۸۳٦۹٦٤	اصله
چنار	٤۹٦۳۹	»
سفیدار	۸۱۱۲	»
بنفش (پنجه چنار)	۲۲۰۰	»
متفرقه	۲۳۳۰۰	»
جمع کل	۱۹۰۳۷۵۲	»

۳ ـ درسنه ۱۳۱۵ تقریبا ۱۲ خروار تخم نیشکر در املاك دولتی قندهار و مربوطات آن بذرشده اگرچه بواسطهٔ قلت آب بآن تا اندازهٔ نقص رسیده با وجود آن نتیجه اطمینان بخش بوده بسال آینده انشاء الله مساعی زیادتری درین راه بصرف برده خواهد شد .

٤ ـ درخصوص معادن بتمام حکومتی ها و علاقه های مربوطهٔ قندهار اخبار

شده که نمونهٔ انواع احجار و فلزات معدنی را بمدیریت زراعت بفرستند چنانچه چند نمونهٔ آن تا حال بوزارت تجارت هم فرستاده شده است .

۵ ـ در جنگل مرنجان و جنگل لب دریای ارغنداب تقریباً از ۷ تا ۸ صد هزار اشجار جنگلی غرس شده است .

۶ - درخصوص زراعت پنبه نیز مساعی وتجارب زیادی شده است که برای آینده مفید ثابت گردیده .

۷ ـ چناررقم عرعر که تاحال بقندهار یافت نمی شد بمقدار ۳۰ هزاراصله از غزنی خواسته شده در جنگل مرنجان و ارغنداب غرس گردیده و نتیجه هم اطمینان بخش است .

۸ ـ برای فوج های مربوس که بقندهار رسیده جهة تولید و تناسل جنس مذکور (۲۰۰) راس میش از رقم گوسفند غلجائی و هزاره گی خریداری شده تا از آنها چوچه گرفته شود . درخصوص نگه داشت و حفظ الصحه و خوراکه و غیره گوسفند های مذکور احتیاطات لازمه گرفته شده است .

ب ـ حکومت اعلای مشرقی :

درمدیریت زراعت حکومت اعلای مشرقی قرار یکه بمدیریت عمومی زراعت وزارت تجارت اطلاع رسیده است درسنه ۱۳۱۵ درنهال شانی واحداث فوریه ها مساعی قابل توجهی بعمل آمده است : یك باغ جدید موسوم به جنگل باغ به توجه ع ، ع ، ص محمد قاسم خان حاکم اعلای مشرقی احداث گردیده ودران ازقبیل نهال شیشم وتوت وغیره بمقدار زیاد نهال غرس شده . ودرا کثرباغات مرکزی مشرقی

تشکیل قوریه های زیاد و قلمه های نهال میوه دار بعمل آمده و علاوه بران بدو طرفهٔ سرک های عمومی مربوطهٔ مدیریت معابر مشرقی و بعضی حکومات محلی مثل حکومت کیلان کنر ها و کلمه و دامنه های نهر سراج و شهر نو و غیره نهال شانی زیادی شده است . در ماما خیل خوگیانی که برای احداث باغهای جدید خیلی مساعداست درین سرطان ۱۳۱٤ یك باغ جدید موسوم به باغ عمومی ساخته شده است و دران یکعده قلمهٔ گلاب و غیره غرس شده در سال آینده انشاء الله نهال شانی زیادی دران خواهد شد . جمع نهال هائیکه بحکومت کلان کنر ها و لغمان و کلمه و مهمندره و رودات و شنواری و خوگیانی و سرك های مدیریت معابر و باغات دولتی و غیره غرس شده است به (۱۰۲۷۸۰٦٦۲) اصله میرسد .

۳ ـ حکومت اعلای جنوبی :

تعداد نهالهائیکه به نواحی زرمت و طوطاخیل و احمد زائی و گردیز ذریعهٔ مدیریت زراعت حکومت اعلای جنوبی غرس شده است طبق اطلاع مدیریت مذکور قرار ذیل است :

سیب	ـ ۵۵۰۰	اصله
زردآلو	ـ ۷۰۰۰	»
بادام	ـ ٦۰۰	»
چنار	ـ ۱٦۵۰۰۰	»
بید	ـ ٦۳٤۰۰	»
سنجد	ـ ۵۸۰۰	»

جمع کل ـ ۲٤۷۳۰۰ اصله



ازموسسات وزارت تجارت: موزه خانهٔ اقتصادی که دران معدنیات وغیره مواد خام پیداوار افغانستان برای نمائش گذاشته شده است

Musée économique du Ministére de Commerce (Exposition des matiéres premières d'Afghanistan



مقبرهٔ بابر شاه که اخیراً در عصر اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهرشاه بتوجه وزار
تجارت بطرز بسیار عالی و فشنگ سر از نو تعمیر و تکمیل یا فته
Mausolée de Baber, nouvellement construite à Kaboul



ازموسسات وزارت تجارت، موزه خانهٔ اقتصادی که دران معدنیات وغیره مواد خام پیداوار افغانستان برای نمائش گذاشته شده است

Musée économique du Ministére de Commerce (Exposition des matiéres premières d'Afghanistan

شعبهٔ گمرکات :

امور گمرکی در سال ۱۳۱۵ مزید بر سالهای گذشته جا بر انتظام گردیده و از اثر آن در عایدات عمومی گمرکات افغانستان نسبت بسال ۱۳۱٤ باندازهٔ (٤ ونیم) فیصد تزئید بعمل آمده که شرح آن قرار آتی است.

الف ، گمرکات ولایت کابل نسبت بسال ۱۳۱٤ در سال ۱۳۱۵ (٤ ونیم) فیصد اضافه شده

ب ، « « قندهار « « « « « (٥ ونیم) « « «

ج ـ « « هرات « « « « « (٦) « « «

د ـ « « مزارشریف « « « « « (١٦ ونیم) « کسر کرده

(این کسر از سبب اینست که در ین سال اموال گمرکی در جائیکه مصرف شده یا باقیمانده محصول آن در همانجا حساب شده حالانکه در سابق محصول بحساب اولین گمرك وارده گرفته میشد).

ه ، گمرکات ولایت قطغن و بدخشان بنسبت ۱۳۱٤ در ۱۳۱۵ (٤۲) فیصد اضافه شده.

و ، « حکومت اعلای مشرقی « « « « « (۱) « « «

ز ، « « جنوبی « « « « « (۱٥ ونیم) « « «

ح ، « « میمنه « « « « « (٤) « کسر نموده

(دلائل آن مثل دلائل موجبهٔ متذکرهٔ فوق « مزار شریف » است).

ط ، گمرکات حکومت اعلای فراه نسبت به ۱۳۱٤ در ۱۳۱۵ (۱۸ ونیم) فیصد اضافه شده.

امور فوائد عامه

طوریکه می بینیم حکومت متبوعهٔ ما برای ترقی و توسعهٔ تمام شعب عمرانی و سائر امور عام المنفعه که نتایج مستقیمی در بهبود احوال عموم اهالی وطن بوجود می‌آورد ، توجه خاص داشته ، متصل و پی‌درپی موسسات فوائد عامه در نقاط مختلفهٔ مملکت تاسیس و تدویر می یابد . بالخاصه در سال ۱۳۱۵ جنبش محسوسی درین رشته بوجود آمده و اقدامات بسیارمهم جهت تشکیل موسسات عمرانی وکار خانه جات مختلفه سردست اجراء گرفته شده و نیز جاده ها و پلهای کثیری در سر تا سر وطن عزیز ما ساختمان شده است که ذیلا قسمت های عمدهٔ آن بطور خلص ذکر میگردد :

شعبهٔ معابر :

الف ولایت کابل :

۱ ـ سرك خوات وردك که دران جا فابریکهٔ برق تاسیس شده بعضی حصص سرك مذکور سر نگث پرانی بکار داشت در حصهٔ بیائی وگدان به اندازهٔ (۳) کیلومتر سر نگث پرانی شده .

۲ ـ در سرك تنگی وردك که از سرك عمومی سمت جنوبی یك خط گرفته شده و به سرك قندهار در شیخ آباد وصل‌شده نسبت بسهولت رفتار موتر بمسافهٔ ۷ کیلو متر سر نگث پرانی شده .

۳ ـ سرك تنگی واغجان در راه گردیز که بعضی حصه های آن برآمده گی و کجی پیچی داشت برای تسهیلات عبور و مرور ذریعهٔ سر نگث پرانی تسطیح و باندازهٔ لازمه کلان شده .

٤ ـ سرك تنگاب و نجراب كه بعد از كار شده گی سال گذشته درین سال تعمیر و تمدید گردیده و بسولا تنگك و تنگاب و نجراب وصل شده وحاضراً تانگاب برای رفت وآمد موتر حاضر گردیده بمسافهٔ ٥٨ونیم کیلومتر .

٥ ـ تمدید سرك ازحد تخته پل که دربین عمارات بالاحصار گذشته تاسرك بینی حصار بصورت پخته کاری .

٦ ـ تمدید سرك براست سرك جدید بالاحصار تازیارت حضرت جی صاحب واتصال آن بسرك عمومی جلال آباد بصورت پخته کاری .

٧ ـ تعمیریك پایه پل یك کمانهٔ ١٢ متره درگلبهار بصورت پخته کاری و پرکاری دوطرفهٔ آن .

٨ ـ تعمیریك پایه پل یك کمانه عرض١٧متروطول ١٠٠متر بحدود شهر آرا، بصورت کانکریت .

٩ ـ تعمیر دوپایه پل های باغ عارق بصورت پخته کاری یکی ٩ کمانه و دیگرسه کمانه که هرکمان آن یك یك مترطول دارد .

١٠ ـ تعمیریك پایه پل آهنی (٥٠) متره بعوض پل چوبی سابقه موسوم به پل سعدالله درسمت شمالی که قنداغ دوطرفه وپایهٔ بین آن بصورت پخته سنگ کاری شده برای نصب آهن که درخارج فرمایش داده شده حاضر میباشد وعنقریب پل مذکور تکمیل خواهد شد .

ب : ولایت مزارشریف :

١ ـ احداث سرك جدید از سرکرشهر بلخ بطرف بندر کلفت بطول (٤٦) کیلومتر .

٢ ـ سرك سابق دشت خواجه الوان الی (٩) کیلو متری شهر ایبك به

نسبتیکه درزمستان گل ولای‌داشته و بها بر بن تکلیف میرساند به طول (٤٦) کیلومتر جغله فرش شده .

ج : ولایت قطغن و بدخشان :

١ـ احداث سرك ازخان‌آباد بطرف فیض آباد بدخشان ازطریق سواحل دریای کوکچه که سال گذشته آغاز شده : از فیض آباد تا اشکاشان (٤٠) کیلومتر واز آنجا تافره کمر ٣٧٠٠مترسرسنگ پرانی تحت‌کار ومابقی ازپوزهٔ فره کمرتا مشهد کشم بمسافهٔ (٧١) کیلومتر سرك تمام و به خط عمومی اتصال یافته .

٢ـ احداث سرك ازشهرجدید قندوز براه دشت‌آبدان بحضرت امام صاحب بمسافهٔ (٦١) کیلومتر ـ درخط مذکور که دریاواقع گردیده کشتی تهیه شده که موتربذریعهٔ کشتی عبورمیکند .

٣ـ احداث سرك جدید ازاستقلال قندوز به علاقه داری قلعهٔ زال بمسافهٔ (٤٠) کیلومتر درخط مذکور که دریاواقع شده کشتی تهیه گردیده که موتر بذریعهٔ کشتی عبور میکند .

٤ـ چون بعضی حصص سرك سابق خان آباد واشکش ونهرین کوتل ها و آبروهای زیاد داشت نسبت به تسهیلات عبور و مرورازتنگی مسیج نهرین (٢٧ ونیم) کیلومتر و از آق چشمه تا اشکش (٢١ ونیم) کیلومتر سرك جدید احداث شده .

٥ ـ احداث سرك ازحدود دوراهی خواجه الوان تاچین راتی (خواجه الوان خط انفصالیهٔ علاقهٔ قطغن و بدخشان است) بمسافهٔ (٢٧ ونیم) کیلومتر .

د : حکومت اعلای مشرقی :

١ ـ سرك کابل از جلال آباد بطرف کابل یعنی از حد شیلهٔ تاقی

تا اندازهٔ ۵ کیلومتر پخته کاری شده و باقی کار مذکور جریان دارد .

۲ ـ پل شبلهٔ ناقی و چند آبرو های همین حصه نیز تحت کار میباشد و عنقریب تمام میشود .

۳ ـ پل سرخاب که یکی از پلهای بزرگ سمت مشرقی بشمار میرود و کار تعمیر آن ازدوسال باینطرف جریان دارد ، درسال ۱۳۱۵ تقریباً خاتمه یافته وعنقریب افتتاح میشود . این پل درجوار جلال آباد بالای رود سرخ رود و در سرك جلال آباد و لغمان که سرك جدید کابل نیز میباشد ، تعمیر یافته است و متجاوز از ۱۰۰ متر طول دارد .

۵ ، حکومت اعلای مینه :

۱ ـ تعمیر سرك های جدید درداخل شهر که بصورت عمومی بعرض ۸ متر ٤ سرك مستقیم درچهار سمت شهر امتداد یافته و پخته کاری آن درسال آینده بعمل خواهد آمد .

۲ ـ تعمیر سرك جدید از بالای تپهٔ بالاحصار تا داخل شهر که تپهٔ بالاحصار بقدر ۱۰ متر تسطیح شده است .

شعبهٔ فابریکات :

امور کار خانه جات و صنایع جدیده در سال ۱۳۱۵ از توجه حکومت متبوعه و اقدامات وزارت فوائد عامه داخل نهضت جدیدی شده است چنانچه درعین حالیکه کار خانه جات سابقه توسعه وترقی یافته ونیز برخی کار خانه جات موجودهٔ مربوطهٔ شعبات مختلفهٔ مملکتی نظر بایجابات فنی و اداری به وزارت فوائدعامه مربوط گردیده (مثل کارخانهٔ نساجی وبوت‌دوزی وچرمگری‌مرکز) برای تدویر چند کار خانهٔ جدید نیز اقدامات بعمل آمده و کار یك عده

کار خانه جاتی که از چندی باینطرف آغاز شده بود ، پیشرفت زیادی کرده قریب تکمیل رسیده است . ذیلاً فقرات عمدهٔ کار روائی شعبهٔ فابریکات را از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم :

۱ ـ کار ساختمان وتدویر فابریکهٔ بزرگ پشمینه بافی قندهار که از ٤ سال باینطرف جریان داشت درسال ۱۳۱۵ خاتمه پذیرفته واکنون فابریکهٔ مذکور مشغول کار میباشد . چنانچه مقدار کلی پشم برای شستشو وتاب دادن وبافتن در ولایت قندهار ذخیره گردیده است .

۲ ـ فابریکهٔ نختابی جبل‌السراج که کار تعمیر وتدویر آن نیز از ٤ سال باینطرف جریان دارد ، در سال ۱۳۱۵ پیشرفت زیادی حاصل و نزدیک باختتام می باشد بطوریکه در جریان سال بسیاری از ماشینهای آن وارد و نصب گردیده .

۳ ـ فابریکهٔ بزرگ واقع خواجه ملا که برای تدویر فابریکهٔ دکمه سازی وحکاکی وسنگتراشی و نجاری وغیره که همهٔ این فابریکه ها حاضراً در داخل شهر کابل موجود بوده ولی بصورت ضیق میباشند ، تعمیر یافته ، کار تعمیر آن در سال ۱۳۱۵ خیلی پیشرفت کرده و تا پوشش اول رسیده است . فابریکهٔ مذکور خیلی وسیع ومحکم وباصول عصری بسیار متین ساختمان گردیده ، و علاوهٔ برای تاسیس کارخانه جات دیگری نیز درین محل جای موجود است .

شعبهٔ تعمیرات :

تعمیراتیکه در سال ۱۳۱۵ اجراء شده :

الف : ولایت کابل :

۱ ـ : کار تعمیر مکاتب حربیه واقع بالاحصار که ازچهار سال باینطرف



از عمرانات جدید ولایت قندهار : یك حصه از کارخانهٔ پشمینه بافی جدید التاسیس

Nouvelle usine de lainage à KANDAHAR



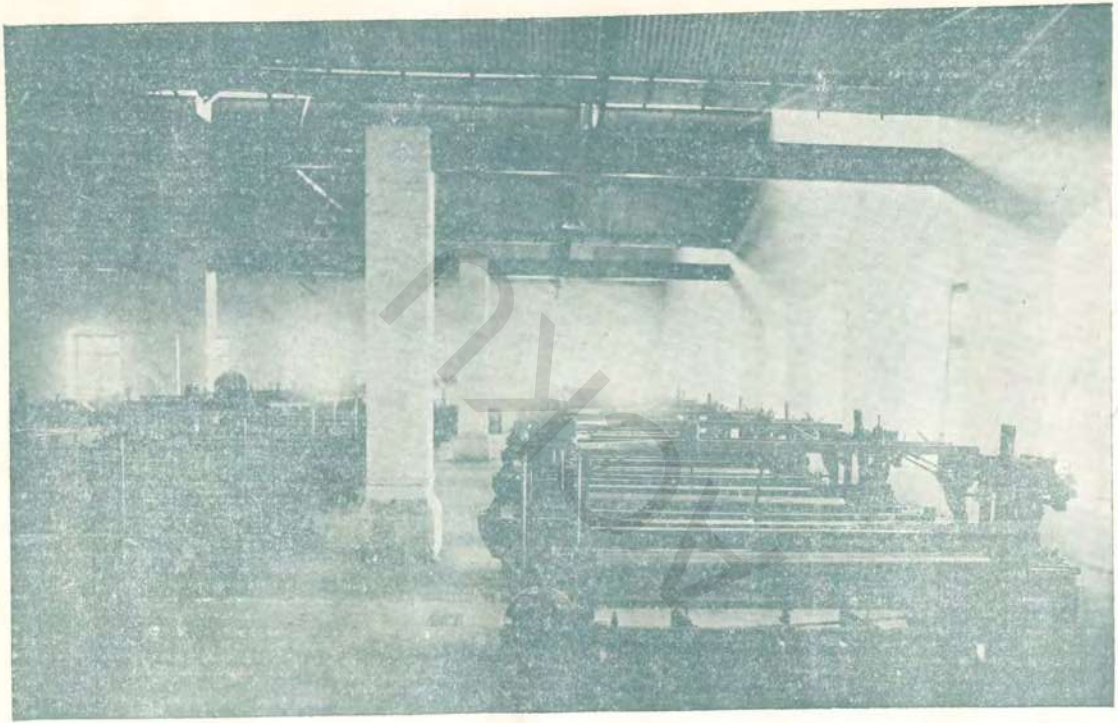
از عمرانات جدید ولایت قندهار : یکی از عمارات حکومتی که در عصر اعلیحضرت المتوکل علی‌الله ساخته شده

Immeuble des bureaux de gouvernement nouvellement construit à KANDAHAR



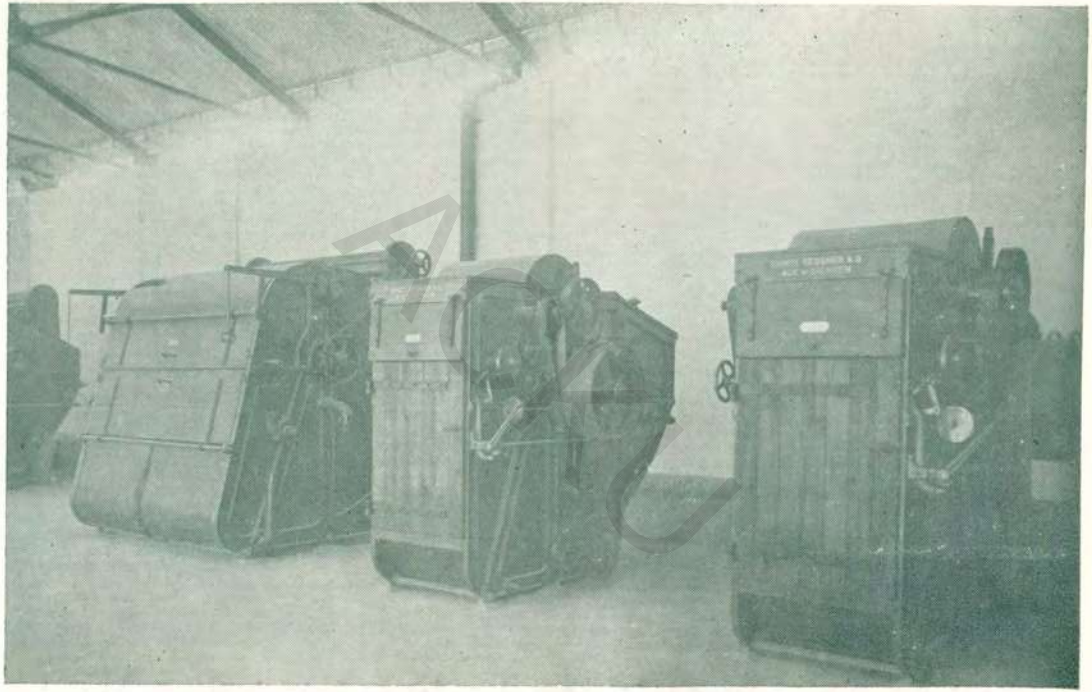
فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار : ماشین های فشار پشم

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines pour presser la laine



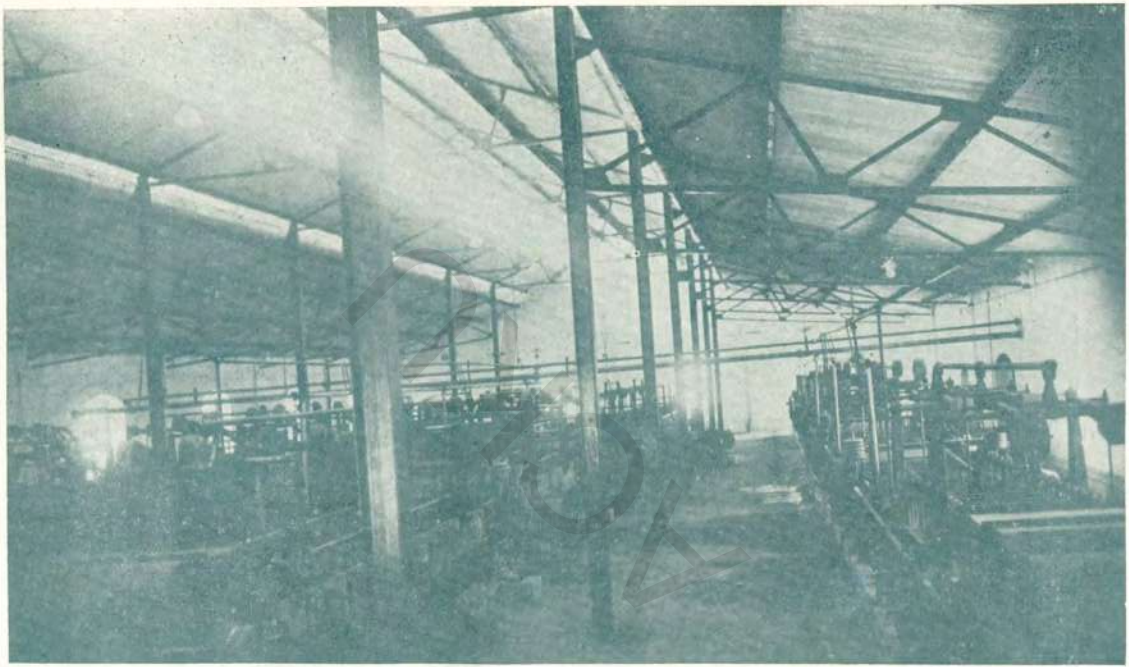
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار ، کارگاهای بافت که هر کارگا توسط هفت ماکوی برقی کار میکند

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines de tissage .



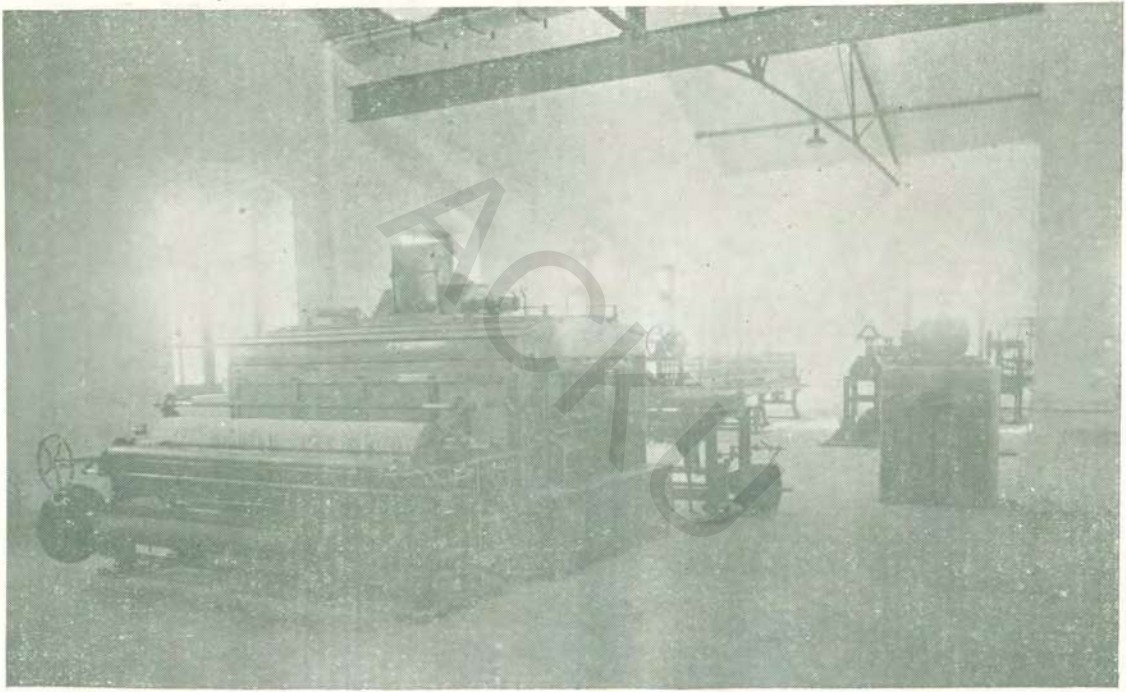
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار ، ماشینهای مالش و آرایش دادن یارچه بحال مرطوب

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



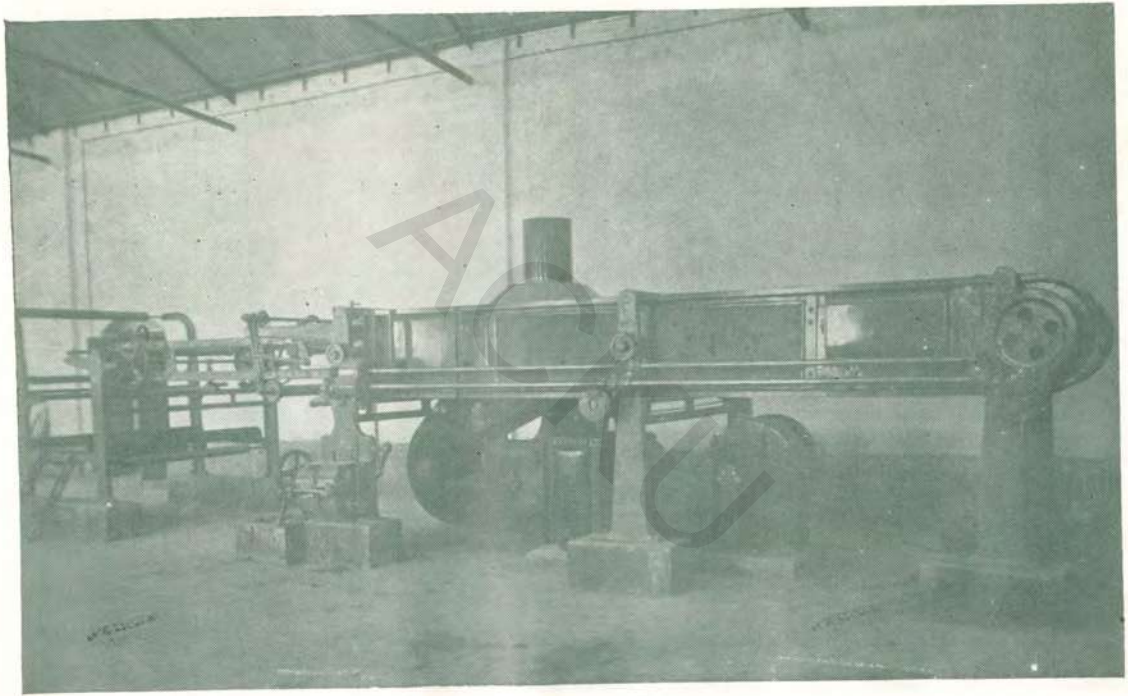
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : اطاق پشم شوئی مرکب از چهار قطار و هر قطار مرکب از پنج ماشین بوده هرقطار بذریعهٔ موتور برقی علیحده بکار می افتد

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: La salle de lavage de laine



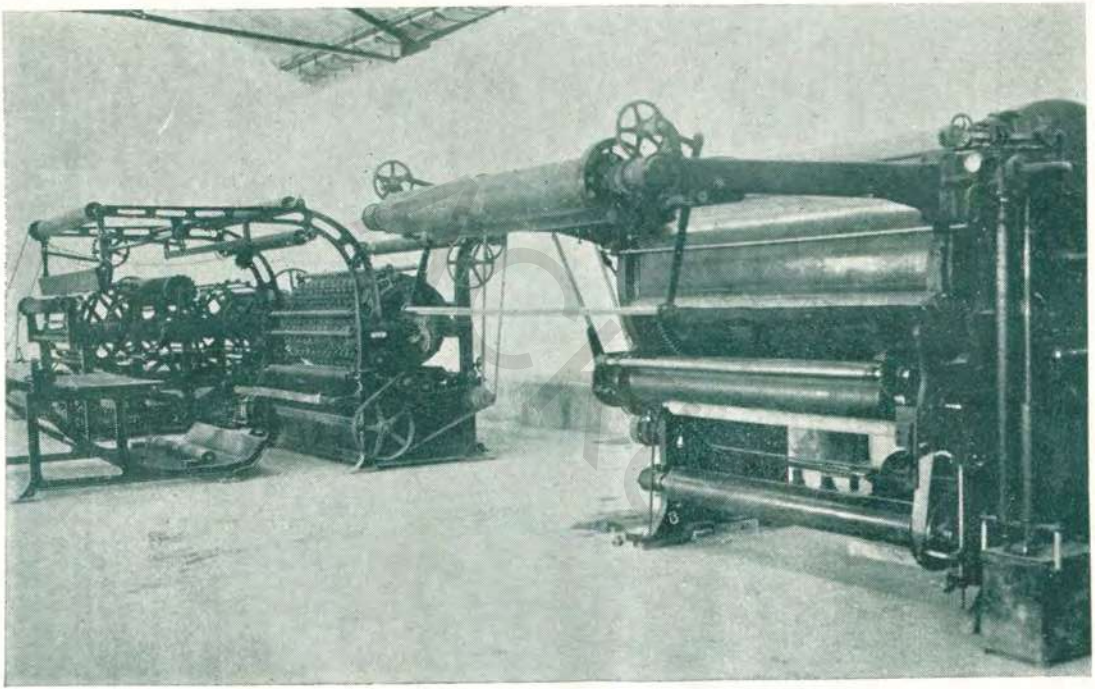
ماشین آهار دادن تارهای پشم توسط بخار و ماشین روچك ماکو های بافت و ماشین بیلرس نمودن تار های پشم

Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de laine à Kandahar



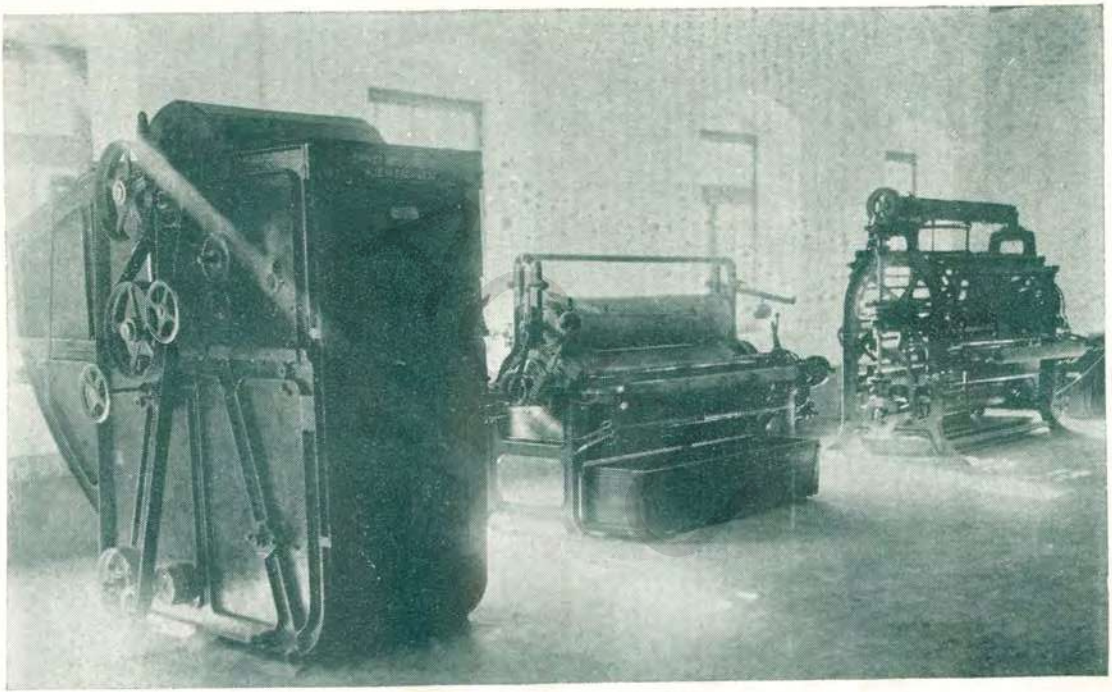
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : حصهٔ مالش و آرایش خشك ماشین شکنجهٔ پارچه توسط بخار

Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kaboul



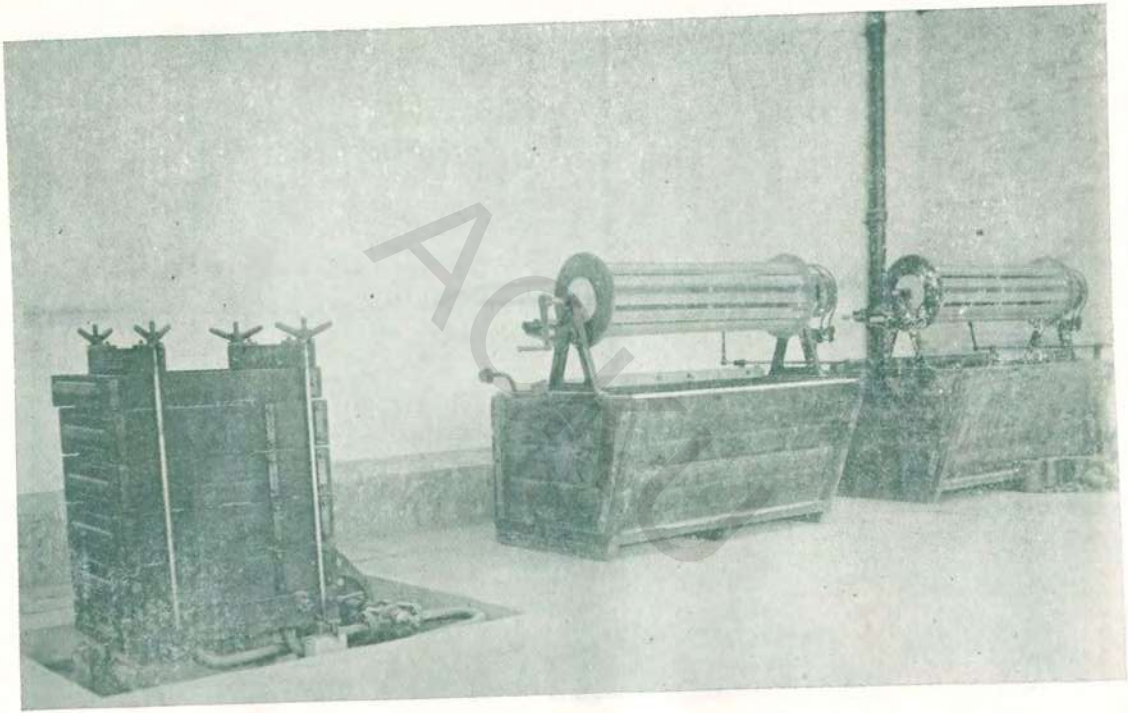
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : ماشینهای مالش و آرایش خشك

Nouvelle fabrique de lainage à Kanda'iar : les machines de massage et polissage de laine



فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : ماشینهای مالش و آرایش پشم بحال مرطوب

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار ، ماشینهای رنگ ریزی

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: Les machines pour colorer la laine



از موسسات مهمهٔ عصر ظاهر شاهی : منظرهٔ عمومی فابریکهٔ نختابی و نساجی جبل السراج

Vue générale de la nouvelle usine de filature et de tissage à Djaboul-Séradj (Kaboul)

جریان دارد درسال ۱۳۱۵ خیلی پیشرفت کرده ونزدیك به اختتام میبا شد .

۲ ـ : نصب نل‌سمنتی ازحد بالاحصار الی پشت‌قلعهٔ هزاره‌ها که به اثرآن آب ازجوی چهل ستون بداخل‌نل پختهٔ مذکور تا بالاحصار جریان پیدا کرده است (مسافه تقریباً ۲ کیلومتر)

۳ ـ : تعمیر مقبرهٔ اعلیحضرت شهید سعید که کار های مذکور از دو سال باینطرف جاری برده ، ا کنون تاطبقهٔ اول آن ساختمان شده است .

٤ ـ : تعمیر مقبرهٔ حکیم صاحب سنائی علیه الرحمه واقع غزنی که در سال ۱۳۱۵ شروع وتاطبقهٔ اول آن ساختمان شده است .

۵ ـ تعمیرات دوائر حکومتی دایرنگی که از ۲سال باینطرف جاری بود خاتمه پذیرفته وحاضراً دوائر حکومتی حکومت کلان جاهای موزون را دارا شده است .

ب : ولایت قندهار :

۱ ـ : تعمیرات جدید یکه در بیرون دروازهٔ هرات (سمت غربی شهر قندهار) ازدوسال به اینطرف آغاز گردیده ، اکثراً تکمیل شده و از آن جمله یك عده عمارات حکومتی و بازار ها و باقی خانه های شخصی است‌که مطابق نقشهٔ ریاست بلدیه بصوت موزونی آباد شده وحاضراً سلسلهٔ تعمیرات مذکور که در آینده شهر نو قندهار را تشکیل خواهد داد تا حدود چهل زینه یعنی در مسافهٔ یك ونیم‌کیلومتر (از دهن دروازهٔ شهر سابق در دوطرف جادهٔ عمومی سمت هرات) امتداد پیدا کرده است .

۲ ـ : تعمیر بازارتو پخانه که از دو سال به اینطرف کار ساختمان بازار مذکور به اصول عصری و مطابق نقشهٔ مهندسین جاری بوده ، در سال ۱۳۱۵ خاتمه پذیرفته و دو رسته دکان های محکم و زیبا تیار

شده و نیز جادهٔ بازارکه بصورت مستقیم امتداد یافته پخته کاری شده است .

۳ ـ : چار سوق وسط شهر که در اخیر سال گذشته بنا بر ایجابات صحی وشرایط عبور و مرور تخریب شده بود ، درسال ۱۳۱۵ جای آن هموار و چار راهی مذکور بقدر لزوم فراخ شده است .

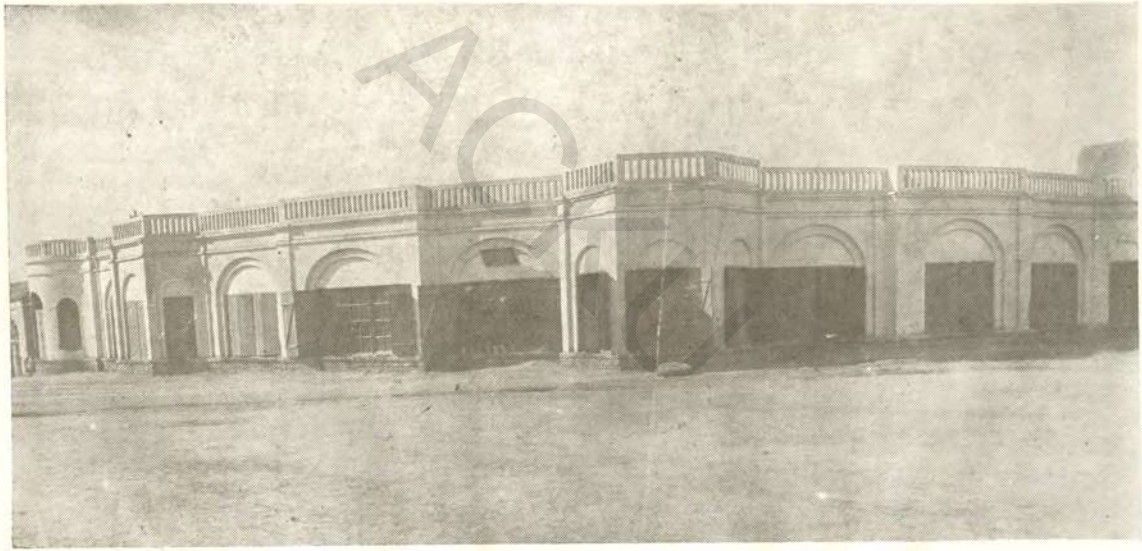
ج : ولایت قطغن و بدخشان :

۱ ـ : ساختمان یك بنای حکومتی در مرکزشهر جدید قندوز برای دوائر حکومتی مذکور که دارای یك سلسله عمارات جدید و برای دوائر حکومت ، مامور یت مالیه ، محکمهٔ عدلیه ، ادارهٔ تبلفون ، ادارهٔ خزانه ، محبس حکومتی ، ادارهٔ کوتوالی وغیره ملحقات دوائر حکومتی جا یهای کافی دارد .

۲ ـ : ساختمان یك بنای حکومتی در مرکز اشکش که مثل حکومتی قندوز گنجایش دوائر حکومت ، مالیه ، کوتوالی ، خزانه ، توقیف خانه وغیره را دارد . هکذا در جوار عمارت جدید مذکور یك سلسله بناهای تازه که عبارت از (۸۰) دکان و (٤) کاروان سرای باشد به اصول منتظم از طرف اهالی تیار شده است .

۳ ـ : ساختمان یك عمارت موزون برای حکومتی جدید التشکیل فرخار که دارای اطاقهای متعدد برای اقامت دوائر حکومت ، مالیه ، عدلیه ، تبلفون ، خزانه ، توقیف خانه ، کوتوالی وغیره میبا شد .

هکذا از حیث اینکه فرخار دارای کدام بازار موزونی نبود بنا بر خواهش اهالی به ترتیب نقشهٔ یك بازار که دارای (۸۰) دکان و (٤) کاروان سرای بوده و اصول ساختمان آن به طرز بناهای عصریست پرداخته شده واین دکانها و سرایها از طرف اهالی آباد شده است .



از عمرانات سال ۱۳۱۵ ولایت فندهار : بازار جدید التعمیر سمت غربی برج ارگ
Bazars nouvellement construits à Kaboul



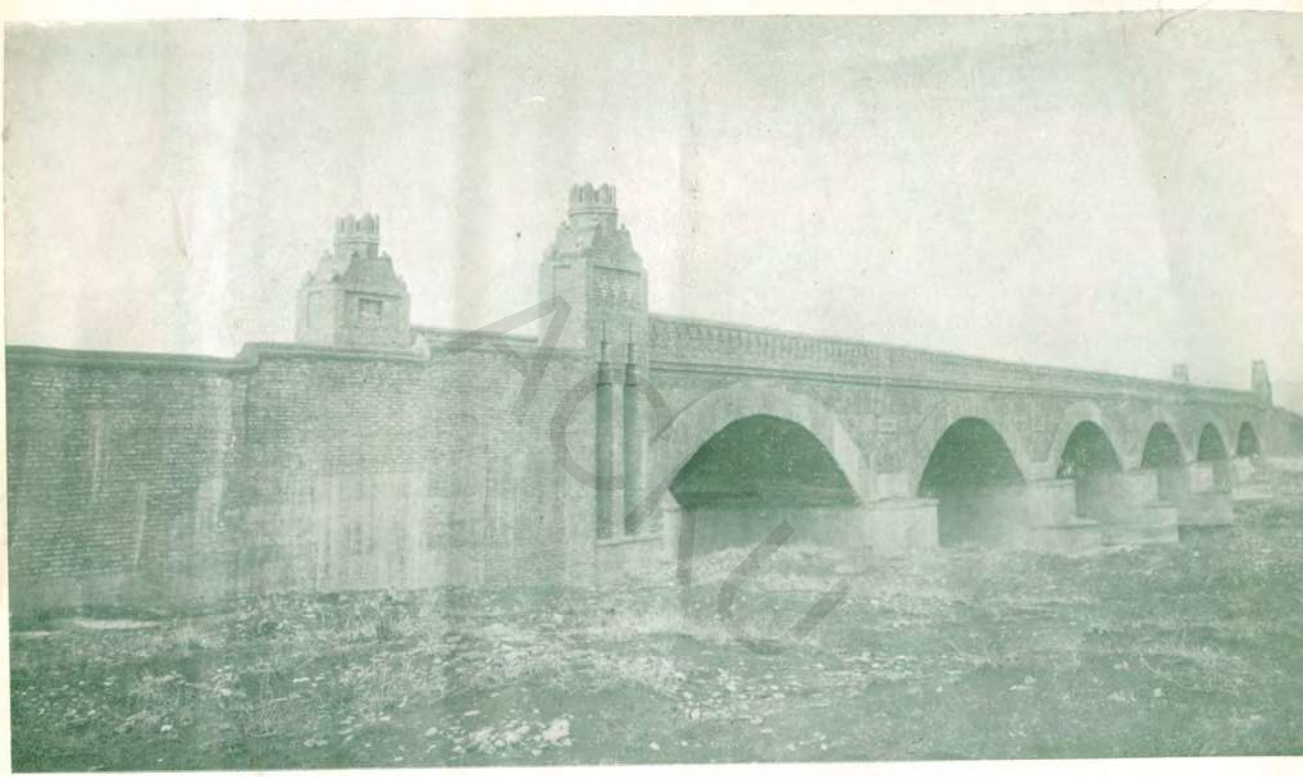
از عمرانات جدید ولایت قندهار ، یکی از عمارات شخصی که باصول عصری و به سلیقهٔ بسیار نفیسی ساخته شده

Bâtiments privés nouvellement construits selon les méthodes les plus modernes à Kandahar.



از عمرانات سال ۱۳۱۰ ولایت قندهار : بازار توپخانه

Bazars nouvellement construits à Kandahar



از عمرانات جدید حکومت اعلای فراه ؛ پل دریای فراه که درسال گذشته تعمیر شده

Pont nouvellement construit sur la rivière de FARAH (Prov. de Farah)



از عمارات جدید ولایت هرات : گمرك مرکزی واقع در شهر نو

Nouvel immeble de la douane à Hérat



از عمرانات جدید ولایت هرات : شفاخانهٔ شهر نو

Hôpital civil nouvellement construit à Hérat



از عمرانات جدید ولایت قطغن و بدخشان : یکی از بازار های جدید خان آباد
Type desbazars nouvellement construits à Khanabad
(prov.de Kataghan-Badakhchan)



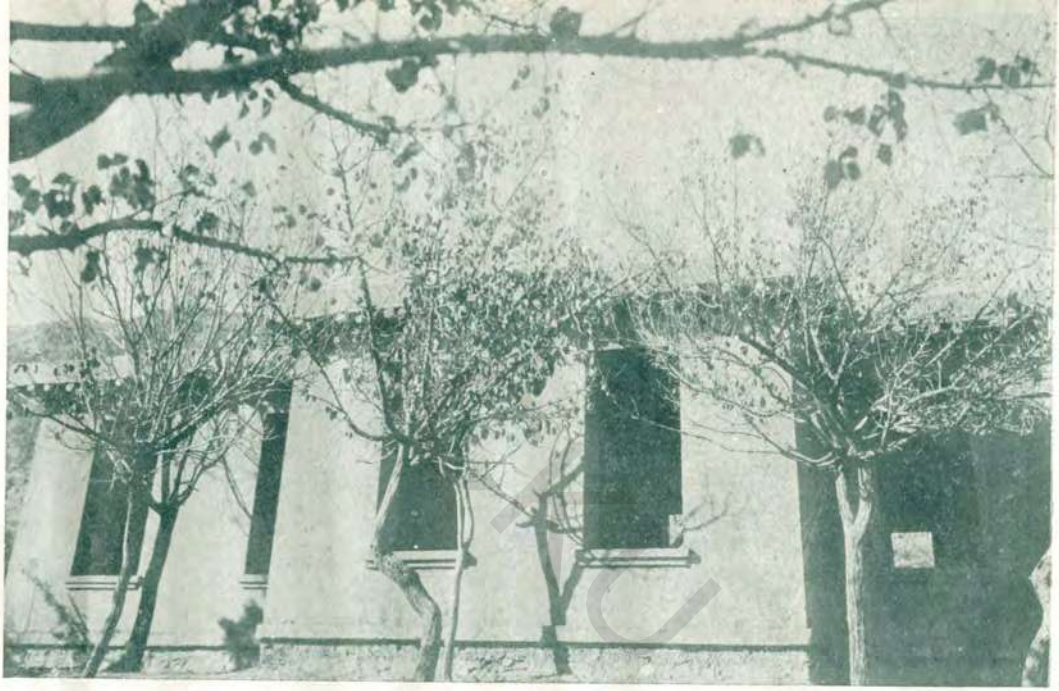
از عمرانات سال ۱۳۱۵ حکومت اعلای میمنه : عمارت مدیریت امور خارجه

Nouvel immeuble du département des affaires étrangères à Maimanah



از عمرانات سال ۱۳۱۵ حکومت اعلای میمنه : یکی از عمارات دولتی درشهر میمنه

Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Maimanah



از اقدامات مهم سال ۱۳۱۵ وزارت فوائد عامه : فابریکهٔ بزرگ برق آبی «۳۰۰۰۰ کیلوات» واقع چك ورد ك
(عمارت مهندسین و تحو یلخانه ها)

Une partie des bâtiments de la nouvelle usine hydroélectrique (3000 C. V.)
aux environ de Kaboul



ازاقدامات مهم سال ۱۳۱۵ وزارت فوائد عامه : ساختمان فابریکهٔ بزرگ برق آبی در چك وردك
(محل ساختمان بند و تعمیر فابریکه در وقت آغاز کار)

Le lieu de la construction de la nouvelle usine hydroéléctrique à Ouardak (Kaboul).



منظرهٔ عمومی شهر هرات

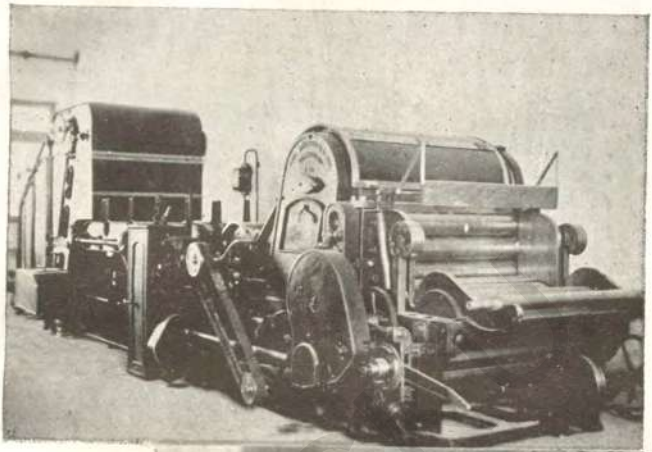
Vue générale de la nouvelle ville d'Hérat



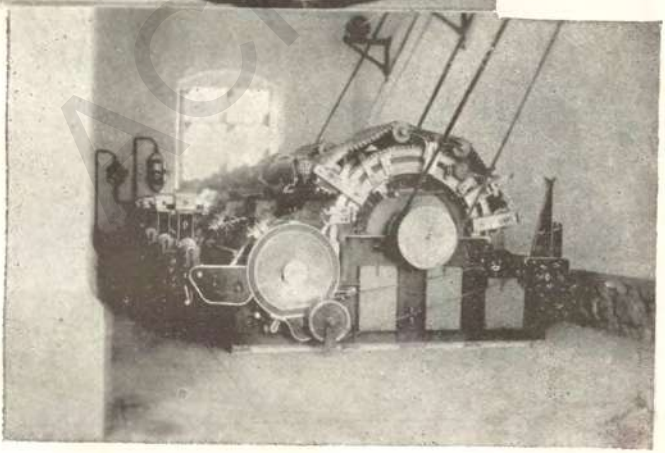
از عمرانات جدید ولایت هرات : بازار شهر نو

Nouveaux Bazars à HÉRAT

ازموسسات مهمهٔ عصر ظاهر شاهی : فابریکهٔ نختابی و نساجی جبل السراج



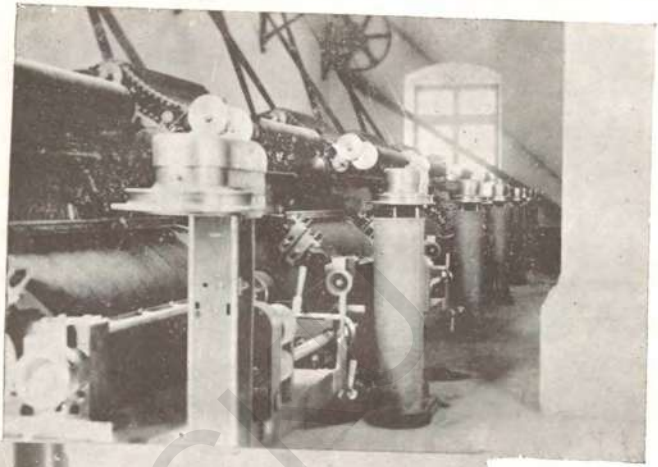
ماشین ندافی پنبه



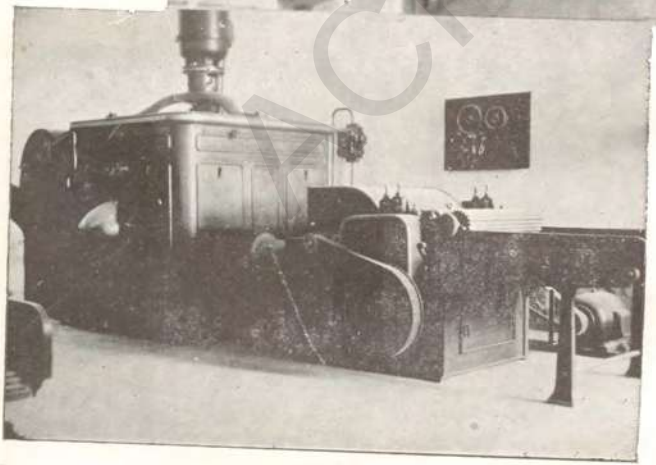
ماشین‌هوا کرد مخصوص پنبه

Une partie des machines de la nouvelle fabrique de filature et de tissage à Djaboul-Saradj (Kaboul)

از موسسات مهمهٔ عصر ظاهر شاهی: فابریکهٔ نختابی ونساجی جبل‌السراج

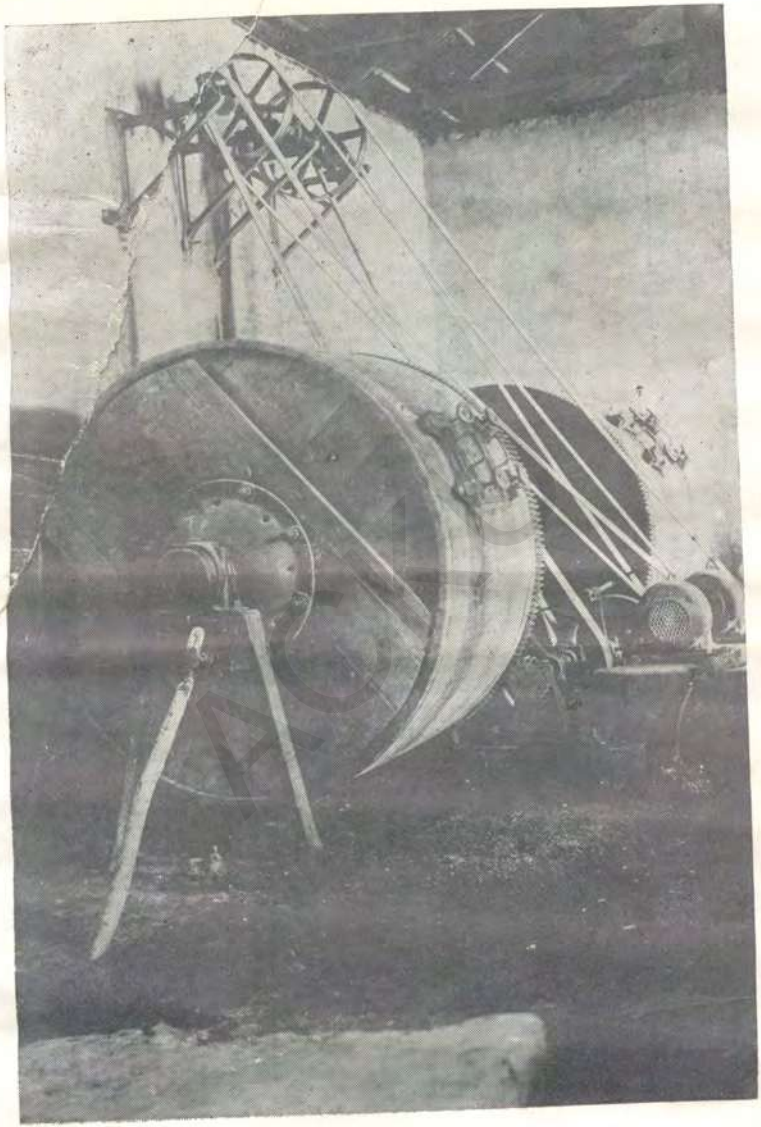


ماشین شانه کردن پنبه



ماشین خاك تکانی مخصوص پنبه

Une partie des machines de la nouvelle fabrique de filature et de tissage à Diaboul-Saradj (Kaboul)

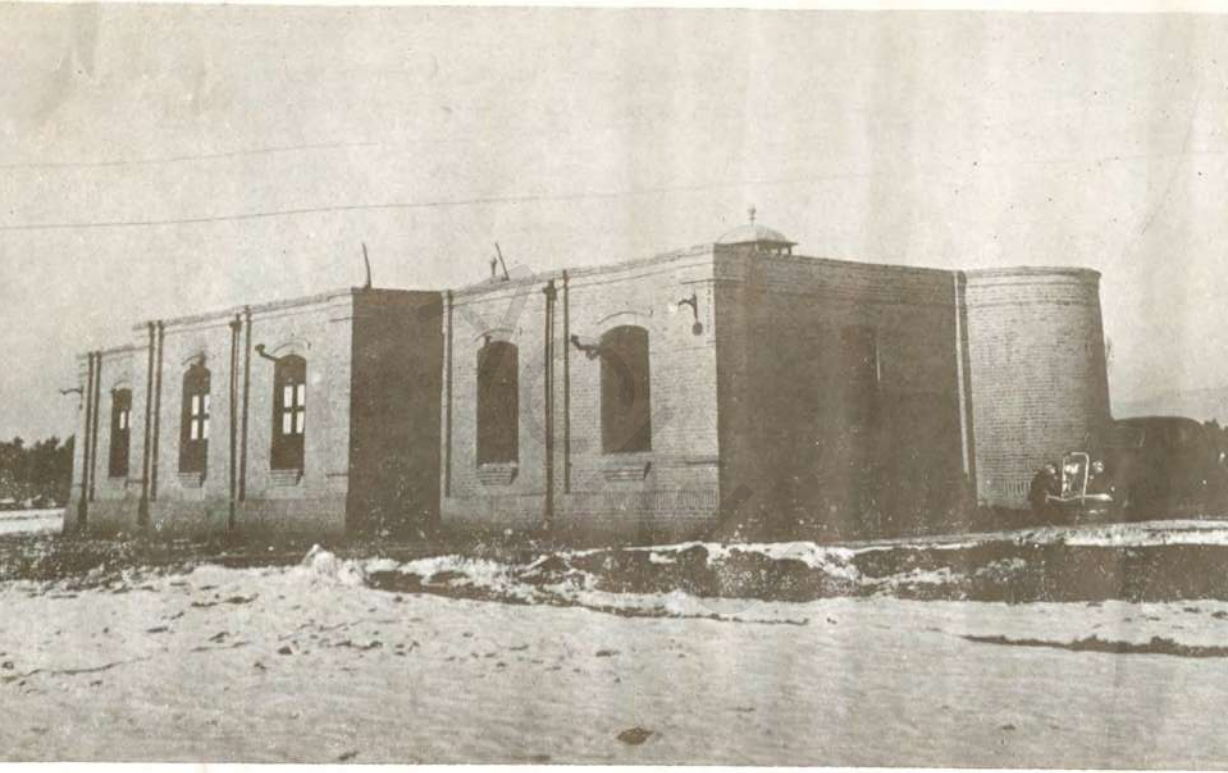


از موسسات مهمهٔ مرکز ، اطاق ماشینهای پخته کردن چرم در فابریکهٔ چرم گری

Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



از عمارات سال ۱۳۱۰ وزارت فوائد عامه در کابل : برج برق متصل وزارت حربیه .
Type des stations éléctriques nouvellement construites à Kaboul



از عمرانات جدید ولایت هرات : هوتل عصری در شهر نو
Hotel moderne nouvellement construit à Hérat



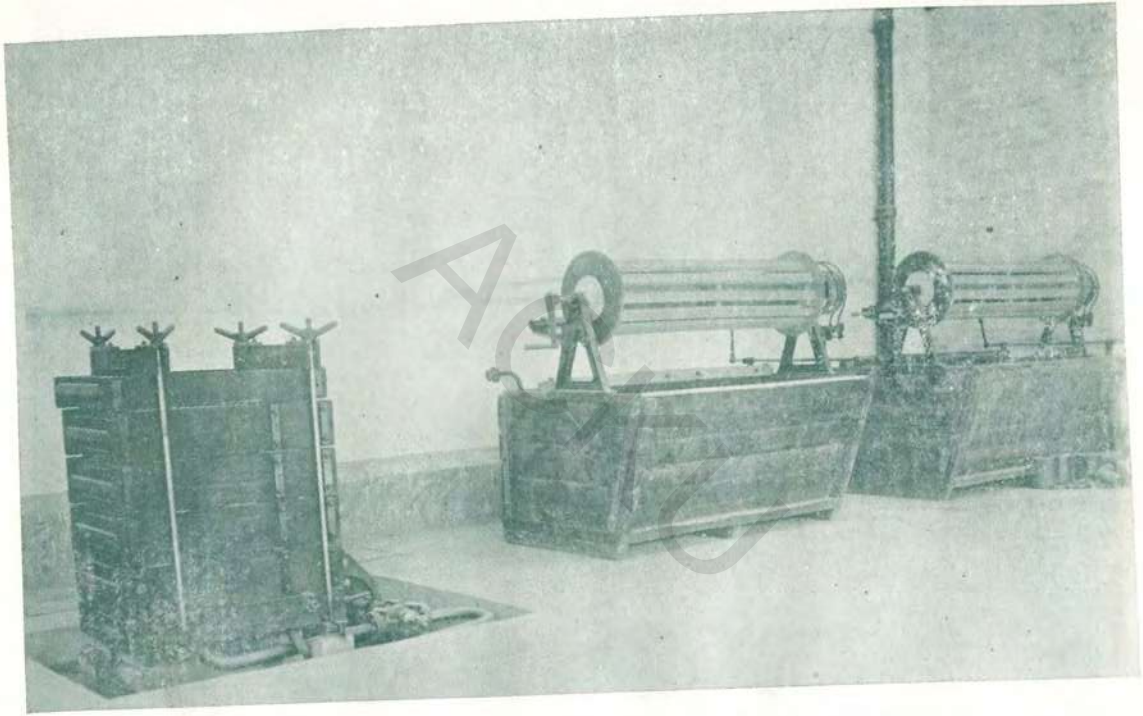
از عمرانات مهم ولایت هرات ، پل مالان

Le pont de Mâlân à Hérat



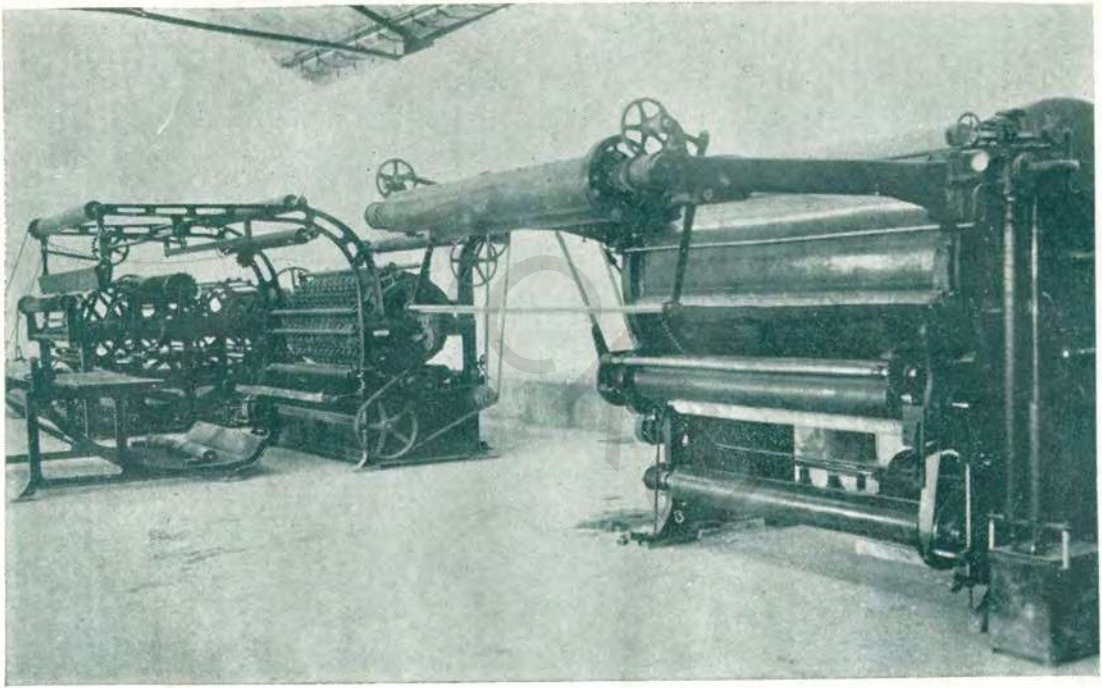
از موسسات مهمهٔ عصر ظاهر شاهی : منظرهٔ عمومی فابریکهٔ نختابی و نساجی جبل السراج

Vue générale de la nouvelle usine de filature et de tissage à Djaboul-Séradj (Kaboul)



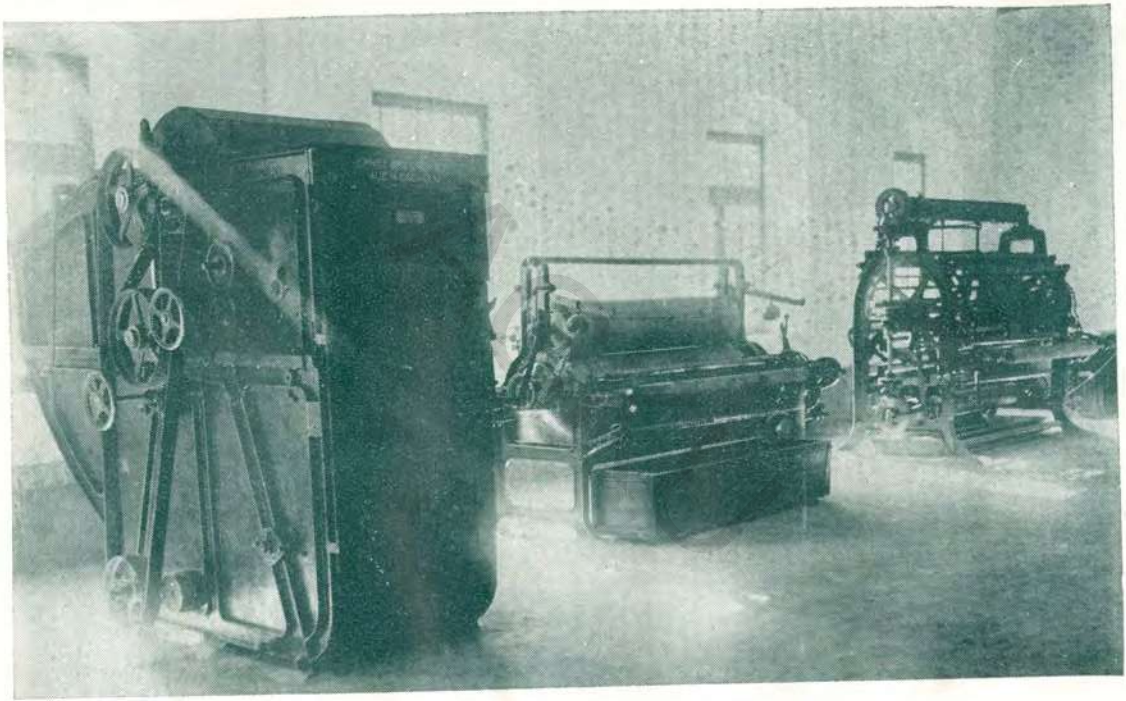
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار ، ماشینهای رنگ ریزی

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: Les machines pour colorer la laine



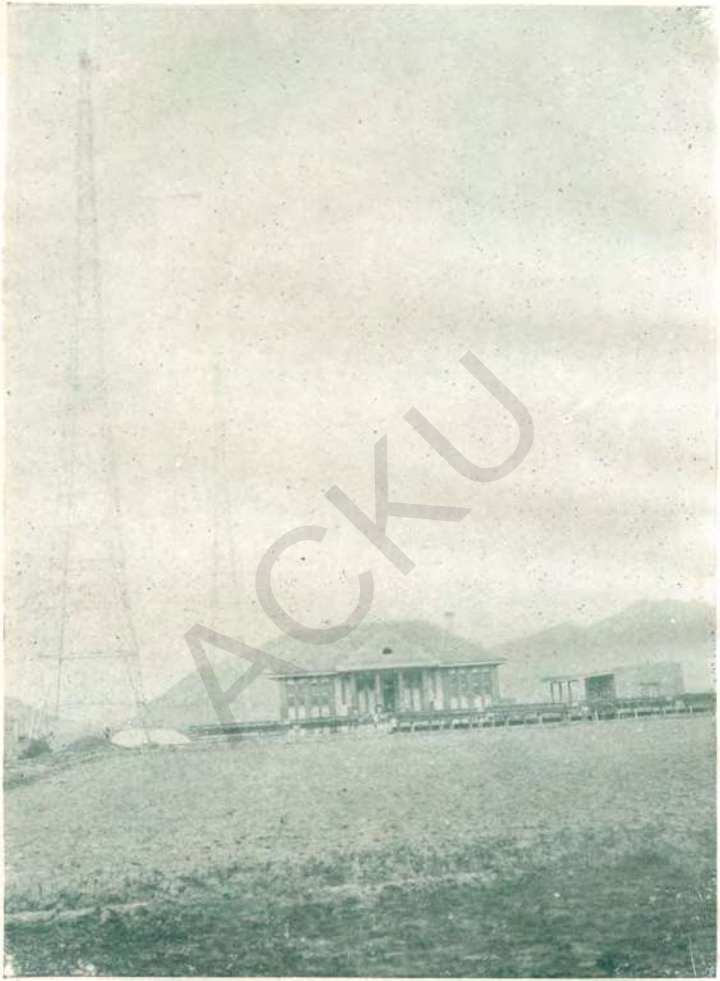
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : ماشینهای مالش و آرایش خشك

Nouvelle fabrique de lainage à Kanda'iar : les machines de massage et polissage de laine



فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : ماشینهای مالش و آرایش پشم بحال مرطوب

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



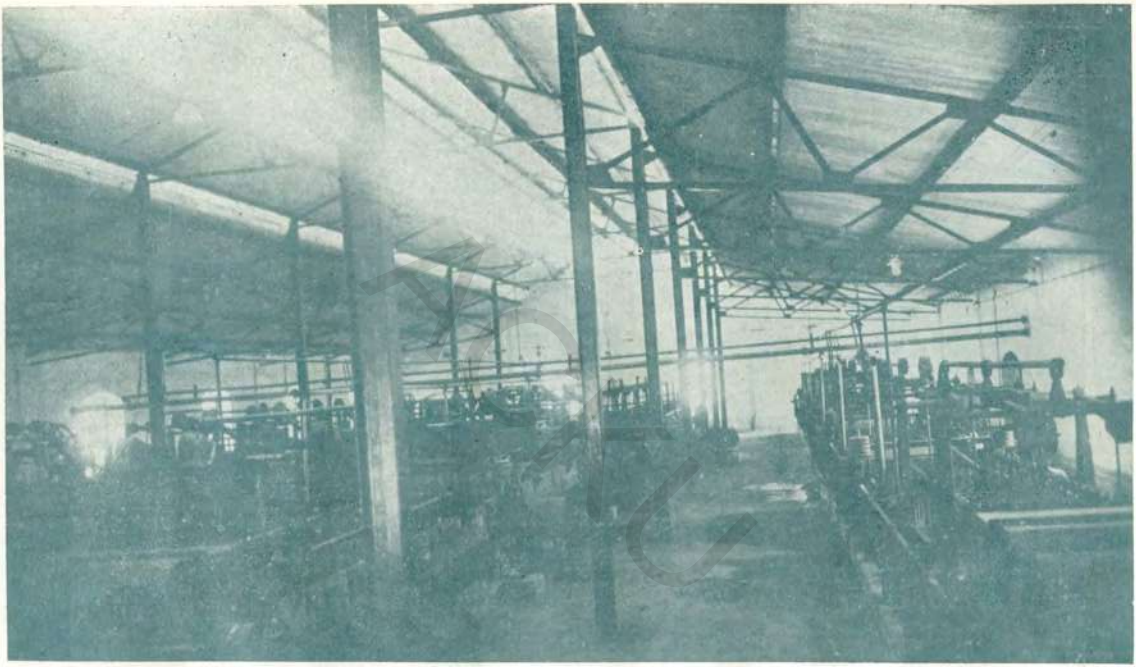
از موسسات مهمهٔ وزارت پست و تلگراف و تیلفون ؛ مرکز آخذهٔ تلگراف بیسیم
که با تمام دنیا مخابره کرده میتواند (واقع مهتاب قلعهٔ کابل)
Station radiotélégraphique nouvellement construite à Kaboul
(centre récepteur)

ACKU



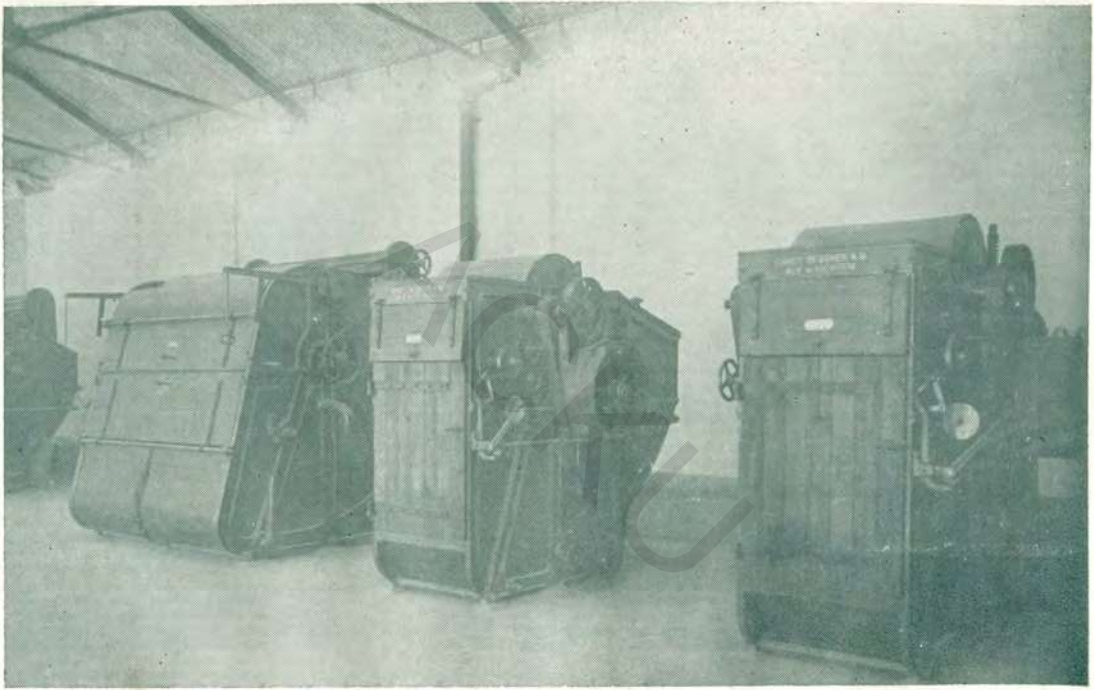
ازموسسات مهمهٔ وزارت پست وتلگراف : مرکز صادرهٔ تلگراف بیسیم که باتمام دنیا مخابره کرده میتواند (واقع یکه توت کابل)

Station radiotélégraphique nouvellement construite à Kaboul (centre expéditeur)



فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : اطاق پشم شوئی مرکب از چهار قطار و هر قطار مرکب از پنج ماشین بوده هرقطار بذریعهٔ موتر برقی علیحده بکار می افتد

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: La salle de lavage de laine



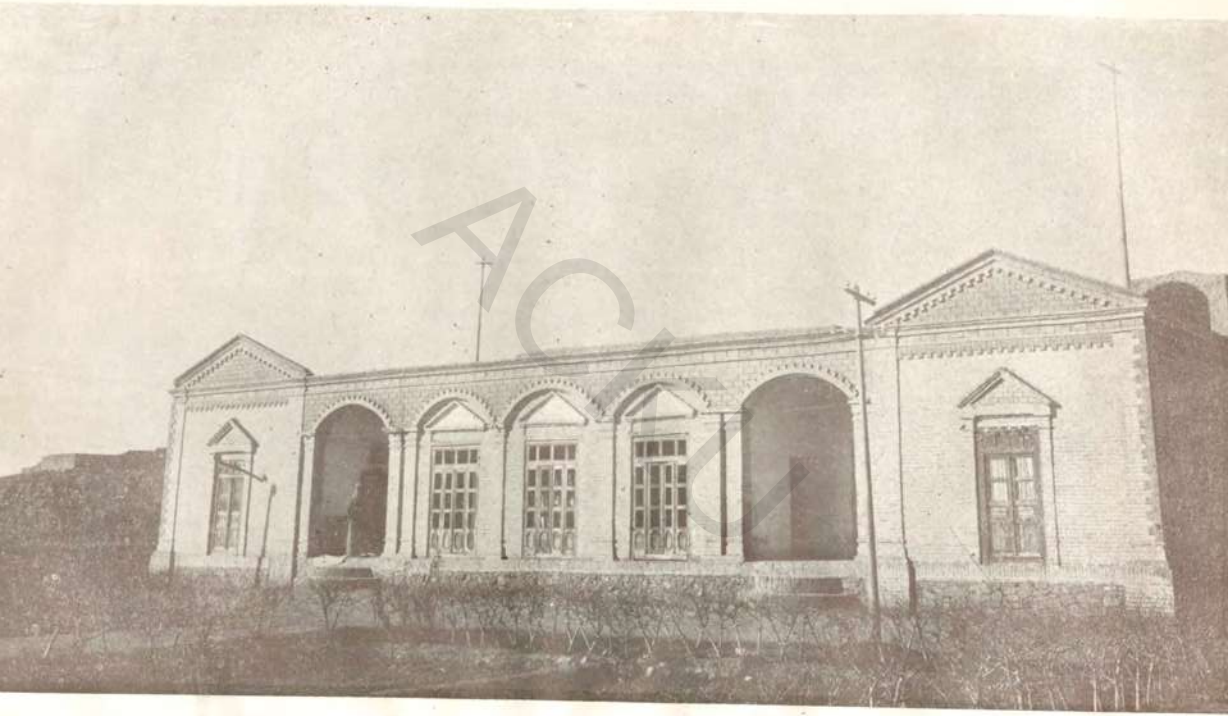
فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار ، ماشینهای مالش و آرایش دادن پارچه بحال مرطوب

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



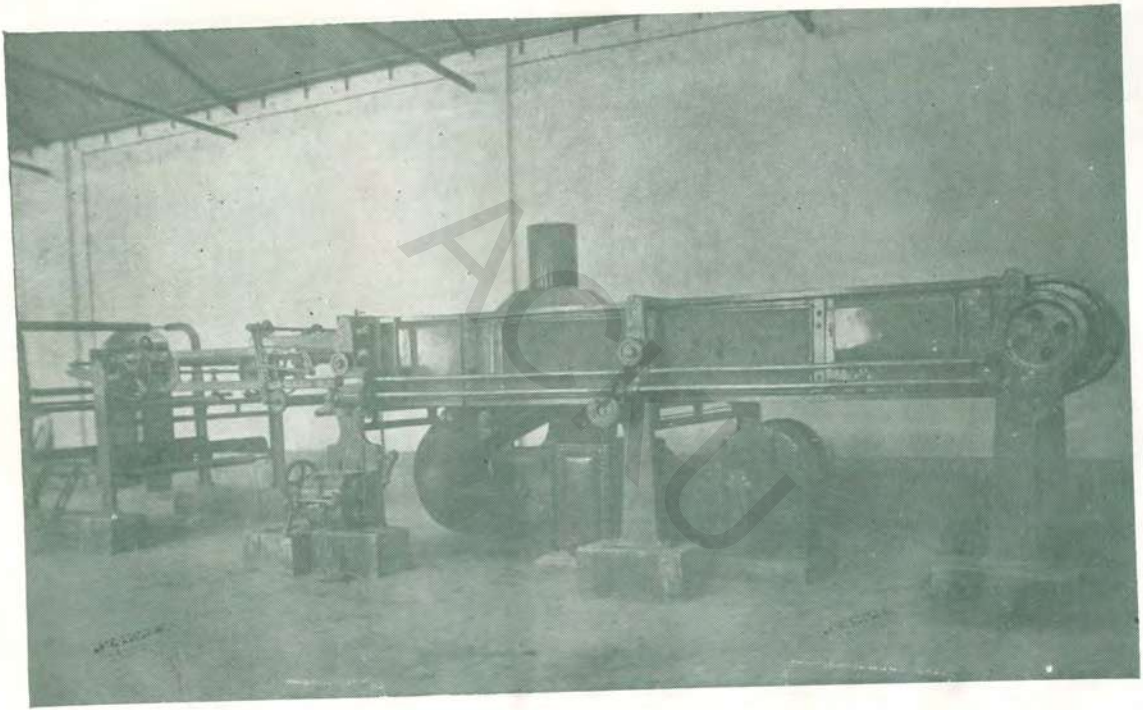
از عمارانات جدید ولایت هرات : منظرهٔ عمومی مرکز تیلگراف بیسیم درشهر نو

Vue générale des bâtiments de la nouvelle station radiotélégraphique à Hérat



از عمرانات جدید ولایت هرات : تلگرافخانهٔ شهر نو

Nouvel immeuble des bureaux télégraphiques à Hérat



فابریکهٔ پشمینه بافی جدید قندهار : حصهٔ مالش و آرایش خشك ماشین شکنجهٔ پارچه توسط بخار

Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kaboul



ماشین آهار دادن تارهای پشم توسط بخار و ماشین روچك ماکو های بافت و ماشین بیلرس نمودن تار های پشم

Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kandahar



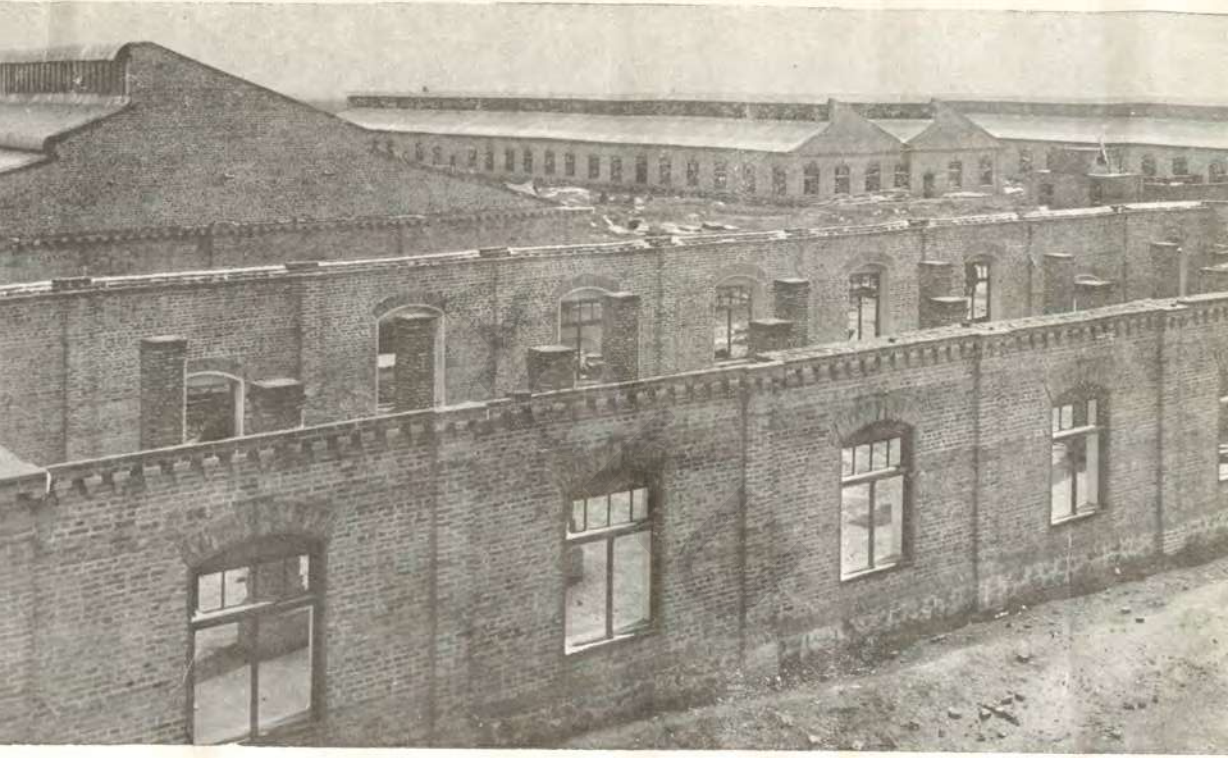
فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار : ماشین های فشار پشم

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines pour presser la laine



از عمرانات جدید ولایت قندهار ، یکی از عمارات حکومتی که در عصر اعلیحضرت المتوکل علی‌الله ساخته شده

Immeuble des bureaux de gouvernement nouvellement construit à KANDAHAR



از عمرانات جديد ولايت قندهار : يك حصه از كدر خانهٔ پشمينه بافى جديد التاسيس

Nouvelle usine de lainage à KANDAHAR

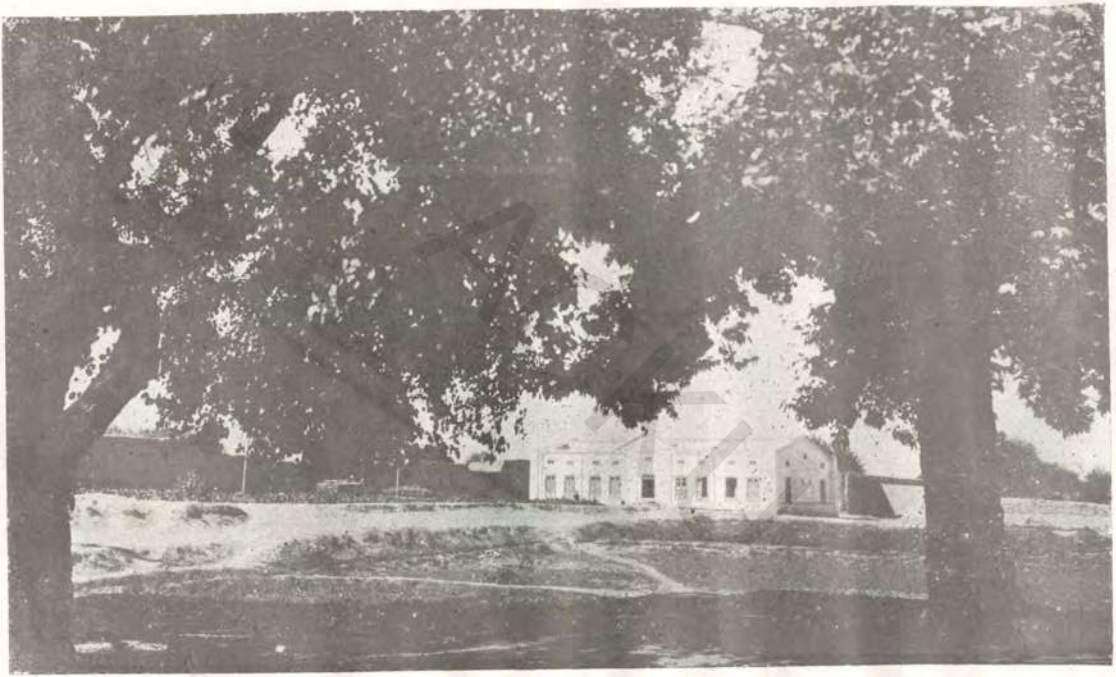


قهوه خانهٔ جدید واقع دارالفنون

Café nouvellement inauguré à Daroul-Founoun (Kaboul)



از عمرانات جدید حکومت اعلای میمنه ، هوتل عصری در اندخوی
Hotel moderne nouvellement construit à Andkhoï (Prov. de MAIMANAH)



از عمارات جدید حکومت اعلای میمنه : هوتل عصری که درعهد سلطنت اعلیحضرت همایونی تعمیرشده

Hotel moderne nouvellement construit à Maimanah

٤ ـ : در حکومتی درجهٔ سوم چاه آب بدخشان امسال یك عمارت جدید تیار شده که این عمارت از حیث موقعیت و اصول ساختمان و وسعت آبادی خود خیلی قابل توجه ودارای (٦١) اطـاق مختلفه و به وضعیت درستی آباد شده است علاوه ازان که در سلسلهٔ عمارات مذکور ادارات حکومت ، مالیه عدلیه ، خزانه ، کوتوالی و غیره اقامت می ورزند یك عمارت درستی برای مکتب ابتدائیهٔ آنجا هم بآن الحاق یافته است .

٥ ـ : درحکومتی رستاق امسال یك عمارات جدید آباد و یك باغ موزونی به سلسلهٔ آبادیهای آن علاوه گردیده که درین عمارت جدید گذارهٔ همه مامورین حکومتی بوجه درستی میشود . علاوه بران یك باب مکتب ابتدائیه در قریب جای حکومتی تیار شده که این سلسله عمارت یکی از بهترین عمارات امسالهٔ ولایت قطغن و بدخشان شمرده میشود .

٦ ـ : در علاقه داری خواجه غار مربوط حکومت تالقان یك بنای جدید که دارای یك سلسله عمارات منتظم است درمرور امسال آباد گردیده است .

٧ـ : تعمیر یك عمارت جدید برای علاقه داری برکه مربوط حکومت نهرین که مطابق نقشهٔ عمارات قندوز و اشکمش یك سلسله عمارات پخته و متین برای علاقه داری مذکور آباد گردیده و نیز ازهمگذ راینکه درمنطقهٔ برکه بازار درستی موجود نبود ، درضمن ترتیب نقشه های علاقه داری برحسب خواهش اهالی نقشهٔ احداث یك بازار جدید مطابق نقشهٔ عصری درجوار علاقه داری ترتیب شده این بازارکه دارای (٤٠) دکان و(٢) کاروان سرای میباشد هم دوش جای علاقه داری آباد گردیده است .

د : حکومت اعلای مشرقی :

۱ ـ : در سال ۱۳۱۰ کدام تعمیرات شهر نو جلال آباد پیشرفت زیادی کرده وقسمت بزرگ عمارات دولتی ورعیتی پایهٔ تکمیل رسیده است . چنانچه بعضی اهالی و دکان داران درآن جامسکون شده اند ونیز جاده های شهر مذکور که بصورت عصری اعمار یافته زیرکار گرفته شده و پخته کاری میشود .

۲ـ : بنای سراج العماره که یکی از عمارات بسیارعالی وفشنگ جلال آباد است و در وقت انقلاب سوخته بود ، درین سال کار تعمیر آن آغاز وخیلی پیشرفت کرده است .

ه : حکومت اعلای میمنه :

۱ ـ : تعمیرمدیریت خارجه که مطابق نقشهٔ مهندسین بصورت عصری ساختمان شده در ظرف سال تقریباً خاتمه یافته است .

۲ـ : عمارت تیلگرافخانه که مطابق نقشهٔ مهندسین تعمیر یافته در عرض سال ۱۳۱۵ تکمیل گردیده .

۳ـ : تعمیرجدید حکومت پشتون کوت که مطابق نقشه و اصول عصری کار شده و تا آهن پوش رسیده عنقریب تکمیل میباید .

٤ـ : تعمیر شفاخانهٔ ملکی که بقرار نقشهٔ مهندسین تحت کاراست و کار تهداب آن تا کرسی اکمال گردیده .

۵ـ : تعمیر دائرهٔ سررشته داری اعلی مطابق نقشه و اصول عصری تحت کار آمده ساختمان آن تا کرسی رسیده .

٦ـ : ساختمان یك عمارت عصری برای احتیاجات حکومت در داخل شهر میمنه که درسال ۱۳۱۵ مطابق نقشهٔ اصولی اعمار و تکمیل گردیده و

کوتی و موتر خانه و بعضی ملحقات دیگر آن تحت کار میباشد .

۷ ـ : بازار جدید بجانب غربی شهر میباشد که به اصول مهندسی تعمیر شده اکثریه دکاکین آن اکمال یافته .

۸ ـ : عمارت هوتل جدید در اندخوی که بصورت عصری ترتیب شده .

۹ ـ : بالاحصار میباشد که برای ساختمان عمارت حکومت اعلی تعین شده و در سال ۱۳۱۵ تسطیح آن بعمل آمده .

۱۰ ـ : بالاحصار اندخوی نیز که برای عمارت حکومتی آنجا در نظر گرفته شده کار ساختمان مذکور آغاز گردیده است .

شعبهٔ برق :

۱ ـ تأسیس یك فابریکهٔ برق آبی بزرگ بقوت (۳۰۰۰) کلیوات جهت تنویرات آیندهٔ شهر کابل وتدویر کارخانه جات مختلفه ـ وساختمان بندآن بموضع درهٔ خوات چك وردك که درین سال ازیکطرف برای خریداری فابریکه اقدامات لازمه بعمل آمده واز طرف دیگر کارات ابتدائی تعمیر مذکور مطابق نقشهٔ مهندسین شروع شده وتفصیل کارهای اجراشده گی امسالهٔ مذکور قرار ذیل است :

۱ : خریداری اراضی کارآمد ساخت تحویلخانه ها .

۲ : تهیهٔ سامان تعمیریه ازقسم بیل وکلند و جراثقال وغیره .

۳ : تهیهٔ مصالح ازقبیل سمنت وجفله وریگ وچوب ارچه و تیرهای چوبی وآهنی وغیره .

٤ : گشتا ندن دریا از موضع اصلی که در زمین زراعتی بطول ۲۳۷ متر وعرض ۱۱متر و۹۳ سانتی و عمق ۱متر و ٦۷سانتی حفر وتمام شده .

۵ : کندن و صاف کردن تهداب حصهٔ بندکه خاك زراعتی مطابق هدایت مهندس کنده و صاف شده به طول ۳۰۵ متر و عرض ۵۶ متر تمام شده .

۶ : تحویل خانه‌ها وجای برای مامورین و جای رهایش برای مهندسین هم علیحده ساخته و تکمیل گردیده .

۲ ـ تعمیر یك برج جهة (ترنسفارمر) برق به پل سرك چمن حضوری که به اصول جدید ساخته شده ، کار آن تکمیل گردیده .

۳ ـ اقدامات برای تاسیس یك فابریکهٔ برقی آبی در جلال آباد جهة تنویر شهر مذکور و تدویر کار خانه های لازمه که فابریکهٔ مذکور در جوار نهر شاهی جلال آباد ساخته خواهد شد .

۴ـ اقدامات برای توسعهٔ برج برقی فابریکهٔ برق جبل السراج وخریداری یکپایه ماشین جدید بقوت (۹۶۰) کلیوات که در شرف نصب میباشد سپس ماشینهای سابقه را میتوان گرد.

۵ ـ خریداری یکپایه ماشین دیزل بقوهٔ (۳۰۰) اسپ برای تقویت قوهٔ برق کابل که عنقریب نصب خواهد شد چنانچه جای نصب آن نیز در مرکز برق کابل ساخته شده .

مقرریها و ترفیعات جدید وزارت فوائد عامه :

ص ، محمد حسین خان سرکاتب مدیریت عمومی فابریکات بمدیریت گوگردسازی .

« ، امیر محمد خان مدیر گوگرد سازی بمعاونی مدیریت عمومی فابریکات .

« ، محمد ابراهیم خان مامور فابریکهٔ نخ تابی جبل السراج بحیث مدیر فابریکهٔ مذکور

« ، میر صاحبخان بمدیریت اجرائیهٔ فابریکهٔ نساجی .

« ، محمد اسلم خان « « « بوت دوزی .

« ، مددخان سابق مامور معابر جنوبی بمدیریت معابر مذکور که جدیداً مدیریت شده .

« ، محمد عمر خان مامور معابر ولایت قندهار ترفیعاً بمدیریت معابر ولایت هرات .

ص ، محمد اصغر خان بمدیریت معابر ولایت قندهار .
« ، غلام رسول خان مامور معابر مزار شریف بمدیریت معابر مذکور که جدیداً مدیریت شده .
« ، عبدالوکیل خان مامور معابر مشرقی بمدیریت معابر مذکور که جدیداً مدیریت شده .
« ، صالح محمد خان بمدیریت جدیدالتاسیس معابر ولایت قطغن .
« ، محمد کبیر خان مهندس ترفیعاً بمدیریت حصهٔ ولایت کابل سرك مشرقی .
« ، محمد حسن خان بمامورت جدید التاسیس فابریکهٔ برق واقع وردك .

امور صحیه

در جریان سال ۱۳۱۵ بتاسی از نظریهٔ حکومت بهیخواه وزارت صحیه تا جائیکه توانسته به اجرا و تطبیق امور صحیهٔ عمومی توجه لازمهٔ خود را معطوف ساخته آنچه نوافصیکه خلاف مقررات صحی به نظرش بر خورده در اصلاح آن از هیچگونه اقدامات خود داری نه نموده ـ و از طرف دیگر نظر به نقشه و پروگرام مجوزهٔ خود در رفع و از آلهٔ دو نوع مرض ساری وخیمه که شرح آن ها در آتی ذکر می شود به یاری خداوند کریم موفق آمده است ، علی هذا در اینجا از بیانات مشروحه صرف نظر نموده به بعضی ایضاحات لازمه پرداخته میشود :

۱ ، ـ در سال ۱۳۱۵ وزارت صحیه توجه مخصوص خود را بطرف نشریات صحی معطوف ساخته و بر علاوهٔ مجلهٔ صحی ، درهر ماه به تعداد زیاد نسخ مطبوع که حاوی مطالب مفید صحی بوده بصورت مجانی در معرض استفادهٔ

عمومی گذاشته است . یعنی برای اینکه افراد وطن عزیز از اثرات و خیمهٔ امراض ساری از قبیل ، سفلیس ، و با ، ، سرخکان و غیره مطلع شده و صورت دفاع آن را بفهمند وزارت صحیه چنین تجویز نموده که در هرماه از طرف دکتوران متخصص بلا انقطاع کنفرانس‌ها دائر وازطرف همان دکتور شفاهی توضیحات لازمه درین جمع کثیر اهالی داده شود . چنانچه در سال ۱۳۱۵ هفت کنفرانس صحی ازطرف دکتوران متخصص داده شده و همان طوریکه نسخ مطبوع کنفرانس های مزبوره در مرکز میان اهالی توزیع شده ، بهمین ترتیب یك تعداد زیاد نسخ مطبوع مزبوره به ولایات و حکومتی های اعلی و کلان وغیره فرستاده شده تا در آنجا ازطرف مدیر صحیه برطبق مرکز کنفرانس ترتیب وسپس نسخ مطبوع مذکوره را توزیع کند .

۲ ، ـ ظاهر است که امراض ساری ازقبیل تیفوئید (محرقه) سرخکان ، چیچك یاغی و غیره میان کتله های بشری در هر موقع موجود بوده و برخی از افراد عائله را مورد حمله قرار می دهد . از آنجائیکه عائله ها در مواظبت اینچنین امراض آشنا نبوده و از نقطهٔ نظر صحی نمی فهمند که با اینگونه مریض‌ها چطور رفتار لازم است ؛ ازین رو وزارت صحیه چنین تجویز نموده که یك تعداد محدود متعلمات صنف قابله گی را بنام نماینده گان صحی تحت تعلیم قرار دهد ؛ چنانچه برای آن ها پروگرام علیحده ترتیب شده و دکتوران متخصص هر فن بتدریس آنها مشغول میباشند . کورس این نماینده گان صحی برای سه ماه تعین شده و وظیفهٔ آن ها تبلیغ و ارشاد صحی به عائلهٔ مریضدار می باشد ، تا با مریض بدا نقرار رفتار نمایند .

۳ ، ـ چندی قبل در محال ایبك مرض مدهشی شیوع یافته و برخی

از دکتوران مربوط ولایت مزار شریف از نقطهٔ نظر سرپرات ، مرض مزبوره را طاعون تشخیص نموده و به وزارت اطلاع تلگرافی واصل آمد. وزارت صحیه باساس اطلاعیهٔ مزبور از مرکز یك تعداد دکتورها را با ادویهٔ لازمه به ایلك اعزام نمود. قبل ازانکه جراثیم مرض شیوع یابد مامورین وزارت صحیه به رفع آن موفق آمدند. بعد از معاینهٔ باکتریولوجی (میکروب شناسی) ظاهر گردید که مرض مذکور حای لکه دار بوده و این مرض از جملهٔ امراض مهلك بشمار میرود. نسبت به این مرض و چگونگی آن دایرهٔ بین المللی صحی پاریس توسط تلگراف طلب معلومات نموده کیفیت بدانجا معلومات داده شد. چون جهة جلوگیری از شیوع مرض اطاق و البسهٔ بعضی از ساکنین ایلك سوختانده شده بود قیمت آن پرداخته شد.

٤ ـ درسال ١٣١٥ یك مسئلهٔ دیگری که توجه وزارت صحیه را نسبت به خود معطوف ساخت شیوع مرض کولرا (وبا) در زرمت ونواحی فریهٔ آن بود. مرض کولرا دفعتاً در حصهٔ زرمت کسب ظهور نموده و همینکه بوزارت صحیه اطلاع رسید یك هیئت منظم دکتوران مربوطهٔ مرکز را با یك تعداد وافر واکسین (دوای نرزیق) ضد کولرا برای مجاداه به آنطرف اعزام نمود ودرظرف مدت قلیلی تمام افراد زرمت و نواحی آنجا از دوای مذکور تزریق شده وبه این ترتیب ساحهٔ انتشار مرض محدود گردیده وبعد ازمدت کمی بفضل خداوند مرض مزبوره بکلی مرتفع گردید.

٥ ـ چون تاکنون احصائیهٔ صحیح امراض ساری و مخصوصاً مالیریا (تب لرزه) بدست نیامده که درکدام حصص ونقاط افغانستان همچه امراض بیشتر موجود بوده وکدام نقطه اولتر محتاج بمدافعه میباشد ، از پنرو وزارت صحیه

چنین تجویز نموده است که یك هیئت طبی را که مرکب از دکتوران ماهر باشند بزودی ممکن درتمام نقاط افغانستان اعزام دارد تاهیئت مذکور رایپور مفصلی دراین باره ترتیب دهند وباساس آن وزارت صحیه بمدافعهٔ آغاز نماید .

۶ ـ نسبت به صورت واکسین ساختن تیفوئید (محرقه) کولرا (وبا) و داء الکلب (مرض سگ دیوانه دریکی ازعمارات دارالفنون له مطابق نقشهٔ جداگانه تحت ترمیم گرفته شده باپارهٔ اصلاحات جزئی موسسهٔ چیچك وواکسین گیری برای امراض فوق قائم شده است . چنانچه برای بکار انداختن آن استخدام سه نفر مستخدم ازطرف حکومت متبوعه منظور شده . گویا برعلاوهٔ آب چیچك که تاکنون طورفنی درموسسهٔ باکتریولوجی گرفته میشود واکسین های مذکورهٔ سه گانه نیز ازین به بعد درمرکز بدست میباشد .

۷ ـ چون معاینهٔ صحی کسبه ازجملهٔ ضروریات وحتمیات بوده و زارت صحیه تماماً کسبهٔ بازارهای شهرکابل را بمعاینهٔ متخصصین مربوط رسانیده بعدا لمعاینه راجع به صحت آن ها (بورقهٔ مطبوع تصدیق صحت) قبلاً بهدایت وزارت صحیه ترتیب داده شده بود) امضای متخصصین را بطور تصدیق گرفته صورت اعطای تصادیق صحت شان‌رابرای استحضار ریاست بلدیه ارسال نموده وبعد ازین معاینهٔ کسبهٔ دائماً بعمل میآید .

۸ ـ برای رفاه اهالی چنین تصویب شده که ازجملهٔ دواخانه‌های‌مرکز در ۲۴ ساعت شبا روزی دو دوا فروشی حتماً بازباشد ، چنانچه در اثر این تصویب هرشب دو دواخانه مفتوح بوده و قبلاً نوبت هر دواخانه که باشد ذریعهٔ روزنامه جهة اطلاع عموم خبرداده میشود تا حاجتمندان بآن رجوع نمایند .

۹ ـ چون در مملکت عزیز ما در اکثر نقاط چشمه های آب معدنی

وجود دارد وزارت صحیه ماهیت آب های مزبوررا تحت تجزیه و دقت قرار داده خواص و فوائد آبهای مذکور را معلوم میدارد ۱۰۰ اینکار در حال جریان است بعد از تحقیقات ، آب های مفید در معرض استفاده گذاشته و طریق استفاده کردن و فوائد آن باطلاع عموم رسانیده میشود .

۱۰ ـ چون در اکثر مواضع مملکت عزیز جراحان وطنی بصورت غیر فنی با جرای عملیات مهم جراحی مبادرت میورزیدند و وزارت صحیه ایشان را مورد امتحان قرار داده ، کسانیکه اهلیت این کار را نداشتند ازشغل‌شان مانع آمده تعلیم واشخاصیکه نسبتاً درخور تعلیم دیده شدند آنها را برای تحصیل در نزد متخصصین گماشت تاپس ازتحصیل اجازه نامه حاصل دارند .

۱۱ ـ راجع به اجرای کار آبله کوبهای وطنی وزارت صحیه‌ترتیبات اصولی اتخاذ نموده یعنی آبله کوب های مزبوره بمرکز آمده بعد از گرفتن تعلیم اصولی آبله کوبی از طرف وزارت صحیه آب چیچك بصورت مجانی برایشان اعطاء شده بکارخود شان مجازمیشوند وحق‌الزحمه ازاهالی اخذ مینمایند .

۱۲ ـ در طول این سال وزارت صحیه به افتتاح مؤسسات صحی ذیل موفق شده است :

الف ـ افتتاح شفاخانهٔ پغمان و تعین مأمورین و مستخدمین آن .

ب ـ افتتاح‌شفاخانهٔ امراض‌عقلیه وعصبیه به عمارت‌جدیدالتعمیر آن درعلی آباد و تعین مامورین و مستخدمین آن .

ج ـ افتتاح سناتوریم زنانه در موضع دارالفنون و تعین مامورین و مستخدمین آن .

د : ـ افتتاح مؤسسهٔ دندان سازی مستورات درده افغانان کابل وتعین مامورین و مستخدمین آن .

ز : ـ افتتاح ادویه فروشی مرکزی در دوا خانهٔ عمومی در جادهٔ شاهی .

س : ـ افتتاح یك کتابخانه در مرکز وزارت صحیه .

۱۳ : ـ آب چیچك که بوسیلهٔ ادارهٔ مربوطهٔ آن ساخته می شود (چنانچه شرح آن را درسال گذشته به سالنامه متذکر شده بودیم) از طرف وزارت صحیه وقتاً فوقتاً جهت آبله کوبی اطفال وهمچنان برای مبارزه برعلیه آبله های یاغی بولایات وحکومات اعلی ارسال میشود چنانچه ابتکار تااندازهٔ خوبی مفید واقع شده و از تلفات این مرض موذی جلوگیری بعمل آمده است .

۱٤ : ـ برای رفاه و مراعات صحت عامه یکمقدار پول زیاد ازفیس یعنی مواجب واجب الادای مریضانیکه مکلف به پرداخت اجرت شفاخانه ها بودند کم کرده شده وازین روخیلی به مریضانیکه پول مصارف ادویه وخوراکه می پرداختند سهولت پیش شده است .

۱۵ : ـ چون زهر نسکپور و کچله از طرف عطارها بفروش می رسد وزارت صحیه راجع بفروش هر دو نوع ادویه حسب اصول صحی دستوری اتخاذ نموده فریضهٔ ریاست بلدیهٔ کابل و مدیریت های صحیهٔ ولایات و حکومات اعلی و کلان اجرای آن را برای عطارها توصیه نموده .

۱٦ : ـ راجع به قطیفهٔ حمامها که در هر یك اطاق چند قطیفه برای استحمام کنندگان موجود باشد وزارت صحیه حسب مقررات صحی ترتیبی را اتخاذ نموده بریاست بلدیه پیشنهاد داده است .

۱۷ : ـ راجع بمصاین امراض ساری وزارت صحیه بدکتوران مرکز

ابلاغ نموده تا کدام مریض که مرض مسری داشته باشد از صورت مرض و هویت مریض مذکور را پور بدهند که شخص مریض به سناتوریم ها ، و شفا خانه ها برای علاج خواسته شود .

۱۸ : ـ چون حسب معمول جاریه خشکانیدن انبار بالای بام حمام های شهری ازطرف عملهٔ حمام ها بعمل می آید وزارت صحیه این عمل آن ها را خارج مقررات صحی دانسته توسط ریاست بلدیه آنهارااز این نوع خشکانیدن انبار ممانعت نموده .

۱۹ : ـ در موسم تابستان به ترتیب همه ساله از طرف بعضی اشخاص آبخوره ها در هر یك از مواقع شهر ساخته شده بود وزارت صحیه این آبخوره ها را خلاف مقررات صحی پنداشته ذریعهٔ ریاست بلدیه آن ها را ممنوع قرار داده .

۲۰ : ـ وزارت صحیه برای تحفظ اصولی میوه از ذرات و نشستن مگسها و انسداد فروش میوهٔ خام و گندیده که بمضرت صحت عامه ذی تاثیر بوده مقرراتی صحی وضع نموده و بریاست بلدیه سپرده است .

۲۱ : ـ حسب ضرورت اهالی وزارت صحیه ادویه فروشی ها ودندان سازهارا بمواضع مختلفهٔ شهر تقسیم نموده است .

۲۲ : ـ اصولنامهٔ دواخانه ها که درسال گذشته ۱۳۱٤ ازطرف وزارت صحیه تدوین شده بود بعد از آنکه دراین سال مراتب اصولی خود راطی نموده بامضای اعلیحضرت ملوکانه موشح گردید ، از طرف وزارت صحیه بدوائر وزارات ، ولایات، حکومات اعلی وکلان وادویه فروشی های شهری توزیع واجرای مواد مندرجهٔ اصولنامهٔ مزبورهٔ بعموم دواخانه ها توصیه وتطبیقات آن تحت اجرا گرفته شده .

۲۳ : ـ مطابق اصل (۲۰) اصولنامه‌ها فهرست اسامی دکتوران ومعاونهای دکتورکه به اجرای نسخه ازطرف وزارت صحیه مجاز شناخته شده‌اند ترتیب و بدواخانه‌ها ابلاغ گردیده تا باستثنای آن ها نسخهٔ شخص دیگربرا مرعی‌الاجرا نشناسند.

۲۴ : ـ طبق مادهٔ (۳۹) اصولنامهٔ دواخانه ها بعد ازسپری شدن سه ماه ازانتشار اصولنامهٔ مزبوره ازطرف ادارهٔ تفتیش مدیریت مشاورهٔ فنی وزارت‌صحیه تفتیشی از دواخانه های شهری بعمل آمده نتیجهٔ تفتیش ذریعهٔ جرائد و طبی برائی استحضار عامه بمنصهٔ اشاعه رسانیده شده.

۲۵ : ـ « واکسین » و « سیرم » و ادویه های مفیده از طرف وزارت صحیه برای حاجتمندان بدواخانهٔ مرکزی بمعرض فروش گذاشته شده است تا بقیمت مناسب از آنجا باز یافت دارند.

۲۶ : ـ راجع به تهیه و ساختن آب مقطر بداخل دواخانهٔ عمومی که در سال گذشته وزارت صحیه داخل اقدامات شده بود، بالاخره به ساختن آب مزبوره به این سال موفق آمده بمقدار زیاد آب مقطر ساخته میشود و بدواخانه های شهری بفروش می رسد و هم بعموم دواخانه ها آب مزبوره مورد استعمال قرار داده شده است.

۲۷ : ـ راجع به تورید ادویهٔ مخدره و صورت مصرف آن وزارت صحیه اصولنامهٔ ترتیب داده است که بعد ازطی مراتب اصولی درساحهٔ عمل گذاشته‌میشود.

۲۸ : ـ درین سال یکعده فارغ التحصیلان دورهٔ (دوم) مکتب طبی ازطرف وزارت صحیه به امور صحی بمرکز ولایات وحکومات بصفت مدیر ومامور و معاون دکتور موظف شده و تنها دو نفر آنها برای تحصیلات عالی به فاکولتهٔ طبی شامل شده اند.

۲۹ : ـ برای اینکه درمملکت عزیزما موسسهٔ اکسریزعصری باتمام آلات و ادوات آن قسمیکه در ممالك دیگراست موجود باشد وزارت صحیه در اثر توجهات فیمتدار حکومت متبوعه راجع به تهیه و ابتیاع آن از اروپا داخل اقدامات شده است که درسال آینده دارای اکسریز جدید و عصری علاوه بر اکسریز سابقه خواهیم بود .

۳۰ : ـ چون به دواخانه‌ها ضرورت زیاد بداشتن کمپوندر (دواساز) محسوس شده بود وزارت صحیه نظر به ضرورت آنی آن ها یکعده شاگردان کمپوندری شفاخانهٔ ملکی و کمپوندران فعلی شفاخانه های مرکزی را در تحت تعلیم جناب دکتور انورعلیخان بروز های معینه قرار داده کورس کمپوندری را مجدداً در دواخانهٔ عمومی باز نمود چه در سال گذشته ۱۳۱٤ کورس مزبور افتتاح شده بود و یکعده کمپوندران بصورت قناعت بخش از کورس مزبور امتحان داده کامیاب و داخل کار شده بودند .

۳۱ : ـ باغ نباتات واقع علی آباد در سال ۱۳۱٤ در تحت کار گرفته شده بود ، بعد ازانکه مرتبه‌های باغ مزبور ساخته شد ازطرف وزارت صحیه بسا نهالها و گل هائیکه تخم آن از اروپا تهیه شده بود غرس و تنمیه شده چنانچه باغ مزبوردر این‌سال رونق تازهٔ بدامنهٔ کوه‌علی‌آباد بخشیده است .

۳۲ : راجع به کنترول‌اداویهٔ مخدره که بعداز بن‌تاجران‌وارد کرده نمیتوانند ازطرف وزارت صحیه مقرراتی وضع شده است .

۳۳ : ـ برای استفادهٔ اهالی ، وزارت صحیه را جع به تعدد وتکثیر دواخانه های خصوصی درهریك ازولایات وحکومات توجه تجار واشخاص صنعتدار معطوف ساخته وقتاًوقتاً برای اجرای این منظور ازهیچگونه تشویق خود داری

نموده است . تا اینکه دوا خانه های متعدد درمرکز و ولایات هرات ، قندهار وحکومت اعلای مشرقی وجنوبی ومیمنه و حکومت کلان شمالی و غزنی افتتاح وشروع به کار نموده اند .

۳۴ : ـ باترتشویق مقام منیع صدارت عظمی وتحریك واقدامات وزارت صحیه یکمقدار پول هنگفتی بطور اعانه برای اعمارشفاخانهای عصری ازطرف ولایات وحکومات متذیله جمع آوری شده است :

ولایات قندهار و حکومات مربوطهٔ آن (ارزگان ، قلات ، پشت رود) هرات وحکومات مربوطهٔ آن (بادغیسات ، غورات ، غوریان ، سبزوار) مزارشریف وحکومت کلان مربوطهٔ آن(شبرغان) قطغن وحکومت کلان مربوطهٔ آن (بدخشان) مشرقی وحکومات مربوطهٔ آن (کنرها) حکومت اعلای میمنه ، حکومت کلان شمالی ، اوگر ، دایزنگی . چنانچه اعماربرخی ازین شفاخانه های ولایات وحکومات دراین سال تحت تعمیر بوده که بسال ۱۳۱۶ به پایهٔ تکمیل خواهد رسید و بکار تعمیر بعضی دیگر به اوائل سال ۱۳۱۶ آغاز میشود . نقشهٔ شفاخانه های حکومات مربوطهٔ ولایات موصوفه از طرف وزارت صحیه باصول فنی ترتیب و فرستاده شده است .

۳۵ : ـ راجع بمسئلهٔ آبله کوبی ولایات وحکومات اعلی وحکومات مربوطهٔ آن ها وزارت صحیه بهر یك سمت ، مامورین سیار آبله کوب را دراین سال موظف ساخته تا در وقت شیوع چیچك در رفع و ازالهٔ آن بپردازند و علاوهٔ آبله کوب های وطنی را نیز به تعلیم اصولی آبله کوبی مجبور ساخته تا بعداً با مورین آبله کوبی کمك نمایند . آب چیچك بطور مجانی برایشان وقتاً فوقتاً ارسال می شود .

۳۶ : ـ در سال ۱۳۱۵ وزارت صحیه خال زدن چیچك را عمومی قرار داده بتمام ولایات وحکومتی های خورد وبزرگ دساتیر لازمه با یکمقدار کافی آب چیچك ارسال نموده تابلا استثنا ، صغیر وکبیر خال چیچك زده شوند وگویا بدین وسیله وزارت صحیه میخواهدتاتمام نفوس افغانستان بخال زدن معتاد شده ونسل آینده بسهولت به طریقهٔ خال زدن معتاد باشند . در مرکز هم برای اشخاص صغیر و کبیر تر تیبات لازمه گرفته شده تا آن هائیکه مدت خال زدن شان منقضی شده باشد بار دوم و سوم به خال زدن مبادرت نموده و خود هارا از تهلکهٔ مرض چیچك و بائی نجات دهند .

۳۷ : ـ در سال ۱۳۱۵ در مؤسسهٔ چیچك تحت نظارت جناب دکتور زهدی بیگ مبکروب شناس کورسی افتتاح و در آن جا طریقهٔ گرفتن آب چیچك از گوساله و صورت استعمال و خال زدن آن در اطفال عیناً مانند یك داکتر به طلاب مزبوره تدریس و کورس مزبوره بصورت موفقانه تعلیمات خود را انجام داده و فعلاً برای انجام وظیفه حاضر میباشند . و باید خاطرنشان کرده شودکه کورس مزبوره دایم بصورت مسلسل جریان خواهد داشت .

۳۸ : ـ وزارت صحیه درسال ۱۳۱۵ نسبت به آبله کوبی توجه مخصوص خود را مبذول نموده و در ظرف این سال تعداد خال زده گان آب چیچك بالغ به ۷۲۸۳۹ نفر می شود و علاوتاً برای تعداد (۳۲۰۰۰) نفر تازه آب چیچك فرستاده است . گویاسر جمع خال زده گان چیچك درظرف سال ۱۳۱۵ بالغ بر یك (۱۰۵۱۰۰۰) نفر می شوند .

۳۹ ـ استخدام دکتورس وشویستر (پرستاره) آلمانی برای شفاخانهٔ مستورات .

٤٠ ـ افتتاح ماموریت های صحیهٔ جدید در سه حکومتی های ذیل :
الف ، حکومتی کلان گرشك مربوط ولایت قندهار .
ب ، حکومتی کلان بدخشان مربوط ولایت قطغن .
د ، حکومتی کلان کنرها (اسمار) مربوط حکومتی اعلای مشرقی .
٤١ ـ اقدام نسبت به استخدام ٤ نفر متخصصین برای ولایات وسیاری .
٤٢ ـ اقدام نسبت به استخدام ٣ نفر مستحضر برای توسعهٔ موسسهٔ باکتریولوژی (میکروب شناسی) .
٤٣ ـ اقدام نسبت به استخدام یکنفر « پروتیزین » برای موسسه‌های دندان سازی مردانه وزنانه .
٤٤ ـ استخدام شویستر « مارگا » برای رفقی سناتوریم وعوض « مادام نیلی نایف » سر پرستارهٔ سابقه که فرار دادش ختم ومرخص شده .
٤٥ ـ اقدام راجع به استخدام یکنفر پرستاره برای شفاخانهٔ ملکی مرکزی .

مقرریها وترفیعات جدید وزارت صحیه :

ص ، محمد علیخان کفیل مدیر صحیه ومعاون دکتور مدیریت صحیهٔ ولایت هرات بشفاخانهٔ ملکی بصفت معاون دکتور وفعلاً بهمان صفت به کفالت مدیریت دواخانهٔ عمومی مرکز .
« ، نصرالله خان کفیل مدیریت صحیه ومعاون دکتور مدیریت صحیهٔ جنوبی بکفالت صحیه و معاونی دکتور مدیریت صحیهٔ سمت شمالی .
ص ، محمد نبی خان ، معاون دکتور شفاخانهٔ ملکی بصفت کفیل مدیر صحیه ومعاون دکتور در مدیریت صحیهٔ لوگر .
ص ، سلطان احمدخان کفیل مدیریت صحیه ومعاون دکتور فراه بمدیریت صحیهٔ غزنی .

ص ، عبدالنبی خان کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور مدیریت صحیهٔ غزنی به صفت کفیل مدیر صحیه ومعاون دکتور مدیر صحیهٔ هرات .

« ، میرزا محمد خان معاون دکتور شفاخانهٔ ملکی بصفت کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور مزار شریف .

« ، عبدالرحیم خان کفیل مدیر صحیهٔ سمت شمالی بکفالت مدیریت صحیه ومعاونی دکتور ولایت قطغن .

« ، عبدالغفور خان فارغ التحصیل سال جاری مکتب طبی بکفالت مدیریت صحیه ومعاونی دکتور سمت جنوبی .

« ، میر محمد شریف خان معاون دکتور رفقی سناتوریم بکفالت مدیریت صحیه ومعاونی دکتور مدیریت صحیهٔ میمنه .

« ، عبداللطیف خان ، معاون دکتور شفاخانهٔ ملکی مرکزی بصفت کفیل مدیر صحیه ومعاون دکتور بمدیریت صحیهٔ فراه .

امور مخابرات

وسائل مخابرات که یکی از بزرگ ترین شعبات حیات مدنی را تشکیل میدهد هما نطوری که درین چند سال گذشته ترقیات شایان و بی سابقهٔ نموده درسال ۱۳۱۵ نیز مراحل ترقی وتکامل خودرا پیموده ووزارت پست وتلگراف وتیلفون درین سال قدمهای بسیار مهم وجدی درراه تعمیم و سائل مخابره در تمام مملکت برداشته است ، خلاصهٔ اجرا آت سال ۱۳۱۵ وزارت مزبورقرار ذیل است ،

الف ـ شعبهٔ ارتباط خارجی :

۱ ، ـ عقد مقاولهٔ تبادلهٔ تلگرافی راجع به حل مشکلات متعلقه به محصولات تلگرافی همراه هند وسنان .

۲ : ـ لغو پول دیپوزت (پیشکی) که سابقاً برای مخابرات تلگرافی ازراه هند ، درپشاور گذاشته میشد و بدون آن تلگرامها به ماورای هند صادر شده نمیتوانست . اکنون این نقیصه کاملاً درائر افدامات وزارت پست بر طرف و مقاولهٔ مندرجهٔ فقرهٔ اول حسابات جاری را ما بین دوائر تلگرافی افغانستان وهند برقرارکرده است که آینده هیچ شخص مجبور به داشتن پول پیشکی در هند نخواهد بود .

۳ : ـ ترتیب فهرست محصولات هوائی صادره بخارج .

٤ : ـ ترتیب فهرست محصولات تلگرامها از راه هند .

٥ : ـ « « « مکاتیب واردهٔ خارجه .

٦ : ـ « « اسامی دفاتر پستی افغانستان و اشعار آن بدفتر یونستی بین المللی برن .

۷ : ـ تبدیل نرخ انتهائی تلگرافی افغانی از ۲۵ سانتیم به ۳۰ سانتیم فرانك سویسی .

۸ : ـ حل مسئلهٔ عقد قرارداد پستی و تلگرافی با دولت علیهٔ ایران .

۹ : ـ تهیه و ترتیب جداول پستی .

ب : شعبهٔ تلگراف و تیلفون :

الف : ولایات کابل :

۱ : تمدید وتوسیع خطوط تیلفون کیبل (از زیرزمین) درداخل شهر که نسبت بسال گذشته بقدر (ثلث) اضافه شده .

۲ : نصب یك تعداد تیلفون های جدید بدوائر دولتی و خانه ها و مغازه های شخصی .

۳ : تمدید سیم تیلفون از سیم عمومی قندهار تا نقطهٔ تعمیر فابریکهٔ برق بمقام چاك وردك بمسافهٔ (۲۷) کیلومتر .

۴ : تعمیر یك عمارت عصری برای تلگرافخانهٔ دایزنگی .

۵ : تعمیر یك عمارت بزرگ در یکه توت برای نصب دستگاه ارسال تلگراف بی سیم که باتمام نقاط دنیا مصدر مخابره میباشد .

۶ : تعمیر یك عمارت بزرگ در مهتاب قلعه برای نصب دستگاه اخذ تلگراف بی سیم که باتمام نقاط دنیا مصدر مخابره میباشد .

ب ولایت قندهار

۱ـ : تمدید سیم تیلفون جدید ازتیرین الی علاقه داری چوره ، و ازعلاقه داری چوره تاحکومتی گزاب به پایه های چوبی وسیم ۳ ملی متره به مسافهٔ (۱۱۵) کیلومتر . ونصب تیلفون به علاقه داری چوره وحکومتی گزاب .

۲ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز قندهار تاعلاقه داری پنجوائی به مسافه (۳۰) کیلومتربه پایه های سمنتی جدیدسیم ۴ملیمتره (ازپول اعانهٔ ملی) .

۳ـ امتداد سیم تیلفون جدید از اروزگان تا اجرستان که درسال گذشته شروع گردیده بود و درسنه ۱۳۱۵ تکمیل گردیده بمسافه (۹۰) کیلومتر پایهای چوبی و سیم ۴ ملیمتره . ونصب تیلفون درمرکز حکومتی اجرستان .

۴ : امتداد سیم تیلفون جدید ازحکومت کلان فلات تادایه و چوپان که درسال گذشته شروع گردیده بود ودرسنه ۱۳۱۵ تکمیل گردیده بمسافه (۱۰۵) کیلو متر به پایه های چوبی و سیم ۴ ملیمتره . و نصب تیلفون درمرکزحکومتی دایه وچوپان .

۵ : تمدید سیم تیلفون جدید ازتیرین تادهراود که آنهم در سال گذشته

شروع و در سال ۱۳۱۵ تکمیل گردیده به پایه های چوبی و سیم [illegible] کیلومتر، بمسافهٔ (۵۰) کیلومتر . ونصب تیلفون درمرکز حکومتی دهراود .

۶ : ـ تعمیر اطاق (امیلفا ئیر) یعنی آله بلند کننده صدا که تعمیر مذکور تکمیل و ماشین هم نصب گردیده چنانچه به نسبت آن مخابرات تیلفونی بین قندهار وکابل بسهولت در جریان است و صدا نسبت به سابق خیلی بلند تر شده .

۷ : تعمیر اطاق (امیلفا ئیر) درمرکزقندهار (قریب اختتام است)

۸ : تعمیر اطاق (امیلفا ئیر) در گرشك (بتازگی شروع شده)

ج : ولایت هرات :

۱ : تکمیل عمارت تلگراف خانهٔ پیسیم .

۲ : تکمیل عمارت مدیریت مخابرات .

۳ : تمدید سیم تیلفون ازحکومتی سبزوار تا کلاته نظرخان بطول (۱۲) کیلومتر.

٤ : تمدیدسیم تیلفون ازحکومتی غوریان تاموسی آباد بطول (۸۵) کیلومتر.

۵ : تمدیدسیم تیلفون ازاسلام قلعه تادهنهٔ ذوالفقاربطول (۵۰) کیلومتر.

د : ولایت مزار شریف :

۱ : تمدید یك سلسله سیم های تیلفون در داخل شهر و نقاط اطراف و نصب یك تعداد تیلفون های جدید درمرکز مزار شریف بدوائر وغیره .

۲ : تعمیر یك عمارت عصری برای تلگرافخانهٔ مرکز مزار شریف .

ه : ولایت قطغن و بدخشان :

۳ : تمدید سیم تلفون از دشت رو باه تا فرخار بطول ۱۰ کیلومتر .

٤ : « « « « از قندوز تا چهار دره « ۱۲ «

و : حکومت اعلای سمت جنوبی :

۱ : تمدید سیم تیلفون از مرکز گردیز تامرکز جاجی بطول ۷۵ کیلومتر .

۲ : تمدید سیم تیلفون از مرکز خوست تا علاقه داری تنی بطول ۳۰ کیلو متر .

ز : حکومت اعلای میمنه :

۱ : تمدید سیم تیلفون از اندخوی تاعلاقه داری فرغان تعلقهٔ اندخوی بطول ۱۸ کیلو متر .

۲ : تمدید سیم تیلفون از اندخوی تا خان چهار باغ تعلقهٔ اندخوی بطول ۱۸ کیلومتر .

ح ـ حکومت اعلای فراه :

۱ : تمدید سیم تیلفون از مرکز فراه تا مرکز حکومت گنگک که سیم مذکور از سیم عمومی که در سال ۱۳۱٤ از فراه آغاز و در نظر بود که به چخانسور منتهی شود درین سال به آنجا منتهی گردیده مسافهٔ مجموعی از فراه تا چخانسور اضافه از ۱۵۰ کیلومتر است .

۲ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز گنگک تا علاقه داری چخانسور بطول ۲۰ کیلو متر .

۳ : تمدید سیم تیلفون جدید ازمرکز گنگک تانادعلی بطول ۲۰ کیلومتر .

٤ : نصب یکپایه تیلفون درمواضع مسمی به (سلیمان) و (میل ترکی) که سیم چخانسور از آنجا عبور نموده .

ج : شعبهٔ پست :

۱ : نظر به اینکه موترهای سابقهٔ پستی بنا بر کثرت تردد و استعمال

معیوب گردیده بود برای خریداری یك تعداد مکفی موتر های رقم جدید بر طبق نمونهٔ که از طرف وزارت انتخاب گردیده اقدامات لازمه بعمل آمده که عنقریب موتر های مزبور توسط شعبهٔ شرکت امریکائی (جنرال موتور) تهیه و وارد خواهد شد ، تا گفته نمی گذاریم که در موتر های مذکور از هر جهت اسباب و وسائل استراحت مسافرین سنجیده شده و در آن راجع به تهیهٔ یك عدد صندوقچهٔ مخصوصه نیز سفارش کرده شده بطوریکه صفحهٔ خارجی صندوقچهٔ مذکور برای نصب نمودن اعلانات و مقررات مسافرین و وظائف موتران و غیره و حصهٔ داخلی آن برای انداختن پرزه جائیکه در آن مسافرین شکایات و صورت مشاهدات خود شان را نسبت به رویهٔ موتران و وقوع بعضی پیش آمد ها تحریر مینمایند تخصیص داده شود .

۲ـ ، چون وجود مواهیر پستی در جریانات فعلی و آتی پستی اهمیت زیادی دارد ، یك تعداد مکفی مواهیر در آلمان فرمایش داده شده .

۳ـ ، نظر به تسهیلات امور پسته رسانی یك تعداد کیسه های چرمی مخصوص برای پسته رسانهای با سکل سوار و پیاده ، در خارج فرمایش داده شده .

٤ـ ، سابقاً که پستهٔ بین مزار و اقچه توسط پیاده حمل و نقل می شد و از بین رهگذر در توصیل پسته فیما بین مقامات مذکوره که اهمیت تجارتی و غیرهٔ آن مشهور است تعویق به عمل می آمد اکنون سرویس موتر در بین نقاط مذکور دایر شده که در هشت ماه بهار پسته توسط موتر و درچهار ماه زمستان بنا بر بارندگی و گل ولای و غیره توسط سوار چاپار پسته حمل و نقل می شود .

۵ـ : برای اینکه مطبوعات : جراید و مجلات بمقامات مرجع بعجله و سرعت توصل نماید و در مفهوم فعلی انتشار و توزیع جراید و مجلات نظر بهمان اهمیت فعلی و آنی که درحیات اجتماعی امروز دارد تغیری بعمل نیاید از ین پس جراید معنونهٔ تمام مراجعی که درخط سیر موتر پست واقع اند سر راست آدرس آن تعین گردیده طور مستقیم بحکومات و محلات مذکوره توزیع میشود یعنی آینده جراید اول بدائره مخابرات مرکزی هر ولایت و حکومت اعلی و کلان نرفته بلکه از ین راه مرجعش سپرده میشود .

٦ : تعدیل و تعین مقررات نسبت به معادلات پرزه های باز گشتی به میعاد مقرره .

۷ : صدور متحدالمال ها راجع به تجدید نرخنامه های ارسالات پیر نگ (مرسولا تیکه محصول آن را مرسل نپرداخته و یا کم تر از اندازهٔ مقرره پرداخته باشد ومحصول ازمرسل الیه گرفته میشود) که جدیداً بمجلس بین المللی پست تصویب گردیده .

د ـ : شعبهٔ هوتل ها :

۱ : ساختمان یك هوتل جدید بصورت عصری در قندهار که عمارت مذکور عنقریب تکمیل و افتتاح خواهد شد ، این هوتل به علاوهٔ هوتلی است که فعلا در جوار عمارت متعلقهٔ وزارت پست برای زایش مهمانها با لوازم عصری تهیه و آماده است

۲ : تکمیل هوتل گرشك که عمارت تمام و لوازم آن تهیه شده است .

۳ : تکمیل سامان ولوازم هوتل جلال آباد که بصورت عصری تهیه شده است ،

۴ : شروع ساختمان یك عمارت عصری بقسم هوتل دراستالف که تهداب

گذاری آن صورت گرفته ومصالح تعمیریه تهیه شده و درسال آینده کار آن انجام خواهد شد .

٦ : تعین یك عمارت درخان‌آباد بران هوتل‌که درجوار عمارت ریاست بلدیه واقع و درآن سامان ولوازم کافی برای رهایش مهمانها تهیه شده است .

٧ : تکمیل لوازم هوتل کابل که برای همه قسم پذیرائی ها کفایت کرده بتواند واستخدام یك فرطباخ اروپائی از ایطالیا تاهوتل مرکزی بیش ازپیش وسائل رفاهیت مهمانان را فراهم سازد .

٨ : درسال ١٣١٥ یکقهوه خانه درپغمان و یکقهوه خانه در دار الفنون افتتاح گردیده است .

٩ : جاده و میدان مقابل هوتل کابل پخته کاری شده .

١٠ : کرایهٔ اطاق های هوتل کابل به مقصد رجوع مسافرین بشرح ذیل تقلیل داده شده است :

١ : اطاق درجه اول که فی روز ـ ٤٠ افغانی کرایه داشت ، فی روز ٣٠ افغانی کرایهٔ آن تعین گردیده .

٢ : اطاق درجه (٢) که فی روز (٣٠) افغانی کرایه داشت فی روز (٢٠) افغانی آن تعین گردیده :

٣ : کرایهٔ اطاق درجه (٣) که فی‌روز (٢٥ و ١٥) افغانی‌کرایه داشت فی روز (١٥) افغانی کرایهٔ آن تعین گردیده .

٤ : سفارش یك مقدار سامان زیاد بغرض اکمال لوازم هوتل‌های اطراف .

٥ : شعبهٔ مامورین و تحریرات :

١ . شعبهٔ ارتباط خارجی ومامورین محاسبات خارجه نظر به مطالعاتیکه بعمل

آمده درتشکیل سال ۱۳۱۵ بهم مربوط وهردوشعبه بنام مدیریت ارتباط خارجی تشکیل گردیده است .

۲ : شعبهٔ تلگراف و تیلفون که قبلاً سرکتابت بود درسال ۱۳۱۵ نظر بوسعت و پیشرفت امور تلگراف و تیلفون بمدیریت تبدیل گردیده است .

۳ : شعبهٔ پست قبلاً سر کتابت بوده نظربوسعت و پیشرفت امور پستی درسال ۱۳۱۵ بمدیریت تبدیل گردیده است .

٤ : شعبهٔ هوتلها درسابق بواسطهٔ ابتدائی بودن کار ، دارای تشکیلاتی نبوده امور مزبور بواسطهٔ یکنفر کاتب اداره میشد ، چون اکنون کارهوتلها به مقصد سهولت وتشویق سیاحت خارجیها ورفاهیت مسافرین داخلی درتمام مملکت عمومیت و وسعت پیدا کرده ، بنابران درسال ۱۳۱۵ درداخل وزارت یك ماموریت بنام « ماموریت هوتل ها » تاسیس گردیده است .

۵ : ماموریت ترمیم موترها که قبلاً بوزارت تجارت مربوط بوده درسال ۱۳۱۵ نظربه مطالعاتیکه به عمل آمده بوزارت پست مربوط گردیده یك سلسله اقدامات اساسی برای توسیع این موسسه سردست اجرا گرفته شده است که ذیلاً علیحده ذکرخواهد شد .

٦ : هشت نفر طلاب برای اخذ تعلیمات پستی در سال ۱۳۱۵ منظور و تحت اثر مشاورپست مشغول تعلیم شده اند .

۷ : عزت مند فون زیگنس در سال ۱۳۱۵ به عوض عزتمند بالدو به مشاوری امور پستی استخدام گردیده است .

و ـ : شعبهٔ فابریکهٔ ترمیم موترها :

۱ : مدیریت فابریکهٔ ترمیم موترها که در

اوائل سال دورهٔ سوم خود را افتتاح نموده بتاریخ اول جدی شروع به امتحان عملی و نظری نموده و نتیجهٔ آن که بعد از امتحان بدست آمده بموفقیت وکامیابی نتیجه داده است .

۲ : در جوار عمارت سابقهٔ فابریکهٔ تریکو تر ها ساختمان یك عمارت عصری برای اداره و تحویل خانه ها و غیره در سال ۱۳۱۵ آغاز گردیده است و تعمیر مذکور قریب اختتام میباشد که در اوایل ۱۳۱۶ برای استفادهٔ مطلوبه آماده میگردد .

۳ : برای رفع مشکلات کارگران فابریکه وبالآخره برای سرعت وصفائی کار یك عده ماشین ها وآلاتلازمه ازخارج خواسته شده که یك‌مقدار بفابریکه رسیده وطرف استفاده واقع شده ویك عدهٔ آن هم در شرف ورود است .

ح ـ : شعبهٔ اوراق :

اصول دفتر داری شعبهٔ اوراق وزارت پست وتلگراف وتیلفون در بین سال نظر به مشورهٔ مشاور امور پستی تعدیل گردیده و از اثر آن سهولت و انتظام خوبی در امور دفتر داری پیش شده که هیئت مخصوصی اهمیت و فایدهٔ این تعدیل را تصدیق کرده است .

مقرری ها وترفیعات جدید وزارت پست و تلگراف و تیلفون :

ص ، محمد سعید خان مامور محاسبات خارجی وزارت ترفیعاً بمدیریت ارتباط خارجی وزارت .

« ، عبدالخالق خان ازمدیریت مخابرات مزار شریف به مدیریت شعبهٔ تلگراف وزارت .

« ، احمد شاه خان معاون شعبهٔ محاسبات خارجی به مدیریت شعبهٔ پست وزارت .

ص ، عطاء الله خان مدیر رادیو که فعلاً درخارج مشغول تعلیم میبا شد ، به متخصصی رادیو .

« ، امین‌الله خان بمامور یت شعبهٔ هوتل هـای وزارت که در ین سا ل شعبهٔ مذکور جدید تشکیل شده .

« ، نظام الدین خـان مامور ارتبـا ط خا رجی ترفیعاً بکفا لت مد یریت مخابرات هرات .

« ، عبدالفتاح خان ، کفیل مخابرات قطغن و بدخشان ترفیعاً بمدیریت مخا برات مزار شریف .

« ، گل احمد خان ، سابق مامو مخابرات جنوبی ترفیعاً به مد یریت مخا برات ولایت قطغن و بدخشان .

« ، محمد نبی خان سابق کفیل مخابرات هرات ترفیعاً بمامور یت مخابرات جنوبی .

« ، غلام غوث خان ، سرکاتب مخـابرات باد غیسـات هرات تر فیعاً بما مور یت مخابرات حکومتی اعلای میمنه .

اعطای نشان

۱ ، اعطای نشان (المراعلی) برای ج ، ع ، ج والا حضرت صدر اعظم صاحب در اثر خدمات قیمتداریکه درین دورهٔ ۷ سالهٔ ریاست وزرائی خود به مملکت نموده اند .

۲ ، اعطای نشان (سرداری عالی) برای ع ، ج آقای رونه دولو وزیر مختار (سابق) دولت بهیهٔ فرانسه مقیم دربار کابل .

۳ ، اعطای نشان (سرداری عالی) برای ع ، ج آقای یوگو سپیتا وزیر مختار (سابق) دولت بهیهٔ ایطالیا مقیم دربار کابل .

علاوه برین بتقریب اختتام دورهٔ دوم شورای ملی برای تمامی وکلای شورای ملی ازحضور قرین اشرف ذات همایونی یک قطعه نشان اعطا شده است به تفریق ذیل : برای (۲۰) نفر نشان عزت . وبرای (۸۹) نشان خدمت .

اجراآت دوائر ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی درسال ۱۳۱۵ وارد سال سوم دورهٔ دوم خودگردیده دورهٔ سالیانهٔ آن بتاریخ ۱٤ جوزا ازطرف ذات قرین اشرف اعلیحضرت همایونی رسماً افتتاح وآغاز گردیده نمایندگان ملت شروع بکار نمودند ، و درطول سال عموماً به کمال وظیفه شناسی و صداقت و فعالیت مشغول اجرای وظائف محولهٔ خویش بوده اند .

ذیلاً فهرست تصویباتیکه درسال ۱۳۱۵ ازطرف مجلس عالی شورای ملی به عمل آمده درج میشود :

۱ : تصویب بودجهٔ سنه ۱۳۱۵ مملکت افغانستان .
۲ : « « اصولنامهٔ تابعیت .
۳ : « « استخدام مستخدمین خارجه
٤ : « « پوسته .
۵ : « « دواخانه ها .
٦ : « لایحهٔ اخذ عسکر .
۷ : « تعداد ترویج نوت ها درافغانستان .
۸ : « پروتوکول معاهدهٔ بیطرفی وعدم تجاوز مابین افغانستان وجمهوریت اشتراکیهٔ شوروی .

۹ : تصویب ترویج چلندنوت های یکصد افغانی و پنج افغانی .

۱۰ : تصویب ضمیمهٔ اصولنامهٔ حاضری ورخصتی مامورین که یکماه بعد ازختم هرسال تلف شود .

۱۱ : تصویب راجع به تبدیل ایام جشن استقلال ازبرج اسد در هفتهٔ اول برج جوزای هرسال .

مجلس اعیان

ارا کین این مجلس در طول سال ۱۳۱۵ به کمال وظیفه شناسی و صداقت و سرگرمی مشغول کار های محولهٔ خویش بوده ، علاوه برتصویبات فوق که در قسمت کار روئی های مجلس شورای ملی ذکرشد ، و عموماً در مجلس اعیان نیز به تصویب رسیده ، یك تعداد امورات فیصله طلب را که ازدوائر دولتی جهت غور و فیصله بمقام مذکور تقدیم شده بود ، مورد دقت لازمه قرار داده ، رای خویش را در اطراف مسائل مذکوره ابلاغ نموده است که این نیز اضافه بر وظائف اساسیهٔ مجلس عالی اعیان بذات خود یك قسمت اجرا آت مهم و قابل ذکری بشمار میرود .

اعضای مجلس اعیان : ص، محمد اکبرخان ـ ص ، سردار گل محمد خان ص ، مجددیذیرخان .

امور بلدیهٔ کابل

الف ـ دساتیر اصلاحی وعام المنفعه :

۱ ـ برای آنکه تمام اهالی شهر از اجرا آت و اقدامات اصلاحی بلدیه اطلاع داشته آرای خودرا ظاهر کرده بتوانند ریاست بلدیهٔ کابل مطابق اصولنامهٔ خود برای سال ۱۳۱۵ ترتیب انعقاد مجالس سالانهٔ بلدی را گرفته

ودر ماه حوت ۱۳۱٤ و ماه حمل ۱۳۱۵ چند مجلس بزرگ را در عمارت ریاست بلدیه منعقد نمود که دران تمام برجسته گان وعموم اهالی کابل دعوت شده وفقرات عمدهٔ اجرا آت آتیه و نظریات ریاست بحضور شان قرائت گردیده و در بعضی فقرات پس از مذاکرات لازمه تصویبانی نیز بعمل آمده که در پنجا فقرات تصویب شدهٔ مذکور وصورت اجرا آت آن بصورت فقرات مشخص در ضمن دیگر کار روائی های بلدیه تذکار میگردد .

۲ ـ برای احداث تفرج گاه ها درنفس شهر ازطرف ریاست بلدیه درطول سال ۱۳۱۵ اقدامات بعمل آمده عجالةً ٤ میدان در ٤ نقطهٔ پر خوس ساخته شده که درعین حال یك قسمت از کوچه های تنگ وتاریك شهر را نیز ساختمان میدان های مذکور ازبین برده ودران گل کاری وغرس نهال و احداث چمن هم بعمل خواهد آمد :

الف : یك میدان در گذر علی رضا خان .
ب : « در گذر شمع ریز ها .
ج : « در گذر گلاب کوچه .
د : « در گذر حضرت صاحب واقع شور بازار .

۳ ـ در اوائل سال ۱۳۱۵ تقریباً ۱۲٤٦ نفر اصنافی کسبه که میان بازار مشغول کارمیباشند وبامردم تماس دارند بغرض معاینهٔ صحی بشفاخانهٔ ملکی مرکز اعزام وحسب دستور وزارت صحیه ازطرف داکتران شفاخانهٔ موصوف اصولاً معاینهٔ طبی شدند که اکثر آنها پس ازاخذ جواز نامهٔ رسمی بشغل وکار خود مجاز گردیده اند واین ترتیب بطور استمرار از طرف بلدیه همه ساله مراعات خواهد شد . تعداد صنفی معاینه شده گی قرار ذیل است :

قصاب ۱۵۰ نفر ، خباز ۳۵۸ نفر ، سماوارچی ۳۰۵ نفر ، فالوده پز ۱۰۲ نفر طعـام پز ۷۴ نفر ، کبابی ۴۵ نفر ، شیر و قیمـاق فروش ۲۰ نفر ، کله پز ۲۷ نفر ، شیر یخ فروش ۱۰ نفر ، داش کار و کلچه پز ۱۵ نفر ، دنبه فروش ۸ نفر ، سلاخ ۱۲ نفر ، گاوکش ۱۲ نفر ، حامی و دلاك و پای دو حمام ۱۰۸ نفر ـ جمله ۱۲۴۶ نفر .

۴ ـ عراده ران هائیکه در اثر خلاف رفتاری مثلاً برداشتن اشخـاص اضافه ازتعداد مقرره و یا خلاف اصول سواری در موتر و غیره از طرف پولیس مونم مواخذه گردیده از طرف بلدیه تحت مجازات گرفته شده اند عبارت از ۱۴۲ موتر ران ۲۴۶ نفر گادی ران میباشند .

۵ ـ صنفی هائیکه اجنـاس خورا که را از قرار نرخ معینهٔ بلدیه کم داده و دراثرتعقیبات ریاست بلدیه گرفتار و برای شان مجازات داده شده ۲۴۹ نفر میباشند مثل قصاب ، خباز ، بقال و غیره .

۶ ـ تأسیس یك شرکت ادویه فروشی بنام « شرکت ادویه فروشی ملی افغان » که بتأسی افکار و نظریهٔ عالی حکومت متبوعهٔ ما و فعالیت و مسـاعی ریاست بلدیه نسبت بمفاد عامه به پول و سهم یك عده اشخـاص و بانك ملی و ریاست بلدیه که سهیم شده اند و هم برخی اشخاص صاحب عاطفه طور خیریه نیزامدادنموده اند در اوائل سنه ۱۳۱۵ مفتوح و درجریان آورده شده است اگرچه این شرکت هنوز ابتدائی گفته میشود و لی یقین است که دراثر کوشش ومساعی شرکای محترم آن روز بروز شرکت مذکور رونق و انتظام در تی را بخودگرفته طرف استفادهٔ عمومی واقع شود . این شرکت حاضراً در بازار جدید جادهٔ خیابان لب دریا که یك نقطهٔ مرکزی شمرده میشود ، دایر میباشد .

ب : عمراتیکه در سال ۱۳۱۵ ازطرف ریاست بلدیهٔ کابل اجرا گردیده :

۱ ـ تعمیر مسجد شریف پشت قلعهٔ ده افغانان که بکلی تخریب وسراز نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .

۲ ـ تعمیرمسجد شریف سنگ تراشی که تخریب وسر از نومطابق اصول عصری ساختمان شده .

۳ ـ تعمیر مسجد شریف گذر اچکزائی ها که تخریب و سرازنو مطابق اصول عصری ساختمان شده .

٤ ـ تعمیر مسجد شریف گذر بلند شمع ریزها که تخریب و سراز نومطابق اصول عصری ساختمان شده .

۵ ـ تعمیر مسجد شریف گذر خارج قلعهٔ ملا فیروز واقع عاشقان عارفان علیه الرحمه که تخریب و سر از نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .

٦ ـ تعمیر مسجد شریف میرحیدر شاه واقع هندو گذرکه تخریب ومطابق اصول عصری سر از نو ساختمان شده .

۷ ـ تعمیر مسجد شریف صاحبزاده های پایان چوك که پس از تخریب مطابق اصول عصری سر از نوساختمان شده .

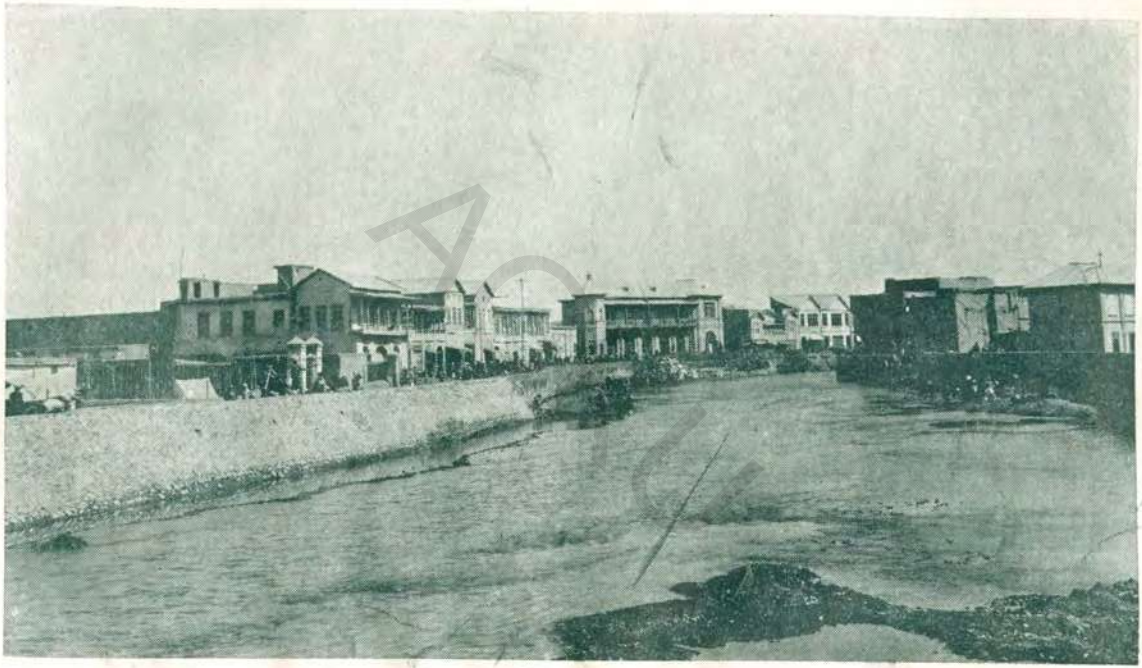
۸ ـ تعمیر مسجد شریف محمدکاظم که پس ازتخریب سر ازنو مطابق اصول عصری ساختمان شده .

۹ ـ تعمیر جدید آذان خانهٔ مسجد قاضی فیض الله خان که پس از تخریب سر از نو مطابق اصول عصری ساختمان شده .

۱۰ ـ تعمیرپخته کاری سرك ازحد میدانی مقابل وزارت ها تا موترخانه .

۱۱ ـ تعمیرپخته کاری دوطرفهٔجوی سرك عقب صدارت عظماء .

۱۲ ـ « « دیوارکنارهٔ سنگی ازحد پل باغ عمومی تایوسته خانه



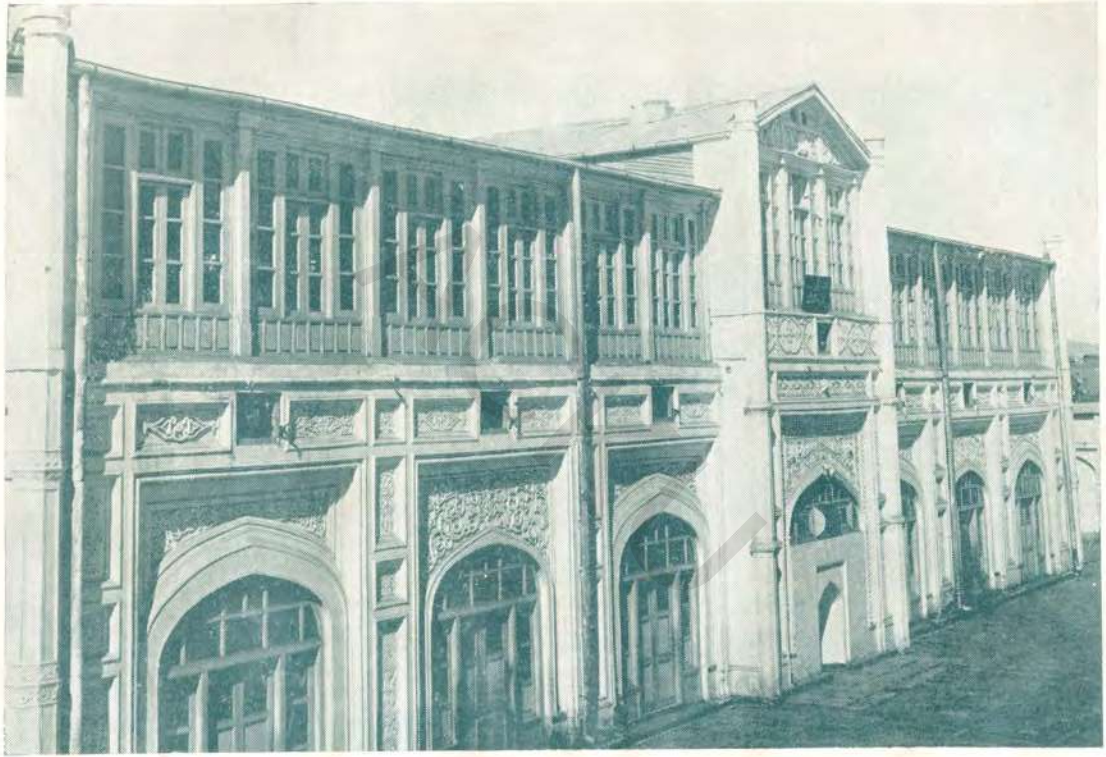
از عمرانات مهم سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیهٔ کابل ، یك حصه از عمارت بازار جدید خیابان و تعمیر دیوار در یای کابل

Une partie des nouvelles constructions de Kaboul



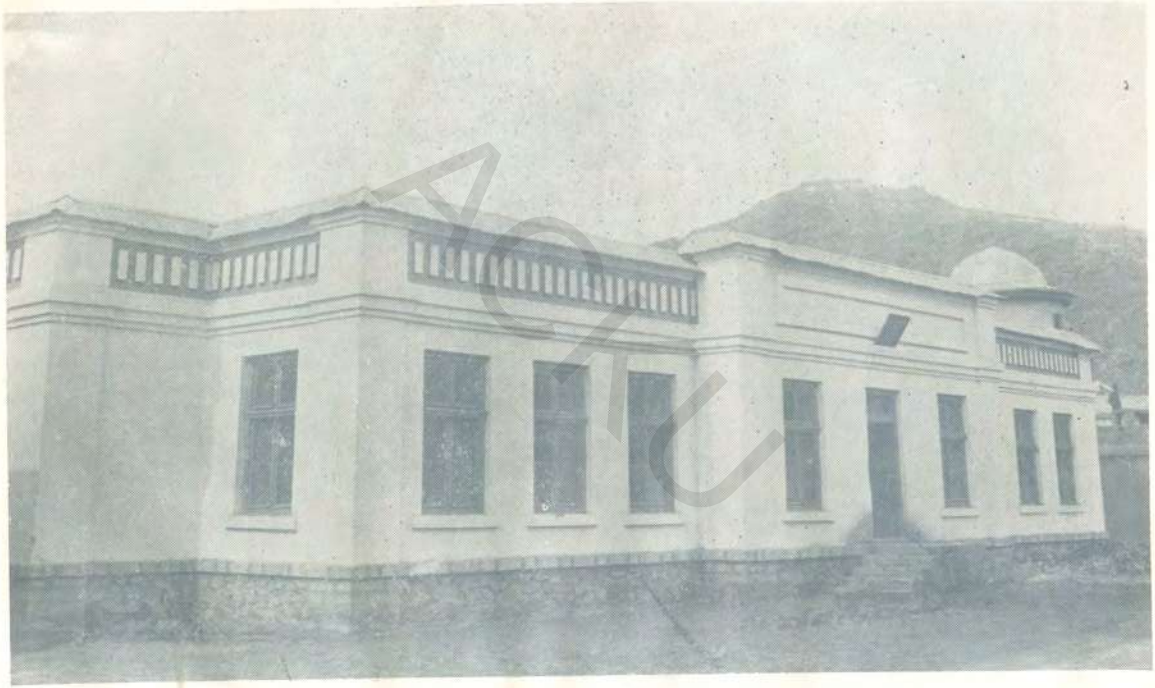
از عمرانات مهمهٔ سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیهٔ کابل : منظرهٔ عمومی بازار جدید خیابان

Bazars modernes nouvellement construits à Kaboul



از عمرانات سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیهٔ کابل : قفسجهٔ مسجد جامع پل خشتی

Mosquée nouvellement restaurée à Kaboul



از عمرانات سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیهٔ کابل ، حمام عصری واقع قلعهٔ باقر خان

Bains municipaux nouvellement construits à Kaboul



از عمرانات مهم سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیهٔ کابل : پل قلعهٔ محمود خان

Pont nouvellement construit sur la rivière de Kaboul



از عمرانات مهم سال ۱۳۱۵ بلدیهٔ کابل ؛ منظرهٔ عمومی جاده و بازار جدید باغبان کوچه متصل لب دریای کابل

Bazars modernes construits le long du nouveau quai de Baghba-kotcha à Kaboul.

وطرف مقابل ازپل باغ عمومی تا پل خشتی .

۱۳ ـ تعمیریخته کاری پل چهار راهی متصل سینما .

۱٤ ـ تعمیریخته کاری سرك جدید مقابل بازارجدید باغبان کوچه ازحدپل باغ عمومی تااخیر بازار مذکور متصل بازارسابق باغبان کوچه .

۱۵ ـ تعمیر چهارباب میرزعمومی درشور بازار ، ده‌افغانان ، مندوی آرد فروشی ومندوی خربوزه فروشی .

۱٦ ـ تعمیرسرای حاجی‌خانه که عمارت سابقهٔ آن بکلی ویران و سرازنو مطابق اصول عصری آباد شده .

۱۷ ـ تعمیر بازار جدید عصری درحصهٔ (خیابان) اب دریاکه در طول سال عمارات سابقهٔ آن ویران ومطابق اصول جدید دکانها وعمارات دومنزله بصورت بسیار قشنگ و زیبا ساخته شده و قریب اختتام میباشد .

۱۸ـ تعمیریکرسته دکان وبالاخانها درجادهٔ جدید خیابان (تعلق‌خود بلدیه) .

۱۹ـ تکمیل بازار جدید باغبان کوچه (اب دریا) که از دوسال باینطرف جاری بوده و درین سال خاتمه یافته و در آن مغازه ها و اشخاص کرایه نشین سکونت اختیار کرده اند .

۲۰ـ تعمیردو دوره چاه درگذر عمله ها وعقب حمام میدانی ده افغانان .

۲۱ـ ترمیمات واصلاحات ۲۲ مساجد شهر .

۲۲ـ ترمیم آبروهای گذرهای شهر .

۲۳ـ ترمیم پانزده عدد پل وپلرسرك ها .

۲٤ـ ترمیم شش باب دکان .

۲۵ـ ترمیم پنج گنبد حمام درنقاط مختلفهٔ شهر .

۲۶ـ تکمیل حمام جدید قلعهٔ بافرخان که کار ساختمان آن باصول عصری درسال گذشته شروع شده و درماه قوس ۱۳۱۵ افتتاح گردیده .

۲۷ـ تکمیل حمام باغ علیمردان که به اصول عصری درسال گذشته شروع شده بود و درماه میزان ۱۳۱۵ افتتاح گردیده .

امور بلدیهٔ چهاریکار

الف ـ عمرانات جدید :

۱ : تعمیرحوض ذخیرهٔ آب نل وحوضچهٔ سرچشمه که مطابق نقشهٔمهندسی در پن سال تحت تعمیر گرفته شده کار مذکور به پوشش رسیده است که در اوائل سال ۱۳۱۶ خاتمه خواهد یافت .

۲ : چون اهالی چهاریکار نسبت بآب مشروب دوچار مشکلات بودند در ۱۳۱۵ نل آب وغیره سامان ملحقات کار آمد برای تقسیمات گذرهای بین شهر تهیه وعنقریب نل مذکور گذرهای بین شهرتقسیم خواهد شد .

۳ : درسال ۱۳۱۵ علاوه ازکاریز سال گذشته یك قنات کاریز جدید واقع تکیهٔ خواجه سباران حفرشده که اکنون از آب مذکوراهالی چهاریکار استفاده مینمایند .

٤ : کتاره های مسجد شریف شاه مست علیه الرحمه از آهن جستی پوشش شده وتکمیل گردیده .

۵ : پنج باب مساجد شریف چهاریکار ترمیم و اصلاح شده .

۶ ، ۴ باب دکاکین ملکیت بلدیهٔ چهاریکار ترمیم شده .

۸ـ (۲۷۲۱) نهال وقلمه بدوطرف سرك بازارجدیدوغیره بقاط لازمه غرس شده .

۷ : سرك طرف تکیهٔ خواجه سباران که درسابق بی اصول وکج گردشی های زیاد داشت اکنون تاحدامکان سرك جدید ومستقیم ساخته شده وبدوطرفهٔ مذکور نهال های توت غرس شده .

۹ : درجوار بازار چهاریکار برای ایستگاه کادی هایك موضع معین شده .
ب - تعمیراتیکه ازطرف اهالی تحت نگرانی بلدیه اجراء شده :
۱ : (۱۵) باب دکان و(۱۷) باب اطاق نشیمن وموترخانه وبالاخانه ویك حصه سرای شخصی که بسرك عمومی مستقیم نبوده تحت نقشه آمده درسال ۱۳۱۵ عموماً منهدم وسرك عمومی مستقیم برده شده است وعلاوتاً به تعداد(۱٤) باب دکان مطابق نقشهٔ اصولی به استقامت بازارجدید ساختمان شده که موقعیت خوبی پیدا کرده .
۲ : دکاکین جدید یکه از طرف اهالی تحت نگرانی بلدیه برطبق نقشه ساختمان شده (۳۷) باب .
ج - اصلاحات مدنی :
۱ : در سال ۱۳۱۵ چرمگرهای چهاریکار به سبب اینکه کار چرمگری اسباب اذیت اهالی را فراهم نموده مخالف حفظ الصحه هم بود حسب نظریهٔ بلدیه به تعداد ۲۹ باب کار خانه تعمیر نموده ازشهر خارج و در یکحصهٔ معینه به پیشهٔ خود مشغول شده اند .
۲ : قبل ازین اصناف کسبهٔ بازار چهاریکار برای اجرای کسب و پیشهٔ خودها یك موضع معین نداشته متفرق بین بازار قدیمه صنعت خود هارا اجراء می نمودند ، درین آوان برای هر صنف موضع علیحده معین و صنف خیاطی و زرگری وغیره بازار جدید التعمیر رستهٔ سرك شاهی نقل داده شده .

مطبوعات و طن

جرائد ومجلات حاضره

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
جریدهٔ اتحاد مشرقی (نیم فارسی نیم پشتو)	۱۲۹۸ شمسی	جناب شمس الدین خان قلعه تکی

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
جریدهٔ اتفاق اسلام هرات	ـ ۱۲۹۹ شمسی	جناب میر محمد عثمان خان
« طلوع افغان قندهار (بزبان پشتو)	ـ ۱۳۰۰ «	« عبدالحی خان حبیبی
« بیدار مزارشریف	ـ ۱۳۰۰ «	« عبدالصمد خان
« اتحاد خان آباد	ـ ۱۳۰۰ «	« سید محمد خان
« انیس کابل	ـ ۱۳۰۶ «	« محمد امین خان خوگیانی
« اصلاح	ـ ۱۳۰۸ «	« برهان الدینخان کشکیکی
مجلهٔ ارد وی افغان	ـ ۱۳۰۰ «	« از ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه نشر میشود
« آئینهٔ عرفان کابل	ـ ۱۳۰۳ «	« هاشمخان شائق
« صحیهٔ کابل	ـ ۱۳۰۶ «	« عبدالرشید خان لطیفی
« الفلاح کابل	ـ ۱۳۰۹ «	« عبدالکریم خان
« اقتصاد کابل	ـ ۱۳۱۰ «	« محمد زمان خان ترهکی
« کابل	ـ ۱۳۱۰ «	تحت نظر انجمن ادبی کابل
« پشتو کابل	ـ ۱۳۱۱ «	« « « پشتو
« ادبی هرات	ـ ۱۳۱۱ «	« « « هرات
« بلدیهٔ هرات	ـ ۱۳۱۱ «	« صفرعلی خان امینی

کور دیپلوماتیك متعین دربار کابل

سفارت کبرای دولت جمهوری تورکیه :

سفیر کبیر : عالیقدر جلالتماب ممدوح شوکت (شیخ السفراء) .
مستشار : آقای وهبی لبیب .

قونسل ومدیر قونسلگری و تابعیت : آقای حقی کنتلی .
دکتور : آقای فواد اسمعیل توگور .
ترجمان : آقای عباس .

سفارت کبرای دولت شاهی ایران :

سفیر کبیر : عالیقدر جلالتمآب میرزا علی اکبرخان بومن .
سرکاتب وعهده دار مستشار : آقای شایان .
آتشه : آقای عباس قلی حکیمی .

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه :

سفیر کبیر : عالیقدر جلالتمآب سکویرسکی .
سرکاتب اول : آقای سیچوف .
آتشهٔ نظامی : آقای پینی دکتو .
دکتور : آقای او انیسوف گای کاس اندریو ویچ .
آتشه : آقای المزوف .

وزارت مختاری دولت جمهوری المان :

وزیر مختار : عالیقدر جلالتمآب دکتور کورت تسمکی .
سکرتر : آقای فون شور نیتس .
آتشه : آقای کوروول .

وزارت مختاری دولت شاهنشاهی جاپان :

وزیر مختار : عالیقدر جلالتمآب کیتادا .
سکرتر : آقای کور بارا .
آتشهٔ نظامی : فرماندان کنتی میارا کی .

د کتور : هیچی ایما گاوا .
دفتر دار : نو بو توشی اسا کورا .

وزارت مختاری دولت شاهی بریطانیا :

وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب افتخنت کولونل فریزر تتلر .
مستشار : آقای میجر میکین .
آتشهٔ نظامی : « میجر لنکاستر .
د کتور : « کپتن فارل .
سکرتر : « میجر یارکس .
سکرترمشرقی : « خان بهادر سکندر خان .

وزارت مختاری دولت جماهیر متحدهٔ امریکا :

وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب ولیم ایچ هارنی بروک (در رخصتی) .

وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :

وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب دو فور دولا پراد .
آتشهٔ نظامی : آقای کپتن لنکو .
سکرتر : آقای بو نو .

وزارت مختاری دولت شاهی ایطالیا :

وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب کوم پیترو کوارونی .
دفتر دار : آقای کری شینی .
پیش نماز : « گاسپانی .

وزارت مختاری دولت شاهی مصر :

وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب ، عبدالرحمن عزام .

سفرائیکه در سال ۱۳۱۵
وارد کابل شده اند



۱ـ عالیقدر جلالتمآب بورس،ئی سکو برسی سفیر کبیر اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ روسیه در دربار کابل ؛ عمر چهل و هشت ساله ، مومی الیه در محل اودیسا درجنوب روسیه تولد و تعلیم گرفته در سال ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ کفیل امور خارجهٔ اقتصادی شرق جمهوریت روسیه بود . در نومبر ۱۹۲۱ و فروری ۱۹۲۲ ، نمایندهٔ شرق اقصای جمهوریت درکنفرانس خلع سلاح بمقام واشنگتن اعزام شدونیز در همان سال یعنی ۱۹۲۲ نمایندهٔ شرق اقصای روسیه درجماهیر متحدهٔ امریکا ودرسال ۱۹۲۳ بعد ازامتزاج درترکیب نژاد های مختلفهٔ شرق اقصا بااتحاد شوروی ، مومی الیه بحیثیك نمایندهٔ غیررسمی اتحاد شوروی درجماهیر متحدهٔ امریکاماند ودر۱۹۳۳ مراودت تمهیدی را باحکومت جماهیر متحدهٔ امریکا اتمام نمود چنانچه کنفرانس (لیتوینوف ـ روزولت) منتج به تاسیس روابط سیاسیه بین جماهیر متحده واتحادشوروی گردید .

ازنومبر ۱۹۳۳ تافروری ۱۹۳۰ بحیث شارژ دافراتحاد شوروی در جماهیر متحدهٔ امریکا بوده درفروری ۱۹۳٤ مستشار سفارت کبرای روسیه درجماهیرامریکا مقرر گردید و بالاخره دراپریل ۱۹۳٦ بحیث سفیرکبیر اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ روسیه درکابل مقرر شد .



۲ـ عالیقدر جلالتمآب ژورژ دوفور دولا پراد وزیر مختار دولت جمهوری فرانسه در دربار کابل :

مشار الیه در سال ۱۹۰ داخل خدمت شده و رتبهٔ معاون ویس قونسل در (سه ول) داشته در ۱۹۰۹ بحیث ویس قونسل در کانتون و در سنه ۱۹۲۰ قونسل در شانگهای و بعد در فوته‌چرو تقرر یافت. در ۱۹۳۰ در کانتون جنرال قونسل مقرر شده سال دیگر بهمان حیثیت در هانگ کانگ و در ۱۹۳٤ درمیلان تبدیل شده در ۱۹۳۵ بر تبهٔ وزیرمختاری ارتقا یافت و بالاخره درسنه ۱۹۳٦ بصفت نمایندهٔ فوق‌العاده وزیرمختار بدربار کابل اعزام گردید .



۳ـ عالیقدر جلالتمآب پیترو کوارونی وزیر مختار دولت شاهی ایطالیا در دربار کابل :

مشار الیه درسال ۱۸۹۸ درشهر روما تولد یافته در موقع حرب عمومی بحیث منصبدار احتیاطی درعسکر ایطالیا خدمت کرده سپس در سنه ۱۹۲۰ داخل حیات سیاسی شده در سفارت ایطالیا متعین استامبول ماموریت یافته درسنه ۱۹۲۳ درسفارت بوینس آیرس و درسنه ۱۹۲۵ در سفارت مسکو و درسنه ۱۹۲۸ درسفارت ایطالیا متعین البانیا تبدیل شده در سنه ۱۹۳۱ بوزارت خارجه مراجعت نموده بحیث مدیر عمومی سیاسی کار نموده است. درسنه ۱۹۳۵ جنرال قونسل سالونیك مقرر والاخره در ۱۹۳٦ وزیرمختار کابل تعین گردیده است .

ACKU

وقایع مهمهٔ داخلی

نگارش جناب غلام جیلانی خان جلالی
عضو انجمن

سال ۱۳۱۵ که اکنون باختتام رسیده برای مملکت عزیز ما افغانستان یك سال بسیار خوش و نیکوئی بود. چنانچه در طول این سال در سرتا سر وطن عزیز ما آرامی و رفاهیت کاملی حکمفرمائی داشته و علاوتاً نظر به حسن پذیرائی ملت وفعالیت حکومت وطن دوست ما در هر رشته ازامور حیاتی پیشرفت ها و ترقیات رضائیت بخشی ازقوه بفعل آمده و از همه جهت چرخهای فعالیت بسرعت بی سابقهٔ در حرکت وگردش بوده است. ازطرف دیگردرین سال اتفاقات قدرتی نا گوار از قسم زلزله ها و سیلاب ها و خشك سالی و امراض و غیره عوارض اتفاقیه که موجب تلفات و خسار های قابل ذکری شده باشد الحمدالله واقع نگردیده است. اینك درذیل این سطور مختصر گذارشات و وقایع عمده و قابل ذکر این سال را به ترتیب تاریخ از مطالعهٔ خوانندگان گرام گذارش میدهیم:

نهال شانی وغرس اشجار

شك نیست که حکومت اعلیحضرت المتوکل علی‌الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان بخت ما یك حکومت خیرخواه وخیر اندیش وخواهان هر نوع پیشرفت و سعادت ملت است و هم این مسئله بعموم افراد ملت مبرهن گردیده که دقیقهٔ

از دقایق حیات اعلیحضرت همایونی واعمام بزرگوارشان ودیگر رجال مملکت بجز ازفراهم‌آوری وسایل اعتلای ملی وتهیهٔ اسباب آبادی وسرسبزی این خاک پاک نمیگذرد وطوریکه دیده میشود درین عصر فرخنده به پیروی اعلیحضرت همایونی و اولیای امور حکومت کنونی کافهٔ مامورین لشکری و کشوری و بالاخر تمام طبقات و افراد رعیت متفقاً دست وحدت و برادری باهم داده بکمال صمیمیت و فعالیت در راه سر سبزی و طن و بهره مندی قوم و پیشرفت امور بذل مجاهدت میکنند .

وچنانچه اشاره رفت طبیعی است بوسیلهٔ این اشتراک مساعی و وحدت و اخوتیکه خوشبختانه امروز در تمام طبقات ملت و جمیع اجزای حکومت دیده میشود سر تا سر مملکت راحت و مسرت و اطمینان کامله حکم فرما بود آناً فآناً در تحت پروگرام ها حکومت و طن دوست ما ، اهالی این کشور در هر رشته اعم از امور معارف ، فلاحت ، زراعت ، تجارت ، صنعت و دیگر منابع عواید ملی و مملکتی باقدم های سریعتری جانب ترقی و تعالی جلو میروند ، از انجمله در اعداد دیگر اقدامات نافعهٔ حکومت متبوعهٔ ما در ابتدای این سال ۱۳۱۵ از حضور اعلیحضرت همایونی راجع بفرس اشجار و تهیهٔ وسایل سر سبزی و طن ترتیبات مهمی گرفته شده دایر باین موضوع اعلانی مزین به امضای ذات شاهانه صادر و در ضمن آن از فواید صحی و عواید اقتصادی نهال شانی هدایات مکملی از شاد روانه است ، علاوهٔ از حضور ملوکانه بر حسب تقاضای آب و هوا تعطیل یکروزهٔ ایام حمل را بنام میلهٔ قله کشی درمرکز و ولایات ومحالات افغانستان که بدان وسیله اهالی راجانب حسن زراعت وفلاحت ترغیب میکند منظور و اراده فرموده اند .

روز ۸ حمل که ازحضور قرین الشرف شهریاری در کابل ومناطق مربوطهٔ آن برای میلهٔ قلبه کشی تعیین گردیده بود دران عموم وزارت خانها و دوایر دولتی وموسسات ملی تعطیل گرفته ذات شاهانه به نفس نفیس خود شان ووالاحضرتین ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان صدراعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا ، نشان سردارشاه ولی خان وکیل وزارت حربیه وعموم وزرا و مامورین دولتی و معززین مرکز در مناطق عمومیه ، وافراد زارع دراراضی شخصی خود شان بنهال شانی پرداختند ، همکذا به تاسی این اقدام شهریار جوان بخت ما ، درعموم ایالات وحکومتی های اعلی وکلان و حکومات ثلاثه وعلاقه داریها نیزدریکی از روزهای حمل تعطیل عمومی بعمل آمده در روزمذکور کافهٔ مامورین کشوری ولشکری اطراف وافراداهالی بغرس اشجار انهماك و رزیدند ، درنتیجهٔ این حسن فعالیت نظر به احصائیه هائی که در مطبوعات وطن نشر شده در ابتدای سال مذکور باوقات مساعد بملیونها نهال مثمر و غیر مثمر درنقاط مختلفهٔ افغانستان غرس گردید است .

سواد منشور مبارك پادشاهی راجع به نهال شانی فرازآتی اقتباس میشود :

اعلان پادشاهی در موضوع غرس اشجار :

« ملت عزیزم ! »

« دربن روز ها که کوه و دشت و دره و صحرای وطن به تاثیر فصل ربیع وموسم بهار سر سبز و زیبا میگردد ، باران رحمت خداوندی ساحهٔ مملکت را خرم و شاداب میگرداند بشما ملت عزیز خود توصیه مینمائیم تا از فصل بهار که موسم نزول آلای بیشمار رحمت کردگار است برای آبادی وطن خود و برای سبز گردانیدن مملکت خود درتوسیع غرس نهال ، احداث جنگلها ، افزودن

نخلستان های کثیر المنفعه اهتمام ورزیده ازین رهگذر در پیشرفت حیات اجتماعی وطن خدمت نمائید . »

« عزیزان من ! درین فصل، نهال شانی یکی از امور نافعهٔ زندگانی شمرده میشود ، کثرت اشجار هوا را صاف مینماید در ملت تندرستی و صحت مندی بار میآورد ، سبب نزول باران میشود ، کوهای بلند شما را طراوت و سرسبزی وصحراها و درهای وطن تانرا لطف و زیبائی میبخشد . نهالشانی در ترقیات وطن شما (که آنرا دست قدرت بیشتر برای تربیهٔ اشجار وزراعت مهیا فرموده) خدمت میکند . میوهٔ آن در ثروت سرمایهٔ ملی تان میافزاید . »

« پیشبرد امور زندگانی درساحهٔ پهناور گیتی محصول اعمال و آمال بشری است . پس خوش بخت کسانی هستند که مساعی قیمت دارشان وسایل سعادت اجتماعی را تامین کرده آیندهٔ جامعه را از زحمات امروزی خود مسعود و برومند مینماید . بنابران بغرض توسعهٔ نهال شانی و تشویق و توجه عموم باین مفکورهٔ ملی به تمام رعایای عزیزم امر میفرمایم تا امسال تمام مراکز ولایات وحکومات اعلی و کلان وحکومت های ثلاثه وعلاقه داریها ، بروزیکه برای میلهٔ قلبه کشی رخصتی عمومی قرار داده شده ، و در هر محل به تقاضای موسم معین میشود همه افراد اعم از مامورین کشوری و لشکری و اهالی اجتماع ورزیده در اختتام میلهٔ قلبه کشی کسانیکه اراضی شخصی داشته باشند دراراضی شخصی خود ها و باقی اشخاص، بمواضع قابل نهالشانی که متعلق بمفاد عمومیه باشد هر یك فراخور حال نهالشانی کنند و این روز تفریح و میله را که محض آبادنی و سرسبزی مملکت تخصیص داده شده با کمال خوشی و مسرت گذرانیده هر فرد بنوبهٔ خود در خدمت نهال شانی و سرسبزی وطن حصه بگیرد . درخاتمه از پیشگاه

مراحم خداوندی سعادت وترقی ملت عزیز خود را نیاز واستدعا داشته اعتلای این جامعهٔ اسلامی را خواستاریم » .

« محل امضای اعلیحضرت همایونی »

تزئید معاشات مامورین ملکی و نظامی و افراد عسکری

حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه هیچ امری را بلند تر و مهمتر از مرفه الحالی ملت و آرامی مامورین و خدام صادق ملت و حکومت نمیداند و چنانچه بالمرئه دیده میشود ذات شاهانه و اعظم شریف و نجیب شان شب و روز در فکر تحصیل وسایط سعادت وآرامی اهالی و طن انهماك دارند . باین جهت بعد از آنکه در عواید مملکت استعداد تحمیل مصرف تزئید معاشات عموم مامورین لشکری و کشوری و افراد عسکری را مشاهده کردند تابران ارادهٔ سنیهٔ ذات شاهانه متاسی از افکار عالی پدر نامور شان (اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید) متقاضی آن شد نادر ضمن ترتیب بودجهٔ سالانه ، معاش عموم مامورین کشوری و لشکری و افراد عسکری افغانستان را بقدر ۲۵ فیصد تزئید فرمایند ، جهت ابلاغ این امر وارادهٔ ذات ملوکانه بروز دوشنبه ۱۷ حمل در قصر دلکشا و الا حضرتین و عموم کابینهٔ وزرا و وکلای شورای ملی و اعضای ریاست عالی اعیان و دیگر مامورین بزرگ کشوری و لشکری حسب دعوتیکه از آنها بعمل آمده بود حضور بهم رسانیده بحضور شهریاری مشرف و اعلیحضرت همایونی راجع به تزئید معاشات مامورین ملکی و نظامی وافراد عسکری ارادهٔ سنیهٔ خود شانرا در ضمن یك خطابهٔ جامع و مهم چنین اظهار فرمودند ،

عیناً خطابهٔ ذات ملوکانه

« عزیزان من ! »

« خیلی مسرور یم که امروز لله الحمد قدم دیگری در راه حصول رفاهیت عامه برداشته میشود و باز هم در نتیجهٔ سعی و جدیت مامورین دولت پیشرفت نوی حاصل میگردد »

« چون پدر بزرگوارم اعلیحضرت شهید سعید در طول حیات پر زحمت خود بجز فکر رفاهیت افراد این خاك و اولاد این وطن اعم از طبقات مختلفهٔ آن مقصد دیگری نداشتند و در زمرهٔ آمال و آرزو های بهی خواهانهٔ شان یکی افزودی معاش مامورین کشوری و افراد و افسران عسکری بود چنانچه این منظور شاهانهٔ شان را از همه اولتر برای افراد عسکری که بخدمت این خاك مجاهدت ورزیده اند ارزانی فرموده و در آغاز سلطنت خود در معاش عسکری بقدر لزوم افزودند ، درایام سلطنت شان این مقصد دردایرهٔ وسیع تری نفوذ کرده و هرفرد بقدر وسع خویش به تعقیب این مفکوره کوشیده نتائجیکه ازان متصور بود چه در زمان حیات شان و چه در دورهٔ حکومت مایگان یگان بظهور میرسد و بهمان اساس در بدو حکومت ما نیز در معاش افراد عسکری افزودی دیگری بعمل آمد و بعداً فعالیتیکه هیئت دولت و نمایندگان ملت درین چند سال اخیر برای پیشبرد حالت اقتصادی وطن بعمل آورده اند درحیات عمومی ملت عزیزم اثرات مفیدی بخشیده و امروز درجنبه های اقتصادی مخصوصاً در شعبهٔ تجارت و زراعت روح تازهٔ پیدا شده که برای رفاه عمومی خیلی باعث اطمینان و امید واری است » .

« در اثر همان جدیت در راه اقتصاد امروز ، حکومت به آن منزلی رسیده که برای طبقهٔ مامورین عسکری و کشوری نیز کمکی کرده و معیشت شان را بصورت بهتری آماده بسازد » .

« برای این امر احکام لازمه صادر نمودیم تا از آغاز این سال بصورت عموم درمعاش مامورین دولت وافسران وافراد عسکری افزودی لازمه کرده شود » .

« باید اظهار کنیم بهبودی که درین شعب حاصل شده بجز نتیجهٔ همکاری صحیح مامورین شعب مختلفهٔ حکومت و یگانگی افکار عامه چیز دیگری نیست . پس توصیه میکنیم که این دو عامل بزرگ ترقی و تعالی را از دست نداده سعی بلیغ نمائید تا ازین راه به منازل بلند تر کامیابی نائل گردید » .

« درخاتمه سعی و کوشش سردار محمد هاشم خان صدر اعظم و وزرای محترم ورئیس و نمایندگان محترم شورای ملی را درین راه تقدیر نموده از درگاه خالق یکتا تعالی وطن محبوب ورفاه ملت عزیزمرا التجا می نمایم . »

در پایان خطابهٔ ذات شاهانه والاحضرت صدر اعظم صاحب چنین معروضداشتند :

« اعلیحضرت محبوب ما »

« درمقابل این فرمایشات گران بهای اعلیحضرت شما ازصمیم قلب از طرف خود و همکاران محترم خود و باقی مامورین مملکت و صاحب منصبان و افراد عسکری عرض شکران وامتنان مینمایم »

« هیئت مامورین هر کدام در اثرنیات مبارك شاهانه تنها وظیفهٔ خود را برای پیشرفت مملکت ایفا نموده اند ولی این لطف و مرحمت اعلیحضرت که امروز درحق ما اظهار شده هر کدام را وادار میکند که باتمام قوا در خدمات

محولهٔ خود ها ابراز مزید خدمت و جد یت کنیم وخوشنودی ذات شاهانهٔ شما را اضافه بر اضافه حاصل نمائیم . »

درین شبهه نیست که آن احکم مبارك ملوکانه که به بنده عنوان شده درحیاة آتیهٔ مامورین اثر زیادی بخشیده و بهبودی معیشت هر کدام را به پاك نفسی وعقیدهٔ فدا کاری بذات اعلیحضرت شما وخاك این وطن بیش از پیش ر اسخ ومستحکم خواهد ساخت مخصوصاً باعث شکران این خادم وباقی همکاران محترم من اینست که ذات ملوکانه نقطهٔ مهم احتیا ج مملکت را حس فرموده ونه تنها وسیلهٔ بهتری حیاة طبقهٔ مامورین وافسران وافراد عسکری را فراهم آوردند بلکه درنتیجهٔ بهبود معیشت هر کدام را بر علاوه بپاك نفسی و وظیفه شناسی وادار فرمودند »

« در خاتمه بحضور خدای قادر متعال دعای طول عمر وبقای سلطنت پادشاه معظم خود و ترقی وتعالی روز افزون وطن عزیز را مینمایم . »

(غریو وهلهله عمومی)

تحریك و اعطای اعانهٔ ملی

برای تقویهٔ شئون عسکری و صحی و عمرانی مملکت

در حالیکه اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه با یك سلسله افکار و آمال ممتد ومقدسی بجانب آینده وترقیات وطن عزیز ما افغانستان نگریسته و در فراهم آوری اسباب بختیاری و ترقی جامعه از هیچگونه ایثار و فداکاری خود داری ندارند ، باثرهمین احساسات پاك طوریکه عامهٔ هموطنان عزیزما میدانند ذات شاهانه از بدو جلوس همایونی شان بر اریکهٔ افغانستان

تا کنون چندین اقدامات بی نظیری از قبیل عفو محاصیل صرفیات داخله و محصول پلها و تزئید مشاهرهٔ عمومی و غیره بغرض تامین اسباب راحت عمومی نموده اند و در طی هر کدام از اقدام بزرگ ذات شاهانهٔ شان جامعه را بجانب رفاهیت پیشرفت و ترقی جلو می برند .

اینست که هنوز ازان ارادهٔ بزرگ ذات شانه در تزئید معاشات که در حسن زندگانی عمومی اثرات خوبی دارد کمی نگذشته که یك اقدام هستی بخش دیگری برای تامین اسباب بختیاری وسر فرازی وطن عزیز ما از حضور ملوکانه صادر و در آن وارادہ کرده اند که :

از معاش شخصی شان مبلغ (۲۰۰۰۰۰۰) افغانی جهت خریداری طیاره بوزارت حربیه و (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی جهت توسیع موسسات عرفانی بوزارت معارف و (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی جهت ترقی امور صحی بوزارت صحیه اعطاء فرموده اند .

بتاسی از رویهٔ فرخندهٔ همایونی ، علیا حضرت ملکه صاحبه و الدهٔ ماجدهٔ اعلیحضرت و والا حضرات همشیره های اعلیحضرت همایونی نیز مبلغ (۱۳۶۰۰۰۰) افغانی جهت موسسات صحیه بوزارت صحیه مرحمت نموده اند .

سواد فرمان مبارك ذات شاهانه و علیا حضرت ملکه صاحبه ذیلاً اقتباس میشود :

سواد فرمان اعلیحضرت همایونی :

« ج ، ع ، ج عم محترم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم ! »

« ازانجا که حضور ما برای پیشرفت مزید مملکت عزیزخود علاقه مندی تمام داشته وآرزوی حضورما اینست که امور متعلق بحفظ شئون ملیه و فراهم

آوری وسایل اساسی رفاهیت عمومیه بیك پیمانهٔ وسیع تری تامین گردیده باشد لهذا برای خریداری طیاره وتوسعهٔ معارف و امور صحیه که در صنوف ضروریات وطن هر یك بنوبهٔ خود اهمیت مخصوصی را داراست، اراده فرمودیم که در هذا السنه ۱۳۱۵ ـ از پول مصارف شخصی ما مبلغ (۴۰۰۰۰۰۰) افغانی بمصارف آتی صرف شود :

برای خریداری طیاره (۲۰۰۰۰۰۰) افغانی

برای توسعهٔ معارف (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی

« امورصحیه و شفاخانه ها (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی

شمارا اعراست که مبلغ متذکره را از پول مصارف شخصی حضورما تنقیص نموده بمصارف فوق تخصیص و ارادهٔ حضور مارا درین مورد بمقامات مربوطه اطلاع بدهید تا خداوند بخواهد امور مذکوره به پیمانهٔ وسیعتری تکمیل وتامین شده وازین تصمیم حضورما وطن عزیز متمتع ومستفید گردد »

(محل امضای همایونی)

سواد فرمان علیا حضرت ملکهٔ معظمه :

« ج ، ع ، ج برادر عزیزم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم ! »

« بشما معلوم است که من بغیر سعادت و رفاهیت ملت افغانستان در ظل حکومت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه سلمه الله ملکه وسلطنته دیگر آرزوئی ندارم . از پیشرفت و ترقی که بمرحمت الهی امروز درهر شعبه نصیب این مملکت شده خیلی مسرور بوده ازخدای پاك تمنا میکنم که اهالی این وطن همواره درمهد رفاهیت و استراحت کامله زیست داشته وافغانستان بمدارج اعلای ترقی نایل آید ـ ازانجاکه حمایه وامداد بموسسات خیریه مخصوصاً موسساتیکه برای حفظ صحت عمومیه و تداوی

مرضای بی وسیله که ازهرحیث با ناگواری زندگانی دست و گریبانند، بوجود آمده وجیبهٔ ذمت خود وخاندان شاهی میدانم، لهذا این موقع که ابتدای سال و در نظر است امور صحیهٔ مملکت بیک پیمانهٔ بزرگتری تامین شود تصمیم گرفته‌ام که مبلغ (۱۳۶،۰۰۰) افغانی از پول معاش خودم و همشیر های اعلیحضرت از وزارت دربار اخذ وبفراهم‌آوری ضروریات شفاخانهٔ مستورات صرف کرده شود، شمار است کهراجع به تعمیل این نظریه ام بمراجع مربوطه امر دهید »

(محل امضای ملکهٔ معظمه)

خوشبختانه این اقدام قیمت‌دار بحیث یک تحریک بسیار مفیدی در مملکت انعکاس نموده ازطرف عموم بزرگان وتمام افراد مملکت استقبال خوبی گردید چنانچه بدواً موسسهٔ ملی بانک دراثر اقدام فوق اعلیحضرت همایونی وفامیل نجیب شاهی که ازمعاش شخصی خود شان مبلغ (۵۳۶،۰۰۰) افغانی برای تقویهٔ امور عسکری و توسعهٔ موسسات معارفی و صحی مملکت احسان فرمودند، با عطای مبلغ (۲۷۰،۰۰۰) افغانی بعنوان اعانه جهت‌خریداری طیاره وصرف در توسعهٔ موسسات صحی وعرفانی اقدام نموده به تفصیل ذیل،

۱ ـ بانک ملی (۱۵۰۰۰۰۰ افغانی)

۲ ـ هیئت مدیره ازپول شخصی خود ها،

الف :ـ رئیس بانک (۵۰۰۰۰۰ افغانی)

ب : هیئت مدیرهٔ بانک (۵۰۰۰۰۰ افغانی)

۳ ـ باقی مامورین بانک ازدرک معاشات شان (۲۰۰۰۰۰ افغانی)

جمله (۲۷۰۰۰۰۰) افغانی

از طرف دیگر بنا بر احساسات وطن دوستی و علاقه مندی به شئون عسکری

مملکتی که خاصهٔ تمام افراد مملکت عزیز ما بوده ، مخصوصاً مامورین حساس بیشتر بآن متوجه میباشند ، کابینهٔ محترم وزرا بنار درخواستهای متعدد مامورین کالت وترجانی ازحسیات وتمایل تمام مامورین لشکری و کشوری عریضهٔ بحضور همایونی تقدیم و خواهش نمودند تا ازمعاش عموم مامورین مملکتی به تفاریق ذیل اعانه قبول شود : ـ

از معاش وزراء	یك ماهه
« معین ها ورئیس ها	نیم «
« مدیر های عمومی	۲۰ روزه
« مدیر های شعبه	۱۵ «
« مامور ها وسر کاتب ها	۱۰ «
« کاتب ها	یك هفته

چنانچه حضور مبارك ملوکانه این عریضهٔ خالصانه را پذیرفته اعانهٔ مامورین مملکتی را بشرح فوق قبول و ازاحساسات نیك کافهٔ مامورین وطن ممنونیت حضور شاهانه را اظهار فرمودند .

سپس دامنهٔ تحریك اعانه ونهضت تعاون اجتماعی درسرتاسر مملکت امتداد و انتشار یافته بتدریج تمام طبقات ملت اعم از افراد عسکری و تجار وبسیاری از منسولین و مؤسسات مختلفهٔ داخلی وقسمت بزرگ افراد ملت مطابق استعداد خویش باعطای اعانه مبادرت کردندکه تفاصیل آن درجرائد داخلی درج گردیده .

و البته از نظر ارباب دانش پوشیده نیست که بزرگترین عامل ترقی و پیشرفت یك مملکت عبارت از ایثار افراد و تعاون ملت و حکومت است که خوشبختانه تحریك عمومی اعانه نمونهٔ بلندی را از احساسات وطن پرستی و ایثار و مفکورهٔ تعاون ملت افغان نشان میدهد .

مرض حمای لکه دار در ایبك و دفع آن

در ماه ثور بعلاقهٔ منقوطان ایبك مربوط ولایت مزار دفعتهً مرض نامعلومی ظاهر و بدواً بعضی افراد از ان تلف شدند ، بتاریخ ۲۰ ثور اطلاع حدوث مرض مذکور واصل مرکز گردیده از طرف وزارة صحیه بصورت فوری یك هیئت مکمل صحی و طبی و سامان و لوازم کافی بمحل مزبور اعزام و بعد از انفاذ اصول قرانطین در اطراف علاقهٔ مبتلا بمرض ، میکرو بهای مرض محفوظاً بکابل آورده مورد تجربهٔ دقیق طبی قرار داده شد و ثابت گردید که مرض مذکور (حمای لکه دار) است . متصل آن درخود منطقهٔ شیوع مرض ازطرف هیئت طبی وزارت صحیه تمام مبتلایان تحت تداوی گرفته شده اشخاص سالم جدا کرده شدند در نتیجهٔ این اقدامات فعالیت کدارانه در ظرف کمتر از ده روز مرض مذکور بکلی از علاقهٔ مزبور دفع گردید و از فضل خداوندی به هیچ یك نقطهٔ دیگر سرایت نکرد .

افتتاح سال سوم دورهٔ دوم شورای ملی

در آخر سال گذشته که نمایندگان شورای ملی بسبب تعطیل سالیانه مرخص وباوطنان خود مراجعه کرده بودند ، در برج ثور بمناسبت ختم دورهٔ تعطیل دوباره بمرکز رجوع نموده ودر ظرف چند روز تماماً حاضر گردیده بودند بنا بران بر حسب مقررات اصول ، از حضور اعلیحضرت شهریاری روز پنجشنبه ۱۴ جوزا برای افتتاح ستوی این مجلس عالی مقرر و در روز مزبور بساعت ۱۱ قبل از ظهر عموم وزرا ومعین ها و وکلای محترم دارالشورای ملی بو اراکین مجلس عالی اعیان ورجال معظم و مامورین بزرگ ملی و نظامی

بعمارت مجلس حاضر شدند. بساعت مقرر اعلیحضرت همایونی نیزتشریف آورده پس از ادای مراسم ، نطق نهایت فصیح وبلیغی را ایراد فرمودند ، درجواب خطابهٔ شاهانه ع ، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی معروضهٔ مفصلی را راجع بشکریه از بیانات جامع اعلیحضرت بسمع همایونی رسانید و در خاتمه ج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان والاحضرت صدر اعظم صاحب نیز خطابهٔ بلیغی دایر بر مراحم مخصوص اعلیحضرت همایونی نسبت بخدمات کابینهٔ وزرا و مامورین ایراد نموده مجلس شورای ملی با ترتیبات مسرت افزا افتتاح و ذات شاهانه و مدعوین محترم معاودت فرموده نمایندگان شورای ملی بکار خود آغاز کردند .

افتتاح سناتوریم نسوان

در ماه جوزا ساختمان سناتوریم نسوان که بدار الفنون تحت تعمیر بود تکمیل ولوازم کار آمد آن تهیه گردیده ، باین تقریب ازجانب وزارت صحیه بروز ۲۰ جوزا ترتیبات افتتاحیهٔ آن فراهم آمده بساعت مقرره مدعوین حضور بهم رسانیدند. اخیراً ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان فاتح کابل وکیل وزارت حربیه نیز تشریف آورده سناتوریم مذکور به نطق غرای والاحضرت صدر اعظم صاحب افتتاح ومقابلهٔ ع ، ج غلام یحیی‌خان وزیر صحیه بوکالت مامورین صحیه جوابیهٔ مفصلی بعرض رسانید. بعد ازان با کف زدنهای عموم مراسم افتتاح سناتوریم نسوان که ازموسسات مهم صحی عصر موجوده و اهمیت آن برهیچ کس پوشیده نیست خاتمه یافت .

هژدهمین سال استقلال وطن

امسال باز بعادت همه ساله مبلهٔ جشن هجدهمین سال استقلال وطن که بهترین یادگار مهم ترین خدمات تاریخی پادشاه قهرمان بزرگ و زعیم وطن پرور افغانستان یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید و شهریار نامدار فقید ما و بهترین محصول سربازی و فداکاری او لاد رشید و جسور این مملکت تاریخی است مانند سال گذشته از جانب عموم ملت و حکومت باعزت واحترام و تزئینات فوق العاده در مرکز و ولایات و حکومتی های اعلی و کلان و جوامع ملی پذیرائی و استقبال کرده شد.

جشن استقلال امسالهٔ وطن که سومین باراست بدورهٔ زعامداری اعلیحضرت شهریار جوان بخت ما المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه تصادف میکند در پای تخت (کابل) حسب ارادهٔ سنیهٔ ذات همایونی وتوجهات مخصوص والاحضرت اشرف ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان صدراعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان غازی وکیل وزارت حربیه اقسام تزئینات و تجلیلات فوق العاده را که شایان استقبال چنین روز با افتخار تاریخی است دارا بود و از شروع این روز مسرت اندوز تاروز اختتام آن همه نوع و سایل تفریح و ساعت تیری از قبیل رسم گذشت عسکری ، انداخت و مسابقه های متنوع ، نمایشات صنایع و ورزشکاران ها ، بازیهای المپائی ، هرقسم سرودهای ملی ، موزیك های عسکری ، جریان رادیو ودیگر ذرایع انبساط آور که تفصیل آن درمطبوعات مرکز نشرشده درتمام مناطق جشن آماده ومهیا گردیده بود . بروز اول جشن که مصادف بود باروز ۲۲ اسد جهت استماع خطابهٔ اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه بسلامخانهٔ عمومی هیئت معظم

دولت و علما و فضلا و هیئتین مجالس شورای ملی و اعیان و مامورین بزرگ عسکری و کشوری و کور دپلوماتیك و دیگر معززین حضور بهم رسانیده جشن استقلال سال ۱۸ وطن به نطق بلیغ ذات ملوکانه افتتاح و با حرارت و مسرت از جانب عموم طبقات مخصوصاً عرایض تبریکیهٔ هیئت شورای ملی و نطق جوابیه والا حضرت صدر اعظم صاحب و کور دپلوماتیك مقیم کابل استقبال و پذیرائی گردید .

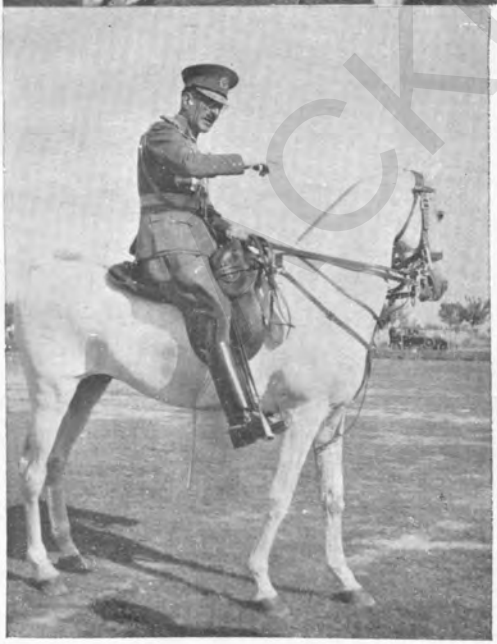
علاوتاً درطول ایام جشن وقبل وبعد ازان علما وفضلا وشعرای وطن بزبان ملی پشتو و فارسی بسی خطابه ها ومنظومه های فصیح و بلیغی را باستقبال جشن و استفادهٔ اهالی کشور عزیز ما در هر رشته سروده بوسیلهٔ رادیو و مطبوعات منطقه و سایر جراید مرکزی در دسترس استفادهٔ عموطنان دور و نزدیك گذاشته شد ، همچنان نظر بمطالعهٔ جراید اطراف وولایات افغانستان عیناً همین روح قدر شناسی اهالی مرکز درین ایام مسعود تاریخی وطن انعکاس نموده بهرجادرمراکز نائب الحکومه گی ها وحکومات اعلی وکلان ازطرف مأمورین حکومت و سایر طبقات ملی ترتیباتی بغرض پذیرائی جشن استقلال گرفته شده در طول ایام جشن انواع مسابقه ها و ذرایع تفریح ومسرت و انبساط از قبیل سرود های ملی و نشاید و طنی و نمایشات عسکری و غیره جریان داشته بهر جا با جوش و خروش و پذیرائیهای عمومی مبادهٔ مذکور خاتمهٔ پذیرفت .

سالگرهٔ میلاد اعلیحضرت همایونی

وجشن نجات وطن :

امسال بعادت همه ساله بروز پنجشنبه ۲۳ میزان کور دپلوماتیك مقیم کابل وورزای کابینه و نمایندگان ملی وباقی مامورین ومعززین مرکز بقصر دلکشا





از مناظر جشن
استقلال سال هزار و هم

ع، ج ا ، ا ، نشان
والا حضرت سردار
شاه و ایخان غازی
وکیل وزارت حربیه
موقع اجرای رسم
گذشت از حضور
ملوکانه

والاحضرت افخم وکیل
صاحب وزارت حربیه
در موقع رسم گذشت
عسکری

Les fêtes de l'indépendance à Kaboul: S A. R. le gérant du ministére de la guerre pendant le défilé des troupes

رفته بهترین تبریکات خود را بمناسبت سالگرهٔ تولدی ذات شاهانه عرض و بکتاب مخصوصیکه ازطرف عالیقدر جلالتمآب سرمنشی صاحب حضورملوکانه برای پذیرفتن نگارش تبریکات وضع شده بود تحریر وامضا نمودند ، همچنان بروز جمعه ۲۳ میزان بموجب دعتوتنامه هائیکه از طرف وزارت جلیلهٔ دربار قبلاً توزیع شده بود معززین فوق بساعت معینه در قصر دلکشا اجتماع نموده جشن هشتمین سال نجاة وطن « که یادگار روز تجدید سعادت وخوش بختی ملت بوده وبه نیروی بازوی توانای یگانه فرزند فوق العادهٔ افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید وبرادران رشید و نجیب شان وافراد فداکار وطن دران روز دوباره روابط اخوت وصمیمیت بین افراد وطبقات این ملت قایم شده است » به نطق بلیغ وجامع ذات همایونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه افتتاح گردید . چنانچه خطابهٔ ذات ملوکانه ازجانب رئیس ونمایندگان مجلس شورای ملی وکافهٔ ملت افغانستان جداگانه وازطرف ع ، ج ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی فاتح کابل وکیل صدارة عظمی باصمیمیت و خلوصیت فوق العاده استقبال گردید .

همچنان بامسرت تمام در مرکز وعموم ولایات وحکومتی های اعلی و کلان با ترتیبات مجلل رسمی وملی حفلات خوشی و چراغان بعمل آمد که در اثنای آن فرد ، فرد اهالی افغانستان بانهایت ، صمیمیت و نیاز بهترین ادعیهٔ خالصانهٔ خود را بروح پاك یگانه منجی و طن اعلیحضرت شهریار شهید و باقی سربازان معرکهٔ این خدمت خجسته و باافتخار ، تقدیم داشته سعادت همیشهٔ وطن وموفقیت ونیکنامی داربن اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان بخت افغانستان واعمام رشید وشریف وتمام خاندان نجیب شاهی ودیگر

خدام صادق وصمیمی وطن که درین مرحلهٔ پرخطر صداقت وملت دوستی خودها را باثبات رسانیدند از درگاه حضرت احدیت جل شانه خواستار شدند .

مرض وبا در زرمت و دفع آن

در فصل خزان امسال در علاقهٔ زرمت مربوط حکومت اعلای جنوبی وبعضی قریه جات کتواز وعلاقهٔ اندری مربوط حکومت کلان غزنی مرض وبا ظهور نموده در اول بعضی تلفات جزئی ازان بعمل آمد ولی همینکه اطلاع عارضهٔ مذکور بمرکز واردشد بصورت معجلانه یك هیئت مکمل صحی وطبی باسامان ولوازم کافی از طرف وزارت صحیه به نقاط مذکور اعزام و بعد از نفاذ اصول قرانطین به معیت شفا خانه های سیار محلی شروع بمقابله و مداوهٔ مرض مذکور نمودند و درنتیجهٔ این اقدامات فعالیت کارانهٔ وزارت صحیه مرض مذکور بظرف کمی دفع واکثر مبتلایان آن در اثر تداوی صحت یاب گردیدند و نیز ازفضل خداوندی مرض مذکور بدیگر نقاط مجاوره سرایت نکرده جا بجا در خود همان مواضع مبتلا بمرض خاموش گردید .

افتتاح شفاخانهٔ امراض عقلیه و عصبیه

درحالیکه ساختمان عمارت شفاخانه امراض عقلیه وعصبیه (که درجناح چپ رفقی سناتوریم درنقطهٔ خوش آب وهوای علی آباد واقع شده) انجام گردید متصل آن ترتیبات افتتاح شفاخانهٔ مذکور از طرف وزارت صحیه تهیه و بروز یکشنبه ۹ عقرب حسب دعوت وزارت مغری الیها وزرا و رجال عالی رتبه لشکری و کشوری و اطبای مربوط وزارت موصوفه بعمارت شفاخانه حضور بهم رسانیده بساعت معین ج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت سردارشاه ولی خان

غازی وکیل صدارت عظمی و وزارت جلیلهٔ حربیه نیز تشریف آورده شفاخانهٔ (امراض عقلیه و عصبیه) را توسط ایراد یك خطابهٔ نهایت بلیغ و مفید افتتاح فرمودند ، بجواب نطق والاحضرت غازی ع ، ج وزیرصاحب صحیه نطق مفصلی بسمع مبارك شان رسانیده پس از تعاطی نطقها و تماشای مفصل عمارت شفاخانه و صرف عصر یه مجلس منحل شد .

مسافرت والاحضرت صدراعظم صاحب وباز گشت مسعود شان

در فصل خزان امسال ج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم محترم ما بعلت تداوی مرضیکه از کثرت مصروفیت های شبانروزی ومشاغل مهمهٔ مملکت بوجود مبارك شان عارض شده بود بمشورهٔ اطباء بتاریخ ۱۹ میزان از راه هند تشریف فرمای اروپا گردیده درشفا خانه های المان بوسیلهٔ عملیات جراحی معالجه شدند ، چندی بعد ازعملیت والا حضرت شان خوشبختانه مژدهٔ عودت صحت ذات سامی و عافیت کاملهٔ وجود مسعود شان را که خدایش پیوسته درحمایت خود داشته باشد ، از جرمنی ذریعهٔ تلگراف حاصل داشتیم وجراید وطن قبلاً این مژدهٔ بزرگ را بعموم ملت افغانستان ابلاغ نمودند .

متعاقباً والا حضرت ممدوح پس ازعودت صحت با سعادت شان بعض ممالك اروپا را که با ماعلاقهٔ دوستی دارند و در سر راه مراجعت شان واقع بود بغرض استفاده بوطن سیاحت فرموده اخیراً از طریق هند مع الخیر والعافیه بتاریخ ۱۹ حوت وارد خاك پاك وطن شده از سرحد تورخم مشرقی تا خود کابل از جانب تمام طبقات ملت و حکومت پذیرائی بطور فوق العاده وبا نهایت احترام و حرارت استقبال گردیدند ، تفصیل آنهمه قدر دانیهای ملت و حکومت افغانستان را که در موقع ورود این

رجل نامی و فرزند فعال و فداکار صحیح افغانستان بمشاهده رسیده شده قبلاً مطبوعات وطن انتشار داده اند .

والا حضرت سردار محمد هاشم صدراعظم محترم ما که قسمت عمدهٔ حیات با برکات شان شرفخانه در راه خدمات مهمه و تهیهٔ وسایل سعادت مملکت وملت سپری شده مخصوصاً چه بدورهٔ مصیبت و بد بختی انقلاب گذشته وچه بعد ازان بدورهٔ صدارت با افتخارشان وجود مبارك آنها مصدر خدمات برجسته وفداکاریهای نسیان ناپذیری گردیده وازین راه حقوق زیادی برذمهٔ ملت ثابت کرده اند ، حقیقتاً علالت مزاج گرامی شان منتها درجه اسباب تاثر واندوهگینی این ملت شده بود واینکه امروز می بینیم ازفضل وعنایت ایزد پاك با صحت کامل وشفای عاجل دوباره وارد وطن گردیده زمام مهام امور صدارت عظمای افغانستان را بکف با کفایت خود گرفتند خیلی اسباب خورسندی عموم طبقات ملت بوده ازحصول این نعمت عظمای خداوندی که بهترین وسیلهٔ مسرت واطمینان خاطرما گردیده است ، شکرانهٔ لطف حضرت ایزد متعال را بجا می آریم .

ورود مسعود والاحضرت وزیر صاحب حربیه

دراخیر سال گذشته ع ، ج ، ۱۰۱۱ ، نشان والا حضرت سردارشاه محمودخان غازی وزیرحرب وسپه سالارمعظم ما بسبب معالجهٔ علالتیکه ازکثرت کار وزحمت بوجود مبارك شان عارض گردیده بود مطابق مشورهٔ اطباء باروپا تشریف برده خوش بختانه طوریکه ازخداوند تعالی در زمینهٔ عودت صحت این فرزند نامی ورشید افغانستان آرزو داشتیم درشفاخانه های المان معالجه شدند ، خبر مسرت آور عودت صحت مبارك شان مکرر ذریعهٔ تلگراف روشنی بخش دیدهٔ عموم ملت گردیده قبلا ذریعهٔ مطبوعات ملی بغرض تسلی همکنان نشر شده بود .

بعد از صحت کامله والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی بدورهٔ این

مسافرت شان نظر بهمان عشق سر شار فطری که بسعادت و پیشرفت کشور عزیز خود دارند بغرض استفاده بوطن از کثیر پای تخت ها و شهر های مهم و جرایات عمدهٔ ممالک اروپا و آسیا را که باما علایق و داد و دوستی دارند و در خط راه مسافرت شان واقع بود نیز سیاحت فرموده در اثنای آن از طرف اهالی و اولیای امور هر مملکت محترمانه پذیرائی شدند . اخیراً از راه مملکت دوست و همسایهٔ ما ایران مع الخیر و العافیه بتاریخ ۲۸ عقرب ازسر حد اسلام قلعهٔ هرات وارد خاک وطن گردیده از آنجا تا خود کابل با حرارت زیاد و فوق العاده بهر موضع از جانب عموم طبقات ملت و حکومت پذیرائی و بتاریخ ۱۷ قوس به کابل تشریف آوردند . در مرکز نیز از جانب عموم طبقات و حکومت قدر شناس ما استقبال شایانی از والا حضرت شان بعمل آمده متصل آن زمام امور وزارت حربیهٔ افغانستان را که در غیاب شان برادر بزرگوار شان والا حضرت سردار شاه ولیخان غازی کفالت میفرمودند با یک عزم قوی و صحت کامله بکمال کفایت خود گرفتند .

ما به تقریب این دومژدهٔ مهم که عودت بوطن و صحت کاملهٔ این ذوات معظم و خدام صادق افغانستان یعنی ذات والا حضرت صدر اعظم صاحب و والاحضرت وزیرصاحب حربیهٔ ماست ازخدای مهربان خیلی‌ها شاکریم .

نهضت زبان ملی پشتو

نهضت زبان ملی پشتو که باعث مسرت و افتخار عموم ملت افغانستان است درجملهٔ دیگر ترقیات علمی وادبی واحیای آثروافتخارات ملی از ملحوظات مقدس تاجدارفقید ما اعلیحضرت محمدنادر شاه شهید سعید بود چنانچه از ابتدای جلوس مبارک شان برار یکهٔ مملکت متصل هم درترویج واحیای این وسیلهٔ مهم وحدت

و مفاهمهٔ تمام ملت اقدامات نادرانه بعمل آمد ولی نهضت مهم وحقیقی این زبان ، در پهلوی احیای آثار وادبیات فارسی گوه پایه های تاریخی وطن ، مرهون همت جوان و آراء و افکار بلند المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهرشاه تاجدار جوان بخت موجودهٔ ماست که از بدو سلطنت پرمسرت شان بهمان نصب العین بزرگ و عالی پدر نامورشان اعلیحضرت شهید سعید ازقوه بفعل آمده بنا سی هدایات ونظریات جهان قیمت ملوکانه بعضی جراید ، کتب وآثار تازه تری درین زبان ازجانب فضلای وطن تحریر و مورد استفادهٔ ابنای وطن قرار داده شده ، گذشته ازان تعمیم وفهمیدن این زبان را برای اولاد های مملکت بصورت ادبی اراده فرموده تدریس آنرا جزو پروغرام معارف قرار دادند و نیز بغرض وسعت وعلمی گردانیدن لسان ملی موصوف انجمن ادبی پشتو مرکب از فضلا واد بای دانشمند وطن بمساعات کافی تشکیل و دریا یان این همه اقدامات قابل قدر یاد شاه جوان بخت ما ازلسان قدیم وتاریخی افغانستان بتاریخ (ماه عقرب) فرمان شاهانه صادر گردید که دران تامدت سه سال یاد گرفتن تکلم و کتابت پشتو برکافهٔ مامورین وظیفه دار مملکت بصورت لازمی اراده وارشاد رفته است بنا سی آن درسال جاری ازجانب مامورین فعال واهالی رشید وطن این اقدام وارادهٔ شریف ذات شاهانه باصمیمیت و توجهٔ فوق العاده پذیرائی گردیده درمرکز وولایات مملکت کورس ها ودیگر وسایل فردی واجتماعی تعلیم پشتو تاسیس و پیشرفت آن بجدت ملحوظ است . ذیلاً سواد منشور شهریاری اقتباس میشود .

سواد فرمان ذات شاهانه

« ج،ع،ج، ۱۰۱ ، نشان عم محترم سردار شاه ولی خان غازی وکیل صدراعظم ! »

«مسلم است مسئلهٔ زبان در وحدت ملیه وحفظ آداب وشعایر یك ملت اثرات

معتنابهی داشته وتوجه باین موضوع ازجملهٔ ضروریات حیاتیهٔ یك مملکت بشمار میرود .

چون در مملکت عزیز ما ازطرفی زبان فارسی مورد احتیاج بوده و از جانب دیگر بعلت اینکه قسمت بزرگ ملت مابه‌لسان افغانی متکلم ومامورین علی‌الاکثر بسبب ندانستن زبان پشتو دچار مشکلات میشوند ، لهذا برای رفع این نقیصه وتسهیل معاملات رسمی واداری اراده فرموده ایم همچنانکه زبان فارسی در داخل افغانستان زبان تدریس وکتابت است در ترویج واحیای لسان افغانی هم سعی بعمل آمده از همه اول مامورین دولت این زبان ملی را بیاموزند و آنرا در محاوره وکتابت شامل کنند . شما وزارات ونائب الحکومگی ها وحکام اعلی وقوماندانیت های عسکری وتمام دوایر رسمی امر بدهید که مامورین کشوری ولشکری مربوط خود را مکلف نمایند که تا مدت سه سال لسان افغانی را آموخته در محاوره وکتابت مورد استفاده قرار هند تا خدا بخواهد عموم مامورین افغانستان بزبان افغانی هم تکلم وکتابت توانسته در امور مملکتی تسهیل وبرای آنها ورعایا ازین جهت تکلیفی عاید نباشد . »

(محل امضای اعلیحضرت همایونی)

عزیمت والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی باروپا

خوانندگان محترم اطلاع دارند که ع ، ج ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی فاتح کابل در سال گذشته از وزارت مختاری اعلیحضرت درفرانسه ، بغرض شرفیابی حضورشاهانه ودیدن وطن وملاقات عموم ملت تشریف فرمای وطن گردیده دیدهٔ عموم ملت و جمیع خدمت گاران صادق این مملکت را بقدوم مسعود خود روشن‌گردانیدند ، و ز ما نیکه ع ، ج ، ا ، نشان والاحضرت وزیر صاحب حربیه جهت معالجه عازم اروپا شدند ، و الاحضرت

فاتح کابل بوکالت وزارت حربیه تعیین وامور شئونی افغانستان را بکف با کفایت خود گرفتند ، متعاقباً چون ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب نیز بغرض معالجه باروپا عزیمت فرمودند از حضور اعلیحضرت همایونی علاوه بروظایف وکالت وزارت حربیه کفالت امور صدارت عظمی هم باین ذات فعال وفرزند لایق افغانستان مفوض شد ، بنابران فاتح کابل درطول مدت غیاب والا حضرتین معظمین وظایف امور وزارت حرب و مقام صدارت عظمای افغانستان را بوضع شایسته اداره نموده بسبب آن رضائیت حضور شاهانه و دعا گوئی تمام ملت را بیش ازپیش حاصل داشتند ، دراواخر امسال که لله الحمد والاحضرتین معظمین صدر اعظم صاحب ووزیر صاحب حربیه مع الخیر و العافیه متصل همدیگر وارد وطن وامور مفوضهٔ خود شان را تسلیم گردیدند ، والا حضرت فاتح کابل که خدایش در امان خود داشته باشد ، بروزیکشنبه ۲۴ حوت درقصر صدارت عظمی ج ، ع ، ج والاحضرت صدراعظم صاحب و والاحضرت وزیر صاحب حربیه و کابینهٔ وزراء وعموم مامورین کشوری ولشکری ونمایندگان ملی وباقی ذواتیرا که جهت وداع شان حضور بهم رسانیده بودند خدا حافظی نموده بصوب ماموریت خود شان (وزارت مختاری اعلیحضرت درفرانسه) راه سپار گردیدند .

وفیات مهمه

جناب سید عبد الله خان : مرحوم سیدعبد الله خان مدیر عمومی سیاسی که یکی از جوانان حساس و فاضل و خدمت گار صادق این وطن بودند از مدتها در وزارت امور خارجهٔ افغانستان بعهده های مختلفه شرف امتیاز داشت بتاریخ ۲۹ قوس در اثنای خدمتیکه عبارت از معاینهٔ امور سرحد داری ولایت قطغن و بدخشان باشد و آن مرحوم از جانب وزارت امور خارجه بآن

مامور گردیده اعزام شده بود بزمان عبور از رود خانهٔ منشعبهٔ آمو مغروق و برحمت حق پیوسته انا لله و انا الیه راجعون .

همدرد بهائیکه از طرف حکومت خادم نواز ما بتقریب ورود اطلاع فوت این جوان لایق بمرکز ، در فاتحه داری و سوگواری این جوان ناکام بعمل آمد در خور شکر و سپاس گذاری است ما بنوبهٔ خود از درگاه الهی برای آن خادم صادق حکومت و مملکت مغفرت استدعا نموده به بازماندگان شان عرض تسلی مینمائیم .

جناب سید محمد شریف خان سرپاور : جناب سید محمد شریف خان فرقه مشر و سرپاور حربی حضور مبارک همایونی که در تمام ادوار زندگی بوطن عزیز خود فداکارانه و صمیمانه خدمت می نمودند وخصوصاً در مرحلهٔ نجاة وطن بشرف معیت اعلیحضرت شهید سعید ممتاز بوده مصدر خدمات شایانی گردیدند . این جوان ناکام دراخیر جدی بسبب سقوط ازاسپ شدیداً صدمه یافته متعاقب آن برحمت حق پیوست انا لله وانا الیه راجعون ، وفات حسرت آیات آن مرحوم خیلیها باعث تأثر دوستان و عموم خدمت گاران این مملکت واقع گردید ، مخصوص ازحضور مبارک اعلیحضرت همایونی و والاحضرتین سردار شاه ولی خان غازی وکیل صدارة عظمی وسردارشاه محمود خان غازی وزیر امورحرب درحادثهٔ فوت مشار الیه اظهار تأثر و همدردی بعمل آمده مراسم فاتحه داری وسوگواری آن مغفور هم دروزارة امور حربیه اجرا گردید

مابنوبه خود ازحضرت احدیت جل شانه برای این جوان ناکام وخادم صمیمی حکومت معظم خودطلب آمرزش نموده وبرای بازماندگان شان عرض تسلیت مینمائیم .

جناب آدم خان : جناب آدم خان مشاور صدارة عظمی که یك شخص شریف و خادم صادق حکومت متبوع ووطن عزیزما افغانستان بودند و درتمام ادوار حیاتی خود

صمیمانه مصدر فعالیت گردیده مخصوصاً درمرحله نجاة وطن هم بجملهٔ مدافعین سهمی داشته است وبجا برئ خدمات خود از بیشگاه حکومت خادم نواز ، مدتی برتبهٔ رفیعهٔ معینی اول وزارة جلیلهٔ داخله ومشاوری صدارة عظمی وحکومت کلان غزنی مقرر ورضائیت حضور مبارك اعلیحضرت همایونی را برای خود حاصل داشت ، اخیراً در ماه دلو بسبب مرضی که از مدتی بآن دچار بود بجوار رحمت ایزدی شتافتند .انا لله و انا الیه راجعون

کذا جناب رمضان خان فرقه مشر مسعودی وجناب لال گی خان فرقه مشر وزیری وجناب خورشید خان مهمند والد امجد ع ، ج ، ا ، ا ، نشان محمد گل خان وزیر داخله که هرسه تن ازرجال مهم وصادق مملکت بودند ـ درطول این سال وفات یافته اند انا لله وانا الیه راجعون که ما برای آن مرحومان، طلب آمرزش و برای بازماندگان شان تمنای صبر وتسلیت میکنیم .

اوضاع طبیعی جوی

امسال از مراحم خداوندی سال بسیار نیکو و منتها مبارکی بودچنانچه در تمام نقاط مملکت بمراسم مساعد برفها وبارانهای متوالی بس نافعی نزول وموجب آبیاری زراعت وآبیاری زراعت موجب فراوانی آب گردیده است وازفراین طبیعی وتجارب همه ساله حدس زده میشود که این بارانها ونزول برفهای فراوان موسمی درتمام مملکت عزیزما باعث کثرت آب رودخانه‌ها وجویبارهاوخوبی زراعت وشادابی اشجار وسرسبزی دشت ودامان کوه پایه های وطن شده سعادت زارع ومال‌دار وسائر افراد وطن را ازهمه جهت تامین خواهد کرد . همچنان ازفضل ایزد متعال حوادث ناگوار طبیعی ازقسم سقوط صاعقه ها ونزول سیلابها ودیگر واقعات جوی ازقبیل سرمای مفرط وغیره که با کثرت برف وباران‌ها توأم میباشد خوشبختانه درهیچ نقطه ازنقاط مملکت بوقوع نه پیوسته ونه موجب یك خسارة قابل ذکری گردیده است .

از وفیات مهمهٔ سال ۱۳۱۵



مرحوم سیدشریف خان سریاورحربی حضور ملوکانه



مرحوم آدم خان مشاور صدارت عظمی



مرحوم سید عبد الله خان مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه

از وفیات سال ۱۳۱۵



مرحوم عنایت الله خان فارغ التحصیل مکتب طبی که اخیراً با ثر چپه شدن موتر فوت شد



مرحوم سید حامد خان دوا ساز که درموقع شیوع مرض حمای لکه دار در ایبك فوت شد

گذارشات دنیا

در سال ۱۳۱۵ بقلم سید قاسم رشتیا
مهتمم سالنامه

سال ۱۳۱۵ هجری که مصادف با سال ۱۹۳۶ و چند ماه ۱۹۳۷ میلادی بود، برای جامعهٔ بشری یکی از پرشور و شرترین سالهای بعداز جنگ عمومی بشمار میرود و درین سال آنقدر وقائع مدهش واسفناك اتفاق افتاده که نظیر آنرا در یك سال چه، بلکه درچندین سال گذشته نیزنمیتوان سراغ کرد مثلاً اختتام فاجعه ناك جنگ حبشه واقدامات جدیانهٔ المان وانقلاب خانمانسوز هسپانیه وکشمکش های حزبی اروپا وتبدیلی غیرمنتظربادشاهان وزمامداران وفوت رجال بزرگ و واقعات مهم شرق اقصی وخونریزی های شرق قریب وکشیدگی های سیاسی دول وملل و دسته بندیهای ممالك مطابق جذبات مسلکی وبالاخره دسیسه یا زیهای دول مختلفه وحادثات طبیعی متعدد وخسارت بخش وغیره وغیره واقعات مهمه بقدری زیاد است که افق سیاسی و معاشرتی عالم مخصوصاً قارهٔ اروپا را بطور موحش تیره وتارجلوه میدهد. اگرمختصر بگوئیم، در سال ۱۳۱۵ ارکان صلح و امنیت عالم بدرجهٔ آخرمتزلزل و روح اعتماد متقابله تقریباً بکلی از بین ملل مرفوع گردیده است. چنانچه جامعهٔ ملل که مهمترین موسسات صلح وآشتی وحفظ حقوق و همکاری دول بحساب میرود، درین سال بامشکلات فوق العادهٔ

مواجه شده و در اثر پافشاری بعضی دول و مقاصد خصوصی برخی دیگر ونیز ازجهت عدم مجریت اساسات و قواعد خویش ، بالمره اعتبار خود را از دست داده وامروز بجز نام ، دیگر اهمیتی برای آن باقی نیست . با وجود این، خوشبختانه دربعضی ازقسمت های جهان علاوه برآنکه شعله های مبارزه طلبی وبادهای بی اعتمادی بلند نشده ، بالمقابل اقدامات مؤثری به نفع صلح وامنیت نیز بعمل آمده که مهمترین آن عبارت ازحسن روابط ونزدیکی مزید ممالک اسلامی آسیائی واتحاد باهمی دول امریکائی وغیره میباشد . و این اقدامات وتشبثات صلح جویانه و آشتی کارانه بطور قطع تأثیرات مطبوعی بر پیکرامنیت جهان وارد خواهد کرد .

خلاصه واقعات عمدهٔ سال ۱۳۱۵ از روی شایعات جرائد ومطبوعات دنیا قرار ذیل است :

جامعهٔ ملل

طوریکه گفتیم درین سال جامعهٔ ملل برخلاف امیدهائی که در سال قبل نسبت به مجریت اقدامات آن پیداشده بود ، فوق العاده بی اعتبار و از اهمیت آن درنزد عموم ملل و دول کاسته شده است.با اینهم موضوعات مهمیکه درین سال به پیشگاه جامعه تقدیم گردیده ، اعم ازاینکه تصفیه یافته و یا نافیصله باقی مانده باینقرار است :

(۱) نزاع ایطالیا وحبشه (۲) موضوع لوکارنو (۳) مسئلهٔ دانزیگ (۴) موضوع دردانل و تبدیلی معاهدهٔ لوزان (۵) خانه جنگی هسپانیه

(۶) مسئلهٔ امور مالی آستریا (۷) اختلاف نظر فرانسه و تورکیه در مسئلهٔ سنجاق (۸) اصلاح جامعهٔ ملل .

نزاع ایطالیا و حبشه :

قضیهٔ جنگ ایطالیا وحبشه اگرچه دراوائل سال ۱۳۱۵ ، خاتمه پذیرفته حاکمیت ایطالیا بر مملکت باستانی حبشه یعنی یگانه مملکت مستقل افریقائی ثابت شد ، لیکن باز هم موضوع حبشه در تمام این سال موجبات مشغولیت جامعهٔ ملل را فراهم و در حقیقت همین مسئله مهمترین عامل بی اعتباری آن مؤسسه گردیده است . جنگ ایطالیا و حبشه را تا آخر سال ۱۳۱۴ قارئین گرام در سالنامهٔ ۱۳۱۴ کابل مطالعه نموده اند ، اینك ذیلاً وقایع ما بعد مذکور را بطور اختصار از نظر شان گذارش میدهیم تا از روئس مسائل سیاسی این قضیهٔ مهم اطلاع کافی حاصل باشد :

دراواخر سال ۱۳۱۴ نظر به پیش نهاد فلاندن وزیر امور خارجهٔ (سابق) فرانسه نسبت به خواهش آغاز مذاکرات صلح ازهر دو فریق ، کمیتهٔ تعاون جامعهٔ ملل رئیس خود (مادریاگا) را اختیار داد تا درین موضوع با طرفین مفاهمه بعمل آورده نظریات هر دو جانب را معلوم و بهمدیگر شان ارائه دارد . همان بود که مادریاگا (سفیر کبیر و نمایندهٔ اسپانیا در جامعهٔ ملل) شخصاً درین موضوع با نمایندگان ایطالیا و حبشه داخل مذاکره شده ، وقتیکه پیش نهادات ایطالیارا نسبت به شرایط صلح ، به نمایندگان حبشه بتاریخ ۲۶ حمل (۱۵ اپریل ۱۹۳۶) تقدیم کرد ، حکومت حبشه از قبول آن باعراض نمود . و در عین حال نمایندگان حبشه بتاریخ ۲ حمل (۲۳ مارچ)

به هیئت ۱۳ نفرهٔ جامعهٔ ملل نسبت به استعمال غاز زهردار از طرف قوج ایطالیا درحبشه شکایت نموده ایطالیا ازتصدیق انکار وجواباً اسنادی را دایر برظلم وستم حبشی ها که براسرای ایطالوی روا میداشتند ، تقدیم کرد . سپس بتاریخ ۳۱ حمل (۲۰ اپریل) مادرار یا گما راپورت خود را به شورای جامعه پیش کرده مذاکرهٔ حبشه ازنو شروع شد ودرین مجلس (الوازی) نمایندهٔ ایطالیا مسئولیت عدم کامیابی مذاکرات صلح را بر عهدهٔ حبشه انداخت ـ مقارن این اوقات بود که کار پیشرفت عسا کر ایطالیا در حبشه کسب سرعت نمود و بالاخره چون بتاریخ ۱۱ ثور (اول می) نجاشی از ادیس ابابا بیرون ، و ایطالیها وارد پای تخت حبشه شدند ، و حکومت روما بتاریخ ۲۰ ثور (۱۰ می) اعلان الحاق حبشه را به ایطالیا ، جامعهٔ ملل ودر ۲۲ ثور (۲ می) به تمام ممالک ابلاغ نمود ، باثر آن شورای جامعه درماه (جوزا ـ) اجلاس بهاری خود را منعقد و دران (هیلاسلاسی) شاهنشاه حبشه شخصاً بحیث نمایندهٔ مملکت خود حاضر گردید و مذاکرات زیادی درین خصوص بعمل آمد . شورای جامعهٔ پس ازاظهار تأسف اعلان کرد که الحاق حبشه را به ایطالیا بر سمیت نشناسد ولی باثر پیش نهاد فرانسه و انگلیس در همین اجلاس تجاویز تعزیری نیز من بعد بقایده قلمداد شده از سر ایطالیا رفع کرده شد . و سپس در ماه میزان (ستمبر) نیز در موقع اجلاس عمومی جامعهٔ ملل نمایندگان حبشه و شخص نجاشی به جینوا حاضر شده ، اقامهٔ دعوی کردند نمایندگان ایطالیا ازمجلس خارج و اعتراض نمودند که نمایندگان حبشه دیگر حق حضور را در جامعهٔ ملل ندارند و هیئت مخصوص برای تحقیق این قضیه مقرر شده پس از مذاکرات طولانی بالاخره فیصله کرد که نمایندگان حبشه

درین اجلاس نیز حق حضوررا دارند و همان بود که از لحاظ نبودن نمایندگان ایطالیا ، و عدم تمایل دول باین موضوع ، مسئلهٔ حبشه دیگر زیر بحث نیامده اجلاس عمومی هم خاتمه یافت .

و گویا با یتقسم دول بزرگ قضیهٔ حبشه را بی سر و صدا ، فیصله شده انگاشتند وگمان نمیرود که درآینده هم با وجود مساعی نجاشی و رفقای او دیگر جامعهٔ ملل باین موضوع التفاتی مبذول دارد زیرا پس از اجلاس عمومی جامعهٔ ملل ، بعد ازآنکه از سبب بازندگی یك سلسله مشکلات برای ایطالو پیا در حبشه پیش شد بالاخره در خزان ۱۳۱۰ یعنی بتاریخ ۵ نوس (۲۷ نومبر) سال مزبور آخرین نقطهٔ حاکمیت ملی حبشه که عبارت ازمقام (گور) بود نیز بدست ایطالو پیا افتاده ، بجز عدهٔ از خوانین بزرگ که بکوهستانات دست نارسی متواری شده و وقتاً فوقتاً اقداماتی بر ضد ایطالو پیا مینمایند دیگر نام و نشانی ازحکومت بومی دران جا باقی نمانده است . با این صورت گویا با وجود پارهٔ اقدامات جامعهٔ ملل که برای جلوگیری از تهاجمات ایطالیا در حبشه از سال گذشته با ینطرف بعمل آورد ، باز هم بسبب عدم مجریت و عمومیت ندا شدن تجاویز و اقدامات مذکور و پارهٔ نظریات سیاسی دول درین موضوع ، مملکت مستقل حبشه که عضو جامعهٔ ملل بود ، در ظرف کمتر از یك سال در اثر استعمال زور و قوه مضمع ایطالیا گردید .

موضوع لوکارنو :

موضوع لوکارنو در حقیقت عبارت از یك سلسله کوانتی است که در اثر لغو معاهدهٔ معروف لوکارنو (منعقدهٔ ۱۶ اکتوبر ۱۹۲۵) ازطرف

المان بتاریخ ۷ مارچ ۱۹۳۶ (اخیر سال ۱۳۱٤) صورت گرفت و طوریکه درسالنامهٔ ۱۳۱٤ تذکار یافته باثر این واقعه فرانسه وبلژیك عرضحالی به جامعهٔ ملل تقدیم و بموجب آن بتاریخ ۲۳ حوت ۱۳۱٤ (۱٤ مارچ ۱۹۳٦) اجلاس فوق العادهٔ شورای جامعهٔ ملل در لندن انعقاد یافته بتاریخ ۲۸ حوت (۱۹ مارچ) پیش نهاد جدیدی نسبت به تجدید معاهدهٔ لوکارنو از طرف فرانسه و بلژیك و انگلستان ترتیب یافت و در ۳۰ حوت (۲۰ مارچ) اجلاس شورای جامعه معطل گردیده ضمناً باثر مفاهمهٔ هر سه دولت فوق الذکر مقرر شد که در صورت معطل شدن مذاکرات با المان ، انگلستان ضمانت سرحدات فرانسه و بلژیك را بنماید و هم در همین موقع دول فوق الذکر فیصله کردند که رياسات ارکان حرب شان باهم در خصوص اوضاع آینده و چگونگی ضمانت انگلستان (از سرحدات فرانسه و بلژیك) مفاهمه نمایند چنانچه بتاریخ ۲٦ حمل ۱۳۱۵ (۱۵ اپریل ۱۹۳٦) مذاکرات ارکان حرب سه مملکت شروع گردید . درین بین بتاریخ ۹ حمل (۲۹ مارچ) انتخابات مجلس شورای ملی المان (رایشتاگ) خاتمه یافته ، رئیس مملکت المان (هتلر) درخصوص معاهدهٔ لوکارنو و عوض کردن آن پیش نهادی حاوی ۱۹ نکته به ممالك ذیعلاقه ارسال کرد . درین پیش نهاد ، المان به طرح معاهدهٔ جدیدی که متضمن ضمانتی برای فرانسه و بلژیك یعنی در غرب اروپا باشد موافقت و اظهار آمادگی نموده بود . فرانسه بتاریخ ۱۹ حمل (۸ اپریل) بجواب پیش نهاد المان پیش نهاد جدیدی حاوی ۲۵ نکته ترتیب نموده جداً مطالبه کرد که باید در معاهدهٔ جدید المان نسبت به شرق اروپا نیز ضمانتی داده در معاهدهٔ مذکور مملکت شوروی نیز شامل باشد

و در اثر آن به ۲۱ حمل (۱۰ اپریل) مجلس ممالك لوکارنو فیصله نمود که هر دو نقشه (نقشهٔ المان و نقشهٔ فرانسه) به پیشگاه جامعهٔ ملل تقدیم کرده شود و انگلستان مابین فرانسه و المان واسطهٔ مذاکره قرار بگیرد . چنانچه حکومت انگلستان بتاریخ ۱۷ ثور (۷ می) یك مجموعهٔ سوالات را بنام حکومت المان فرستاده در بارهٔ بسانکات ازمملکت مذکور توضیحات خواست . درین بین شورای جامعهٔ ملل انعقاد یافته اما چون جواب سوالات انگلستان از طرف المان نرسیده بود ، اجلاس مذکور برای مدت غیر محدودی معطلع کرده شد . از طرف دیگر چون ایطالیا نیز بسبب تجاویز تعزیری و غیره ایجابات سیاسی در مذاکرات لوکارنو شامل نشده ، بنابران فرانسه و بلژیك و انگلستان در ۳۱ سرطان (۲۳ جولائی) در لندن مجلسی منعقد و دران برای طرح معاهدهٔ پنج دولت یعنی فرانسه و المان و بلژیك و ایطالیا و انگلستان داخل اقدامات شدند و طوریکه دیده میشود ازین وقت به بعد گویا فرانسه و دیگران از شمول شوروی (بواسطهٔ مخالفت جدی المان) انصراف ورزیدند . درین وقت بود که المان وایطالیا نیز شمول خود را در مذاکرات طرح این معاهده وعده دادند وازهرطرف گمان میرفت کهعنقریب بین ۵ مملکت مذکور معاهدهٔ جدید لوکارنو انعقاد خواهد یافت ولی مقارن همین زمان و پیش از آنکه کدام تماس مستقیم مابین ممالك مذکور بعمل آمده باشد ، المان مدت خدمت عسکری خود را در یکسال بدو سال ترقی داده و باثر آن باز سوء تفاهم مابین او وممالك لوکارنو از قبیل فرانسه و بلژیك و غیره تازه شد ـ از طرف دیگر باثر وضعیت کشیده گی مانندیکه در اثر این واقعه در اروپائی شرقی تولید شد ، حکومت المان بتاریخ ۲۲ سنبله

(۱٤ ستمبر) به حکومت انگلستان اطلاع داد که انعقاد مجلس ٥ دولت را معطل بسازد چنانچه مجلس ماه ستمبر (میزان) جامعهٔ ملل نیز بسبب عدم آماد گی المان و ایطالیا و سر انجام نا شدن مذا کرات خصوصی که در نتیجهٔ جواب وسوال لندن وبرلین وباقی مالک لوکارنو جاری شده بود موضوع لوکارنورا زیر بحث گرفته نتوانست ـ گذشته ازاین بتاریخ ۲۲ عقرب (٤ نومبر) المان شرایط بین المللی بودن بعضی رود خانه های المان را که جز ومعاهدهٔ (ورسای) بود باموافقهٔ موقتی دریا نوردی رود راین (منعقدهٔ ۱٤ ثور ۱۳۱٥ مطابق ٤ می ۱۹۳٦) ملغی قرار داده ، باثر آن فرانسه ولهستان اعتراض و باقی ممالک ذیعلاقه تنها باظهار تأسف نمودند . و باین صورت گویا موضوع لوکارنو که عبارت از موا فقت مابین فرانسه و المان درخصوص تمام مسائل سیاسی وضمانت باهمی باشد ، تا اخیر سال ۱۳۱٥ همان طور نافیصله مانده و باوجود میانجی گری انگلستان طرفین در خصوص موضوعات سیاسی باهمدیگر موافقت حاصل کرده نتوانسته اند .

مسئلهٔ دانزیگ :

موضوع دانزیگ عبارت اختلافی است که از دوسال باینطرف در اثر نهضت جدید باشندگان شهر آزاد دانزیگ ، مابین نمایندهٔ جامعه ملل و مجلس اعیان شهر مذکور (که پس از جنگ عمومی مجزا ، و برای استفادهٔ دول شمالی اروپا بالخاصه لهستان بزیر ادارهٔ جامعهٔ ملل در آمده) رخ داده است . منشأ این اختلاف عبارت ازخواهشات مردمان شهر مذکور است که میخواهند درادارهٔ خویش آزاد بوده ، جامعهٔ ملل را درامور اداری آنجا مداخلهٔ نباشد البته طوریکه ملاحظه میشود درین نهضت جدید تأثیرات نازی نیز شامل است چنانچه بی‌هم عدهٔ

کرسی های نازیها در مجلس اعیان دانزیگ که تمام امور شهر در دست آنست اضافه شده میرود وازین روقضیهٔ دانزیگ واوضاع آنجا روزبروز نازك‌تر شده‌رفته وزود است که برای امنیت اروپا یك مسئلهٔ وخیمی خواهد شد. بهر حال موضوع دانزیگ درین سال تقریباً درتمام جلسات شورای جامعه ومجلس عمومی مذکور زیر بحث آمده وخلاصهٔ رویت ها واقدامات جامعهٔ ملل درین باره قرار ذیل است :- درمجلس‌ماه‌جدی (جنوری)سال گذشته کهموضوع دانزیگ پیش‌نهادشده بودنافیصله مانده وناز دراجلاس عمومی جامعهٔ ملل در ماه میزان (ستمبر) زیر بحث آمده جامعهٔ ملل نمایندهٔ لهستان (پاك) را به ترتیب را پورتی درین موضوع مأمورکرده ومشار الیه راپورت خودرا دراجلاس جدی ۱۳۱۵ (جنوری ۱۹۳۶) تقدیم کرد که هنوز فیصلهٔ قطعی دران باره معمل نیامده لیکن یك منار کهٔ موقتی بین نمایندهٔ جامعهٔ ملل ومجلس اعیان دانزیگ روی کار آمده است . دول اروپائی بالخاصه انگلستان وفرانسه ولهستان والمان وغیره درین موضوع کمال علاقه مندی را ازخود نشان میدهند .

موضوع در دانل وتبدیل معاهدهٔ لوزان :

ناظرین محترم بخاطر خواهند داشت که حکومت جمهوری ترکیه در سال گذشته بعد از اعلان نظام اجباری از طرف المان ، یعنی پس ازلغو شدن شرایط نظامی معاهدهٔ (ورسای) ، رسماً به جامعه ملل دلائل‌ثابتهٔ خویش‌را نسبت به استحکام سواحل در دانل تقدیم وجامعه این موضوع رابرای آینده موکول گذاشته بود - با اثر آن حکومت جمهوری ترکیه درنزد حکومات ذی علاقه اقدامات مخصوصی نموده با اثر تشبثات معقول حکومت موصوف درظرف چند ماه تقریباً تمام دول امضا کنندهٔ معاهدهٔ (لوزان) که استحکامات دردانل بموجب

آن ممنوع قرار داده شده بود ، موافقت کردند که در بن باره تجدید نظر نمایند : همان بود که بتاریخ ۳۲ جوزا ۱۳۱۵ (۲۲ جون ۱۹۳۶) هر ۹ ممالک امضا کنندهٔ معاهدهٔ لوزان بمقام مونتر و (درسویس) اجتماع نموده راجع به خواهشات تورکیه ودلائل موجبهٔ آن مذاکرات را شروع کردند ـ و این مذاکرات تا ۲۸ سرطان (۲۰ جولائی) دوام کرده پس از آنکه اختلافات زیادی مابین نظریات انگلستان وشوروی واتحادیهٔ صغیر مخصوصاً (رومانیه) رخ داد ، بالجمله درتمام مسائل موافقت نظر عموم حاصل شده ، در۲۸ سرطان (۲۰ جولائی) معاهدهٔ جدیدی بنام «معاهدهٔ مونترو» بامضاء رسید که بموجب آن تورکیه از یك طرف حق استحکام سواحل دردانل را حاصل و ازطرف دیگر ناظرین و مفتشین جامعهٔ ملل از استامبول مرخص شد و نیز تورکیه حقوق زیادی را مبنی بر نظارت جهازات عبور کنندهٔ خارجه مخصوصاً جهازات حربی و یا جهازاتیکه در وقت جنگ از آبنا ها عبورکردن بخواهند ، دارا شده است که ازین رهگذر هم حاکمیت حقیقی دولت تورکیه بر معبر دریای سیاه بکلی تثبیت یافته ـ وطوریکه میگویند یك دولت دیگریکه ازمعاهدهٔ مونتر و فائدهٔ خوبی گرفته عبارت ازدولت شوروی استکه سلسلهٔ آمد و رفت جهازاتش در بحر مدیترانه سهولت زیادی پیدا کرده است . این معاهده بتاریخ ۱۷ عقرب (۹ نومبر) در پاریس تصدیق یافته ، و باینصورت مملکت جمهوری تورکیه حقوق سابقه و حقهٔ خویش را پس از سالیان درازی که درطلب آن بود ، از طریق صلح و مسالمت و از مجرای قانونی و داخل مقررات جامعهٔ ملل ، حاصل نموده است .

خانه جنگی هسپانیه :

انقلاب داخلی هسپانیه‌که دفعتاً در ماه سرطان ۱۳۱۵ (جولائی ۱۹۳۶) شعله های آن از مراکش اسپانیولی زبانه کشیده ، بزودی سرتا سر مملکت مذکور را فرا گرفت ، در ظرف چند روز تاثیرات آن در ممالك خارجه رسیده ، دول وملل اروپائی بدو دسته تقسیم شدند ـ یکدسته که دارای مسلك فاشیستی وحکومت دیکتاتوری میباشند و بانظر بپارهٔ اجحابات دیگر طرفداری انقلابیون را مناسب میدانند ، بهوا خواهی و امداد متمردین اسپانیولی که آنها هم سرشار جذبات فاشیستی هستند ، بر خواستند ـ و دستهٔ دیگرکه از روی مسلك وعقیده اجتماعی (سوسیالست) محسوب میشوند ویامنافع سیاسی شان آنها را بطرفداری حکومت دست چپ ما دربد میکشاند ، به پشتیبانی حکومت مادرید که به احزاب دست چپ تعلق دارد ، قیام کردند که طوریکه ملاحظه میشود در دستهٔ اول ممالك ایطالیا و المان و پرتگال و بعد ها اطریش و مجارستان و در دستهٔ دوم اتحاد شوروی و فرانسه و بلژیك و چکوسلواکی (و تا اندازهٔ) انگلستان و غیره رامیتوان شمار کرد ـ اگرچه درماه اسد(اوائل اگست) بنا بر پیش نهاد فرانسه ، مجلس عدم مداخله بتاریخ ۷ سنبله (۳۰ اگست) درلندن تاسیس و ۲۳ دولت اروپائی دران رسماً داخل شدند ، و اولین جلسهٔ مجلس مذکور در ۱۷ سنبله (۹ ستمبر) تحت ریاست (لارد پلایموث) از رجال سیاسی انگلستان انعقاد یافت ، لیکن با وجود این بعضی حکومات و برخی طبقات ملل مختلفه مداخلهٔ پولی حتی جانی (عبارت از اعزام نفرات) به مبارزین اسپانیه نموده ، جنگ داخلی را شکل مبارزهٔ مسلکی بین المللی پوشانیدند ، در اثر این کیفیت چون در اوائل امداد های خارجی بطرف

متمر دین زیاد تر بود ، بنا بران حکومت مادرید در میزان (ماه ستمبر) عرضحالی به جامعهٔ ملل تقدیم و نسبت به مداخلهٔ آلمان و ایطالیا شکایت کرد ـ اما موضوع مزبور چنانچه باید در جامعه زیر بحث گرفته نشده ، بلکه به مجلس عدم مداخله ارجاع گردید و چندی بعد چون مداخلهٔ خارجیها در اسپانیه خیلی شدت کرده و از اکثر ممالک رضاکاران برای جنگ وارد اسپانیه گردید بنا بران مجلس عدم مداخله در ۱۰ نوس (۲ دسمبر) بهر دو طرف مبارز پیش نهاد مراقبت محلی را نسبت به امداد های خارجیها نموده و نیز مقارن همین زمان دول بزرگ مخصوصاً فرانسه و انگلستان تجویز جدیدی پیش و دران منع اجازهٔ رضاکاران را ازممالک ، خواهش نمودند و نیز میانجی گری خود ها را در بین مبارزین مذکور پیش نهاد کردند . ودول مختلفه پس ازتردید زیاد بالاخره در ماه جدی (جنوری ۱۹۳۷) قسمت اول این پیش نهاد را پذیرفته ، وعده دادند که ترتیبات لازمه را جهت منع رضاکاران اتخاذ خواهند کرد چنانچه فرانسه و انگلستان رسماً رفتن رضاکاران را از مملکت خود بطرف اسپانیا ممنوع قرار داده برای مرتکبین ضد احکام مذکور جزائی تعیین کردند و هم در اوائل حوت (اواخر فروری) دول دیگر در بین خصوص تعهداتی نمودند . و علاوه برین درهمین وقت نگران کشتی برای مراقبت بیطرفی دول دربنادر وسرحدات وبحرهای اطراف اسپانیه تعین گردید . ممکن است در اثر این اقدامات اعزام رضاکاران خارجی ومواد جنگی و غیره به اسپانیه معطل گردد . اما موضوع میانجی گری دول را تاکنون مبارزین اسپانیه قبول نکرده اند .

با وجود این اقدامات ، مسئلهٔ انقلاب داخلی اسپانیه یک قضیهٔ بسیار

نازکی شده و هر قسم امکانات ناگوار را در امور بین المللی در بر دارد . آنچه حقیقتاً بر و خامت مسئله می افزاید ، همانا از یکطرف معطلی عساکر متمردین است در اطراف مادرید که از ٤ ماه با ینطرف به گرفتن پای تخت موفق نشده اند واز طرف دیگر دلچسپی وهمدردی ممالک مختلفه است نسبت به متمردین که در رأس آن (جنرال فرانکو) قرارگرفته واین دلچسپی وهمدردی رسمی دول عبارت از اعتراف رسمیت حکومت انقلابی یعنی حکومت جنرال فرانکو است که پرتگال بتاریخ ۳۰ میزان (۲۳ اکتوبر) و المان وایطالیا در ۲۶ عقرب (۱۸ نومبر) حکومت برگوس (جنرال فرانکو) را برسمیت شناختند . آنچه میانجی گری دول بزرگ را درانقلاب اسپانیه لازم ساخته یکی قلیل واحجا فیست که طرفین مقابل یکدیگر خویش روا میدارند و دیگر خود همین مداخلت های خارجیها و کشیدگی بین المللی است که با ثر مداخلت مذکور بوجود آمده ، لیکن بالمقابل آنچه اقدام مذکور یعنی میانجی گری دول را مشکل میگرداند نیز همین مداخلات دول خارجی است که نمیگذارد دول تقریباً بیطرف ، اقدامات مقتضیرا بعمل بیاورند بنابرین جهات است که حاضراً قضیهٔ اسپانیه یك معمای لاینحلی شده که سیاستمداران اروپائی از حل آن خود را عاجز می بینند وحقیقةً نسبت به عواقب وخیم آن دوچار هر نوع هراس میباشند

موضوع امور مالی آستریا :

حکومت آستریا نظر بارهٔ ملاحظات با جلاس عمومی جامعهٔ ملل درماه سنبله اطلاع داده بود تا نگرانی مالی خودرا از آنجا مرتفع سازد زیرا امور مالی مملکت شکل اصلاح بخود گرفته است ، این پیشنهاد پس از یك سلسله مذاکرات قبول گردیده ، نگرانی مالی جامعهٔ ملل که با ثر قرض بین المللی جهة بهبود اوضاع مالی آن مملکت

ازچند سال باینطرف بالای امورمالی مملکت مذکور جریان داشت اختتام پذیرفت .

نزاع فرانسه و تورکیه :

در آخر جنگ عمومی که ممالک مربوطهٔ امپرا طوری عثمانی مابین متفقین تقسیم و اداره سوریه و لبنان از طرف جامعهٔ ملل به فرانسه بصورت ار اضی تحت قیمومیت وا گذار کرده شد ، علاقهٔ سنجاق اسکندرون و انطاکیه که در حواشی سرحدات تورکیهٔ امروزه واقع و اهالی آن نژداً و لساناً تورك میباشند نیز جزو شامات شناخته شده هر چند تورکیه این انتزاع را قبول نکرده و همیشه نسبت به سرحدات خویش همراه فرانسه گفتگو داشت ، لیکن فرانسه فقط همینقدر قبول نموده بود که زبان مردمان آن جا را احترام بکند اما درین اواخر که حکومت فرانسه اراده نمود تا به سوریه و لبنان آزادی اعطاء کند بنابران حکومت تورکیه نسبت به این دو علاقه در اوائل زمستان ۱۳۱۵ (اخیر سال ۱۹۳۶) یاد داشتی بحکومت فرانسه تقدیم و دران خواهش نمود تا در صورت استقلال سوریه به علاقه جات سنجاق و انطاکیه آزادی داده شود . اما حکومت فرانسه این خواهش را نپذیرفته موضوع در اجلاس ماه قوس (دسمبر) شورای جامعهٔ ملل از طرف تورکیه رویت داده شد و در اثر مذاکرات کوتاهی چنین فیصله گردید تا یك هیئت سه نفره به اصل محل اعزام گردیده مطالعات لازمه را نسبت بوضعیت جغرافیائی وموقعیت مقامات مذکوره ورأی اهالی مذکور بعمل بیاورد . همان بود که در ماه جدی (اوائل سال ۱۹۳۷) هیئت مذکور واپس به جینوا مراجعت نمود . ودر عین زمان اگرچه یك مرتبه در روابط مملکتین کشیدگی پیدا شده و مخصوصاً تورکیه مظاهرات شدیدی درین خصوص نشان داد ، ولی بالاخره طرفین مذاکرات مستقیم را در پاریس شروع نموده ، موقعیکه درماه جدی (جنوری) شورای جامعه اجلاس خودرا

منعقد ساخت ، دولتین موافقت خود را اطلاع و باینقسم اختلاف مذکور بطور مسالمت کنارانه صورت حل بخود گرفت . یعنی حکومت فرانسه قبول کرد که زبان رسمی علاقه جات مذکور زبان ترکی بوده مدارس و نشریات شان به ترکی باشد و نیز بندر گاه اسکندرون برای استفادهٔ ترکیه باز گذاشته شود و ادارهٔ تمام آن علاقه بزیر نگرانی جامعهٔ ملل بعمل بیاید .

اصلاح جامعهٔ ملل :

پس ازسقوط حبشه و ناکامی اقدامات جامعهٔ ملل درخصوص جلوگیری از اقدامات تسخیر کنندهٔ ایطالیا ، ممالک بزرگ اروپائی عدم مجریت اساسات جامعه و مشکلات عملی مقررات میثاق را احساس نموده بفکر افتادند تا اساسات جامعهٔ ملل را طوری اصلاح کنند که بصورت یقینی ازمنازعات جلوگیری نموده بتواند ونیز چنان ترتیباتی را اتخاذ کنند تا منازعات گذشته رفع شده برای آینده بین دول نزاعی باقی نماند - برای این مقصد فرانسه وانگلستان وایطالیا و شوروی وغیره دول خورد وبزرگ نقشه های ترتیب نموده ، درموقع اجلاس عمومی جامعه درماه میزان ۱۳۱۵ (سپتمبر ۱۹۳۶) میخواستند تقدیم کنند ، لیکن موضوع حبشه ومشکلاتی که دراثر وجود نمایندگان حبشه واقدامات نجاشی بوجود آمد ازتقدیم شدن پیش نهادات مذکور مانع آمده ، و تنها یك هیئت مقررگردیده تانقشه های مختلفه را مورد مطالعه قرار داده دراطراف اصلاحات مقتضیهٔ اساسات جامعه راپورتی تقدیم کند . وتاهنوز راپوت مذکور به جامعهٔ ملل رویت داده نشده است . و نیز در همین موقع نظر بخواهشات دول مختلفه برای تقسیم منصفانهٔ مواد خام ازطرف جامعهٔ ملل هیئتی تعین گردیده تا موضوع را مطالعه کرده ، انعقاد یك کنفرانس بین المللی را تهیه به بیند .

امور بین المللی

کنفرانس بحری لندن :

کنفرانس بحری که در زمستان سال ۱۳۱٤ (۹ دسمبر ۱۹۳۵) بمقام لندن برای طرح معاهدهٔ جدیدی بعوض معاهدهٔ واشنگتن ، بشمولیت نمایندگان انگلیس فرانسه ، ایطالیا ، جاپان وممالک متحدهٔ امریکا ، انعقاد یافته بود ، پس از آنکه در اثر اختلاف نظریات دول شامله خصوصاً جاپان وانگلستان و ممالک متحدهٔ امریکا چندی معطل و سپس در ماه جدی ۱۳۱٤ (بتاریخ ۱۵ جنوری ۱۹۳٦) جاپان ازان خارج گردید ، در ۱۱ دلو ۱۳۱٤ (۳۱ جنوری) دول باقیمانده طرح معاهدهٔ را مسوده کردند وچون ایطالیا نیز بتاریخ ۹ حوت ۱۲۱٤ (۲۷ فروری) از اشتراک در معاهده انکار ورزید ، بالاخره بتاریخ ۱۱ حمل ۱۳۱۵ (۳۱ مارچ) معاهدهٔ سه جانبهٔ ٦ ساله مابین انگلستان ، فرانسه و ممالک متحدهٔ امریکا بامضاء رسیده ، بوسیلهٔ این معاهده ممالک مذکور موافقت نمودند که اطلاعات مربوطه به تسلیحات بحری خویش را مابین خود ها مبادله کرده ، کمیت وکیفیت جهازات جنگی را نیز متناسب مقررات معاهدهٔ سابقه محدود قرار بدهند . وبا ینقسم دودولت بزرگ ازجملهٔ پنج دولت امضا کنندهٔ معاهدهٔ بحری واشنگتن که عبارت ازجاپان وایطالیا باشد خود را ازقیود معاهدهٔ بحریه خلاص کردند .

علاوه برین در ۱٤ عقرب ۱۳۱۵ (٦ نومبر ۱۹۳٦) یك پروتوکول بین المللی راجع به اجرای انسانیت کارانهٔ جنگ تحت البحری بامضاء رسیده و المان نیز در اول قوس (۲۳ نومبر) دران شمولیت ورزید .

کنفرانس خلع سلاح :

موضوع خلع سلاح که از دو سال باینطرف بسبب مشغولیت فوق العادهٔ تمام دول بسوی افزونی تسلیحات ، بکلی معطل شده بود ، در این سال نیز همانطورمعوق مانده هیچگاه جستهٔ برای مطالعهٔ موضوع تقلیل و تحدید اسلحه انعقاد نیافت . تنها در ماه میزان (ستمبر) موقع اجلاس عمومی جامعهٔ ملل دلبو وزیر خارجهٔ فرانسه پیش نهادی نسبت به افتتاح جلسات کنفرانس خلع سلاح تقدیم نموده ، توجهٔ ملل را بسوی این مسئله که از اثر مسابقهٔ شدید تسلیحات روز بروز ضرورت و ازوم آن بیشتر شده میرود ، معطوف کرد . ولی با وجود این تاهنوز کدام اجلاسی برای موضوع تقلیل و یا تحدید سلاح انعقاد نیافته است .

معاهدهٔ سه گانهٔ پولی :

چند سال قبل که انگلستان و امریکا (اتازونی) دراثر بحران اقتصادی معیار طلا راترك و نرخ مبادلهٔ پوند و دالر را تنزل دادند ، فرانسه و چندین مملکت دیگر بمعیار طلا مربوط مانده ، بایقسم دول بزرگ به دو دسته تقسیم شده بودند که از اثر این تفرقه اوضاع پولی عالم دچار بحران گردیده بود .

در ماه سنبله بنا بر مذاکراتی که مابین فرانسه و انگلستان و امریکا بعمل آمد ، هرسه مملکت بر یك معاهدهٔ پولی امضاء کردند که بموجب آن نرخ مبادلهٔ پوند و دالر و فرانك به نسبت یکدیگر مستقل و نرخ مبادلهٔ فرانك ۳۰ فیصد تنزل داده شد ـ متعاقب این معاهده ایطالیا وچکوسلواکی و سویس و هالیند نیز نرخ مبادلهٔ پولهای خویش را باندازه های مختلف کم کردند تا معیار معیشت ملی ترقی کرده در تجارت خارجی جلب توجهٔ مشتریان را

بنمایند . از این معاهده اثرات مهمی را در بهبود اوضاع پولی و تجارت دنیا انتظار دارند که اولین نتایج آن عبارت از نزدیکی هرسه مملکت مذکور در زمینهٔ اقتصادیات میباشد .

کنفرانس پان امریکن :

از سالها بود که ملل و دول امریکائی آرزوی تشکیل یك جامعهٔ ملل امریکائی را داشته از همین جهت با جامعهٔ ملل موجوده چندان دلچسپی نشان نمیدادند . این مشکوره درسال گذشته باتربی اعتباری جامعهٔ ملل (درقضیهٔ حبشهٔ و لوکارنو و ورسای و غیره) بیشتر مورد توجهٔ ملل امریکائی قرار گرفته ، (چنانچه چندین مملکت امریکائی مثل نکاراگوا و گواتمالا درطول سال ازجامعهٔ ملل خرج شدند) ، روز ولت رئیس جمهور ممالك متحده خودرا مشوق و محرك این نظریه معرفی نموده ، پس از آنکه دراخیر سال گذشته بیطرفی اتازونی را درمنازعات بین‌المللی اعلان کرده اعتماد ملل امریکا را بسوی خود جلب نمود متعاقب آن از تمام ممالك امریکائی انعقاد یك کنفرانس تمام امریکا را برای تامین صلح درین قاره خواهش کرد وسپس بهمکاری رؤسای جمهور ممالك امریکائی جنوبی ، در ۹ قوس (اول دسمبر) بمقام بوینس آیرس (ارجنتائن) کنفرانس مذکور را که دران نمایندگان تمام ممالك امریکائی حضور بهمرسانیده بودند ، افتتاح و مذاکرات لازمه را برای تامین صلح درامریکا ، جاری ساخت . چنانچه پس از یك سلسله مذاکرات در ۲۰ قوس (۱۲دسمبر) میثاق عدم تجاوز عمومی ممالك امریکائی بامضا رسیده مذاکرات تطبیقیه هنوز مدت ۱۱ روز دیگر دوام کرد و در اطراف تشکیل یك محکمهٔ عدالت نیز مباحثه شده ، ولی موضوع مذکور به دومین کنفرانس پان امریکن که بعد ها در شهر لیما (پیرو) منعقد میشود ، موکول گردید .

مربوط بواقعات مملکت ایران



والاحضرت شهزاده محمد رضا پهلوی
ولیعهد ایران



منظرهٔ افتتاح خط آهن ایران که مابین بندر پهلوی (بحر خزر) و طهران کشیده‌شده، اعلیحضرت پهلوی‌آخرین قید خط آهن را باز میفرمایند



مرحوم آقای داور وزیر مالیهٔ فقید ایران
که از رجال بزرگ آن مملکت بودند



دا کتر شخت وزیر اقتصاد المان که اخیراً
بایران مسافرت کرده



مرحوم آقای نظام الدین حکمت وزیر پست
تلگراف ایران

دول آسیائی:

ایران

مملکت ایران در این سال موفق به بسا اصلاحات مدنی و پیشرفت های عمرانی شده و مملکت مذکور فرین رفاهیت و آرامش مسرت بخشائی زیست نموده یعنی ازهیچیك رهگذر، بامشکلات ووافعات ناگواری مقابل نگردیده است.

در اوائل سال ۱۳۱۵ والاحضرت ولیعهد ایران تحصیلات خویش را در سویس خاتمه داده بایران مراجعت فرمودند چنانچه پذیرائی مغزی ایله در بندر پهلوی و پای تخت با تشریفات مجلل بعمل آمد.

درین سال کار تعمیر خط آهن ایران که ازبندر پهلوی تا طهران کشیده میشود ومقرر است که ازطهران بخلیج فارس اتصال پیدا کند، درقسمت شمال پیشرفت زیادی نموده وبه (٦) کیلومتری طهران رسیده که البته دراوائل سال ۱۳۱٦ به پای تخت وصل می‌یابد. اعلیحضرت پهلوی درتعمیر وامتداد این خط آهن توجه خاصی مبذول فرموده مکرر کارساختمان وپیشرفت مذکور راشخصاً نگرانی فرموده اند.

درموسم خزان یك هیئت اقتصادی بریاست جمال حسنی وزیرمعارف سابق تورکیه ازعقره برای مذاکرات اقتصادی وغیره خصوصاً راجع به اتصال خط آهن ایران وتورکیه وارد طهران گردیده بازمامداران ایرانی داخل مذاکره گردید ولی نتایج این مذاکرات تا کنون معلوم نیست.

درماه عقرب والاحضرت سردار شاه محمود خان وزیر حربیهٔ افغانستان موقع بازگشت ازمسافرت اروپا بصورت مساوات دوستانه وارد ایران گردیده ازطرف حکومت وملت مملکت دوست وهمسایهٔ ما ایران بانهایت گرمجوشی پذیرائی گردیدند ومدت یك ماه دران جامهمان بوده مقامات مختلفه را معاینه واز ترقیات مملکت ایران

اظهار مسرت فرمودند و این مسافرت دوستانه سبب تشدید مزید روابط دوستانهٔ که خوشبختانه مابین مملکتین موجود است گردیده حکومتین وملتین را پیش از پیش بهمدیگر مربوط ساخته است .

دراواخر سال یك اقدام عرفانی بسیار مهمی درایران بعمل آمده که عبارت ازتشکیل وتاسیس جماعات (کلاسهای) مخصوص تعلیم اکباراست که برای تربیهٔ تودهٔ موجوده فوق العاده مفید واقع خواهدشد وتمام افراد درهر شهر وقصبه دراوقات فراغت یکی دوساعت را به تعلیم پرداخته مواد ومعلومات لازمه را که دانستن آن ازطرف تودهٔ ملت برای پیشرفت یك مملکت کمال لزوم را دارد ، فرا میگیرند .

درهمین اوقات (داکترشخت) وزیراقتصادیات المان در ضمن مسافرت شرقی خود ، وارد ایران گردیده یك سلسله قرار داد های تجارتی راتسبت به صادرات مواد خام ایران بالمان وصادرات اشیای مصنوعهٔ المانی بایران بازمامداران ایرانی امضاء کرد .

دراخیرسال بنابرنشریات نامناسب بعضی ازجرائد فرانسه که حکومت فرانسه بسبب نبودن قانون سگرانی مطبوعات ازتلافی لازمه اعتذار نمود ، حکومت ایران وزیر مختار خودرا ازپاریس طلب نموده ، یك نفر کارگذاررا درآن جا باقی گذاشت .

درماه دلو قرار دادی مابین حکومت ایران وشرکت « دی لی ور » امریکائی برای استخراج نفت مناطق شمال شرق وشرق ایران بامضاء رسید که شرایط آن برای مملکت ایران مناسب میباشد .

اتحاد شوروی

مملکت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوراتیه در سال ۱۲۱۵ دنبالهٔ پیشرفتهای اقتصادی خویش را تعقیب نموده ، در صنائع و تجارت و زراعت حائز موفقیت های زیادی شده است ، لیکن از لحاظ موقعیت سیاسی بطوریکه مطالعه کردیم

بمشکلاتی مواجه شده و روابط او با مملکیکه کشیدگی پیدا کرده بود صورت حل بخود گرفته نتوانست وهم در زمینهٔ او ضاع داخلی جریان دسیسه های مخالفت کارانهٔ که از تحریکات داخلی و خارجی سر چشمه میگرفت ، فضای سیاسی این مملکت وسیع را تا اندازهٔ پر آشوب نشان میداد .

در اوائل سال معاهدهٔ اتحاد نظامی که مابین شوروی و جمهوریت مغلستان خارجی انعقاد یافته بود ، وارد مرحلهٔ عمل شده جاپان ازان خیلی متأثر گردید و نیز دنبالهٔ واقعات سرحدی در سرحدات منچوکو و شوروی امتداد یافته ، برخرابی مناسبات مملکتین مذکور می افزود ، از طرف دیگر اظهارات تند زمامداران المان و جوابات شدید زمامداران شوروی که برخلاف همدیگر در مجالس مختلفه میگفتند ، مناسبات المان و شوروی را بیش ازپیش تیره و خراب میساخت ، تا آنکه در موسم خزان یك دسته المانهای مستخدم حکومت شوروی در مسکو بجرم شمولیت در دسیسهٔ برای خراب کردن کارخانه جات و تحریك کنار گران توقیف و محاکمه و محکوم باعدام شده ، بنابر اصرار بسیار جدی حکومت المان بالاخره جزای شان به تبعید تبدیل یافت .

درطول این سال دو دسیسهٔ بزرگ داخلی دیگرنیز در روسیه کشف شده باثر آن عدهٔ زیادی از رجال بزرگ وکوچك توقیف و محاکمه شدند چنانچه درد سیسهٔ اول « زینو ویف » و « کامینیف » ازرجال مشهور سابق و ۱۵ نفر دیگر اعدام و « رادك » و « سوکولنیکوف » و « سر بریا کووا » و « پیاتا کوف » که آنها نیز از زمامداران مهم بودند باچند نفر دیگر به حبس های میعادی محکوم گردیدند و در دسیسه دومی که دراواخرسال مکشوف شده زیاده ازصدنفر دیگر منجمله « ریکوف » رئیس الوزرای سابق و « یاگودا » وزیر داخله توقیف شدند که هنوز نتیجهٔ محاکمهٔشان معلوم نیست . طوریکه ازمقالات جرائد فهمیده میشود

دسیسه های مذکور مربوط به اقدامات تروتسکی زعیم سابق روسیهٔ شوروی که چند سال پیشتر باثر اختلاف نظر بازمامداران موجوده تبعید شده بود، ودیگر مخالفین داخلی میباشد وهم میگویند که المان ها وجاپانی ها نیز باین تحریکات دخیل هستند ـ حکومت موجوده برای قلع وقمع عناصر هنگامه جوی ومخالف مشغول اقدامات جدی میباشد

درجریان این سال مجلس کل اتحاد جماهیر شوروی درمسکو انعقادیافته قانون اساسی جدید را که سال گذشته ترتیب یافته بود، تصویب نمود. این قانون جدید بسافشارهای سابق را که بحکم لزوم نافذ شده بود ازمملکت مرفوع وقانون انتخابات ومساوات افراد و آزادی تجارت وامور مذهبی را مشابه قانون اساسی فرانسه، نافذ ساخته وحتی تاسیس یك حزب دیگررا درمملکت مجاز قرارداده است.

در ین سال حکومت شوروی اساس پول خود (روبل) را به پول فرانسه (فرانك) مربوط گردانیده نرخ مستقلی برای مبادلهٔ روبل معین کرده است.

در قسمت روابط شوروی و جاپان طور یکه ملاحظه شد کشیدگی سابقه تا آخراین سال دوام کرده مخصوصاً انعقاد معاهدهٔ مبارزه با کمونیزم که مابین المان و جاپان درماه قوس بامضاء رسید، بیشتر بر کشیدگی مذکور افزوده شوروی از امضای معاهدهٔ ما هیگیری که قبلاً مسوده شده بود انکار ورزید و پسان تر در ین باره فقط یك موافقهٔ موقتی یك ساله را امضاء کرد.

در قضیهٔ اسپانیه هم قرار یکه مطالعه میشود از همان اول انقلاب، ملت و حکومت شوروی همدردی زیاد به نسبت حکومت (سوسیالست) اسپانیه نشان داده سالانه پول نقد وآذوقه وجبا خانه وافراد وصاحب منصبان مبادرت ورزیدند ومیگویند شوروی با وجودیکه درمجلس عدم مداخله شامل است، امداد



ازمناظر انتخابات عمومی هندوستان ، جواهر لال نهرو رئیس مجلس ملی (کانگرس) هند باخانم او موقعیکه برای انتخاب شدن خود درجالند هرنطق میکند .

مربوط بواقعات مملکت اتحاد شوروی



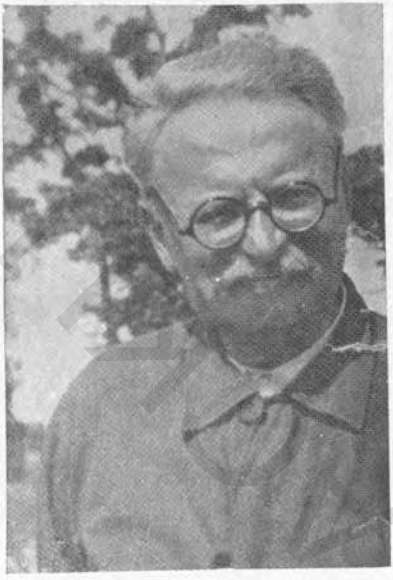
رادك روز نامه نگار مشهور



پیاتاکوف مدیرسابق خطوط آهن شوروی



سوکولنیکوف سفیرسابق شوروی در لندن



تروتسکی زمامدار سابق اتحاد شوروی که در سال ۱۹۲۸ از مملکت تبعید شده و حاضراً در مکسیکو بسر میبرد



کامینف



زینوویف

های خویش‌را به نسبت رسیدن امداد های آلمان و ایطالیا و پر تگال و غیره (برای متردین) ، معطل نگر ده است .

با لقا بل روا بط شوروی با فرا نسه و ا نگلستان خوب بوده ، تصد یق یافتن معاهدهٔ امداد متقا بل فرانسه و شوروی و ا نعقاد معا هدهٔ بحری ا نگلیس و شوروی شاهد آ نست .

از طرف دیگر روا بط شوروی با د یگر ممالك مشرقی درین سال بسیار دوستانه بوده ، مخصوصاً مناسبا ت مملکتین ا فغا نستان و شوروی بیش از پیش خوشگوار و د و ستا نه بوده است چنا نچه تمد ید معاهدهٔ عدم تعرض و ا نعقاد قرار داد تجارتی و پذ یرا ئی های گرم و خوبی که از والا حضرت وزیر حر بیه و و زیر خارجهٔ افغا نی در مملکت شوروی بعمل آ مده شا هد آ ن میباشند .

در قسمت امور اداری که ا صلاً از تا ثیرات و قایع بین ا لمللی وموقعیت سیاسی مملکت میباشد درین سال یك ادارهٔ مستقل صنائع جنگی درروسیه شوروی تشکیل یافته ، توجه زیادی بسوی تسلیحات وتقویت قشون مبذ ول گردید چنانچه عدهٔ قشون سرخ به یك میلیون نفر ترقی و مدت نظامی افزوده شده است .

هندو ستان

مملکت پهناور هند و ستان در سال ۱۳۱۵ معر و ض حوادث بیشماری گردیده که عموماً اوضاع آن سر زمین را پر شور ساخته است .

در مو سم بهار واقعات خو نینی در بمبئی اتفاق افتاده مسلمین و هنود در سر مسائل مذ هبی با هم نزاع کر د ند و دامنهٔ این واقعات تامدت در ا زی امتداد یافته ازطرفین در حدود ۶۰ نفر مقتول و عدهٔ زیادی مجروح گردید .

درماه سرطان (دبسامبر رئیس حزب سوسیالست (اجتماعی) لاهور از آن جا اخراج گردید و حکومت بمقابل عملیات حزب اجتماعی مذکور اقدامات شدیدی را آغاز نمود ، در تابستان « لارد لنلتگو » نائب السلطنهٔ جدید هند وارد دهلی شده ، لارد ولنگدن به انگلستان رفت و نائب السلطنهٔ نو برای تطبیق قانون جدید یکه سر از بهار ۱۳۱۶ مرعی الاجرا میشود ، مشغول گرفتن ترتیبات لازمه شد .

در همین اوقات مرض وبا در علاقه جات پنجاب و صوبهٔ سرحد وسند ظهور کرده تلفات زیادی وارد ساخت .

واقعهٔ مهمیکه در اواخر این سال اتفاق افتاده و در حقیقت مهمتر بن وقائع سال ۱۳۱۵ هندوستان بشمار میرود ، عبارت از ترتیبات اجراء و تطبیق قانون جدید است که قانون مذکور در ماه حمل ۱۳۱۶ (اپریل ۱۹۳۷) تحت عمل گرفته میشود . قانون جدید که عبارت از اصول و قاعده (فدراسیون - مثل اتازونی امریکا و سویس و غیره) است ، و در اثر مذاکرات چند سالهٔ کنفرانس های میزمدور و اجرآت انجمن متحدهٔ منتخبه بوجود آمده برای هندوستان یك قسم حکومت داخلی را اعطاء میکند که عبارت از ولایات نیم مستقل و دارای مجالس محلی و وزراء علیحده بوده ، نمایندگان کل مملکت در دو مجلس عمومی یکی شورای ملی و دیگر مجلس شهزادگان دهلی جمع میشوند ولی قوای عسکری و امور خارجه و امنیه و بعضی از شعب مهم دیگر در دست مامورین انگلیسی میباشد . مجلس ملی هندوستان (کانگرس) که موسس آن (گاندهی) معروف و رئیس فعلی آن (جواهر لال نهرو) است ، و تمام حزب ایشان در ابتدا از تعاون باین قانون جدید

انکار ورزیده ، و لی پسان تر که انتخابات عمو می آغاز گر دید ، بملا حظهٔ اینکه حائز اکثریت خواهند شد ، در انتخابات اشتراك نموده و برای پیشرفت حزب کانگرس درانتخابات تبلیغات وسیعی را آغاز گذاشتند چنانچه حالادر اکثر نقاط انتخابات به غلبهٔ حزب کانگرس وهواخواهان آن تمام شده و لی هنوز حزب کانگرس در خصوص شمولیت خود درعهده های حکومتی فیصلهٔ قطعی نکرده است و نیز طوریکه میگویند درشروع سال ۱۳۱۶ انتظار وقائع مهمی میرود که اهمیت آن بسته به نتیجهٔ همین انتخابات میباشد .

تورکیه

مملکت جمهوری تورکیه درسال ۱۳۱۵ در تمام زمینه های حیاتی خویش موفقیت های شایان تقدیری حاصل نموده واوضاع عمومی مملکت مذکور بکمال آرامی وسعادت گذشته است .

دراوائل این سال حکومت تورکیه موفق به انعقاد مجلس (مونترو) برای مطالعهٔ خواهشات تورکیه نسبت به دردانل وتعدیل معاهدهٔ لوزان شده ، مجلس مذکور در ۲۲ جوزا (۲۲جون) بحضور نمایندگان ۹ مملکت بمقام مونترو (سویس) افتتاح شده ، مطالبات تورکیه را زیر بحث گرفت (وطوریکه قبلاً نوشتیم) دراثرمذاکرات طولانی از ۳۲جوزا ۲۸ سرطان مطابق (۲۲جون تا ۲۰ جولائی) که درطی آن اختلافات نظرزیادی مابین شاملین مجلس بظهور پیوست ، بالاخره برای تورکیه حق استحکامات سواحل دردانل ونگرانی عبورجهازات وطیارات خارجی درمواقع جنگ وغیره داده شده ، هیئت تفتیش جامعهٔ ملل از استامبول مرفوع گردید .

درین سال روابط تورکیه با اتحادیهٔ بالقان بیشتر تشدید یافته زمامداران ممالك بالقان باهمدیگر دید ووادید دوستانه نمودند . ازطرف دیگر تورکیه روابط خودرا

بانگلستان دوستانه تر ساخته ا یدورد هشتم پادشاه (سابق) انگلستان دراخیر تابستان به تورکیه آمده ، از طرف اتاتورك پذیرائی شد ومتعاقب آن عصمت پاشا رئیس الوزرای تورکیه بایك هیئت بزرگ به لندن رفته یك سلسله مذاکرات اقتصادی وغیره مابین مملکتین بعمل آمد . همچنین روابط تورکیه باالمان روز بروز بهتر شده درخزان دا کتر (شخت) و زیر اقتصاد المان به استانبول مسافرت کرده یك سلسله سفارشات تورکیه را که بیشتر به استحکامات در داخل ربط دارد ، از طرف حکومت تورکیه دریافت کرد .

درهمین اوقات سیلا بهای مهیبی در ولایت اناطولی ظهور کرده متأسفانه موجب تلفات قابل اعتنائی گردید .

دراخیر تیرماه والاحضرت سردارشاه محمودخان وزیر حربیهٔ افغانستان موقع باز گشت ازمسافرت اروپا بقسم دوستانه به تورکیه رفته ، از طرف حکومت وملت مملکت دوست وهمکیش ما تورکیه به نهایت درجه صمیمیت پذیرائی شدند ، همچنین تورکیه با دیگر ممالك اسلامی و شرقی نیز مناسبات خودرا بیش ازپیش دوستانه ترساخته و منجمله وفدی برای مذاکرات اقتصادی وغیره به ایران اعزام نموده است .

در اخیر سال نسبت به مسئلهٔ سنجاق و انطاکیه اختلافی مابین تورکیه و فرانسه پیدا شده ، به تفصیلیکه در قسمت رویداد های جامعهٔ ملل ذکر شد به صورت دوستانه فیصله گردیده ، مطابق خواهش تورکیه انجام پذیرفت و درین میدان نیز سیاست سنجیدهٔ تورکیه موفقیت حاصل نمود . همین قسم در اواخر سال روابط تورکیه با ایطالیا نیز بنا بر اقدامات صلح خواهانهٔ حکومت انقره ، خوب شده موافقهٔ بحر مدیترانه در ماه دلو در رومابا مضاء رسید و

مربوط بواقعات مملکت اتحاد شوروی



سمیرنوف رئیس جدید نقشهٔ پنجسالهٔ شوروی



لیتو ینوف کمیسر امور خارجهٔ شوروی که از ده سال باین طرف باین عهده بر قرار است



مجلا ئوك کمیسر ملی صنا ئع سنگین عوض اورجی نیکد زه فقید

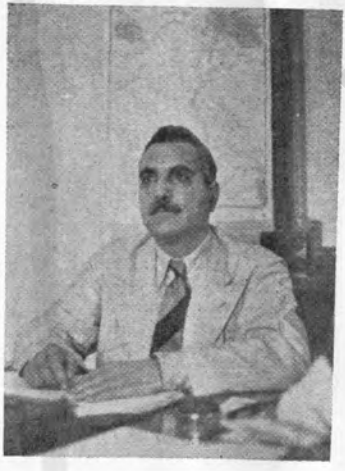
مربوط بواقعات مملکت عراق



کمت سلیمان رئیس الوزرای جدید عراق



جنرال بکر صدقی محرك انقلاب اخیر عراق



یاسین پاشا هاشمی رئیس الوزرای سابق
عراق که اخیراً در سوریه فوت شد

با یکدیگر کشیده گی که از مدت دو سال باینطرف ما بین مملکتین پیدا شده بود صورت حل بخود گرفت . میگویند حکومت تورکیه نسبت به استرداد موصل نیز داخل اقداماتی شده است ولی این موضوع تا هنوز بصورت واضح در مرا کز ذی علاقه پیش نشده .

خلاصه حکومت جمهوری تورکیه درین سال در تمام مطالبات و مقاصد خویش نائل موفقیت گردیده و از طرف دیگر برای اصلاحات مدنی و ترقیات اقتصادی و ترقی عساکرخود مطابق نقشهٔ پنجسالهٔ دوم اقدامات مهم و اطمینان بخش کرده است .

ممالک عربی

ممالک عربی درین سال روی همرفته احوال خوشی داشته ، اگر چه مزاحمات و هیجاناتی را طی کرده اند ولی علی الاکثر این بیقراری های ملل عربیه به نتائج گوارائی واصل گردیده که تمام عالم اسلام از آن خوشنود میباشد و برخی دیگر از ممالک مذکور که تا هنوز نتائج مطالبات شان معلوم نیست نیز امید زیادی برای پیشرفت مقاصد مشروع خویش دارند . مهمترین موفقیت های ممالک عربیه که درین سال بوقوع پیوسته عبارت از استقلال مصر و سوریا و حاضر شدن حکومت برطانیه است به مذاکره در اطراف مطالبات آزادی وغیره خواهشات اهالی فلسطین .

مصر :

از واقعات مهمیکه در سال ۱۳۱۵ درمملکت مصر اتفاق افتاده ، یکی فوت اعلیحضرت ملک فواد اول است که بتاریخ ۹ ثور با اثر مرض دیرینه رحلت

نمودند وهمان روز مطابق قانون وراثت شهزاده فاروق پسر شاه متوفی بنام ملك فاروق اول پادشاه مصر اعلان شدند وپس از چند روز از لندن که در آنجا مشغول تحصیل بودند وارد مصر گردیدند . چون عمر ملك فاروق هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده (و حاضراً متجاوز از ۱۷ سال عمر دارند) بنابران تا وقت ۱۸ ساله شدن پادشاه یك مجلس نیابت سلطنت بریاست شهزاده محمد علی پاشا از اقربای ملك فواد مرحوم تعیین شده که کفالت امور سلطنت را بنماید . دومین واقعهٔ مهمی که در مصر اتفاق افتاده عبارت ازمعاهدهٔ جدید انگلستان و مصر است که در اثر وقوعات سال گذشته و مذاکرات جاریه بالاخره در ماه (اسد) در لندن با مضاء رسیده بموجب این معاهده انگلستان استقلال سیاسی مصر را اعتراف و نمایندگی اعلای خویش را در مصر بسفارت کبری تبدیل نمود وعلاوه برین عساکرخویش را ازمصر کشیده به منطقهٔ نهر سویز نمرکز داد و بالاخره در همین معاهده را جع به الغای امتیازات خارجیها نیز ذکری شده ، انعقاد کنفرانس بین‌المللی برای این منظور پیش بینی شده است که عنقریب در قاهره مابین دول صاحب امتیاز و نمایندگان مصری انعقاد خواهد یافت وامید میکنند که حقوق امتیازی خارجیها نیز که یگانه خلل استقلال کامل مصر بشمار میرود کاملاً مرفوع خواهد گردید .

در اوائل سال ، انتخابات عمومی خاتمه یافته حزب وفد حائز غالبیت گردید و بنابران نحاس‌پاشا رئیس‌حزب مذکور بریاست وزرا تعیین وتقرر یافت (۲۰ثور) ومتعاقب آن‌مجلس اعیان‌مصر افتتاح گردید (۲۵جوزا) . در اخیرسال حکومت‌مصر مبلغ معتنابهائی‌را برای خریداری اسلحه ومهمات‌جنگی تخصیص‌داد .

درماه حوت حکومت مصر از جامعهٔ ملل درخواست تحولیت نموده چندین مملکت منجمله افغانستان آن را تائید کردند .

بطور عمومی درین سال مملکت مصر داخل یك دورهٔ نهضت جدیدی

شده که از اثر آن درتمام رشته های حیاتی مملکت مذکور یك شور و فعالیت جالب توجهی پدید آمده است که با سالهای سابق ابداً قابل مقایسه نمیباشد .

عراق :

مملکت عراق در طول این سال موفق به پیشرفتها ی خوبی شده و روابط او با سایر ممالک عربی و عموم ممالک شرقی خوب بوده است . واقعهٔ قابل ذکر این سال عبارت از انقلاب مسلح عسکر عراق است که در ماه مقرب در تحت ریاست عمر ال بکر صدقی و حکمت سلیمان برای اظهار مخالفت با مشی کابینهٔ یاسین پاشا هاشمی اعلان تمرد نمودند و در ظرف یك روز شهر بغداد را مورد گلوله توپ قرار دادند (بعض برای تهدید) قرار دادن و مطالبهٔ استعفای کابینه را نمودند . چنانچه با تر سیاست و تدبیر عاقلانهٔ اعلیحضرت ملك غازی و مشورهٔ متواترین صحیح او ، کابینهٔ هاشمی یاسین مستعفی و بعوض او بکر صدقی و حکمت سلیمان را به تشکیل کابینه موظف فرمودند چنانکه با ثر این تدبیر عاقلانه ، بلا فاصله انقلاب رفع و حکمت سلیمان که از وزرای سابق است ، کابینه را تشکیل داد و در عین همین زمان وزرای سابق یعنی هاشمی یاسین پاشا رئیس الوزراء و نوری سعید بیگ وزیر خارجه و بعضی رجال مهم دیگر از مملکت برای مصلحت وطن بخارج فرستاده شدند (متاسفانه پس از چندروز هاشمی پاشا که ازرجال بزرگ عراق بود درسوریه بطور مجانی فوت شد) ونیز درهمین گیر ودار جعفرپاشا عسکری وزیر حربیهٔ ورجل نامدار عراق در بغداد ازطرف شخص نامعلومی بتلرسید. خط مشی حکومت جدید درقسمت روابط خارجی عراق ظاهراً تغیراتی را دربرندارد وتنها در ادارهٔ داخلی مخصوصاً در ادارهٔ قبائل باخط مشی حکومت سابق مغایر

میباشد . لیکن با وجود این وجوه اصلی وعوامل حقیقی انقلاب و تغیر حکومت عراق تا هنوز معلوم نشده است و گمان میرود مسائل جدی تری این قسم یك تغیرفوری وکلی را بوجود آورده باشد .

درین سال روابط عراق با افغانستان بیش ازپیش دوستانه بوده ، والاحضرت وزیرحربیهٔ افغانستان را درآنجا بکمال صمیمیت پذیرائی کردند .

سوریه ولبنان :

سرزمین سوریه ولبنان دراین سال موفق به بزرگترین کامیابی که عبارت ازحصول استقلال است گردیده واین آزادی که حکومت فرانسه درماه (قوس-دسمبر) بواسطهٔ معاهدهٔ مخصوص برای سوریه ولبنان اعطاء نموده، درنتیجهٔ اقدامات ملیون سوریه بوده ، درظرف سه سال تکمیل می یابد یعنی ادارهٔ فرانسه درسوریهٔ خاتمه یافته تنها بعضی امتیازات عسکری دردست فرانسویها باقی میماند وسوریه ولبنان جمهوری مستقل متحد فرانسه تشکیل می یابد .

دراواخرسال ، رئیس جمهور سوریه تبدیل گردیده هاشم بیگ اتاسی رئیس حزب ملیون که برای حصول استقلال سوریه خدمات زیادی را انجام داده ، بریاست جمهور انتخاب گردیده مجلس ملی سوریه افتتاح یافت ـ ونیز مسئلهٔ سنجاق اسکندرون که مابین سوریه وتورکیه متنازع فیه بود ، دراثر مذاکرات فرانسه و تورکیه صورت حل بخودگرفته ، تشکیل مخصوصی تحت نظر جامعهٔ ملل برای علاقه جات ترکی زبان وترکی نژاد مذکور منظور گردید .

فلسطین :

اهالی فلسطین درین سال متحمل مشقات فوق العاده گردیده ، برای حصول آزادی ومنع مهاجرت واسکان یهودیها ، دراوائل سال مطابق یك نقشهٔ مرتبی

که بمشورهٔ عمومی ازطرف مقتی معروف بیت المقدس ترتیب یافته بود ، باعتصابات وانقلابات عمومی پرداختند ومدت زیاده ازچارماه سرزمین بیت المقدس در آتش انقلاب میسوخت و انگلیسها قوای مسلحی را ازمصر و انگلستان برای رفع اعتصابات اعزام نموده ، مبارزات خونین بعمل آمد وعدهٔ زیادی ازاعراب فلسطین درمیدان جنگ شربت شهادت نوشیدند ـ حکومت عسکری بکمال شدت انفاذ یافته ، اعراب به قسم وطنی شبغون میزدند وراه های آهن راقطع وتهانه جات عسکری را تراج میکردند و از تادیهٔ مالیات انکار ورزیده ، مزروعات خود را خود شان آتش میزدند تا مالیات از آنها گرفته نشود . این هیجان ملی اعراب سبب شد که انگلیس به دیگر حکومات عربی متوسل شده میانجی گری آنها را مطالبه نمود و برای این مقصد چند بار زمامداران عربی منجمله ملك ابن السعود پادشاه مملکت عربیه وملك غازی شادعراق و حکمران شرق اردن نمایندگان خویش را به بیت المقدس اعزام نمودند ـ و بالاخره پس از مذاکرات زیاد ، در ماه (قوس) اعراب پس از حصول اطمینان ازطرف حکومت برطانیه که برای مذاکرات اساسی آماده گی خود را اظهار و اعزام هیئت شاهی مخصوص را از لندن وعده داد ، و خصوصاً باثرتمای حکمداران عربی ، اعتصابات را خاتمه دادند و امنیت کم کم عود نموده و پسان تر هیئت انگلیسی وارد بیت المقدس گردیده اگر چه ملیون عرب از مذاکره با آنها انکار ورزیدند ، ولی مطالبات آنها به هیئت مذکور حالی کرده شده هیئت دوباره به لندن عزیمت نموده تا کنون نتیجه معلوم نیست . اما بعضی‌ها عقیده دارندکه حکومت برطانیه پس ازاین مظاهرات مدهش اعراب برای دادن حقوق آنها حاضر خواهد شد و دیری نخواهد

گذشت که مشکلات مردمان فلسطین نیز مثل برادران سوریائی ومصری‌شان رفع وباقی شکایات آنها ازرهگذر بهبود وغیره هم‌صورت حل‌بخود خواهدگرفت .

عربیهٔ سعودیه :

این مملکت در سال ۱۳۱۰ قرین آرامش و رفاهیت زیست کرده و روابط او با سائرممالک اسلامی و عربی بیش از پیش دوستانه گردیده چنانچه در۲۰ ثور معاهدهٔ با مصر عقد و دران طرفین حقوق کاملة الوداد را برای همدیگر خویش اعطاء نمودند . از طرف دیگر اعلیحضرت ابن السعود در داخل مملکت مشغول اصلاحات مدنی زیادی گردیده که نتائج آن روز بروز بواسطهٔ پیشرفت های مملکت مذکور عرض اندام مینماید .

یمن :

در ین سال در داخلهٔ مملکت یمن واقعات مهمی رخ داده و اختلافات زیادی مابین اعلیحضرت امام یحی و پسرش سیف الاسلام که نائب السلطنه است ، بروزکرده و بعضی از وزراء برای مقاصد غرض آلود خویش میان پدر و پسرکدورت و اختلاف ایجاد میکنند . در سیاست خارجی یمن نیز بیقراری بمشاهده میرسدکه هنوزنتائج قطعی این تغیرات معلوم نشده است .

جاپان

طوریکه مشاهده میکنیم سال۱۳۱۵برای مملکت جاپان بمثل سال گذشته یك سال خوبی نبوده ، اوضاع داخلی مملکت از رهگذر بحران اقتصادی و اختلافات فکری وحزبی خیلی پر آشوب بنظر می‌آمد . درقسمت سیاست خارجی



ملك فاروق اول پاد شاه جوان مصر



ملك فواد اول پاد شاه فقيد مصر



مرحوم سعد زغلول اولين محرك
استقلال مصر

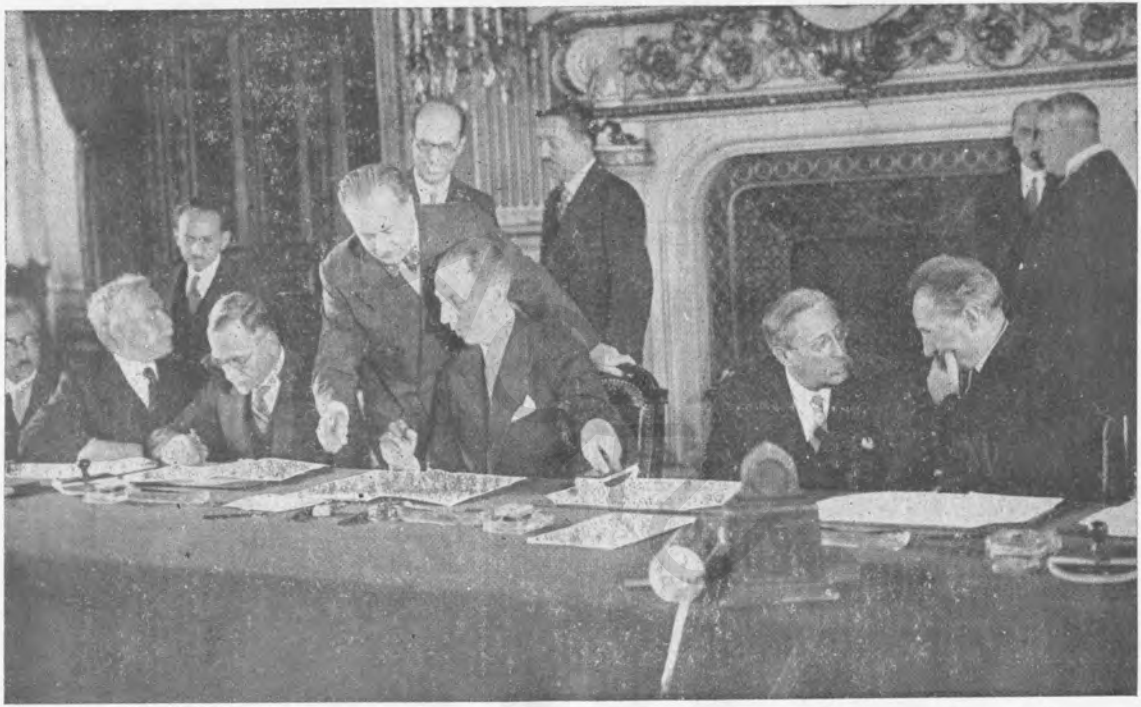


شهزاده محمد علی پاشا رئيس مجلس نيابت
سلطنت مصر

ACK



امضای معاهدهٔ انگلیس و مصر در لندن ؛ انتونی ایدن وزیر خارجهٔ انگلستان در وسط میز نشسته ، نحاس پاشا رئیس هیئت نمایندگان مصر مشغول ایراد نطق است



امضای معاهدهٔ استقلال سوریه در پاریس : شخصیکه امضاء میکند هاشم بیگ اتاسی رئیس جمهور فعلی‌سوریه- شخص عینکی
ه در گوشهٔ میز نشسته مشغول صحبت است بلوم رئیس الوزرای فرانسه

جاپان درین سال دنبالهٔ سیاست سابقهٔ خویش را گرفته ، برای تحصیل آزادی تامه از قید معاهدات بین المللی ، در ماه حمل از کنفرانس بحری لندن خارج گردید و در عین زمان اقدامات آزاد ساختن ولایات شمالی چین و قلع و قمع کمونستی را در مملکت مذکور بشدت بیشتری تعقیب کرد . و لی تا اخیر سال از این قسمت نتیجهٔ رضایت بخشی گرفته نتوانست و واقعات اخیر سال که منجر به گرفتاری چیانگ کای شك دیکتاتور چین و رهائی شدهٔ او گردید ، چین تا جائیکه ملاحظه میشود برای پیشرفت مقاصد جاپان چندان امدادی نرسانید .

روابط جاپان و شوروی درین سال در نتیجهٔ واقعات سرحدی بیشمار و تمرکز قوای طرفین در سرحدات منچوکو بحران آمیز بوده اغلب در موقع بحران امکانات فی برای رفع منازعات ممکنین پیدا شده بود که اخیراً معاهدهٔ المان و جاپان (برای مبارزه با کمونیزم) امکانات مذکور را بر هم زد و تا هنوز روابط روس و جاپان خیلی کشیده بنظر می آید .

روابط جاپان با امریکا (انزوائی) و انگلستان درین سال بصورت عادی گذشته واقعات تازهٔ در بین مملکتین بوقوع نرسید .

ولی مهمترین واقعهٔ که درین سال درجاپان اتفاق افتاد عبارت ازاتحاد او با المان وزدیکی اش با ایطالیاست که مذاکرات این اتحاد ازیکسال پیش جاری بوده ، درماه نوامبر منجر باعقد یك معاهدهٔ میشود که مقصد از آن مبارزهٔ متحده با کمونیزم و تشکیل یك مرکز مشترك مبارزهٔ کمونیزم درین میباشد .

در قسمت اوضاع داخلی جاپان آنچه قابل ذکر است اینست که دنبالهٔ مناقشات حزبی و اختلافات حزب عسکر با زمامداران حکومتی که دراخیر سال

گذشته منجر بواقعات خونین شده بود در این سال نیز اداره یافته در اواخر سال بنا بر اختلافات مذکور در اثر کسر قاحش بودجه و عدم آمادگی حکومت با فزودن مخارج عسکری ، بحران سیاسی در مملکت پدیدار گردیده اگرچه امپراطور بواسطهٔ انحلال اجلاس مجلس اعیان، خواست اوضاع را اصلاح کند ، ولی بحران رفع نشده ، کابینهٔ (هیروتا) استعفی داد و پس از آنکه مدت چند روز دیگر بحران سیاسی دوام کرده کسی به تشکیل کابینه آماده و موفق شده نمیتوانست بالاخره جنرال (هاباشی) وزیرحربیهٔ سابق که در حزب‌عسکری دارای نفوذ زیاد و شخصاً ازسیاسیون‌مهم است ، کابینهٔ را تشکیل داد که وزیرحرب کابینهٔ مذکور بنابر عدم کامیابی در تسکین مراکز عسکری بزودی مستعفی‌شده، تا کنون اوضاع سیاسی جاپان مانند اوضاع اقتصادی آن بحران آمیز معلوم میشود .

چین

مملکت بزرگ چین گویا دورهٔ بد بختی و فلاکت و بحران خویش را که از ٦ سال باینطرف شروع شده هنوز بپایان نرسانیده است زیرا باوجود خاتمهٔ جنگ با جاپان و انقلابات تورکستان چین و تبت و ولایات مختلفهٔ آن و انتزاع منچوریستان و تشکیل مستقل مغلستان خارجی ، هنوز هم مملکت مذکور معروض عوارض ناگواری بوده ، درین اوقات اخیر مخصوصاً رقابت دو حریف پر زور یعنی جاپان و شوروی فضای سیاسی این مملکت را تیره و تار ساخته است .

طوریکه دیدیم جاپان درسال ۱۹۳۱ تحریکات خویش را برای مستقل ساختن

مربوط بواقعات تورکیه و شرق اقصی



توفیق رشدی آراس وزیر امورخارجهٔ تورکیه



جنرال چنگ هسولیانگ محرک انقلاب اخیر چین



جنرال هایاشی رئیس الوزرای جدید جاپان



جنرال چیانگ کای شك دیکتاتور چین



امضای معاهدهٔ المان و جاپان در برلین ؛ طرف راست سفیر جاپان در حال امضا کردن، طرف‌چپ فون ریبن تروپ نمایندهٔ المان

و لا یات شمالی چین جهت استفاده از آن ها و تشکیل سد ی بمقابل کمو نیز م شدت داده ، بسا دفعات به بهانهٔ هیجانات داخلی قوای خویش را در داخل خاك چین سوق داد . همچنین کمونست ها ازهر طرف علاقه جات مختلفهٔ چین را مورد تاخت و تاز خو یش قرار دادند ـ اما در ظرف این سال یکی ازآ نها نیز بموفقیت های فیصله کن نائل‌شده نتوانسته اند . واین نیز بیشتر ازبرکت پیدا شدن حس ملیت وجذ بات مخالفت با جاپان و اقدامات اعتدالیون مملکت است . در واقعات چین آ نچه ازهمه‌بیشتر اهمیت دارد ، همانا طغیان جنرال (چیان هسولیا نگ) است‌که دراوائل ز مستا ن بسر کر د گی فو ج کمونستی بر شهر (سیا نفو) تاخته بطور اتفا قی جنرال (چیانگ کای شك) د یکتا تور معروف و زمامدار مسئول چین را که رئیس عنا صر اعتدالی و اصلا ح طلبا ن است اسیر گرفت . و لی پس از چنده روز جنرا ل مذ کور بنا برعللی که تا کنون بخو بی مکشو ف نشده ، چیانگ‌کای شك را رها نموده خود را تسلیم ا و کرد ، و در محا کمه به د ه سال حبس محکو م گردید . لیکن افوا ج کمونست دو با ره بر شهر سیا نفو تا خته و ا کنون حکومت نا نکن برای سر کو بی آ نها قوائی اعزام‌کرده که مشغول کار زار میباشند .

خلا صه و ضعیت عمومی چین در طول سال فوق العاده بحران آمیز ، و دول رقیب دران جا مشغول نبرد آ زمائی بوده‌اندکه تا کنون نتیجهٔ این زد و خورد بدرستی معلوم نشده است .

سیام

مملکت سیام در ین سا ل به آرامی بسر برده و انقلا بات و تفرقه هائی‌که درچند سال‌گذشته فضای سیاسی‌آ نجا را تیره ساخته بود تکرار نیافته است .

دول اوروپا:

انگلستان

مملکت انگلستان درین سال ۱۳۱۵ اگرچه از نقطهٔ نظر احوال عمومی و اقتصاد ملی قرین رفاهیت و بهبودی زیست کرده، لیکن ازجنبهٔ سیاست داخلی و خارجی دو چار مشکلات مهمی گردیده که بزرگترین آن در قسمت سیاست داخلی همانا قضیهٔ بحران قانون اساسی که منجر به خلع ادوارد هشتم شد و در قسمت سیاست خارجی عبارت است از سقوط حبشه و ناکامی سیاست تجاوزپرستی که انگلستان شریک و پشتیبان آن بود. باقی وقائع مهمهٔ انگلستان که درین سال بوقوع پیوسته ذیلاً تذکار میشود:

در اوائل سال ۱۳۱۵ سیاست انگلستان در بارهٔ حبشه که پشتیبانی از مملکت مذکور واساسات جامعهٔ ملل مینمود، باشرطوط مملکت منبور و کامیابی عساکر ایطالیا، دوچارشکست وحشی شده، سیاسیون انگلیس طوریکه ملاحظه میکنیم این شکست سیاسی خویش را اعتراف نمودند و برای تلافی آن، تدابیر جدیدی اتخاذ نمود، تجاویز سزیری را نیز در بارهٔ ایطالیا در داشتند تا باین وسیله زمینه برای اصلاح مناسبات مستقبل آماده شود. چنانچه باثر همین اقدامات حکومت انگلیس بود که در اوائل ربیع الثانی (اواخر سال ۱۹۳۶) بالاخره پس از مذاکرات طولانی، یک موافقهٔ مابین انگلستان و ایطالیا راجع به بحر مدیترانه بامضاء رسیده طرفین باحترام مفاد همدیگر خویش را در بحر مذکور تعهد نمودند. و اگر باین ترتیب کشیدگی که از یکنیم سال پایتخت دوره به قسمتین مرتکب شده بود، رخ داده بود، باندازهٔ زیادی رفع گردید. وعلاوه بران انگلستان سفارت خود را در آدیس ابابا به قونسولگری تبدیل داد، طوریکه میگوید درسقوط حکومت ملی حبشه متبوعگو اقدامت نمود.

درماه سرطان با تربیش نهاد حکومت شوروی، مذاکراتی مابین مامورین انگلیس و شوروی بمقصد طرح یك معاهدهٔ بحری آغاز یافت. در ۸ اسد (۳۱ جولائی) معاهدهٔ مابین مملکتین با مضاء رسیدکه مطابق آن انگلستان برای شوروی در بحرهٔ بالتیك داشتن همان اندازه قوای بحری را اعتراف نمود که در سال گذشته برای المان اعتراف کرده بود. چنانچه باثر این واقعه در ۱۳۸ اسد (۲۰ اگست) ممالك اسکاندینا و یا ۵ در ستوکهولم کنفرانسی منعقد و بر خلاف معاهدهٔ بحری انگلیس و شوروی رأی دادند و نیز در ۱۸ میزان (۱۱ اکتوبر) المان درین خصوص اعتراض کرد. و علاوهٔ درهمین آوان انگلستان ۴۰ ملیون پوند اعتبار (قرضه) را برای فرمایشات شوروی منظور نمود که تمام اینها نزدیکی مملکتین انگلیس و روس را تائید مینماید.

درماه اسد یاد شاه انگلستان به مسافرت ممالك اروپائی پرداخته، پس از آنکه مقام میمی (فرانسه) بنای یادگار مقتولین محاربهٔ عمومی را افتتاح نمود به تورکیه و بلجیکستان و آستریا که ممالك متحدیدهٔ جنگ عمومی بشمار میروند، مسافرت رسمی دوستانه بعمل آورد و این مسافرت به تشدید مناسبات انگلیس و تورکیه اثر خوبی بخشید و همان رنجش جزئی را که در اثر اختلاف نظر تورکیه و انگلستان در موقع انعقاد کنفرانس (مونترو) در بارهٔ شرایط عبور جهازات از در دانل، پیش شده بود بالمره مرفوع ساخت.

بتاریخ ۲۰ اسد (۱۲ اگست) معاهدهٔ جدید انگلستان ومصرکه متضمن استقلال مصر والغای بسامتیازات انگلیسها و منجمله کشیده شدن قوج انگلیسی و تعیین قوج مصری واعتراف بعضی حقوق مصر درسودان است، درلندن مابین وزرای انگلستان و نمایندگان مصری بامضا میرسید. انگلستان نمایندهٔ اعلای خویش را در قاهره بحیث سفیر کبیر مقرر کرد.

در ۲ میزان (۲۵ ستمبر) معاهدهٔ معروف پولی مابین انگلستان و ممالک متحدهٔ امریکا وفرانسه بامضا رسیده هرسه مملکت نرخ مبادلهٔ مسکوکات خود ها را مستقل قرار دادند چنانچه بعد ها چکوسلواکیه وهالند وسویس وایطالیا نیز بآن شرکت ورزیده ، نرخ مبادلهٔ مسکوکات خودها را تقلیل دادند .

درموسم خزان یکی ازمتمولین انگلستان مسابقهٔ هوائی مابین لندن وملبورن (آستریلیا) ترتیب داده دران چند تن از رشید ترین هوا بازان انگلیسی شرکت ورزیدند و مسابقه بموفقیت انجام یافت .

درهمین موسم علاقه جات جنوبی انگلستان (ولایات ویلز) دوچارمصیبت و بحران اقتصادی شدیدی شده درماه قوس شاه انگلستان رسماً برای معاینهٔ مقامات مصیبت رسیده مسافرت نموده ، اعانهٔ برای دستگیری از مردمان مصیبت رسیدهٔ مذکور جمع آوری شد .

ونیز درین آوان یکی از متمولین انگلستان « لارد نوفیلد » مبلغ ۷ و نیم میلیون پوند برای موسسات عرفانی وصحی واعمادی مملکت اعانه تقدیم کرد .

در اوائل ماه قوس ایدورد هشتم پادشاه انگلستان تمایل خودرا باز دواج یك زن امریکائی (خانم سمپسن) از طبقهٔ عوام اعلان نموده ، باثر آن بحران قانون اساسی بصورت بسیار شدیدی درانگلستان نمودار شده با وجودیکه تودهٔ عوام وبعضی از ممالك امپراطوری به میل پادشاه اظهار همدردی میکردند ، ولی چون احزاب مهم مملکت از قبیل حزب محافظه کار برای قبول این مطلب ولو بصورت نکاح مورگانا تیك (که خانم پادشاه ملکه نباشد) موافقت نکردند ، بالاخره در ۱۸ قوس (۱۰ دسمبر) ایدورد هشتم از تاج وتخت انگلستان وممالك امپراطوری ماورای ابحار و شاهنشاهی هندوستان ازطرف خود

مربوط بواقعات مملکت انگلستان



خانم سمپسن که ایدورد هشتم پادشاه انگلستان برای خاطر او از تاج و تخت استعفی داد



ایدورد هشتم پادشاه مخلوع انگلستان

خانوادهٔ سلطنتی انگلستان



جارج ششم ، ملکه الیزابت ، شاهدخت الیزابت ولیعهد و شاهدخت مارگریت
دختر کوچك شاه

و اولادهٔ خود ونیز از تمام القاب وعناوین خویش استعفی وصرف نظر نموده ، فردای روز خلع خود بنام (آقای ونـد سر) ازانگلستان خارج وبه آستریا رفت‌وبروز ۱۹ نوس (۱۱دسمبر) برادرش (دیوك آف یارك) مطابق قانون وراثت ، باسم جارج ششم پادشاه انگلستان وممالك ماورای ابحار وشاهنشاه هند اعلان گردید ومشارالیه به برادر خودشاه مستعفی ، لقب (دیوك آف ونـدسر) را داد علاوه بربحران وهیجان عمومی وصدمهٔ که ازاین واقعه بافتخارات ملت انگلستان وارد آمد ، یك اثر بدیگر نیز از آن بظهور رسید که عبارت است ازانکسار آبرو اینده ازقبول رأی نائب الحکومهٔ انگلیس در امور سلطنت وغیره .

درماه دلواز اثر سوختن یك سینما درلندن ۸۰۰ نفرتلف وهم درین ماه سیلا بهائی کهدر انگلستان جنوبی جریان یافت موجب تلفات قابل ذکری شده‌است

در خاتمه باید اضافه کرد که انگلستان درجریان سال ۱۳۱۵ یك نقشهٔ بسیار وسیع تسلیحات وتجهیزات راروی دست گرفته ، مبالغ بزرگی (۵۰۰ملیون پوند) رابرای این‌کار تخصیص‌داد تاقوای حربی مملکت بدرجهٔ اتم تکمیل بیابد چنانچه قرض داخلی بزرگی برای منظور اعلان واین نقشه‌خیلی اسباب اعتماد سیاسیون وطبقات عامهٔ‌ملت انگلیس را فراهم نموده است

درین سال مناسبات مملکتین افغانستان و انگلستان بسیار خوب ودوستانه بوده رئیس الوزراء و وزیر حربیهٔ افغانستان را در لندن پذیرائی خوبی نمودند .

واقعات مهمی‌که درممالك امیرا طوری انگلستان ومستعمرات اواتفاق افتاده عبارت است ازقانون جدیدهندوزدو خوردهای بمبائی واعتصابات فلسطین وغیره که هرکدام آن درذیل اسم‌خود ممالك مذکور ذکر شده است .

فرانسه

اوضاع داخلی فرانسه درین سال تامدتی ازسبب کشیدگی ونزاع احزاب مختلفه

بحران آمیز بوده ، پس از آن مسائل اسپانیه ، اختلافات داخلی مذکور را تا اخیر سال ادامه داده ـ از رهگذر سیاست خارجی نیز این سال برای فرانسه یکسال خوشی نبوده ، مشکلات فوق العاده که اسباب نگرانی وتشویش تمام ملت میشد سرانجام بوقوع رسیده ، لیکن باوجود این سیاست خارجهٔ فرانسه درین سال موفق به بعضی پیشرفت ها گردیده وبرخی ممالک را دوباره بخود مربوط کرده توانست که مهمترین آن پولند وانگلستان وغیره است . ونیز فرانسه درطول سال مذکور برای حفاظت و اطمینان خود ، بسا ترتیبات نظامی و تسلیحاتی را سردست اجراء گرفته که درسالهای قبل نظیری بخود نداشت حتی برای این مقصود بقروض داخلی وخارجی مهمی متوسل گردیده ـ ازجنبهٔ اوضاع اقتصادی ممالک فرانسه روز گرخوشی داشته بحران اقتصادی با لمره مرفوع وتجارتش زیادشده ازطرف حکومت سوسیالست روی کارآمد اسباب امیدواری طبقات عامه شده است .

مهمترین قضایائی که درین سال برای ممالک فرانسه اتفاق افتاده همانا قضیهٔ نقض معاهدهٔ لوکارنو است از طرف المان که فردای روز تصدیق پارلمان فرانسه و شورروی (۱۶ جون ۱۳۱۴ مطابق ۶ مارچ ۱۹۳۶) المان عساکر خود را به منطقهٔ خالی از نظامی راین لیند سوق داد ، چنانچه تقاضیل این قضیه در قسمت رویدادهای جامعهٔ ملل تذکار گردید ـ خلاصه فرانسه بمقابل این اقدام بمساعی هیات نشان داده ، به جامعهٔ ملل عرضها کرد و بردول ضمانت کننده یعنی انگلیس و ایطالیا فشار آورد . لیکن نتیجهٔ عملی بدست نیامده و بالمقابل فرانسه تنها به افزایش قوای عسکری و تجهیزات خویش و از طرف دیگر به تشدید مناسباتش با متحدین خود پرداخته ، درعین حال پیش نهادانی بالمان تقدیم نمود تا معاهدهٔ جدیدیکه دران شورروی نیز داخل باشد ، بجای

معاهدهٔ لوکارنو جهت تقویم امنیت اروپائی عقد گردد . اما این از تحول روسیه در معاهده افکار و ز زیده ، تا کنون قضیهٔ لوکارنو خاتمه نیافته و اگر چه در اواسط سال دا کتر شخت وزیر اقتصاد و رئیس بانك دولتی آلمان به پاریس مسافرتی هم نموده راجع بامکانات نزدیکی فرانسه و آلمان مذاکراتی بعمل آورده ، وضمناً خواهشات قرض رانیز پیش کرد ، ولی چون مابین نظریات مملکتین فاصله وتباین زیادی موجود بود ، نتیجهٔ بدست نیامده چنانچه دراواخر سال که بازسخن ازقرض دادن فرانسه بآلمان درمیان آمد ، فرانسه شرایط خویش را پیش کشید وتاهنوز روابط مملکتین از کشیدگی خود باز نمانده است وقضیهٔ اسپانیه ومعاهدات آلمان بالیطالیا وجاپان نیز این کشیدگیرا بیشتر ساخته میرود و

درشروع سال انتخابات فرانسه آغاز شده ، به غلبهٔ احزاب دست چپ خصوصاً سوسیالست ها خاتمه یافت وبنابران درماه جوزا که انتخابات تمام شد ، (بلوم) رئیس حزب سوسیالست به ریاست وزراء منتخب و کابینهٔ مرکب از احزاب سوسیالست و رادیکال‌سوسیالست و برخی احزاب دیگردست چپ تشکیل داد وآن را کابینهٔ « جبههٔ عامه » یعنی اتحاد احزاب دست چپ نامنهاد . دراین کابینه دلادیه وزیرامور خارجه ودلبوز وزیر خارجه (هردونفرازحزب رادیکال) و (وئسان اوریول) « ازحزب سوسیالست » وزیرمالیه میباشد . بلوم بمجرد رسیدن بااقتدار دوکار مهم کرد : اول روی کارساختن یك سلسله تجاویز برای بهبود حال کار گران وطبقات عامه ، ازقبیل تعیین هفتهٔ ٤٠ ساعت کار و دادن معاش ایام رخصتی به کار گران وملی ساختن کارخانه جات اسلحه سازی که این تجاویز دراثر اعتصابات بزرگ (که آنرا نیز به تحریك خود بلوم میدانند) تصویب گردید . و دوم انحلال حزب فاشیست که با اثر فشار زیاد بالاخره حزب مذکور بشکیل بی سروصدا کلی منحل شده ، بعوض آن مطابق نظریهٔ بلوم

حزب جدیدی بنام حزب ملی بسر کردگی همان (کولونل دو لا روك) رئیس سابق حزب فاشیست (کروه دو فو) تشکیل گردید.

در اواسط سال مذاکرات فرانسه و سوریه که نسبت به دادن آزادی به مملکت مذکور از اول سال آغاز یافته بود، منجر به یك معاهدهٔ گردید که دران فرانسه استقلال سوریه را اعتراف کرده و این آزادی را در ظرف سه سال وعده نمود چنانچه تفاصیل آن در ذیل نام سوریه آمده است.

درماه میزان بلوم برای اصلاح اوضاع اقتصادی و تجارتی بین‌المللی، اقدام مهمی کرد که عبارت از عقد معاهدهٔ پولی (معروف به معاهدهٔ سه گانه) با انگلستان و امریکا بود و در عین حالیکه بواسطهٔ این معاهده هر سه دولت تناسب پولهای خویش‌را به نسبت یکدیگر خود معین ساختند، فرانسه ۳۰ فیصد نرخ مبادلهٔ فرانك را تقلیل‌داد تادرداخل‌معیار حیات بلند برود ودر خارج‌ازسبب تنزل قیمت فرانك بازار های جدید برای مال‌التجارهٔ فرانسه باز شود.

در ماه عقرب سالنگر و وزیر داخلهٔ فرانسه باثر نشریات مخالفانهٔ جرائد داخلی که اورا به جاسوسی آلمان در موقع جنگ بین المللی متهم میکردند، برای اثبات عدم حقیقت این لکهٔ بزرگ، انتحار نموده مراسم جنازهٔ او با تشریفات فوق العاده بزرگی بصورت ملی بعمل آمد.

آنچه برای حکومت فرانسه درین سال مشکلات زیادی فراهم ساخت همانا قضیهٔ اسپانیه است. حکومت فرانسه ازیك طرف بنا بر علائق همسایگی وهم مسلکی، متمایل ومجبور به کمك حکومت مادرید بوده ازطرف دیگر مداخله دراموراسپانیه‌را فوق العاده خطرناك ونتیجهٔ آن‌را نزاع بین المللی میداند چنانچه اولتر ازهمه حکومت فرانسه پیش نهاد عدم مداخله را نموده تا کنون اگرچه ملت‌فرانسه بهراسم ورسم باحکومت مادرید همدردی میکند لیکن حکومت باوجود

مربوط بواقعات مملکت انگلستان



نیو ائل چمبرلین وزیر مالیهٔ فعلی و
رئیس‌الوزرای آیندهٔ انگلستان



آستن چمبرلین سیاستمدار معروف
وزیر خارجهٔ سابق انگلستان ه
اخیراً فوت شده



لارد لنلتگو نائب السلطنهٔ هندوستان

مربوط بواقعات مملکت فرانسه



لئون بلوم رئیس الوزرای فرانسه



سالنگر وزیر داخلهٔ فرانسه
که از اثر تهمت جرائدکه او
را جاسوس المان میخواندند
انتحار نمود



دلبو وزیر خارجهٔ فرانسه

فشارهای احزاب دست چپ خصوصاً کمونیست ها ، طرفدارعدم مداخله میباشد .

درین سال روابط فرانسه با انگلستان روز بروز تقویه یافته با لمقابل پس ازعقد معاهدات بین ایطالیاوا لمان مناسبات اوبا ایطالیاوهمچنین دراثر اعلان بیطرفی بلژیك بادولت مربوبرسست شده ولی ازطرف دیگر دراثرسفرجنرال گسامان رئیس ارکان حربیهٔ فرانسه به وارسا وسفر رید زسمگلی مارشال لهستانی و بك وزیرامورخارجهٔ آن مملکت به پاریس ، مناسبات فرانسه ولهستان برخلاف انتظار خیلی خوب شده وگویا بابنقسم لهستان پس‌از دوسال دوری ، باز بفرانسه مربوط گردیده ، چنانچه دراثرهمین مسافرتها ، فرانسه۲۶ملیون پوند به لهستان قرض هم داده است . نظیراین فرانسه موفق شده که اتحادیهٔ صغیر (رومانیه ، چکوسلوا کیه ویو گوسلاویه) را بوجود تمایلاتی که بالمان نشان داده اند ، بخود وفادارنگه بدارد . تنها تورکیه دراثر نزاع کم دوامیکه در سر مسئلهٔ سنجاق اسکندرون بافرانسه پیداکرده وباآنکه نزاع مذکور بزودی رفع گردید ، بازهم در روابط مملکتین قدری سستی محسوس می‌شودکه ممکن به نزدیکی تورکیه وایطالیا منجرشود .

درین سال درممالك مستعمراتی فرانسه واقعات مهمی رخ‌نداده تنها در مراکش باثر انقلاب اسپانیه هیجاناتی ظهور کرده که بزودی خاموش شده است .

المان

مملکت المان درین سال دنبالهٔ اقدامات اصلاحی خویش را در تمام زمینه های حیاتی تعقیب کرده و حائز بسا موفقیت های سیاسی و مدنی گردیده است . چنانچه پس ازالغای معاهدهٔ لوکارنوکه در اخیر سال گذشته صورت عملی پیدا کرد ، حکومت المان دراول سنبله (۲۴ اگست) خدمت نظامی را از یکسال بد و سال ترقی داده متعاقب آن در ۲۲ عقرب (۱۴ نومبر)

شرایط بین المللی بودن رود خانه های المان (یعنی یک قسمت از معاهدهٔ ورسای) و موافقهٔ موقتی تاریخی ۱۴ تور ۱۳۱۵ (٤ می ۱۹۳٦) را که مربوط به دریا نوردی در رود راین بود ، ملغی قرار داد و درین هر سه موضوع به اعتراضات متواتر فرانسه و بلژیک و پولند که به خود او وبقیهٔ ملل نمودند ، اعتنائی قائل نشد .

اما درعین زمان رئیس مملکت المان درموقع افتتاح مجلس سالانهٔ حزب نازی بمقام نورمبرگ ، نقشهٔ چهارسالهٔ آینده را اعلان کرد که مطابق اظهارات زمامداران المان بواسطهٔ آن ، مملکت مزبور استقلال واستغنای کامل ازمواد خام پیدا خواهد کرد . ونیزمتارالیه خواهشات مستعمراتی خویش را اظهار وعدم شمولیت خود را درمعاهدات با کمونستها تکرار نمود . چنانچه این نطق هتلر ، عمان بزرگان را باشتباه انداخته در اطراف بیانات مذکور تصور بدی از المان خواسته شد و المان بارهٔ تسریحاتی داده منجمله خواهشات مستعمراتی خود را دراوا خر سال ، صریح ساخت و اخیراً نمایندگان المان مشغول اقدامات میباشند تا از یکطرف برای بهبود اقتصادیات المان که از سبب نقشه های وسیع تسلیحات مواجهٔ بحران است ، ازانگلستان وغیره ممالک قروضی حاصل وازطرف دیگر خواهشات حقیقی المان را در بارهٔ استرداد مستعمراتش به ممالک بزرگ حلی سازند . البته المان در مقابل حصول بعضی از مستعمرات سابقهٔ خود و مقداری قرض ، حاضر خواهد شد که به فرانسه و انگلستان ضمانتی بدهد لیکن هیچ انتظار نمیرود که مطابق آرزوی فرانسه باشوروی نیز مفاهمه و معاهدهٔ به بندد . شایان یگانه مشکلی که تاکنون در راه اجرای مقاصد مهمهٔ المان باقی مانده همین عدم اتفاق نظریات او با فرانسه است که تاکنون بیک نتیجهٔ نرسیده .

در واقعات المان آنچه از همه مهمتر بوده اثرات آن به تنها برای خود

مربوط بمقالهٔ گذارشات دنیا



روز ولت رئیس جمهور امریکا که بار
دوم بریاست جمهور انتخاب گردیده



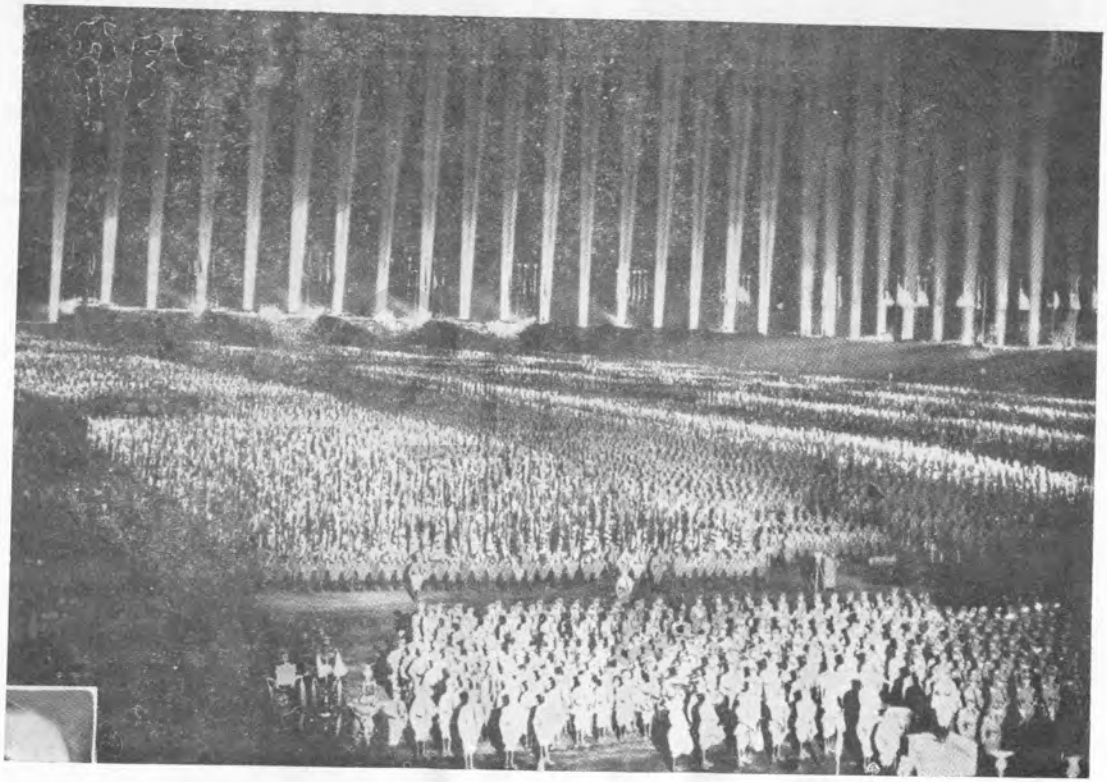
مارشال ریدیر سمگلی مفتش قشون
لهستان و جانشین مارشال پلسودسکی



شوشنگ رئیس‌الوزرای آستریا



بك وزیر خارجهٔ لهستان



یك منظره از مجلس سالانهٔ حزب نازی بمقام نورمبرك در هنگام شب

المان بلکه برای سیاست اروپائی و اوضاع بین المللی دارای اهمیت زیادی میباشد همانا نزدیکی المان و ایطالیا است که این دو مملکت با یکدیگر مسائل سیاسی و موافقت مقاصد ملی ، مخصوصاً سیاست مطالبه ، در اواسط سال ۱۹۳۵ پای نزدیکی را با یکدیگر گذاشته ، پس ازملاقاتها سیاسی ودوستانهٔ که مابین رجال بزرگ مملکتین صورت گرفت (ازقبیل سفیرالمانی وزیر ایطالیا و امبرتو شهزادهٔ ایطالوی و دختر موسولینی به برلین و مسافرت فرانک وزیرمال مانی به روما) بالاخره مملکتین تمام موضوعات متنازع فیهای موجوده را که مهمترین آن عبارت از قضیهٔ آستریا میباشد کنار گذاشته درروم مسافرت گونت چیانو وزیرخارجهٔ ایطالیادامادموسولینی به برلین (از ۲۷ میزان تا ۳ عقرب مطابق ۲۰ تا ۲۶ اکتوبر ۱۹۳۶) پرده وتوکولی امضا نمودند که مطابق آن مملکتین درتمام موضوعات جاریه اتفاق نظر حاصل کردند و نیز در خصوص استخراج منابع طبیعی حبشه ، ایطالیا بموجب همین مقاهمات المان را بخرد شریك واستحقاق لازمه را ازاوحاصل نمود وهم بدین نوع مملکتین مذکور متفقاً حکومت جنرال فرانکورا برسمیت شناخته سفرای خویش را در نزد او اعزام کردند . و مقارن همین زمان بنابر میانجی گری ایطالیا ، المان وآستریا باو مجارستان بعهد یگر نزدیك شده ازدعاوی سابقهٔخویش (شاید موقتاً)صرف نظر نمودند (معاهدهٔ عدم تعرض آستریاوالمان بتاریخ۹ سرطان مطابق ۱۱ جولائی با امضا رسیده ولی در ماه عقرب موقع کنفرانس سه گانهٔ وین وبالاخره ملاقات میکلاس رئیس جمهور آستریا وهورتی نائب السلطنهٔ مجارستان بهتر تشدید یافت) و برای مطالعهٔ صدارت عظمی اتحاد ایطالیا و المان درانجا سفر جنرال گورینگ سیاستمدار المانی به روما مسافرت کرده ، بعضی جزئیات این اتحاد را تهیه نمود .

علاوه بر ین المان در زمینهٔ سیاست خارجی خود یك اقدام مهم دیگر نیز کرده که آن عبارت از نزدیکی با جاپان است که آثار آن از اول سال معلوم بوده ، ولی طرفین عقد معاهدهٔ اتحاد نظامی را تردید مینمودند تا آنکه نزدیکی مذکور در ۳ قوس (۲۵ نومبر) ، بعقد یك معاهدهٔ مبارزهٔ متحده با کمونیزم مابین مملکتین تثبیت یافته ، طوریکه ملاحظه میشود روابط المان وشوروی را کشیده ترساخت و کمی بعد ایطالیا نیز بصورت غیرمستقیم بآن شامل گشت و باینصورت دول فاشیست یك محاذ واحدرا بمقابل کمونیزم تشکیل دادند .

در اواخر سال در مملکت المان فلت خورا که رو نما شده ، حکومت برای تقسیم منصفانهٔ ارزاق سعی بلیغی بکار برد ولی هنوز عدم موضوع خورا که یکی از مشکلات اجتماعی بزرگ المان بشمار میرود .

درین سال روابطه المان با افغانستان بسیار دوستانه وخوب بوده ازرئیس الوزرا و وزیرحربیهٔ افغان دران جا پذیرائی خوبی بعمل آمد .

ایطالیا

مهترین واقعات سال ۱۳۱۵ ایطالیا عبارت از فتح مملکت حبشه است که در اثر اقدامات هشت ماهه (ازماه میزان ۱۳۱٤ تاماه ثور ۱۳۱۵) به تصرف ایطالیا درآمده و تجاویز جامعهٔ ملل واقدامات خصوصی بعضی دول مانع نظریات موسولینی شده نتوانست . درواوائل این سال اقدامات حربی ایطالیا که بنابر مدافعهٔ جدی حبشی ها وشرایط مخصوصهٔ اراضی مملکت مذکور چندی دو چار سکته گی شده بود ، دفعةً باثر تصمیم صاحب منصبان ایطالوی به اقدامات سریع وشدید ، پیشرفت زیادی نموده ، قوای حبشی ها در چندین نقطه (تمبین ، غدیر اشانقی ، دیسائی) بمقابل حملات هوائی و گلوله باری آ بادیها

وسنگرها واستعمال غاز زهردار و غیره عملیات حربی شدید هر بمت خورده ، مضمحل گردید وبا تر آن در ۱۱ ثور (اول می) وقتیکه قوای ایطالوی بطرف ادیس ابابا در حرکت آمد ، بنابر تحریکات سیاسی که درپای تخت از طرف ایطالویها بعمل آمده بود ، شورشی در ادیس ابابا ظهور کرده ، نجاشی مجبور به ترك وطن گردید وو زرای خویش را بطرف غرب حبشه در علاقهٔ (گور) اعزام نمود و مارشال بادوگلیو بروز ۱۲ ثور (دوم می ۱۹۳۶) داخل ادیس ابابا شده ، حاکمیت ایطالیا برتمام حبشه وپادشاه ایطالیا ازطرف ملت و حکومت مربور بحیث امپراطور حبشه اعلان شده و اگر چه قسمتی ازقوای حبشی هنوز درمحاذ جنوبی میان سنگرهای معروف (هندنبورگ) موجود بود ، لیکن بهم خوردن نظام مملکت سبب شدکه قوای مذکور نیز سنگرها را ترك نمودند ، و به تفصیلیکه در قسمت روید اد های جامعهٔ ملل ذکر شد ایطالیا حبشه را متصرف گردیده اگرچه درظرف چندماه آینده حملات وخیمی ازطرف خوانین حبشی بمقابل قوای ایطالوی بعمل آمد و مدتی راه جیبوتی وادیس‌ابابا قطع وپای تخت‌تقریباً محاصره بود ، لیکن بمجرد تمام‌شدن‌فصل بارانها عساکر ایطالوی به هرگوشه وکنار مملکت اعزام شده ، مقاومت ملی را در هم شکستند . آخرین قوت بزرگ حبشه عبارت از (راس ایمرو) بود که میگویند با ترحرکت قونسلگری انگلیسی ازمقام گور درماه قوس بدست‌ایطالویها اسیر و دریکی ازجزائر بحر مدیترانه محبوس شده ، باینصورت تقریباً تمام خاك حبشه بدست ایطالیا افتاد ، ولی بعضی خوانین هنوز درکوهستانات دشوار گذار شمال غربی مملکت پنهان میباشندکه وقتاً فوقتاً اسباب مزاحمت مامورین ایطالوی‌را فراهم میسازند . چنانچه دراواخردلو بمبی درادیس ابابا بالای (گرازیانی) نائب السلطنهٔ

ایطالوی افتاده مشارالیه وبك نفرجنرال دیگر رامجروح ساخت وبأثر آن حکومت عسکری بکمال شدت درسرتاسرخاك حبشه جاری گردیده که تاهنوز دوام دارد.

پس ازفتح حبشه ، ایطالیا اعتراضات جامعهٔ ملل را گوش نداده ، بردول بزرگ فشار آورد ، تاموضوع حبشه را یك موضوع طی شده تصور نموده ، تجاویز تعزیری را که براوضاع اقتصادی مملکت اثرات ناگواری واردکرده بود ، رفع نمایند ، دراین صورت ایطالیا برای همکاری امورین المللی وتقویت جامعهٔ ملل و رفع اختلافات فرانسه والمان حاضر خواهد شد ، در اثرهمین اقدامات موقع شناسانهٔ موسولینی بودکه درماه جوزا جامعهٔ ملل تجویز تعزیری را ازسرایطالیا مرفوع ساخت ، و دربیوت ایطالیا دوباره روابط تجارتی خویش رابانمام ممالك بالخاصه با المان وممالك جنوب وسنترال اروپا قایم ساخته بموجب معاهدهٔ ماه عقرب همکاری المان را دراعاده ازضایع اقتصادی حبشه چه ازجهة سرمایه وچه از رهگذر متخصصین برای خویش حاصل نمود ومتعاقب این در ۱۰ قوس (۲ دسمبر) با جاپان نیز موافقهٔ عقد و حاکمیت جاپان را به منچوکو اعتراف وبالمقابل جاپان حاکمیت او را درحبشه برسمیت شناخته ایطالیا امداد اقتصادی جاپان را نیز برای خویش حاصل کرد .

از طرف دیگر موسولینی درین سال یك سلسله اقدامات سیاسی مهمی را سر دست گرفته بفکر افتاد تا متحدین دیگری را برای خویش پیدا کند چنانچه برای این مقصد وزیر خارجهٔ ایطالیا در موقع مسافرت خود ، معاهدهٔ اتحاد المان و ایطالیا را در برلین (۳۰ میزان مطابق ۱۲۲ اکتوبر) و موافقهٔ ایطالیا وآستریا وهنگاریا را دروین (۱۷ عقرب مطابق ۹ نومبر) امضاء کرده درین مجلس اخیر الذکر ایطالیا حق تسلیطات مجارستان را که



نطق معروف موسولینی در شهر میلان که دران قوت و تسلیحات عظیم ایطالیارا اعلان و
نیز خواهشات صلح طلبی خو یش را ظاهر ساخت .



کونت چیانو داماد موسو لینی و ز یر
خارجهٔ ایطا لیا



راس امرو مدافع ملی حبشه که اخیراً از
طرف ایطا لو یها دستگیر و محبوس شد



مار شال گراز یانی نائب السلطنهٔ حبشه



راس نا سیبو سردار معروف حبشه که

معاهدات صلح سلب کرده بود) اعتراف نموده و با بنصورت یك محاذ بزرگی را برای خود تشکیل داد ولی با وجود این ایطالیا در رفع نزاع فرانسه و المان یعنی موضوع لوکارنو هیچیك اقدامی ننموده روابط او با فرانسه روز بروز سست گردید ـ بر خلاف در اواخر سال ، با ثر مذاکرات زیاد بالاخره موافقهٔ مابین ایطالیا و انگلستان در بارهٔ بحرمد یترانه امضا شده روابط مملکتین مذکور را پس از یك دورهٔ کشیده گی ممتد اصلاح نمود . تنها تسلیحات مهم انگلستان اخیراً اسباب خوف ایطالیارا فراهم نموده است. درموضوع اسپانیه طور یکه ملاحظه میشود ایطالیا ازاول دلچسپی زیادی به طرفداری متمردین نشان داده ، علی الرغم تردیدات رسمی که همیشه در بن باره حکومت ایطالیا نموده ، امدادهای مادی ومعنوی زیادی ازطرف ایطالیا بهسپاه جنرال فرانکو رسیده ، علاوه برین حکومت ایطالیا درماه قوس حکومت جنرال فرانکورا برسمیت شناخت و سفیر خود را در بر گوس اعزام نمود . چنانچه همین امداد های ایطالیا (والمان وشوروی وغیره) است که خانه جنگی اسپانیا را اینقدر طول داده بآن شکل فجیع وباریکی بخشیده . تاجائیکه میتوان تصدیق کرد ایطالیا بی میل نیست که دیکتاتوری فاشیستی دراسپانیا روی کار آمده ، سد بزرگی بمقابل انتشار کمونیزم دراروپا تشکیل بیابد ودرعین حال این حکومت هوا خواه ایطالیا بوده بالواسطه معبر مهم جبل الطارق و مقامات بحر مدیترانهٔ غربی بزیر نفوذ ایطالیا بیاید .

خلاصه ایطالیا در بن سال علاوه برموفقیتیکه در حبشه حاصل ، و جامعهٔ ملل را به رفع تجاویز تعزیری وادار ساخت ، در عالم سیاست بسا کامیابی های دیگری را نیز بدست آورده که شمهٔ ازآن درفوق ذکر شده ومهمترین آن عبارت است ازنزدیکی او با المان وجاپان و رفع کشیدگی با انگلستان و تورکیه وغیره و پیشرفت متمردین اسپانیه .

در قسمت امور اداری در ین سال موسولینی مجلس شورای ملی را الغو و مجلس فاشیست ومجلس اصنافی را عوض آن تعیین نمود و کار خانه جات را ملی ساخته خودش از تکفل چندین وزارت خانه ومنجمله از وزارت خارجه و حربیه وبحریه وهوائی واصناف صرف نظرنموده ، تنها وزارت داخله ووزارت مدافعهٔ عمومی‌را بعهده گرفت ودامادخود کونت‌چیانو (سیانو) راکه اکنون در نزد او اعتمادی ترین وبرگزیده ترین افراد حزب فاشیست است بوزارت خارجه منصوب نموده

از رهگذر اوضاع اقتصادی در ین سال ایطالیا مواجه با مشکلات باطنی زیادی بوده تجارت و صنایع و زراعت هر سه از اثر تجاویز تعزیری و مخارج گزاف جنگ حبشه ، تنزل فاحشی کرده بود که تنها قدرت شخصی موسولینی موازنهٔ حیات معیشتی را نگهداری مینمود . لیکن اقدامات وسیعی که در طول سال برای اصلاح نواقص ورفع موانع مذکور بعمل آمده ، اطمینان بخش میباشد .

اسپانیه

مملکت اسپانیه که از سالیان درازی در گوشهٔ گمنامی افتاده و در حیات بین‌المللی چندان سهم زرگی نمیگرفت ، دفعهٔ درسال ۱۹۳۶ ، صحنهٔ واقعات مهم ومدهشی گردیده که تمام دنیا را کم و بیش بخود علاقه مند ونگران ساخته است . اصل حقیقت اینست که از مدت چند سال باینطرف عقاید ضد و نقیض و احزاب و ممالک مختلفه در مملکت مذکور مشغول اقدامات و کار روائی شده هر یك برای پیش برد مقاصد خویش کوشش میکنند . چنانچه در اوائل سال ۱۹۳۶ موقع انتخابات عمومی معلوم شد که احزاب اجتماعی (سوسیالست) و فاشیستی بقوهٔ تقریباً مساوی درمملکت صاحب نفوذ میباشند ، ولی با وجود این باثر تحریکات جدی اجتماعیون بالاخره انتخابات بغلبهٔ اجتماعیون تمام‌شده اولین

کار حکومت اجتماعی عبارت ازعزل رئیس جمهور (زامورا) بود که متعاقب آن احزاب مذکور بنای تولید فشار را بمقابل احزاب فاشیست گذاشته حوصلهٔ فاشیستها را تنگ ترساختند و در عین حالیکه دول خارجه نیز امداد فاشیست ها را مینمودند انقلاب نظامی در ماه اسد ازمراکش اسپانیولی آغاز یافته بزودی وارد خاک اسپانیا گردید و از آنوقت به بعد تاکنون مملکت مزبور در میان شعله های آتش خانه جنگی فجیعی میسوزد و تمام آبادیها و عمارات و انتظامات مملکت خراب وویران گردیده . طوریکه دیده میشود دراوائل ، ازرهگذر اینکه قوای عسکری وذخائر جنگی مملکت بدست متمردین (یاملیون) افتاده بود و نیز امداد های خارجی از المان و ایطالیا برای متمردین زیاد میرسید ، انقلابیون اسپانیه ، بر حکومت غالب بوده بسا نقاط عمده را اشغال کردند ولی پس ازآنکه در نزدیکی مادرید (پای تخت) رسیدند ، معاونت های مهمی از طرف شوروی و فرانسه و غیره برای حکومت مادرید نیز رسیده ، جنوب پیشرفت متمردین گرفته شد و از مدت ۵ ماه باینطرف مادرید همانطور در یک حالت نیمه محاصره باقی مانده . واگرچه برای هر دو طرف امداد های مادی و معنوی از قبیل پول و نفرات (رضا کاران) و جبا خانه و آذوقه باوجود انعقاد معاهدهٔ بیطرفی فراوان میرسد ، جنگ بطور نامحدودی ادامه پیدا کرده است . در رأس حکومت انقلابی که المان و ایطالیا و پرتگال و آستریا و مجارستان آنرا برسمیت شناخته اند ، جنرال (فرانکو) و در رأس حکومت مادرید (آرانا) رئیس جمهور و (کاباللیرو) بحیث رئیس الوزرا و وزیر حربیه قرار گرفته که برای موخرالذکر در اخیر سال اختیارات دیکتاتوری نیز داده شده است . نتیجهٔ جنگ خانگی اسپانیه را

از حالا حدس نمیتوان زد زیرا امکانات خسته شدن مبارزین بسبب امداد ها و تحریکات خارجی و امکانات آشتی آنها بنابر اختلاف نظریات و جوش مسلکی آنها ، خیلی کم میباشد و بلکه خوف آنست که جنگ داخلی اسپانیه به کدام جنگ بین المللی منتج نگردد (باقی تفصیلات انقلاب اسپانیه و اقدامات مجلس عدم مداخله درقسمت رویداد های جامعهٔ ملل ذکرشده است) .

لهستان (پولینـد)

این مملکت که از سبب واقع بودن در بین دو رقیب بزرگ یعنی المان وشوروی ونیز ازجهت ترقیات روزافزون خود ، امروزتقریباً درقطار دول درجه اول اروپا قرار گرفته ، در سال ۱۳۱۵ در عین حالیکه اقدامات عمرانی وسیع خویش را در زمینهٔ اقتصادیات و عرفانیات وغیره تعقیب کرده ، مشغول یك سلسله اقدامات برای تأمین امنیت خویش نیز گردیده و خوف تصادم دودستهٔ مخالفیکه دراروپاتشکیل گردیده ، حکومت وارسارا بفکر چاره جوئی انداخته تا دامان او درین گیر و دار همسایگانش گیر نیاید . مهمترین اقدامات سیاسی پولینـد عبارت از نزدیکی مجدد او با فرانسه است که در اثر سفر رئیس ارکان حربیهٔ فرانسه بوار سا ومتعاقب آن سفر جوابیهٔ جنرال ریدز سمگلی مفتش عمومی قشون لهستان ، در پاریس ، صورت حقیقت پیدا کرده فرانسه برای لهستان ۲۶ملیون پوند سترلنگ قرض داد تابوسیلهٔ آن امور عسکری مملکت مکمل تروافدامات عمرانی مقتضیه اجراء پذیر گردد . لیکن باوجوداین لهستان علی الرغم مساعی فرانسه باشوروی وچکسلواکیه معاهدهٔ امداد متقابل را امضاء نکرد . وتنها با انگلستان (موقع سفر بك به لندن ومفاهمهٔ موافقت کارانهٔ او با زمامداران انگلیس)و بلژیك خود را فریب ساخته ، نظریات صلح خواهی وبیطرفی

خودرا بهمه گان آشکارساخت . اما باوجود اینها مشکلاتی در روابط او باالمان بوجود نیامده بلکه طرفین دم از دوستی میزنند . و اخیراً جنرال کویرنگ وزیر المانی مسافرت دوستانهٔ به لهستان نموده است .

درین سال کابینهٔ کوسیالکوفسکی بنابر مسائل شخصی و پارهٔ مسائل حزبی استعفاداده ، سوکلا کوفسکی یکی ازجنرال‌های مهم مملکت ، زمام‌ریاست وزرارا بعهده گرفت ولی وزرای عمده از قبیل (بك) وزیرخارجه تبدیل نیافتند .

درموسم خزان بمناسبت سالگرهٔ تاسیس جمهوریت واستقلال پولیند برای «ریدزسمگلی» رتبهٔ مارشالی‌ودرامورمملکت تقریباً همان حیثیت پلسودسکی‌داده شد .

در اخیر سال وزیر خارجهٔ لهستان در مجلس ملی ، خط مشی حکومت خود را در زمینهٔ سیاست خارجی ظاهر ساخته از نزدیکی با فرانسه و بهبود مناسبات خود با شوروی و حسن روابط با المان سخن رانده اما راجع به چکسلواکی ولیتوانیا چیزی نگفت.ونیزدرهمین‌وقت‌حکومت لهستان بصورت‌غیررسمی مطالبات‌مستعمراتی خویش را آشکار ساخته مجبوریت ومشکلات خود را از رهگذر تزئید روزافزون نفوس وقلت موادخام خاطر نشان کرد که این‌موضوع تا کنون بصورت واضح زیربحث نیامده وممکن بزودی‌درانجمن مخصوص جامعهٔ‌ملل مطرح گردد .

در اواخر سال بنا برمساعی وزیر خارجهٔ لهستان که از طرف جامعهٔ ملل بمطالعهٔ قضیهٔ (دانزیك) مقرر شده‌بود ، قضیهٔ مذکور بموافقت‌نمایندهٔ جامعهٔ ملل ومجلس اعیان شهر آزاد مذکور انجامیده ، شورای جامعه ومجلس اعیان دانزیك از مساعی‌مشارالیه‌که یکی ازباریکترین‌قضایای اروپائی‌را بفیصله‌رسانیده ، تشکر نمودند .

علاوه برین درین‌سال کشمکش‌های‌حزبی که درسال گذشته فضای‌داخلی مملکت‌را پر آشوب ساخته بود از برکت اقدامات حکومت مذکور رفع گردیده است .

آستریا

این مملکت که باوجود کوچکی درصحنهٔ سیاست اروپا اهمیت بزرگی را حائز شده ، درین سال تغیرات مهمی‌را دیده که مهمترین آن عبارت از سقوط حزب شاه طلب ومخالف المان یعنی حزب هابسبورگ (فوج ملی) ورئیس آن شهزاده ستار همبرگ، وانعقاد معاهدهٔ عدم تعرض باالمان‌است (ماه سرطان) که تفصیلات آن بتکرار ذکر شده . وگویا آستریا در اثر مشورهٔ موسولینی سیاست سه سالهٔ خویش را که مبنی برد شمنی باالمان بود ، بعد از نزدیکی المان وایطالیا ترك گفته ، وباالمان از در آشتی پیش آمده ولی المان هم از مطالبهٔ الحاق آستریا به خاك خود (شاید موقتاً) صرف نظر نموده است که با ثر این نزدیکی ها روابط آستریا با مجارستان نیز خوب شده است .

از طرف دیگر درین سال حکومت آستریا به تفصیلیکه در قسمت رویداد های جامعهٔ ملل ذکر شد ، در دنبالهٔ اعلان نظام اجباری (بر خلاف معاهدات صلح) که در اواخر سال گذشته صورت گرفت ، نگرانی مالی جامعهٔ ملل را نیز از سر خود رفع نمود ـ وبه شوشنگ اختیارات دیکتاتوری داده شد .

باقی ممالك اروپا

بحکم قلت صفحات وتراکم مضامین ، لاجرم از تذکار مفصل گذارشات باقی ممالك اروپائی صرف نظر نموده تنها ذکر ممالکیکه دران وقایع قابل ذکری اتفاق افتاده اکتفا میورزیم .

پرتگال : حکومت فاشیستی پرتگال هوا خواهی‌از متردین اسپانیه نموده ، امداد های زیادی بآنها بعمل آورده و روابط خویش را باحکومت



آزانا رئیس جمهور اسپانیه



لارگو کاباليرو رئیس الوزراء
و وزیر حربیهٔ حکومت مادرید
که اخیراً برایش اختیارات
دیکتاتوری داده شده



جنرال فرانسسکو فرانکو رئیس درجه اول
متمردین اسپانیه



دل ری ویرامحرك حقیقی انقلاب هسپانیه که موقع
آمدن باسپانیه طیاره‌اش درراه سوخته فوت شد.

ACKU



اولین ملاقات جنرال « فرانکو » و جنرال « مولا » زمامداران درجه اول انقلابیون اسپانیه در شهر برگوس
(در وسط جنرال فرانکو ، طرف چپ او شخص عینك دار بلند قامت جنرال ایمیلیو مولا)

مادرید قطع و بالمقابل حکومت فرانکو را اعتراف کرده است . چنانچه عایق بزرگ اجرا و پیشرفت قانون عدم مداخله درامور اسپانیه نظریات حکومت پرتگال شناخته میشود . لیکن عناصر اشتراکی در جریان سال چند مرتبه واقعات خونینی را در شهر های پرتگال بوجود آورده اند .

بلژیك : واقعهٔ مهم بلژیك عبارت ازکامیابی سوسیالست ها در انتخابات ودیگر اعلان بیطرفی است که پادشاه دراجلاس شورای ملی درضمن نطق خود بآن اشاره نموده و این بیطرفی فرانسه را بسیار مضطرب و بالمقابل المان را بسیار مطمئن ساخته است . با وجود این بلژیك تسلیحات خویش را افزوده و علاوتاً در مسائل لوکارنو و مطالبات المان ، پیروی فرانسه و انگلستان را مینماید . اوضاع داخلی بلژیك درین سال از سبب زد و خورد های حزبی پرآشوب بوده ، چندین کابینه تغییر و تبدیل شده است .

هالیند : مهمترین واقعهٔ هالیند درین سال عبارت ازعروسی دخترملکه ولهلمینا حکمران مملکت است که (زولیانا) نام دارد و ولیعهد مملکت میباشد و با یکی از شهزادگان خاندانهای سابق جرمنی موسوم به (هربرت) ازدواج نموده .

اتحاد صغیر : ممالك اتحاد صغیر یعنی چکوسلواکیه ، رومانیه ویوگوسلاویه ، ازتسلیحات آستریا ومجارستان بهراس افتاده ، شیرازهٔ اتحادخود را باوجود تمایلات خصوصی بعضی ازآنها ، تشدید نموده درمواقع لازمه متحداً به نسبت تجاوزات ممالك مذکور ازمقررات معاهدات صلح اعتراض کرده اند ، اما ازهم سلسلهٔ اتحادمذکور از سبب تمائل چکوسلواکیه به شوروی و تمائل یوگوسلاویه با ایطالیا والمان متزلزل بنظر میرسد

اتحادیهٔ بالقان : اتحادیهٔ بالقان که مرکب ازیوگوسلاویه ، رومانیه ، یونان وترکیه است درین سال آنها نیز بمثل اتحادیهٔ صغیر روابط خویش را محکمتر ساخته ،

در اخیرسال بلغاریا را نیز بطرف خود متمایل ساخته‌اند و روابط یوگوسلاویا وبلغاریا برخلاف سابق خوب شده ولی البانیه هنوز ازاین اتحادیه دوری میجوید .

ممالك اسکاندینا ویا : این ممالك که عبارت است ازسویدن ، ناروی ، دنمارك و فنلیند ، درحال بیطرفی بسوی تسلیحات خویش توجهٔ بیشتری کرده ودرموقع انعقاد معاهدهٔ بحری شوروی وانگلستان بران متحداً اعتراض نموده اند . و هم ممالك مذکور با هالین و بلژیك و لوکزامبورگ و غیره نسبت باصلاح اقتصادیات خود بمقابل هاگ مجلسی منعقد نموده اند .

ممالك بالتیك : ممالك بالتیك که مراد ازلیتوانیا ، لتونیا واستونیا است ، درین سال بطرف شوروی بیشتر دلچسپی نشان داده وازخوف المان ، اتحادِ خویش را محکم تر ساخته اند .

دول امریکائی :

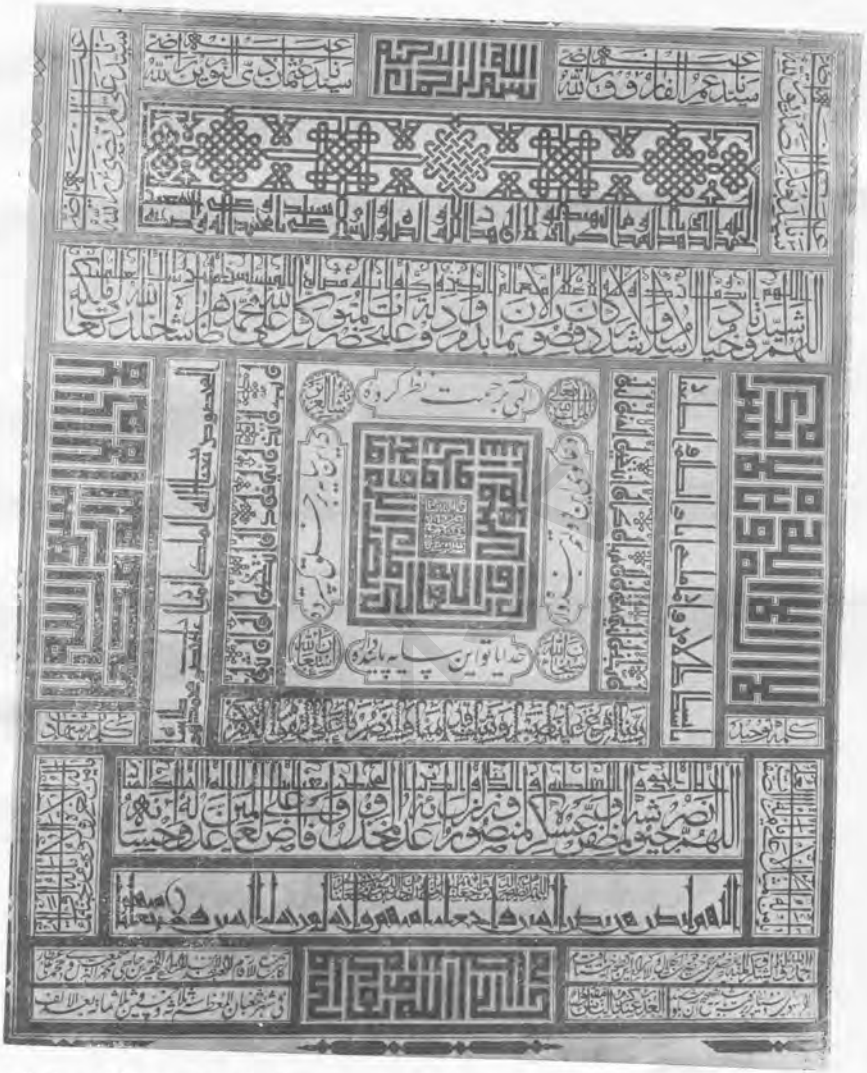
ممالك متحدهٔ امریکا

سال ۱۳۱۵ برای مملکت بزرگ جماهیر متحدهٔ امریکا ازحیث اوضاع داخلی‌ومعیشت ملی یك سال خوشی نبود. چه درسرتاسراین سال‌بحران اقتصادی وفشار های معیشتی مردمان امریکا را درعذاب داشته ، هیجانات مهمی ظهور کرده‌وعلاوه برین بسا وقائع خوب و بددیگردر آنجا اتفاق افتاده ـ بالمقابل از رهگذر سیاست خارجی ممالك متحده در کمال آرامی خاطر زیست نموده و تنها برای حفظ ماتقدم متشبث به افزودن قوای عسکری خویش گردیده تا درموقع لزوم بی فوت نباشد ونیز درجریان همین سال ممالك متحده مساعی بزرگ وقابل قدری برای تأمین صلح در امریکا بعمل آورده که تفصیل آن درقسمت امور بین المللی ذکرشده مختصری‌هم ذیلاً درضمن دیگر وقایع ممالك متحده‌ازنظر خوانندگان گرام خواهد گذشت .



از آثار متبرك مزار شریف : لوحهٔ چوبی صنعت نجاری فیروز نخجیر که در سال ۱۳۰۰ھ
ساخته ودر روضهٔ مبارك موجود است .

Inscription sur bois (19 é S.) ,au musée de Mazar-i-Charif



نمونهٔ خطاطی محمد علی خان عطار هراتی خطاط معاصر وطن که بهفت قلم مختلف بنام نامی
اعلیحضرت محمدظاهر شاه نوشته شده است

Spécimen d'écriture d'un calligraphe contemporain d'Hérat

در ۱۵ حمل (۴ اپریل) « هوپتمان » قاتل پسر لند برگ هوا باز که قضیهٔ اختطاف وقتل مذکور در ظرف ۷ سال اسباب نگرانی تمام ملت اتازونی را فراهم کرده بود ، اعدام شده ، این قضیهٔ پر پیچ ومطول خاتمه یافت . در همین اوقات حکومت امریکا معاهدهٔ جدید بحریه را امضاء نموده ، نسبت تسلیحات بحری خویش را بانگلستان و فرانسه تعین نمود .

در اوائل سال انتخابات عمومی آغاز یافته ، در نتیجه حزب دیمو کرات که رئیس آن روزولت است ، غلبه یافت و روزولت در ۱۱ عقرب (نومبر) دو باره بریاست جمهور بر قرار گردید و در ماه دلو رسماً دومین دورهٔ ریاست جمهورخویش را آغاز کرد .

درماه سنبله حکومت اتازونی معاهدهٔ پولی معروف را که مابین انگلستان و فرانسه و اتازونی منعقد شده بود امضاء کرده نرخ مبادلهٔ دالر را بمقابل فرانك فرانسه و پوند انگلیس مستقل ساخت .

بتاریخ ۲۰ قوس (۱۲ دسمبر) کنفرانس (پان امریکن) یعنی اتحاد امریکا بمقام بوینس آیرس (ارجنتائن) باثر اقدامات روزولت منعقد ومیثاق ممالك امریکائی را تصویب نموده ، بوسیلهٔ آن ممالك امریکائی صیانت یکدیگر خویش را اعتراف وهمکاری خود را در امور بین‌المللی امریکائی تعهد نمودند.

در اوائل جدی اعتصابات مهمی در کار خانه جات موتر سازی (جنرال موتر) بوقوع پیوسته ، مدت درازی طول کشید و منجر به تصادمات خونین مابین اعتصابیون وعساکر حکومتی گردید . و بالاخره باثر دادن مراعات هائی که دراثر میانهٔ روی حکومت ازطرف مالکان کارخانه جات درحق کارگران وعده شد ، اعتصابات مذکور رفع گردید .

درماه دلو رود (مسی سی پی) طغیان کرده ، هزار ها نفر را بیخانمان ساخت ومیزان تلفات به میلیارها دالر بالغ گردید وآب خیزی مدت ۵ روز دوام کرده ، باثر آن مجلس کبیر اتازونی امداد معتنا بهائی را برای مصیبت رسیدگان آب خیزی وتلافی خسارات وارده منظور نمود .

درطول این سال روابط اتازونی باتمام دول اروپائی وآسیائی خوب بوده ، مملکت مذکورقانون بیطرفی را که دراواخرسال گذشته ، اعلان کرده بود ، بدرستی مراعات نموده ، در موضوع حبشه و اسپانیه و غیره سهمی نگرفت ـ دراخیرسال نمایندگان فرانسه وانگلستان برای مذاکرات قروض حرب عمومی که به دوش شان باقی مانده ، ونیز جهت مذاکره دراطراف وسائل اصلاح ورفع موانع تجارت بین المللی واقتصادیات عمومی بامریکا عزیمت کردند ولی نتیجه تا کنون معلوم نشده است .

خلاصه ممالک متحدهٔ امریکا در طول این سال با وجود پریشانی های داخلی خویش ، درراه حفظ و تأمین صلح و رفع بحران اقتصادی ومشکلات تجارتی جهان قدمهای جدی برداشته که جامعهٔ بشریت آن را بنظر تقدیر مینگرد .

باقی ممالک امریکا

مهمترین واقعات سال ۱۹۳۵ ممالک امریکائی عبارت از انعقاد کنفرانس پان امریکن است که تفصیل آن علیحده ذکر شده و معاهدهٔ که در کنفرانس مذکور بامضاء رسیده ، بنیان صلح را مابین ممالک امریکائی تحکیم نموده و اختلافات سابقه را بالمرهٔ مرفوع ساخته است .

موزهٔ کابل

نگارش جناب احمد علیخان «کهزاد»

مترجم دار التحریر شاهی

لفظ موزه اصلاً از کلمهٔ یونانی « موزین Mouseion» گرفته شده واین کلمه درعرف یونانیان قدیم اصلاً به معبد « و مبوزها Muses» یعنی ربة الانواع افسانه ئی صنایع و درعین زمان به این مناسبت به تپهٔ که در شهر « آتن » منسوب به این ربة الانواع شده بود اطلاق میشد . پسان تر این کلمه کمی از معنی اساسی خود برامده و در عصر بطلیموس شاه مصر بیك حصه از قصر اسکندریه که درانجا علما و فیلسوفان بزرگ وقت را شاه مذکور جمع نموده بود وکتابخانهٔ بزرگی هم داشت، داده شد . آهسته آهسته با مرور زمان و مقتضیات سیر مدنیت معنی این کلمه کشاده و جامع تر شده بار اول بیك نوع مؤسسه هائی اطلاق میشد که در آن فقط آثار تاریخی قدما را جمع نموده بودند.به این معنی و به این وقت موزه فقط عبارت از یك عمارتی بود که در آن تنها یکعده اشیارا ازنقطهٔ نظر قدامت تاریخی میگذاشتند . کم کم با تحولات دیگر درین دائرهٔ اخیر هم معنی کلمهٔ « موزه » انبساط یافته و موزه ها در شعبات مختلف زندگانی بمیان آمد . مانند موزه های زراعتی فلاحتی ـ فضائی ـ بحری ـ موزه های متعدد و مختلف فنون و ادوات عسکری موزه های تخنیکی و اکتشافات قطبی و غیره و غیره . درین صورت اخیر

(موزه) و « کولکسیون » که پسان‌تر ازان کشاده‌تر صحبت خواهیم کرد در معنی مترادف هم شدند زیرا « کولکسیون » عبارت از « اجتماع یك عده اشیا » است و طوریکه دیدیم موزه های فوق هم هر کدام بجای خود یك « کولکسیون » بزرگی میباشدکه یکعده اشیاء مربوطبیك موضوع معین دران جمع گردیده است .

چون این موزه های اخیرالذکر برخلاف موزه های قدیم مخصوصاً برای مطالعات وافزایش احاطهٔ علمی شایقین تاسیس شده ومفهوم تازه‌ئی بخود گرفت بشکل مؤسسهٔ نو در آن تغیراتی بعمل آوردند و قبل ازهمه کتابخانهٔ مخصوصی به آن علاوه کردند . درین وقت موزه ها وضعیت رکود و خمود خود را از دست داده و در اثر مراجعه و مطالعهٔ ارباب ذوق شکل یکنوع مکتب یا دارالمطالعهٔ مخصوصی بخودگرفت . چنانچه موزه خانه ها درعصر حاضر بهترین محل مطالعات تاریخی - ادبی - علمی - صنعتی - تخنیکی و غیره میباشد زیرا آثار و کتب مربوطه یکجا در دسترس شایقین است .

از نیمهٔ اخیر قرن ۱۹ بایتطرف یکعده مؤسسات دیگر هم اگرچه به نام و نشان علیحده عرض اندام نموده اند در حقیقت کنار موزه را میدهند . این مؤسسات بنام هـای « گالری » « اکسپوزیسیون » و « کولکسیون » وغیره یاد میشود. وظیفهٔ اجتماعی آنها قرار آتی است : « گالری » که معنی لغوی آن اصلاً « دهلیز » است امروز فقط به موزه هائی اطلاق میشود که در آن آثار خامهٔ نقاشان ورسام های معروف را میگذارند و دیوار های بزرگ آنرا فقط به بلو های مختلف مزین میکنند .

« اکسپوزیسیون » که به اصطلاح امروزی به کلمهٔ « نمایش » ترجمه

میشود هم در حقیقت یکنوع « موزهٔ موقتی » است که تنها اختصاص به آثار تاریخی ندارد بلکه بیشتر با داشتن جنبهٔ تجارتی برای سراغ بازار مال التجاره و فروش اموال تاسیس میشود و محرك بزرگ آن درین اواخر بحران عالمگیر اقتصادی است چنانچه پشت هم درین چند سال اخیر این نمایشات در شهر های اروپا مروج شده و امسال بزرگترین آن بنام « نمایش پاریس » در پایتخت فرانسه افتتاح خواهد شد .

« کولکسیون » هم با مفهوم امروزی خود مترادف موزه شده ومیتوان آنرا « موزهٔ شخصی » یا « انفرادی » نامید و این عمومی ترین شکل موزه است که هرشخص مطابق ذوق وسلیقه و تخصص خود تشکیل داده میتواند چنانچه در اروپا و امریکا ملیون ها نفر از خود کولکسیون ها دارند و مطابق ذوق خود هر کسی از مسکوکات و تکت پسته گرفته تا پروانه و حشرات و هزاران چیز دیگری که در فکر ما هم هنوز خطور نکرده است جمع آوری میکنند واین شوق در بعضی پول دار ها با مرور زمان بدرجهٔ زیاد شده که تمام دارائی خودرا درین راه وقف نموده‌اند چنانچه اکثر موزه های بزرگ دنیا که امروز بینندهرا واله میسازد دراوائل کولکسیون شخصی کدام صاحب ذوق ثروتمندی بوده که در زندگانی و یا بعد از مرگش بدست دیگری افتاده و یا از جنبهٔ اهمیت، حکومت آنرا خریداری کرده و احاطهٔ آن وسعت یافته و مبدل بیك موزهٔ عظیم الشان گردیده است .

حالا که قرار فوق مختصراً معنی کلمهٔ (موزه) و تحولاتش گفته شد میرویم به اصل مقصد که موزه در افغانستان چه وقت بمیان آمده و آثار موضوعهٔ موزهٔ فعلی کابل عبارت از چیست ؟

موزه از نقطه نظر شق (عتیقه فروش) antiquaire درافغانستان در زمانه های قبل الاسلام وجود داشت زیرا در بامیان که برای زوار خارجی مثل یك (موزهٔ مذهبی) بود در مجاورت مجسمه های بزرگ دکانهائی وجود داشت که (بنام یادگار بامیان) هیکل های کوچك ومجسمه های بزرگ و مینیاتور های تصاویر رنگه و دیگر تصاویر عجائب نقاشی ، مهندسی رسامی این محل معروف را میفروخت چنانچه نمونه های کوچك مجسمه های بزرگ بامیان ذریعهٔ زوار تا به جاپان هم رسیده است . همین طور هیچ شبهه نیست که در هده هم بوده باشد زیرا بزرگترین مکاتب و کارخانه های هیکل تراشی این مقام حتماً مغازه هائی داشته که مانند عتیقه فروشان امروز آثار گران بهای این جا را به زوار و ارباب ذوق میفروخت .

موزه به معنی (کولکسیون شخصی) هم در افغانستان بی سابقه نیست بلکه از چندین قرن باینطرف همیشه صاحبان ذوق زیادی درین دیار زیسته و هر کدام به گرد آوری آنچه علاقه داشته زحمات زیاد کشیده و اگرخوب موضوع کولکسیون ها مطالعه شود دیده میشود که مانند ذوق واحدی که تا این اواخر بیشتر در عالم شرق رواج داشت همه جنبهٔ ادبی داشته مانند کولکسیون های کتب قلمی ، کولکسیون های اشعار نایاب در بیاض ها وجنگ ها ، کولکسیون های مینیاتور وعکس‌ها ، کولکسیونهای نمونه های خطی خوشنویسان بزرگ ، کولکسیون گزها ونباتات قشنگ بالاخره کولکسیون البسهٔ ملی و مسکوکات و تکت پسته وغیره . یك چیز دیگری که بیشتر ذوق ملی و روح شهامت قومی مارا ارائه میکند و بیشتر اختصاص به افغانستان دارد کولکسیون اسلحه است چنانچه

از زمان قدیم این رویه معمول بوده و امروز در اکثر خانه ها نتیجهٔ کولکسیون اجدادی آنها به سلیقهٔ فشنگی موجود است . ذوق کولکسیون خوشختانه در بین سالهای اخیر در مملکت ما بیشتر ترشده و امروز ارباب ذوق بسیار چیز های دیگری را که سابقاً به آن اهمیت داده نمیشد میخرند جستجو میکنند و با ذوق شخصی خود کولکسیون میسازند .

بالاخره موزه به معنی مختصهٔ حفظ آثار تاریخی اگر چه بار اول در ۱۲۹۷ هـ یعنی ۱۰۹ سال قبل تاسیس شده لیکن شاهان با ذوق افغانستان با سلیقهٔ شاهانهٔ خویش قبل از این تاریخ کولکسیون های بزرگ شخصی داشتندکه هر کدام اهمیت یك موزه را حایز بود چنانچه « میخ زین ها » و « صندوق خانه های جنسی » بزرگ سلطنتی از موزه گران بها تر و چیزهای نادر و قیمت دار درانجا پیدا میشد ، و طوریکه ذیلاً خواهیم دید شالودهٔ اساسی موزهٔ فعلی کابل ما را همین کولکسیون های شخصی و آثار صندوقخانه های جنسی قدیم انها تشکیل داده است .

موزه قراریکه بالا ذکر کردیم رسماً باراول درسال ۱۲۹۷هـ ش تاسیس و عمارت اولیهٔ آن عمارت تاریخی « باغ بالا » بود که به سه کیلو متری غرب کابل بالای تپه در میان تاکستان فشنگ ۹ برجه افتاده و تعمیر آن یادگار عصر سلطنت اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان مرحوم است . موزه در بدو تاسیس خود مربوط به « شاه آقاسی » حضور پادشاه بوده و اولین مرحلهٔ مدیریت آن به جناب غلام محی الدین خان مدیر فعلی موزه و جشن سپرده شده بود و آثار اولیهٔ آن را عموماً کولکسیون های شخصی شاهان افغان ومحتویات صندوق خانه های جنسی تشکیل میداد

یعنی آنچه در موزه دیده میشد تماماً کتب قلمی ، زره و خود و اسلحه و البسهٔ ملی شاهان و اقوام غیور افغان ، زر دوزی ها ، خامك دوزی ها مبل و اثاث البیت ، علمهای جهاد ، صندوق های عاج و چوبی منبت شده بساط های شطرنج ، نمونه های خطی ، ظروف و مسکوکات وغیره ازین قبیل چیزها بود . موزه در سال ۱۲۹۹ از دائرهٔ شاه افاسی شاه منفك و به وزارت معارف مربوط گردید چنانچه مانند تشکیلات سائر ممالك تاحال بموزارت معارف مربوط است .

درسال ۱۳۰۰ هـ ش مطابق ۱۹۲۲ مسیحی پس ازینکه امتیاز حفریات به هیئت علمی فرانسه داده شد وضعیت محتویات موزهٔ کابل تغیر کرد زیرا قراریکه بعد ها مفصلاً خواهیم دید ازآن تاریخ بعد دراثر کاوش های علمی که شده رفت آثار گران بهائی ازسینهٔ خاك بیرون آمد طوریکه امروز یکحصهٔ بزرگ اهمیت موزهٔ مابه آن منسوب است .

در ۱۳۰۳ موزهٔ کابل از (باغ بالا) تغیرمحل داده وبه نفس کابل درداخل ارگ شاهی در عمارت قشنگ وتاریخی دیگر که وجود آن ازلحاظ ظرافت منحصر به فرد است ومعمولاً (سراچه) یا (کوتی باغچه) خوانده میشود انتقال یافت ـ موزه شش سال حیات خود را دراینجا گذرانیده این زمانی بود که تازه سروصورت آن قشنگ شده بود زیرا بعلاوهٔ اینکه آثار اسلامی و ملی آن بیشتر شده بود دراثر حفریات هده وبگرام ونتیجهٔ فوق العاده که ازنقطهٔ اول الذکر بدست آمد قسمت آثارقبل الاسلام آن هم یك دفعه دوبالاشد زیرابالا انتظاروتصور، طوریکه موسیو گودار میگوید (یك موزهٔ آثارصنعت گر یك و بودیك) مکشوف شده وهزاران مجسمه گك های قشنگ چونه ئی ، سنگی ولوایح مهم تاریخی دیگر به

موزه انزوده شد . اگرچه بواسطهٔ عدم وقت ترتیبات اصولی آثارجدید فوق عملی نشده بود معذالك موزهٔ کابل درین وقت بلامبالغه یکی ازغنی ترین ومهمترین موزه های مشرق حساب میشد . ـ انقلاب ۱۳۰۷ـ ۱۳۰۸ طوریکه اکثر مراکز علمی ، مکاتب ـ لابراتوارها « کیمیاخانه» ـ کتابخانه های ملی وشخصی واکثر عمارات تاریخی مارا به آتش خود سوخت موزهٔ ماراهم امان نداد وچون این موسسه در داخل ارگ سلطنتی بود بیشتر مورد حمله قرار گرفت و درنتیجه آثار گران بهای آن بدست های ازخود وبیگانه افتاده وآخرکار به جاهای باز نا گشتنی رفت . بعد ازروز گارشباه انقلاب خوشبختانه وضعیت بحران انگیز موزهٔ ماهمد ازتلفات زیاد خاتمه یافته وباعصر اصلاحات سلطنت اعلیحضرت محمدنادرشاه فقید رحمت الله علیه جراحات دل پاره پارهٔ این موسسهٔ تاریخی هم رویه التیام گذاشت وچون محل موزه در داخل ارگ سلطنتی مناسبت نداشت وازطرفی جای آنهم بسیار خورد بود دراواخر ۱۳۰۹ یکی از بزرگترین عمارات جدید دار الفنون به شش کیلومتری جنوب غرب کابل انتقال یافت این عمارت اساساً خیلی برای موزه موزون است چه ازحیث داشتن مدخل بزرگ ، محوطهٔ نیم دایره ، دهلیز های طولانی ، زینه های پربر وعریض ، اطاق های وسیع وروشن ، طبقات متعدد به مقتضیات این موسسه موافق است وبیننده را حتماً زیرتاثیر میگیرد .

برای جبران تلفات وارده پس ازینکه وزارت معارف مجدداً تاسیس شد از طرف حکومت پول هنگفتی برای موزه هم اختصاص داده شد تا دردایرهٔ امکان ازآثارقدیم آن واشیای جدید خریداری شود چنانچه درمیان کتب وآثار اسلامی بعضی چیزهای قدیم که بدست آمده دوباره خریداری شده است . ازپول هنگفتی که فعلاً درین سنوات اخیر ، مخصوصاً درسال جاری در بودجهٔ وزارت معارف

برای موزه اختصاص داده شده بخوبی معلوم میشود که حکومت فعلی ما در حفظ آثار وافتخارات ملی چه در موزه و چه در حفاظهٔ ابنیهٔ تاریخی اهمیت فوق العاده میدهد وبعلاوهٔ بودجهٔ مخصوص موزه درنگهداری عمارات باعظمت گذشتهٔما ازدگر کمک‌های مادی ومعنوی هم‌خود دارای نمیکند چنانچه درین چندسال خارج از بست‌وزارت معارف‌درمرکزوولایات‌مملکت مقبرهٔ شاعروحکیم‌بزرگوارمشرق «سنائی» غزنوی و آثار باعظمت بامیان و مقبرهٔ شهیدشاه بزرگ افغان احمد شاه بابا و مبرویس بابای هوتکی زعیم بزرگ ملی و مزار متبرك خضرت نبیم ، مقبرهٔ بابرشاه ، شهرتاریخی بلخ ، بالاحصار کابل ، مزارشاه دوشمشیره وبسیار عمارات تاریخی دیگر ترمیم وآبادشده وروی هم‌رفته علاقهٔ حکومت متبوع مارا در حفظ شئون افتخارات ملی‌ارائه میکند .

روی هم‌رفته پولی که در ۱۳۱۰ برای موزه دربودجه وزارت معارف منظوری یافته است مبلغ زیاد و معتنابه است که برای ادارهٔ فعلیهٔ مو ز یم کابل کافی شمرده میشود .

❀

❀ ❀

موزهٔ کابل باتمام تحولات که درین عمر ۲۰ سالهٔ حیات رسمی خود دیده وتلفات وارده وباز اصلاحات وترمیماتی‌که درآن بعمل‌آمده بصورت مجموعی ازنقطهٔ‌نظر عصری‌که اشیابدان تعلق دارند به دوحصهٔ تقسیم میشوند ، یکی‌حصه ویا آثار اسلامی و دیگرحصهٔ ویا آثارقبل الاسلام . اگرچه عمارت دومنزلهٔ موزه مادهٔ زمینهٔ خوبی برای جدائی آثار این دوعصرفراهم کرده و بصورت عمومی تاجائی این منظور مراعات هم شده چنانچه آثار عصراسلامی در منزل فوقانی و آثار عصر قبل الاسلام درمنزل تحتانی میباشد .

آثار عصر اسلامی

آثار اسلامی موزهٔ کابل که عموماً در ابتداء شالودهٔ این موسسه را تشکیل میداد و تا چند سال اولی غیر ازان چیز دیگر در موزه نبود عموماً عبارت است از :- قرآن های شریف قلمی بخط کوفی و عربی ، کتب قلمی و مینا توری - اسلحه والبسه شاهان واقوام مختلف افغان ، نمونه های خطی ، ظروف مسی عصر تعالی غزنی و غور ، خامك دوزی و سوزن دوزی ، آثار نقاشی غزنی ، ظروف و اشیای سنگی قندهاری و غیره غیره - این طور اشیا چون قبل از انقلاب در موزه وجود داشت و چشم متهاجمین هم به اهمیت آنها اشنا بود بیشتر صدمه کشیده و تلفات داده معذالك آنچه موجود است معروف ترین آن بصورت خلص قرار آتی است :-

درمنزل بالا دراطاق تبرکات اشیای مقدسه :

نمره ۸۳/۱ :- بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا عثمان رضی الله تعالی عنه

نمره ۸٤/۲ :- بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا علی کرم الله وجه

نمره ۸۵/۳ : بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت امام حسن رض

نمره ۸٦/٤ :- بعضی آیات قرآن کریم بخط عربی در پردهٔ دل آهو.

نمره ۸۷/۵ :- بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت علی رض

❀ تصاویر آثار مهمهٔ موزهٔ کابل درسالنامه های گذشته درج شده بنابران ازتکرار آن صرف نظر نموده تنها درج تصاویر تقسیمات داخلی موزه وحصص مخصوصهٔ هردسته اشیاء را کتفاء گردید .

نمره ۹۰ : - سه جلد قرآن شریف بزرگ که ازروی قران خط کوفی حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه عکس گرفته شده .

نمره ۹۱ : - قرآن مجیدمترجم رسم الخط کوفی کاغذ نباتی خانبالغ ازاول سورهٔ شعرا و ترجمهٔ آن بخط نسخ عربی که ازنواحی خرابه های شهر غلغلهٔ بامیان در ۱۳۳٤ هجری قمری پیداشده .

نمره ۹۹ : - عکس نامهٔ حضرت سرور کائنات بنام مقوقس مصری .

نمره ۹٦ : - عکس نامهٔ حضرت پیغمبرما محمد مصطفی صلی الله علیه وآله اسلم عنوان مندز بن ساوی ملك بحرین بخط کوفی .

کتب معتبر قلمی کتابخانهٔ موزه (منزل بالا) :

هفده کتاب در یك وقایه :

این هفده کتاب عبارت است ازآثارسه شاعرنامی بزرگ ، مولانا جامی - نظامی گنجوی - امیرخسرو دهلوی واسمای آن قرارآتی است : هفت اورنگ جامی (سلسلة الذهب - سلامان وابسال - تحفة الاحرار - وسبحة الابرار - یوسف زلیخا - لیلی مجنون - خرد نامهٔ اسکندری) خمسهٔ نظامی (مخزن الاسرار - خسرو شیرین - لیلی مجنون - هفت پیکر - سکندرنامه) خمسهٔ امیرخسرو دهلوی (مطلع الانوار - خسرو شیرین - لیلی و مجنون - هشت بهشت - آئینهٔ اسکندری) این مجموعهٔ نفیس تماماً مصور ومطلا است و کتابت آن در ۸۹۹ ه تمام شده است .

مثنوی مولوی :

اثر مولانا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین بلخی است که در ٦۷۲ وفات نموده اند . این کتاب گران بها شامل شش دفتر - هفت دیباچه و شش فهرست و یك مقدمه است .

دیوان بیدل :

خط نستعلیق و مجدول به آب طلا در قریهٔ (عجدوان بخارا) در سنه ۱۲۷۸ ه نوشته شده ، واز طرف سید عالم خان امیر بخارا بحضور پادشاه افغانستان امیر حبیب الله خان شهید بصورت هدیه تقدیم شده است ،

دیوان خواجه حافظ :

مصور و مجدول به آب طلا ـ خطاط و مصور آن محمد محسن نام دارد و در ۹۰۷ ه بنام سلطان حسین میرزا پادشاه هرات نوشته شده است .

بهارستان جامی :

در سال ۸۹۲ تالیف و در ۹۸۳ هجری بقلم علی رضا نام تحریر شده .

بوستان شیخ سعدی :

به خط میر عماد الحسینی در ۱۰۱۳ ه تحریر شده است .

عین الایمان :

جناب سعدالدین صاحب پای مناری متصوف قرن ۱۳ هجری بقلم خودشان .

بوستان سعدی :

مذهب ومجدول بخط علی الا لحسینی که در ۹۲۱ه تحریر آن تمام شده است .

تاریخ سلطان ابوسعید بهادر خان :

که یکی از پادشاهان قرن ۸ هجری افغانستان است و در ۹۸۱ بقلم عبدالحمید نام نوشته شده .

یوسف زلیخاء :

ناظم هروی بخط شکسته ترکستان .

حمام بندی شیخ سعدی :

به خط نستعلیق خطاط معروف میر عطا محمد شاه آقای قندهاری متوفی در سنه ۱۳۴۱ هجری .

کتاب غزلیات سعدی :

بخط میر محمد بن علی که در ۱۰۱۲ه تحریر ودر ۱۳۳۷ه ازطرف امیر بخارا بحضور امیر حبیب الله خان شهید پادشاه افغانستان تقدیم شده .

مینا تور و نمونه های خطی :

اگرچه در میان کتب فوق الذکر بسیاری مصور وحایز مینا تور میباشند علاوه بران در موزهٔ کابل در منزل تحتانی دهلیز طرف راست یك اطاق برای آن مخصوص شده و بر علاوه به دو طرفهٔ زینه که به منزل فوقانی میرود هم در میان چوکات های عدیده مینا تور ها مشاهده میشود . بد بختانه از ین قسمت ، موزهٔ کابل بیشتر در انقلاب تلفات داده ومخصوصاً آثار گران بهای بهزاد هروی کتاب شده . فعلاً آنچه در اطاق مخصوص و سر زینه دیده میشود اثر خامهٔ سائر استادان هراتی ـ کابلی و طن و بعضی هم سبك هندی و بخارائی و معرفترین آن قرار آتی است :ـ

نمره ۵۹ قطعه‌میناتور حالات حضرت یوسف علیه السلام وزلیخا وعزیزمصر .
مجلس امیر تیمور کورگان با وزرا و ارا کین دولتش .
شبیه میر علی هروی متوفی در ۸۶۶ هجری .
شبیه ملا دو فیضه عالم معروف قرن ۱۱ هجری .
سواری شاه جهان بر فیل .
شبیه اکبر شاه ثانی وغیره غیره که دراین‌جا تذکار آن بطول می‌انجامد .

از جملهٔ نمونه های خطی معروفترین آن قرار آتی است که در دیوار سمت راست محوطهٔ نیم دایرهٔ دم مدخل موزه نصب است :ـ

نمره ٤٩ رسم‌الخط میرعلی‌هروی ـ نمره ٤٦ قطعه خطعبدالرحمن الحسینی ـ نمره ٥١ قطعه خط حسن شابلو ـ نمره ١٥٠ قطعه خط (کلمهٔ شهادت) بقلم جلی‌سید عطا محمد شاه قندهاری خطاط معروف عصرسراجیه وغیره وغیره .

ظروف و اشیای فلزی غزنی و غورات :

غزنی پایتخت زیبای سلطان محمود که درعالم اسلام درزمان ترقی وشکوه خود با بغداد پایتخت خلفای اسلا می‌همسری میکرد بعلاوهٔ مینارها وآبدات، منارات و لوائحی که امروز در شهر قدیم آن مشاهده میشود آثار گران بهائی از آن‌مدنیت مشعشع دردل خاك پنهان است‌چنانچه باوجودیکه هنوز حفریات علمی درآ نجانشده‌سا کنین محلی همیشه حین‌خاك کنی وکشت و کار شواهدی دیده وآثاری‌یافته اند . خوشبختانه آثاریکه از غزنی تاحال پیدا شده ومیشود اکثراً فلزی است وباین مناسبت درمقابل گرند زمان واثرات ثهٔ زمین خوب‌تر مقاومت توانسته اند . همچنین غورات که در مدنیت اسلامی همسر غزنی است ازین قبیل آثار زیاد دارد که مشت نمونه خروار چند ظرفی تاحال به موزهٔ کابل رسیده است . آثاری که ازغزنی وغورات بدست آمده دردهلیز طبقهٔ اول موزه روی میزهای آئینه دار گذاشته شده ومهمترین آن قرارآتی است :

میز اول دهلیز طرف راست :

نمره ٦٣ ك ت : پلهٔ ترازوی برنجی : دروسط آن درمیان ١٢ دائرهٔ کوچك اشکال بروج قمری و درحاشیهٔ آن مضمونی بخط کوفی مرقوم است .

نمره ٢٨ ك ت : چراغ برنجی که ازغورات بدست آمده .

نمره ٦٧ ك ت : چراغ کوچك دستی دسته دارتیل دانی‌نما که ٢ نیم انچ بلندی دارد واز غور پیدا شده واثر کار اوائل قرن ٦ هجری میباشد .

نمره ۱۱۵ : پایهٔ چراغ بلند برنجی آثار قرن ٤ هجری غزنی .
نمره ٦٦ ك ت : چراغ دستی ، دسته وپایهٔ آن شکسته خط کوفی هم دارد واز غزنی پیدا شده .

میز دوم :

نمره ٦٥ ك ت : کرائی بزرگ . قطر دائرهٔ آن ۳۷ سانتیمتر بلندی ۱۸ ونیم سانتیمتر : درقسمت داخلی درتهٔ آن مانند پلهٔ نرا زوی فوق‌الذکر اشکال بروج قمری و در حاشیهٔ داخلی مضمون ذیل به رسم الخط کوفی تحریر است :

(البرکة والبضاعة والثروة والسعادة والعظمة والسلامة والنصرة و الندرة والنعمة والثمرة) ـ در قسمت خارجی درپشت کرائی هم مضمونی به رسم الخط کوفی نقش بوده ولی خوب خوانده نمیشود . این ظرف از غزنی پیدا شده وکار قرن ٤ هجری است .

بطنوس منقش وبرنجی که در حاشیهٔ آن چیزی بخط لاتین قدیم تحریر است واز غزنی پیدا شده .

دو قاب نظیر هم ، کار قرن ٤ ـ ٥ هجری ـ در وسط تصویر شیر ودر حاشیهٔ آن این مضمون بخط کوفی نوشته است : (بالیمن والبرکة والدولة والسلامة والسعادة وتسود الکرامة) .

قاب ١٦ رخ برنجی اثر کار قرن ٥ هجری ـ در وسط (بالعافیه) نوشته است .

جام مسی ، رباعی درحاشیهٔ خارجی آن بفارسی نوشته است که سه مصرع آن بخوبی خوانده میشود :

در سر هوس چو جام داری با لاله رخان ارغوانی
ایام گل است و مهربانی . . . . . .

این جام اثر دست مسگران هرات است وچندان قدیم معلوم نمیشود .

نمره ۶۰/۲۵۴ : ـ پارچهٔ سنگ رخام : تکهٔ قسمت فوقانی گلدسته ایست که بهردوطرف آن هنوز کلمهٔ (الله) خوانده میشود . تنها پارچهٔ سنگی است که بنای باشکوه وزیبای (قصر فیروزهٔ) غزنی را نمایندگی میکند .

میز های سمت چپ دهلیز :

نمره ۸۰ ك ت : سماوار برنجی از تفاع ۲۸ سانتیمتر وعرض ۱۸ سانتیمتر . درسال ۳۶۶ هجری مطابق ۹۴۷ عیسوی در غزنی ساخته شده و در حصهٔ فوقانی درسر پوش خود نوشتهٔ کوفی دارد .

نمره ۶۵ ك ت : دو سماوار بی دود رو برنجی سیاه شده که در ۱۳۱۲ از شهر غزنی پیدا شده ودر حاشیهٔ سرپوش خود نوشتهٔ کوفی دارد .

از اقسام ظروف بعلاوهٔ چیز هائیکه از غزنی وغورات پیدا شده از سائر جاها هم بعضی تکه ها درموزه موجود است مانند بعضی سماوار های بلخی بدخشی وبعضی جام ها وظروف دیگر که حین تسطیح سرك شکاری کشف شده است .

اسلحه :

موزهٔ کابل برای حفظ اسلحه که صنعت آن در مملکت ما برطبق روحیات ملی همیشه ترقی شایانی داشته اطاق خیلی بزرگی در منزل فوقانی موزه تخصیص داده . درین اطاق از ازمنهٔ قرون وسطی گرفته تاحال زره ـ خود ـ تیرو وکمان ـ شمشیر ـ کرج ـ تلوار ـ خنجر ـ سپلاوه ـ سپر ـ علم‌های جهاد ـ تفنگ های مختلف که از حیث وزن نسل معاصر آنرا برداشته نمیتواند

باترتیب وسلیقهٔ مخصوصی چیده شده که هر بیننده حتماً جذب تولید میکند ودرمیان آن یادگارهای خوبی از شاهان سیاهی منش و عساکر و دلاوران ملی افغان موجود است وبعضی را درین جا بطور خلاصه یادهانی میکنیم :

سینه بند وخود برنجی اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم : خود مذکور درمقابل ودوطرف خود سه عدد نشان دارد و اشکال آن عبارت از روی شیر است که موهای گردن آن مثل خوشهٔ گندم دراطراف حلقه بسته .

قبهٔ بیرق امیر دوست محمد خان مرحوم : که به دوطرف خود نوشته دارد وسنهٔ آن ۱۲۷٤ هجری است . طرف راست « یاحی یاقیوم ـ من صبر ظفر نصر من الله وفتح قریب وبشر المومنین سلام قولاً من رب الرحیم »

طرف چپ « بسم الله خیر الاسماء ـ یافتاح ، انا فتحنا لبشوا ـ نصر من الله از قفا ـ سالم رود نافع بیا ـ والله خیرا حافظا .

نمره ۳۸ / ٤٥ پیش قبض امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم .

نمره ۳٦ / ۳٤ شمشیر امیر شیر علیخان مرحوم .

نمره ۳٥ / ٤۲ خنجر وزیر اکبرخان غازی .

نمره ۳۷ / ٤٤ شمشیر امیر عبدالرحمن خان فاتح کافرستان

نمره ٤۷ / ٤۱ تفنگچهٔ امیر عبدالرحمن خان مرحوم .

نمره ۷۹ / ۸۸ بیرق نظامی عصر امیر عبدالرحمن خان مرحوم . پارچهٔ آن سبز و سرخ و در وسط آن دایرهٔ پارچهٔ سفیدی است که در وسطش محراب ومنبر واطراف آن در دایرهٔ دوم « بیرق افواج نظام دولت افغانستان » تحریر است .

مامورین شعبهٔ عتیقه شناسی که در حفریات اخیره با هیئت فرانسوی همراه بوده اند

Les memdres afghan de la mission archéologique qui ont dernierement dirigé des fouilles pratiquées au Seistan et au Koundouz.



ص ، محمد عزیز خان رسام و عضو ادارهٔ حفریات



ص، غلام محی الدینخان مدیرموزه و حفریات



ص، محمد اسلم خان عضو ادارهٔ حفریات



اطاق آثار هده در موزهٔ کابل

Musée de Kaboul : La salle de Hadda

نمره ۸۱ / ۹۰ علم سیاه عسکری یادگار مقدس جنگ استقلال در محاذ وزیرستان وفتح « تل »

نمره ٤١ / ٣٤، ٥ عدد بیرق های ملی اقوام افغان و یادگار کامیابی های دلاورانهٔ هموطنان ما در جنگ ۱۲۹۸ ه «میوند »ـ متن پارچه های این علم ها آبی، حاشیهٔ آن سفید و در وسط متن آبی دایرهٔ سفید دیده میشود ـ نوشته ندارد .

علاوه بر اشیای فوق بصورت متفرق طوپ های قدیمه ـ تفنگ های طلاکوب شمخال ـ زره ـ سپر ـ خود ـ بارود دانی ها و غیره چیز های متفرق زیاد است

اشیای سنگی قندهار :

قندهاری‌ها همان طور یکه درمیان اهالی‌وطن ما به نظافت وخوشگذرانی و سلیقه در تزئینات البسهٔ ملی معروف اند در صنایع ظریفه هم شهرتی دارند چنانچه خاملك دوزی ـ زردوزی ـ حجاری ظروف سنگی و اشیای لطیف و فشنگ شاه مقصودی ـ ظروف مسی آن شهر زیبا از تمام مملکت ما شهرت بسزا دارد ـ اگرچه بد بختانه موزهٔ کابل در شعب مختلف فوق الذکر عجالتاً آنقدر اشیا ندارد که بصورت کامل مقام ذوق صنعتی اهالی قندهار را نشان داده بتواند زیرا برای این مطلب یك موزهٔ مستقل ضرور است که بتازگی درقندهار تاسیس شده معذالك بعضی آثاریکه اکثر آن سنگی است برای ارائهٔ ذوق صنعتی اهالی قندهار موجود است از انجمله دو تخته دروازهٔ مرمری است که یکی از استادان اخیر قندهار محمد حسن نام در ۱۳۰۰ هجری قمری ساخته و کمال مهارت چکش و قلم اورا ثابت میکند . غیر از ین سائر اشیای سنگی که در دهلیز

قسمت فوقانی عمارت موزه گذاشته شده عبارت از کاسه‌ها ـ جام ها ـ غوری ها ـ بشقاب ها ـ سگرت دانی ها ـ گلدانی های سنگ یشم است که بدون نقش و نگار بصورت خیلی ساده ساخته شده و از حیث شکل و اندام و نازکی جدار و شفافی خیلی قابل تمجید است . در میان اشیای سنگی قندهار نکهٔ مهمی که باید ذکر گردد و بعقیدهٔ بنده در میان اشیای عصر اسلامی موزهٔ کابل خیلی مهم است یك دیگ بزرگ سنگی است که قرار احتمال پیش از عصر اسلام هم بصورت ساده موجود بوده و درعصر اسلامی در سفحات داخلی و خارجی آن شرح مبسوطی بزبان عربی نوشته اند و اطراف لبهٔ خارجی آنرا به ۲۴ ضلع تقسیم نموده اند . ازتر جمهٔ مضامین عربی آن تا جائی که خوانده شده معلوم میشود که این دیگ بزرگ بکدام مدرسهٔ قندهار وقف شده است .

از خامك دوزی ـ زر دوزی ـ چکن دوزی ـ سوزنی و غیره کارهای دوخت که در قندهار و تمام افغانستان مروج و هر قبیله و نقطهٔ افغانستان اختصاصات متمایزی دارند چیز زیاد در موزه نیست جز چند پارچهٔ خوب و دی که در یك اطاق مخصوص در منزل فوقانی گذاشته شده و عبارت است از : ـ

نمره ۲۰۹ ابر یشم دوزی اهالی وردك ـ نمره ۲۱۱ ابر یشم دوزی اهالی هرات که اصلا پارچهٔ پیراهن زنانه بوده و آنرا بطنوس پوش ساخته اند .

نمره ۱۴۳ صنعت چکن دوزی بلخ ـ نمره ۲۰۸ سوزن دوزی اهالی میدان بالای پارچهٔ پنبه‌ئی سفید به ابر یشم سرخ و آبی و زرد کار شده ـ نمره ۱۳۹ کمربند و دو کیسهٔ پول سوزن کاری اهالی غزنی نمره ۱۱۰ ابر یشم کاری اهالی وردك .

نمره ۲۰۷ پارچهٔ بقدر ۲ سانیمتر مربع که از تیهٔ مرنجان در ۱۳۱۲ در ضمن کشف مسکوکات طلای شاهان کوشانی پیدا شده و نظیر آن چندین عدد

بود که درمیان هردو سکه یکدانه ازان گذاشته شده بوده و مربوط به عصر قبل الاسلام است .

باقی اگرچه دربن‌مورد چیز های دیگر گفتنی زیاد است، بواسطهٔ ضیق صفحات این‌مقاله ازان صرف نظر نموده به ذکر بعضی آثار شق دوم موزه یعنی اشیای عصر قبل الاسلام می پردازیم :

آثار عصر قبل الاسلام

آثار عصرقبل الاسلام که درموزهٔ کابل بعد ازانقلاب روبه کثرت گذاشته وامروز قسمت بزرگ منزل تحتانی موزه را اشغال نموده از سالهای اخیر زمان قبل از انقلاب هم به تعداد زیاد وجود داشت زیرا پیش از بحران ۱۳۰۷ـ ۱۳۰۸ هم چند جائی مثل هده ـ بگرام ـ پایتاوه ـ حفریات شده و آثار فوق العاده زیاد خصوصاً از هده وبگرام بدست آمده بود چنانچه تعداد آثار هده از صد ها گذشته به هزار ها رسیده بود ، از میان آثارنقاط فوق الذکر حین انقلاب آثار هده بیشتر تلفات داده وصدمه کشیده زیرا چون آثار این جا عموماً چونه ئی وزود شکن بوده نسبت به آثار سنگی بگرام و پایتاوه در اثر صدمات وارده زود تر شکسته است ولی چون تعداد آن زیاد بود باوجود تلفات هنوز نسبت به آثار و شواهد تاریخی تمام نقاط افغانستان اشیای مکشوفهٔ هده بیشتر است وسه دالان بزرگ را در منزل تحتانی موزه در دهلیز سمت چپ اشغال نموده است .

بعد از انقلاب چون دامنهٔ حفریات دوبارهٔ انبساط یافت ویك رشته کاوش های علمی در بامیان ـ نقاط اطراف کابل مثل تپهٔ مرنجان ـ کوتل خیر خانه

تپهٔ خزینه ـ نجراب ـ لوگر ـ غوربند وغیره نقاط وطن بعمل آمده نتایج آن ذخیرهٔ آثار قبل الاسلام موزه را خیلی وسعت داد . روی هم رفته آثار عصر قبل الاسلام که امروز درمنزل تحتانی موزه چندین اطاق را اشغال نموده وعامل شهرت موزهٔ کابل درنظر مد قبین خارجی میباشد بلا استثنا ازهر نقطهٔ افغانستان که بدست آمده باشد تاحال فقط محدود به یك دورهٔ معینی است که از حوالی قرن اول مسیح الی قرن ۸ را در برمیگیرد و از نقطهٔ نظر دیانت ومدنیت تمام آن به استثنای هیکل های چوبی نورستان که از آنها آتیاً بحث خواهیم نمود و بعضی مجسمه گلك های کوچك گل پخته که از شهر بانو و خلم قدیم حوالی تاشقرغان فعلی بدست آمده مربوط به دیانت بودائی است که مدت هشت صدسال درین سرزمین رواج داشت زیرا حفریات قصداً تا حال در همین دورهٔ مدنیت شده و آثار هم از همین دورهٔ معین تا حال در موزه جمع شده است .

(تا گفته نماند که حفریات دردوره های مدنیت قدیم تر افغانستان تازه شروع شده و شواهدی که از نادعلی و سایر نقاط سیستان افغانی بدست آمده عجالتاً تا ٤ هزار سال قبل ازمسیح میرسد ، لیکن تاحال هنوز پوره مطالعه نشده و به این لحظ در موزه محفوظ و طرف نمایش هم قرار داده نشده است) .

پس اگرخواسته باشیم که فهرست مکمل اشیای موجودهٔ عصر قبل الاسلام افغانستان را درین مختصر محض نام ببریم امکان ندارد زیرا از گنجایش این مقاله بمراتب بلند تر است لذا با اختصار لازمه و با مراعات تاریخ حفریات ، آثار برجستهٔ نقاط مختلف افغانستان را که فعلاً درموزهٔ کابل موجود است ذیلاً بیان میکنیم :

آثار هده :

هده که به ۸ کلو متری جنوب شهر فعلی جلال آباد واقع و حفریات آن در سال ۱۳۰۲ به ابتای «موسیو فوشه» رئیس هیئت حفریات فرانسه ذریعهٔ « موسیو گودار » شروع و « موسیو برتو » آنرا ادامه داد ، از نقطهٔ نظر مواد و دسته آثار داده است ، گچی و سنگی . چون کار گچ سهل تر و قالب گیری هم دست هیکل تراشان را سبك تر ساخته است نسبت به آثار سنگی اشیای گچی خیلی متعدد و فشنگ تر اند . آثار هده مخلوط با اشیای بکرام و پاتاوه طوریکه پیشتر گفتیم در دهلیز سمت چپ موزه در سه اطاق چیده شده که دوی آن مهمتر است . اگر چه ما درنظر داشتم که درا ینجا بصورت مختصر آثار برجستهٔ هر اطاق را علیحده ذکر کنیم ولی چون ترتیب فعلی بیك حال نمی ماند از ذکر جای اشیائیکه چندان اهمیت هم ندارد صرف نظر نموده با تذکر نمرهٔ هر پارچه بعضا اهمیت آن می پردازیم :

(۱) آثار گچی :

نمره ۲۰۹ پارچهٔ مکعب سنگ گچ ـ طول ضلع آن ۳۰ سانتیمتر وارتفاع آن ۲٤ سانتیمتر : این پارچه بچهار طرف خود قرار ذیل چهار صحنه دارد

(۱) بودا در حال راه کردن فیل ـ

(۲) بودا زیر درخت « بودهی » ـ

(۳) بودا و طفلی که پیشگوئی کرده میگوید که امپرا طور آشوکا خواهی شد و بودا به او مشت خاکی میدهد ـ

(٤) برهما ـ اند را ـ و بودا

نمره ۲٤٤ : مجسمهٔ بزرگ بودا به ارتفاع یك متر و ۲۱ سانتی دریلان راهبی .

نمره ۲٤٦ : مجسمهٔ بودا که روی تخت نشسته وبا انگشتان حرکت مراقبه را ادا ، میکند

نمره ۲۱٤ : صحنهٔ که مطابق افسانه های بودائی ، بودا غول آدم خوار را از خوردن اطفال کوچك منع میکند

نمره ۳۲ : صحنهٔ که بودا از اسپ خود خدا حافظی میگیرد .

نمره ۲۵۳ : صحنهٔ که چهارنفر تحفه دهندگان‌را که دوی آن حامل گل اندوبصورت‌نیم تنه زیر کمانی که بشکل نعل‌اسپ است نمایش یافته‌اند نشان‌میدهد .

نمره ۲۸۹ : صحنهٔ که رب النوع ثروت را نمایش میدهد و بدست چپش نیزه میباشد .

نمره ۲٦۱ : رب النوع ثروت شاخ فراوانی که علامهٔ آنست در دست چپ گرفته ، طرف راستش یك رساله ئی و طرف چپش یك سر بازپیاده ایستاده و در قسمت تحتانی صحنه دوشخص مشغول خالی کردن کیسه های پول میباشند .

نمره ۲۳٦ : سرباز ـ سر وپاهایش وجود ندارد خنجرعریض وکوتاه بکمر آویخته است .

(۲)آثار سنگی :

نمره ٤ : صحنهٔ تقسیمات خاکستر بودا بعداز وفاتش ـ یکی از نمایندگان قبایل بالای شترسوار باجمعیهٔ که حایزخاکستر است به ملك خود مراجعت میکند.

نمره ٤۳ : صحنهٔ که رفتن بودا را نزد یك زاهد برهمنی وقصهٔ پت شدن مار اورا درکچکول بودا نشان میدهد .

نمره ۳ صحنهٔ که طفلی بودا ومراجعت او را از باغ توندیش به شهرشاهی (کنابی لاواستی) نشان میدهد .

نمره ۲۰۳ صحنهٔ که یك نفر تحفه دهندهٔ کوشانی را نمایش میدهد .

نمره۸ : صحنهٔ که « pancika پانسی کا» رب‌النوع ثروت را با کیسهٔ پول‌ویك نیزه ارائه میکنند .

نمره ۸٤ : صحنهٔ ملاقات یك شهزاده بایکنفر برهمن ،

نمره ۵۱ : صحنهٔ تملق بودا درمحضرشیان ها .

نمره ٦۲ یکنفرسرباز زره پوش .

نمره ۱ : صحنهٔ جنگ ازامائی .

نمره۱۰۵ : دوزاهد برهمنی به دست چپ خویش ظروف آب را گرفته اند وزیرچپری که ازشاخهای درخت تشکیل شده استاده اند .

نمره٤۰ صحنهٔ افسانهٔ که پسرعم بودافیلی را کشته وبرای آزار دادن بودانمش او رادرشهرانداخته است تا گنده شود وبوی بدهد . بودا آنرا ازبالای دیوار شهر بیرون می اندازد .

علاوه برصحنه‌های‌فوق‌الذکردراطاق نمره‌دوم‌آثار هده به تعداد چندین صد سرهای خورد وبزرگ موجود است چنانچه۱۲ الماری اطراف دیوارها و یك الماری بزرگ ٦ رخ وسط اطاق راملو ساختهٔ . ازمیان سرها آنچه بیشتر قابل تذکر است سرنمره۲۱ونمره۱۷۰ است‌که‌رویهٔ طرح موی آنها سبك جعد موی مجسمهٔ های لطیف یونانی‌را ارائه میکند وبرای‌مقایسهٔ موسیوها کن عکس‌سرا سکندر

« برتش موزیم » لندن را بهلوی آن نصب نموده . چون سر های مجسمه بواسطهٔ نازکی گردن ازبدن زود جدا میشود وباز بواسطهٔ پری کاسه سرزیاد دوام میکند نسبت به بدن تعداد آنها درموزه بیشتراست واگرچه امروزبدن های آنها نیست از روی طرح موی واشکال گوش وسایر اختصاصات سیما بخوبی فهمیده میشود که فلان سرمتعلق به کدام نوع شخص است چنانچه اگر کسی در اختصاصات صوری اشخاص صحنه های بودائی معرفت داشته باشد ملاحظه میکندکه درمیان سرهای اطاق دوم آثار هده ازبودا گرفته تا « بودیس انوا » و راهب وشیطان و سر باز و روحانی و غیر روحانی و موسیقه نواز و گدا وغیره غیره همه موجود اند .

آثار پایتاوه وبگرام :

پایتاوه وبگرام بسمت شمال کابل اولی بفاصلهٔ ده کیلومتری جنوب شرق و دومی به ۸ کیلومتری شرق (چاریکار) افتاده است آثاریکه ازین دو نقطهٔ جلگهٔ فشنگ وزرخیز کاپیسا بدست آمده همه سنگی و درمیان آنها یکنوع مجسمهٔ بودا که ازشانه هایش آتش واز کف های پایش آب می‌براید عمومیت دارد ومعلوم میشودکه این بودا درکاپیساشهرت مخصوصی داشته چنانچه هیکل نمره ۲۰۰ ونمره ۱۹۶ آنرا ارائه میکند . پارچهٔ دیگر پایتاوه که ذکرش در اینجا خیلی ضروری است قعدهٔ یك صحنه است که بانمره ۲۰۵ دراطاق اول آثارهده گذاشته شده . این لوحه صحنهٔ تاریخی را نشان میدهد که داخل شدن توشانی ها را در دیانت بودائی ارائه میکند چنانچه در اطراف « بودیس انوا » (میتریا) دو سه نفر کوشانی به لباس ملی و موزه های نمدی تحایف در دست معلوم میشوند

برای تفصیل این صحنه و مجسمه های فوق‌الذکر بایتاوه در شمارهٔ ۲۳ مجلهٔ کابل به مقالهٔ (هیکل تراشی یونان و بودائی در کاپیسا) بقلم موسیو ها کن وترجمهٔ نگارنده مراجعه شود .

بعضی آثار مهم دیگر این دو مقام که درموزهٔ کابل موجود اند قرار آتی است :

نمره ۲۲۹ لوحهٔ بزرگی که چندین صحنهٔ مختلف زندگانی بودا را نشان میدهد مانند صحنهٔ تولدی ـ صحنهٔ پیشگوئی یکنفر ساحر که قرار آن بودا پادشاه بزرگ خواهدشد ، صحنهٔ تهیهٔ سفر بودا ازخانهٔ پدریش ، ترك دنیا از گفتن او دریك باغ و غیره .

نمره ۱۹۰ : نمایش کدام زن بوضعیت ملکه (مایا) مادر بودا .

نمره ۱۹۵ : طفلی که به « هارتی Harti » رب النوع ثروت چیزی تقدیم میکند .

آثار بامیان :

بامیان که بفاصلهٔ ۲۴۵ کیلومتری شمال غرب پایتخت واقع است از نقطهٔ نظر اهمیت آثار بودائی باداشتن مجسمه های بزرگ ۵۳ و ۳۵ متری خود چنان مقام معروفی است که شهرت آن بخود و بیگانه پوشیده نیست . تا سال ۱۹۲۰ میلادی بامیان باشهرت جهان گیر خود در موزهٔ کابل اثری نداشت . پس از حفریات ۱۹۳۱ وکشفیات دیگری که دردرهٔ کنکرك بعمل آمد ودرنتیجه تصاویری زیادی از یك معبد کشف شد ، امروز اطاق آبرومند بزرگی

که درخور مقام تاریخی اواست درموزهٔ کابل اشغال کرده ـ آثاراطاق آثار بامیان اگر چه کم وبیش بقایای تزئیناتی دو سه معبد علیحده را نشان میدهد اماروی هم رفته تمام آنرا به دو دسته میتوان تقسیم نمود ، ـ اول آثار زیر خاکی که از معبد (G) از مجاورت قریب پای هیکل ۳۵ متری در اثر حفریات ۱۹۳۱ کشف شده عموماً عبارت از سر های کوچك گلی ـ چوبی است که هنوز سبك یونانی رویهٔ استادان ماهرهده دران مشاهده میشود .

دوم تصاویر دیواری‌رنگه‌که ازمعبد درهٔ کنکرك (۵کیلومتری جنوب‌شرق بامیان)درسال‌مذکور کشف شده وبهترین نمونه‌های منقوش است‌که مهارت استادانه وقریحهٔ بلند نقاشی ورسامی هموطنان ما را درقرن٤ و۵ مسیحی نشان میدهد ، آثاریکه از معبد (G) بدست آمده در سه الماری کوچك گذاشته شده مهمترین آن قراراتی است :ـ

نمره۱۱۸ : سریك شخص بروتی که نظیر آن درمیان قبایل افغان مازیاد دیده میشود . بروت های بزرگ افتادهٔ او قابل ملاحظه است .

نمره۷٤ :ـ مناصفهٔ مقابل بدن شیرکه پاهایش بصورت غیرطبیعی طرح‌شده وآثار الوان در آن مشاهده میشود .

نمره۱۲۰ : سرشیطان‌که موهایش بصورت زبانهٔ شعلهٔ آتش طرح شده و به این نسبت رنگ سرخ دارد .

نمره۱۲۱ : سر یکنفر راهب که قسمت تحتانی صورتش شکسته است .

نمره۸۱ ونمره۹۲ : سرهائی که باوجود مسافت بامیان ازمکاتب هیکل تراشی

هده در طرح موی ، اثر نفوذ یونانی را ارائه میکند .

تصاویر رنگهٔ دیواری در المارى های شیشهٔ فوق العاده بزرگ مخصوص قرار گرفته است . قرار احتمال ، معبد درهٔ کککرك ۵ این تصاویر را از انجا کشف شده تا زمان ورود مسلمین یعنی اواخر قرن ۹ مسیحی آباد بوده بودائیان چون هنگامهٔ ورود عساکر اسلام را شنیدند دیوار های منقوش معبد خودرا به امید یك روز ورق کاه گل مالیدند تا چشم مسلمانان به آن نه افتد و عجالتاً آنرا خراب نکنند ولی به این خواب رفتند و فنا شدند و معبد همان طور ازورق گل تا ۱۹۲۱ میلادی پوشیده ماندوهمین واسطه شدکه بعد ازیازده قرن سلامت بمارسید . این تصاویر در خود معبد در میان ۸ دائرهٔ که یکی مرکز گنبد و ۷ دیگر دیوار های اطراف را پوشانیده بود رسم شده بود چنانچه فعلاً هم تماشا کننده درموره چنین دایرهٔ بزرگ آنرا مشاهده میکند . موضوع تصاویر مذکور تصورات مذهبی بودائی بوده طوریکه دردائرهٔ مرکزی گنبد یك «بودیساتواء» بزرگ و ۷ دایرهٔ اطراف اشکال متعدد بودا را مقتاظراً نشان میداد . آنچه از نقطهٔ نظر تاریخی اهمیت فوق العاده دارد تصویر یکنفر پادشاه کوشانی قرن ٤ ـ ۵ بامیان است که ازشکار توبه میکند و فعلاً در موزه با دو تصویر دیگر بودا در یك پارچه از دیوار کنده شده و محفوظ است . نتیجهٔ تاریخی که ازمطالعات دقیق آن بدست آمده این است که شاهان بامیان در تاج خود سه ماه نو طلائی ودر میان هر کدام یك تابهٔ نقرئی را نصب میکردند و اگر

این مواد با تاج شاهان دوسکهٔ که ازغزنی پیدا شده مقایسه شود معلوم میشود که واسطه و خویشاوندی بین آخرین شاهان کوشانی قرن ٤ و ٥ کابل زمین و بامیان قائم بوده . تفصیلات مزید درین مورد در اطاق بامیان بزبان فرانسه و فارسی تحریر است و شایقین برای معلومات مزیده درمقدمهٔ که بصورت اجمال تاریخی بقلم نگارنده در تمهید کتاب بامیان طبع شده مراجعه فرمایند .

علاوه بر اشیای فوق که از دو محل معینهٔ بامیان و چند چیز دیگر مثل تصویر گراز جنگلی و دو مرغی که مشترکاً در نول های خود گلو بندی را گرفته اند و از سقف برندهٔ سموج (D) بدست آمده بعضی نو شته های سانسکریت هم از زمین معبد (G) حین حفریات کشف شده که قرار مطالعات موسیو « سیلوان لوی » مستشرق فقید و یکتای فرانسه به رسم الخط عصر اخیر (گوپتا) روی پوست نازك درخت نوشته شده فعلا دراطاق آثار بامیان میباشد .

در اطاق آثار بامیان علاوه برچیزهای محلی عکس های یك عده تصاویر رنگه هم موجود است که تاریخ ان به حوالی قرن ۸ ـ ۹ مسیحی یعنی بین صدی اول و سوم هجری نسبت میشود و « سراور ل استین » عتیقه شناس معروف معاصر انگلیس از مقام « تون هونگ » آسیای مرکزی کشف نموده در میان این تصاویر تذکر یکی آن بی مورد نیست و آن تیلو ئی است که « هیوان تسنگ » زائر معروف چینی را که در ٦٣٢ (قرن اول هجرت) به زیارت مقامات افغانستان وهند آمده بود با کتابهای نا یابی که حین مراجعت

از مملکت ما با خود می برد نمایش میدهد .

آثار کابل :

کابل پایتخت تاریخی ما کهدامان کوهستان قشنگ وتپه های زیبای حصارآن قبل از جنگهٔ فعلی محل بود وباش سا کنین آن بود در ادوار مختلف خصوص عصر بودائی کهمصادف بهسلطنت شاهان یونانی کابلستان وکوشانیان و پهلواها و اسکائی‌ها میباشد درقسمت‌های مرتفع حصار قشنگ خود معابدباشکوه ،قلعه‌های مستحکم ، مینارهها وعمارات مذهبی مهم دیگرداشته . علاوبرانچه دراینجامختصراً درمورد کابل قبلی اشاره نمودیم کابل عصربودائی درمنطقهٔ «شیوکی» به ۸ کیلو متری جنوب شرق پای‌تخت باتمام معانی شهر دیگری ازخود داشت چنانچه تاحال اینجاشاه « خورد کابل » یادمیشود . پس کابل و حوالی قریب و متصل آن بامقامی که درین عصر و پیشتر داشته حتماً آثار زیادی درسینهٔ خود دارد چنانچه از ۱۳۱۲ باینطرف حفریات تپهٔ مرنجان ـ تپهٔ خزینه ـ کوتل خیرخانه نتائج زیاد داده وعجالتاً تاحال آثار کابل درموزهٔ خود نواطاق مخصوصی را اشغال نموده است .

آثار تپهٔ مرنجان :

تپهٔ مرنجان که به حاشیهٔ شرقی پایتخت افتاده دراثر حفریات ۱۳۱۲ نتایج خوبی داده که بدبختانه یك‌حصهٔ آن بواسطهٔ خامی موادگلی آن پس از کشف شکسته‌است ، بهرحال آنچه بسلامت به موزه‌رسیده ودر اطاق اول آثار کابل نهاده شده مجسمهٔ بودا ویك مجسمهٔ بزرگ وقشنگ شهزاده «بودیس اتوا» است که به انواع زیورات فاخره مزین است وکمال مهارت استاد هیکل تراش کابلی را درعلم تشریح وتناسب اندام ارائه میکند . دراطاق دوم مخصوص آثار کابل ازآثار

تپهٔ مرنجان مجسمهٔ دونفراعانه هندهٔ وحشی هندی‌است (نمره ۹۷و۹۸) که هر دو شبیه هم به زانو نشسته اند یکی در دست چپ خود تاجی دارد و دست راست خود را برسم ادب روی سینه گذاشته دومی هردو دست خود رابه ترتیب سلام هندی پیش روی خود نگاه داشته ، لباس آنها یکنوع جامهٔ نمدی پاچرمی است که مانند البسهٔ امروزی هند به دو طرف خود چاك خورده ، علاوه برین دو سه ظرف کوزه نمای دیگر که دران خاکستر و استخوان بود هم از تپهٔ مرنجان کشف شده و در اطاق اول آثار کابل موجود است ، کوزه نمره ۱۰۳ بواسطهٔ اشکال آهو در میان دایره های کوچك و کوزهٔ دیگر که دسته و نوله دار است بواسطهٔ نقوش رنگهٔ خود قابل ملاحظه است

آثار تپهٔ خزینه :

تپهٔ خزینه که به پوزهٔ غربی شهر فراز قلعهٔ هزاره‌های چنداول واقع است از گوشهٔ غربی حصار کوهستانی شهر آثاری داده که باعث رونق اطاق آثار کابل گردیده . این معبد قرار یکه ازحفریات آن معلوم شده تورود مسلمین معمور بوده و بدست آنها آتش داده شده چنانچه تمام مجسمه های آنجا که از روی مواد گلی میباشند در اثر آتش به تیکر پخته تبدیل شده و حتی بعضی را دود حریق سیاه هم نموده است . این آثار امروز بصورت سرهای کوچك واشکال مرغ ها به تعداد تقریباً ۵۰عدد در اطاق دوم آثارکابل چیده شده وتاریخ ساختمان آنهارا میتوان بین قرن ٤ و ٥ مسیحی قرار داد

آثار کوتل خیر خانه :

کوتل خیر خانه که به امتداد سرك کابل ـ کاپیسا بفاصلهٔ ۵ کیلو متری شمال ـ غرب کابل واقع است و حفریات آن در روزهای اخیر سال ۱۳۰۲ شروع شده بود چند پارچهٔ مهمی داده که وجود آن برای تاریخ مذهبی کابل زمین خیلی مهم است زیرا تمام آن از یك معبد بزرگ برهمنی کشف شده و مربوط به این دیانت میباشد ومهمترین آن مجسمهٔ رب النوع آفتاب است که تاریخ آن را موسیو ها کن به اخیر قرن چهار و اوائل قرن پنجم مسیحی نسبت میکند و تفصیلات آن بصورت مقالهٔ مستقل بقلم نگارنده در شمارات مجلهٔ کابل شایع شده است و کتاب مستقلی که اخیراً در ین موضوع شایع شده بقلم شیوای دوست گرامی آقای رشتیا ترجمه شده و در زیر طبع است

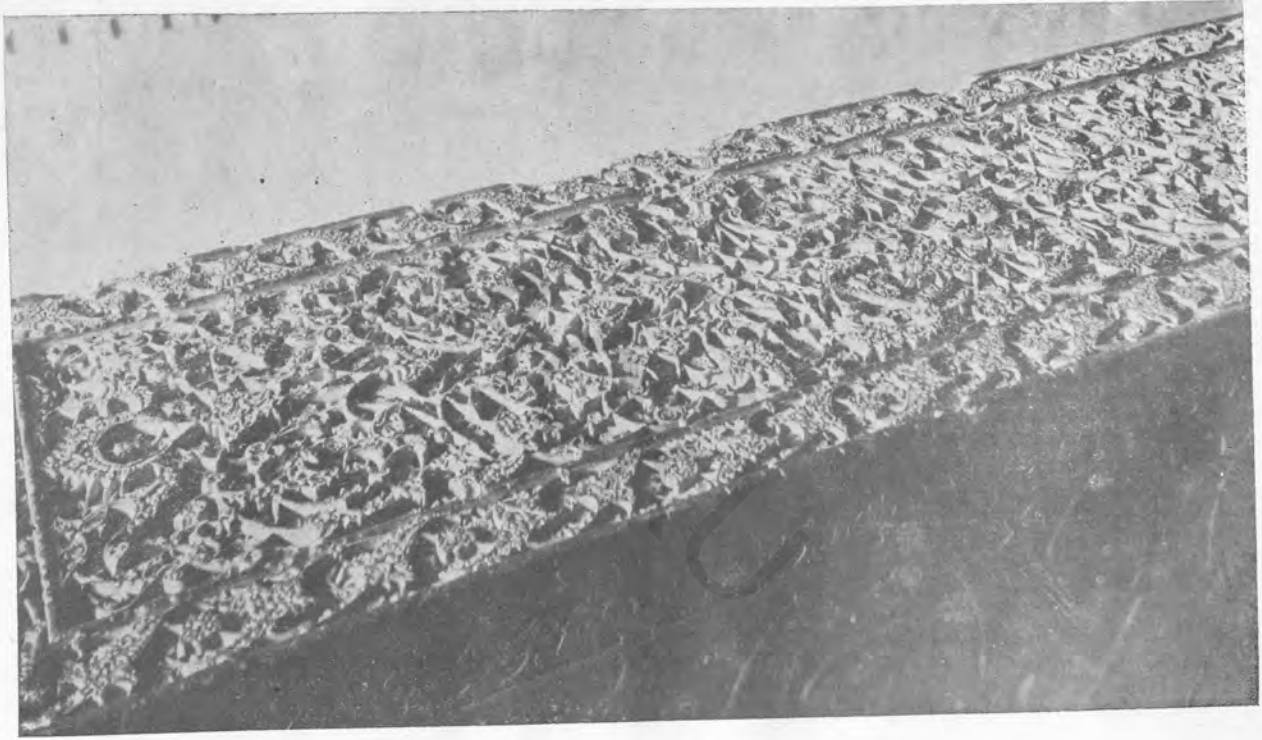
علاوه بر آثار فوق بعضی نقاط دیگر افغانستان هم مثل « گردیز » « نجراب » « لوگر » « غور بند » ، « قندوز » و غیره بصورت اتفاقی بعضی آثار داده‌اند مانند سرسرمری که از مقام اول الذکر وسر سنگی که از نجراب پیدا شده و بودارا در حال روزه نشان میدهد و اولی در اطاق آثار هده ودومی دراطاق آثارکابل میباشد .

آثار چونی نورستان :

منطقهٔ که بشمال غرب افغانستان بدامنه های جنوب سلسلهٔ هندوکوه مربوط حکومت اعلای مشرقی امروز بنام نورستان و چهل سال قبل بنام

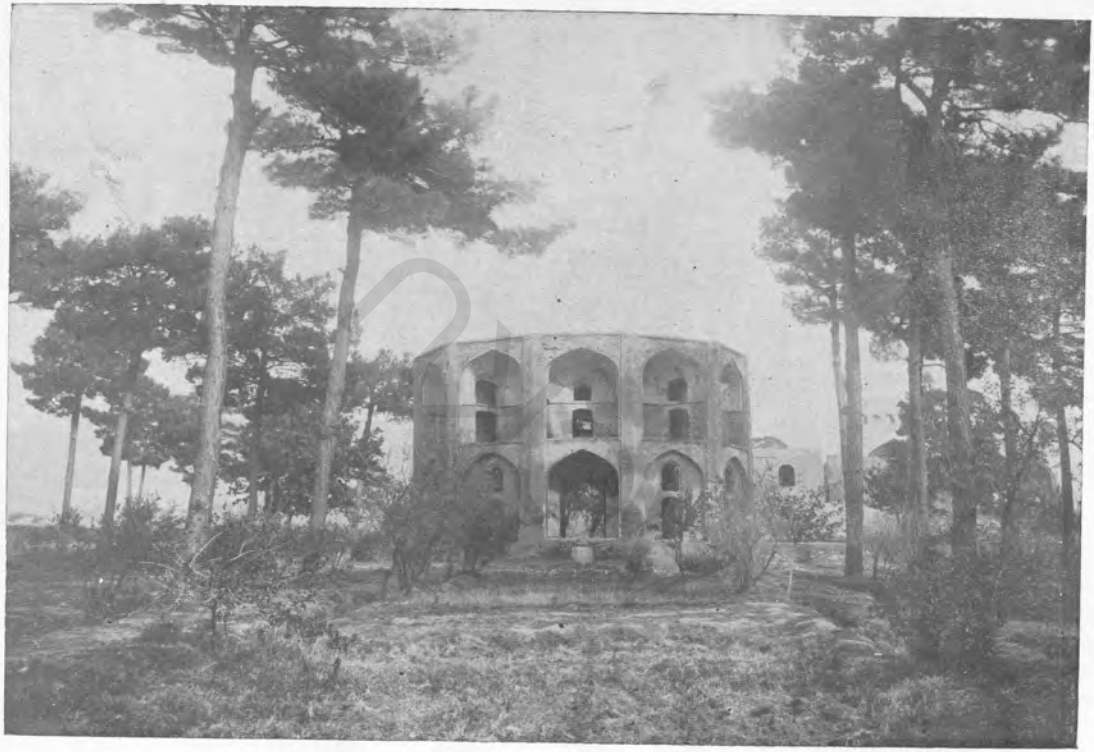
کافرستان و نزد جغرافیه نویسان عرب باسم نورستان یاد میشددرموزهٔ کابل در اطاق مخصوص خود یکعده مجسمه های چوبی دارد که در هیئت هیکل های اشخاص متوفی است و بعد از فتح این منطقه در زمان اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان بدست آمده است .

علاوه برین دو دسته آثار یکه شرح مختصر آن قرار فوق ذکر رفت در موزهٔ کابل یکعده اشیاء دیگر و مخصوصاً مسکوکات زیادی است از قبیل آثار بودائی و یونانی مکشوفه از غوربند (که شرح آن در شمارات سال ششم مجلهٔ کابل بقلم موسیو هاکن درج شده) و آثار مکشوفه از قندوز که بتازگی بدست آمده و غیره و غیره که در اینجا بواسطهٔ تنگی وقت وضیقی صفحات مقاله مجبوراً از ذکر آنها صرف نظر نموده و در آتی با معلومات مفصلی که در دست است بشکل کتاب مستقل بنظر خوانندگان عزیز خواهد رسید .



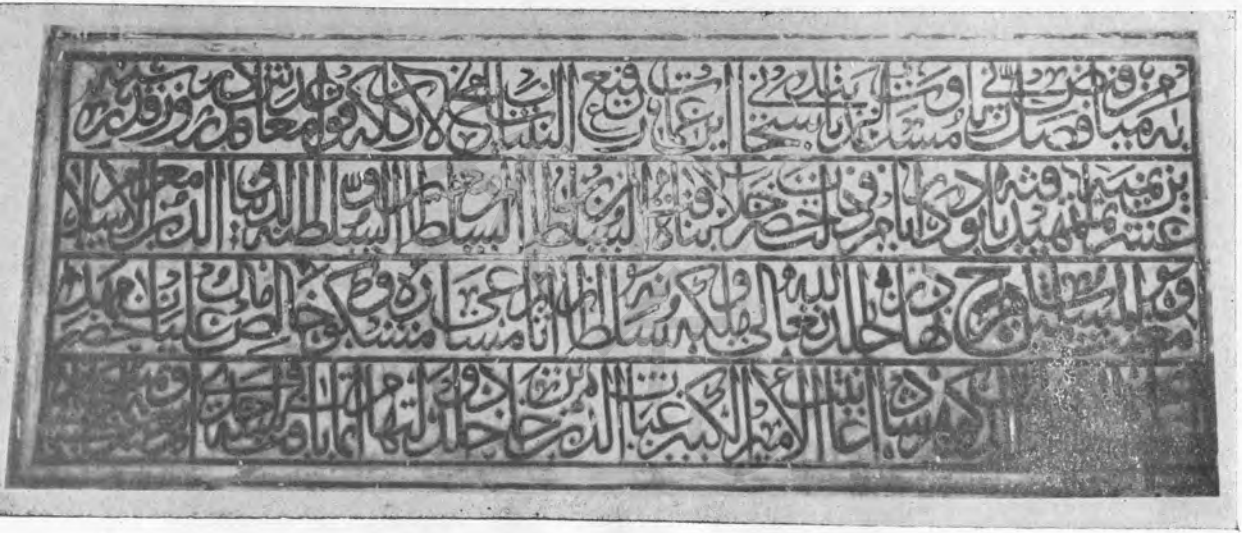
از آثار تاریخی نفیس هرات : سنگ هفت قلم در گازر گاه.

Pierre tombale sur laquelle on a inscrit sept fois c'est à dire en sept étage de profondeur (Hérat)



از ابنیهٔ تاریخی هرات : عمارت نمکدان در باغ نو گازرگاه که از عمرانات امیرعلیشیر نوائی وزیر معروف است

L'ancien palais de Namakdan à Hérat (15ê. S.)



سنگ تاریخی مصلای هرات که در موزه خانهٔ هرات موجود است

L'inscription, sur pierre, de la grande mosquée d'Hérat



عالم تاریخ



هیکل سازی قدیم افغانستان

بقلم جناب پروفیسر هنری هراس معلم دارالفنون ببمائی وعضو افتخاری انجمن

ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان مترجم انجمن

وقتا که نخستین بار ، مجسمه ها وکنده کاریهای مدرسهٔ گندهاره در دسترس دانشمندان سابق فرنگ که در هند کار میکردند ، قرار گرفت علی الفور بدون کدام تردیدی تصدیق نمودند که آثار مزبور ، نفوذ یونانی را عرضه میدارد ـ واقعاً همواره یك چنین فاضل اروپائی وجود داشته است که در هر چیز و هرجا تاثیرات و نفوذ فرنگ را (بزعم خویش) مشاهده میکرده . ولی خوشبختانه امروز عدهٔ این جور علما رو بقلت گذارده و دیگر مانند روز گار پیشین ، عمومیتی ندارند . معذالك این را هم بایستی اظهار کرد که حملات اسکندر مقدونی از گوشهٔ شمال غرب هند ، وجود سلطنت های یونانی در افغانستان و سرحد شمال غربی هندوستان ، و بالاخره شاهنشاهی

عنوان اصلی رسالهٔ جناب فاضل پروفیسر هنری هراس رئیس موسسهٔ تتبعات تاریخی وعتیقه شناسی ببمائی « مبدأ مدرسهٔ هیکل سازی یونانی و بودائی گندهاره » میباشد .

که ظاهراً این بعضی از صنایع اینمناطق و صنایع یونان وجود داشته‌است صدق این آراء سابقه را محتمل نشان میداد .

فاضل عقیقه شناسی که از همه بیشتر این مفکوره (پرو یا گندهفوذ یونانی) را اقتشار داده ، موسیو فوشهٔ فرانسوی است (۱) .

وقتیکه من سال گذشته در افغانستان بودم ، دیرهای بودائی ککرك بامیان ، ایبك و خصوصاً خرابه های باختر معروف را مشاهده نمودم ـ این شهر در سابق چنان یك مرکز مشهور بودائی بود که آنرا « راجه گریهٔ کوچك» (۲) میخواندند (۳) ـ همچنین در همان زمان مرکز سلطنت یونانی شرق نیز شناخته میشد . بنا بران من تصور کردم که در بلخ چندین مجسمهٔ یونانی و بودائی را که حتی نسبت به مجسمه های لاهور و پشاور ، قشنگتر خواهند بود ، مشاهده خواهیم کرد . ولی بد بختانه ، نه در دیر های آن و نه در ولایت قدیم باختر (که ولایت امروزهٔ مزار شریف باشد) یك نمونه هم از مدرسهٔ صنعتی قدیمه یافته نتوانستم . راست است که به قول هیون تسانگ زوار چینی ، باختر بودائی به مدرسه فکریه « هینایانا » تعلق داشت (٤) ، ولی زوار موصوف این مسئله را نیز نوشته است که اگر چه بودائیون باختر زمین ، پیرو طریقهٔ « هینایانا » بودند ، ولی مجسمه های بودا را هم در دیرهای خود داشتند (٥) بهر حال ، در صوامع بامیان

(۱) کتاب « آغاز صنعت بودائی » ـ تالیف موسیو فوشه ـ طبع ۱۹۱۷ پاریس ولندن . (۲) کتاب « صنعت یونانی و بودائی گندهاره » طبع ۱۹۰۵ و ۱۹۱۸ ـ ۱۹۲۲ پاریس تالیف فوشه . (۳) هیا کل یونانی و بودائی (موزیم لوور ـ پاریس ۱۹۰۰ (٤) نگارشات دنیای غربی ـ تالیف بیل ـ ج اول ـ ص ٤٤ و ٤٥ (٥) ایضاً

و کنکرك ، راهبان بودائی محققاً « هینایانی » نبودند ـ بلکه مجسمه ها و تصاویر بودا بمقدارفراوان درانجاها وجود داشت وهیچیك از نقوش مزبور که تاکنون پیدا شده ، نقود یونانی را نشان نمیدادد .

اولین نمونهٔ صنائع مدرسهٔ یونانی و بودائی ، در جنوب هندوکش وکوه بابا ، در وادی زرخیزی که بجنوب شرق چاریکار افتاده است یافت میشود ، بفاصلهٔ ۱۲ میل از ین شهر کوچك ، میدان وسیعی واقع است که موسوم به « بلگرام » بوده ومحل قدیم « کاپیسا » شناخته شده است (۱) ازین میدان تا اندازهٔ که بمن معلوم است ، یك تصویر برجسته متعلق به مدرسهٔ یونانی و بودائی را موسیو فوشه کشف کرده که بودای نشسته را مابین چهار خر نشان میدهد و موسیو هاکن میگوید این منظره ، یا اولین ملاقات « بمبیساره » از بودا و یا دعوت برهما (یا اندره) است برای وعظ (۲) درهمین جایك تصویر دیگرنیز یافت شده که عمل « سراواستی » Sravasti را ارائه میدهد و حالیه در موزم کابل موجود است مگر این تصویر به مدرسهٔ یونان و بودائی تعلق ندارد .

یك تصویر برجستهٔ دیگری هم در کابل هست که از کاپیسا یافت شده و قطعاً نفوذی از یونانی و بودائی را دارا نیست . این تصویر ، « میتریا بودی ساتوا » را بین دو جماعهٔ سه نفری بودائی نشان میدهد .

(۱) مقالهٔ موسیو فوشه معنون به « از کاپیسا تا پشاور » ، منتشره در مجلهٔ مدرسهٔ تحصیلات شرقی ، ج ٦ ص ۳٤۲

(۲) هیکل تراشی هندی و تبتی در موزهٔ گیمه ـ لوحهٔ ۱۱ ـ تالیف هاکن (طبع پاریس ـ ۱۹۳۱)

سه نفر جماعهٔ اول سکائی وسه نفر جماعهٔ دوم افغان است ، چنانکه از لباس شان بخوبی معلوم میشود (لوحهٔ اول - الف) .

هرگاه بطرف کابل پائین بیائیم ، نمونه های مدرسهٔ یونانی و بودائی را بسیار تر می بینیم - از گرد استوپهٔ مخروبهٔ موسوم به تپهٔ خزانه که بین شهر کابل و کوه شیر دروازه و نزدیك دریای کابل واقع است ، مدیر موزیم کابل ، یکعده سرهای گچی را کشف کرده که هر شخص تصدیق میکند به مدرسهٔ گندهاره تعلق دارد . همچنین مجسمه هائی که از دور استوپهٔ تپهٔ مرنجان (بمشرق شهر کابل) کشف گردیده ، بهمین مدرسهٔ گندهاره متعلق است . از جملهٔ این مجسمه ها فقط یکدانه بسلامت مانده که کنون در موزیم کابل است ، ودیگر های آن چند دقیقه بعد از کشف ، از هم پاشیده شده . این مجسمه « میتر یابودی ساتوا » را بحال مراقبه نشان میدهد (لوحهٔ دوم - الف) .

اماجائی که دران مجسمه های مدرسهٔ گندهاره نه تنها ازحیث تعداد ، بلکه از حیث حسن و زیبائی واقعاً فوق العاده اند ، همانا وادی جلال آباد و بخصوص قریهٔ کوچك « هده » است (لوحهٔ اول - ب) محل نگارهای قدیم ، که پای تخت قدیمهٔ این مناطق میباشد ، مثل هده دارای صنایع زیادی نبوده است . هیون تسانگ زوارچینی ، هم هده راکه دران زمان « هدو » Hiddo خوانده می شد ، دیده و بعضی از دیر های آنرا نیز بیان کرده است (۱) - ولی کاوش های وسیعی که از طرف هیئت عتیقه شناسی فرانسوی درین موضع بعمل آمده ، نتایج خیلی شایانداری درین

(۱) نگارشات دنیای غربی - ج ۱ ص ۹۵ - ۹۷ تالیف بیل .

زمینه داده است . و البومی که حاوی عکس های هیاکل مکشوفه از این مقام میباشد ، دارای یکصدو دوازده لوحهٔ ۱۵ در ۱۱ انچی و یا جمعاً شامل ۱۹۷ عکس است (۱) .

پس ازانکه از درهٔ خیبر عبور کنیم ، همین قسم وفرت هیاکل مدرسهٔ گندهاره رادر مبادین پشاور نیز می یابیم - وعدهٔ بزرگی از این ها که بسیاری آن از خود پشاور و درهٔ خیبر و بقیه از شهر بهلول و تخت بهی و چارصده (پشکلاوتی قدیم) و دیگر جاهاست ، در موزیم پشاور گذارده شده (۲) . معذلك هرگاه این هیاکل موزیم پشاور را بدقت امتحان نمائیم ، بزودی آشکار میگردد که اکثری ازان نه از حیث حسن و ظرافت و نه از حیث آثار حیات که از چهرهٔ آنها معلوم میشود ، با مجسمه های هده همسری کرده نمیتواند ، درواقع صنایع آن صفحات ، شعبهٔ کوچکی ازصنائع مدرسهٔ گندهاره است که مانند شعبهٔ صنائع هده ، نتوانسته احراز ارتقا وتکامل نماید . همچنین است مجسمه های تکسیلا (لوحهٔ دوم - ب) وهیاکل موزیم لاهور و وادی سوات که با آثار هده برابری کرده نمیتوانند . واگر بیشتر بطرف جنوب مشرق بروید ، خواهید دید که اکثریت نمونه های موزیم « مادوره » که بامدرسهٔ گندهاره متعلق اند ، مظاهر خالصی ازصنعت هده میباشند که انحطاط یافته وبآن حد نرسیده اند .

پس واضح است که مرکز صنایع مدرسهٔ معروف به مدرسهٔ

(۱) کتاب تصاویر حفریات هده - ج ۳ - مجسمه های بزرگ وکوچك البوم تصاویر طبع پاریس ۱۹۳۰ - اثر بارتو . (۲) رسالهٔ هیاکل موزیم پشور - طبع کلکته ۱۹۳۰ - تالیف « هارگریفز » .

گریکو بودیك گندهاره همین « هده » بوده که در افغانستان جنوب شرقی واقع است .

اکنون نتیجهٔ را که ازمشاهدات فوق بدست آورده ام ، از نقطهٔ نظر جغرافیا وتاریخ ، زیر تدقیق میگیریم :

هرگاه از روی جغرافیا ببینیم ، مدرسهٔ گندهاره ابداً درشمال هندوکش ، درسلطنت قدیمهٔ باختر که مرکز حکومت یونانی مشرق بود ، مظهری ندارد . بلکه کلیه نمونه های مکشوفه ، درجنوب هندوکش و درولایت شمالی غربی هند ، پنجاب وولایات متحده که درانها سلطنت های هندو یونانی درقرن دوم واول قبل المیلاد حکمفرما بود ، یافت گردیده است .

حالا همین قضیه را ازنقطهٔ نظر تاریخ میسنجیم : آیادرکدام عصرو درعهد حکمرانی کدام پادشاه ، این مجسمه ها ونقوش برجسته وسر های گچی افغانستان جنوبی وهند شمالی ، ظهور نموده ؟ برای دریافت این مقصود ، بایستی به راپورهای مشاهدین قدیمهٔ استوپه های مناطق مزبور وبعضی از راپورهای تازه ترین شعبهٔ عتیقه شناسی مراجعه کنیم . کتیبهٔ که درپای مجسمهٔ بودای نشستهٔ مکشوفه از بگرام دیده میشود ، وقت نگارش آن درعهد کوشانه ، درزمان حکمداری « ویما کادفزیز » ویادرعصر کنشکا معلوم میگردد (۱) مجسمه های کابل هم همگان به دور کنشکا تعلق دارند ـ همچنین مسکوکاتی که از میان استوپهٔ تپهٔ مرنجان ، دوسال پیش کشف گردیده ، همه ازعصر کوشانیان متأخره ،

(۱) کتیبهٔ خروشتی بریك نقش برجستهٔ بگرام ـ ا ـ Ej ج ۲۲ ص ۱۳ و ۱۴ ـ نگارش کوناو .

و از زمانی میباشد که کوشانیان کابل در تحت سلطهٔ ساسانیان رفته بودند. استوپه هائی که در کابل و جوار آن، توسط « هانگ برگر » و « ماسن » در نیمهٔ اول قرن ۱۹ کشف شده، هیچیك مسکوکی را جز مسکوکات عهد کنشکا و اخلاف نزدیك او نشان نمیدهد (۱) استوپه های وادی جلال آباد که بسیار پیش بدریهٔ فضلای مزبور معاینه گردیده، هنوز نتیجهٔ دلچسپ تری را ارائه داده - و استوپه های قرائی که بمحل شهر قدیم « نگار هاره » و پیرامون آن، بشرق وجنوب شرق جلال آباد امروزه، وجود داشت، فقط مسکوکات بعضی از حکمداران هند و یونانی و معاصرین و معقبین آنها یعنی بارتیان یونانی شده (۲) را حاوی بود - در حالیکه استوپه های « هده » مسکوکات کنشکا، هویشکا و بعضی از امپراطوران رومی قدیمتر را نهفته داشت (۳).

آبدات پشاور و مضافات آن نیز بهمین عصر تعلق دارد. بسیاری از نمونه های موزیم پشاور از دیر « شاهجی کی دهره » (٤) گرفته شده، یعنی ازهمان دیری که کنشکا وقف کرده وبهاوی آن (بقول هیون تسانگ) استوپه ئی برای دفن بعضی پاره های کشکول بودا تعمیر نموده بود (٥).

در استوپهٔ بزرگ « مانی کیالا » واقع در پنجاب شمالی، که توسط « ونترا ل و نتوار » کشف گردیده، مسکوکات کنشکا و هویشکا با یك مسکوك طلائی « یاسوا رمن » شاه قنوج و بعضی از مسکوکات ساسانی

(۱) آرمانای قدیم - ص ۱۱٤-۱۱۷ تالیف ولسن. (۲) ایضاً ص ۶۱-۹۹ (۳) ایضاً ص ۱۰۰-۱۱۳ (٤) رایپور ادارهٔ آثار عتیقه - ۸-۱۹ و ۹ ۱۹ ص ۳٦-٦۰ (٥) نگارشات دنیای غربی - ج اول ص ۹۸-۱۰۱ - تالیف بیل.

و غربی قرن ۸ عیسوی ، یکجا بدست آمد . معلوم میشود که شاه قنوج ، استویهٔ اولیهٔ « شاه هویشکا » را که بعد ازمرور هفت قرن ، طبعاً رو بخرابی گذارده بود ، دوبارهٔ بنا نموده است (۱) ـ استویهٔ نمره ۲ « مانی کیالا » که « ژنرال کورت » کشف نموده ، محتوی مسکوکات « کاجولا کاد فریز » « ویما کاد فریز » و « کنشکا » و یکچند دینار رومی اوائل قرن اول عیسوی بود (۲) همچنین استویهٔ نمره ۱۵ که آنهم بذریعهٔ ژنرال موصوف پیدا شده ، یك یك سکه ازساتراپ(نائب الحکومه) پارتی موسوم به «ژونیسیز» و « کاجولا کاد فریز » را در خود نهفته داشت (۳) . و چون کوشانیان بعد از پارتیان ظهور نموده اند ، پس بایستی قبول کنیم که این استوپه نیز در عهد کوشانیان بنا یافته است .

ازانچه گفتیم بایست تسلیم کنیم که اولاً لااقل اکثریت آبدات بودائی این مراکز که درانها مدرسهٔ یونانی و بودائی گندهاره رونق و فروغ داشت ، در دورهٔ کوشانیان کبیر ظهور نموده ـ و ثانیاً اینکه وقتی آبدات یك موضع به زمان قدیمتری متعلق بوده ـ ما نمونهٔ صنایع مدرسهٔ مزبور را در ان جا نمی یابیم . ولی ممکن است این اعتراض وارد شود که اگر چه حکمدارانی که در تحت سلطهٔ ایشان مدرسهٔ مزبور ترقی داشت ، یونانی نبوده باشند ، باز هم محتمل است ، هیکل سازان زمان آنها یونانی و یا اخلاف یونانیهای اولیه بوده باشند ؟ در جواب میگوئیم : درست است . از نقطهٔ نظر حقیقت ، فقط یکنفر از اخلاف یونانیان مزبور را میشناسیم ، که بحیث هیکل ساز در عهد

(۱) راپور آثار عتیقه ـ ج ۲ ص ۱۵۹ و ۱۶۰ اثر کنینگهم .
(۲) ایضاً ص ۱۶۲(۳) ایضاً ص ۱۶۶ـ۱۶۸

حکمرانی کنشکا کار میکرد و نامش «اجیسی لوس» Agesilaos وعنوانش « نگران کار های و هارهٔ (۱) کنشکا که مخصوص آموزگاران مدرسه « سر واستی وادن » است » میباشد (۲) ـ و یکی از آثارش که دارای نام و نشان او میباشد پس از ۱۹ قرن باقیمانده وآن عبارتست از قطی یاصندوقچهٔ که حاوی بقایای کشکول بودا میباشد . حال ممکن است تصور کنید که این صندوقچهٔ شاه کار گر یکو بود یك خواهد بود ؟ مگر چنین نیست ـ بلکه اثر مزبور یکی از آثار معمولی سبك هند بوده و نشانهٔ از کار یونانی دران معلوم نمی شود (لوحهٔ ۳ ـ الف) .

باز هم ممکن است بگوئید : « هیکل سازانی که در خدمت کوشانیان کبیر بودند ، شاید هندی باشند ، ولی از نمونه های سبك یونانی که برای تقلید آن میکوشیدند ، متأثر شده اند » . جواب اینست که این نمونه ها که فقط از یونان ممکن بود بیاید ، ابداً نه در افغانستان و نه در هند یافت گردیده و یگانه اثری از صنعت اصلی یونانی که در افغانستان و هند شمالی کشف شده ، عبارتست از « پاتیره Patera (یکنوع پیالهٔ کلان) که فتح بکوس Bacchus بروی آن معلوم میشود (۳) و مسکوکات عدیدهٔ خود یونان ، شاه سلوسی سوریه و سلاطین یونانی باختر ـ و بروی این مسکوکات ، تصاویر نیم‌تنه و دیگر اشکالی وجود دارد که با مهارت فوق العاده و با مفکوره های بلند زیبائی ، بعمل آمده . ولی هیچیك از موشکافان و خرده گیران هنرهای زیبا ، گاهی

(۱) دیربودائی یاباغچهٔ اطراف آن . (۲) رسالهٔ هیا کل موزیم پشاور ص ۴۷ ـ یاورقی ـ تالیف « هارگریفز » .(۳) تاریخ صنایع نفیسهٔ هند و سیلون ـ ص ۲۶۰ـ لوحهٔ ۷۶ـ تالیف سمت (طبع آکسفورد ـ ۱۹۱۱) .

جداً باین فکر نخواهید افتاد که این اشکال کوچك و مجسمه های بر جسته ، موجب و موجد چنین مدرسهٔ عالیهٔ هیکل سازی مثل مدرسهٔ گندهاره ، شده میتواند .

گذشته ازین ، هرگاه مجسمه های مدرسهٔ گندهاره ، بدقت معرض امتحان قرار گیرد ، بخوبی آشکار میگردد که نصب العین و مفکوره های هر دو مدرسه (مدرسهٔ یونانی ومدرسهٔ گندهاره) بکلی ازهم اختلاف دارد :

صنعت گران یونانی میخواستند ، بدن انسان را نه بقسمیکه در دنیای حقیقت وجود دارد ، بلکه بقسمی که درخیال گنجیده میتواند ، بسازند ـ واین فکر شان یکنوع مسلکی را که باساس طبیعت وآمیخته با خیالات عملی است ، بوجود آورد ـ ودرنتیجهٔ این مفکوره ، تصاویر یونانی نه مانند آن تصاویر رومائی مبنا شد که جزئیات حقیقی قیافهٔ شخص را عرضه میدارد ، بلکه تصاویر آنها بیشتر خیالی بوده وفهرمانان را نه بقسمیکه بوده اند ، بلکه هر طوریکه خود ایشان خواسته ، تصویر کرده اند ـ مثلاً وقتیکه « لی سی پوس » آغاز به تصویر اسکندر مقدونی نمود ، قیافهٔ وی را مانند یك هیکل ساز معمولی ، تشکیل نداد ، بلکه او را بحیث آخرین فرد نژاد فهرمانان که آمادهٔ فتح جهان است ، رسم کرد (لوحهٔ ۳ ـ ب) . و بهمین دلیل بود که « پلوتارك » افسانهٔ ذیل را در کتابی که راجع بحیات اسکندر تالیف نموده ، نوشته است :

وقتیکه « لی سی پوس » نخستین بار ، تصویر اسکندر را بساخت وروی او را بطرف آسمان ، چنانکه اسکندر عادهٔ با گردنی متمایل به یك

طرف ، می نگریست ، قرار داد ، کسی یاد داشت ذیل را بقسم لطیفهٔ منظومی بنگاشت :

آدم طونجی مثل کسی است که بسوی « زیوس » می نگرد و وی را چنین خطاب میکند : ای زیوس ! من زمین را در تحت پای خویش می گذارم تو بر او لیس اجرای حکومت کن » .

« بهمین دلیل ، اسکندر حکم نمود که فقط لی سی پوس ، تصاویر او را بسازد ـ چه قرار معلوم تنها لی سی پوس بود که وضع طبیعی اسکندر را بدرستی در طونج ارائه داده و شجاعت وی را بشکل مرئی تصویر نمود در حالیکه دیگران ، از بس متوجهٔ نشان دادن خمیدگی گردن و نگاه نافذ چشمان اسکندر گردیدند ، قیافهٔ عضلانی وشیروش وی از یشان فرو گذار شد (۱) »

نتیجهٔ دوم این مسلك خیالی یونانیان در هیکل تراشی های شان ، این شد که مجسمه های آنها در تناسب و کاملیت جسمانی و وضع بدن حقیقهٔ خیلی زیبا گردیده ولی اکثر ازین مجسمه ها ، حتی آنهائیکه وضعیت جدی و محرك از خود نشان میدهند ، مرده و بی روح مانده اند چه آدمی که اصلاً ازنقطهٔ خیال و آرزوی بشر کامل باشد ، درین دنیا وجود ندارد ـ بلکه در دماغ صنعت گر و نقاش است . (لوحهٔ ٤ ـ الف) .

علاوه بران ، هیکل سازان یونانی نمی خواستند آدم خیالی و کامل خود شان را بواسطهٔ افزودن زیورات ، خراب کنند ـ حتی در مجسمه های که برهنه نیستند ، لباس و کلاه بسیار ساده پوشانده اند . مجسمهٔ « تیك »

(۱) حیات اسکندر ، قسمت ٤ ـ تالیف پلو تارك .

Tyche (ربة النوع طالع) انطاکیه که کنون در موزیم و اتیکان است ، این اصول را کاملاً آشکار میسازد ـ چه یك تاج ساده که تصویر دیوار های شهر انطاکیه است ، سر او را زینت میدهد ـ و بدنش با یك قبای ساده مستور گردیده ـ و از جواهر اثری نیست .

بالاخره همین مقصود که صنعت گران یونانی میخواستند حسن جسمانی را با اساس خیال کامل بسازند ، ایشان را از ارائهٔ جنبهٔ خالص روحانی آن باز داشت . بلی در نهضت و ارتقای متاخرهٔ این مدرسه ، احساسات برای تصویر مظاهر جسمانی احیا گردید ، مگر گاهی نتوانستند تأثیرات درونی و حقیقی روح را نشان بدهند . اینست که شما در مجسمه های « لاؤکون » در موزیم و اتیکان ، انفعالات و آلام جسمانی یك پدر و دو پسر بدبخت را مشاهده می کنید ، مگر از سیمای آنها ، تأثیرات روحی شان را کشف کرده نمیتوانید .

اما ممیزات صنعت مدرسهٔ « گندهاره » از سابق الذکر بکلی اختلاف دارد ـ درست است این مدرسه نیز تمثیل حسن جسمانی انسان را مد نظر داشته ، چنانکه ازمعاینهٔ بعضی مجسمه های بودا و « بودهی ساتوا » ، بخوبی معلوم میگردد ـ ولی این حسن جسمانی بقسم خیالی نشان داده نشده است مثلاً مجسمه های بودا بلباس رهبانی ومجسمه های « بودهی ساتوا » بلباس شهزادگی تجسم یافته ، لیکن نه بصورت پهلوانانی که نمؤ جسمانی خویش را نمایش میدهند . در اکثر ازین مجسمه ها آن قسمت بدن که از لباس بیرون و برهنه مانده ، دارای محاسن جسمانی است ـ ولی ظاهر است که این اثر ، زادهٔ احساسات خیالی هیکل ساز نبوده ، بلکه از افکار طبیعی وی

نراوش نموده است . پس مدرسهٔ گندهاره را ، مدرسهٔ حقیقیونی میتوان نامید که مسلك حقیقیون را که مخالف مسلك خیالی طبیعیون مدرسهٔ یونان است ، پروش داده اند .

نمونهٔ خوبی از ین مسلك مهمهٔ مدرسهٔ گندهاره ، همان مجسمهٔ تفکر وصوم بودا بمقام « گایا » است که کنون درموزیم لاهورمیباشد ، هیکل ساز درین مجسمه خواسته است ، نقاهت ولاغری جسمانی را که دراثر روزه به بدن بودا تولید شده نشان بدهد . این مجسمه از نظر تشریح بدن (اناتومی) فوق العاده بلند . مگر ازنقطهٔ اینکه منتها درجه مسلك حقیقیون را رعایت کرده ، شاید قدری کراهت انگیز باشد . چنین تمثالی را هیکل سازیونانی ابداً بوجود نیاورده است (۱) .

همان پارچهٔ کوچك مجسمهٔ گچی موزیم کابل که ازقرن اول عیسوی بوده و مرگ را نمایش میدهد ، نیز خیلی حقیقی است و معلوم میشودکه همین مجسمهٔ عبوس ، پیشاهنگ تمام همان مجسمه های مرگ که در پردهٔ معروف « رقص مرگ » تصویر واثر نقاشان قرون وسطی میباشد ، بوده وچنان مجسمه ایست که قطعاً بدماغ هیکل ساز یونانی نگذشته است .

یکی از نتائج این مسلك حقیقیون ، همانا صادق بودن تصاویر گندهاره است . هرگاه مجموعهٔ باشکوه سرهای مکشوفه ازهده را که درموزیم کابل است ازنظر بگذرانیم ، بآسانی معلوم میشودکه مجموعهٔ مزبورمحتوی تماثیل نژادهای

(۱) یك مجسمهٔ دیگر که نظیر این مجسمه و شاید نقل آن باشد ، درموزیم پشاور موجود است ـ مگرمتاسفانه شکسته وریخته شده . رجوع به کتاب « رسالهٔ هیا کل موزیم پشاور » ـ لوحهٔ ۳ـ اثر « هارگریفز » .

مختلفه ایست که ازمیان اقوام نستان عبورکرده اند و بعضی‌ازیشان درین سرزمین توطن گزیده و بذریعهٔ هیکل سازان این دیار تجسم یافته اند ؛ ازین جمله بعضی نمونه های آن بدصورت ونفرت آوراست ـ و اینك یك چندی از ان را شرح میدهیم :

یکی از ین نمونه ها ، تمثال یکنفر راهب بودائی است که دارای ریش تراشیده ، قیافهٔ صوفیانه ، خاموش ، آرام و مودب بوده یعنی مظهر حقیقی سیمای همان برهمن جوانی است که گیش گوا تامالا (بودا) را اختیار نموده است .

نمونهٔ دوم : عبارت ازیکنفر رومائی است که بر و تهای اصلاح شده و موی مجعد وا کلیلی از گل عشقه پیچان بسردارد ـ نفس پرستی‌اوازچشمان بی فروغ و دهان منحنی اش معلوم میشود . این نمونه ، مجسمهٔ ملت امپراطوری روما است ـ مغرور است ولی معذلك تخم تباهی آمدنی را نزدیك نشان میدهد (لوحهٔ ٥ـ الف) .

نمونهٔ دیگر یك نفر ترکی شرق اقصا یا یکی از سلاطین کوشانه است که با دیدگان فریب کار و الاشه های خوش ترکیب خویش ، مردی سرکش و صاحب سجیهٔ نا فرمان بنظرآمده و از اکلیل باریکی که بدور موهای اندك خود دارد ، معلوم میشود ، تمایلات یونانی داشته ولی‌همیشه بهمان ریاست چادر نشینان آسیای مرکزی باقی مانده است (لوحه ٥ ـ ب) .

دیگر یکنفر اسکیت ، یا ساکائی خون خوار و بیرحمی را نشان میدهد که آثار شرارت و ظلم از چشمانش پدیدار ، و بدن مستحکم و آهنینی را داراست . پیشانی تنگش ، افکار و دماغ رشد نا کردهٔ وی ، و چشمان کوچك و زنخ خوردش ، مشاعر حیوانی اورا ارائه میدارد . ولی‌موهای مرتب

وشانه کرده اش ، جنبهٔ دلچسپ قیافهٔ کریه او یعنی غرور و نخوت طفلانه اش را نمایندگی میکند (لوحهٔ ٦ ـ الف) .

یکی هم از زیباترین این مجسمه ها ، تمثال یك نفر افغان سالخورده است که بحال قهرمان میباشد . و سرش با یك دستار ساده که شملهٔ آن از گوش چپ او آویزان است ، پوشیده شده ، چشمانش بحال غضب بر دشمن دوخته و چین و شکن بسیاری برابروانش پدید آمده ، دهان بی دندانش اندکی باز است و گوئی بشدت ، مقابل را توهین میکند (لوحهٔ ٦ ـ ب) .

دیگر، یکنفر برهمن‌را نشان میدهد که زناری بروی سینه بطور مایل انداخته و لوتهٔ مملو از آب در دست دارد ـ و این لوته بقدری سنگین بوده که با دست راست ازدهن آن محکم گرفته و دست چپ را بزیر آن قرار داده است کلاه آن نهایت دلچسپ بوده و گره موی سر او را امروز بعضی سادوها تقلید میکنند (لوحهٔ ٧ ـ الف) .

تمثال دیگر یکنفرایرانی است که کلاه مخصوصی پوشیده و بادیدگان زرنگی مینگرد، گویا آدمی دارای سجایای خاص و ارادهٔ قطعی بوده (لوحهٔ ٧ ـ ب) .

نمونهٔ دیگر ، یکنفر را جیوت است که موی سر خودرا بطرف راست جمع کرده و شخصی تنومند ، ودارای بینی پهن و چشمانی فتنه انگیز معلوم میشود . ریش وی بدون تردید ملبتش را نشان میدهد (لوحهٔ ٨ ـ الف) .

مجسمهٔ دیگر از یکنفر چینی است که کلاه مخصوص و چشمان متمایلی داشته (لوحهٔ ٨ ـ ب) . چینیان بسیاری درکابلستان از زمان آخرین شاه یونانی ، « هرمایوس » زندگی کرده اند ، چنانکه از مسکوکات

« هرمایوس » که حاوی نوشته جات چینی است این حقیقت بخوبی آشکار میگردد (۱).

تمثال خیلی قابل توجه ، همانا از یکنفر مرد است که ریش کوسه و بروتهای مواج داشته ـ وچشمان کوچك و فریب کار و کلاه عجیب یك شاخه اش ، چهرهٔ اورا مخوف و شیطنت انگیز جلوه میدهد . اگر این سر را امروز میساختند ، بنام « میفس توفلیس » موسوم میکردند (لوحهٔ ۹ ـ ب) .

تمثال دیگری از یکنفر عسکر است که با خود زیبائی سر خود را خوب یو شیده و از قیافه اش نو جوانی معلوم میشود که هنوز خط بگرد عذار ش ندمیده ، و از فنون جنگ تجربهٔ نیا موخته (لوحهٔ ۹ ـ ب) .

تمثال ذیل که از قریهٔ شهر بهلول واقع در میادین پشاور مکشوف گردیده عبارت از سر یکنفر در ریش بودائی است که جمجمهٔ گنبد نمای او ، پردماغ عالی و ذکای بلندش دلالت میکند و دیدگان کوچك و با فروغش ، زرنگی طبیعتش را میرساند و بینی عقاب مانند او تمایلش را به مداخلت در امور دیگران ارائه میدهد ـ و بالا خره لب ها و زنخ متناسبش ، از قیصلهٔ خلل ناپذیر او در اجرای افکارش نمایندگی میکنند . پس از روی این خصوصیات چهره که آثار اخلاق هم ازان پدیدار میگردد ، میتوانیم صاحب آنرا یکنفر یهودی بخوانیم که در سر حد شمال غربی هند ، درقرن اول عیسوی زندگی داشته است (۱) . وچون فرق سر خود را طور یکه خاصهٔ مسلك رهبانیت است ، تراشیده ، اورا راهب

(۱) رسالهٔ مسکوکات شرق ـ ص ۳۶۳ تالیف مارگن . (۲) وجود یهود درین صفحات ، از سابق بذریعهٔ منابع تردید ناپذیری برای دنیای علم و فضل معلوم بود .



لوحهٔ اول الف ـ: مایتریا بودی ساتوا با پیروان او که از کاپیسا
کشف و کنون در موزیم کابل موجود است
Pl.I - a. Kapisa. Maitreya Bodhisattva entouré
de ses fidéls (Musée de Kaboul)

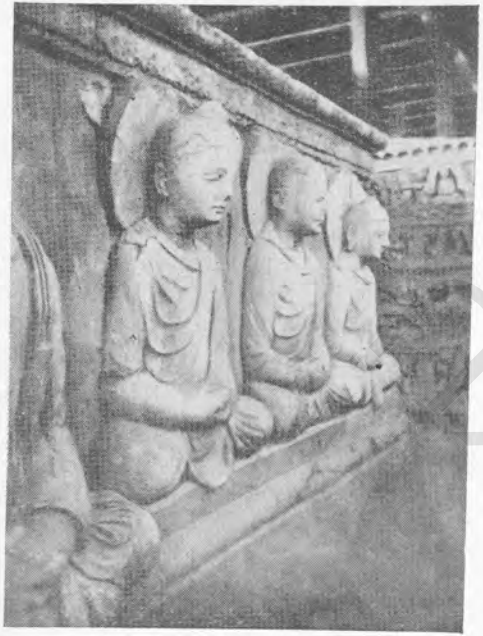


ب ـ : تمثال ایثار بودا ـ از هده یافت شده وکنون
در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Buddha grand renonciation
Musée de Kaboul



لوحهٔ ۲ الف : تمثال میتر یا بودی سا تو ا که از کابل یافت‌شده وکنون درموز یم کابل‌موجود است

Pl. II - a. Kaboul. Maitreya Bodhisattva Musée de Kaboul



ب : تمثال بودا ها بدور یك استو په که از تکسیلا یافت شده

b. Taxila. Buddhas en dhyan-mudra autour d'un stupa



لوحهٔ ۳ الف : صند و قچهٔ کنشکا که حاوی
بقایای بود ا است . ازشاه جی کی دهره یافت شده و
در موزیم پشا و ر موجود است
Pl. III - a. Shahji-ki-Dheri. Caisse de
Kanishka contenant les reliques de
Buddha (Musée de Peshavar)



ب : سر ا سکند ر بزرگ (بتقلید لیسی پوس)
در موزیم بر طا نیا
b. Tête d'Alexandre le Grand
British Museum



لوحهٔ ٤ ـ الف : گادی ران د ر
موزیم دلفی
Pl.IV a. Le cocher
Musée de Delphi



ب ـ سر یکنفر بهکو (راهب) درحال مراقبه ـ از
هده مکشوف و کنون در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un bhikkhu en méditation
Musée de Kaboul



لوحهٔ ٦ الف : سر یکنفرسا کائی ـ ازهده مکشوف
و در موز یم کا بل قرار دارد
Pl. VI - a. Hadda. Tête d'un Saka
Musée de Kaboul



ب : سر یکنفر افغان ـ ازهده‌مکشوف و درموز یم
کا بل موجود است
b. Hadda. Tête d'un Afghan (Musée de Kaboul)



لوحهٔ ٥ الف : سر یکنفر رومائی ـ ازهده مکشوف ودر موزیم کابل مو جود است

Pl.V - a. Hadda. Tête d'un Romaln
Musée de Kaboul



ب : سر یکنفر از حکمداران کو شانی ـ از هده مکشوف وکنون در موز یم کابل موجود است

b. Hadda. Tête d'un roi Kushana
Musée de Kaboul



لوحهٔ ۷ : الف : تمثال یکنفر بر همن کهلوتهٔ رادر برداشتهازهده مکشوف ودرموزیم کابلموجود است
Pl.VII. a Hadda. Brahman portant un lota (Musée de Kaboul)



ب : سر یکنفر ایرانی ـ از هده مکشوف ودر موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un iranien Musée de Kaboul



لوحهٔ۸ الف : سر یکنفرراجپوت ـ ازهده مکشوف
و در موزیم کابل موجود است
Pl.VIII a. Hadda. Tête d'un Rajput
Musée de Kaboul



ب سر یکنفر چینی ـ از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un chinois (Musée de Kaboul)

بودائی هم گفته میتوانیم- یعنی یکنفر یهودی بوده که آئین بودا را اختیار واخیراً شامل « سانگها » (مجمع راهبان بودائی) گردیده است (لوحهٔ ۱۰ - الف).

در جملهٔ این مجموعهٔ مجسمه های قرن اول عیسوی ، بالاخره تمثال یك نفر حبشی است که دارای پیشانی رشد نا کرده ، بینی پهن ولب های پیش برآمده بوده ، ممیزات نژاد حبشی بکلی در و آشکار است. این حبشی که از افریقای مرکزی آمده ، هوای سرد افغانستان را احساس کرده و برای اینکه خودرا گرم نگاه دارد ، پوستین را بسر خود مثلیکه دهاقین مملکت تاکنون استعمال مینمایند ، کش کرده است .

حبشیان متعدده ئی بی شبهه از افریقا بحیث غلامان تا جران رومائی ، وارد افغانستان گردیده است . مگر این مجسمه از نقطهٔ نظر تخنیك ، بیشتر قابل ملاحظه است : این شخص بلند بالا ، سر تا پای خود را باپوستین طوری چپ پیچانیده که شکل بدنش از آن بخوبی معلوم میشود . وضعیت خمدار بدنش که گوئی از درد درونی و ناقابل گفتن و تحمل ناپذیری نمایندگی میکند ، و شکل تیره و غیر واضح تمام جسمش (که هیکل ساز ، آنرا باستثنای سر ، ظاهراً نا مکمل گذارده) بعضی از آثار صنعتی معاصر ، از قبیل مجسمه های ساخت ایپستین Epstain را بخاطر آورده ، و انسان را طبعاً بحیرت می اندازد که صانع آن کدام شخص بوده که افکار امروزهٔ صنعتی را ۱۲ قرن قبل ، بصحنهٔ عمل نمایش داده (۱) - (لوحهٔ ۱۰ - ب) .

اینك در اثر اتخاذ این مسلك حقیقیت بوده ، که صنایع مدرسهٔ گندهاره

(۱) موسیو هاکن (L'oeuvre de la Delegation کارهای هیئت حفاری - ص ۱۲ و ۱۳) عقیده دارد که این مجسمه ، تمثال یك دیو است .

مملو از حیات است . فقط به یك مقایسه فرق این صنعت آشکار می شود ؛ در موزیم « لیتران » واقع در روما ، یك مجسمهٔ فشنگ مرمرین قرار دارد که جوان چهار شانهٔ موسوم به « انتی نوس ورتمنوس » Antinous Vertemnus را در حالیکه یکدانه گل (شاید بمقصد هدیه بمعبد) با خود داشته است نشان میدهد ـ (لوحهٔ ۱۱ ـ الف) . درین مجسمه ، مفکوره ، زیبا و طرز عمل ، مسرت آور است ، ولی اگر بی غرضانه مجسمهٔ مزبور را معرض امتحان قرار دهیم ، خواهیم دید که فقط یك مجسمه است و بس به روحی دارد و نه خون در شرائینش در جریان است ـ بلکه بکلی فاقد حیات است . دو سال پیش ، یك مجسمهٔ شکستهٔ گچی در « هده » کشف گردید که آنرا نقل اصلاح شدهٔ مجسمهٔ جوان واتیکانی گفته میتوانیم (لوحهٔ ۱۱ ـ ب) .

درین مجسمه نیز همان مفکوره عملی گردیده ، و طرز عمل هم عالی است ـ مگر معذلك ملاحظه نمائید این دو مجسمه چقدر از هم متفاوت اند باوجودیکه مجسمهٔ هده شکسته است ، معذلك منقدین و موشگافان صنعتی آنرا بر مجسمهٔ « واتیکان » ترجیح خواهند داد ، چه ، مجسمهٔ هده مملو از حیات است . بعلاوه ، وضعیت موهای فرق سر مجسمهٔ هده بیشتر طبیعی است ، درحالیکه از مجسمهٔ واتیکان ، با آنکه فشنگ و زیبا است ، عاریه بنظر می آید . همچنین سنگهائی (قطیفهٔ) که از شانه های جوان هده آویخته و فقط سینه را برهنه گذاشته است نسبت به قطیفهٔ سست و کتالی که بدور کمر « انتی نوس » گرفته شده بمراتب زیباتر جلوه می کند .

نمونهٔ دیگری از مجسمه های « هده » (لوحهٔ ۱۲ ـ الف) بخودی خود

فرق بین عضو مرده وبی روح وعضو زندهٔ بدن انسانی را ارائه می نماید . مرسیو بارتو (۱) وموسیوها کن (۲) این اثر صنعت هیکل تراشی را «دیو» می خوانند . ولی من خیال دارم ، مجسمهٔ مذکور یکی از پیروان جدی ومجذوب بودائی است که مانند « سری سنگها بودهی » Sirisanghabodhiپادشاه سیلون (۳) یا « ناگار جونه» Nàgarjuna (٤) ، سر خودرا به « بودا» میدادند تا در نسل آینده مقام بودائیت را بدست آورند . این شخص متقی ، سرخودرا بادودست خود ، به بالا کشانده جدا میکند ـ ودو قسمت نخاع او ، در اثر کش شدن ، گوئی منبسط وبیجا شده بوضع مهیبی معلوم می گردد . دست های آن در حالیکه سررا محکم گرفته وبطرف بالا فشار میدهد ، زنده وباروح معلوم میشود . سرآن ، سرمرده را نشان میدهد ، چشمانش مثل کسی که تازه جان داده ، کمی بسته است ـ ویوست رخسارش بطرف پائین کشال شده ، ودر نزدیك چشم ها وبینی ، چین تولید کرده است ، بالاخره این مجسمهٔ نا مطبوع ، درعین مرگ مملو ازحیات است .

ازحیث‌تزئین وپیرایه‌نیز مدرسه «گندهاره» بکلی ازمدرسهٔ یونانی اختلاف دارد ، صنعت شرقی در تزئینات ، همواره بکثرت بکار رفته است وبنا بر ا ن ذوق وسلیقهٔ مدرسهٔ گندهاره ، از مفکورهای خیالی آنقه که راجع به حسن

(۱) اثر مذکورهٔ « بارتو » ص ۱۰۰ ـ ۰ (۲) « کارهای هیئت علمیه شناسی فرانسوی در افغانستان » ـ اثر موسیو ها کن ـ از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۲ ـ ج ۱ شکل ۲۰

(۳) Mahàvamsa. Lxxxv. 73.77

(٤) Kathà Sarit Sagara, vII. 7

وز یبائی داشتند ، خیلی د ور است . یونا نیان میگفتند : حسن طبیعی ، زینت بکار ندارد . مگر صنعت گران گندهاره عقیده داشتند که حسن طبیعی بوا سطهٔ زینت دو بالا می شود . این زینت وتجمل ، مخصوصاً در کلاهای تمام مجسمه های بودائی دیده میشود (باستثنای مجسمه های خود بودا ، چه بودا بقرار مسلك خود ، اشیای تجملی را در بر کرده نمیتواند) ـ در موزیم پشاور یك مجسمهٔ « بودهی ساتوا » وجود دارد که از معائنهٔ آن حقیقت فوق تا ئید می گر دد (لوحهٔ ۱۲ ـ ب)ـ این تمثال ، بودهی سا توارا بصورت یکنفر شهزاده (عیناً مثلیکه « گا تاما » بقرار روایت بودا ئیون، موقع قطع علایق ازدنیا بود) نشان داده‌است . مگر تاج آن‌ساده نبوده بلکه اعلا شرفی و باجواهرات ، گل ها ، اشکال حیوانات و فیته ها مزین گردیده . بعضی از ین گونه تاجها یا کلاه ها ، مجسمهٔ کوچکی در پیشروی خود داشته (لوحهٔ ۲٤ ـ ب) و آغاز رسم « تانترك » Tantric (یعنی نهادن مجسمهٔ بودا بر سر رب النوع ، بدین مفهوم (باطل) که رب النوع مزبور از نشئهٔ ذات بود اخلق شده) از ان معلوم میشود . این وفرت تزئینات ، مخصوصاً در مجسمه های « بودی ساتواهای کامل » دیده میشود ـ و یکی از ین مجسمه‌ها که از مقام « شاهباز گرهی » کشف شده وکنون در « موزیم لور » است ، نمونهٔ خوبی از ین ممیزات صنعتی مدرسهٔ گندهاره بشمار میرود (لوحهٔ ۱۳ ـ الف) ـ لباس این مجسمه قطعاً ساده نیست و تاج آن منتها درجه پیچیده است ـ گردن بند و زنار آن ، سینهٔ برهنه اش را تقریباً پوشانده بازو بند و انگشتر در بازو و دست های او معلوم میشود و گوشواره ها در گوش دارد حتی چپلی های آن قیمتی بوده و استادانه کار شده . و در پایهٔ

مجسمه در هر چند انچ فاصله ، یك مجسمه یا شی مزین منقوش است . هر گز صنعت گری در یونان ، چنین مجسمهٔ را که درهمه جهات تماماً هندی میباشد ساخته نمیتوانست .

چهارمین اختلاف مدرسهٔ گندهاره ازمدرسهٔ یونان که آنهم ناشی‌ازاتخاذ مسلك‌حقیقت میباشد ، اینست که‌صنعت گران گندهاره همواره می‌کوشند احساسات وعواطف عمیق روحی یعنی‌صمیمیت وجذبات اصلی قلبی‌را مو قع مراقبه وتفکر ، وسکون روحی آنهائی را که ترك نفس گفته اند ، و نفرت ازغرور و علایق د نیوی و غیره را میخواهند تجسم دهند . مثلاً هرگاه سرهای بودا را که درحال مراقبه است ، مطالعه نمائید (لوحهٔ ۱٤ ـ الف ، ب) تأثیرات روحی را در دیدگان نیمه باز ، در لب هائی که بلا بمث بسته است ، و بالاخره در تمام قیافهٔ آرام وساکت آن مشاهده خواهید کرد ، چنانکه گوئی درحال بی‌خودی‌است . حال اگر این سرها را بامعضی از سرهای «بودهی‌ساتواها» یعنی روحانیون نیکه هنوز به تمام صفات بودائی متصف و کامل نگردیده مورد تطبیق قرار دهید ، خواهید دید که دریکی از ین سرها غرور ، در دیگری غم و درسومی اضطراب وهیجان روحی پدیدار است . همچنین ملاحظه خواهید نمود که درمجسمه های فقیرها وفقیره‌های بودائی ، برخی ملو ازصمیمیت وزهد ودامت و بعضی دیگر حتی درموقع اجرای وظائف مذهبی مغرور و آشفته حال بوده (لوحهٔ ۱۳ ـ ب) و یا اثری از سرور روحی از چهرهٔ آنها میتراود ـ در یکی درد و الم روحی در حالیکه چشمان را به آسمان به استعانت برداشته (لوحهٔ ۱۵ـ الف) هویدا و دردیگری سکون روحی موقع عبادت آشکار است (لوحهٔ ۱٦ـالف) ـ زنی اوضاع و اطوار زنانهٔ خود را ابراز

میدارد (لوحهٔ ۱۵ـ ب) و دختری با وجود پیچیدگی و پر کاری کلاه خویش، محجوب وباحیا معلوم میشود (لوحهٔ ۱۶ـ ب) ـ مجسمهٔ دیگری تمثال یکنفر ممتحن مذهبی است که سردمان را به تفکر بالای مرگ دعوت نموده و ضمناً به مجسمهٔ که بدست چپ دارد ، اشاره میکند . چهره های تازه و جوان آنها در حین تبسم ، ثمرهٔ روحی این تفکر ونیز این مسئله را که دراثر پشت پا زدن غرور ولذات دنیائی، چقدر مسرور اند ، نشان میدهد (لوحهٔ ۱۷ـالف).

ممکن است بگویند اندکی از بین مجسمه ها ، نفوذ یونانی را لا اقل در بعضی جزئیات (مثل طریق آرایش موی ، نیمرخ بودن بعضی چهره ها ، طرز گرفتن بودا سنگهاتی (قطیفه) را در بغل راست ، و غیره) نشان میدهد . اینك این خصوصیات را جدا جدا معرض امتحان قرار میدهیم ، ـ

طرز آرایش موی واقعاً خیلی غریب است ، در جملهٔ سرهای گچی که تازه از هده ، مکشوف گردیده ، چند سر از قریجی ها (۱) وجود دارد که موی سر آنها مانند موی مجسمهٔ نیم تنهٔ اسکندر کبیر واقع « درپرتش موزیم » میباشد . دیگر سرهای هده ، موهای مجعد دارند ـ از انجمله است مجسمهٔ کهازمقام « اسرواتی » توسط پروفیسر « زو ودوبروی» فرانسوی ساکن پاندیچری کشف ، و کنون در « موزهٔ گیمهٔ پاریس » است . بهمین سبب بوده که این سر را باسر « هارمودیوس » واقع در « موزیم ملی ناپل » طرف مقایسه قرار داده اند (۲) . حال ، اون از همه بایستی قایل شویم

(۱) اهالی قدیمهٔ صفحات شمال غربی آسیای صغیر . (۲) کتاب کارهای هیئت حفاری فرانسوی در افغانستان ـ ص ۱۰ مقایسه شود با اثر « زو و دو بروی » ص ۱۰ و لوحهٔ آ The Pallaves

که وضعیت موهای سرهای مکشوفه از هده با اندازهٔ متفاوت و متنوع است که بعضی اوقات این مو بها متموج و بر جسته و گاهی بر عکس ـ و زمانی دراز و آرایش داده و به پشت سر انداخته شده ـ و در برخی از احوال ، کوتاه بوده و مختلف حصص آن مجعد ساخته شده است . چنانچه از روی تصاویر مقاله ، این تنوع پدیدار است . پس جای تعجب نیست که در بین قسم کلاه های زیاد و گوناگون ، بعضی از هیکل سازان هندی در طرز ساخت ، با بعضی از ازهیکل‌سازان یونانی شباهت پیدا کنند . بلکه خیلی ممکن است هر دو هیکل ساز ، بر سبیل توارد ، یکطرز را پیروی کرده باشند .

راجع به موهای مجعد و مجسمهٔ سابق الذکر ، در ظاهر واقعاً یك شباهت موجود است ، ولی اگر تدقیق شود ، فرق بزرگی بین هردو وجود دارد یعنی موی مجعد مجسمهٔ بودا یکی ازعلامات ممیزهٔ « مهاپر وشا لکشانا » بوده و بقرار نوشته جات قدیمهٔ بودائی ، این جعد از چپ به راست میرود ، درحالیکه در مجسمهٔ « هارمودیوس » جعد موی از راست به چپ میرود .

اما مجسمه های نیم رخ بودا ، با مجسمه های قدیمهٔ یونانی ، شباهت خیلی برجستهٔ بهم میرساند (لوحهٔ ۱۸ ـ الف) مگر این شباهت اینطور نیست که بالضرور از مجسمه های یونانی متاثر شده باشد ـ ازطرف دیگر این مجسمه های یونانی طوریکه فوقاً اشعار یافت ، در افغانستان و هند شمالی یافت نشده است ـ در واقع این گونه قیافه در یونان قدیم عمومیت داشته و بسیاری یونانیانی که بهند آمدند ، بدون تردید دارای همین نوع چهره بودند ـ و بعضی ازاخلاف آنها درهند لااقل در آغاز دورهٔ مسیحی ، باحتمال اقرب

این خصوصیات قیافه را بمیراث برد ند . حتی در اثنای مسافرتم در افغانستان اثر آنها رادر چهار نفر افغانستانی که یکی از اینها در سفارت ایطالیا مقیم کابل ، باغبانی میکرد ، یافته توانستم . بنا بران دور نیست که هیکل سازان عصر کوشانه در مجسمه های خویش بعضی از ین خصوصیات چهره را که در حقیقت در بین همسایه های آنها وجود داشت ، نقل کرده باشند .

بالاخره طرز پوشیدن سنگهاتی (قطیفه) ، مخصوص وخیلی غریب است (لوحه ۱۳ ـ ب) . در موزیم کابل ، پهلوی یکی از مجسمه های بودا که بهمین اسلوب ساخته شده یك عکس ازمجسمهٔ معروف وکلاسیك « سوفوکلیز » برای ارائهٔ شباهت بین هر دو اسلوب ، نهاده شده است . من درین مجسمه ، نفوذ یونانی را علی الفور قبول میکنم ـ ولی نه اینکه این نفوذ مستقیماً ازصنایع یونانی پیدا شده باشد . بسیاری یونانیها در این مناطق ، چند قرن پیش سکونت داشتند ـ و بومیان مناطق مذکور بی شبهه این اسلوب پوشیدن قطیفه راتقلید نمودند . حتی امروز چوپانهای افغانی در زمستان ، شالهائی را می‌پوشند که از بالای شانهٔ راست و زیر بغل چپ گذشته و دست آنها بهمان اسلوب مؤقری که درمجسمهٔ « سوفوکلیز » (۱) دیده میشود ، بیرون میماند صنعت گر گندهاره . حیات واقعی را درمجسمه های خود تمثیل میکرد ـ پس عجب نیست که مجسمهٔ بودا را بهمان اسلوبی که در زندگی روزانهٔ خود دیده اند ، لباس پوشانده اند .

(۱) درنطقی که درانجمن ادبی بتاریخ ۳ نومبر ۱۹۳٤ ایراد داشتم تذکر داده‌ام که مردم افغانستان هنوز لباس خودرا بهمان وضع مؤقر یونانیان قدیم در بر میکنند . رجوع شود به روزنامهٔ اصلاح ـ مورخهٔ ۵ نومبر ۱۹۳٤ .



لوحه ۹ الف : سر میستو فیلس ـ از هده مکـوف و در
موزیم کا بل موجود است
Pl.IX a. Hadda. Tête de Mefistofelés (?)
Musée de Kaboul



ب : سر یکنفر سرباز یونانی ـ ازهده مکشوف
و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un soldat grec
Musée de Kaboul



لوحهٔ ۱۰ الف : سر یکنفر یهود ـ از شهر بهلول
مکشوف و درموز یم یشاور موجود است
Pl.X a. Shahr-i-Bahlol. Tête d'un juif
Musée de Peshawar



ب : یکنفر عفریت که پوستین پوشیده است ـ ازهده
مکشوف ودرموزیم کابل موجود است .
b. Hadda. Monstre couverte d'une fourrure
Musée de Kaboul



لوحهٔ ۱۱ـ الف انتینوس ورتومنوس ـ در موزیم لیتران
Pl. XI - a. Antinous Vertumnus
Musée de Lateran



ب : جوانی است که گل پاش میدهد ـ ازهده مکشوف
و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Jeune homme dispersant les
fleurs (Musée de Kaboul)

ACKU



لوحهٔ ۱۲ الف : یکی ازمعتقدین بودا،درحالیکه سرخودرا
برای بودا میدهد . از هده مکشوف و در موزهٔ
کابل موجود است
Pl.XII a. Hadda. fidél offrant
sa tête à Buddha. (Musée de Kaboul)



ب : سر یکنفر بودی ساتوا - ازشهر بهلول مکشوف
و درموزهٔ کابل موجود است
b. Shahr-i-Bahlol. Tête de Bodhisattva
Musée de Peshawar



لوحهٔ ۱۳ الف : مجسمهٔ یکنفر بودی‌ساتوا : از شاهباز گرهی مکشوف و کنون درموزهٔ لوور پاریس وجوددارد
Pl.XIII.a. Shahbaz-Garhi. Statue d'un Bodhisattva (Musée du Louvre, Paris)



ب ـ راهب و راهبهٔ بودائی : از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Bhikkhus et Bhikkhuni Musée de Kaboul



لوحهٔ ١٤ الف سر بودا ـ از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است

Pl.XIV a. Tête de Buddha (Musée de Kaboul)



ب : سر بودا ـ از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است

b. Hadda. Tête de Buddha (Musée de Kaboul)



لوحهٔ ۱۵ الف : یکی از پیروان بودائی در حین دعا
از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
Pl. XV a. Hadda. un Buddhist religieux
en priére (Musée de Kaboul)



ب : سر یك دختر ـ از هده مکشوف و در موزیم
کابل موجود است
d. Hadda. Tête d'une fille
Musée de Kaboul



لوحهٔ ۱۶ـ الف : تمثال یك دختر پرهیز گار ـ از هده مکشوف و در موزیم کابل مو جود است

Pl. XVI a. Hadda. Une fille religieuse
Musée de Kaboul



ب : سر یك دختر محجو به ـ ازهده مکشوف و در موزیم کابل موجود است

b. Hadda. Tête d'une fille timide
Musée de Kaboul

مطالعهٔ این جزئیات وخصوصیات مجسمه ها بمامی فهماندکه هیا کل گندهاره قطعاً یونانی الاصل نبوده بلکه برعکس اکثرازانها اصلاً هندی میباشند. قبلاً تذکار رفت که پیچ وتاب موی مجسمهٔ بودا بقرار نوشته جات قدیم بودائی، خاصهٔ موی «لکشاناس یعنی انسان کامل بوده. «اوشنیسا» یابرآمدگی جمجمه که درتمام مجسمه های بودا دیده میشود نیز واقعاً از ممیزات یونانی نه بلکه یکی ازعلایم مخصوصهٔ همین «لکشاناس» است. نه تنهابعضی ازمجسمه های بودا، بلکه عملاً تمام مجسمه های آن، علامت دیگری هم ازلکشاناس را ارائه میدهدکه عبارت از نرمهٔ گوش است که تاشانه ها کشال شده واین چیزی است که هیچ صنعت کار یونانی گاهی جرئت به تمثیل آن ننموده، بلکه از ین قواره خیلی بعد برده و آنرا وحشیانه میپنداشتند. نیز اگرسرهای مکشوفه ازهده را ملاحظه نمائید، ملتفت خواهید شد که چشمان اکثر ازانها آن چنان سادگانه که درد نیای حقیقت وجود دارد، نیست (لوحهٔ ۱۷ ـ ب) بلکه قبلاً متمایل به بادامی شده اند، چنانکه ازهیا کل وتصاویر تمام هند ازقرن ۵ تا ۱۳ مسیحی این حقیقت پیداست.

بنابران واضح گردید که مدرسهٔ معروف به «مدرسه یونانی و بودائی گندهاره»، قطعاً یونانی نبوده ونه ازهیکل سازان یونانی متاثر گردیده است ـ بلکه یکی یک مدرسهٔ خالص هیکل سازی وطنی (افغانستان) بوده ومفکوره ها و ممیزات جداگانهٔ داشته که از مفکوره های هندی متأثر شده است.

لاکن درینجا طبعاً سوال ذیل پیدامیشود: پس هیکل سازان گندهاره که بودند؟ وچنین صنعتی را که ازحیث ممیزات هندئی خود نسبت به صنعت

وهیا کلی که بعدها درهند در زمان کلاسیك آن عرض اندام نموده ، اینقدر متفاوت است ، که ایجاد نمود ؟ در واقع همین عدم شباهت وتفاوت بزرگی که بین هیا کل گندهاره وهیا کل بقیه حصص هند از زمان « گپتا » تاعصر « هوی سالا » وحتی عهد « جایانا گارا » وجود داشته ، علت اساسی این مسئله گردیده که اکثرازمورخین ومنقدین صنایع نفیسه متمایل شده اند صنایع مزبور را دراراضی شمالی هند ازنفوذ یونانی متأثر بشناسند .

واین درحقیقت عقدهٔ مهم تمام مسئله است وما آنرا بطور عمومی زیربحث میگیریم ، برای این کار اینك اولاً تدقیق میکنیم که ساکنین صفحات شمالی هند که بودند ؟

قبل از همه در اینجا آریه‌ها ئی بودند که از زمان هجوم و مهاجرت آریه ، الا ۲۰۰۰ سال پیش ، سکونت اختیار کرده ـ و با اهالی آن دیار ، مثل دیگر مقامات دراز منهٔ قدیم ، آمیزش یافتند . مگر این نژاد مختلفهٔ « هند و آرین » هنوز هیکل سازان خوبی ثابت نشده بودند . چنانکه در « رگ ویدا » یك کله از مجسمه تذکار نیافته (۱) و نه مجسمه (قراریکه معلوم میشود) در ان زمان وجود داشته است . ـ بلکه مجسمه چند قرن بعد ، شاید در اثر نفوذ « در اویدی ها » پیدایش یافت (۲) چنانچه از جملهٔ سه مجسمهٔ که در یك نوشته تاریخی تذکار یافته ، دوی آن مجسمهٔ ارباب انواع دراویدیهاست که شامل

(۱) اینکه ازمجسمهٔ « اندرا » در « رگ ویدا » تذکر رفته باشد ، خیلی مشکوك مینماید . (۲) مقالهٔ « ظهور فن صورت گری هنود قدیم » بقلم میکدونل درمجلهٔ انجمن شاهی آسیائی سنه ۱۹۱۷ ص ۶۰۲ ـ انحراف ازپرستش بودا به بت ، قراریکه معلوم میشود ، عقیدهٔ آریائیهای قدیم را بمقابل نفوذ خارجی نشان میدهد .

معبودان آریائی‌ها بود ـ « پاتن جلی » در قرن دوم قبل المیلاد درضمن شرحی که در باب « پانینی » نموده ازنمایش رب‌النوع شیوا ـ سکاندا ، و«ویشا که» حرف میزند (۱) ازین معلوم میشود که نمایشات مذکور ، لا اقل در روز های « پاتن جلی » درقرن ۲ ق . م و حتی شاید دو قرن پیشتر در زمان حیات « پانینی » ، بوقوع پیوسته است . این عمل هیکل تراشی بی شبهه تسلسل و زیادت پذیرفت ، چه از اواسط قرن اول مسیحی ، ارباب انواع هنود در مسکوکات هندی با چهار دست تمثیل گردیده اند (۲) یعنی هیکل تراشی اصلا خیلی از پیش مورد استعمال وپرستش بوده که در آغاز دورهٔ مسیحی بدان پایه رسیده است . معذلك هیچکدام ازین هیاکل باقی نمانده وبما نرسیده است قدیمترین مجسمهٔ رب‌النوع آریائی که تاکنون معلوم است ، همانا مجسمهٔ « سریا » واقع در معبد « پارا سرامسوارا » بمقام « گودی مالان » درعلاقهٔ آرکوت شمالی ، میباشد (۳) وهمین مجسمه هم از مرکز مملکت دراویدی یافت گردیده وباحتمال اقرب به اواسط قرن دوم مسیحی ، یا اوائل قرن سوم تعلق داشته است .

یکقرن پیش تر ازین ، مجسمه های مدرسهٔ گندهاره ظهور داشت . برای تکمیل این صنعت مدرسهٔ گندهاره ، حتماً این فرضیه پیدا میشود که فن

(۱) « تبصره بر استعمال مجسمه درهند قدیم » ـ کتاب Indian Atiquarry « عتیقات هند » ص ۱۴۹ . (۲) مقالهٔ « ظهور فن صورت گری هنود قدیم » منتشره در مجلهٔ انجمن شاهی آسیائی ـ طبع ۱۹۱۶ ص ۱۳۰ بقلم میکدونل . (۳) « اصول صورت گری هنود » ج ۱ قسمت ۲ ص ۳۱۲ و ۳۱۳ تالیف گوپنا تار اؤ .

مجسمه سازی مدرسهٔ گندهاره سابقهٔ قدیمی داشته خواهد بود ـ ولی از چنین ادوار طویلی‌که مهارت هندو آریائی ها را درمجسمه تراشی نشان بدهد ، بخاطر نداریم .

پس آیا مردم دیگری هم در سرزمینی که این صنعت گندهاره انکشاف پذیرفت ، وجود داشت ؟ برای این مقصد هرگاه ورقی چند از قدیمترین تاریخ هند برگردانیم ، می بینیم که در « ویدا » نوشته است : بجنوب دریای « کبها » Kubha (کابل) تا به دهانهٔ آن در دریای سند قبیلهٔ بزرگی مسکون بودند که « گندهاری » نام داشتند (۱) . در « آتهار واویدا » نوشته است که این گندهاری ها بااقوام « موجا وانت » و « آنگا » و « ماگاده » متحد بودند (۲) ـ پس ، همانطوریکه « آنگاها» و«ماگاداها » سرحدات شرقی مقبوضات آریائی را تشکیل میداد ، « گندهاریها » و « موجاوانت‌ها » سرحدات شمال غربی آن را ارائه می نمود . از روی این تقسیم ، طبعاً چنین معلوم میشود که « آنگاها» و « ماگادا ها » وهمچنین « گندهاریها » و « موجاوانت‌ها » مردمانی پیش از آرین بوده اند . واین نتیجه از نوشتهٔ « آتهار واویدا » هم تائید میشود ـ چه « آتهاروا ویدا » میگوید خود اوتکن (تب) را ازمردم آرین به مردم « موجا وانت » که قبایل شمال غربی ودشمن آرین ها بودند ، اخراج ونقل داد ـ ورنه (تکمن) به آنها فرستاده نمی شد . درحقیقت گندها ریها ، نسبت به آرین های مسطور در « رگ ویدا » خیلی قدیمتر معلوم می شوند . چنانچه دریك مدحیهٔ که

(۱) Altindishe Leben (حیات قدیم) ـ تالیف زمر ـ ص ۳۰ و ۳۱ ـ (۲) « آتهار واویدا » ـ فصل ۵ ـ بند ۲۲ .

بنام شاه « بهاویا » Bhavya حکمران سو احل سند ، سروده شده ، یك بیت به وزنی مختلف ازوزن مدحیه وجود دارد که اشاره به گوسفندانی مینماید که « گندارها » پرورش میدادند (۱) . وامروز این بیت را قسمتی از سرود مطول تری می‌پندارند که وجههٔ عشقی داشته وطبعاً با یستی نسبت به سرودهای خود « رگ ویدا » قدیمتر و بنابران ازمها جنت آرین ها پیشتر با شد (۲)

علاوه از قبایل کوچکی که آنها هم قبل الا رین معلوم می شوند از قبیل مدراسی ها ـ سیواها ـ پالیکاها ـ بهالاناها و غیره ، بایستی دو قبیلهٔ دیگر را نیز که قرار معلوم نسبت به سابق الذکر ، رول مهمتری در اراضی شمال غربی هند بازی کرده اند ، تذکار نمائیم ـ این دو قبیله « کمبوجه‌ها » و « تاکهاها » (یا تکشاها) می باشند . می گویند سابق الذکر بزبانی غیر از زبان آرین ها حرف میزدند (۳) و آخر الذکر (که یك مرتبه توسط « سوداها » در جنگ « ده پاد شاه » مغلوب شده اند) بقول «مهابهارته» به نژاد « ناگه » Nogas تعلق داشته و بنابران « در اویدی » بودند (٤) . تمام این قبایل که اصلیت در اویدی داشتند ، بمرور زمان آریائی شدند ـ ولی همسایه های آریائی آنها ، بسیاری رسوم و عادات قدیمهٔ غیر آریائی راکه قبائل مذکور تا امروز دارا میباشند ، پذیرفتند ـ ازانجمله «رساکشاتریه» که از قبول رسوم رهبانیت (٥) که در بین مدراسی های آن زمان معمول

(۱) رگ ویدا قسمت ۱ ـ بند ۱۲٦ (۲) کتاب « بعضی قبائل کشاتریه درهند قدیم » تالیف « لا » ص ۲٥٥ و « سرودهای مذهبی رگ ویدا » اثر « گرفث » ج ۱ ضمیمهٔ ۱ ص ٦٤٨ (۲) Nirukta قسمت ۲ ص ۲ (٤) مهابهارته ـ آدی پاروا پاشیا ـ ص ۳ (٥) مهابهارته ـ کارنا پاروا ـ ص ٤٥ ـ

بود ، استنکاف ورزیدند - و قبایل « بالهکاها » که در ظروف چوبی و گلی طعام میخوردند (۱)

حال آمدیم باینکه آیا این قبایل در اویدی قابل این بوده اند که چنین آثار صنعتی را که نمونه های مدرسهٔ گندهاره شمرده میشود ، از خود بوجود بیاورند ؟ اولا بخاطر باید داشت که در اویدی ها در زمان هجوم آرین دران مملکت ، تمدن عالیتری را مالك بودند (۲) - برعلاوه ، دراویدیها در بین خود راجع به فن هیکل سازی و مفکوره های بلند زیبائی خویش روایت خیلی قدیمی دارند - و اولین آثار صنعتی که انکشاف و ترقی مهمی را در فن هیکل سازی از خود نشان میدهد ، از مقام « هرپه » و « موهنجو دیرو » بدست آمده .

کنون جای آن نیست که ثابت کنیم تمدن وادی سند قبل الارین بوده ، چه این حقیقت را « سرجان مارشال » و « مستر ارنست میکی » و دیگران بقدر کفایت ثابت کرده اند و دلایل آنها را تا کنون کسانیکه تمدن آریائی را در دوشهر مذکور میخواهند کشف نمایند ، تردید و یا ضعیف ساخته نتوانسته است . همینقدر در ینجا میگوئیم که اسپ را که حیوان معروف آریائی هاست باشندگان « موهنجو دیرو » نمی شناختند و برعکس نرگاو - برگاومیش - اسپ یك شاخهٔ داستانی - پلنگ ، فیل و شاید دیگر حیوانات در نزد شان معلوم بود - پرستش « لنگه » (آلهٔ تناسل مرد) هم قرار یکه معلوم میشود نزد آنها رواج داشت ، پرستش درخت خیلی عام

(۱) ایضاً ص ٤٤ - (۲) هنود قبل التاریخ وهنود فرون اولی هندوستان ، ص ۱۲ - ۱٤ تالیف « بانرجی » .

بود ـ و یکی از عام ترین علایم مهر های « موهنجو دیرو » (که داکتر برن نا ته (۱) آنرا « گاو » میخواند و منشأ علامت برج ثور معلوم میشود) در یکی از ظروف سفالی قبل التاریخی در قریهٔ « والا لور » در علاقهٔ « کوئم باتور » واقع در قلب مملکت دراویدی ، یافت شده است (۲) .

نیز دو مجسمهٔ کوچك سنگی شکسته ، از « هرپ په » مکشوف گردیده است (لوحهٔ ۱۹ ـ الف ، ب) وسرجان مارشال (۳) راجع به آنها بیان ذیل را ایراد نموده ؛

(وقتا که نخستین بار این مجسمه ها را مشاهده نمودم ، نمیتوانستم آنرا قبل التاریخ بخوانم . اینك مجسمه ها تمام افکار و نظریات را جمع به صنعت مقدماتی رابرهم زده چنین طرحی دردنیای قدیم تا عصر تمدن صنعتی یونانیان مجهول بود

وبنابران خیال کردم که یقیناً کدام غلطی درتاریخ صنعت قدیم روی داده است واین مجسمه ها به عصر « هندو یونانیها » ، سکائی ها و پارت های پنجاب تعلق داشته و به میادین قریب ۳۰۰۰ سال پیشترنسبت به مجسمه های خود میادین مذکور ، نشر واشاعت یافته . واین نظریه ، اولین نظریهٔ آنانی خواهد بود که بتاریخ هیکل سازی مقدماتی ، معرفت دارند .)

ولی سرجان مارشال را بآسانی قانع ساختند که مجسمه های مذکور نظریه

(۱) مقالهٔ «طلیعهٔ نگارش هند » اثر « ناتیه » منتشره درجریدهٔ مصور هفته وار هند ـ تاریخ ۱۳ ـ اکتوبر ۱۹۳۵ ص ۲۰ و ۲۱ و ۳۲ . (۲) کتلاك عتایق قبل التاریخ ، موزیم حکومتی مدراس ، لوحهٔ ۳۵ ـ اثر « بروس فوته » . (۳) موهنجو دیرو و مدنیت وادی سنده ـ ج ، ۱ ص ٤٥ ـ تالیف مارشال .

چگونگی کشف وشواهد و براهینی‌که خود مجسمه های موصوف بدست داد ، حتماً به ازمنهٔ قبل التاریخ تعلق داشته است .

یکی ازین دو مجسمه ، بدون سرودست و پابوده وازسنگ سرخ نفیسی ساخته شده است . وسرجان مارشال راجع به وضع ساخت آن میگوید : « این مجسمهٔ کامل (بعکس نیمرخ) بوده وشانه های متناسب و قمری به عقب وشکمی اندك برآمده داشته . ولی حسن آن اینجاست که حصص گوشت دار بدن آن خیلی حقیقت کارانه واعلی طرح شده مثلاً سرین ها بمهارت کاملی هموار گردیده و فرورفتگی های قسمت خلفی و بالای ستون فقرات حدگرده ها خیلی هنرمندانه تمثیل گردیده است . این اثر صنعتی چنان اثری است که صنعتگر کار یونانی فرن چهارم مسیحی‌ممکن بود بران افتخار کرده آنرا بخود نسبت دهد ـ ولی وضعیت مجسمه وشکم اندك بر آمدهٔ آن ، از ممیزات هندی است نه از یونانی ـ وحتی اگر نفوذ یونانی هم درین صنعت ثابت شود ، طرز عمل آن را میتوان هندی گفت (۱) .

اما راجع به مجسمهٔ کوچك دومی که از سنگ سلیت ساخته شده ، چنین میگوید : « این مجسمه ، تمثال یکنفر رقاص است که پای راست ایستاده و بدن آن از کمر بالا بطرف چپ تمایل و خمیدگی داشته و هردو دست آن به یکطرف دراز گردیده و پای چپ آن از زمین بلند و بطرف جلو آورده شده . » (۲)

سر جان مارشال ، پس از وصف دو مجسمهٔ مذکور ، تنقید اخیر وقطعی در باب این دو اثر حیرت انگیز قدیم نموده ، ما را ازان اختلافاتی که اساساً

(۱) ایضاً ص ٤٦ ـ (۲) ایضاً ص ٤٦

بین صنعت یونانی واین شاهکارهای صنعت کاران هندی ، (که بنظر سطحی متشابه معلوم می شوند) وجود دارد ، یاد دهانی کرده میگوید : « این دو مجسمه ، از حیث شکل (نه از حیث جوهر و اصلیت) اثر صنعت یونانی معلوم می شود ـ و در بادی نظر ، نمونه های خوب آثار یونانی را که این دو مجسمه تا یك اندازه از روی آنها نقل شده ، بخاطر می آورد . ولی علاوتاً از خود مزایائی هم دارد که بکلی خالی از نفوذ یونانی میباشد ، و آن عبارت است از تمثیل حقایق تشریح البدنی که درین دو مجسمه بقدری برجسته و ممتاز است که شخص را بشك می اندازد که شاید صنعت یونان اصلاً تقلید از هیکل سازان مسکون در سواحل سند بوده باشد (۱) ـ این صنعت گران که صنعت گران یونانی آثار آنها را حسن استقبال نمودند ، هیکل سازان دراویدی بودند .

هیکل سازان دراویدی مزبور ، در تحکیك اشکال حیوانات بر روی مهر ها هم مثل ساخت دو مجسمه فوق الذکر ، مهارت داشتند . مثلاً راجع به نرگاو کوهان داری که بر روی یکی از مهرهای مکشوفه از موهنجودیر و کنده اند (لوحهٔ ۲۰ـ الف) سر جان مارشال میگوید : « حکاك این تمثال ، واضحاً درموضوع خود مطالعهٔ عمیقی نموده ، و اثر دستی بر روی کار آورده است ـ بر علاوه کار مهم دیگری هم نموده ـ یعنی درعین حال ، کوشش نموده حقایق را جلوه گر سازد ، و بنابران حیوان مزبور را به چنان شکوهی ساخته که مختص و منحصر به چشم و دست صنعت کار ماهر میباشد . » (۲) این شکوه حیوان مذکور از حیث اظهار

(۱) ایضاً ص ٤٦ و ٤٧ (۲) ایضاً ص ٤٣

جنبهٔ روحی ، که یکی از ممیزات مدرسهٔ گندهاره است ، با مجسمهٔ فوق الذکر مطابقت تامی دارد .

چون این آثار صنعتی خیلی قدامت دارد ، نمیتوانیم خط سیر نمو و تکامل آنرا سال بسال تعقیب کنیم . بر علاوه ، اکثر ازانها بواسطهٔ ناپایدار بودن مادهٔ که آثار منبور ازان ساخته شده (مثل چوب و گل) بکلی از بین رفته و نشانی ازان ها بدست نیست . بالاخره محاربانی که در هند شمالی در نتیجهٔ هجوم آرین بر روی کار آمده ، و نیز محاربات متعاقبهٔ « کروک سیترا » Kruksetra و جنگهای اسکندر وچند راگیتامور یا ، صنعت کاران در اویدی را موقع نداد که مظاهر تازهٔ مدرسهٔ ملی خود را بصحنهٔ عمل عرضه نمایند ، مگر در قرن چهارم ق . م مطابق به عصر امنیتی که « آشوکا » بعد ازجنگ با « کالنگاها » بوجود آورد ، ناگهان به دوسر کوچکی بر میخوریم که مجدداً صنعت مدرسهٔ منبور را در اذهان جاگیر می سازد . این دو سر که از گل پخته ساخته شده ، از یك بچه و یك دختر است که شاید خواهر و برادر باشند و هر دو در ضمن حفاری « پتلی پوتره » یافت گردیده و کنون در « موزیم پتنه » جای دارند . یکی تمثال حقیقتی یك دخترجدی وفکوراست که بین ۱۰ و ۱۲ سال عمردارد وتمثال دیگر که جالب تراست ، از بك بچه بوده (لوحهٔ ۲۱ـالف) واگر کلاه خارجی (غیر بومی) اورا که از طرف دیگر بایستی نقل صحیح از کلاممول بین بچه های آن وقت باشد مستثنی نمائید ، تمثال بچهٔ مذکور را میتوان اثر صنعتی عصری ویا اثر صنعتی دور «رنسانس» دور (احیاء مجدد علوم و ادبیات) ، محسوب نمود ، لیکن صنعت کار یونانی ابداً شبیه شخصی را بچنین وضع سرور آمیزی ، تمثیل نکرده

این بچهٔ ۷ـ۸ سالهٔ خندان است . ولی بچنان وضع عفیف و پر شوری میخندد که به ریزش قطرات آب فواره در حوض سر مرمین بیشتر شباهت دارد . این تمثال ، عفت و سرور قلبی پسر منوبور را بوضاحت اظهار مینماید .

آیا این دو تمثال ، اثر صنعت کاران در اویدی است ؟ بلی بدون شبهه « پتلی پوتره » از زمان « نند اها » پای تخت « مگده » بود . و معلوم است که « رشی ها » چقدر به نفرت و کراهت از « مگده ها » حرف میزدند در واقع « مگده » سلطنت در اویدیهائی بود که از آریانی شدن ، خیلی نفرت داشتند . سلاطین که درجنگ « مهابارته » در « مگده » حکومت میکردند آریائی نبودند . و « جراسندهه » که در انوقت « راجهٔ گریهه » پادشاهی میکرد ، شخصاً در اویدی بود . در زمان سلاله « موریه » مگده بسیار آریائی شد ـ مگر عنصر در اویدی هم بدون شبهه وجود داشت و شاهان موریه بدون تردید ، هیکل سازان دراویدی را که مهارت سابقی داشتند استخدام کردند .

گذشته ازین ، خود این سرهای مکشوفه مبدأ مذکور را تائید میکنند ، این تمثال ها ، تمثالهای حقیقی حیات است ، ولی حالت روحی را بطور حیرت انگیزی ارائه میدهند ـ سجیهٔ ثابت دختر واخلاق بچه گانهٔ پسر جوان از روی آن بخوبی معلوم میشود . پسر اکنون میخندد مگر ممکن است ، یك لحظه بعد بگرید . در بین سرهای گچی مکشوفه از هده ، یك سر است که آزاد نقل این مجسمهٔ پسر ، میتوان گفت (۲۱ـ ب) ـ موجدین این دواثر ، با اینکه صد ها میل از هم فاصله داشته و بیش از ٤ قرن باهم فرق دارند ، حتماً یك مدرسه تعلق داشته اند .

طوریکه فوقاً تذکار یافت ، آشوکا بعد از انکه فیصله کرد دیگر جنگ

نمی‌کند ، حتماً بسیاری از صنعت کاران دراویدی را استخدام نمود ـ چه‌بسیار آثار صنعتی این مدرسه ، درخصص مختلفهٔ قلمرو او پدید آمده . ازانجمله بعض ستونهای فرامین او را که اشکال حیوانات بمهارت زیادی درآن کنده شده ، بررمطالعه میگیریم ، شیرهای سر ستون « سار ناتهه » واقعاً از حیوانات زنده وانمود کرده و از نقطهٔ نظر تخنیك از شیر های « پریسپوس» (اصطخر) وشیر های هندی سنوات ما بعد ، اختلاف کلی دارد . ازین‌شیرها بهتر وهلی تر ، همانا سه حیوانی است که بطور برجسته در همان سر ستون طرح گردیده . ویکی ازان یك اسپ است که در حال دویدن نشان داده شده وعملو از فعالیت است . حیوان دیگر یك فیل است که آرام ، مقتدر و منزوی بنظرمیآید (لوحهٔ ۲۲ ـ الف) وصنعت کار در نشان دادن چین و شکن پوست سست زیر گردن و خرطوم وعقب پاهای پیش آن ، خیلی‌زحمت کشیده حیوان سوم ، نرگاوی است که آنهم به مهارت حیرت انگیزی تمثیل وطرز عمل آن از نقطهٔ نظر تخنیك ، کمتر نظیر دارد (لوحهٔ ۲۲ ـ ب) نرگاوی که در سر ستون آشوکادر « رامپوره » بوده و کنون در «اندین موزیم » واقع در کلکته است ، بانرگاو « سار ناتهه » هردو دنبالهٔ رسم قدیمهٔ حیوان تراشی‌صنعت گران ماهر « موهنجو دیرو » بوده است .

در موزیم « متهورا » یك سر شکستهٔ وجود دارد که آنهم بهمان دوره تعلق داشته وواضحاً ازهمان مدرسه بوده است (لوحهٔ ۲۲ـ الف) واین مسئله نهایت درجه اهمیت دارد ـ چه « متهوره » که درزمان «مدهیه دسیله های» قدیم ، مرکز تمدن صنعتی آرین بود ، بما نشان میدهد که صنعت کاران دراویدی به‌سلطنتی که خالصاً آریانی است ، نیز انتشار یافته‌اند . ازین مجسمه

بدبختانه فقط قسمت بالای سر باقی مانده و غالباً زنی بوده که سر پیچی مزین به هلالی در پیشرو ، داشته است . این سر پیچ ساده ، در گند هارهٔ خاص نیز خیلی معمول بوده (لوحهٔ ۲۳ - ب) و ممکن است پیشانی ، چشم ها و تیغهٔ بینی او را ، هیکل ساز هده ساخته باشد .

بعد ازین ها ، تمثال هائیکه از سابقهٔ این مدرسه نمایندگی میکند ، همانا تمثالهای افغانستان جنوبی ، پشاور ، تکسیلا و لاهور میباشد . آیا علت تجدد و احیای ناگهانی این صنعت در گوشهٔ شمال غربی هند چه بوده ؟ درین صفحات ، جنگ‌ها ومهاجمات ، لااقل اززمان حملهٔ اسکندر ، یکی پی دیگری روی داده والبته صنایع‌گچی در صحنهٔ تصادمات خونین ، جلوه و فروغی یافته نمیتواند . ولی درقرن اول مسیحی ، « ویما کاد فریز » دومین شاه کوشانه کشورهند را لااقل تا دریای جمنا تسخیر نموده پسرش ، کنشکا که شاه منور ودارای ذوق صنعتی بود ، پس ازو جانشینش گردید . ودرانثنای سلطنت او ، بهترین آثار صنعتی مدرسهٔ گند هاره ، بوجود آمد . مگراین صنعت درخشان و بارونق دراویدی تخم زوال و فساد را نیز در خود نهفته داشت . چه برای تزئین معابد و دیر ها ، مجسمه های بسیاری بکار بوده و بنا برآن جهت ساخت آن ازصنعت گران در جهٔ دوم هم استفاده کردند و همین مداخلت صنعت کاران در جهٔ دوم ، علت تنزل مدرسهٔ مذکور گردید . این حقیقت که تنزل این مدرسه مخصوصاً در « متهورا » و پنجاب جنوبی دیده میشود ، شخص را باشتباه می اندازد که شاید این تنزل بواسطهٔ آن عنصر آریائی که درین رشته نه سابقهٔ داشته و نه دارای مفکوره های صنعتی بودند ، بظهور پیوسته باشد . بهر حال ، تنزل صنعت مزبور ، چندی بعد در « گند هاره » ،

نقوذ نبود ـ و برای شرح انتشار آن در گندهاره فقط مطالعهٔ یك نمونهٔ صنعتی واقع در موزیم پشاور کفایت میکند (لوحهٔ ۲۴ـ الف) واین نمونه مشتمل است بر تمثال « پانچیکا » رب النوع ثروت ، و تمثال « هریتی » ربهٔ النوع حاصل‌خیزی ـ و یکعده اطفال که بدور ربةالنوع مسرورجمع شده اند . قدمهای هردو تمثال خیلی کلان و بی تناسب بوده و پاهای آن ها که از درون لباس میتوان تشخیص داد ، خراب و بدون شکل و مثل چوبهای عاری از عضلات ، معلوم میشوند . بالاخره در بین نمونهٔ صنعتی‌مدرسهٔ گندهاره که فساد کلی‌دران روی داده ، هیچیك چیز بر جسته و مهمی نمیتوان یافت .

قبل از اختتام مطالعهٔ این سابقهٔ صنعتی ، بایست یك نمونهٔ دیگر از بین مدرسه را که از معبد قدیمی واقع در « گودیمالام » مکشوف گردیده ، نیز تذکر داد : این نمونه عبارتست از مجسمهٔ ایستادهٔ « سیوا » که پهلوی « لنگه » (تمثال آلهٔ تذکیر) جا داشته و به قرن اول ق . م متعلق اند . تمام مجسمه (و نیز « لنگه » مذکور که از سنگ سرخ رنگ آتش فشانی ساخته شده) خیلی زنده معلوم میشود ـ « سیوا » با پاهای دور از هم به شانه های یك « رکشاسه » (دیو) ایستاده و لنگی بدور کمر دارد که از بس‌شفاف است ، پاهای خوش‌ترکیب او اززیرش معلوم میشود ـ وچین وشکن وقاتهائی که درلنگ از یك ران تاران دیگر دیده میشود ، به سلیقه ولطافت مخصوصی ساخته شده . تنهٔ مجسمه نشان می دهد که صنعت‌کار آن درمطالعهٔ تشریح البدن انسانی ، تدقیق زیادی بکار برده این مجسمه دوست دارد ـ بدست راست ، فچی را از پاهای عقبش گرفته ، چنانکه سرآن فرو آویخته است ـ و بدست چپ ، ظرف مخصوص آب موسوم به « کندلو » « پرشو »

دارد . مگر جالب ترین قسمت این مجسمه ، سر آنست ـ چهرهٔ آن واضحاً مغولی بوده و گوئی زنده است ، و بباعث فتحی که بالای « رکشاسه » حاصل نموده ، مسرور مینماید . دوعدد تسبیح ازهمان گونه که درهند از زمان قبل التاریخ معمول بوده است ، جای گوشواره ها را گرفته ـ و نرمه های گوش اوتا بشانه فرو آویخته وکلاه مخصوصی باموی های بافته بسردارد .

تمام مجسمهٔ « سیوا » ونیزاز « لنگه » ، بطورزیبائی مثل ستونهای معروف آسوکاو درون غارهای کوه بچه های « بارابر » جلا داده شده و اگر ازین جلای فوق العادهٔ آبدات مذکور ، (که تا کنون درنزد منقدین صنایع وعتیقه شناسان امر وزی ، معمای لاینحل مانده) چیزی استخراج وثابت شود ، فقط و فقط اسرار صنعت کاران مقدماتی در اویدی را که بافقدان مدرسهٔ مزبور ، در پس پرده مانده ، مکشوف خواهد ساخت .

این تمثال بر جستهٔ « سیوا » که معاصر هیاکل گندهاره و یا اندکی پیشتر ازان است ، آخرین محصول صنعتی مدرسهٔ قدیم هیکل‌سازی در اویدی (که نمونه های اول آن به ۳۰۰۰ سال قبل المیلاد ، تعلق میگیرد ، بوده ومدرسهٔ گندهاره ، شعبهٔ خیلی فوق العادهٔ این مدرسه میباشد .

انحطاط مدرسهٔ گندهاره بسرعت تمامی تا عصر « گپتا » ادامه یافت ـ آنوقت صنعت هیکل سازی دوباره احیا گردیده ولی تمایلات بکلی برخلاف خط مشی سابق بود . در زمان تالیف « شلیسا شاسترا » و خصوصاً « مانساره » ، که آنهم در همین عهد صورت‌گرفت ، صنعت قدیمهٔ مدرسهٔ گندهاره بکلی برد ـ و هیکل سازی کلاسیك هند ابداً به آن نمونه ها نیست . برای احیای مجدد مدرسهٔ مذکور در قرن ۱۶ مسیحی در

ا یالت جنوبی از جزیره نمای هند ، در عهد حکمرانی « کرشنایه نیساکه » باشندهٔ « مادوره » ، مساعی بعمل آمد (۱) ولی منجر به ناکامی گردیده ومدرسه هیکل سازی در اویدی بکلی خاتمه پذیرفت .

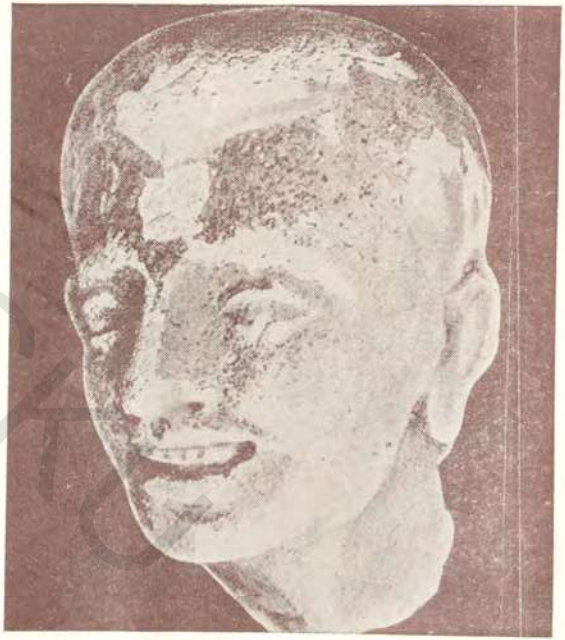
نتایجی که ازین مطالعات عمیق وممتد بدستم آمد قرار ذیل است :

۱ ـ مدرسهٔ معروف به مدرسهٔ «گریکو بودیك» یعنی یونانی و بودائی ، در مرکز مقبوضات یونانی شرق ، انکشاف وارتقا نیذیرفته ، بلکه در صفحات جنوب هندوکش(افغانستان) وولایات شمال غربی هندوستان ، رونق وفروغ یافته است .

۲ ـ مرکز این مدرسه ، « هده » معلوم میشود که بنا دین جلال آباد بفاصلهٔ ٦ میل بجنوب شهر مذکور واقع است .

۳ ـ مدرسهٔ گریکو بودیك گندهاره ، ابداً از افکار وصنایع یونان

(۱) بنده بعضی از شاهکارهای « مدرسهٔ مادوره » را در مقالهٔ معنون به A Realistic School of Indian Sculpture in the 16th century. « مدرسهٔ هیکل سازی حقیقت پسند هند » منتشره در مجلهٔ بولیتن بمبئی (قسمت تاریخ) ج ا ص ۱۳ـ۱۸ بیان نموده ام و در انوقت برای تعبیر ظهور ناگهانی آن هیاکل که حقیقت کارانه و مملو از حیات تمثیل یافته ، نفوذ ارو پائی را دخیل میدانستم ، لاکن حالا می فهمم که سهو نموده ام وهیاکل مزبور ، نتیجهٔ طبیعی افکار زیبائی نژاد دراویدی بوده . درواقع ، جمع کنندگان آثار طونجی هندی ، خوب میدانند که آن مجسمه هائی که از زمین خالص دراویدی مکشوف گردیده بالعموم خیلی استادانه وماهرانه تر است نسبت به مجسمه های مکشوفه از ولایات شمالی که تمدن صنعتی آرین درانجا نفوذ بیشتری داشت .



لوحهٔ ۱۷ ـ الف سر یکنفر در ویش بودائی ، درحال سرور
از هده مکشوف و در موزهٔ گیمهٔ پاریس موجود است
Pl. XVII a. Hadda tête d'un bhikkhu riant
Musée guimet, Paris



ب : سر یکنفر دختر که چشمان بادامی داشته ،
از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'une jeune fille ayant des eux en forme d'amende (Musée de Kaboul)



لوحهٔ ۱۸ـ الف : سر بودا ـ از هده مکشوف و
در موزیم کابل موجود است
Pl. XVIII a. Hadda. Profile de la tête de Buddha (Musée de Kaboul)



ب : مجسمهٔ بودا ـ که عبا را به طرز یونانی پوشیده
از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Statuette de Buddha portant le sanghati à la façon grecque Musée de Kaboul



لوحهٔ ۱۹الف: مجسمهٔ شکسته‌که از هرپ په کشف‌شده
Pl. XIX a. Torse trouvée à Harappa
Copyright. Archoeological Survey of India



ب : پشت مجسمهٔ شکستهٔ مکشوفه از هرپ په
b. Torse trouvée à Harappa (l'envers)

ACKU



لوحهٔ ۲۰ الف : مهر مکشوفه از موهنجو دیر و
Pl. XX a. Mohenjo Daro: une scelle
Copyright. Archoeological Survey of India



ب : مها پرینی بانا ـ از سوات کشف و در موزیم لاهور موجود است
b. Swat. Le Mahaparinibbana (Musée de Lahore)



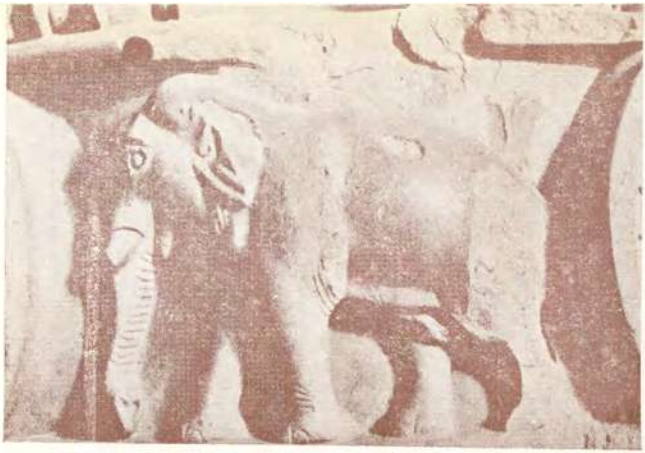
لوحهٔ ۲۱ـ الف : سر یك بچه ـ از پاتلی پوترا کشف ودر موزیم پتنه موجود است

Pl. XXI a. Pataliputra. Tête d'un garçon Musée de Patna



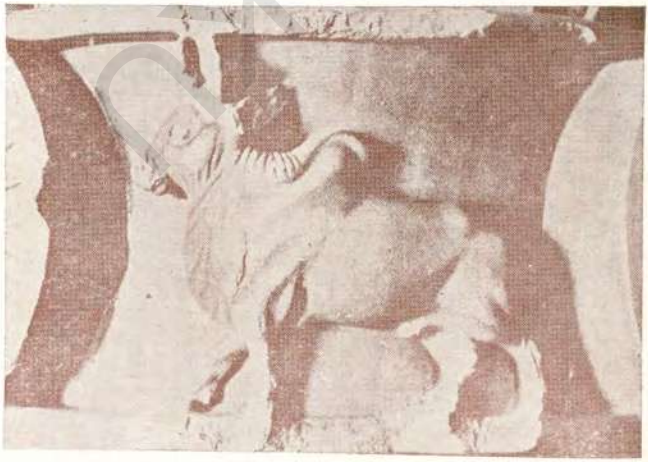
ب : سر یك بچه ـ از هده کشف و در موزیم کابل موجود است

b. Hadda. Tête d'un graçon (Musée de Kaboul)



لوحهٔ ۲۲ الف : تمثال یك فیل که بر پایهٔ ستون آشوکا ایستاده و از سرنا ته کشف شده

Pl. XXII a. Sarnath. Eléphant debout sur le pilier d'Asoka
Copyright. Archoelogical Survey of India



ب : تمثال یك نرگاو که بر پایهٔ ستون آشوکا قرار دارد - و از سارنا ته کشف شده

b. Sarnath. Boeuf debout sur le pilier d'Asoka
Copyright. Archoeological Survey of India



لوحهٔ ۲۳ـ الف : کلاهی که با هلالی مزین گردیده
(موزیم ماتورا)
Pl. XXIII a. Coiffure ornée de croissant
Musée de Mathura



ب : کلاهی که با چند هلال زینت یافته ـ از هده
مکشوف و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Coiffure ornée de croissants
Musée de Kaboul



لوحهٔ ۲٤ـ الف : پانچیکا و هریتی ـ از پشاور
کشف و در موزیم پشاور قرار دارد
Pl. XXIV a. Peshawar. Pancika et Hariti (Musée de Peshawar)



ب : کلاهی‌که با تمثال انسانی زینت یافته ـ از هده
کشف و در موزهٔ گیمهٔ پاریس موجود است
b. Hadda. Coiffure ornée d'une figure humaine
Musée Guimet, Paris

متأثر نگردیده ـ ویا اینکه آثار صنعتی گندهاره ، ظاهراً با آثار صنعتی مدرسهٔ یونان متماس معلوم میشود ، مگر از نقطهٔ نصب العین و طرز عمل بکلی ازهم اختلاف دارند .

٤ ـ هدف وآمال مدرسهٔ گندهاره ، تمثیل حقیقت بوده ، نه فقط حسن جسمانی انسان ـ اینست که مدرسهٔ گندهاره چنان احساسات وعواطف روحی را در آثار خویش ارائه داده که هرگز در مخیلهٔ مدرسهٔ یونان نگذشته است .

٥ ـ مدرسهٔ گندهاره ، فقط دنبالهٔ صنعت قدیمهٔ ملت دراویدی میباشد که نخستین نمونه های صنعتی معلومهٔ آنها ازمقام « هرپه »و« موهنجودیرو» بدست آمده .

٦ ـ مدرسهٔ گندهاره ، دراثر حمایت مخصوص کنشکا رونق یافت . وانحطاط صنعت مدرسهٔ مزبور ، بباعث دخالت صنعت گران آریائی در بین هیکل‌سازان دراویدی ، صورت گرفت .



مادرعین حالیکه زحمات نویسندهٔ فاضل را که در ین مقاله نسبت به روشن ساختن تاریخ قدیم ما متحمل شده اند ، تقدیر مینمائیم ، اما مسئولیت نظریات مذکور را به خود نگارندهٔ محترم میگذاریم ـ « انجمن »

تاریخچهٔ ادبیات افغانستان

قسمت دوم

دورهٔ دوم : عصر مغول و تیموریان

بقلم جناب محمد کریم خان نزیهی عضو انجمن

عصر مغول :

در اوائل قرن هفتم هجری پس از آنکه شاهنشاه افغانستان شهاب الدین ابو المظفر محمد بن سام غوری در دهك (۱) (از قرای غزنه) بقتل رسید ، (در ۶۰۲ ه) فتور بزرگی در امور سیاسی و مملکتداری این سر زمین واقع شد . فلم رو و کشور پهنای شاهنشاهی وی از هم پاشیده ، بین بازماندگان و دست نشاندگان او تقسیم یافت . فیروز کوه ، بامیان ، غزنه و هندوستان هر یك مجزی و علیحده شدند . و در هر یك از بین سر زمین سلطنتهای جداگانه تاسیس یافت ، چنانکه سلطان غیاث الدین محمود بن محمد بن سام (برادر زادهٔ وی) در فیروز کوه و ملك جلال الدین علی بها و الدین سام آخرین ملوك غور ر بامیان در و تاج الدین یلدز و قطب الدین ایبك از غلامان سلطان مذکور در غزنه و دهلی خود را پادشاه و سایهٔ خدا خوانده ، علم استقلال بر افراشتند و مملکت وسیع و پهناور شاهنشاه با عظمت غور تجزیه گردید .

و چندان بران نگذشته بود ، که بزرگترین قوتهای آن روز آسیا خوارزم شاهیان از موقع استفاده نموده بفکر تسخیر افغانستان بر آمدند . و مقتدرترین پادشاهان آن زمان علاء الدین محمد خوارزم شاه با لشکری انبوه با فغانستان هجوم آورده ، در ۶۰۷ ه فیروز کوه را تسخیر نمود و بهاء الدین سام پسر غیاث الدین آخرین پادشاه غوری آندیار را اسیر گرفت . و سپس ازان کمر بعزم استیلای بامیان بسته ، آنسر زمین را نیز به تصرف خویشتن در آورد و جلال الدین علی بن بهاء الدین سام پادشاه آندیار را از زیر تیغ بیدریغ گذراند . و بسلطنت غوریهٔ فیروز کوه و بامیان یکجا خاتمه داد (در ۶۰۹ ه) .

هنوز شیرازهٔ امور از هم گسیختهٔ این مملکت ستمدیده بهم نیامده و خوارزم شاهیان نفسی باستراحت در افغانستان نکشیده بودند ، که در (۶۱۶) سیلاب خانمانسوز مغل از ماورای سیر دریا سراز پر گشته بآنی ماوراالنهر را پایمال و قلمرو وسیع خوارزم شاهی رازیرور و ساخت . چنگیزخان پس ازتسخیر ماوراالنهر با لشکر انبوه و بیشمار آمو دریا را عبور نموده‌روی‌بافغانستان نهاد ، ابتدا ترخدسپس بلخ رامتعاقب یکدیگر قتل عام نموده چون کف دست هموار ساخت ، و از آنجا پسرخود تولیخان را که با او همراه بود به تسخیر خراسان گماشته . خود عزیمت طالقان نمود . اردوی سفاك مغل بقیادت تولی خان هرات را استیلا نموده . پس از غارت و چپاول آنصفحات باز گشت و در حدود طالقان بچنگیز خان به پیوستند . و متحداً هر دو اردوی مغل ، طالقان و بامیان را بخرابه زاری بدل‌ساخته به تعاقب جلال‌الدین مینکبرنی بغزنین و تا ساحل شط سند شتافتند و در عرض راه بهر شهر و معموره ئیکه

ر سیدند از آبادانی اثری نگذاشتند ، همه را چور و چپاول ، غارت و یغما نموده با خاك سیاه برابر ساختند . (٦١٨) ششصدو هژده .

بنا بر بزرگترین خبط سیاسی که علاء الدین محمد خوارزم شاه مرتکب شد ، استیلای مغل در افغانستان نیز بمثل سائر اسیای مرکزی بدیهی بود . ولی پناه گزینی جلال الدین خوارزم شاه در افغانستان و توطئه های عسکری و سیاسی او بر ضد چنگیز ، مقاومتهای مردانه اهالی این سرزمین و بالاخره کشته شدن یکی ازشهزاده گان چغتائی در بامیان ، هریك بجای خود چنگیز و اردوی خونخوار اورا عصبانی ساخته بشدت او افزود و در نتیجه چنان شد که مغل تمام قوت و بر بریت خود را صرف تسخیر و تخریب افغانستان نموده ازهر نقطهٔ این سرزمین که عبور نمودند به نسبت سائر دیار بیشتر بغارت و چپاول آن کوشیدند . و چنانکه در بالا تذکار رفت ، شهر های بزرگ و غمدهٔ افغانستان راکه هریك دران عصر از بهترین مراکز علمی و ادبی دنیا بشمار میرفت با فجیع ترین صورتی منهدم و لگد کوب سم ستوران خویش نمودند ، اهالی را از خورد تا بزرگ از پیر تا برنا بقتل رسانده طوری بانهدام تمدن و امحای معارف فعالیت نشاندادند ، که زمانه نظیر آنرا بیاد نداشت .

پس از مرگ چنگیز در سال ٦٢٤ ششصد و بیست و چار مملکت وسیع او بین اخلاف و باز ماندگان او تقسیم یافت و قرعهٔ استملاك افغانستان بنام پسر دوم او چغتای خان بر آمد ، حکومت ماورالنهر و قسمت مهم افغانستان یعنی بلخ ، تخارستان ، کابل و غزنه تا کنار رود سند تعلق بوی گرفت . ولی با آنهم افغانستان بصورت ملوك الطوایفی اداره میشد .

تا ظهور تیمور بان هرات (که ذکر آن گفته آید) سلطنت مقتدری در

افغانستان وجود نداشت که بمثل سامانی ها ، غزنویها و غوری ها مملکت را در زیر اداره و نظام واحدی بیاورد . باستثنای ملوك کرت از امرای بومی نیز چنان اشخاصی ظهور نکرد که در باری از خود داشته باشند و به تربیه و پرورش شعرا و نویسندگان اهتمام نموده بواسطهٔ تشویق و بخششهای مالی هم باحیای نام و هم باستواری ادبیات کوشند و کاخ در شکستهٔ آنرا که رو بانهدام میرفت بقدر وسع ترمیم نمایند .

بناء علیه این دامنهٔ بدبختی و این اوضاع نکبت آلود تا قرن نهم هجری کشید . افغانستان بحال فلاکت و افلاس ادبی دوچار شده با یکعالم مصائب و بدبختی دست بگریبان بود . شیرازهٔ امور اجتماعی ازهم گسیخته ، اوضاع اقتصادی درهم و برهم ، مدنیت و عمران خراب و ویران ، علما و فضلا همه از بین رفته ، کتب و آثار علمی و ادبی نایاب ومفقود بود ، در عوض یك بی انتظامی راحت فرسائی در سر تا سر مملکت حکم فرما گشته بازار علم و فضل را کساد ساخته بود .

همانست که این مدت دو قرن را زمان فترت ودومین دورهٔ بدبختی افغانستان باید شمرد . و باز هم در اوایل این دوره گلهای چندی که در بستان بی آب خشکیدهٔ ادبیات این سر زمین دیده میشود ، از تاثیرات از منهٔ گشته است که در قرن هفتم بصورت گلهای خود رو روئیده و بکمال رسیده اند .

قرن هفتم و شعرای آن :

یگانهٔ آفتاب درخشان افق گرد آلو ادبیات قرن هفتم ، حضرت مولینا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین خطیبی بکری بلخی است معروف بملای روم

که از اعاظم عرفا و اکابر فضلای دوران بود . چنانکه نه تنها در قرن هفتم بل در قرون سابق و لاحق بپایهٔ بزرگی ، فضل و عرفان او کمتر کسی بنظر میرسد .

و پیش از ان که ترجمهٔ حال این عارف نگاشته آید ، اگر شمهٔ از احوال والد بزرگوار او با کوائف مهاجرتشان از بلخ به پردازیم بی مناسب نخواهد بود .

پدر مولینا که اسمشان محمد و لقبش بهاء الدین و معروف به بهاء الدین ولد است ، از عظام علما و رجال بانفوذ بلخ بود . در علوم نقلیه و عقلیه مرتبهٔ ارجمند داشت وهمیشه در تدریس و افادهٔ علوم بسر برده ، پیوسته در امر و نهی ازمنکرات موعظه مینمود . چنانکه دربلخ جماعات بزرگی ازخواص و عوام در پای منبر او حاضر شده استماع مواعظ او می نمودند . و از تهٔ دل و جان بسخنان حکمت آمیز او گرویده بود ند . تا آنکه رفته رفته این نفوذ او با ارادات و اخلاص مردم به نسبت وی سلطان علاء الدین خوارزم شاه را که نو در افغانستان تسلط یافته بود ، در بارهٔ وی متغیر نموده ، بحسد و رشك و ادار ساخت و بمعادات مولینا بر خواست . مولینا بهاء الدین از بن او ضاع نا هنجار او رنجیده خاطر گشته ، در صدد مهاجرت افتاده ، با پسر خود جلال الدین (که هنوز ببلوغ نرسیده بود) و سایر اهل و عیال و اصحاب یکجا از بلخ خارج گردیده بزیارت بیت‌الله و ادای فریضهٔ حج روانه شد وسوگند یاد نمود ، که تا محمد خوارزم شاه بمسند حکمرانی قائم است به بلخ نیاید . و همان بود که از راه هرات و نیشاپور بصوب مقصود پر داخت ، و در نیشاپور مولینا را با شیخ زمان فرید الدین عطار ملاقات دست داد . و دران دید

و او دید جلال الدین با وجود صغر سن توجه شیخ را بخود جلب نمود، چنانکه شیخ کتاب اسرارنامه را بوی هدیه داد و در بارهٔ او بمولینا گفت «زود باشد که این پسر آتشی در سوختگان عالم زند».

مولینا پس از عزیمت از نیشاپور در هر شهر و ولایت که میرسید بزرگواران آندیار مقدم او را عزیز وغنیمت‌شمرده باحترام او می‌کاشتند واستفاده های ظاهری وباطنی ازوی می‌نمودند. تا آنکه بادای فریضهٔ حج نائل آمد. و پس ازایفای‌فریضه، آهنگ مسافرت بدیار شام جهت زیارت انبیا علیهم السلام نمود. واز آنجا بسرزمین روم (آسیای کوچك) افتاده ودر بلدهٔ لارنده از مضافات آسیای کوچك متوطن شد وهم درانجا پسرخود جلال الدین را بسن هژده سالگی کد خدا ساخت تا آنکه درسال ۶۲۴ ششصد و بیست وسه درانشهر پسری خدا بجلال الدین بخشید که آن راسلطان ولد نام نهادند. وپس از ولادت آن مولود مولینا بهاء الدین محمد باجمیع اهل بیت ومتعلقین خوداز لارنده بقونیه تشریف برد، ودرآنجا اقامت گزید واین مصادف بود باروزگاردولت سلطان علاء الدین کیقباد ازسلاجقهٔ روم. واهل آندیار قدوم او را گرامی ومبارك شمرده باکمال بهجت پذیرفتند و بانتها درجه مرید و معتقد اوشدند. وهم چنان سلطان زمان نیز ازهیچ یك نوع ارادت واخلاص دربارهٔ او کوتاهی نکرد. انعام واکرام زایدالوصف دربارهٔ وی معمول داشت، چنانکه مولینا جلال الدین در مثنوی اشاره بدان میکند.

و مولینا بهاء الدین اواخرعمر خویش را در آسیای کوچك قرین احترام و اعزاز گذشتانده سمت پیشوائی وتقدم برجمیع علما و فضلای آندیار داشت تا آنکه درسال ۶۳۱ ششصد و سی ویك هجری بجوار رحمت ایزدی پیوست.

مولینا جلال الدین ، اسم مبارکش محمد ولقبش جلال الدین است . وباتفاق مورخین درششم ربیع الاول سال ۶۰۴ ششصدوچهار هجری قمری دربلخ ز ینت افزای عالم هستی گردید وچنانکه درترجمهٔ حال والد بزرگوارش تذکار یافت درخورد سالی از وطن اصلی خود بلخ بمعیت والد خود خارج گشته ، پس ازادای حج وسفر حجاز و شامات درلارنده متاهل گشت و زمانی بعد ازانجا نیز بهمرای والد خود روانهٔ قونیه گشته درآنسرزمین متوطن شد تا آنکه پس ازفوت پدر و صلاحیت ذاتی خویش جانشین او گشته ، پیشوای اصحاب او گردید ، کمال وفضیلت ظاهری و باطنی که او داشت دراحترام و وجاهت او بین الخواص والعوام افزوده ، از پدر نیز گوئی سبقت ربود . وازسلطان تا گداهمه ربقهٔ اعتقاد و اطاعت او را درگردن داشتند . وهمیشه بتدریس علوم و تربیهٔ ابنای آندیار میپرداخت چنانکه منقول است درمحضر درس وی فزون تر ازچهارصد طالب العلم حاضر میشدند .

تا آنکه رفته رفته شور عشق و هوای درد دامنگیر او گشته ، قناعت اورا به نسبت اینهمه جاه و جلال ظاهری سلب نمود و از عالم ظاهری حضوری نمی یافت . و دست بدامن تصوف و عرفان زده ، بمعالجهٔ درد و تسکین آلام درونی خود بر آمد . و قلباً تشنهٔ صحبت نفوسی بود که بتواند از فیض ایشان التهاب روحی خود را فرو نشانده چنانکه بکمال ظاهری رسیده است بسر حد معنی نیز رسد . و با وجودیکه در اوائل حال مرید سید برهان الدین ترمذی بود ، باز هم از جستجوی اهل حال نفسی باستراحت نمی کشید تا آنکه در سال ۶۴۲ ششصد و چهل دو هجری روزی شمس الدین محمد معروف بشمس تبریزی در عرض راه بوی بر خورد و شکار خود

میخواندند . و شب و روز بسماع اشتغال داشت و همواره اشعار عاشقانه و شور انگیزی در عشق وفراق او میسرود . چنانکه مجموع آن ابیات را از سی وشش هزار تا پنجاه هزار و بیشتر ازان گفته اند .

مولینا و شیخ احسام الدین : مولینا پس از جدائی از پیر خویش شیخ شمس الدین تبریزی در اواخر نیمهٔ اول قرن هفتم مدت درازی بحالت جذب بود ، تا که در اوائل نیمهٔ دوم قرن هفتم مصاحبت شیخ اعلاء فین حسام الدین ضیاء الحق چلپی قونوی بوی دست داد وهردو گرویدهٔ همدگر گشته ، شب و روز متعادی باهم بسر می بردند .

مثنوی و حسام الدین : مولوی مثنوی معنوی را بنا بر التماس و خواهش اوبشیوهٔ الهی نامه و منطق الطیر عطار برشتهٔ نظم کشید و هردو از اول شب تا طلوع فجر باهم می نشستند . مولینا املا میفرمود وشیخ می نوشت .

مقارن انجام دفتر اول زوجهٔ شیخ حسام الدین وفات یافت . و بنا بران مدتی شیخ بخدمت مولینا رسیده نتوانسته در تالیف مثنوی سکته وتوقفی عارض گشت و بقول صاحب خزینة الاصفیا این سکته گی تا مدت دو سال دوام نمود ، ولی باز شیخ دو باره بخدمت مولینا رسیده باو پیوست و مولینا مجدداً باصرار او شروع بنظم دفتر دوم نمود . چنانکه خود در ابتدای دفتر دوم اشاره به تعویق افتادن مثنوی نموده میفرماید :

مدتی این مثنوی تاخیر شد — مهلتی بایست تاخون شیر شد

و نیز نسبت بغیاب شیخ میفرماید :

چون ضیاءالحق حسام‌الدین عنان — باز گر داند سوی آسمان

چون بمعراج حقایق رفته بود — بی بهارش غنچه ها نشگفته بود

چون زدریا سوی ساحل باز گشت　　چنك شعر مثنوی با ساز گشت
بلبلی ز ینجا بر فت و با ز گشت　　بهر صید ا ین معانی با ز گشت

و بطوریکه خود نیز بعد ازان میفر ماید (مطلع تا ریخ این سو دا و سو د ـ سا ل هجر ت ششصد و شصت ودو بود) ظا هراً شروع مولینا بنظم د فتر دوم مثنوی در سال ٦٦٢ بوده است .

و بد ین تقر یب ا گر قول صاحب خز ینة ا لاصفیا حقیقة داشته و بواسطهٔ فوت عیا ل شیخ دو سا له تعطیلی از اتمام د فتر اول تا آ غاز د فتر دوم رو داده با شد ، مستلز م آ نست که ا تما م د فتر ا ول در سا ل ششصد و شصت هجر ی بوده است .

و بر علا وه مد ت دو سال که شیخ بواسطهٔ و فات زوجهٔ خود د و چار شکنجه آ لام و مصا ئب فراق بود . باز هم تا اتمام دفتر دوم نقا هت طبعش بکلی ز ا ئل نگشته ، ا ثر ا ین فراق و آ تش سوز و گداز آ ن هنو ز در شهرستا ن وجودش حکمفرما بود چنا نکه از دیباچهٔ د فتر سو م معلوم میشود که مشار الیه را تسلی داده چنین می گوید :

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار　　این سوم دفتر که سنت شد سه بار
بر کشا گنجینهٔ ا سرا ر را　　درسو م د فتر بهل ا غذ ا ر را

و هم چنا ن باز به بیوفائی حیات و طبیعی بودن مرگ اشا ره نمود ه شیخ را بخلود اهل عقبی صبر و تسلیت داده می فرماید :

جمله عالم آ کل و ما کول دان　　با قیا نرا مقبل و مقبو ل د ان
این جهان وسا کنانش منتشر　　و ان جهان وسا کنانش مستمر
این جهان و عاشقا نش منقطع　　ا هل آ ن عا لم مخلد مجتمع

و اینکه مولینا مثنوی را بنا بر خواهش شیخ حسام الدین منظوم نموده، جای شبه نیست چنانکه خود مولینا در آغاز دفتر چهارم بدان تصریح فرموده و از شیخ منت گذاری نموده میگوید که علت و باعث نظم مثنوی تو بودهٔ نه چیز دیگری و در اثر شوق و همت تو بود که مثنوی بوجود آمد (ایضاً الخ . . . . .

همت عالی تو ای مرتجا — می کشد اینرا خداوندا کجا
گر دن این مثنوی را بستهٔ — میکشی آنسو که تو دانستهٔ
مثنوی پویان کشنده تابدید — تا بدید از جاهلی کش نیستدید
مثنوی را چون تو مبدأ بودهٔ — گر فزون گردد تواش افزودهٔ
تو چنان خواهی خدا خواهد چنین — میدهد حق آرزوی متقین
کان لله بودهٔ در ماضی — تا که کان لله له آمد جزا
مثنوی از تو هزاران شکر یافت — در دعا و شکر کمها برقراشت
در لب و گفتش خدا شکر تو دید — فضل کرد و لطف فرمود و مزید
زانکه شاکر را زیادت وعده است — آنچنانکه قرب مزد سجده است
گفت واسجد واقترب یزدان ما — قرب جان شد سجدهٔ ابدان ما
گر زیادت میشود زیتر و بود — نز برای بوش و های و هو بود
خوش بکش این کاروانرا تا بحج — ای امیر صبر مفتاح الفرج

و هم چنان باز در باب دفتر پنجم را چنین آغاز مینماید :

(شه حسام الدین که نور انجم است — طالب آغاز سفر پنجم است)

و هم چنان باز مولینا میل خود را بنظم دفتر ششم ظاهر ساخته ، در آغاز دفتر مذکور خطاب بشیخ میفرماید که جذب تو بود تامثنوی گرد آمد . و این

قسم ششم را من به پیشگاه رضای تو پیشکش میکنم . و هم چنان درد فترششم مثنوی را حسامی نامه مو سوم ساخته در پنجاب میفرماید :

ای حیات دل حسام الدین بسی — میل میجوشد بقسم سادسی
گشت از جذب تو چون علامه — درجهان کرد این حسامی نامه
پیشکش بهر رضایت میکنم — در تمام مثنوی قسم ششم
پیشکش میآرمت ای معنوی — قسم سادس در تمام مثنوی
ششجهت را نوردهزین شش صحف — کی یطوف حوله من لم یطف

خلاصه اینکه مولانا مثنوی را بشوق و بناپر التماس یار و مصاحب عرفان خود شیخ حسام الدین منظوم ساخته و ازین رهگذر خدمت بزرگی بعالم عرفان و ادبیات فارسی نمود .

ناگفته نماند که مولوی دفتر ششم را تمام نکرد بلکه قصهٔ شهزاد گانرا نیز ناتمام گذاشته دفعةً لب ازسخن سرائی فرو بست وعلت حقیقی آن معلوم نشد ، که چه بود . ولی اینقدر سلطان ولد در خاتمهٔ مثنوی که از او است میگوید : چون دیدم که قصهٔ شهزادگان ناتمام مانده و مدتیست که پدرم باتمام آن نمی پردازد . لهذا علت ازو جویا شدم و گفتم که چرا دیگر سخن نمیگوئید و در علم لدن را بروی مردم بستید . در جواب گفت که نظمم ازین پس چون نثر بخفت وباقی شرح این در درون بطوری بسته شد که دیگر بیرون نمیآید . و اکنون وقت رحلت نزدیك شده و گفتگو با عمر یکجا بآخر رسیده ، وبقیهٔ این قصه در دل آنانیکه نورجان دارند یعنی از عرفان باخبر اند بدون امداد زمان ظاهر و تاثیر خود را خواهد بخشید .

و اینکه دولتشاه مینویسد که مولینا ابتدا دست ارادت بشیخ صلاح الدین زرکوب و بعد ازان باخی ترک و سپس بشیخ حسام‌الدین داده ، بانها مرید شد . یا آنکه اخیر سر دو چار شیخ شمس الدین تبریزی گشته بدنبا پشت یازد و همچنان باز مینویسد که وفات مولینا قبل از وفات مرشد و پیرش شمس الدین واقع شده ، جمیع آنها خالی از حقیقت تاریخی است . چه اول از همه شیخ صلاح الدین زرکوب (که بعقیدهٔ او پیر مولینا بوده) بقرار روایت صاحب خزینة الاصفیا و دیگران بالعکس مرید مولینا بوده و از مولینا تربیه دیده و استفاده های معنوی کرده و مدت دو سال بخدمت مولینا بسر میبرده تا آنکه در خدمت مولینا از پنجهان ارتحال نمود .

ودوم اخی‌ترک که دولتشاه او را شخصی علیحده و حسام الدین را شخص علیحده دانسته است ، ازجمله اشتباهاتیست که نه تنها دولتشاه مرتکب آن شده بلکه صاحب خزینة الاصفیا نیز بهمین سهو دو چار گشته اخی ترک را والد جد حسام‌الدین نوشته است ، و حالانکه (برعلاوهٔ کتب دیگر) از مقدمهٔ عربی دفتر اول مثنوی که بقلم خود مولیناست ، ظاهراست که اخی ترک لقب حسام الدین بوده ومشارالیه بدان شهرت داشته است . چنانکه درآنجا میفرماید : (اجهتدت فی تطویل المنظوم المثنوی . . . . لاستدعا سیدی . . . . . ابوالفضائل حسام الدین حسن بن محمد بن حسن البلخی المعروف بابن اخی ترک)

وسیوم : مسئلهٔ شخص حسام الدین است که دران نیز دولتشاه دوغلطی فاحشی را مرتکب شده (الف) مولینا را مرید حسام الدین دانسته و (ب) خصوصیت و داد مولینا را با اوقبل ازرسیدن مولینابصحبت شمس تبریزی تصور کرده است .

(الف) راجع بمسئلهٔ مرید شدن مولینا شیخ حسام‌الدین همان است که حقیقتی

نداشته چه اگرچنین چیزی میبود . تا ممکن بود که مورخین و تذکره نویسان درآثار خود ازان تذکاری نمیکردند . و حال اینکه بغیراز تذکرهٔ دولتشاه درهیچ یك کتاب وتذکرهٔ دیده نشد که مولینا راسرید حسام الدین نوشته باشند و بلکه بالعکس همه مولینا را پیر وحسام الدین را مرید او مینویسند و بر علاوه ازدیباچهٔ عربی مثنوی که درآنجامولینا راجع به وصف شیخ حسام الدین میفرماید (لاستد عاضدی وسندی ومعتمدی ومکان الروح من جسدی ذخیرة یومی وغدی وهوشیخ قدوة العارفین الخ . .) بخوبی روشن است که مولینا مرید حسام الدین نی بلکه برعکس شیخ حسام‌الدین مرید اوبوده . زیرا که اطلاق ذخیرة یومی وغدی ازطرف پیربمرید مقبول وبالعکس‌ازجانب مرید به پیر خطا است وهیچگاه مرید پیرخود را ذخیرهٔ فردا (یعنی خلف خود) نخواهد خواند .

(ب) تنها در بارهٔ معرفت مولینا با شیخ حسام‌الدین چیزی گفته نمیتوانیم و شاید که شناسائی ایشان باهم ، قبل از رسیدن مولینا بخدمت شمس الدین تبریزی صورت گرفته باشد . اما اینکه مولینا قبل از شمس تبریزی باوی وداد و خصوصیتی داشته قابل اعتبار نیست . چه بر علاوه اخباریکه جسته جسته در بعضی از کتب مانند ایاق مغل ، مفتاح و خزینة الاصفیا و غیره و غیره بنظر رسیده و همهٔ آن ناقض قول دولتشاه است ، باز هم یك سلسله اطلاعات موثقی نیز از مطالعهٔ خود مثنوی و تتبع در احوال مولینا بدست می آید که هریك در جای خود ضعف و سقم گفتهٔ دولتشاه را ثابت نموده بهترین دلیلی است برابطال قول‌او که عبارت‌است ازخصوصیت مولینا باحسام‌الدین قبل‌ازشمس .

زیرا که ازهمه اول ازشروع مولینا بنظم مثنوی که تاریخ آغاز دفتر دوم آن بقول خود او در۶۶۲ ششصدوشصت و دو بوده ، هم چنان ازتذکارمولینا

(باستثنای دفتر اول) درجمیع دفاتر مثنوی از حسام الدین ، وبالاخره ازتصریح سلطان ولد پسر مولوی درخاتمهٔ مثنوی که میگوید والدم قصهٔ شهزادگان را ناتمام گذاشته ازشعر گفتن بس کرد وبعد ازان تا آخرحیات‌لب بشعر نکشود ، وهکذا ازوجود دیوان غزلیات مولوی (که بنام شمس تبریزی معروف بوده و درحقیقت اشعاری است که مولینا درعشق وفراق شمس گفته وکسی ازان انکار نموده نمیتواند) وبالاخره ازاینکه مینویسند چون حسام الدین اسرار نامه والهی نامه را بدید ، ازمولینا خواهش نمودکه ازغزل‌گفتن بس نماید وبشیوهٔ مثنویهای مذکور مثنوی بسازد ، بخوبی واضح ومدلل میشود که خصوصیت وو داد مولینا باحسام الدین یقیناً بعد ازشمس بوده ، وشرح آن بقرار ذیل است که ما خلاصهٔ آنرا دربنجا مذکر میشویم :

چون مولینا بواسطهٔ آتشیکه شمس تبریزی در کانون قلب او افروخته بود ، همیچگاه آرام نداشت ، و همیشه برای تسکین خاطر آشفتهٔ خویش بجستجوی اهل حال و چنان اشخاص باردی بود ، که کم از کم بوی شمس را از وی دریافته ، ازحضور ایشان حزن و اندوه او بکاهد وهمان و لذائذ روحی و معنوی که از صحبت شمس بوی دست میداد از مصاحبت آنها نیز حاصل نماید ، تا آنکه باحسام‌الدین بر خورده او را بطور دلخواه یافت و چنانکه در ایباق مغل نوشته آمده ، از او ضاع واطوار او شاد و بصحبت او متسلی بود . و آلام دیرینه را بدان تسکین می بخشید و مثنوی را بخواهش او ساخته تا آخر عمر باوی بود .

اما ادعای آخرین دولتشاه که مینویسد وفات مولینا قبل از وفات شمس تبریزی بوده ، نهایت مضحك و خنده آور است . چه باصح روایات واجماعیات

تاریخ وفات یا ناپدید شدن شمس تبریزی در سال (۶۴۵) ششصد و چهل و پنج هجری قمری است . و حالا نکه مولینا مدت مدیدی بعد از ان در قید حیات بوده ، و هفده سال بعد ازان تاریخ شروع بدفتردوم مثنوی نموده است .

و این نیز بجای خود یگانه دلیلی است بر اینکه خصوصیت مولینا با شمس تبریزی بسالها قبل از خصوصیت و دوستی او با شیخ حسام‌الدین بوده .

و بعقیدهٔ دو انشاه بالفرض اگر وفات مولینا قبل از شمس تبریزی بوده و مشار الیه در هنگام تالیف مثنوی حیات میداشت ، پس چگونه میشد که مولینا با آنهمه ارادت واخلاصی که در بارهٔ اوداشته و همیشه بنرد او میسوخت در مثنوی از او یادی نمیکرد ؟

ولی ناگفته نماند که این پیری و مریدی مولینا و حسام‌الدین نیز از قبیل پیری ومریدی دو روزهٔ اسای روزگار نبود ، بلکه متضمن هزاران باریکی و نکته هائیست که عارفی حقیقی میتواند آنرا ادراک نماید . و همچنانکه حسام الدین بمولینا ارادت واخلاص داشته ، مولینا نیز او را بمنتها درجه احترام می نموده و بنظر بزرگواری می دیده و ازو همیشه بحرمت یاد کرده و درهر جا زبان به تحسین او کشوده و علو منزلت و مقام بلند او را بطوریکه شایستهٔ شان اوست بدیگران ارائه و ظاهر میسازد . و همان است که در دفتر چهارم در تلقیب او بضیاءالدین میفرماید :

زان ضیا گفتم حسام الدین ترا که تو خور شیدی و این دو وصفها
کین حسام و این ضیا یکیست هین تیغ خورشید ار ضیا باشد یقین
نور ازان باشد وین ضیا آن خورشید این فرو خوان از نیا

شمس را قرآن ضیا خواند ای پدر | و القمر را نور خواند این را نگر
شمس چون عالی تر آمد خود ز ما | پس ضیا از نور افزون داشت جاه
پس کس اندر نور مه منهج ندید | چون بر آمد آفتاب آنشد پدید

وپس ازچند بیتی باز اورا بکلمهٔ استاد یاد کرده دروصف مشار الیه گوید :

دیدهٔ غیبت چو غیب است اوستاد | کم مباد از بن جهان این دیدو داد

وهمچنان بازاورا استاد خطاب نموده ، درتعریف وی در دفتر پنجم گوید :

ای ضیاء الحق حسام الدین راد | اوستادان صفا را اوستاد
گر نبودی خلق محجوب و کثیف | ور نبودی خلقها تنگ وضعیف
در مدیحت داد معنی دادمی | غیر این منطق لبی بکشادمی
شرح توغیب است بر اهل جهان | همچو راز عشق دارم در عنان
مدح تو حیف است بازندانیان | گویم اندر مجمع روحانیان
مدح تعریف است وتعریف حجاب | فارغ است ازمدح وتعریف آفتاب
قدر تو بگذشت از درك عقول | عقل درشرح شما شد بوالفضول
نور حقی و بحق جذاب جان | خلق در ظلمات و همند و گمان
شرط تعظیم است تا این نورخوش | گردد این بیدید گانرا سرمه کش

وفات : وفات مولینارا بعضی در ۶۷۰ ششصد وهفتاد وبعضی در ۶۷۱ ششصد و هفتاد و یك هجری قمری نگاشته اند و صحیح آن است که در پنجم جمادالاخری سال ۶۷۲ ششصد و هفتاد دوی هجری قمری در قونیه از بنجهان گذشت و سن مبارك در حدود (۶۹) شصت و نه سال بود . و همدرآنجا مدفون است . و مرقد او زیارتگاه خواص و عوام و اینکه در تذکرهٔ

دو لتشاه و فات او با رقام هند سی در سنه ٦٦١ ششصد و شصت و یك نوشته آمده ظاهراً ناشی از تحریف ارقام و یا اشتباه ناسخ خواهد بود . چه در صورتیکه تولد مولوی در ٦٠٤ ششصد و چهار ، و فات او بسن ٦٩ شصت و نه و همچنین شروع او بنظم دفتر دوم ٦٦٢ ششصد و شصت دو بتحقیق و روشن است چگونه میتوان قبول کرد که دو لتشاه دیده و دانسته مرتکب چنین خطاء فاحشی گشته باشد . و هکذا شیر خان نیز در مراة الخیال بروایتی و فات او را بسال ٦٦١ نوشته معلوم است که مأخذ او نیز دو لتشاه بوده و بدون شبه او نیز فدای سهو قلم کتاب گشته است .

گذشته از ین چیز یکه بیشتر به تعجب و حیرت ما افزاید ، متاسفانه سهو (و یا ازحسن ظن) بی التفاتیست که ازما سوف علیه « اد ورد براون » در ینمورد صادرشده . درصورتیکه از شان او بسیار دور است . و مشارالیه با آنهمه دقتی که در تصحیح تذکرهٔ دو لتشاه مطبوعهٔ لیدن بکار برده چنانکه خود در مقدمهٔ آن مینویسد ، باز هم ملتفت این غلطی نشده ، و دران وفات مولینا بسال ٦٦١ ششصد و شصت و یك هجری یعنی بدون تصحیح بهمان غلطی که در اصل نسخ دو لتشاه است بطبع رسیده . و بر علاوه جملهٔ «بسن شصت‌ونه سالگی» نیز در کتاب مذکور از قلم افتاده . در حالیکه جملهٔ مذکور هم در نسخهٔ مطبوعهٔ بمبئی در (١٣٠٥) و هم در نسخهٔ قلمی که دردسترس من قرار گرفته ، موجود است . وظاهراً ازان چنین استنباط میشود که گویا طابع و مصحح ما سوف علیه قصداً از جملهٔ مذکور طفره رفته . و بدین وسیله یکنوع تصحیحی در کتاب نموده است والا چگونه میشود که جملهٔ باین بزرگی سهواً از قلم افتاده باشد . زیرا که از

گفتهٔ خود او در مقدمهٔ کتاب واضح میشود که مشار الیه بر علاوهٔ سه نسخهٔ خطی ، تذکرهٔ دولتشاه کتابخانهٔ جامعهٔ کیمبریج و یك نسخهٔ قلمی مال استاد « سر دنیسن راس » ، نسخهٔ مطبوعهٔ بمبئی (درسال ۱۳۰۵) را نیز هنگام تصحیح در دست داشته بلکه یکی ازمآخذ او بوده است . و بالفرض اگر جملهٔ مذکور در نسخ خطی مآخذ او موجود نبود در نسخهٔ طبع بمبئی که موجود بوده ، و از بن بخوبی صحت و سقم سائر قسمت های دولتشاه طبع لبدن را قیاس توان کرد !

مثنوی : هرچندیکه هویت مثنوی وشهرت عالمگیر آن بلندتر ازانست که بروصف آن چیزی نوشته آید . ولی بنا برافتضای وقت ومقام اگر سطری چند دریتباب سپرد خامه شود خلاف نزاکت نخواهد بود . مثنوی اکثر از حوضه های ادبی و فلسفی شرق و اروپارا باندازهٔ متاثر و گرویدهٔ خود ساخته که ازین حیث کمتر کتابی از مؤلفات بشر با او همسری کرده میتواند . و صرف نظر از عقیده ومذهب ، قسمت مهم ازعلماء متفکرین دنیا برانند . چنانکه خود مولینا ازاجلهٔ متصوفین وحکماو بوده در قطار رهنمایان حقیقی عالم بشریت قرار گرفته مثنوی معنوی او نیز از بزرگترین شاهکار های ادبی و فکری بشریت بشمار رفته یگانه کتاب جامعی است در حکمهٔ و عرفان که تاکنون هیچ یك قریحهٔ ، تهیهٔ نظیر آن کامیاب نشده .

هر حکایتی ازان حکمتی است که روز نه از بهارستان توحید بروی‌خوانده میکشاید و هر قصه ازان هدایتی است که او را بصراط مستقیم رهبری میکند کلام او را با اشعار دیگران مقایسه نمی توان کرد چه آن مجموعهٔ الهاماتیست که بر ضمیر او از عالم قدس وارد شده و از زبان او بصورت شعر تراوش

کرده ، وموضوع آن بحر از توحید و معرفت در اسرار زندگانی و کائنات چیز دیگر نیست .

لهذا تاثیرات آن نیز در عمیق ترین زوایای افکار بشر بصورت عام و قطعی بوده هرکسی را بخاطر خواه او از مفاوضات خود بهره مند می‌سازد ؛ یاعاشق پیشگان ازعشق یامتصوفت ازعرفان وتوحید ، یفلاسفه وحکما ازحکمت وفلسفه یا ادبا از ادب وادبیات وهکذا با هرشخص بقدر منظور واستعداد او حرف میزند و مطابق سلیقه و ذوق وی صحبت میکند . چنانکه خواننده پس از مطالعهٔ بیتی چند بتوهم آن می افتد که گویا در مقابل حکیمی دانا و نهایت ذهبقی نشسته تمامی راز و اسرار نهانی خود را بمیان گذاشته است . و حکیم یکایك بحل مشکلات و عقد های ذهنی او پرداخته اورا برسیدن بهدف مقصود و آمال هدایت و رهبری میکند . و همینکه از مطالعه فارغ شد ، یك انقلاب و تطور غریبی را در ذهنیت خود احساس می نماید . جمیع آلام و اضطرابات روحی او زائل گشته ، در عوض یك انشراح قلب و یك استراحت باطنی روی دست میدهد که خارج از حد وصف وبیان است . واین یگانه امتیازیست مثنویرا به نسبت سائر کتب ادبی و تصوف و غیره که با عکس تاثیر آنها بطبقهٔ مخصوصی از بشر منحصر است و بس . و همین است که آنرا قرآن پارسی خوانده اند .

سبك و اسلوب : سبك مثنوی سبکی است سهل و ممتنع و هر چند یکه گاه گاه بعضی اضطراب و تشنجاتی هم در کلمات و الفاظ آن دیده میشود . با آنهم اینها نقش ساده وطبیعی و با کمال سلاست و انسجام است ، مشکلترین مضامین حکمتی چنان در قالب الفاظ عذب و روانی جا یافته و بدون تکلیف با اندازهٔ شسته ادا شده که گوئی با انسان محاوره و صحبت می‌نماید . عبارات

با معانی برابر ، استحکام ترکیب ، حسن تمثیل و تحکیه که نمایندگی از پخته گی سبك و قریحهٔ تو انای شاعر می نماید به بهترین و جهی از تمامی ابیات آن نمایان است . و هم چنان صدق عاطفه و صراحت لهجه از خلال اشعار آن می تابد . بخصوص دیباچهای آن بحدی مطبوع و سوزناك افتاده که ازهریت آن یکعالم گرفتاری و رقت قلب می تراود . و هر مصرع ازان مضرابی بخاطرآشفتهٔ عاشق می نوازد . و گذشته از همه چیز یکه قابل بیشتر ستایش است اسلوب نهایت دل نشین آن است که تاثیر کلام را دوچند ساخته و آن چنان است که ابتدا زمینهٔ یك مدعا را طرح می کند . و سپس از برای اثبات موضوعهای بدیع و دلکشی را از مسائل حیات بدست آورده و با یك لهجهٔ نهایت ، پر ازصداقت و شور انگیزی شروع بحکایت می نماید و در آخر قصه را بقسمی بهدف مقصود رسانده خاتمه می بخشد ، که هیچ یك فشنگترین رومان اجتماعی چه از لحاظ شیرینی موضوع و چه از حیث جذابی طرز افاده و تاثیر بپایهٔ آن رسیده نمیتواند .

این بود خلاصهٔ عقاید و افکار ما در خصوص این بزرگوار و مثنوی معنوی او . و هم چنان فضلای غرب را نیز در ینباب عقائد و آراء مخصوصی است که دلالت برعلومقام وجلالت شان مولینا ومثنوی او مینماید . چون «برگسن» فیلسوف معاصر فرانسوی ، « ورته» مستشرق معروف المانی صاحب تاریخ ادبیات فارسی وغیره وغیره را . و بعلتیکه این مختصر گنجایش تفصیلی بیشتر ازین را نداشت ، ازنو شرح عقایدایشان صرف نظر کرده شد .

و دیگر از شعرای عصر مغل (قرن هفتم) شمس الدین بلخی است که در سمرقند میبود ، وصدرالدولهٔ نظام الملك وزیر سلطان جلال الدین در بارهٔ

وی التفاتی بتمام داشت واز او همیشه حمایت ودستگیری مینمود . و با هم یك جا حیات بسر میبردند . ازسال تولد و وفاتش اطلاعی بدست نیست . ولی ازینکه محمد عوفی صاحب لباب الالباب اورا ملاقات نموده است معلوم میشود که مشارالیه یقیناً تاعشرهٔ دوم قرن هفتم هجری بحیات بوده . زیرا که عوفی از نویسند گان قرن هفتم بشمار رفته و تالیف تذکرهٔ او لباب ظاهراً بسال ٦١٧ ششصدو هفده هجری قمری است . وهم چنان ازاشعار صاحب ترجمه نیز چیزی باقی نمانده است جز دو رباعی که در اکثر از تذکره ها دیده می شود .

و دیگر از عرفای قرن هفتم هجری که هم شاعر بوده ، شیخ رضی الدین علی بن سعید معروف بعلی لالای غزنوی است . که دولتشاه و مرحوم علی قلی خان داغستانی در ریاض الشعرا او را عمزادهٔ عارف شهیر حکیم سنائی غزنوی نوشته اند . وگویند که پدر او همراه حکیم عزیمت کعبه کرد ودرعرض راه درخسرو شهر از اعمال جوین متاهل گشته وعلی لالا همدرا نجا تولد یافت مشارالیه ازاجلهٔ عرفا و متصوفین عصرمغل واز مریدان شیخ نجم الدین است درشعر نیز طبعی موزون و قریحهٔ توانائی داشته . اکثر بسبك خواجه عبد الله انصاری هروی رباعیاتی میسروده است که برعلاوهٔ مزایای شعری از چاشنی تصوف نیز بی بهره نبوده است . وفاتش بروایتی بسال٦٤٣ششصد و چهل و سه هجری و بروایتی ٦٤٢ ششصد وچهل دو در اصفهان باتفاق پیوسته و بقول والهٔ داغستانی همدرانجا بمکانی که مشهور بگنبدلالا است ، مدفون است ، وناگفته نماند که درغزنه نیزمقبرهٔ اوبه نزد عوام و خواص آندیار مشهور است و الغیب عندالله . وسن او رابعضی هفتادوشش و برخی هفتادونه نوشته‌اند . واز موالید افکار اوجز چند رباعی که دربعضی از تذکرها بنظر میرسد ، چیز دیگری باقی نمانده و ازان

خوبی علوهمت وجودت طبع مشار الیه نمایان است .

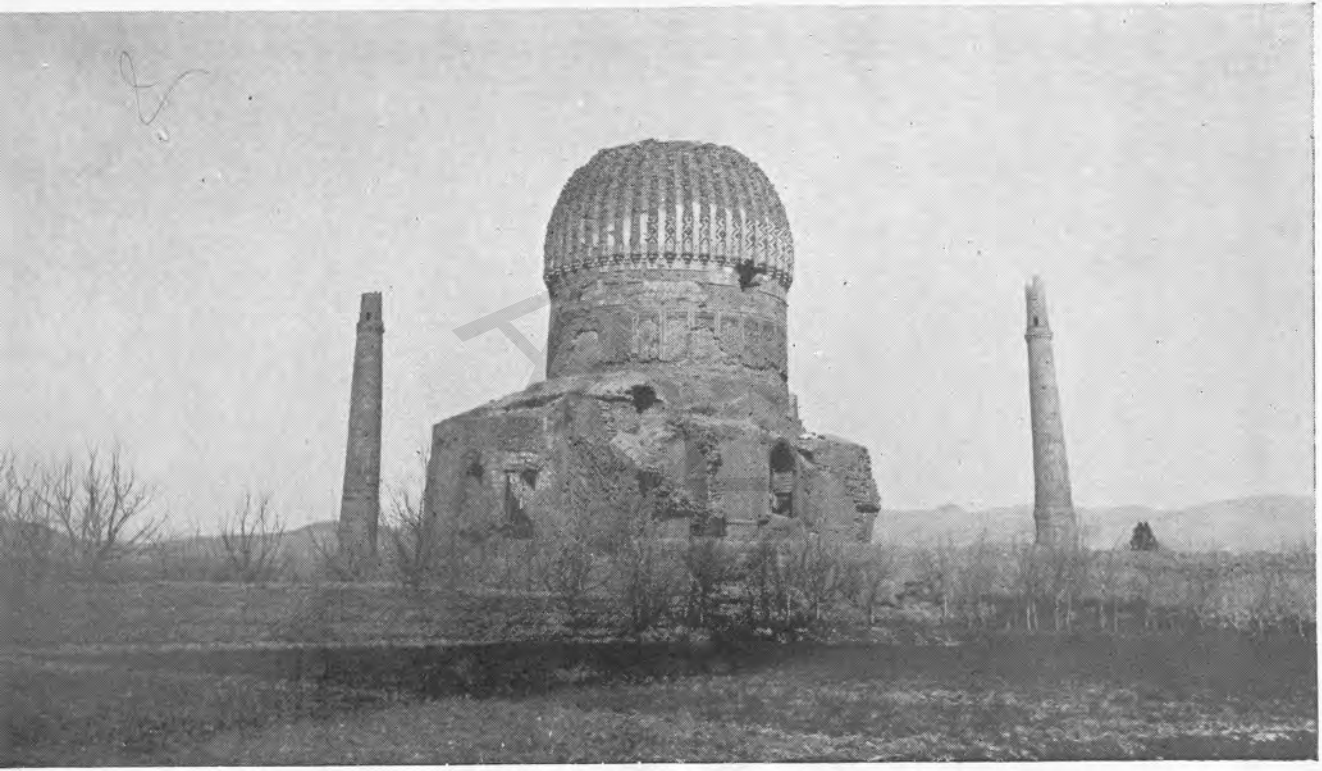
و دیگری ازستارهای درخشان آسمان ادبیات عصرمغول سعد الدین هروی است که دولتشاه سمرقندی وصاحب ایماق اورا سعید نوشته اند . و شاید که سعد الدین اسم وسعید تخلص شعروی باشد . مشار الیه از فحول شعرای قصیده سرا و ازسخنوران شیوا بیان قرن هفتم هجری است ، که از معاصرین وهم قطاران شمس الدین طبسی و پور بهای جامی بوده . و با ایشان معاشرت و دوستی داشته ، و یکجا بسر می برده و از بزرگان عصر خواجه عزیز الدین طاهرقریومدی را که در زمان چنگیز خان و هلاکو وزارت خراسان داشت‌در بارهٔ وی التفاتی بتمام بود . و او نیز در بارهٔ خواجه قصائد غرائی دارد و هم چنان مشار الیه را قصائد بلند بالائی است در مدح و منقبت شاه ولایت مآب که هر یك دلیلی است بر قوت طبع و نازك خیالی های او . و گویند کلیات اشعارش به‌پنجهزار بیت میرسید ، که متاسفانه امروز جز عدهٔ قلیلی ازان بنظر نمیرسد . و فانش بروایت مرحوم علی قلی خان داغستانی (در ریاض الشعرا) سال ٦٤٥ ششصد و چهل و پنج هجری قمری و بقول مرحوم هدایت طبرستانی (در مجمع الفصحا) بسال ٦٤٩ ششصد چهل و نه رو داده است .

و دیگر از شعرای آن عصر شیخ سیف الدین باخرزی است ، که از عرفا و کاملین سلسلهٔ صوفیه بشمار میرود . وی در تصوف از مریدان شیخ نجم الدین است . و در خدمت آ نجناب بمدارج عالیه عروج و ترقی نمود چنانکه نویسند در یك اربعین بمرتبهٔ خلافت رسید . این نبود مگر از توجه پیر کامل او . سلاطین و بزرگان عصر همواره از او احترام



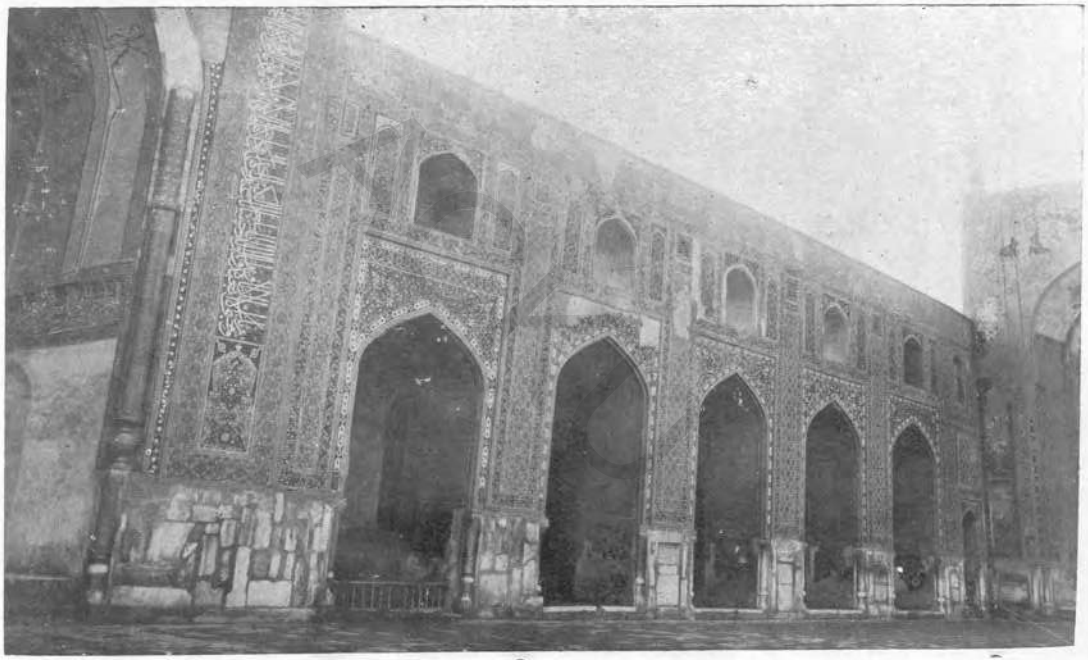
از مزرات هرات ، مقبرهٔ حضرت مولینا عبد الرحمن جامی و پیر بزرگوارشان حضرت مولینا سعدالدین کا شغری

Tombeau du grand savant afghan Diâmi (15 è. S.)



از ابنیهٔ تا ر یخی هرات : گنبد مقبرهٔ اولاد با یسنقر میرزا و مهد علیا گوهرشاد بیگم

Un des monuments historiques d'HÉRAT : Mausolée des descendants de BAISANKAR MIRZA (15ê. S.)



از آثار تاریخی هرات : سمت جنوبی مسجد جامع

Une partie de l'acienne mosquée d'Hérat



از ابنیهٔ زیبای هرات : مسجد و باغ صوفی اسلام در کرخ

Une vue de l'ancienne mosquée et du jardin de Soufi Islam à Hérat

میکردند. و بوی ارادت و اخلاصی بتمام داشتند. و بطوریکه منقول است بر کابش پیاده میرفتند. و بآن مفاخرت مینمودند. و در بخا را بسال ۶۵۸ ششصدو پنجاه وهشت هجری قمری ازینجهان گذشت. وباوجود اینکه رباعیات زیادی داشته، متاسفانه امروز جز از دو سه رباعی ملیح او که در ریاض الشعرا مسطور است از دیگران سراغی نیست.

و دیگر از بزرگان شعرای معروف عصر مغول امامی هروی است. کنیهٔ وی ابو عبدالله و اسمش محمد بن ابی بکر بن عثمان است. وی باوجود وفور علم و فضل در شاعری نیز از سر آمدان این فن بشمار رفته و ازمعاصرین مجد الدین همگر و شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی است. ودر صنایع شعری ومحسنات بدیع مهارتی بسزا داشته. چنانکه مجد الدین همگر او را بر سعدی مرجح و برتر میداند. و این ترجیح او بعقیدهٔ دولتشاه تنها از رهگذر شیوهٔ بدایع و صنایع شعری بوده نه از لحاظ سائر جهات شعری. تولد وی درهرات است و همدر انجا نشو و نما یافته و اوائل حیات را بمدح امرای آندیار بسر می برد تا آنکه در اواخر عمر بکرمان رفته در انجا توطن گزید و در دربار اتابکان آن سر زمین می بود و در مدایح ایشان قصاید غرائی سروده است. و همچنان از فخرالملك وزیر خراسان نیز تربیه و پرورش دیده درمدح او قصائد متعددی دارد. و نظر برروایت دولتشاه سمرقندی خاندان او درهرات بعلم وفضل مشهور بود وازاخلاف واحفاد او علمای زیادی بر آمده اند چنانکه تازمان صاحب تذکره، قضات هرات ازنسل اوبوده‌اند. وفات اوبسال ۶۶۷ ششصد وشصت هفت هجری قمری دراصفهان بوقوع پیوسته‌وتقریباً درحدود دوهزاربیت مجموعه از اشعار وقصائد او در دست است.

و دیگر از شعرا و خطاطان معروف عصر مغل فخرالدین خطاط هروی است. که از سخنوران و خطاطان نامی آنعصر بشمار میرود. واو برعلاوهٔ شاعری درخوش نویسی مسلم زمان بوده وخطی بغایت نیکومی نوشته وقطعات او درانعصر نهایت قدر وقیمتی داشته است. وهم چنان دروعظ نیز ازمشاهیروعاظ زمان خود بوده درخطابت مهارتی بسزا داشته. وبلکه ازسر امدان و نخبهٔ اهل این فن است و بروایت علی قلی خان داغستانی عوفی صحبتاو رادریافته است وازان معلوم است که تا اوائل قرن هفتم هجری بحیات بوده. ازسال تولد و وفات او اطلاعی بدست نیست. صاحب روز روشن صاحب ترجمه را پسر ملا حسین واعظ کاشفی نوشته و یك بیتی ازان که در ریاض الشعرامسطور استآنرانیز گرفتهاست. ولی ازتتبع کتب تاریخ معلوم میشود که بنام فخرالدین علی، ملاحسین مذکور نیز پسری داشته که همواره درجامع هرات بعد از فوت پدر بوعظ می پرداخته، ولی اینکه او را خطاط نوشته باشند بنظر نرسید.

ملوك کرت:

در اواسط قرن هفتم هجری شخصی موسوم بشمس الدین که نسب وی بعزالدین عمراز بنی اعمام سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری میرسید، هوای بزرگی بسر داشت. وهموار ه در تلاش و جستجوی آن بود، تا مقامی حسب دلخواه خویش احراز نماید. تا آنکه اقبال باو مساعد افتاد و رفته رفته بسایهٔ فضل و دانش، و فور شجاعت و مردانگی که داشت، توجهٔ منکوقا آن رابخود جلب نمود در سال ۶۵۳ ششصد و چهل و سه هجری قمری بامارت هرات منصوب گردید. حکمرانی و ادارهٔ ولایات غور،

غور جستان ، اسفزار ، هراه و سیستان همگی با و تفویض یافت ؛ و بنام ملك شمس الدین محمد بن ابی بکر کرت معروف گشت . اوست موسس سلسلهٔ ملوك کارتهای هرات و از اولاد او نیز هشت نفر بامارت رسیده در هرات حکمرانی نموده اند ، که در تاریخ بنام ملوك کرت معروف است . و روز گار حکمرانی ایشان تا ۷۸۳ هفصد و هشتاد و سه هجری قمری دوام داشت .

ملوك کرت درعصرمغل یکی ازمقتدرترین امرای داخلی افغانستان بشمار رفته وبسببیکه خود نیز اهل فضل ودانش بوده اند ، همواره به تربیت وپرورش فضلا وسخن سرایان صرف همت نموده ، حتی المقدور از هیچ یك نوع حمایت ودستگیری در بارهٔ آنها دریغ وخود داری نکرده اند . علی الخصوص ملك شمس الدین محمد اول مؤسس این سلسله که خود نیز از فضلا و کتاب معروف عصر بود ، وطبعی بغایت موزون وروان داشت ، واشعاری بس نیکومی سرود . چنانکه بعضی از رباعیات وی در بعضی از کتب تاریخ وتذکره ها بنظر میرسد .

وهم چنان هرات که و مرکز حکومت ایشان بود در اعصر ملجا وپناگاه فضلا واهل دانش گشته ، از هرطرف بدان سرزمین رومی نهادند . وبه نوازش والتفاتهای بزرگانهٔ این خاندان علم پرور نائل گشته ، زبان بمدح وستایش آنها کشوده اند . بخصوص فضلا وسخن وران خراسان که از ایشان کمتر کسی خواهد بود ، که ازامداد های مادی ومعنوی این خاندان بهره ور نشده باشد . وبدین تقریب دورهٔ امارت وحکمرانی ایشان درهرات وتوابع آن ، مقام مهمی را درتاریخ ادبیات افغانستان حائز بوده و در دورهٔ تاریخ استیلای مغل درین سرزمین یگانه ستاره ایست که در فضای تیره وتاریك آ نعصر می درخشید .

شعرای این دوره : ازشعرای بزرگ این دوره مولینا صدرالدین خطیب معروف بربیعی است . اصل وی ازفوشنج ازتوابع هرات است ومدرانجاتولد و نشو و نما یافته و بعلتی که با مر خطابت اشتغال داشت ، معروف بخطیب بود . مشار الیه بواسطهٔ جودت طبع و حدت درسلك ندما و خواص ملك فخر الدین محمد کرت انتظام داشت . و ملك زا در بارهٔ و ی نظر خاصی بوده ، از هیچ نوع احسان و انعام دریغ نمیکرد . چنانکه نویسند ، ماهانه هزار درم زرنقد از خزانه بو ی میدادند . ولی بعلتیکه بی نهایت عیاش و معربد بود ، هر چه بدستش می افتاد صرف عیش و شاهد نموده و همواره در تقاضای انعام و بخششی بیشتر بسر می برد . و کرت نامه را نیز بر و زن شاهنامه در کار روائیهای ملوك غور با شارهٔ ملك موصوف بسلك نظم در آورد . تا آنکه رفته رفته دراخیر منافرتی بین مادح و ممدوح رو داده ، ربیعی بدون استیذان و رخصت از هرات بر آمد . و بقهستان رفته در آنجا بخدمت شاه علی بن ملك نصیرالدین سیستانی پیوست . ولی محیط آنجا نیز باطبع سرکش و مغرور وی سازش کار نیفتاده ، و سائل انفکاك وی را از آندیار فراهم نموده ، مشار الیه راه نیشا پور پیش گرفت و از آنجا در حینی که عزیمت عراق داشت ملك فخرالدین او را بو عد های جمیل فریفته بواسطهٔ مکاتیبکه بقلم خود مینوشت آمدن او را به هرات خواهش نمود . و مشار الیه واصل هرات شده مجدداً بقطارندمای او منسلك گشت و بدربار بسر میبرد . تا آنکه طبع بهانه جوی ملك مذکور وسائل آنهام بربیعی را فراهم نموده ، مشارالیه را به بهانهٔ جرمی محبوس و درزندان بینداخت . وبعد ازان کسی را اطلاعی با حوال او نیست که عاقبت او چگونه شد ؟

و دیگر ازشعرای معاصر ملوك کرت، ملك الکلام محمد بن حسام هروی است . که دولتشاه اسم اورا محمد، وغیاث الدین خواند میر، جمال الدین نوشته است . اواز معاریف فضلای عصر خود وازشعرای ذواللسانین است . بفارسی وعربی شعرمیگفت واشعار اونهایت مطبوع وپسند اهل زمان بوده ، چنانکه او را پرمولینا مظفر هروی که ازافران او است تفضیل داده اند . وازاشعار عربی او قطعه ئیست که درجلوس ملك شمس الدین محمد بن ملك غیاث الدین (پنجمین ملك ازملوك کرت) گفته ودراکثرجاها بنظرمیرسد . وفات او درسنه ۷۳۶ هفصدو سی وشش و یا ۷۳۷ سی وهفت درهرات بوده بروز گار ملك معزالدین حسین بن ملك غیاث الدین کرت . واینکه دولتشاه و فاتش را در زمان ملك شمس الدین محمد مذکور نوشته خالی ازاساس است . چه وفات ملك شمس الدین مذکور درسال ۷۳۰ هفصدوسی یعنی هفت سال قبل از وفات صاحب ترجمه بوده و از اشعار او امروز چیزی بنظر نمیرسد .

و دیگر از شعرای ممتاز این دوره افضل المتأخرین مولینا مظفر هروی است که او را خاقانی ثانی نیز خوانده اند، وی مرد دانشمند و بغایت فاضل بود . در شاعری و علی الخصوص در قصیده سرائی باند ازهٔ توانا و چیره دست بود که گویند از متاخرین کسی بمتانت او سخن نگفته است . همیشه با شعرا معارضات داشته ، و بر اشعار ایشان اعتراضات میگرفته و انتقاد های پسندیدهٔ می نموده و در روزگار ملك معزالدین حسین کرت بسر می برده در مدایح او قصائد غرائی دارد ، که از لحاظ اغراق ، تشبیهات و نازك خیالی ، مسلم زمان است . و کمتر قصیدهٔ از معاصرین او بپایهٔ آن رسیده توانسته است .

و هم چنان مشار الیه با وجود آنهمه فضل و سخن وری که داشت از عرفان نیز بی بهره نبوده ، بلکه از ارباب سلوك و تجرید عصر خود بود . از کمال بی اعتنائی که بدنیا و زخرف آن داشت ، همیشه قلندرانه زندگی بسر می برد ، و بنا بران در انظار مردم خوار می نمود . و هر چندکه او را فضلای معاصر و اردات مندان ازین شیوه منع می نمودند سودی نمی بخشید ومیگفت : « بظاهر من ننگریدبر زیبائی معنی بنگرید» . و متاسفانه با آنهمه شهر تیکه در عصر خود داشت ، امروز از اشعار وی چیزی بنظر نمیرسد . وعلت آنرا چنین نویسند که دروقت مرگ دیوان خود را بآب انداخت که بعد از مظفر قدرسخن او را کس نخواهد دانست . و بلکه معنی آن را هم فهم نخواهدکرد . از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست . ولی اینقدر معلوم میشود که در روزگار ملك معز الدین حسین بوده است و سلطنت او سالهای ۷۳۲هفصدو سی ودو تا سنه ۷۷۱هفصدو هفتاد و یك را در برمیگیرد .

و دیگر از شعرای آن سامان مولینا حسن مشهور بحسن متکلم است . و از بیت آخر قصیدهٔ بائیهٔ او که بر تتبع قصیدهٔ معروف سلمان ساوجی گفته ودر مجمع مسطور است ، معلوم میشود که اصل وی از آل سامان بوده چنانکه میگوید (منم از نژاد بزرگان سامان ـ که بودند شایان چتر وموا کب) وی از فحول شعرای قصیده سرای آنزمان و معاصر مظفر هروی است وبلکه بروایتی شاگرد او بود ، و درمدائح ملك معز الدین و ملك غیاث الدین پیرعلی از ملوك کرت قصائدی داشته که امروز بکلی از میان رفته ، جز اندك ازان باقی نیست . ولی از تتبع در آن معلوم میشود ، که مرد فاضل و درعلوم عربیه صاحب استعداد کافی بوده وحتی الوسع کوشش داشته تاقصائد خود را

بطرز شعرای عرب موزون سازد. خاصةً ذوق فوق التصور او در ایراد کلمات حتی جمله های عربی بکلام او یك صبغهٔ مصنوعیت بخشیده از روانی و طراوت موضوع کاسته است ولی باز هم از قریحهٔ توانا وملکهٔ قوی شعری او انکار نمی توان کرد. از وفات اواطلاع صحیحی بدست نیست ولی اینقدر میتوان گفت که یقیناً تاسال ۷۷۱هفصدوهفتاد ویك که سال جلوس غیاث الدین پیرعلی کرت باشد وچندی بعدازان بحیات بوده زیرا که نظر بقول دولتشاه حسن نسخهٔ در صنایع شعری بنام ملك مذکور تالیف نموده وبنابران از شعرای نیمهٔ دوم قرن هشت هجری است. وایکه درریاض الشعرا اصل اورا سید نوشته اند نظر بگفتهٔ خود او چنانکه در بالا متذکر شدیم بی اساس است.

ودیگر ازعرفای شاعر معاصر ملوك کرت، شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی است، که ازعرفای بزرگ بوده و در بین مردم و جاهت و نفوذ وافری داشته و بزرگان عصر از و احترام می کرده اند. وملك غیاث الدین پیر علی کرت را در بارهٔ وی ارادت واعتقاد بسیار بوده. چنانکه شیخ موصوف همیشه از ودیدن می نموده وبوی اندرز ها میداده واز ظلم واعتسافات بیجا اورا مانع می شده. وهم چنان امیر تیمور گورکان را نیز باو اخلاصی بود. وفاتش به هفصد ونود ویك (۷۹۱) هجری قمری است. وازاشعار او چیزیکه باقیست همان چندبیتی است که در بعضی از تذکره‌ها دیده میشود.

وهم دران زمان بزرگوار دیگری نیز بدنیا پشت پازده، در یك گوشهٔ از شهر هرات بعبادت مشغول بود، او ست سید العارف حسین بن عالم بن حسن الحسینی غوری هروی معروف بامیر سید حسینی سادات. که از اجلهٔ بزرگان هرات و معاریف عرفای آندیار است. اصل آنجناب از غور و

امارت را ترک داده و دست بدامن فقر زده در هرات توطن گزیده و سالها در آن دیار بسلوك و ریاضت اشتغال داشت .

مشار الیه قسمت اول از حیات خود را بسیاحت گذشتانده و بخدمت بسیاری از عرفا و بزرگان زمان رسیده و از فیض مصاحبت ایشان باستفادهای معنوی نائل آمده و بمدارج بلندی از عرفان رسیده بود . مرحوم هدایت طبرستانی اورا ازمریدان شیخ بهاء الدین زکریای ملتانی مینویسد .

ولی نظر بروایت دولتشاه ومرحوم علیقلی خان داغستانی ، وی ازمعاصرین شیخ العارف فخرالدین عراقی و شیخ او حد الدین کرمانی بوده و هرسه از مریدان صاحب طریقت شیخ شهاب الدین سهروردی است . چنانکه نویسند هرسه درکرمان بخانقاه شیخ اوحدالدین ار بعینی نشسته و هریك درصدد تالیف کتابی بر آمدند ، تا بطور یادگار بخدمت پیر خود تقدیم کرده باشند . و همان است که سید موصوف زادالمسافرین خویش را در آنعالم منظوم ساخته بحضور پیر خود اهداء و عرضه نمود . وگویند کتاب نهایت مهمی است درتصوف و دیگر از مثنویات اوسی نامه است .

و میر برعلاوهٔ شاعری در نثرنیز از نویسندگان مقتدر و توانائی بوده و درتصوف صاحب تالیفات عدیده است . چون نزهت الارواح ، صراط المستقیم طرب المجالس ، کنز الرموز ، و هم چنان بروایت دولتشاه کتاب دیگری نیز در معارف وحقایق داشته بنام عنقای مغرب . واوست صاحب هفده سوال گلشن راز در تصوف که آنرا در خراسان برشتهٔ نظم کشیده ، بعراق فرستاد و شیخ محمود شبستری بران جواب منظوم کرد .

وفات : مشارالیه در روزگار غیاث الدین محمد بن ملك شمس الدین

محمد کهین از ملوك کرت بقولی در ۷۲۳ هفصد و بیست و سه و بقولی در ۷۱۷ هفصد و هفده و یا ۷۱۹ هفصد ونوزده در هرات وفات نمود .

و همچنان دران زمان چندتن شعرای دیگری نیز بوده اند ، که مورخین و بعضی از تذکره نویسان از آنها اسم برده اند چون بهاء الدین محمد معروف بسلطان ولد پسر مولینا جلال الدین بلخی و ابو الفضل حاجی عثمان هروی ازشعرای اوائل قرن هفتم وشیخ صفی‌الدین هروی ازشعرای اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم که بر علاوهٔ شاعری از ارباب وجد و حال بود . قاضی شمس الدین طبسی ساکن هرات که از شعرای معروف قرن هفتم است ، و بدرالدین هروی که او نیز ازشعرای مائهٔ هفتم است و محمد عوفی صاحب لباب صحبت او را دریافته و مولینا باطنی بلخی و حمید الدین قندزی که در اوائل قرن هفتم و اواخر قرن ششم زندگانی داشت . وامام شرف الدین محمد بن محمد فراهی که از فضلای عصر خود بشمار میرفت و خواجه حافظ علی بن مولینا نورالدین محمد غوریانی که اکثر قصائد مصنوع سلمان ساوجی را جواب گفته و شمس الدین محمد کاتب بلخی که مداح عین الملك بوده و باعوفی صاحب لباب خصوصیت تمامی داشت و ابن الرشید غزنوی که از شعرای شیرین کلام بود و در اسفر از هوطن گزیده و از ملك الوزرا علاء الملك تربیه دیده وجمال الدین محمد معروف باز هری هروی که از فحول شعرای اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم بود ، ضیاءالدین بلخی که بر علاوهٔ شاعری در خطابت و وعظ نیز مردی چیره دست بود ، و در بلخ خلق را موعظه می نمود و محمد عوفی بملاقات او نائل شده. وحکیم ابو بکر بن محمد بلخی معروف بواعظی بلخی که مردی شاعر و واعظ بود و در بلخ همیشه بوعظ می پرداخت و غیره و غیره .

قرن نهم وعصر تیموریان :

بعداز وفات امیرتیمور گورگان درسنه ۸۰۷ هشصدو هفت هجری پسروی شاهرخ میرزا که حکومت هرات داشت جانشین پدر گشته ، هرات را مرکز سلطنت خود قرار داد و درمدت (٤٣) سال پاد شاهی خود (از ۷۰۷ـ۷۵۰) برعلاوهٔ آنکه خرابیهای پدر را ترمیم نمود ، دربارهٔ علم وادب نیز توجهٔ خاصی گماشته ، همواره به اعزاز و اکرام فضلا و اهل دانش میپرداخت و ازشعرا و دانشمندان حمایت و دستگیری نموده ، به اشاعه ونشرعلوم وادبیات شوق ودلچسپی زیادی داشت وبنا بران دربار اومرجع فضلا و دانشمندان دورگار بوده وشخص اویکی از بهترین اخلاف تیمور وجانشینان او بشمار میرود . و هم چنان دیگر ازشاهان کورگانی که مرکزسلطنت آنها در افغانستان بود ، سلطان حسین میرزا بایقرا است که اونیز ازلحاظ خدمات خود درعالم ادب و ادبیات کم ازشاهرخ نبوده بلکه بمراتب ازو بلند تراست و مدت سلطنت وحکمرانی او که از سالهای (۸۷۲ تا ۹۱۱) یعنی مدت (۳۹) سی ونه سال بود ، یکی اززوشن ترین دورهای ادبی افغانستان بشمار میرود ، که بعد ازغز نویها درافغانستان بروی کار آمد ـ در بار وی مجمع فضلا و دانشمندان عصر بود و پای تخت آن شهر هرات یکی ازبارونق ترین مراکز ادبی بحساب میرفت . وازهرسو دانشمندان وشعرا بدر باروی رو آورده ، از خوان احسان و اکرام او فیض ها میبردند و بصلات وجوائز گران بهائی نائل میشدند ، وزبان بمدح او گشوده تا کنون نام او را جاوید وزنده گذاشته اند .

و برعلاوه سلطان حسین میرزا خود نیز ازاهل ذوق و ادب بود ، طبعی موزون وقریحهٔ سرشاری داشت و اشعار نیکو میسرود ، چنانکه در اکثر از

تذکر ها اشعار بنام وی دیده میشود . و همچنان از بزرگان آنعصره که خدمات شایانی بعالم علم وادب نموده وزیر نامی او امیر نظام الدین علی شیر نوائی (فغائی) است که از سر آمدن شعرا و دانشمندان عصر بود . بیشتر مفاخر دورهٔ سلطان حسین بوی عائد است . وی در حسن تدبیر و امور جهانبانی چنانکه از وزرای با کفایت آسیا بشمار میرود هم چنان در ادب پروری و فضل نیز یکی ازرجال نامی و معروف انعصر دنیا است . وگمان نمیرود که از شعرا وفضلای آنعصره و آنعصر کسی باشد که از خوان احسان و مرحمت او حصه نگرفته ، از حمایت و دستگیریهای ادب پرورانهٔ وی استفاده نبرده باشد . میر علی شیر چنانکه خود شاعر واهل فضل بود ، شعرا و اهل دانش را نیز بغایت دوست داشت و حتی المقدور از تهیهٔ وسائل استراحت وخرسندی آنها خود داری نمیکرد وبانواع وسائل در فراهم آورده خوشنودی ورضای قلبی آنها می کوشید . و از ین راه لحظهٔ آرام نمیگرفت و ازان روست که شعرای زمان او پروانه وار در اطرافش تحشد نموده ، درسایهٔ الطاف ومهر بانیهای بزرگانهٔ اوبسر می بردند ودرمدائح او قصائد غرائی سروده اند علی الخصوص بزرگواری بمثل مولینا عبد الرحمن جامی که در مدح مشار الیه قصائد گفته و از او ستایش فراوان نموده همیشه او را بنام نیك یاد میکند . خلاصه اینکه اگر دورهٔ سلطنت ملکشاه سلجوقی بوجود وزیر با کفایت و دانشمندی چون خواجه نظام الملك طوسی رونقی داشته وبدان می نازد ، دربار سلطان حسین نیز بداشتن وزیری دانشمند وکار دانی چون امیر نظام الدین علی شیر مباهات و افتخار نماید ، بجاست .

قرن نهم وشعرای آن :

یکی ازشعرا و نویسندگان دورهٔ شاهرخ میرزا مولینا یحی سیاب است که از افاضل خراسان بود . درنظم و نثر مهارتی بتمام داشت وگویند هیچگاهی فارغ نبوده همواره بهتصنیف وتالیف می پرداخت . مشارالیه ابتدا تفاحی تخلص می نمود و بعد ها تفاحی را بفتاحی مبدل ساخت و هم چنان در بعضی موارد خماری و اسراری نیز تخلص نموده است . واکثر باستقبال خواجه بر آمده بسیاری ازغزلهای آنجناب را جواب گفته است وفات مشارالیه درسال ۸۵۲ هشتصدو پنجاه و دوی هجری باتفاق پیوسته . آثار زیادی از خود بیادگار گذاشت که امروز تقریباً بکلی از بین رفته . چون مثنوی خواب نامهٔ اودرتعبیر رؤیا و در نثر کتاب شبستان خیال و حسن دل که در آنعصر نهایت اشتهار داشته است .

و دیگر از شعرای زمان شاهرخ مولینا محمود عارفی هروی است ، که از مشاهیر شعرای دربار بود ، و بواسطهٔ قوت طبع و استعدادیکه در شعرداشت در نزد معاصرین خود بسلمان ثانی ملقب و معروف بود و چنانکه معلوم میشود دیوان غزلیات او نهایت مشهور بود . و همچنان در مثنوی سازی نیز بنهایت درجه مهارتی داشته مثنویات متعددی دارد که از مشاهیر آن ها مثنوی بوده بنام گوی و چوگان درنهایت جودت و روانی که بدبختانه امروز تقریباً همه بر باد رفته هیچ چیزی ازان باقی نیست و هم چنان نظر بروایت دولتشاه مالا بد حنفی مذهب رانیز نظم کرده و ده نامهٔ بنام خواجه پیر احمدکه از وزرای شاهرخ میرزاست نیز گفته و دران غزلها و مقطعات ملائم درج نموده بود . و دیگر

از شعرای آن دوره جنونی اندخوئی است که در هرات توطن گزیده بود. و بنابر خوش طبعی و بذله گوئی که داشت اکثر ازامرای آن عصر هوا خواه او بوده حجت اورا ازتهٔ دل میخواستند وبدو گوشهٔ خاطری مرعی میداشتند، بخصوص امیر غیاث الدین سلطان حسین بن فیروز شاه را در بارهٔ وی توجه و التفات خاصی بود. و امروز از اشعار او نیز چیزی بدست نمی آید. و هم چنان شاعری دیگر نیز دران زمان بود معروف بمولینا یوسف امیری، مشارالیه ازشعرای معروف عصر شاهرخ بود ودرانعصر اشتهار کاملی داشت. و چنانکه مینویسند قناعت بدرجه اتم داشته آبروی خویش را در پیش هرکس و ناکسی نمیریخت، نان خشك و زندگانی غریبانهٔ خود را برطعمهٔ گوناگون و حیات با احتشام دیگران ترجیح میداد. و با کمال استغنا زندگانی بسر می برد. و قصائد غرائی در مدح شاهرخ و بایسنقر میرزا وسائر شاهزادگان تیموری داشته که امروز جز اندکی ازان باقی نیست.

ودیگر از شعرای آن سامان بابا سودائی است. که اصل وی از ابیورد بود. ابتدا خاوری تخلص داشت، لاکن جذبهٔ بوی رسیده، چندین وقت درصحاری و بیابانها مجنون واربسرمیبرد. و بدان سبب به باباسودائی اشتهاریافت. دراواخر بدربار انتساب یافته درمدح شاهرخ زبان بقصیده سرائی کشود.

هم چنان بنابرادب پرور یهای شاهرخ شعرا و فضلای دیگری نیز آوازهٔ او راشنیده ازاطراف وحوشی خراسان و دیگر ممالك دور دست رو بهرات آورده درخدمت اوپیوستند ویا اینکه از دور با وزرا، شاهزادگان و بزرگان سلطنت او ربط وخصوصیتی داشته اند وازجملهٔ مشاهیر آنهاست مولینا غیاث الدین شیرازی که مرد داناوشاعر فرزانهٔ بود و آقاملك بن جمال الدین فیروز کوهی معروف به

امیر شاهی سبزواری که شاعری مجید بسود چنانکه دروصف اشعار اوگویند که سوز کلام خسرو ، طراوت سبك کمال خجندی با لطائف وصفائیهای حافظ همه درکلام او دیده میشد ومولینا حسن سلیمی وسید شرف الدین رضائی سبزواری و یاد گار بیك ومولینا محمد کاتبی نیشاپوری که ازا جلهٔ شعرای آنعصر بوده درملازمت شاهزاده بایسنقر میرزا بسرمیبرد . ومولینا علی شهاب الدین ترشیزی که مردی فاضل وهم شاعر بود و در زمان شاهرخ بمنتهای اعزاز و احترام زندگانی داشته و بخدمت شاهزاده محمد جوکی بهادر چندی در قندهار نیز بود حافظ حنوائی و طالب جاجرمی صاحب مناظرهٔ گوی وچوگان که مثنوی مذکوررا بنام شهزاده علاء الدوله میرزا بن ابراهیم سلطان برشتهٔ نظم کشیده بود و خواجه محمود بر سر که او نیز از مادحین شهزاده علاءالدلهٔ موصوف بود ومولینا سیمی نیشاپوری که شاعری بغایت توانا وطبع نهایت روانی داشت چنانکه گویند در مشهد درمحضر عمومی در عرصهٔ یك شبانه روز بدون آنکه از جای خیزد سه هزار بیت منظوم ساخت . وهمچنان از خطاطان آنزمان نیز بشمار رفته به شش بقلم خطی بغایت نیکو می نوشت . و لطفی شیرازی که از تربیه شده هنرهای بایسنقر میرزا بود و اشعاری بغایت موزون و شیوا می سرود وقبر نیشاپوری ساکن هرات . وطاهر بخاری و غیره و غیره .

ودیگر ازنویسندگان آندوره شرف الدین علی یزدی است صاحب ظفرنامه در وقایع سلطنت تیمور. مشارالیه در خدمت ابراهیم میرزای پسر شاهرخ میرزا میبود وظفر نامهرا باشاره وخواهش او تالیف نمود .

و برعلاوه یکعده عرفای دیگری نیز در آن زمان بهرات آمده در انشهر

اقامت گزیده بودند . چون سید قاسم انوار و شیخ نعمت الله کهنانی و شیخ فخر الدین حمزهٔ آذری که مشار الیهم ازمعاریف عرفای قرن نهم و بزرگان شعرای متصوفین بحساب میروند .

و دیگر از عرفای زمان سلطنت شاهرخ است ، خواجه محمد پارسا و پسر اوابونصر وخواجه لطف الله وشیخ زین الدین ابو بکر خوافی وسید صدر الدین یونس حسنی وامیرغیاث الدین محمدوغیره وغیره . وهمدران زمان عالم زبردستی دردربار شاهرخ بنرمیبردمعروف به یوسف اوبهی ، اصل وی ازاوبه (علاقه هرات) واز نخبهٔ تلامیذ علامه سعد الدین تفتازانی صاحب (مطول) بود ودر سلك مدرسین نامی مدرسهٔ شاهرخ (واقع در محاذی قلعه اختیار الدین) انسلاك داشت وچنانکه مینویسند بامر شاهرخ دران مدرسه نخستین مرتبه درس او گفت وهم چنان مشار الیه را باشمس الدین محمد جزری که از اکابر علمای آن عصر است معارضات بوده ودر سال ۸۳۳ هشتصد وسی وسه هجری در هرات وفات نمود . وهم چنان یکعده علمای دیگری نیز دران زمان بدربار انتساب داشتند که بعضی آنها از افغانستان و برخی از ممالك دیگر بودند . چون شیخ محی الدین غزالی ورکن الدین محمد خوافی وابوالوفاء خوارزمی و کمال الدین حسین خوارزمی وصاین الدین علی اصفهانی ومولانا جمال الدین عبدالغفار سمرقندی وفصیح الدین محمدبن محمدبن علاء خراسانی وخواجه محمد اصغر وقاضی صدر الدین محمد بن قاضی قطب الدین عبدالله امامی هروی وجلال الدین محمد قاینی وخواجه عبدالقادر گوینده وشمس الدین محمد او حد خطیب وشمس الدین محمدبن علی و عمادالدین عبدالعزیز ابهری و شهاب الدین عبدالرحمن لسان و برادر اعیانی مشار الیه جلال الدین عبدالرحیم صدر و مرتضی صحاف محتسب وغیره وغیره .

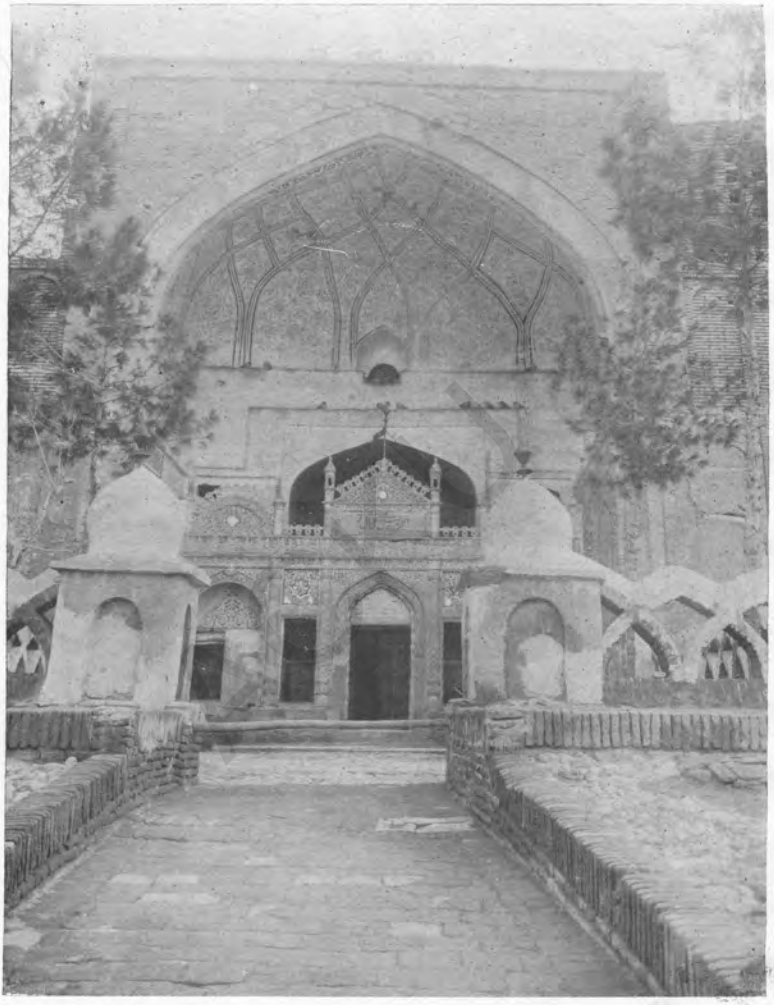
و همدران زمان دو نفر خطاط دیگری نیز بنام شمس‌الدین و جعفر در هرات زندگانی داشته در حواشی در بار بسر می بردند که آنها را نیز نباید فراموش کرد .

شمس الدین خطاط هروی شاگرد مولانا معروف خطاط ، از مشاهیر خطاطان آنروزه بود . و گویند در اثر تشویق و توجه بایسنقر میرزا باندازهٔ در حسن خط ترقی نمود و طرف توجه قرار گرفت که قطعات او دست بدست نمیرسید . و اکثر از خطوط خویش را بنام یاقوت مستعصمی کرده باهل این فن وامی‌نمود و بواسطهٔ شباهت کلی که خط او بخط یاقوت موصوف داشت کس ملتفت این نکته نگردیده قبولش می فرمودند .

و هم چنان جعفر تبریزی که در انواع خط درجهٔ کمال حاصل داشت . به تخصیص در نسخ و تعلیق نظیر او کسی دران زمان دیده نمیشود و همه بخوش نویسی او اعتراف داشتند .

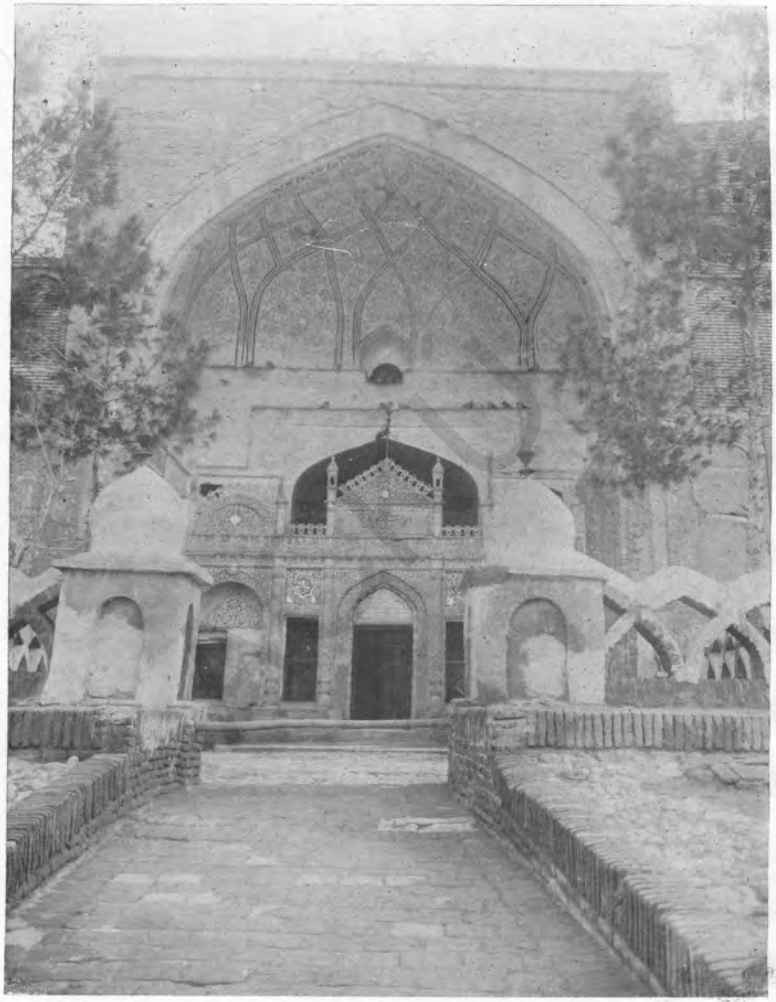
و دیگر از شعرای قرن نهم افغانستان صاحب بلخی است ، که بشربفی اشتهار داشت ودولتشاه اورا ملك‌الشعرا نوشته مشارالیه مردی فاضل ودر انواع علوم ادبیه و شعر مهارتی بسزا داشته و هم چنان از طب و موسیقی نیز بی‌بهره نبوده . و بخدمت شاهان بومی بدخشان (که بالاخره بدست ابوسعید گورگان منقرض شدند) بسر می برده و در مدح ایشان قصیده ها گفته و هم چنان در مدح سادات ترمذ نیزقصائدی داشته که حوادث سوء روزگار همه را از بین برده جز اندکی ازان باقی نگذاشته است .

ودیگر ازشعرای آنزمان علی بن اسد بدخشانی ست که مرد فاضلی بوده و مداحی شاهان بدخشان کرده است و تنها یك بیت ازو دیده شد .



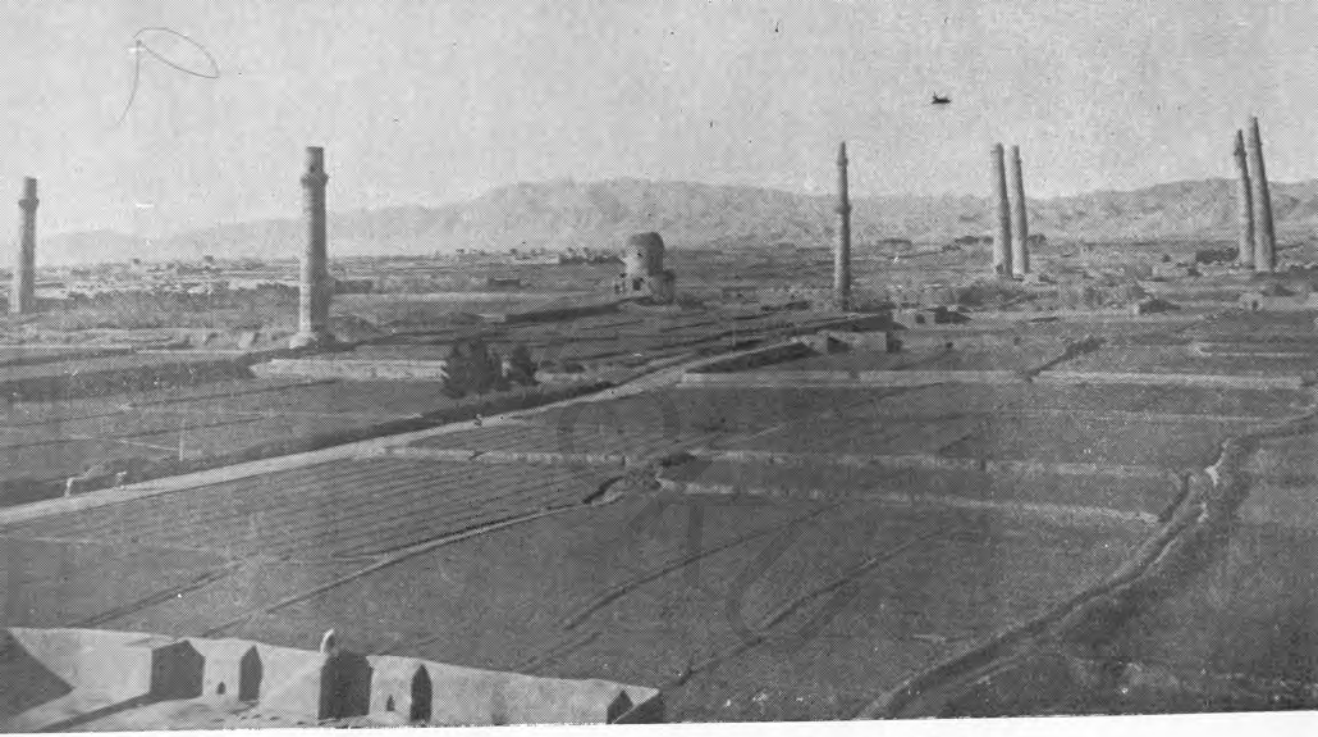
از مزارات متبرك هرات : مقبرهٔ حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه بن عبدالله
بن حضرت جعفر طیار رضی الله عنهم

Mausolée d'un prince arabe Abdullah (du temps de la conquête musulmane) à Hérat



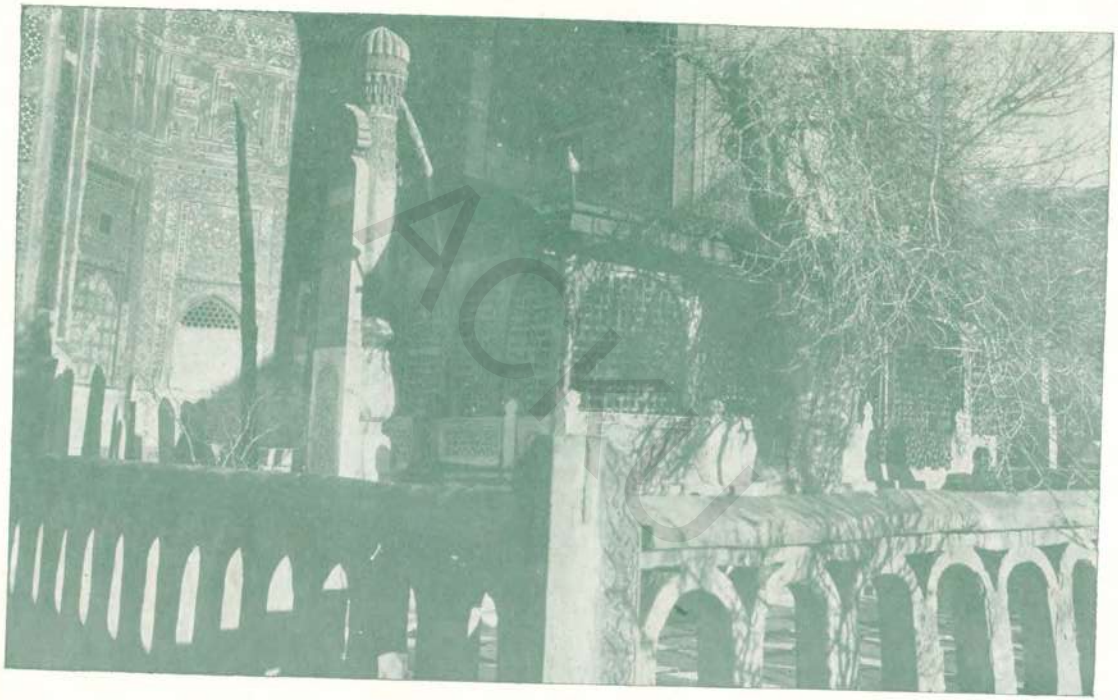
از مزارات متبرك هرات : مقبرهٔ حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن حضرت جعفر طیار رضی الله عنهم

Mausolée d'un prince arabe Abdullah (du temps de la conquête musulmane) à Hérat



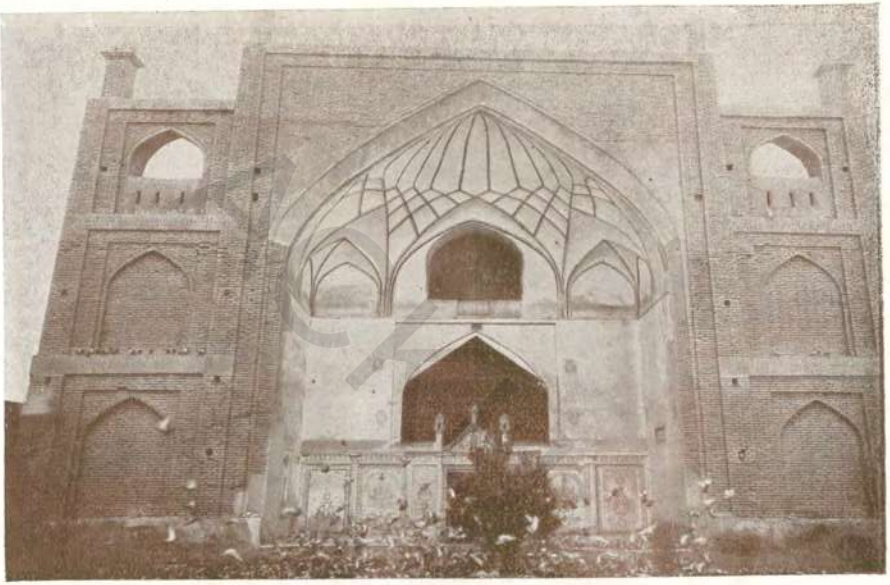
از ابنیهٔ تار یخی هرات : منظرهٔ عمومی مینار های مصلای شهر قد یم

Vue générale des colonnes monumentales de l'ancienne mosquée d'HÉRAT



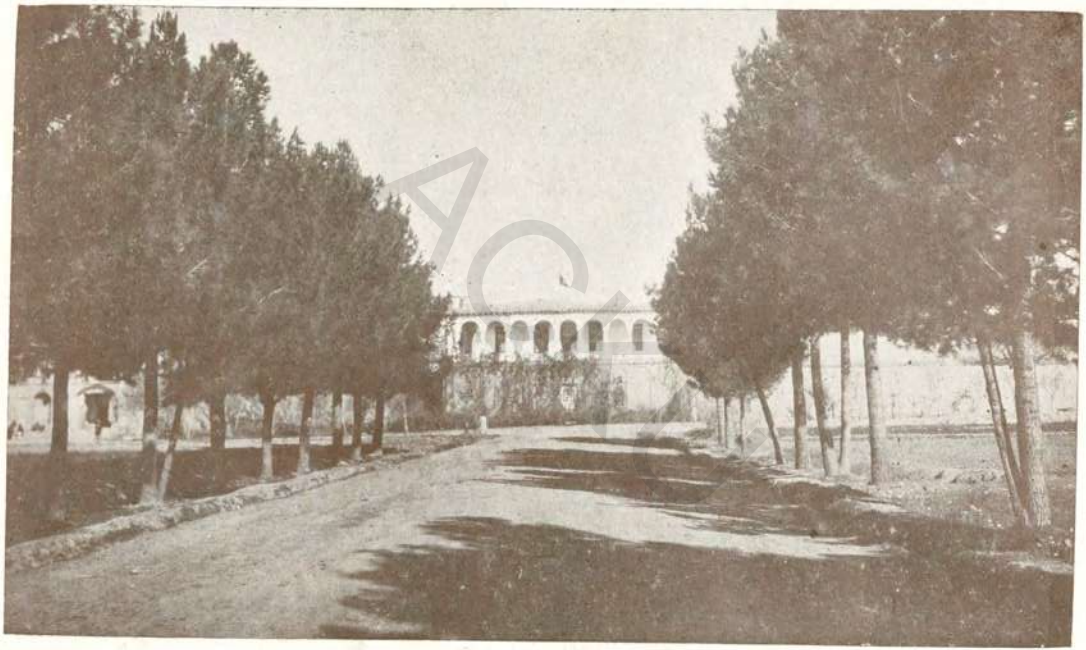
از مزارات هرات : مقبرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصار رحمةالله علیه

Tombeau du grand savant Khadja Abdullah Ansar à Hérat (11 ê. S.)



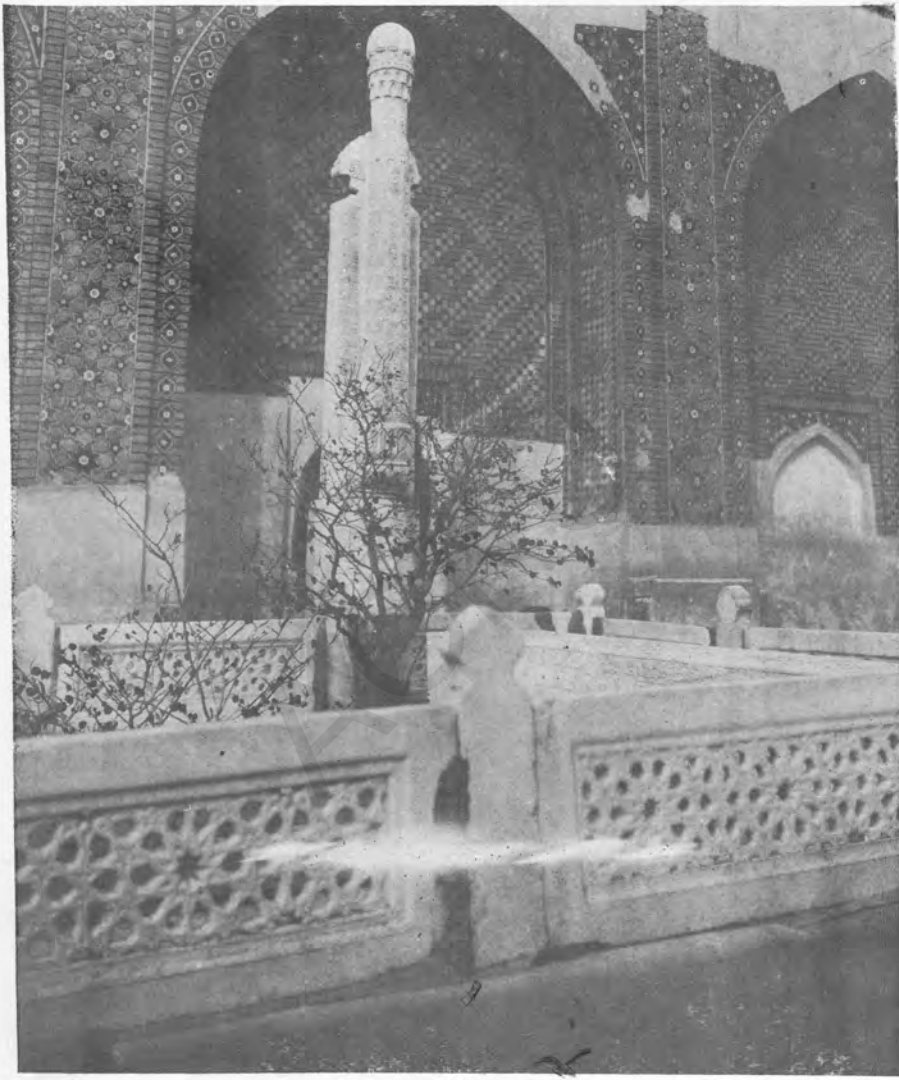
از مزارات متبرك هرات : مقبرهٔ حضرت میر عبد الله الوحد شهید بن زید بن امام حسن رضی الله عنهم

Mausoleé d'un prince arabe, Abdullah-ul-Ouahed (du temps de la conquête musulmane) à Hérat



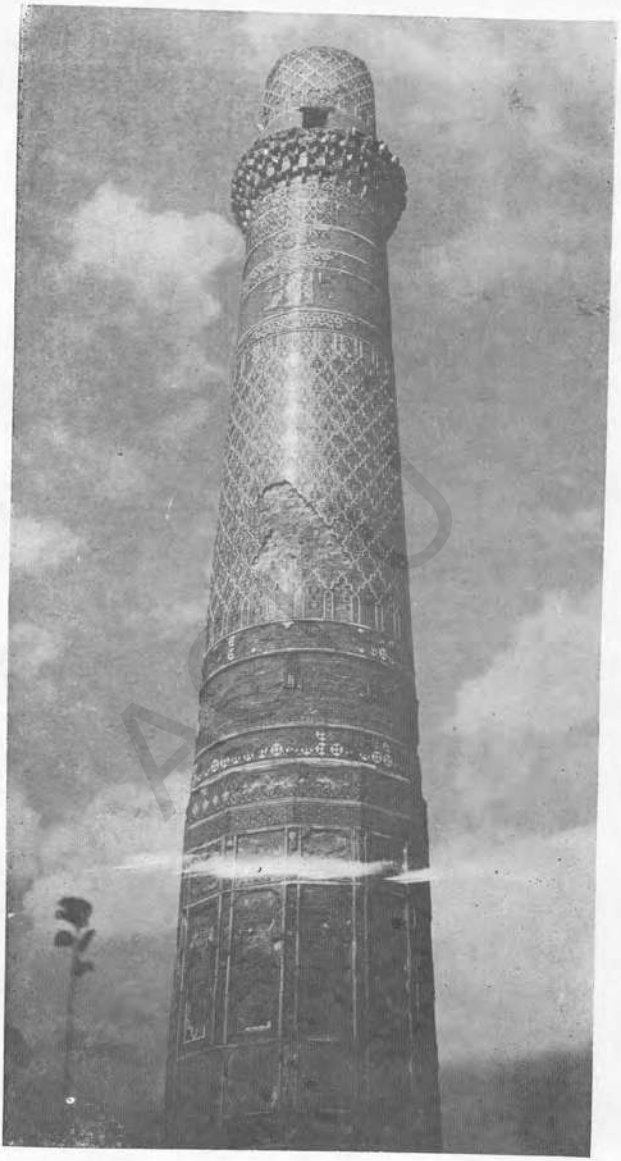
یکی از عمارت قشنگ هرات ، باغ شاهی و عمارت آن که در عصر وزیر سرفراز خان ساخته شده

Un joli villa à Hérat



از مزارات هرات : مقبرهٔ اعلیحضرت امیر دوست محمد خان

Mausolée de l'Émir Dost Mohammed Khan (19ê. S.) à Hérat



از آثار تاریخی هرات: یکی از مینار های مصلای قدیم
Un des minarets de l'ancienne mosquée d'Hérat

و همچنین دیگر از شعرای قرن نهم افغانستان مولینای بدخشی است، که ازجمله فضلای نامدار عصرخود بود. پادشاه و بزرگان عصر او را مسلم میداشتند و هم چنان در سخن وری رتبهٔ بس عالی داشته ازسر آمدان شعرای دربار الغ بیگ بشمار میرفت. اصل وی از بدخشان است و بروزگار الغ بیگ کورگان در سمرقند رفته درانجا توطن گزیده و در دربار وی انتساب یافت وزبان به ستایش او کشوده، قصائد غرائی درمدایح وی دارد. ازانجمله است قصیدهٔ ردیف آفتاب او که به نهایت روانی و جودت بوده بهترین گواهی است بر لطافت طبع و قدرت فوق العادهٔ او در چکامه سرائی واز اشعار او نیز بغیر از اندکی در دست نیست.

سلطان حسین میرزا ودربار او: یگانه وزیر دانشمند سلطان که هم شاعری نهایت بلیغ بود امیر نظام الدین علی شیراست. پدراوکچکینه بهادر ازبزرگان الوس چغتائی بوده درزمان ابوالقاسم بابرتیموری وابوسعید کورگان ازمقربان دربار و درسلك معتمدین شخص پادشاه انسلاك داشت. امیراز اوائل جوانی وعنفوان شباب ذوق مخصوصی بادراك فضل وفراهم گرفتن علوم ادبی داشته وباوجود احتشام وگرفتاریهای اداری همواره ازمطالعه دمی نیاسودی و بگفتن اشعار ازحد فزون رغبت داشتی و همیشه ازمصاحبات اربابفضل ودانش استفادها بردی واز گفته های آنها ذخیرهای گران بهادرگنجینهٔ سینه ودماغ اندوختی. تا آنکه درعرصهٔ قلیلی استعداد ذاتی وذوق سرشار اوانکشاف نموده در همان آوان شباب وریعان جوانی درجمیع فنون ادب وصنایع شعری لیاقتی بهم ساندهٔ ادیب وهم شاعر زبردستی گردید و درهردو زبان فارسی وترکی که در دربار آنوقت رواج کلی داشت ملکهٔ شعری اوفوت گرفته، در سرودن انواع شعر

مهارت و کفایتی بسزا یافته در ردیف شعرای بزرگ و نامور این دو زبان احراز شخصیت نمود ، و همان است که در فارسی فنائی و یافانی (وهوالاصح) و در اشعار ترکی نوائی تخلص می نماید . از آنجائیکه شخص بابرمیرزا پادشاهی سخن شناس و هنر پرور بود توجه خاصی در بارهٔ این امیرزادهٔ دانشور مبذول داشت و از هرحیث دورهٔ سلطنت وی در بارهٔ امیر مساعدافتاده و امور زندگانی امیر رونق گرفته و هلال اقبال و طالع مشار الیه رو به تربیع گذاشت تا آنکه رفته رفته در عصر سلطان حسین میرزا به منتها درجه اعتبار عروج نموده به بزرگترین منصب آن زمان که عبارت از وزارت باشد نائل آمد و زمام امور جهانبانی و ادارهٔ مملکت محروسه بکف با کفایت وی سپرده شد .

ازمزایای شگفت انگیز مشارالیه همان است که بر خلاف زمامداران عصور آخره ، این رتبهٔ بزرگ و وفور مشاغل اداری وسیاسی هیچگاهی اورا از اشتغال در علم و ادب مانع نیامده ، سکته درپیشرفت علمی ومطالعات ادبی این مرد بزرگ وارد نکرد و او را از انجام مفکوره های ادبی باز نداشت . و باوجودیکه در اثر تراکم امور اداری فرصت سر خاریدن نداشت باز هم میبینیم که او از کوچکترین فرصتها استفاده نموده بهترین آثار ادبی خود را که لیلی مجنون است در ان زمان و در خلال همان مشاغل و گرفتاریهای انبوه برشتهٔ نظم در آورد .

وهم چنان بطوریکه دربالا گفته آمد ، لحظهٔ درپرورش واستمالت فضلا ودانشمندان عصر خود اهمال نمی نموده ، هر فاضل وشاعریکه اندك احتساس دست تنگدستی و قافگی درخود دیده بود ، بدروازهٔ باز او رو می آورد

و هیچ نبود که ناکام برگردد . و بنابران شخصیت او مرجع علما و فضلا بود ، ودانشتند ان از دور ونزدیك به آستان اورو آورده ، بمقاصد و آمال خود نائل می آمدند . وازخوان اکرام واحسان اوبهرها می بردند وهیچ شاعری ازشعرای آنعصر نیست که بخدمت اونرسیده ودرمدح او قصائد نگفته باشد وهمچنان اگر دقت شود دیباچهٔ اکثر ازکتب معتبره ئیکه دران عصر تالیف یافته مزین بنامنامی این راد مرد بزرگ است . چنانکه ازمعاریف نویسندگان معاصر او دولتشاه سمرقندی درتذکره وغیاث الدین درحبیب السیر بغایت درجه ازو مدح وتوصیف مینمایند ومرحوم میرخواند روضة الصفارا بصوابدید او تالیف نموده دیباچهٔ آنرا موشح ومزین بنام او ساخت و در انجا وهم در مقدمه وخاتمه های هر مجلد آن زبان بمدح او کشاده بایك لهجهٔ غریبی ازاو وادب پرور یهای او صحبت میکنند . وازاوصاف وصفات پسندیدهٔ وی تمجید می نمایند واورا ولی نعمت خودخوانده حقوق مادی ومعنوی ویرا بذمهٔ خود التزام می نمایند ـ وپرظاهراست که اینهمه وصف و ستایش ایشان از میر هیچ یك جنبهٔ سیاسی و غیره نداشته معری از هرگونه مداهنه و تملق بوده ـ و علت آن همان بزرگواری و شخصیت ممتاز میر است که ایشان را وجداناً مکلف بادای فریضهٔ وجدانی و اظهار حقیقت نموده است .

میر را از فضلای معاصر بمولینا عبدالرحمن جامی نسبت شاگردی بود . و در بارهٔ او طرفه ارادت و اخلاص داشته ، همیشه او را بنظر احترام دیده و بلکه پیشوای خود میداند . چنانکه از تحفة الافکار او معلوم است . وهمچنان مولینا را نیز با او چنان دوستی مستحکم و بانهایت صمیمیت بود ، که بادوستی ابنای این زمان قیاس نمیتوان کرد . و هم چنان میررا از عرفا و سخن سرایان گذشته به نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلی نیز ارادت و عقیدتی بتمام بود و چنانکه از اشعار ترکی مشارالیه معلوم میشود ، همیشه این هرسه بزرگوار را

بچشم اعظام دیده ، همه جا ازاظهاراخلاص در بارهٔ آنها خود داری نمیکنند و ازروحانیت آنها استمداد نموده ، توقع حمایت و دستگیری مینماید . و ازهمین جهة است ، که امیر دراشعارفارسی خود پیروی از سبك آنها نموده بسبك آنها قصائد و اشعار خود را می سراید . و هم چنان مبتنی بر اخلاص اوست در بارهٔ شیخ نظامی گنجوی ، که باستقبال خمسهٔ نظامی بر آمده و بروایت دولتشاه امیر نوائی نخستین کسی است ، که بر چنین فضلی اقدام نموده و هم چنان قصیدهٔ معروف « بحرالابرار » امیر خسرو را جواب گفته و در جواب آن بمنتها درجه کامیاب گشته و آنرا به « تحفة الافکار » موسوم ساخت چنانکه بدون شبه میتوان گفت که تاکنون کسی باین رشاقت الفاظ ، استحکام ترکیب ، روانی عبارات ، پخته گی ومتانت مضمون قصیدهٔ مذکور را جواب گفته باشد نیست . وبعقیدهٔ بنده این قصیده یکی ازشاهکارهای بزرگ ادبی آن عصر بوده وبهترین برها نیست برذوق سرشار ، وسعت خیال وقریحهٔ توانای اودرقصیده گوئی . امیر مذکور درتحفة الافکار (که هفتادوسه بیت ازان بمارسیده) بایك لهجهٔ صدق آمیزیکه حاکی از قلب رقیق وروح متأثر او است ، شکایت از حیات نموده و بایکزبان پردرد وسوز تاکی پرده از روی حقایق بر گرفته ، دنیا وارا چیزی آنرا که بشیزی نمی ارزد ، به نظر عبرت و حقارت دیده ، شروع بیك عده نصایح و اندرز های حکیمانه می نماید . ودرهمهٔ آن ادعای خودرا بطور مثل اثبات نموده گریز بمدح مولینا عبدالرحمن جامی می زند . واورا دین پناه خطاب نموده از تعداد او صاف او عقل خودرا عاجز وقاصر می شمارد ودرعین حال درد فقر وتمنای خودرا بوصول در خاك آستان او اظهار نموده ، ودرآخروجه تسمیهٔ این قصیده رابه تحفة الافکار بیان کرده میگوید که « این قصیده

را تحفه ازبحر فکرتم گویان بخدمت اهداء مینمایم » وحقیقةً دراین قصیدهٔ خود که درمذاق تصوف و اهل درد سروده است ، قیامتها کرده و داد سخن و سخن سرائی را داده است .

ولی دریغ که سلطان حسین قدرچنین آدمی را ندانسته در او اخر بنابر سعایت اهل غرض او را ازچشم انداخت و به بهانهٔ از دربار دور نموده بوزارت و ولایت استرا باد مقرر کرد .

وبرعلاوهٔ آنهمه فضل و دانشی که میر را بود ، درامورخیریه وفوائد عامه نیز خدمات قابل ستایشی نموده وهمواره فواضل مال خود درامورمذکوره صرف نموده ومحض جهة بهبود احوال بنی نوع به احداث تعمیر وبقاع خیروغیره وغیره میپرداخت . وازانجمله احداث مسجد جامع ، مدرسه ، خانقاه ، دارالشفاء وحمامی وغیره درمتن شهرهرات وهم چنان تعمیرقسمتی ازرباطات منازل دراطراف هرات واحداث بقعه وتعمیر روضهٔ عارف معروف شیخ فریدالدین عطاروشاه قاسم انوار وغیره وغیره که مفصل ذکرآنها این مختصر را نشاید .

تولدووفات او : تولد میرعلیشیردرسال ۸٤٤هشتصد وچهل وچهارهجری قمری بودووفات اومقارن است بصبح یك شنبه یازدهم جمادی الاولی سال ۹۰٦ نهصد وشش هجری قمری . و از آثارگزیدهٔ اوست ـ برعلاوهٔ غزلیات وقصائد فارسی وترکی ـ مجالس النفایس (در ترکی) که اخیر الذکر عبارت است از تذکرهٔ در شرح احوال شعرا و فضلا وعرفای معاصر او ومرتب است به (۸) هشت مجلس وآن در (۸۹٦) هشصدونود شش هجری قمری اتمام یافته است و دیگر خمسهٔ او در فارسی که باستقبال خمسهٔ نظامی سروده شده و گویند ازین مثنویات خمسهٔ

او از همه بهتر لیلی و مجنون او ست که با کمال شیوائی و لهجهٔ شور انگیزی منظوم شده .

ودیگر ازفضلای آنعصر امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی است . که بعضاً سهیل و سهلی نیز تخلص مینموده . وی از بزرگ زادگان جغتائی است که خاندان وی اززمان تیمور تاعصر سلطان در دربار منسوبیت داشته متکفل امور ووظایف بزرگ دولتی واداری بودند. مشارالیه یکی ازفضلای دربار سلطان حسین میرزا بوده، درشاعری نیزاستعداد وتوان کافی داشت وهمچنان ازتصوف وعرفان نیز بی بهره نبوده ، رو بهمرفته بعد از امیرعلی شیر دومین شخصی از امرای دانشمند و ادب پرور در بار سلطان حسین بشمار میرود . مشارالیه در آوان جوانی بخدمت شیخ آذری رسیده واز همت آن بزرگوار دریوزه کرده و بمصلحت وفرمودهٔ اوسهیلی تخلص خودرا گذاشته است. سهیلی یکی ازامرای نامی آن عصر بوده وهواره دربارهٔ اهل فضل ودانشمندان نظرا لتفات داشته وهمیشه بآن گروه محشور بوده ، واز مفاوضات ایشان بهره ها اندوخته وهیچگاهی در حمایت وپرورش آنها کوتاهی نکرده است ، بنابران چنانکه دردربار قرب ومنزلت تمامی داشت ، در نزد اهل علم وفضلا نیز معزز و مکرم بوده همه بنظر احترام بوی می نگریستند . سهیلی یکی ازشعرای مقتدر وتوانای آنعصر بوده ودرفارسی وترکی غزلیات وقصائد سروده ودارای دودیوان یکی فارسی ودیگری ترکی بوده است و هم چنان شعرای زمان نیز بوصف او زبان کشوده در مدح او قصائد بسیاری گفته اند . واز معاریف مولفین عصر ، حسین واعظ کاشفی باشارهٔ او کلیله ودمنه را باتلخیص وتهذیب مجدداً ازعربی بفارسی ترجمه نموده و بلقب او موسوم ساخته انوار سهیلی نام نهاد .

ودیگری از امرای فاضل وشاعر در بار سلطان حسین میرزا خواجه افضل‌الدین محمود است که بمرتبهٔ وزارت رسید وشعر فارسی نیکو می‌گفت . ودیگر خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید که او نیز رتبهٔ وزارت یافته بعضور سلطان تقرب کاملی جست و اشعار فارسی او در بعضی از تذکره ها بنظر میرسد . و دیگر امیر حسین جلایر است که از امرای آن سامان و شاعر خوبی بوده . و همدران زمان فاضلی دیگری در دربار بوده معروف بخواجه آصفی‌که دولتشاه اورا وزیرزاده و املح الشعرا مینویسد ، و از معززین هرات بود و در دربار بکمال احترام میزیست و هم چنان آبا و اجداد او نیز همه در ازمنهٔ تیموریان برتبهٔ وزارت رسیده ، از حواشی و اطرافیان پادشاه بشمار رفته ازاهل قلم و دیوان بودند . آصفی از امرای باکفایت و صاحب نفوذ در بارسلطان حسین است . سیاست و ادب یکجا در شخصیت او اجتماع نموده و شاعر توانائی نیزبود و اشعار آبداری داشته است ، که امروز جزاندکی ازان باقی نیست .

ودیگرازشعرای آن سامان فصیح الدین صاحب است که ازفضلای عهد خود بوده درانشاء نثرونظم قدرتی بسزاداشت به تخصیص درفن تعمیه‌یکی ازسرامدان این فن بشمار رفته ، وهم چنان دربازی شطرنج مهارتی بهم رسانده بود . ابتدا بامیر نظام الدین علی‌نوائی بسر برده از جملهٔ ندما و خواص او بود . وچون مردی خوش خلق وخوش صحبت بوده درمزاج گوئی نظیری نداشت . همان است که اخبار ظرافت طبع وی بسامعهٔ پادشاهی رسیده ، کارش بالا گرفت تا آنکه درحضرت پادشاهی تقرب واختصاص یافته ، کتابداری کتب خانهٔ

پادشاهی بوی تفویض گردید . و بدین تقریب کسب اعتبار نموده معزز و محترم میزیست .

وفاتش بسال ۹۱۷ نهصدو هفده هجری قمری دراسترا باد وقوع یافت . مشارالیه راقصیدهٔ غرائی بوده در مدح امیر علی شیر که از یك مصراع آن تاریخ ولادت و از مصراع دیگر تاریخ وفات او می برآمد .

ودیگر ازشعرای آن عصر مولینا کمال‌الدین بنائی است . وی ازسرامدان فضلا و هنرمندان عصر بشمار رفته در اکثر از فنون ادب و شعب مختلفهٔ علوم متداول آنزمان از هم کنان گوی سبقت ربوده بود . به خصوص در غزل سرائی و مثنوی سازی طبع روانی داشته ازشعرای متفنن و نازکخیال است . و از چند بیتی که ازو در بعضی از تذکره ها بنظر میرسد ، اقتدار شعری او بخوبی آشکار گشته ، سبك او همان سبك هلالی و معاصرین غزل سرای اوست .

و بروایت مرحوم واله در ریاض‌الشعرا ، هزار بیت ازمثنوی بهرام و بهروز ازواست که آنهم اشتباهاً در ذیل چهار هزار بیت دیگرمثنوی موصوف منسوب بسنائی گشته است . و الغیب عندالله . و هم چنین بروایت واله در دو بیت مرثیهٔ عجیبی دروفات سلطان حسین گفته در روز مرثیه خوانی شعرا بخواند وهمه را بخنده آورده ، مجلس ماتم و سوگ را بمحفل شادی و سرور مبدل ساخت .

ودیگر ازشعرای معروف آن عصر بنائی هروی است ، که بروایت خوندمیر درحبیب السیر ، پسر استاد محمد سبز معمار بوده و بدان سبب بنائی تخلص نموده است . واین سوای کمال‌الدین بنائی است . مشارالیه ازشعرای مقتدر آنعصر است و بعلتیکه نهایت درجه هزال وشوخ طبیعت افتاده بود ، همه ازوی رنجیده

خاطر گشته ، هیچکس نبود که از زخم زبان او محفوظ مانده و غبار کدورتی ازو بخاطر نداشته باشد . واین جسارت او بحدی بود که حتی بزرگان آ نعصر نیز هدف او گشته از تیر زهر آ لود زبان وی بدون جریحه نمانده اند . چنانکه گویند وقتی قصیده درمدح امیر نظام‌الدین علی شیر ساخته از نظروی گذرانید و بعلتیکه صلهٔ دلخواه نیافت ، مجدداً همان قصیده را پس از اندك تحریف و تغیر الفاظ ، بنام سلطان احمد میرزا (که از اقربای سلطان حسین میرزا بود) نموده ، از اوصلهٔ دیگر دریافت و چون این قضیه بمیر علی شیر رسید ، طبیعی بود که از وی رنجشی نموده اظهار شکوه نماید و همان بود که بنائی به تقریب این رنجش و گرفتگی خاطر میر بیش از پیش متاثر و بغضب آمده قطعهٔ معروف خود را در هجو میر ساخت و خود روانهٔ تبریز گردید ودر آ نجا بسلطان یعقوب پیوست . وتا حیات یعقوب در تبریز وبخدمت اومیبود . وپس ازفوت سلطان یعقوب مجبوراً بوطن اصلی خود هرات باز گشت . و چون دید که هنوز گرد کدورت از خاطر میر بر نخاسته است ، بهراس افتاده مجدداً تن بجلای وطن داده و اینمرتبه بماوراء النهر شتافت و بسمرقند بخدمت سلطان محمد میرزا پیوسته با او بسر می برد . تا آ نکه پس از فتح آ ندیار بدست محمد خان شیبانی در زمرهٔ خواص و مداحان او دا خل گشت و هم چنان بعد از مرگ محمد خان با اولاد و احفاد او بود . تا آ نکه در واقعهٔ قتل عام قزلباش که در اثر استیلای امیر نجم ثانی (از سر داران اسماعیل صفوی) ظهور یافت در سال ۹۱۸ نهصد و هژده هجری قمری بقتل رسید . راجع به کشته شدن بنائی در واقعهٔ قتل عام قزلباش همه اتفاق دارند . ولی اینکه غلامه میر غلام‌علی آ زاد بلگرامی درترجمهٔ حال بنائی (درخزانهٔ عامره)

واقعهٔ قتل عام مذکور را در ۹۲۸ نهصد و بیست هشت نگاشته است ، جای تعجب است و شاید که غلطی مذکور ناشی از سهو کاتب باشد و بقراریکه مینگارد در آن زمان دیوان اشعارش در ماوراءالنهر و خراسان مشهور بوده ولی اکنون همه ازین رفته بجزاندکی ازان باقی نیست . وخواندمیر مینویسد که بنائی دراواخر حیات به تتبع دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی پرداخته ، در غزلیات استقبالیهٔ خود حالی تخلص می نمود .

ودیگر ازفضلای آن زمان مولینا کمال‌الدین عبدالواسع نظامی بن جمال الدین مطهر باخرزی است که ازفضلای زمان بودودرفن انشا وتحریر مکاتیب و مناشیر مهارت کامل داشت . چنانکه دراوائل حال به تحریر وقایع و حالات سلطان حسین مؤظف گشت . وچون درایراد تشبیهات واستعارات از حد فزون مبالغات می نمود ، سلطان سبك انشاءوی رانه پسندید واورا ازین وظیفه سبکدوش ساخت . مولینا بر علاوهٔ مهارتیکه در نثر داشته از کتاب و منشیان زبردست بشمار میرفت ، دارای طبع موزون وقریحهٔ شعری نیز بوده ، در مدح بعضی از بزرگان عصر چون خواجه رشیدالدین عبدالملك وخواجه کمال الدین حسین پسران خواجه نظام الملك قصائد دارد . که بامنتهای بلاغت وفصاحت سروده شده . وهم چنان از آثار منثور او ترسلاتی است که بنام خواجه زادگان مذکور تالیف نموده ودرانعصر اشتهار کاملی داشته است .

ودیگر ازفضلای آن عصرمولینامیر حسین معمائی است . که مدتها در مدرسهٔ اخلاصیه ساکن بوده ، درفن معما عدیل ونظیری نداشت . ودر اثر ممارست و انهماك او درعلوم عقلیه و نقلیه ، معمایات او نیز اکثر علمی بوده حل آن به نهایت درجه مشکل وصعب می نمود . وفات مشارالیه در ۹۰۴ نهصد و چهار

هجری قمری در اثر مرض اسهال بوقوع پیوسته . از آثار او رسالهٔ بوده درفن معما که جمیع قسمتهای منظوم ومنثور آن ازنتایج افکارشخص مؤلف بشمار رفته وبا کمال دقت وبلاغت نگاشته شده بود .

ودیگر ازشعرای معروف آنعصر مولیناحسن شاه است که از بلغای شعرای آ نزمان بوده ودر بستن مضامین ظرافت آمیز استعداد عجیبی داشته وهنگامه ها بر پامی نموده وهم چنان در مزاج گوئی وندیمی به شیوهٔ آ نعهد ، یگانهٔ دهر بود ودر ایام جوانی بملا زمت سلطان محمد بن بایسنقر میرزا بسر میبرد . وبعد از شهادت شهزادهٔ موصوف متوطن هرات گشته ، همواره با سلاطین عصر وبزرگان زمان طریق اختلاط می پیمود . وبفراغت خاطر زندگانی بسر میبرد . تا آنکه بروزگارسلطان حسین بخدمت میرعلی شیر پیوسته ، از جملهٔ خواص وندمای او گشت وبجهت تشحیذ خاطر میردر موارد مختلفه اشعار ظریفانه میسرود ، وطبیعت مشارالیه را بدان خوش میداشت . وفاتش در سال ۹۰۵ نهصد و پنج هجری قمری روی داده گویند متجاوز از صد سال عمر دیده بود . از اشعار او جز پنج شش قطعه که در بعضی از کتب تاریخ دیده میشود چیزی دیگری باقی نیست .

ودیگر از شعرای آنعهد مولینا ریاضی است . وی از مشاهیر شعرای خراسان بود ودر نظم فتوحات ورؤس وقایع ایام سلطنت سلطان حسین می پرداخت وقسمی ازآنرا منظوم ساخته بود . وهمچنان مشارالیه درعلم فقه نیز واقفیت تمامی داشته ومدتی بقضا اشغال داشت . از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست وهمچنان فتوحات نامهٔ او نیز یکلی از میان رفته .

و شاعری دیگری نیز دران زمان بود معروف بمولینا بدخشی که ازاساتذهٔ فن معما بشمار میرفت . و بر علاوهٔ دسترسی که در نعمیه داشته اوقات خود را بسرودن معمیات احصر نموده بود ، در غزل نیز استعدادی بهم رسانده اشعاری با کمال بلاغت و شیرینی موزون میساخت و بدین جهت مدت سی سال در خدمت امیر علی شیر نوائی گذشتانده و چندین رساله در فن معما و قواعد آن تالیف نموده بود که امروز بکلی از بین رفته حتی کسی نیست که نام آنرا بخاطر داشته باشد .

و دیگر ازشعرای آنزمان خواجه ناصر الدین ابونصرمهنه است و نسبوی به خواجه موئد مهنه میرسد . مشارالیه در لطف طبع وصفای ذهن یکتای عصر بود وبنا بر وفور فضیلت وعلم نسبت بسائرمشایخ خاندان سلطان ابوسعید ابوالخیر امتیازی داشته ، در خراسان بعزت و با احترام زندگانی بسر میبرد و همچنان از عالم ادب وادبیات نیزبی بهره نبوده بعضاً به انشاو شعرمی پرداخت وغزل های شیرینی و روانی موزون میساخت چنانکه بعضی اشعار بنام او دیده شده .

و دیگر از شعرای آنعصر خواجه ضیاء الدین مبرم است . وی مردی شاعر وهم نویسنده بود ، در علم سباق مهارت کلی داشت . و در دیوان به سمت نویسندگی حیات بسر برده ، در بزله گوئی و حسن خلق زبانزد خواص وعوام بود . و درسرودن شعرنیزاستعداد و توانائی داشته و اشعاری آبداری گفته است . که از لحاظ سلاست الفاظ و دقت معانی دران عصر مشهور بود .

و دیگر از شعرای آنعهد مولینا کمال الدین شاه حسین کامی است . که در فضیلت و ادب منزلت بلندی داشته ، ومسلم معاصرین وهم فضلاران بود . بخصوص در نظم شعر ومعما ازسر براور دگان آنعصر بشمار رفته ، امیر علی

را در بارهٔ وی التفات خاصی بود. و همواره از او حمایت و پرورش نموده بذریعهٔ احسان و اکرام نامبرده را خوش ومشغوف میداشت. مشار الیه در اواخر عمر ازهرات انتقال مکان نموده در اوبه بزندگانی دهقانی اشتغال ورزید وتا آخر عمردر آنجا بود. از اشعار وی جز اندکی باقی نیست.

و دیگر از شعرای آنزمان حافظ علی بن مولینا نور الدین محمد غوریانی است. مشارالیه درحسن خلق ولطافت طبع متصف بود، چندی بمنصب صدارت واستادی ابو تراب میرزا انتصاب داشته باشهزادهٔ موصوف یکجا بسر میبرد. حافظ علی در حدت ذهن وجودت طبع موصوف بود، در علم عروض و صنایع شعری یدطولائی داشته، از فحول متخصصین این فن بشمار است. و قصیدهٔ مصنوع سلمان ساوجی را چهار نوبت تتبع نموده و چند صنعت بر صنایع آن قصیده افزوده است. و هم چنان رباعیات و قطعات مزین بمحسنات لفظی بسیار داشته که اکثر محتوی یك یادو یاسه صنعت از صنایع مذکوره بوده. ازقبیل انواع صنعت تقلیب، تجنیس، مقطوع و موصول (بد و حرف و سه حرف وچهار حرف) و غیره وغیره.

و دیگر از شعرای معروف زمان سلطان حسین میرزاه بایقراء مولینا شهاب‌الدین احمد حقیری است. که وی از شعرای معروف آنعصر بوده، بسرودن انواع شعر مهارتی بسزا داشت. علی‌الخصوص درفن تعمیه که از اساتذهٔ آن فن بود. چنانکه درمعما وقواعد آن رسالهٔ منظوم تالیف نموده که بهترین دلیلی است برقوت طبع و ملکهٔ شعری او. وهم چنان مشارالیه از بزرگان شعرای قصیده سرای قرن نهم است. وقصائد متعددی ازو در دست است.

که با کمال استادی ومنتهای بلاغت و انسجام منظوم شده و حاکی از پختگی طبع ومهارت کامل اوست در قصیده سرائی .

و دیگر از مشاهیر شعرای آنعهد سید قطب‌الدین جنابذی است که در قصاید میر جاج و در غزل انسی تخلص می نمود . وی در کمال استغنا و بی تعلقی زندگانی داشته ، در گوشهٔ منزویانه بسر می برد . و دامن از جمیع علایق و آلایشات دنیوی برچیده ، بدنیا و مافیهای آن قیمتی نمیگذاشت . و تنها بمداحی اهل بیت اکتفا نموده ، قصائد رشیقی در مدح ومنقبت ایشان سروده است . میر جاج باندازهٔ در سخن وری و بدیهه گوئی اقتداری بهم رسانده بود که گویند روزی در مجلس مولینا عبدالرحمن جامی سخن ازقصیده گوئی و مهارت او بمیان آمد . جمعی گفتند که وی بغزل سرائی کمتر اهتمام وتوغل و رزیده مولوی در اثر آن چهل غزل از دیوان امیر خسرو انتخاب نموده بوی فرستاد تا آنها را جواب گوید . میر تمامی غزلهای مرسوله را چنانچه باید تتبع نموده موسوم به اربعینه ساخت و بمولینا ارسال داشت .

لهذا مولینا بواسطهٔ میرعلی شیر از سلطان حسین میرزا خواهش مند جائزهٔ شد تابمیرصله گویان داده شود . و همان بود که سلطان درصلهٔ آن یك طبق زر سرخ وپارهٔ ابریشم و سه چهار غلام بتوسط میر علی شیر بمیر جاج فرستاد . ولی او قبول نکرد . از سال تولد و وفات او اطلاعی بدست نیست و بعضی از قصائد او که از دستبرد روزگار محفوظ مانده دربعضی ازتذکرها بنظر میرسد .

و دیگرازشعرای آنعهد مولینا خاورمی هروی است . اصل وی ازهرات و همدرانجا نشو و نما یافته بامولینا جامی ومیرعلی شیرنوائی معاصربود وبا ایشان

معاشرت داشته ، وپادشاه واعیان روزگار اعزاز وی میکرده اند . و محترمانه زندگانی بسرمیبرد . وفاتش نیزدرهرات است . ازاشعاراو بجزچند بیتی باقی نیست .

و دیگر ازشعرای آنزمان میرمحمدصالح که بعضی اورا امیرمحمد صالح نوشته اند . وی از اخلاف امیر نور سعد بوده و در هرات تولد و همدرانجا نشو و نما یافته ، در امورادارى اشتغال ورزیده از امرای نامدار عصر سلطان حسین میرزا بشمار میرود . و هم چنان درشعر از تلامذهٔ مولینا عبدالرحمن جامی بوده و فنون ادب را از نزد آنجناب فراگرفته اشعار نیکو میسروده است .

چنانکه میرعلی شیرنوائی ازو توصیف مینماید . بروایت مرحوم والهٔ داغستانی اسم اومیرمحمد وصالح تخلص شعری اوست . وفاتش درسال ۹۴۱ نهصدوچهل و یك هجری قمری است و بعضی ازاشعار اودربعضی ازتذکره ها بنظر رسیده .

و همدران زمان بزرگوار دیگری نیز درهرات زندگانی داشت . معروف بمولینا نورالدین عبدالرحمن جامی . تولد وی بقراریکه خود میفرماید درجام است واین درسیوم شعبان سال(۸۱۷) هشتصد وهفده هجری قمری بود . و بدان سبب جامی تخلص میکرد . مشارالیه درهرات نشو ونما یافته وهمدرانجا تحصیل نموده وبراه سلوك وعرفان افتاده و درممالك ماوراءالنهر ، عراق ، حجازوشامات سیاحتها نموده وفریضهٔ حج ادا کرده وبخدمت بزرگان زیادی از فضلا ، علما ، عرفا ومشایخ رسیده وازمصاحبات ومفاوضات آنها بهرها گرفته ، ومدتهای مدیدی درخدمت آنها بسر برده وریاضات شاقه کشیده ، وراه سلوك و معرفت پیموده تا آنکه خود نیز بمقامی رسیده است . وازجملهٔ معاریف شیوخ اوست ، یکی شیخ الاسلام سعدالدین محمدکاشغری که درسمرقند بخدمت آنجناب مشرف گشته و دست ارادت داده و دیگری خواجه عبدالله احراری نقشبندی .

جامی از بزرگان شعرا ونویسندگان قرن نهم هجری بوده ودرعلوم مختلفه دارای فراوان تصانیف است . وهر چند یکه مبتکر نیست بازهم یکی ازعلمای متبحر ومولفین ولود زمان خویش است . که هیچ یك ازمعاصرین او درجامعیت وتقلید ازقدما بپایهٔ او رسیده نتوانسته ویا بمثل او کامیاب نگشته است ودرجمیع شعب علوم وفنون متداول آ نعصر وزمان بطوریکه ممکن بوده است لیاقت ومهارتی بهم رسانده ودرا کثر یه از آنها تالیفات مناسبی از خود بیادگار گذاشته که نمیتوان آنرا فراموش نمود . و بدینجهت است که مصداق نگینهٔ درشتی از الماس در بین هم قطاران و معاصرین فاضل خویش میدرخشد و تا بامروز نام او زنده و جاوید مانده و به نزد هر طبقه محبوب و شهرت کاملی دارد .

جامی از علمای با فیض عصر خود بود واکثریه از معاصرین او نسبت شاگردی بوی رسانده و از حضور او استفاد های علمی وادبی نموده و بدان سبب مرجع خواص و عوام بود . و همه دلعزیز بسر میبرد . و در همه جا به نسبت سائر معاصرین فاضل خویش تقدیم داشته و همه بنظر احترام بوی مینگریسته اند . چنانکه پادشاه وقت سلطان حسین بایقرا نیز به نسبت او کمال ارادت و اعتقاد داشت و همیشه اورا به بزرگواری و نظر اعتماد واعتبار میدید . و از همه بیشتر از بین رجال و اعیان روزگار سلطان موصوف امیر علی شیر است ، که بر علاوهٔ نسبت شاگردی بوی از معتقدین و مریدان او بود ، ارادت واخلاص فراوانی بوی داشته ، و چنانکه از حضور او بهره های علمی و ادبی گرفته از روحانیت او نیز استمداد مینموده ، خودرا کمترین اخلاص کیشان و بلکه خاك آستان او دانسته و بدان افتخار میکند . و بهر مقامیکه رسیده است همه را از فیض و برکت التفات او میداند ، و وی را



از مزارات هرات ؛ زیارت حضرت سلطان سید احمد کبیر (قدس الله سره العزیز)
Mausolée de SULTAN SAID AHMAD KABIR à HÉRAT (15ê. S.)



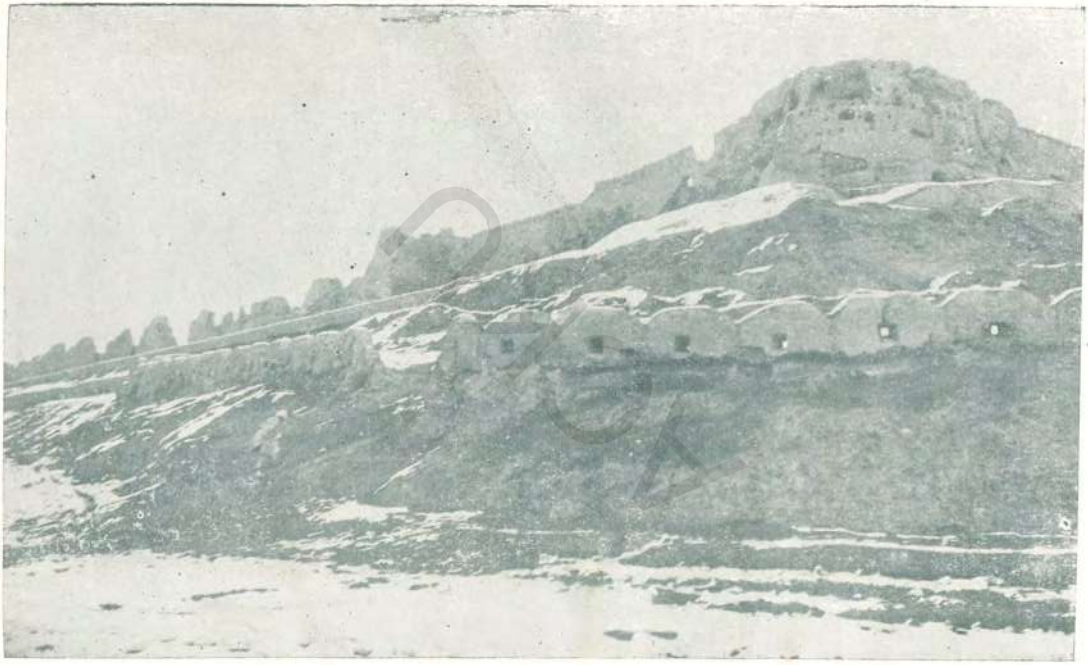
ازابنیهٔ تاریخی هرات : زیارت‌خواجه عبدالولید احمد بن رجاء الهروی متوفی درسنه ۲۳۲ ه عمارت‌آن منسوب به‌امیرعلیشیر نوائی

Mausolée du théologue afghan du 9 ê. S., KHADJA ABDUL WALID, à HÉRAT



از ابنیهٔ قدیمهٔ هرات : قلعهٔ اختیارالدین و ارگ هرات

L'ancienne citadelle d'Hérat



از آثار تاریخی هرات : منظرهٔ عمومی دیوار شهر قدیم
Une vue de l'ancienne muraille de la ville d'Hérat



از ابنیهٔ تاریخی بلخ : یك قسمت از گنبد مقبرهٔ خواجه محمد پارسا در بلخ که بزمان عبدالله خان اوزبك تعمیر ودرعصر عبد المومن خان پسر اوترمیم شده (۱۰۸۰ه)

Mausolée de Sultan Mohd Parsa à Balkh (16 ê. S)



از ابنیهٔ تاریخی بلخ ؛ دروازهٔ نوبهار واقع سمت جنوبی شهر

Ruines de l'acien portail de Balkh nommé Nao-Bahar



از ابنیهٔ تاریخی ولایت مزارشریف ، بالا حصار قدیمی تاشقرغان (خلم‌قدیم)
L'ancienne forteresse de Tachkorghan (ancien Kholm)

تاشقرغان نام قدیمی خلم است که از بلاد معمور و متمدن
تاریخی افغانستان و در جوار بلخ واقع بوده ،
«هونتسین» زائر معروف چینی درحدود ۱۳۰ قرن
پیش ، از آبادانی وتمدن آن تذکار وهم در
زمانهٔ اسلامی دارای شهرت زیادی بوده
علماوفضلای معروف مثل ابوالاوجاع
(سعید) و (عثمان الخلیلی) ازآنجا
برآمده‌اند ـ تاشقرغان امروزی
بعوض مرکز قدیم خلم در
اواسط قرن ۱۸ میلادی
ارطرف اعلیحضرت
احمد شاه غازی
تعمیر یافته
است

چه ازلحاظ ادب و چه از حیث سلوك و عرفان از هم قطارا ن شیخ نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی دانسته ، مساوی و همسر ایشان میشمرد .

و هم چنان ازنویسند گان معاصر او چون صاحب روضة الصفا و دولتشاه سمرقندی وغیره وغیره نیزدرآ ثارخویش از و بی نهایت وصف نموده و بمدح او تر ز با نند .

و علت اینهمه و جاهت او دران عصر احترام او در بین معاصرین خو یش و وصف و تمجید فرا وان از و ی هما نا رجحان و برتری او ست به نسبت ما ثرین ا عم ازینکه علمی و ادبی با شد یا ا خلا قی و غیر ه . چه ا گر در تاریخ عصراو دقت شود ، با جود وفور فضلا و سخن سرایا ن باز هم ازلحاظ جا معیت و اقتدار علمی و ادبی و کثرت تالیف در علوم مختلفه ، بغیر ا و کس نیست که حقیقةً مستحق چنین وصف و ستا یشی با شد . و با لفرض ا گر شخصی ازمعاصرین بوی فضیلت دا شته ا ست تنها از یك لحاظ و یك جنبه بوده در صورتیکه مشار الیه بچندین چیز دیگر به نسبت وی فاضل تر و با خبر تر ا ست و بنا بران هر آ نچه که در باب او در آن عصر گفته اند ، همه بجا ست و بلکه حق اورا ادا کرده اند .

جامی تنها شاعر نیست . بلکه شخص اورا یکی از نوابغ علم وادب در آ نعصر باید شمرد و هیچ یك شعبه از علوم متدا ول آ نعصر نیست که مشا ر الیه دران تا لیفی نکرده با شد .

و چنانکه در ادبیات فارسی از مبر ز ترین شعرای عصر خو د بو ده د ارای آ ثار بزرگ و گران بهائیست دران ، در عربی و ادبیات آ ن نیز استعداد و مهارتی بسزا داشته ، گذ شته از شاعری در نحو که از امهات علو م ا دبیه

است . یکی از نحاة بزرگ و بلکه از ائمهٔ آن بشمار میرود . چه از شرحیکه بر کافیهٔ ابن حاجب بعربی نوشته ، و معروف بشرح ملاست بخوبی میتوان احاطه و تبحر او را درین علم و زبان عرب در یافت .

تعداد تالیفات او را مطابق به عدد تخلص او جامی ٥٤ پنجاه و چهار کتاب نوشته‌اند که ازمشاهیر آن است مثنویات سبع (معروف بهفت اورنگ) و نفحات الانس و مثنوی در تعریف مکهٔ معظمه و غیره و غیره درفارسی . و شرح جامی درعربی و غیره و غیره . و هم چنان او را کلیات اشعاری است در فارسی که مرکب از چهار قسمت است ، که از حیث عذوبت الفاظ ، حسن ادا ، رقت موضوع و روانی کلام از اشعار معاصرین او ممتاز است . و هم چنان در نثرفارسی نیز مشارالیه مقام مخصوصی دارد و آثار منثور اورا از حیث بی‌تکلفی و بساطت و روانی‌عبارات ، بهترین نمونهٔ نثرآن عصرباید انگاشت .

وفات او با تفاق مورخین در هرات بسال ۸۹۸ هشتصد و نود هشت هجری باتفاق پیوسته و همدرا نجا مدفون است .

چون آوازهٔ ادب پروریهای سلطان حسین عالم گیر گشته در اکثر از نقاط آسیا فرارسید ، هیچ شاعری فارسی زبان در هیچ نقطه از ممالک همجوارنبود که خیال مسافرت هرات را بسر نداشته و آرزوی رسیدن بدربار سلطان حسین را در دماغ نمی پرورانید و بطوریکه غزنه در دورهٔ سلطان محمود و پسر او مسعود مرجع اهل علم وادب گشته هر شاعر و فاضلی از ممالک دور دست بزیارت اومی شتافت ، همان است که هرات و دربار سلطان حسین نیز توجه اهل فضل و سخن سرایان را بخود جلب نموده ، از هر طرف اینها را بسوی خود میکشید . و بهر وسیلهٔ که بود عدهٔ بزرگی از دانشمندان

و شعرا از ممالك دیگر رو بهرات آورده ، بحضرت او میرسیدند . و زبان بمدح سلطان عصر و سائر ارا کین سلطنت گشوده ، از انواع احسان و اکرام برخوردار آنها کامها می گرفتند . و از صلات و بخششهای شاهانه بهره ها می بردند . و در انشهر طرح توطن ریخته ، حتی حیات خود را در در بار و مدح آنها بآخر رسانده اند .

ازانجمله است : هلالی جغتائی استرابادی . نام او بدرالدین وازاعیان اتراك چغتا بود . مولدش استراباد است و همدرانجا نشو نما یافته ودر جوانی بهرات آمده وچنانکه مشهور است بخدمت میرعلی شیر رسید و اظهار موزونیت نمود . و از اشعار خود مطلعی برخواند . میرزا بیت او پسند افتاده از تخلص او جویا شد . گفت هلالی . امیر گفت نه « بدری بدری » . همان بود که امیر وی را مورد التفات قرار داده بطوریکه سزاوار بود ، دربارهٔ او احسان نمود و مکرمت ها فرمود .

واینکه مرحوم والهٔ داغستانی در ریاض الشعرا مینویسد (که او در اوایل حال اشعار هرزه و بیمعنی میگفته ومجلس آرایان اشعار او را درمجالس بر سبیل مضحکه میخواندند . تا آنکه امیر علی شیر ازین امر مطلع شده ، جهت حفظ شئون ادب ، اورا تنبیه نموده مانع میشود که بعد ازین چنین اشعار بیمعنی نگوید و ازین رو متاثر گشته سفر اختیار و چند سال به اکتساب ادب می پردازد تا کفایتی بهمرسانده واپس بهرات مراجعت و بخدمت میر میرسد و میرازو سوال می کند که درین مدت شعری گفته است و او همان مطلع معروف خود را میخواند و میر مطلع او را پسندیده می پرسد چه تخلص میکنی او میگوید هلالی الخ . . . . . و بعد از ان میر وجه معیشت او را بقدر کفاف مقرر نموده

بمدرسهٔ که خود ساخته بود به تحصیل او را می گمارد و بمدرس تا کید میدارد که هیچ یك‌نوع تقصیری در تربیت وی نکنند و مشار الیه مدت چهارده سال در آن مدرسه به تحصیل می پردازد . تا آنکه با کتساب فضایل و کمالات ادبی نائل آمده بین اقران ممتازوسربلند میگردد .) معلوم نشد که واله ازروی چه آنرا نوشته و مآخذ آن چه بوده است ؟ و ظاهراً گمان کرده میشود که جنبهٔ افسانوی آن به نسبت حقیقت بیشتر میباشد . چرا که درهیچ یك تذکره و تاریخی راجع بهلالی چنین چیزی نوشته باشد بنظر نرسید . والغیب عندالله .

رویهمرفته هلالی ازشعرای مبرز غزل سرای آ نعصراست . وطبعی بغایت لطیف داشته و دربستن مضامین بدیع و دلکش عشقی ، شیوائی ادا ، دردنا کی لهجه ورقت احساسات وتخیل در ردیف شعرای مبرز غزل سرای آنعصر قرار گرفته و باجرئت میتوان گفت که کلام هیچ یك ازمعاصرین او درینباب بوی رسیده نمیتوا ند .

تا گفته نماند هلالی یکی ازبدبخت ترین شعرائی است‌که ما باحوال ایشان اطلاع داریم . ومشارالیه با اینهمه استعداد ولیاقتی که داشت همیشه در معرض هجوم مخالفین خویش قرار گرفته ، هدف طعن ها وافتراهای هم چشمان وابنای روزگاربود. وهمواره‌چون سیماب‌بایکعالم اضطراب‌وپریشانی بسرمی‌برد. گاه‌درخراسان وگاه درعراق میبود خراسانیان او را رافضی وعراقیان سنی اش میخواندند وچه استهزا وحقارت ها نبود که درحق وی معمول نمیداشتند . تا آنکه در زمان استیلای عبد الله خان ازبك در هرات کروهی از مخالفین او را اتهام برفض نموده بخان مذکور رساندند که او را فضی است و هجو خان نیز گفته . فرمان قتل او صادر شد . وهر چندیکه مشارالیه در عذر خواهی خویش قصیدهٔ غرائی

در مدح خان موزون کرد ، صد افسوس که جانی را نگرفت و همان بود که در چهار سوی هرات بسال ۹۳۰ نهصدوسی هجری قمری خون اورا ریختند.

هلالی برعلاوهٔ غزل سرائی در مثنوی سازی نیز مهارتی داشته و از عهدهٔ آن بخوبی برآمده است. چنانکه بغیر از دیوان غزلیات او که مرتب است دارای سه مثنوی میباشد ، که از مشاهیر آن است : صفات العاشقین وشاه درویش .

و دیگر از چنین شعرا مولینا اهلی است که صاحب ایماق مغل او را ترشیزی نوشته ومرحوم والهٔ داغستانی خراسانی . وی سوای اهلی شیرازی واز شعرای مشهور سلطان حسین میرزا است و در دربار برعلاوهٔ شاعری سمت ندیمی نیز داشته و از مقربان او بوده است . و هر چندیکه در سخن بمولینا اهلی شیرازی نمیرسد ، باوجود آنهم یکی ازاساتذه وشعرای مقتدر آنزمان بود و از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست . و هم چنان از اشعار وی نیز جز اندکی باقی نیست .

و دیگر از آنشعرا ، آهی ترشیزی است که از ندمای سلطان حسین میرزا بود . و در خدمت وی اعتبار یافته حتی گویند که بامارت رسیده و آخر الامر در تبریز از پنجهان درگذشت . ازاشعار وی بغیر از چند بیتی باقی نمانده است .

و همچنان یکمده شعرای متوسط الحال نیز در آنعصر زندگانی داشتند که بعضی از آنها از افغانستان و برخی از ممالک دیگرند و در هرات آمده بعضی متوطن و برخی چندی دران دیار بوده باز بمواطن خود مراجعت نموده اند . چون اصغر میرزا که پسر خواجه غیاث الدین عزیز است . و شیخ فضل‌الله جمال الدین دهلوی که دران عصر چندی بهرات آمده و بخدمت جامی رسیده

وایس بو طن خود مراجعت نمود. وخاکی که معلوم نیست ازکجاست ؟ و صفائی خرسانی وغضنفری که از معاصرین صفائی است و قدسی و امانی مشهدی و بابا شهیدی که از شعرای امیر یعقوب تبریزی بود و بعد از فوت او بهرات آمده و بخدمت سلطان و جامی رسید و از سلطان التفات بسیار دیده و جامی او را استقبال نموده بالاخره بهند و ستان رفته و در گجرات وفات نمود. و قاضی مسعود قمی که از اعیان عراق بود و در زمان سلطان حسین بهرات آمده و ملازمت امیر علی شیر اختیار نموده و چون در نظم اشعار مهارت داشته بنظم احوال سلطان حسین پرداخته و در ان باب در حدود دو هزار بیت برشتهٔ نظم کشیده و همچنان مثنویات دیگر بنام یوسف و زلیخا ، مناظرهٔ شمس و قمر و تیغ و قلم نیز دارد. و یوسف بدیعی که از ولایت اندجان است و در وقت سلطان حسین بهرات آمده و از التفات و اکرامهای شاهانه مستفید گشته و در عروض و صنایع شعری وفن معما و قوف داشته و در تبین قواعد معما رسالهٔ نیز تالیف نموده و کمال الدین مسعود شیروانی که از علمای معروف بود ودرمدرسهٔ گوهر شاد بتدریس می پرداخت و برعلاوه طبع شعر نیز داشته . چنانکه از اشعار او مطلعی در مجالس النفائس مسطور است . وفاتش در ۹۰۵ نهصد وپنج هجری . وفخرالدین علی پسر کمال الدین حسین واعظ کاشفی که منظومهٔ بنام محمود وایاز داشته ودر ۹۱۱ نهصد ویازده وفات نمود وسیفی ماوراالنهری که در آغاز جوانی بهرات آمده وبخدمت میر علی شیر بسر میبرده وگاه گاه بملازمت آستان سلطنتی نیز میرسیده و دراواخر واپس بوطن اصلی خود مراجعت نمود . ومحمد طالب که درفن معما ازسرامدان عصر بود وسالهای درازی بخدمت بدیع الزمان میرزابود . وحسن علی که در سلک فضلا

وشعرامنسوب بود واشعارسلیس و روانی داشته ووالهٔ هروی و ویسی هروی ویقینی هروی که مولد و منشاء هر سه آنها هرات است . ومولینا مجنون بن کمال الدین محمود رفیق مشهدی که برعلاوهٔ شاعری به ظرافت طبع وحسن خط نیز معروف بود . دوست سبزواری که در مدح سلطان حسین قصائدی داشته . وزلالی هروی وصبحی اوبهی که ازمصاحبین هلالی وهاتفی جامی همشیره زادهٔ مولینا عبدالرحمن جامی و مولینا فناوی ومحمد جامی برادر کوچك مولینا عبدالرحمن جامی وسلطان محمد حافظ ندائی که مردی نهایت متقی و پرهیز گار بود ، اصل وی ازاسفزار هرات است ودرعهد سلطان حسین بشهر هرات آمده توطن گزیده وبندان سبب هروی معروف گشته . او راست مثنوی بنام راز ونیاز . وسرکش هروی که باهلالی مشاعرات داشته وبرخی اورا ابهری نیز گفته اند . نظمی خراسانی وهراتی که با امیرعلی شیر معاصر بوده . و خواجه ایوب نمدکلاهی ومولینا اسمی و رضای کاشی که در هرات آمده بروز گار سلطان حسین فوت شد . وشمسی بدخشانی وصفی الدین پسرحسین واعظ کاشفی وصانع وصبحی وصدقی شاعر ساکن هرات . یوسف وصوفی ماز درانی که بهرات آمده و درانجا اکتساب کمالات نموده و میر نظام الدین ضیائی وعشقی ساکن هرات که زمان ابوسعید وسلطان حسین هردو را دریافته . وعهدی که از کاتبان مشهور ومعاصر جامی است . وسائل همدانی وسامی خراسانی و عالی خراسانی و فضلی هروی که با گلخنی در خیابانهای هرات بمهاجات و مناقشات می پرداخته . و فیولی که مردی فقیر بود . و میرزا ابراهیم که بنابر مهارتیکه در نواختن قانون داشت بقانونی معروف گشته و بر علاوهٔ شاعری ازنویسندگان آنعصر است . وقانعی و کاهی شاگرد ملا محمد بدخشی که شاعر

بسیار تیز طبع بوده و کاتبی مشهدی و مائلی تاشکندی و مجاور میرزا و حافظ میر سیستانی و مولینا زاهد و نامی سبزواری که دستگاه تمامی در فن انشا و خط داشت و قلمی ساکن هرات و قاضی نظام الدین خراسانی و یقینی که از شعرای ذوالللسانی است ، در فارسی وترکی اشعار زیادی داشته و جلالی و غیره و غیره .

و همدران زمان چند تن از خطاطان معروف نیز در دربار سلطان حسین میرزا بسر می‌بردند . که ازجله معاریف آنهاست : یکی مولینا سلطان‌علی مشهدی ، مشار الیه در خط نسخ و تعلیق باندازهٔ چیره دست و ماهر بود ، که گویند قطعات قلمی او بخطوط استادان متقدمین پشت پا میزد . وبروزگار سلطان‌حسین میرزا بنابر اشارت سلطان والتماس امیر علی‌شیر بکتابت نسخ شریفه میپرداخت . وفات او در ۹۱۸ نهصد و هژده هجری در مشهد باتفاق پیوسته و هم چنان طبع شعر نیز داشته و گاهی بنظم اشعار اشتغال میورزید .

و دیگراز خطاطان مشهور آن زمان سلطان محمد بن مولینا نورالله است که از عمدهٔ نستعلیق نویسان عصر خود بود و هم چنان سلطان محمد خندان که سالها در هرات بسر برده و در آنجا توطن گزیده بود . و بکتابت نسخ شریفه مصروف بود . و یوسف شاه خطاط هروی که از خطاطان مقرر هرات و معاصر امیر علی شیر است و طبع شعر نیز داشته و کاتب تخلص میکند .

و دیگر از مذهبین و نقاشان چیره دست آنعصر ، حاجی محمد نقاش است که مردی ذو فنون بود و در امور نقاشی و تذهیب و سائر شعب آن مهارتی بسزا داشت . و بخدمت میر علی شیر مدتی گذشتانده ، بلکه چندی بسمت کتابداری او منصوب بود . و در بارهٔ فضائل او می نویسند که چند گاه در

صدد پختن چینی فغفوری بر آمده پس از ار تکاب مشقت های بیشماری درین راه تا اندازهٔ بمقصد خویش نائل آمده ، توانست ظروف و آوانی سازد که با چینی فغفوری از اکثر جهت بغایت شبیه بود . وهم چنان نویسند ازجملهٔ مخترعات اودران عصرصندوقی بود در کتابخانهٔ امیرعلی شیر معروف بصندوق ساعت و دران مجسمهٔ کوچکی تعبیه نموده بود که چوبی در دست داشت . و چون یك ساعت از روز میگذشت آن پیکر یك نوبت چوب مذکور را به نقاره ئی‌که در پیش او بود میزد . و درساعت دوم دو مرتبه و در ساعت سوم سه مرتبه و قس علیهذا . از وفات وی اطلاعی صحیحی در دست نیست .

و دیگر از هنرمندان و مذهبین آن زمان خواجه مبرك نقاش است . که درتصویر و تذهیب مثیل و نظیری نداشته و درفن کتابه نویسی از سرامدان عصرخود بود . اکثر از کتابه های عمارات آنوقت هرات بخط او ست

و دیگرازمذهبین معروف و نقاشان چیره دست آنعصر استاد کمال‌الدین بهزاد است . که ازسر براورد گان این فن بشمار رفته ، مسلم زمان و مشاهیر دوران است . مشار الیه بخدمت امیر علی شیر انتساب داشت و به یمن توجه و تربیهٔ آن راد مرد بزرگ در فن خود بمنتهادرجه ترقی و پیشرفت نائل آمد . تا آنکه یکی از اساتذه و نوابغ فن تصویر و تذهیب و سائر شعب آن گردید . و پادشاه وقت سلطان حسین میرزا را نیز در بارهٔ او التفات مخصوصی بوده . همواره مشمول عنایات خسروانهٔ خویش قرارمیداد .

و همدران زمان عدهٔ کثیری از علما و فقها در هرات وجود داشتند که بعضی ایشان از افغانستان و برخی از اطراف و ممالك دور دست بهراة آمده در آنجا بسر می بردند و بمقامات و مناصب بزرگ علمی و روحانی رسیده

بسایهٔ مراحم ملوکانهٔ سلطان زیست می نمودند :

چون امیر سید اصیل الدین عبدالله الحسینی که از وطن اصلی خود شیر از بهرات آمده رحل اقامت افگند و هفتهٔ یکبار بمدرسهٔ گوهر شاد آغا بموعظه و نصیحت خلایق میپرداخت . و در علم تفسیر و حدیث و انشاء بی نظیر بود . ازمؤلفات اوست : کتاب درج الدرر درسیر آنحضرت صلی الله وعلیه وآله وسلم و رسالهٔ مزارات هرات . وفاتش بسال ۸۷۳ هشتصد وهفتاد سه هجری قمری .

و مولینا شمس الدین محمد تبادگانی که از خلفای شیخ زین الدین خوافی است . مشار الیه ازافاضل روز گار بود ، قصیدهٔ برده را تخمس نموده و بر منازل السائرین شرح نوشته و همچنان در سرودن اشعار فارسی نیز استعداد ی داشته بسال ۸۹۱ هشتصد و نود یك هجری وفات یافته و در خیابان هرات مدفون است .

وقاضی نور الدین محمد امامی که پسر بزرگ قاضی صدر الدین محمد بن قطب الدین عبدالله بود . مشارالیه از فقهای معروف آنعصر ودر فیصل قضایای شرعیه مهارتی بسزا داشته وبامانت و دینداری نهایت معروف بود . و بروز گار سلطان حسین میرزا قضای هرات داشت . و با کمال جاه وجلال و پرهیز گاری آن وظیفه را پیش می برد . در ۸۹۱ هشتصدونود ویك وفات کرد . و همچنان دو پسر مشار الیه صدر الشریعه نور الدین محمد و جلال الدین محمود نیز از جملهٔ معارف آنعصر بشمار رفته ، سلطان وقت را در بارهٔ ایشان التفاتی بتمام بود .

وقاضی شمس الدین عبدالله بن جلال الدین ابو سعید بن شمس الدین عبدالله بن قاضی جلال الدین محمود امامی که مدتی بروز گار سلطان حسین بقضای

هرات منصوب بوده وبعد درمدرسهٔ سلطانی به امر تدریس اشتغال داشت .

وحافظ غیاث الدین که از عمدهٔ محدثین آنزمان بوده ، ازبزرگان ار باب علم وعرفان بشمار میرفت . وهمیشه در هرات بروزگار سلطان موصوف بافادات علمی مصر وفیت داشت (وفات ۸۹۷ هشت صد و نود و هفت هـ ـ ق) .

وخواجه‌رضی الدین احمد جامی نامقی‌که تولیت اوقاف مزارشیخ الاسلام بوی تعلق داشته در (۹۰۸) نهصدوهشت وفات نمود . وخواجه ناصرالدین عبد العزیز جامی که ازعرفا واهل سلوك بود وفاتش در (۹۲۰) نهصد و بیست هجری‌قمری . وقاضی نظام الدین محمد بن شرف‌الدین حاجی‌محمد فراهی که اصل وی از فراه وپدرش ازاعاظم فقهای زمان ابو القاسم بابر میرزا بود . مشارالیه همیشه بازهد وتقوی بسر می‌برد . و براکثر از علمای سلطانی حسین تفوق داشته ، ابتدا در مدرسهٔ غیاثیه و در مدرسهٔ اخلاصیهٔ هرات به تدریس قیام می نمود . تا آنکه در اثر وفور تکلیف سلطان عهده دار قضای هرات گردیده ، تا آخر عمر بدان وظیفه اشتغال داشت وفاتش بسال (۹۰۰) نهصد هجری قمری .

و مولینا معین الدین فراهی برادر قاضی موصوف که در بسیاری از فضائل و کمالات دستر س داشت و خط بغایت نیکومی نوشت . و همیشه ایام جمعه بعد از ادای نماز بمقصورهٔ جامع هرات بموعظه می پرداخت . و بعد از فوت برادر مدت یکسال قضای هرات را بنا بر تکلیف سلطان قبولدار گشته بعد ازان استعفا داد . از مؤلفات او ست معارج النبوة و فاتش در سنه (۹۰۷) نهصد و هفت هجری .

ومولینا شرف الدین اسفرائینی‌متوفی در (۹۰۰) نهصدوشمس الدین محمد بن شرف الدین عثمان معروف بمولینا زاده عثمان که ازسرامد علمای ماوراء النهر

بود و پس از ادای فریضهٔ حج بهرات آمده در آنجا توطن گزید وسالیان درازی در مدرسهای سلطانیه و اخلاصیه بتدریس اشتغال داشت . وفاتش در (۹۰۱) نهصد و یك هجری .

و قطب‌الدین محمد آدم طبیب وشیخ‌الدین حبیب‌الله طبیب ونظام‌الدین عبدالحی طبیب سمرقندی که از اطبای مخصوص شاهی بوده در علم طب و تداوی امراض مشکله کمال حذاقت داشتند وشمس الدین محمد روحی ازمعاریف مشایخ وخلیل الله پسرمولینا فاضل سمرقندی و عبدالجمیل از دانشمندان ونظام‌الدین عبدالحق از مفتیان معروف هرات وشیخ صوفی علی از عرفا ونور الدین محمد زیارتگاهی ازمدرسین معروف مدرسهٔسلطانیه وشیخ الاسلام سیف‌الدین احمد که در فقه و تفسیر و حدیث یگانهٔ عصر خود بود . و خواجه عماد الدین عبدالعزیز مشتهر بمولینا زادهٔ ابهری که از محدثین وفقهای معروف بوده در فقه شافعی و حنفی دسترسی بتمام داشت . و بنابر اشارهٔ میر علی شیر مشکوة را شرح نوشت و بنام اوهدیه کرد . و امیر کمال الدین حسین ابیوردی و امیرصدرالدین یونس بن امیر رضی الدین عبدالدول بن امیر معین الدین مرتضی حسینی که از مدرسین نامی مدارس بدیعیه وغیاثیه و سبز پرامان بود . و امیر صدر الدین ابراهیم مشهدی از مدرسین مدرسهٔ سلطانی ، بدیعیه و خانقاه اخلاصیه و مولینا فصیح الدین محمد نظامی که از حکما و ریاضیون معروف بود و حاشیه بر بالای هدایة الحکمه میبندی نوشته وار بعین امام نودی ومأته عوامل عبدالقاهر جرجانی را شرح نموده و حواشی بربالای مختصر المعانی ومطول تفتازانی نیز داشته . ومولفات وی درانعصر بغایت درجه اشتهار یافته وهمیشه طلبه از مطالعهٔ مولفات وی استفاده هامی برند . وشیخ جلال الدین ابوسعید پورانی و شیخ

فصیح الدین محمد وامیر نظام الدین عبدالقادر ازمشایخ وعرفا . و امیررضی الدین عبدالاول بن نور الدین محمد امین بن امیر رضی الدین عبدالاول حسینی از مدرسین مدرسهٔ غیاثیه و بدیعیه . شیخ نورالدین محمد خوافی وشیخ ابوالوجد فارغی ازمشایخ که طبع شعر نیز داشته. وصدرالدین محمدکه بوفورفضائل وکمالات موصوف بوده درسلك مدرسین مدرسهٔ غیاثیه واسلامیه انسلاك داشت . وزین الدین محمود وشیخ جلال واعظ و قاسم علی وشمس الدین بردعی و اسماعیل تبریزی وحاجی تبریزی وعصام الدین ابراهیم بن عربشاه اسفرائینی وامیرجمال الدین عطاء الله رازی . و امیر نسیم الدین محمد معروف بمبرك شاه وخواجه عبدالرحمن شمس الدین محمد حنفی وغیره وغیره که ازاجلهٔ علمای آنعصر بودند . وچون این مختصر گنجایش مفصل احوال آنها را نداشت تنها بنقل کبار نام ایشان اکتفا رفت .

احوال نشر ونثرنویسان در عصر تیموریه : پس از جلوس شاهرخ میرزای تیموری در هرات چنانکه دیدیم در اثر توجه و تشویق مشارالیه و باز ماندگان اهل او ، ادبیات این سرزمین نفس دوباره کشیده ، آهسته آهسته بازرونقی گرفت . شعرا وسخن سرایان سر ازنو بازار سخن سرائی گرم ساختند وبدینوسیله نظم فارسی راکه اثر و بحالت نزع افتاده بود توانستند باندازهٔ استوار واز انقراض آن جلوگیری نمایند . و به تخصیص در عصر آخرین جهانبان این سلسله چنان این فن تعمیم ورواج یافته مورد توجه قرار گرفت ، که یکنوع پیشه و مرمعاش مردم بشمار رفته ، و سیلهٔ پیشرفت عامة الناس را فراهم میکرد . وهر کس جهت رسیدن بمقاصد خویش جزاین چارهٔ نمی اندیشید و چون بدین وسیله سهل و آسان بود ، درجستجوی راه دیگری نمی بر آمد بنابران بعضی طبقات برجسته ارادی وبرخی غیر ارادی باعث پیشرفت و حیات

دوبارهٔ نظم بخصوص غزل سرائی گشته صرف نظر از بعضی نقایصی که در جایش گفته آید ، خدمت معتنابهائی به عالم ادبیات کردند .

و چون هیچ سلطنتی بنابر مقتضیات و احتیاجات خویش از دواوین رسالت و مالی و غیره مستغنی شده نمیتوانست ، و هم چنان پیشبرد امور دیوانی ممکن نبود مگر بوسیلهٔ منشیان و نویسندگان لایق و با کفایت . لهذا توجه و اهتمام سلاطین و پادشاهان در بارهٔ نثر و مترسلین از و اجبات و دارای جنبهٔ مجبوریت و احتیاجات آنی بود . بر خلاف شعر و شاعری که همیشه جنبهٔ تفریحی و تقلیدی داشته ، منتها جهة ابقای نام و نشان از نوافل و جزء تزئینات دربار بشمار میرفت ، آنهم در صورت تامین احتیاجات ضروریه و فراغت از سیاسیات و سائر امور کشوری .

همان بود که سلاطین و شاهان گذشته در اثر همین سابقهٔ طبیعی همیشه احتیاج به نویسندگان و دبیران زبردست داشته و در بارهٔ آنها اعتنای کاملی می نمودند ودر بار آنها هیچ گاه خالی از وجود چنین اشخاص فاضلی نبود . و همین گروه نویسندگان و دبیران بودند ، که در بسا نها علاوه بر ایفای وظایف دبیری و انشاء به تحریر و نگارش و قایع بزرگ زمان سلطنت و تاریخ سلاطین منسوبهٔ خود ها پرداختند و بدین وسیله تهداب نثرفارسی را گذاشته ازعوامل حقیقی تکون آن بشمار میروند . تا آنکه رفته رفته طبقات دیگر به تقلید آنها بر خواسته چیز نویسی در نثر فارسی عام گردید و هر کس بقدر استعداد به نوشتن مولفات خویش پرداخته ، در نتیجه در قرن ۵ و ٦ نثر وسعت کاملی یافت ، و دران آثار قابل اعتنائی گرد آمده بود که ناگهان سیل خروشان مغل همه را از بین برد .

بنابران در دورهٔ تیموریهٔ هرات چنانکه نظم‌حیات دوباره اکتساب نمود، به پیشرفت امید اقرانی نائل آمد نثر نیز جنبشی نموده، در مورد توجه قرار یافت. نویسندگان چندی پا به عرصهٔ حیات گذاشته، مجدداً با حیای سنت و شیوهٔ گذشته گان پرداختند. و بهمت ایشان آثار گران بهائی در شرفراهم آمد که نمیتوان آنهارا فراموش نمود.

و از جملهٔ این‌نویسندگان که به نسبت سائرین حق‌قدامت داشته، اول تر از همه مستحق تذکار است، مورخ شهیر نورالدین لطف الله معروف بحافظ آبرو است. اصل وی با تفاق مورخین از هرات است و همدر انجا تولد یافته و در همدان نشو و نما نموده و تحصیلات خود را باتمام رسانده، ابتدا بخدمت امیر تیمور کورگان پیوسته وامیر را دربارهٔ وی التفات بی پایان بوده همواره اورا درمجالس‌خاص پادشاهی بار داده وباسترضای خاطرش می‌کوشید.

پس از وفات تیمور بملازمت شاهرخ شتافته، در سلك ندما و خواص شهزاده با یسنقر میرزا انسلاك یافت و بخدمت او معززانه میزیست وزبدة التواریخ با یسنقری را بنابر خواهش و التماس شهزادهٔ موصوف برشتهٔ تحریر کشید و معظم حوادث و وقایع جهان را از اقدم عصور تا سال (۸۲۹) هشتصد و بیست و نه هجری قمری بر سبیل تفصیل دران درج نمود. زبدة التواریخ یکی از مهمترین کتب تاریخ است. که در عصر تیموریان تالیف یافته. وفات مشارالیه در شوال سال ۸۳٤ هشتصد و سی و چهار هجری قمری در زنجان بااتفاق پیوست.

و دیگر از نویسندگان معروف آنعصر کمال الدین عبدالرزاق بن

جمال الدین اسحاق سمرقندی است . پدرش جلال الدین اسحق سالها در اردوی شاهرخ میرزا بمنصب قضا اشتغال می ورزید و هم چنان امامت و پیش نمازی پادشاه نیز مخصوص وی بود . و در دربار بر علاوهٔ توضیح مسائل ، بعضاً بقرائت رسائل نیز می پرداخت . ودر همان روزگار صاحب ترجمه عبدالرزاق در هرات تولد یافت و این مقارن بود با دوازدهٔ شعبان سال ۸۱۶ هشتصد و شانزده هجری قمری .

عبدالرزاق پس از فوت پدر بسال ۸۴۱ هشتصد و چهل و یك هجری یکی از رسائل مولفهٔ قاضی عضدالدین ایجی که در معنی حروف و اسماً اشارت بود شرحی نوشت . و دیباچهٔ آنرا بنام شاهرخ میرزا موشح ومزین ساخته ، بدین تقریب باستان بادشاهی تقدیم و بانواع ملاطفات شاهانه مشرف گردید . و درفضار دربا یاران واعیان آنعصر بسرمیبرد .

تا آنکه در اواخرایام شاهرخ میرزا ، برسالت در دربار پیجانگر ماموریت یافته ، بصوب هند شتافت ودران سفرحالات وقایع شگفت انگیزی بمشارالیه رو داده ، پس از گذشتاندن چندی دران سرزمین اسرار آلود واپس بهرات مراجعت نمود . و بعداز شاهرخ در زمان جانشینان او عبدا للطیف میرزا و ابوالقاسم نیز جز و اعیان و اطرافیان سلطنت بوده ، معزز انه مراحل حیات می پیمود . تا که در جمادالاولی سال ۸۶۷ هشتصد وشصت‌وهفت هجری قمری بروزگار سلطان ابو سعید کورگان بمنصب شیخی خانقاه شاهرخ میرزا انتصاب یافته مدت (۲۰) بیست سال بدان امر اشتغال داشت . و فاتش درجمادالاخرای سال ۸۸۷ هشتصد و هشتاد وهفت هجری قمری وقوع یافته ، تاریخ مطلع السعدین ازوست .

تصاویر شاهان افغانستان

از سلسلهٔ سلاطین افغانستان : شاهان قدیم

Un des anciens souverains d'Afghanistan.



او تیدم دوم یکی ازشاهان باختر (بلخ)

(در حدود ۱۶۰ ق ـ م)

Euthydème II : un des rois de

Bactérianne (environ 160 av I. C.)

انجمن ادبی درنظر داشت تصاویرتمام شاهان وطن عزیز را از قدیمترین ادوار تا امروز جمع آوری و در سالنامه نشر نماید ـ اما چون تعداد شاهان افغان خیلی زیاد و انجام این کار مشکلات زیادی داشته وقت زیادی لازم دارد فعلاً به نشر همان قسمتیکه جمع آوری شده بود ، پرداخته امیدواریم که در آینده به تکمیل سلسلهٔ شاهان وطن بتدریج توفیق بیابیم ـ تاریخهائیکه در ذیل اسم شاهان نشان داده شده سالهای جلوس میباشد .

Nous nous sommes efforcé de publier les portraits des souverains d'Afghanistan depuis l'antiquité jusqu' à nos jours.

Nous publions ici les documents que nous avons pu réunir, et nous nous proposons de compléter notre série - qui est d'ailleurs assez vaste - dans l'avenir. Nous nous contentons de donner les dates de l'avénement des souverains.

ACKU

از سلسلهٔ سلاطین افغانستان : شاهان قدیم

Les anciens souverains d'Afghanistan .



هیلیو کلس (در حدود ۱۳۰ ق ـ م)

Héliocles (env. 130 av. J.C.)



هرمایوس (در حدود ۲۵ ق ـ م)

Hermaïos (env. 25 av. J.C.)

از سلسلهٔ سلاطین افغانستان : شاهان قدیم

Les anciens souverains d'Afghanistan.



مینانڈر (در حدود ۱۴۰ میلادی)

Menandre (env. 140)



کانشکای کبیر (از سلسلهٔ کوشانی)

« در حدود ۷۱ میلادی »

Kanishka de la dynastie des Kushanas

(env. 71)

از سلسلهٔ شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان محمود غزنوی شهنشاه افغان (۳۸۸ هـ - ق)

Sultan Mahmoud le Ghaznévide

Empereur Afghan (998)



سلطان غیاث الدین غوری شهنشاه افغان (۵۵۸ هـ ق)

Sultan Ghiassouddine le Ghouride

Empereur Afghan (1192)

ار سلسلهٔ شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان شهاب الدین غوری شهنشاه افغان (٥٦٩ هـ ـ ق)

Sultan Chahabuddine le Ghouride

Empereur afghan (1173)



سلطا ن قطب الدین ایبك (٦٠٢ هـ ـ ق)

Sultan Kotboddine Aïbak (1206)

از سلسلهٔ شاهان افغان وسلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois Afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان آرام شاه (٦٠٧ هـ - ق)

Sultan Aram Choh (1210)



سلطان شمس الدین التتمش (٦٠٧ هـ - ق)

Sultan Chmsuddine Oultatmèche (1210)

از سلسلهٔ شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان رکن الدین فیروز شاه (۶۳۳ ه ـ ق)

Sultan Ruknoddine Férouz-Chah (1235)



ملکه رضیه (۶۳۴ ه ـ ق)

La Reine Raziiah (1236)

از سلسلهٔ شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان معز الدین بهرام شاه (۶۳۷ هـ ـ ق)

Sultan Moézzoddine Bahram-Chah (1239)



سلطان علاء الدین مسعود شاه (۶۳۹ هـ ق)

Sultan Ala-Uddine Mass-Oud Chah (1241)

از سلسلهٔ شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان ناصر الدین محمود شاه اول (٦٤٤ هـ ـ ق)

Sultan Nasséroddine Mahmoud Chah (1246)



سلطان غیاث الدین بلبن (٦٦٤ هـ ـ ق)

Sultan Ghiassouddine Balabanne (1265)

ار سلسلهٔ شاهان افغان وسلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en dehors du pays



سلطان معزالدین کیقباد (٦٨٦ هـ ـ ق)

Sultan Moézzoddine Kaikobad (1287)



سلطان علاء الدین خلجی محمد شاه اول (٦٩٥ هـ ـ ق)

Sultan Aala-Ouddine Khéldji (1295)

از سلسلهٔ شاهان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند

Souverains d'Afghanistan et les rois cfghanya ant régnés aussi en dehors du pays



سلطان ابراهیم لودی (۹۲۳ هـ - ق)

Sultan Ibrahim Loudi (1517)



شبرشاه سوری شهنشاه افغان (۹٤٦ هـ - ق)

Cher Chah Souri Empereur Afghan (1539)

از سلسلهٔ شاهان افغانستان : هوتکی ها

Les souverains d'Afghanistan Les Hotokis



میرویس خان بابای هوتکی موسس سلسلهٔ
هوتکی ها (۱۱۲۷ هـ ـ ق)
Mir Ouais Khan Hotoki (1714)



شاه‌محمود هوتکی شهنشاه افغان (۱۱۳۵ هـ ـ ق)
Chah Mahmoud Hotoki Empereur Afghan (1722)

از سلسلهٔ شاهان افغانستان : سلاطین سدوزائی

Les rois d'Afghanistan: Les Sadouzaides



علیحضرت احمد شاه غازی شاهنشاه افغان(۱۱۶۰ هـ ـ ق)

S. M Ahmad Chah Empereur Afghan (1747)



اعلیحضرت تیمور شاه غازی شاهنشاه افغان(۱۱۸۷هـ ـ ق)

S. M. Timour Chah Empereur Afghan (1773)

از سلسلهٔ شاهان افغانستان : سلاطین سدوزائی

Les rois d'Afghanistan: Les Sadouzaides



اعلیحضرت شاه زمان (۱۲۰۷ هـ ـ ق)

S. M. Chah Zaman (1739)



اعلیحضرت شاه شجاع (۱۲۱۶ هـ ـ ق)

S. M. Chah Choudja (1801)

از سلسلهٔ شاهان افغانستان : سلاطین محمد زائی

Les rois d'Afghanistan : Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر دوست محمد خان (۱۲۴۲ هـ ـ ق)

S. M. Amir Dost Mohmmad Khan (1826)



اعلیحضرت امیر شیر علیخان (۱۲۸۰ هـ ـ ق)

S. M. Amir Cher Ali Khan (1836)

از سلسلهٔ شاهان افغانستان : سلاطین محمد زائی

Les rois d'Afghanistan: Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر محمد افضل خان (۱۲۸۲ هـ ـ ق)

S. M. Amir Mohammad Afzal Khan (*1865*)



اعلیحضرت امیر محمد اعظم خان (۱۲۸٤ هـ ـ ق)

S. M. Mohammad Aazam Khan (*1867*)

از سلسلهٔ شاهان افغانستان : سلاطین محمد زائی

Les rois d'Afghanistan: Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر محمد یعقوب خان (۱۲۹۶ هـ - ق)

S. M .Amir Mohammad Yakoub Khan (1879)



اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان (۱۲۹۶ هـ - ق)

S. M. Abdur-Rahman Khan (1879)

ازسلسلهٔ شا هان محمدزائی افغانستان

Un des souverains d'Afghanistan



اعلیحضرت امیرحبیب‌الله خان شهید (۱۳۱۹هـ - ق)

S. M. Habibullah Khan (1901)

این کتاب یکی ازبزرگترین ومهمترین کتب تاریخی است که درعصر تیموریان تالیف یافته و مشتمل است بر وقایع و حوادث روزگار از زمان سلطان ابو سعید بهادرخان آخرین فرد دودمان چنگیز تا هنگام قتل سلطان ابوسعید کورگان و مولف بدینجهت آن را بمطلع السعدین موسوم ساخت .

و دیگر از مورخین و نویسندگان زبردست روزگار سلطان حسین، سید فخرالدین برهان الدین خاوند شاه بن کمال الدین محمود هروی بلخی بخاری است معروف بامیر خواند . که در زمان خود بوفور اطلاعات تاریخی مشهور و از سر بر آوردگان انشا و اهل قلم بشمار میرفت . و چنانکه از دیباچهٔ روضة الصفا استنباط میشود ، مشار الیه بنا بر کثرت ذوقی که در تاریخ داشت ، همان است که در اواسط زندگانی بمطالعهٔ کتب مختلفهٔ تاریخ جهان اشتغال ورزیده ، بجمع آوری اطلاعات نفیس تاریخی در حافظه می پرداخت . و بفراخور حال و استعداد خویش درین فن اکتساب شهرت نموده ، در مجمع فضلا و ارباب دانش بنوادر حکایات تاریخی معروف گردیده همواره مورد استحسان و ستایش ایشان واقع میشد . تا که جمعی از دوستان خواهش مند نگارش تاریخی از وی شدند و مشار الیه پس از چندی بنا بر التماس آن ها و صوابدید امیر علی شیر وزیر (که صاحب ترجمه را در بارهٔ وی ارادت عظیم بود) اقدام بتالیف تاریخ خویش (روضة الصفا) نمود وبطوریکه خود گفته کوشش داشت تابعبارات ساده و بی تکلف خالی ازهرگونه حشو و زوائد ، استعارات و تشبیهات ناموزون بسلك تحریر کشید . وهمان است که نظر بقول مرحوم کاتب چلپی (درکشف الظنون) درمدرسهٔ اخلاصیه واقع درکنار نهرانجیل که ازمبانی خیریه

امیرعلی شیر بود ، بنوشتن آن مشغول گردید .

مولف ، این کتاب را تانیمهٔ جلد ششم بدون عارضه و پیش آمدی نوشته میآمد . تا آنکه درشروع تحریر وقایع جلوس شاهرخ و بعدازان ، چنانکه خود در خاتمهٔ جلد شش مینویسد ، بعلالت ناگوار و درمان ناپذیری مبتلا گشته ، ضعف جگر و درد گرده باندازهٔ بوی استیلا یافت که مجال نشستن بخودنمی یافت . اطبا بمعالجهٔ وی پرداخته ، بیش از حدواندازه او را به پرهیز مقید ساختند . و روزانه سوای ۲ سیر(۱) گوشت وهمان مقدار شوربا و یك عده انار چیزی دیگری باو نمیدادند . وهم چنان بجای آب ، عرق کاسنی بوی فرموده بودند . ولی باوجودآنهم درحالیکه علالت مزاج وشدت درد روز بروز ازتوان وی کاسته هردم به نحافت جسم وضعف قوای او می افزود ، این مجلد را که بوقایع سلطان ابوسعید گورگان منتهی میشود ، باتمام رسانید .

لاکن بروایت غیاث الدین خوندمیر در حبیب السیر که نبیرهٔ دختری میرخواند بوده ، سمت شاگردی بوی دارد ، همان است که مشارالیه دراواخر حیات بعلتیکه میل انزوا و گوشه گیری بوی غلبه نموده بود ، از اختلاط و معاشرت با ابنای روزگار کناره گرفته ، مدت یکسال در کازرگاه با مزار حیات مشغول بود . و بعبادت می پرداخت . تا آنکه در ماه رمضان ۹۰۳ نهصد و سه هجری قمری در اثر مرض سوءالقنیه بشهر مراجعت نموده پس از انقضای دو ماه در بستر ناتوانی در دوم ذیقعدهٔ سال مذکور رخت بعالم آخرت کشید . عمرش درحدود (٦٦) شصتو شش سال بوده درمزار شیخ بهاءالدین عمر دفن گردید .

(۱) سیرهرات ۲٤ مثقال است .

ودیگر از نویسندگان عصر سلطان حسین، معین‌الدین محمد اسفزاری است. که از عمدهٔ متر سلان عصر خود بود، در انواع انشاء لیاقتی بهمرسانده واز حسن خط بهرهٔ بتمام داشت، نستعلیق بغایت نیکو مینوشت و اکثر اوقات خویش به تعلیم قواعد خطاطی می گذراند. وهم چنان طبع شعر نیز داشته و به نظم اشتغال میورزیده و اشعار او دران زمان معروف بود. از آثار اوست یکی تاریخ هرات موسوم بروضات الجنات (فارسی) که در ۸۹۷ هشتصد و نود و هفت هجری تالیف شده و دیگر رساله ئیست متضمن منشآت منا شیر و مکتوبات او که دران عصر بغایت اشتهار داشته ودر میان مردم متداول بود.

و دیگر از نویسندگان ومولفین آنعصر کمال الدین حسین واعظ کاشفی است. که مرد جامعی بوده به تخصیص درانشاء و نجوم ازجملهٔ سربرا وردگان بشمار میرفت. و اکثر ازروزهای هفته را در مقامات معینه بوعظ می پرداخت. آوازی بغایت خوش و دلکش داشت. وهمچنان طبع شعر نیز داشته و اشعار نیکو میسروده. چنانکه امیر علی شیر نوائی در مجالس النفایس مطلعی از و نقل کرده است.

وفات مشار الیه در سال ۹۱۰ نهصدو ده هجری بوقوع پیوسته دارای مولفات متعدده ئیست در موضوع های مختلفه چون: جواهر التفسیر (معروف به تفسیر حسینی) ومواهب علیه، روضة‌الشهدا، مخزن الانشاء اخلاق المحسنین، اختیارات و انوار سهیلی.

ناگفته نماند: نخستین کسیکه به ترجمهٔ کلیله ودمنه پرداخت، نویسندهٔ معروف عبدالله بن مقفع بود. که برای ابوجعفر منصور خلیفهٔ عباسی آنرا ازفارسی بعربی ترجمه نمود. پس ازان درخلافت مهدی در (۱۶۵) یکصد و شصت پنج هجری

عبدالله بن هلال اهوازی مجدداً آنرا برای یحی بن خالد برمکی از فارسی بعربی نقل کرد . وهمچنان در عصر سامانیان به امر نصر بن احمد سامانی (از ۳۰۱-۳۳۱ هجری) یکی از علمای آنعصر که اسم مشار الیه معلوم نیست بترجمهٔ آن از عربی بفارسی پرداخت و شاعر معروف سامانیان رودکی آن ترجمه را نیکو بر شتهٔ نظم کشید . وبعد ازان در زمان غزنویان ابو المعانی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مجدداً بامربهرام شاه غزنوی (۵۱۲-۵۴۴) ازترجمهٔ عربی عبدالله بن مقفع آنرا بفارسی ترجمه نمود . چنانکه مشهور است به کلیله ودمنهٔ بهرا مشاهی . وچون این ترجمه خالی از اطناب نبوده دارای الفاظ مغلیه بود ، همان است که مولینا حسین واعظ کاشفی ترجمهٔ مذکور را با تلخیص وتهذیبی که مناسب میدید تجدید نموده بنام امیر نظام الدین سهیلی (سابق الترجمه) انوار سهیلی نام گذاشت .

و دیگر از مورخین ونویسندگان معاصر سلطان حسین ، غیاث الدین بن همام الدین معروف بخواند امیر است . که نبیرهٔ دختری امیر خواند مؤلف روضة الصفا بود . تولدوی در هرات است و همدرانجا نشو و نما و تربیه یافته و در سلك ادبا ونویسندگان روزگار بسر میبرده و چنانکه از سیاق کلام او (حبیب السیر - واقعهٔ وفات امیر علی شیر نوائی) استنباط میشود ، بخدمت امیر علی شیر میرسیده و تا آخر حیات میر در سلك اطرافیان او انسلاك داشته واز او تربیه ونوازشها دیده وغریق بحر احسان وانعام او بوده . وبعد از وفات میر مرثیهٔ اورا نیز گفته .

مشارالیه بعد از انقراض سلسلهٔ تیموریان نیز مدتی درهرات بسر میبرد . تا آنکه از ناگواری محیط آنعصر هرات و فشار روحی و جسمی آن بتنگ آمده ، او نیز بمثل سائر هموطنان فاضل خویش بهوای مهاجرت افتاده ، در

اواسط شوال سال ۹۳۳ نهصدو سی وسه هجری قمری آنسر زمین را وداع گفته روانهٔ قندهار گردید و پس از مدت تقریباً هفت ماه سکونت در آنجا مجدداً آمادهٔ مسافرت هند شد ، و بتاریخ دهم جمادی الاخری سال ۹۳٤ نهصدو سی و چهار از قندهار خارج گشته ، پس از گذشتاندن مدتی در عرض راه و سیاحت ، درچهارم محرم سال ۹۳۵ نهصدو سی و پنج هجری وارد آگره (که پای تخت ظهیرالدین محمد بابر بود) گردید . و چنانکه محمد قاسم هند و شاه فرشته (به نقل از رسالهٔ واقعات بابری) مینگارد ، در هشتم ربیع الاول همانسال در بزم طوئیکه بابر بشکرانهٔ شفا یافتن خود از تب لرزه (که در جمعه بیست و سیوم صفر سال مذکور برایش عارض گشته بود) در باغ هشت بهشت آراسته بود ، مشار الیه با مولینا شهاب الدین معمائی و میرزا ابراهیم قانونی که از هرات آمده بودند ، یکجا بحضور پادشاهی بار یافته ، نوازشات دید و در ردیف مقربان منسلك شد . و تا آخر حیات در سر زمین هند بخوشی و فراغت می گذراند . تا آنکه در سفر نصیر الدین محمد همایون بمندو که وی نیز جزوملتزمین رکاب بود . درسال ۹٤۲ نهصد و چهل و دو هجری بمرض اسهال از پنجهان در گذشت و حسب الوصیه نعش اورا بدهلی آورده ، در جوار مزار شیخ نظام الدین اولیا و امیر خسرو دفن نمودند .

ازجملهٔ مؤلفات اوست : خلاصة الاخبار و اخبار الاخیار ، منتخب تاریخ وصاف ، مکارم اخلاق ، مآثر الملوك و دستور الوزرا و حبیب السیر .

و برعلاوه چند تن نویسندگان دیگری نیز دران عصر بوده اند . چون معین الدین فراهی صاحب معارج النبوة و مولینا نور الدین عبدالرحمن جامی و غیره و غیره که تذکاری از آنها در بالا کرده آمد . « ناتمام »

قسمت اول این مقاله بافهرست مآخذ آن درسالنامهٔ ۱۳۱٤ کابل نشر شده

مبحث صنعتی

مکتب صنایع نفیسه

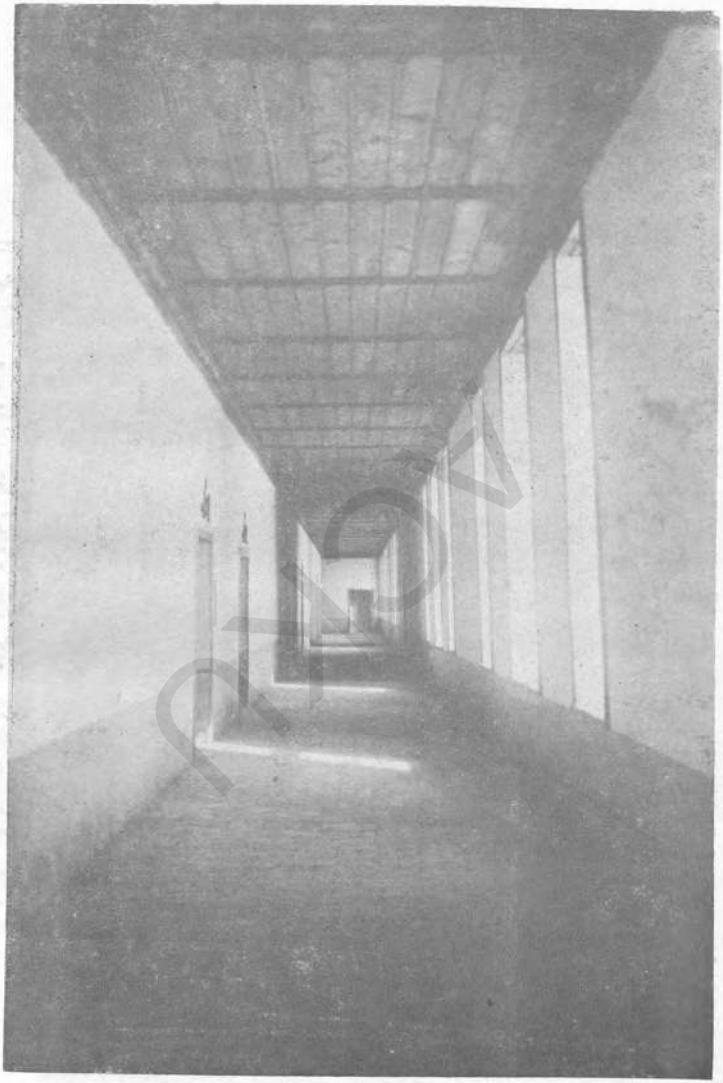
بقلم جناب محمد قدیر خان ترکی

اهمیت صنعت :

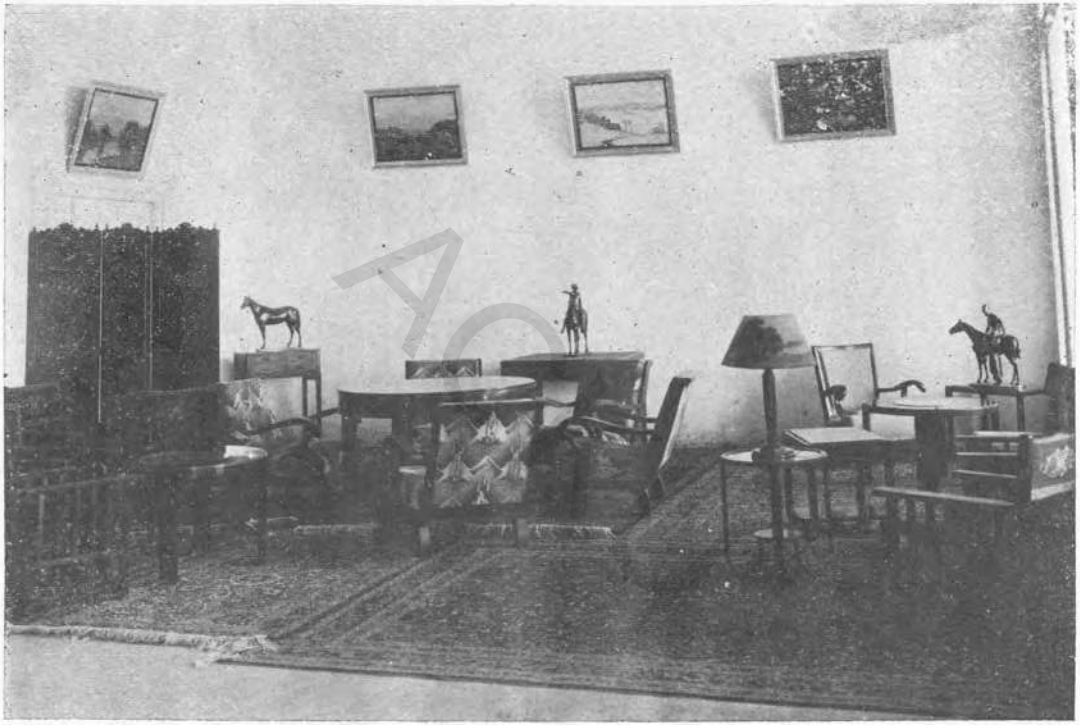
هر دورهٔ که از حیات انسانها در سطح زمین میگذرد بر ذخائر فکریه و مادیهٔ آنها افزود میگردد . انسانهای اولیه چون دارای ذخائر فکری و مادی نبودند یعنی در افکار آن ها چنان وسعتیکه به نیروی آن خود را از بلیات و آفات حیات نجات بدهند و در لوازم حیات ایشان ذخائریکه حوائج میرمهٔ آنهارا رفع کند ، وجود نداشت ، لهذا منازل شان مغاره های کوه واسباب و آلات آن ها از سنگ بوده است ، ولی وقتی چندین قرن ازعمر انسان بشر در روی زمین گذشت ، تجارب زندگانی که مولود حوادث نیك و بد روزگاراست بر ذخایر فکریه (تعلیمات وتجارب حیاتی) و مادیه (اسباب وآلات مصنوعی که بذریعهٔ آن حوائج خود را رفع مینمودند) آن ها افزوده ایشان رامقتدر نمودتابقوهٔ همان اتساعیکه درفکرآن ها موجود بود بعضی آلات ابتدائی اختراع وسپس بدستیاری همان آلات سامان بزرگتر ونفیس تری اعمال نمایند مثلاً تاوقتی انسان ها بافروختن آتش دست نداشته از گداختن فلزات هم عاجز بودند ولی وقتی موفق بکشف آتش شدند بوسیلهٔ آتش موفق



از عمرانات مهم وزارت معارف ، منظرهٔ عمومی مکتب صنایع در کابل
Vue générale des batiments de l'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul.

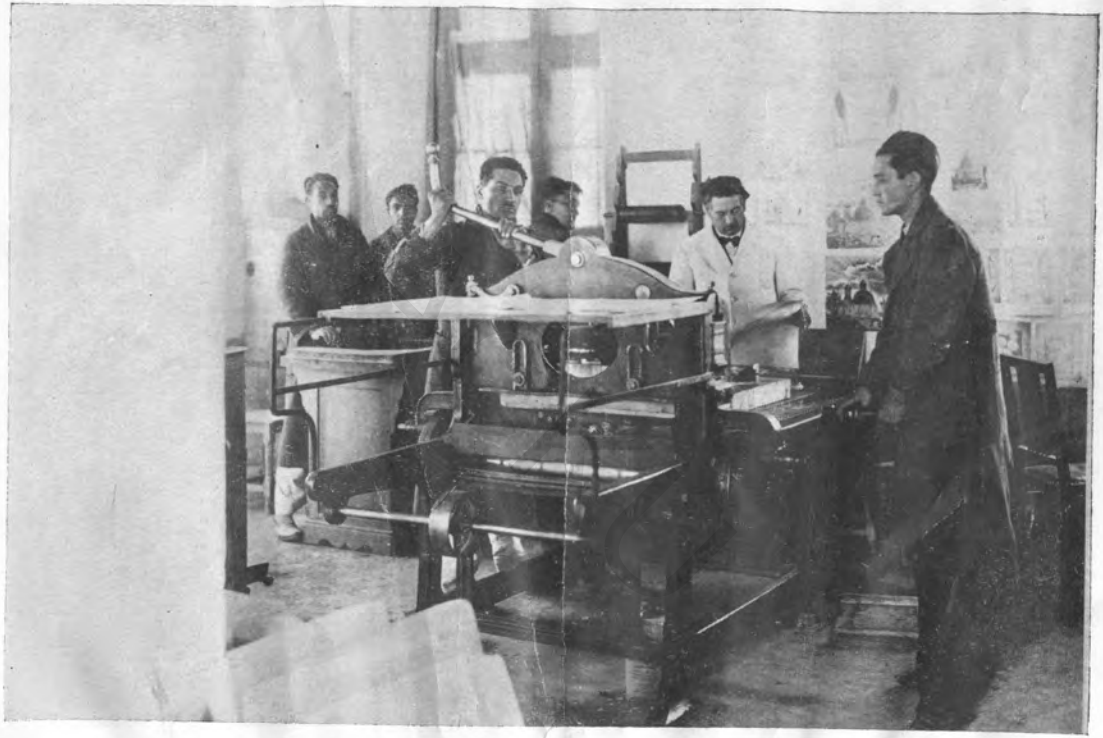


از عمر ا نات جدید وزارت معارف : د هلیز فو قا نی مکتب صنا یع در کا بل
Corridor suppérieur de l'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul



از کار روائی های وزارت معارف : اطاق نمایش مکتب صنایع

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Une vue la salle d'exposition.



از کار روائی های وزارت معارف : شعبهٔ جدید التاسیس لیتو گرافی مکتب صنایع در وقت چاپ ذریعهٔ ماشین

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de littographie en plein travail



از کار روائی های وزارت معارف : شعبهٔ نجاری مکتب صنایع در وقت کار
L'Ecoles des Arts et Métiers à Kaboul: La classe de menuiserie



از کار روائی های وزارت معارف : اطاق رسم شعبهٔ نجاری مکتب صنایع
L'Ecoles des Arts et Métiers à Kaboul: La classe de dessin.



از کار روانی های وزارت معارف : شعبهٔ رسامی مکتب صنایع

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de la peinture en plein travail



از کار روائی های وزارت معارف : صنف رشدیهٔ اول قالین بافی مکتب صنایع در حال کار

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe suppérieure de tapisserie en plein travail

به گداختن فلزات شده بآن سبب دراعمال تمام ما یحتاج کامیاب آمدند واین کامیابی ایشان ازیك طرف حیات آن‌ها رامعناً و مادةً مستریح گردانید وازطرف دیگر بانسانها نیرو داد تابرهمان وحوش وسباعیکه فعلاً برایشان میتاخت غالب آمده راز طبیعت را تاحد ممکنه کشف وتمام مواد مخلوقه را به مفاد خود مورد استفاده قرار بدهند ، بعد ازین رفته رفته تمدن رویه ترقی رفت وسیادت وعظمت ازان افراد و ملل شد که مرتبهٔ علمی وصنعتی آنها به نسبت سائرین عالی تر بوده است زیرا صنعت تجارت را بوجود آورد و تجارت عامل تجمع پول شد و پول هم یگانه عامل عظمت وقدرت افراد وملل معرفی گردیده وچیزهٔ را که : « توانا بود هرکه دانا بود » مصداق بخشید .

این است اهمیت صنعت ولی حالا ببینیم که (صنایع نفیسه) درزندگانی ما چه تاثیر دارد ؟ « داروین » فیلسوف انگلیس میگوید « ذوق زینت و تجمل برسائر حوائج دیگر در نزد انسان ها مقدم است چه من در ضمن تجارب خود که در اقوام وحشی مینمودم روزی با یك جمعیتی از انسان های بدوی برخوردم و بر سبیل تجربه پارچهٔ سرخ (ماهوت) را که درنزد خود داشتم بیکی ازانها دادم و انتظار میبردم که شاید آن فرد وحشی پارچهٔ مذکور را درمقام لباس به بر کرده جسم خود را از تابش آفتاب سوزان برهاند ولی بر خلاف انتظار دیدم که پارچهٔ مذکور را تکه تکه نمود و با قارب خود داد و آن ها همهٔ آن را به مو های خود شان آویخته در مقام زینت و تجمل استعمال کردند . »

طوریکه از گفتهٔ بالا فهمیده میشود ، انسان فطرتاً فریفتهٔ جمال وزیبائی است و همیشه میل دارد چشمش از مناظر زیبا و وجودش از البسهٔ نفیس و منزلش

ازلوازم واثاثیهٔ فاخره سهم داشته باشد زیرا بهمان اندازهٔ که انسان حوایج مادی دارد هم چنان دارای حوائج ذوقی و معنوی است و این حوائج او را (از یك جنبه) صنایع نفیسه رفع میکند. وازین جهة است که در هر دورهٔ از مدنیت های بشر به صنایع نفیسه اهمیت زیادی داده شده ودرعصر حاضر هم اهمیت بزرگی بدان میدهند و روز بروز نواقص آن را رفع و زمینهٔ ترقی مذکور را حاضر میکنند.

غیر از اهمیت بزرگیکه بصنایع نفیسه ازنقطهٔ نظر اقتصادی وتجارتی میدهند صنایع نفیسه که فعلا در دنیا مورد عمل است و خوش بختانه مکتب صنائع نفیسهٔ ما هم در تحت همان دساتیر و اصول بر روی کار آمده است به شالوده های دقیق و متین فلسفی و علمی اتکاء دارد چه :

از وقت مدنیت یونان یعنی از همان آوانیکه افلاطون ، ارسطو و.... نظریهٔ استتیك (بدیعیات) خودرا در صنایع اظهار نمودند ، باین طرف تا اکنون همیشه در زمینهٔ صنعت دو فکر اساسی جریان دارد که یکی آن میگوید « صنعت برای زندگانی است » یعنی صنعت باید طوری باشد تا هرکدام آن در یك یك زمینهٔ حیاتی ما تاثیری داشته حوائج ما را که در همان زمینه موجود است رفع کند و دومی میگوید « صنعت برای صنعت است » یعنی صنعت را بواسطهٔ اینکه صنعت است و مظهر زینت و زیبائی بوده روح ما از ان خط میبرد دوست داریم و از صنعت دیگر فائدهٔ مد نظر ما نیست » .

روبهمرفته هردوی این افکار برمبانی دقیق فلسفی واجتماعی اتکا داشته میتوان از هرکدام آن مطالب مفیدی که برای زمینهٔ مذکور روی دست داریم بیرون آورد . چه اگر ما فرضاً صنعت را ازروی رفع حوایج زندگانی اهمیت بدهیم

وبه تعبیر ارباب نظریهٔ اول صنعت را برای حیات بدانیم از جنبهٔ اینکه صنعت تمام حوائج روز مرهٔ مارا رفع وخط فاصلی رابین زندگانی بدوی وحیات مدنی تشکیل میدهد، دارای اهمیتی‌است که‌شاید هیچ منکری نداشته باشد. و بالعکس اگر به نظریهٔ دوم متکی شده بگوئیم که صنعت برای صنعت است و آن بهمین نظر نگاه کنیم اهمیت معنوی آن زیاده تر از اهمیت مادی مذکور بوده موضوع صنایع نفیسه را مقبول تر و مفید ترجلوه میدهد چه دارندگان این نظریه میگویند،

انسان طبعاً متمایل به نفاست وزیبائی‌است وهمیشه ذوق‌دارد اوقات خسته گی دماغ را به نظارهٔ چیز هائیکه زیبائی وجمال دران منعکس بوده مظهر تجلیات روح بشری باشد، سپری کند. وازین‌جهة است که‌وقتی انسانی دربرابر یك منظرهٔ قشنگی که قلم یك صنعت کار ماهر وزبردستی آن را بوجود آورده طبیعی ترین وضعیت زندگانی انسانی وعناصر دیگر مخلوق خداوندی را نمایش بدهد، قرار میگیرد و یا از مقابل بنائیکه دست مهندسین صاحب تخصص آن را بر یا نموده باشد، رد میشود و یا با لوازم و اثاثیهٔ که باجدید ترین و نفیس ترین طرزی ترتیب داده شده باشد مقابل میشود، تمام خسته گی های دماغی او که مولود مشاغل شاقهٔ زندگانی‌است، رفع و ساعتی عاری از آلام ومصائب دنیوی بسر میبرد.

مطالعهٔ جمال و زیبائی در اخلاق وطرز حیات اشخاص هم مؤثر است چه وقتی انسان به مطالعهٔ یك اثرنفیس صنعتی میپردازد، احساسات او رقیق تر وذوق بدیع او نمو نموده، قساوت قلب و انجماد دماغی او رفع و به عوض آن غریزهٔ رأفت و عطوفت و استعداد ابتکار و ابداع در او تولید و وسعت

می یابد ، وغیر از ین فوائد و محاسنی که صنایع نفیسه از نقطهٔ نظر فردی دارد ، دارای فوائد اجتماعی دیگری هم میباشد که اینك ملخصاً بدان پرداخته میشود :

درجامعهٔ که آثارنفیس صنعتی زیاد باشد و درهرگوشه و کنار آن اشخاص دارای این فن وجود داشته آثاری ازخود بگذارند ، رفته رفته افرادیکه دران مملکت زندگانی دارند ، بهمان گونه اذواق نفیسه معتاد شده ، نظافت ، پاکی وصدها گونه عادات دیگریکه همهٔ آن ها درنزد قوانین شرعی ، اخلاقی ، مدنی از اعمال حسنه و پسندیده میباشد ملکهٔ ایشان میشود .

این بود نبذی از فوائد اقتصادی ، تجارتی ، اجتماعی ، بدیعی ، اخلاقی صنایع وصنایع نفیسه که بدان ها اشاره شد و البته مطالعهٔ این سطور میتواند تااندازهٔ اهمیت مکتب صنایع نفیسه‌را که طرف توجه مخصوص حکومت متبوعهٔ ما میباشد به مطالعین محترم خاطر نشان کند .

ابتدای تاسیس این مکتب و ترقیاتیکه دران بوجود آورده شده :

مکتب صنایع یکی ازموسساتی است که بانی آن اعلیحضرت شهید غفرالله له میباشند چه اعلیحضرت شهید بمناسبت علاقه و ارتباطیکه طبعاً به ترقی تمام شعب مملکت داشتند بتاریخ ۲۵ قوس سنه ۱۳۰۸ هجری ، شمسی این مکتب‌را بامید اینکه یکعده اولادوطن درین موسسهٔ علمی وصنعتی تربیه شوند ، تاسیس فرمودند . وامیدوار بودند که این مدرسه وسیلهٔ خوبی برای ترویج صنایع عصری در افغانستان خواهد گردید . این مکتب در همان سالیکه تاسیس کرده شد تنها دارای یك شعبهٔ رسامی بوده است که عبارت از چهار صنف رشدیه بوده و عمارتیکه

دران طلاب مذکور مشغول اخذ تعلیم بودند عمارتی بود درصحن همین عمارت موجودهٔ مکتب که دارای هشت اطاق بود . و مدیر آن مرحوم برو فیسر غلام محمد خان مقرر شدند که مشار الیه حقیقتاً در راه پیشرفت و ترقی این موسسه مطابق نظریات حکومت ترقیخوا ما زحمات زیادی کشیده و تا زمان فوت خود (زمستان ۱۳۱٤) در موسسهٔ مذکور صرف مساعی مینمودند .

در سنه ۱۳۰۹ یك شعبهٔ دیگر مسلکی هم تاسیس شد که آن شعبه عبارت از شعبهٔ نجاری بوده است و برای این طلاب جدید در سمت غربی همان عمارت سابقهٔ مکتب صنایع ، چند اطاق دیگری هم تعمیر شده دران اطاق ها ، یك عده اولاد وطن برای آموختن صنعت نجاری بدست معلمین ماهر نجاری سپرده شد .

درسنه ۱۳۱۰ متصل همان اطاق‌ها بسمت جنوبی عمارت سابقهٔ مکتب‌صنایع چند اطاق دیگر هم برای شعبهٔ قالین بافی تعمیر و در سنه ۱۳۱۱ اطاق های فوقانی عمارت مذکور نیز تکمیل وچند نفر معلم لائق قالین بافی ازخارج برای آموزگاری صنعت قالین بافی بسبك جدید استخدام کرده شد و در همان سنه یعنی سنه ۱۳۱۱ یك عدهٔ زیادی از طلاب برای آموختن صنعت قالین بافی به تحت هدایت و تعلیم معلمین مذکور به مکتب پذیرفته شدند . و در مدت سه سال تعلیم یك عدهٔ زیادی از ابنای وطن حسب تعلیم آموزگاران خارجی صنعت قالین بافی را باصول عصری آموختند . تا اینکه امروز خوشبختانه دیده میشود که تمام آن طلاب بدون معاونت معلم و آموزگاری بکمال رشادت و مهارت تمام امور تعلیمی و فنی قالی بافی را از قبیل نخ تابی ، بافت ، انتظام دستگاه و رنگ ریزی بالین و بافتن قالین های برجسته گل وگلیم وشتر نجی

و برحسب اجتهاد و ابتکار خود دستمال های گردن و بصورت نمونه بعضی پارچه های لباس هم‌میبافند وهنوز دامنهٔ ابتکارات شان درین زمینه ادامه دارد وانشاالله‌تعالی عنقریب دارای یك عدهٔ زیاد صنعت کاران ماهر قالین بافی و لوازم دیگر آن شده ترقی محسوسی را درین شعبه مشاهده خواهیم نمود .

در سنه ۱۳۱۲ فکری که در توسیع دادن شعب مکتب صنایع بود ایجاب میکرد تا اولا عمارت مکتب وسیع تر تعمیر گردد که بتواند حوائج شعبات دیگری را هم رفع نموده برای تعلیم طلاب زیاده تری گنجایش داشته باشد همان بودا که نقشهٔ عمارت فعلی مکتب ترتیب یافته به صحهٔ اعلیحضرت همایونی و اصل ودر همان سال ازسمت جنوبی آغاز به کار گردیده متدرجاً دردو سال وچند ماه کار لاینقطع ، اطاق‌های فوقانی و تحتانی مذکور ـ بجز بعضی چیز های جزئی ـ اکمال گردیده بشکل یك عمارت جدید وعصری تعلیمی خیلی بزرگ در آمد .

درسنه ۱۳۱۲ شعبهٔ مستعجلهٔ نجاری و معماری هم تاسیس ومربوط مکتب صنایع گردید . این دوشعبه علاوه ازتعلیم عملی نجاری ومعماری ، دروس فارسی ، ریاضی ، حسن‌خط و رسم هم میخوانند و پروغرام این دو شعبه ازسه الی چهارسال سنجیده شده است . واین طلاب درین دورهٔ تعلیمی خودها علاوه ازینکه به یك مقیاس زیادی ازصنعت استفاده مینمایند ، یك دورهٔ تعلیمات ابتدائی راهم‌فرامیگیرند . و مقرر گردیده است که برای این شعبه طلابیکه پذیرفته میشوند باید اشخاص قوی و تنومندی بوده سن شان از۱۸ کم وازه۲ زیاد نباشد .

درسنه ۱۳۱٤ یك شعبهٔ دیگریکه عبارت ازشعبهٔ مهندسی باشدتاسیس گردید و برای تعلیم آن یك نفرمهندس جرمنی‌استخدام گردید وازان وقت تا اکنون

یك عده طلاب برای تعلیم مهندسی به مهندس مذکور سپرده شده است و قدغن شده که باید برای این شعبه طلاب بسیار ذکی و مستعدی قبول کرده شودکه درریاضی دارای مهارت مخصوصی باشند و درجهٔ تعلیمات ایشان تارشدیهٔ سوم باشد ـ موعد تحصیل و پروغرام این شعبه ۸ سال است .

یك شعبهٔ دیگری بنام لیتو گرافی یعنی چاپ ساده ورنگه هم تاسیس و برای آموز گاری آن یك نفرآلمانی صاحب تخصص درین زمینه ، استخدام شده ومشغول کارمیباشد و ۱۵ نفرطلاب وچهار نفرماشین کار ورینگ زن برطبق هدایات متخصص مذکور در شعبهٔ موصوف مشغول اخذ تعلیم اند .

این بود قریبا تیکه مکتب صنایع نفیسه از بدو تاسیس خود تا اکنون که عبارت از ۷ سال میباشد بآن نایل شده و چون مکتب صنایع نفیسه فعلاً دارای شعباتی است که هر کدام آن بعد ازان که حوائج مملکت در نظر گرفته‌شده، بوجود آمده است، لهذا لازم میافتد برای اینکه خوبتر توانسته باشیم نصب العین مکتب مذکوررا به مطالعین محترم وانمود نمائیم، هرکدامی از شعب مذکور با وظیفهٔ که در نظر دارند انجام بدهند، یکان یکان زیر مطالعه در آریم :

وظائفیکه از هر شعبهٔ مکتب صنایع انتظار برده میشود :

۱ ـ شعبهٔ رسامی :

شعبهٔ رسامی دارای دو صنف است : چهار رشدی و چهار اعدادی این شعبه بعد ازطی ۸ سال تعلیم، جوانانی بیرون خواهد دادکه بتمام باریکی های علمی و فنی رسامی ماهر بوده، بهترین مناظر دلربا و نقشهٔ این

مملکت کوهستانی را که دارای مناظر دلربای طبیعی بوده صاحب امتیاز مخصوصی میباشد، رسم و از وضع طبیعی و بی ساخت رو ستائیا نیکه بارقهٔ حقیقت ولمعهٔ استقامت وراستی ازسیمای آن‌ها تراوش میکند، بدنیای‌مدنی نمایندگی و بالاخره سبب معرفی نمودن صدها عوامل دلربای طبیعی وبشری این مملکت مبتکر و دست ناخوردهٔ که تاکنون بادست هیچ رسامی آشنائی نداشته، خواهند شد؛ زیرا منظرهٔ که‌در تابلوی مرتسمهٔ یك رسام وطنی دیده می شود غیر ازان مناظری است که دست صنعت کار خارجی آن را رسامی نموده باشد. چه صنعت کار بومی چون به عوامل روحیهٔ افراد داخلی واوضاع مناظر خود پوره آشنا است، طریقهٔ طبیعیت وجذابیت آن را به مراتب بهتر از صنعت کاران خارجی درك میکند وهمان مدرکات خود را به نوك خامه برروی صفحهٔ کاغذ رسم نموده عواملی بر میانگیزاند که از قلم خارجی ها ساخته نیست ـ ازین جاست که مناظر زیبای وطن وچهره های مردانه ومعصوم رجال تاریخی وفعلی این سرزمین که بادارائی وقاروهیبت مخصوصی امتیاز دارند، هم برای صحنه‌های تمثیلیکه درآتیه درین جا بوجود آورده خواهد شد، وهم برای کلکسیو نرهای خارجی وداخلی، محتاج یك عده صنعت کاران مهرورسام های زبردست داخلی است. وهمین است انتظاریکه از شعبهٔ رسامی‌مکتب صنایع نفیسه برده میشود.

۲ ـ شعبهٔ رنگمالی :

درین هیچ شك نیست که این مملکت هم چنانکه بدارائی فلزات مهم صنعتی امتیاز مخصوصی دارد هم چنان به حائز بودن نباتات و اشجاریکه ازان ها الوان مختلفی به عمل میاید، دارای مقام بلندی است والبته اگرهم چنان که اکنون

سنجیده شده ودر مکتب صنایع نفیسه یك شعبهٔ رنگمالی را تاسیس کرده اند، اولاد این وطن بقوانین فیزیکی وکیمیاوی وصورت امتزاج واختلاط الوان وبدست آوردن الوان مخلوطه ومتنوعه پی ببرند، دران وقت شاید محتاج نشویم تا همان مواد ابتدائی را بخارج فی سیر یك افغانی فروخته وبعد ازساختن رنگ همان مادهٔ را بصورت مصنوع دوباره مثقال یك افغانی خریداری نمائیم؛ چون افغانستان خوشبختانه متدرجاً یك مملکت صنعتی میشود وبه انواع الوان احتیاج تامی دارد لهذا این شعبهٔ مکتب صنایع یکی ازغنایم قیمتدار روزگاراست که اخیراً از توجهات حکومت مقبوعه بوجود آمده است .

۳ ـ شعبهٔ نجاری :

شعبهٔ نجاری بدوشعبه منقسم است ؛ از قبیل شعبهٔ مستعجله وشعبهٔ مسلکی ؛ شعبهٔ مستعجلهٔ نجاری دارای چهار صنف ابتدائی است و اشخاصیکه ازین شعبه خواهند بر آمد امور نجاری را بصورت معمول ومروجی انجام خواهند داد .وچون غیرازنجاری مضامین فارسی ، خط ، ریاضی ، ورسم راهم درس میخوانند لهذا یك یك نجار باسوادی خواهند بود ولی شعبهٔ مسلکی نجاری ؟ این شعبه دارای چهار صنف رشدی است و علاوه از نجاری مضامین : فارسی ، ریاضی ، مواد چوب ، رسم ، پروژکسون (فن نمایش در سطح) را هم درس میخوانند ونجاری که درین شعبه یاد داده میشود بصورت ظرافت ونازك کاری خواهد بود .

افغانستان چون مملکتی است که جدیداً آغاز باصلاحات امور عمرانی و بلدی خود نموده است و از یك طرف حکومت با تمام قوا مصروف اصلاحات است وازطرف دیگر افراد مملکت هر کدام بواسطهٔ تماسیکه اخیراً با دنیای مدنی نموده اند روز بروز بر عدهٔ منازل و مبانی عظیمه و عصری میافزایند

لهذا وجود اینگونه نجاران در مملکت کمال لزوم واهمیت را دارد و این جهت است که باین شعبهٔ مکتب صنایع نفیسه میتوان اهمیت بزرگی داد .

٤ ــ شعبهٔ معماری :

این شعبه دارای دو صنف است وعلاوه از کار عملی گل کاری ، دروس فارسی ، خط ، حساب ، ورسم رامیاموزند واین شعبه مخصوص برای اجرای امور تعمیرات دولت میباشد .

٥ ــ شعبهٔ مهندسی :

این شعبه یك شعبهٔ بزرگ تعلیمی است که دران طلاب خیلی ذکی و دارای استعدادی که درجهٔ تعلیمات آنها ناصنف رشدیهٔ سوم باشد و درریاضی دارای سلطه و ملکهٔ خوبی باشند پذیرفته میشوند .

میعاد تعلیم و پروگرام این شعبه ٨ سال است و درین مدت طلاب مذکور تمام علم مواد تعمیر را بصورت عملی ونظری یاد گرفته تعلیمات ، ستاتیك (علم تعادل وتوازن) فن عمران ، الجبر ، حساب ، هندسه ، نقشه ، پیمایش ، برآورد تعمیر ، را میاموزند وهم تمام عملیاتی را که مربوط به یك تعمیر جدید وعصری باشد عملاً باصول فنی فرا میگیرند و باین صورت این اشخاص میتوانند بعد از فراغ دورهٔ تحصیلات هشت سالهٔ خود شان بطور مهندس و نگران تعمیر مستقلاً در تعمیرات مصروف کار و خدمت گردند .

طرز تعلیمات عملی و نظری این شعبه مقتبس از اصول و طریقه ایست که در اروپا مورد عمل میباشد .

چون عملیات عمرانی در افغانستان درین اواخر مخصوصاً در قسمت

تعمیرات رسمی و دولتی از قبیل ساختمان مؤسسه های بزرگ صنعتی و فنی و تعلیمی و اعمار شهر ها و منازل مهمهٔ اداری و امثال آن به مقیاسی روی دست است که با سابق هیچگونه قابل مقایسه نیست، لهذا مجبوری است تمامانی و عمارات مذکور باصول فنی و طرز جدید مهندسی باشد و الا درعین اینکه بیم انهدام آن به مدت کمی متصور میباشد منازلیکه باصول فنی بنا نشده باشد شاید بعد از یك مدت کم احتیاجی در انهدام آن و دوباره تعمیرکردن مذکور احساس شود چنانچه این خطره را اکثری از اشخاص حس کرده‌اند چه بسا دیده شده است که شخصی در وهلهٔ اول که تهداب عمارتی را می گذاشت تمام مسائل مهندسی آن را نه سنجیده بود ولی وقتی بسائقهٔ کدام احتیاجی خواست آن را اصلاح کند مجبور گردید عمارت قدیم را خراب و سر از نو بنای آن را بگذارد. رویهمرفته چون امروز دنیا دنیای علم است و هیچ شعبهٔ ازشئون زندگانی دیده نمی شود که ازعلم بی نیاز باشد، لهذا وجود مهندسین و معماران صاحب فن و عالم به پیشه ومسلك، همان طوریکه برای تمام دنیا ضرورت دارد برای افغانستان هم که تازه دارد درین راه قدم بر میدارد، ازجملهٔ ضروریات اولیه شمرده میشود. باینك ازهمین باعث است که در مکتب صنایع نفیسه شعبهٔ را مختص بهمین امرنموده یك عده نو باوگان را به تعلیم معماری ومهندسی واداشته اند تا در آتیهٔ قریبی افغانستان را از بین شعبهٔ حیاتی اش بی نیاز گردانند.

۶ ـ شعبهٔ قالین بافی :

این شعبه در اکثری ممالکی که دارای رمه و گله های گوسفند میباشند یکی از شعب بزرگ صنعتی و بزرگترین منبع عوائد ملی بشمار میرود

شعبهٔ که برای این صنعت در مکتب صنایع نفیسه تخصیص داده اند یك شعبهٔ مهم صنعتی بوده عبارت از ۷ صنف است که ۳ ابتدائی و ٤ رشدی میباشد. درین شعبه تمام فنون و صنایعیکه به صنعت قالین بافی را بطه دارد به طلاب یاد داده می شود وعلاوه ازان طلاب مذکور، مضامین فارسی، حساب، رسم وحسن خط راهم درساً میاموزند تا بعداز فراغ مکتب برعلاوهٔ صنعت‌قالین، تعلیم متوسط عرفانی هم‌داشته باشند.

طلابیکه ازین شعبه فارغ التحصیل میشوند میتوانند مطابق خواهش خود کارگاه های قالین بافی در هر جا ساخته بطور آزادانه به صنعت خود مشغول گردند.

بخیال عاجز و شاید به عقیدهٔ اکثری از مطلعین بعلت اینکه وضعیت طبیعی ومحیط جغرافیائی این مملکت‌برای پرورش رمه و گله های گوسفند بسیار مساعد است و محصولات پشم درافغانستان جزء عمدهٔ محاصیل ملی ما را تشکیل میدهد، تربیهٔ صنعت قالین برای اولاد افغان دارای اهمیت بسیار بزرگی میباشد زیرا اگر اولاد افغان این‌صنعت را طوریکه زعمای امورمملکت خواهش‌دارند وشعبهٔ مخصوصی را در مکتب صنایع نفیسه برای‌تعلیم این صنعت ایزادفر موده اند، کماحقه بیاموزند و مواد ابتدائیهٔ پیدا وار این وطن (پشم) رنگهای‌طبیعی را در بن صنعت مصرف کنند، یقین است که پلهٔ صادرات مادربرابر تور یدات دیگر بسیار سنگین خواهد شد.

علمای اقتصاد میگویند، « بهترین موقع‌شناسی برای‌ملل همین‌است که‌آن ها از مواهبیکه خداوند در ممالك ایشان عطا فرموده است حسن استفاده نمایند.» بلی راست میگویند. تاریخ شهادت میدهد که هر مملکت در هر دورهٔ تاریخی

در زمینهٔ پیش رفت شایان تقدیری نموده است که وضعیت طبیعی و نبض ارضی مملکت مذکور برای پرورش مواد ابتدائیهٔ همان زمینه مساعد بوده است و این خود یک قانون طبیعی است که در تمام ملل گذشته و دول امروزه و شاید ممالک فردا مورد تطبیق داشته و خواهد داشت ؛ از این جهت است که بنده آیندهٔ درخشانی را برای این شعبهٔ صنایع نفیسه مشاهده میکنم .

❀ ❀ ❀

این بود شعب موجوده و مرام مکتب صنایع نفیسه که برای وصول بآن شب و روز مصروف مساعی است و لی حالا لازم میافتد بدانیم این مکتب در آتیه هم خواهان ترقی و اتساعی هست ؟

طوریکه جناب برشنا مدیر با قریحه و ذوق مکتب صنایع نفیسه به بنده معلومات داده‌اند ، این مکتب بهمان اندازهٔ که درین عرصهٔ هفت سال به ترقیات غیر قابل قیاسی نائل شده است در نظر دارد که دامنهٔ ترقیات خود را تعقیب نموده در سال های آینده نیز هم چنان متدرجاً رو به تعالی و ارتقا سیر کند چنانچه مواد آتیه در نظر است کسر از سال جدید سنه ۱۳۱۶ مورد عمل گرفته شود :

شعبهٔ خیاطی :

شعبهٔ خیاطی در مکتب صنایع نفیسه تاسیس و عنقریب به تحت تعلیم یک نفر خیاط متخصص جرمنی که در ین فرد یکیها میرسد آغاز کرده خواهدشد و این شعبه بذریعهٔ ماشین ها و سامان جدیدی آغاز به کار خواهد کرد .

شعبهٔ بسته کاری :

درنظر است که درسال آینده (سنه ۱۳۱۶) دوصد نفرطلبه برای شعبهٔ بسته کاری که جدیداً زیر اثر مکتب صنایع نفیسه تاسیس میشود پذیرفته شده در تحت معلمی چهار نفر متخصص آلمانی که در سنهٔ مذکور وارد میگردند ، به تعلیم واداشته خواهند شد . چنانچه برای این مأمول در سمت مشرقی مزار اعلیحضرت تیمورشاه وقسمت شمالی ریاست بلدیه (باغ عمومی سابق) یك عمارت بزرگی جهت مکتب مذکور تهداب گذشته‌شده که انشاالله تعالی در سال آینده هم آن عمارت مکمل خواهد شد وهم طلاب مذکور تحت هدایت معلمین جرمنی آغاز به تعلیم خواهند نمود .

شعبهٔ زرگری :

سنجیده شده است که در سال آینده یك شعبهٔ زرگری هم برای تعلیم صنف ظروف سازی و ساختن اشیای لوکس (زینت) به سائر شعب مکتب مذکور ایراد خواهد گردید . و باثر آن فن زرگری دروطن عزیز ما بصورت عصری تعدیل وهم عمومیت لازمه را پیدا خواهد کرد .

اگر مطالعین عزیز دقت فرمایند میتوانند درك نمایند که هر کدامی ازین شعب چون در اثر حوائج مملکتی بر روی کار آمده ومیاید لهذا هر کدام آن در حیات ملی و امور مملکتی تاثیرات مهمی خواهند داشت .



از کار روائی های سال ۱۳۱۵ وزارت معارف ، شعبهٔ لیتوا گرافی (چاپ سنگی) مکتب صنایع (معلم المانی و یکی از شاگردان در وقت کار)

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Lc professeur allemand avec un des élèves de la classe de littographie.



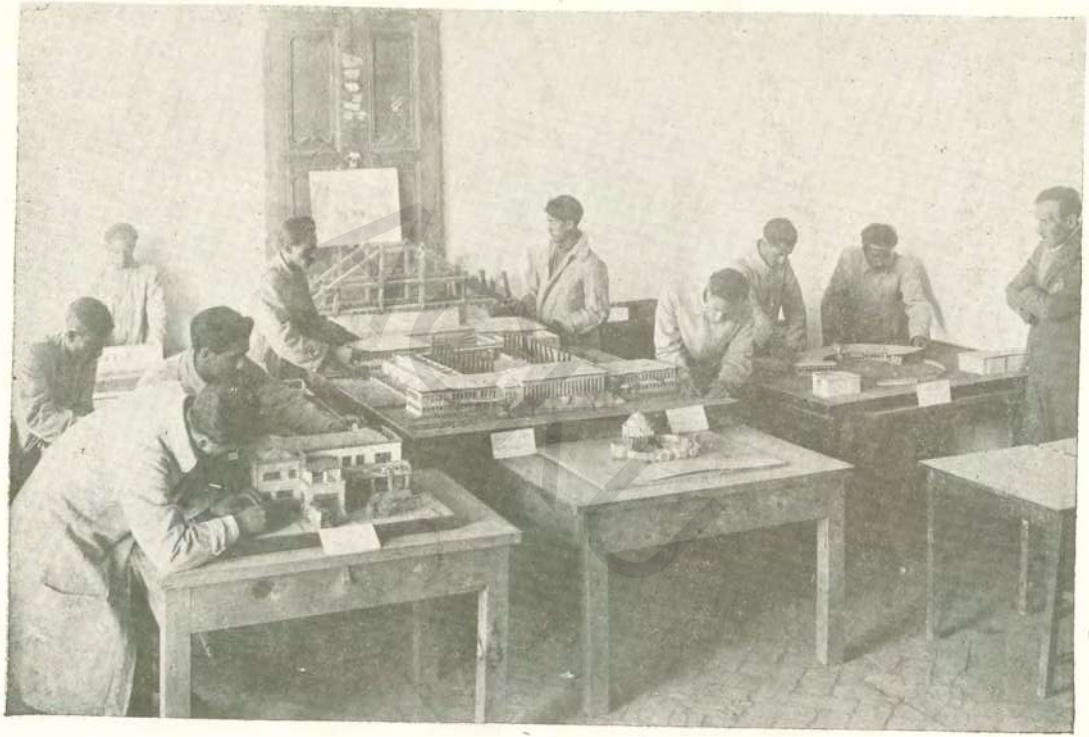
از کار روائی های وزارت معارف ، شعبهٔ جدید التاسیس لیتوگرافی (مشق بالای سنگ)

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de littographie en plein travail



از کار روائی های وزارت معارف ؛ صنف مهندسی مکتب صنایع در وقت کار

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de l'architecture en plein travail



از کار روائی های وزارت معارف ، شعبهٔ مهندسی مکتب صنایع در وقت ساختن نمونه های عمارات

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de l'architecture en plein travail

این بود خلص معلوماتیکه میتوان از مکتب صنایع نفیسه به عرض قارئین رساند، وچون این مکتب از یك طرف مورد توجه مخصوص ذات شاهانه میباشد و از طرف دیگر در راس آن جناب عبد الغفور خان « برشنا » که یکی از جوانان حساس ومطلع این خاك بوده اهلیت دارترین فردی برای این کار میباشند، جا دارند، امید است همچنان که از بدو تقرر خود تطور محسوسی را در تمام شعب این مکتب بوجود آورده اند، در آتیهٔ قریبی مأمولی را که حکومت متبوعه و اولا حساس این وطن ازین قبیل مؤسسات عمده انتظار میبرند بسر آرند.

صنایع ظریفهٔ هم مظهر و تجلی جمال طبیعت وهم معرف ذوق ومهارت افراد بشر است.

« یکی از علمای معاصر »

نباتات مشهور و معلومات طبقات الارضی حصص مختلفهٔ افغانستان

بقلم جناب محمد زمانخان متخصص
و مدیر عمومی زراعت

مقالهٔ که در ذیل این سطور درج میباید ، یك قسمت معلومات مفیدی را نسبت بزراعت و اوضاع طبقات الارضی حصص مختلفهٔ افغانستان در بر داشته ، این معلومات را نویسندهٔ محترم در اثر گردش و معاینهٔ شخصی خویش و یارهٔ اطلاعات موثوق دیگر و از روی کتب معتبره فراهم نموده اند ، تنها درین مقاله راجع باوضاع زراعتی و طبقات الارضی ولایت کابل و ولایت مزار شریف و حکومت اعلای میمنه ذکری نیست که انشاء الله تعالی برای سال آینده نویسندهٔ موصوف معلومات آن حصص را نیز گرد آورده ، برای درج سالنامه ۱۳۱۶ حاضر خواهند فرمود . بنابران ذیلاً به ترتیب جغرافیائی حصص مشرقی وجنوبی ومغربی افغانستان را پی هم تذکار مینمائیم . « انجمن »

چند کلمه بقسم مقدمه

درجهٔ تمدن و طرز معاشرت انسانها آنقدر ها با استعداد و حاصلات نباتات آن علاقه مندی دارد که از دانستن انواع نباتات و خصوصیات زراعتی یك مملکت میتوان به چگونگی ثروت و صنعت و تجارت آن مملکت پی برد . ساختمان طبقات الارضی یك مملکت نیزبالای نوع صنعت و مشاغلت ملت اثر دارد . مما لیکه درآن از فیض و مساعدت آب و هوای معتدل و بارانهای متواترشرایط نموی نباتات گوناگون فراهم شده است فی الحقیقت ممالکی اند که در تهیهٔ اسباب معیشت و وسایط ترقی ممکنه دست قدرت بما آنها کمك زیادی نموده است .

اگرنگاهی به ترقیات صنعت وتجارت موجودهٔ دول متمدن نمائیم می بینیم که کارخانه های بزرگ صنعتی و معاملات مهم تجارتی محتاج بمواد اولیهٔ کارگه آنرا مواد خام نامند ، بوده ، تنها ایجاد کارخانه های بزرگ برای یك مملکت کافی نیست ، بلکه مهم ترین همه مسائل مسئلهٔ تهیهٔ مواد خام است که بیشتر ازهمه جلب توجه رامینماید ، حال آنکه اکثر مواد خام که امروز بتوسط آن فابریکه های دنیابحرکت ومحور تجارت عالم برآن استوار است مدعا از انواع مواد حیوانی ونباتی بوده چون زندگی حیوان نیز بحیات نبات منوط است ، میتوان گفت که اساس ترقی موجودهٔ تجارتی دنیا تهیهٔ مقادیر بزرگ مواد نباتی بوده ترقی امور زراعتی یك مملکت منتج بترقی امور صنعتی و تجارتی آن مملکت میگردد .

وطن عزیز ما افغانستان ازجهت اینکه درمنطقهٔ متعدلهٔ کرهٔ ارض واقع بوده وسایط نموی اکثر نباتات در آن مهیا است، ازمالکی است که از نقطهٔ نظر زراعت خیلی مهم بوده مساعی که در توسعهٔ امور فلاحتی درین خطهٔ پاك از توجهات حکومت ترقی پرور ما بعمل می آید ذرایع فلاح وآرامی هموطنان مارا تهیه خواهد نمود .

نباتاتیکه بحالت طبیعی دریك منطقه دیده میشوند نباتاتی اند که ازتوسعهٔ زرع آن فوائد بزرگی به انسان رسیده زحمات انسان به هدر نخواهد بود . بالعکس آن قسم نباتاتیکه مصنوعاً از یك محیط دیگرداخل یك وطن کرده میشود ازلحاظ مخالفت آب وهوا یقین کلی نیست که از ترویج زرع واعتیاد مصنوعی آن بمحیط وطن نتیجهٔ مثبتی ازان گرفته شود . دریك ناحیهٔ زراعتی که آب وهوای مخصوصی دارد تنها آن نوع نباتات را درآن زرع باید نمود که بحالت طبیعی درآن ناحیه دیده میشوند . مثلاً آب وهوای قطغن و بدخشان برای زرع پنبه ، کوکنار ، بادام و غله جات مستعد است ازهمه پیشتر باید دران نواحی زراعت اقسام نباتات فوق را ترقی بدهیم . لهذا برای دانستن خواص زراعتی یك زمین و شرایط آب و هوای آن اول ترازهمه باید دانست که نباتات طبیعی ومشهور آن زمین کدام اند . دربن نگارش بحث ما بالای این نکته مهم که (نباتات مشهور افغانستان کدام است) بوده امید میرود که زحمات ما منتج به استفادهٔ قارئین محترم گردیده بیحاصل نماند . ضمناً بعضی معلومات طبقات الارضی نیز درمقالهٔ هذا تحریر میشود .

۱ ـ حصص شمال شرقی افغانستان

ترکیب کیاوی وخواص طبیعی وساختمان طبقات الارضی یکحصه زمین آنقدر ها بالای تفریق وتعیین نباتات آن اثرانداز است که بدون دانستن مسائل فوق استعداد وقابلیت زراعتی آن زمین را فهمیدن مشکل است. یکی ازعوامل مهمهٔ حیات نباتات یك ناحیه شرایط آب وهوای آن ناحیه است که نوعیت وماهیت نباتات آن را بدون دانستن آب وهوا نیز کسی فهمیده نمی تواند، لهذا پیشتر از تشریح اقسام نباتات لازم است راجع به اوضاع طبقات الارضی چیزی بنویسیم.

نواحی قطغن وبدخشان:

از نقطهٔ نظر طبقات الارضی نواحی قطغن وبدخشان را مربوط به تشکیلات دورهٔ جدید (Nlóogéne) که متعلق بزمانهٔ ثالث Tertiaire است دانسته در خصوص قابلیت و قوهٔ زراعتی اراضی حصص فوق چون هرکدام آن بحصه های متعدد ومختلف طبقات الارضی منقسم است، معلومات کافی که همه را دربر گیرد داده نتوانسته اینقدر گفته می‌توانیم که دورهٔ نیوژن بدو حصه منقسم است: ـ (۱) میوسن Miocène و(۲) پلیوسن Pliocène. ساختمان طبقات الارضی بدخشان متعلق به طبقهٔ هلو یسیان میوسن Helvétien de miocéne است لهذا عموماً اراضی بدخشان از (فلن Fluns) یعنی طبقهٔ ها ریگ های آهکی Grés et Conglomérats تشکیل یافته که بعضی اوقات دانه های آن باهم چسپیده بصورت گوله های نمك خصوصیت دارد چنانچه نمك زار بدخشان شاهد آن است. اراضی بدخشان برای زراعت

نباتات تجارتی از قبیل گندم وکوکنار ولبلبوی قندی واقسام دیگر غله جات خیلی مستعد است . از نقطهٔ نظر طبقات الارضی اراضی قطغن با اراضی بدخشان با بعضی استثنا آت محلی مشابه است و از عهد میو سن Miocene محسوب میشود . ترکیبات طبقات الارضی شهر خان آباد و اطراف آن نیز مانند بدخشان ازحیث خواص تحت‌الارضی بطبقهٔ (هلویسیان میوسن) متعلق ودارای ریگهای آهکی ونمك زار است . رنگ نمك مذکور خاکی بوده ضخامت آن تقریباً بده متر میرسد .

ازحیث زراعت در ولایت قطغن و بدخشان دو قسم زراعت دیده میشود : یکی زراعت طبیعی که به آب باران بعمل آمده بواسطهٔ رود بار آب یاری نمی شود و آن را زراعت لیلمی می گویند . و دیگری زراعت مصنوعی که آبیاری آن ذریعهٔ انسان بعمل آمده بدون دادن آب رودبار امکان پذیر نیست که زراعت آبی نام دارد .

علاقه جات مربوطهٔ قطغن :

در خان آباد حصهٔ لیلمی کاری به نسبت آبی کاری زیاده تر است. لاکن زراعت آبی کاری رو به ترقی است . لیلمی کاری بدخشان عموماً بالای تپه ها بعمل می آید و آبی کاری آن درمیدان ها می شود . در میدان های آبی گندم و جو و برنج لك و باریك و ماش و جواری و نیشکر و پنبه وزغر و حنا زرع می شود .

زراعت سبزیکاری نیز معمول است . لاکن شالی کاری زیاده تر است . در اراضی لیلمی ،گندم ، جو ، نخود ، کنجد ، زغر زراعت میشود . چیز یکه

مهم است فالیز لفی خربوزه و تربوز است ؛ خربوزهٔ لفی که بزمین های وسیع (ده ویران) زراعت میشود نسبت بمقامات دیگر خوب تر وناز کتر وشیرین تر میباشد . درنواحی خان آباد اراضی جنگلی که بالتدریج ذریعهٔ اهالی به اراضی زراعتی تبدیل شده میرود زیاد است . لاکن محلا تیکه در آن جنگل های طبیعی و درختان قوی دیده می شود ، امید است بتوجه حکومت ترقیخواه ما بتوسیع و ترقی آن بیشتر پرداخته آید . در خان آباد از قبیل فوا که توت و گیلاس و زرد آلو و آلوچهٔ کوک سلطانی و بهی و آلو بالو و سیب و تاك و عناب وسنجد یافت می شود . لاکن مقدار سیب وتاك اندك است . امیداست در غرس اشجار مذکور و تربیهٔ آنها توجه بیشتر کرده شود .

برنج باریك خان آباد مشهور است . درین اواخر از فیض توجه حکومت متبوعهٔ ما زراعت پنبه و کوکنار در نواح قطغن و بدخشان ترقی زیادی نموده است و بهزار ها خروار تخم پنبه رایگان ذریعهٔ بانك ملی باهالی توزیع و زرع پنبه عملی شده است .

در بغلان که برای زراعت لبلبوی قندی از حیث داشتن آب وافر و حرارت کافی و میدان های زراعتی وسیع خیلی مساعد است لبلبوی قندی جنس چکسلواکی و آلمانی بقسم تجربه زرع شده و نتیجهٔ محصوله اطمینان بخش بوده است . مقدار قند در لبلبوی مذکور هژده و نیم فیصد بوده برای اینکه تعمیر فابریکهٔ قند مفید ثابت شود خیلی اطمینان بخش معلوم می شود .

نقشهٔ (تکیو متریك) بغلان نیز ذریعهٔ وزارت تجارت گرفته شده شرائط موفقیت بغلان برای زراعت لبلبوی قندی و تعمیر فابریکهٔ قند سازی که حصهٔ بزرگ احتیاجات قند مملکت را رفع کرده میتواند خیلی مساعد است .

در ده ویران و شوراب با اینکه ماش و شالی و جواری و دیگر انواع نباتات بطوریکه لازم است میروید اما چنانچه بیشتر ذکر نمودیم مخصوصاً قالیز کاری و خربوزه های آنجا از قبیل قندك و امیری و بخشی بیگی و تاش محمد کوسه و غیره شهرت تامی دارد .

اندراب :

مابین دهات اندراب و سمندان سنگ های ساقی یعنی گرانیت Granites که سنگ خارا نیز نامیده می شود بمقدار زیاد موجود است . در بین گرانیت ها یمذکور سنگ های سلیت Shiste به ضخامت یك دسی متر تا چند متر مشاهده میشود .

به نزدیك سمندان سنگ سلیت و سلیت ابرك دار به استقامت جنوب و مغرب بمقدارمهم بملاحظه رسیده است . درسنگهای سلیتی‌مذکور بقایای حیوانی دیده نمی شود . علاوه براحجارفوق یك گونه سنگ دیگر نیزدیده شده است که ریولت نام دارد و اجزایش کوارتز Qwartz (لعل بدل) و آرتوز Orthose و البیت Albits است . دراراضی اندراب کانگلومیرا Conglomérats یعنی ریگ و سنگ که بواسطهٔ آهك با هم عجین شده زیاده است و اگر اجزای اراضی مذکور ریزه باشد زراعت اشجار مثمر وغیره نباتات نتیجهٔ خوب میدهد .

ارتفاع محال اندراب (۲۶۰۰) فت وحرارت تابستانش ۹۵ درجهٔ فارن هایت است . خوست و فرنگ و خنجان ورباط نوبهار و رباط دشت شیر وتل میرغاز رباط های مشهور و جاهای صیفیه بشمار میرود . تل میر غازی بسیار سرد و

بالای آن حوض مصفا و در ختهای بسیاری است . در قشلاق سراب اندراب چشمهٔ موجود است که از بدایع طبیعت و آبش جوشان است که تخم مرغ را در ظرف چهار دقیقه می پزد .

در املاك آبی آن : گندم ، جو ، شالی ، برنج لك ، جواری ، باقلی ، ارزن ، مشنگ ، شاخل و شرشف زراعت می شود . در زمین های للمی آن گندم للمی و جو و نخود للمی میکارند . لیکن املاك آبی اندراب به نسبت للمی آن بیشتر است . زراعت للمی اندراب مانند للمی کاری خان آباد و نواح آن حاصل فراوان نمیدهد .

اندراب سیب وناك بسیار خوب و انگور و چهار مغز و زرد آلو وشفتالو و توت و خربوزه و تربوز وافر دارد ، آلوچه کوك سلطانی ، آلوبالو بمقدار کثیر موجود است . اهالی اندراب اکثر از زراعت کسب معیشت می کنند ، هوای اندراب سالم و حتی به اندازهٔ کابل تحسین کرده می شود ، آب آن بسیار خوشگوار است . بر مقامات بلند اندراب بیاز و سیر کوهی ورواش وشقاقل وپسته وبادام تلخ وسمارق وقوزه قرنی وکندوگك که اهالی آنرا جوش داده و نمك زده مانند کچالو میخورند موجود است هنگ (انگوزه) که نباتیست طبی نیز پیدا میشود . بتهٔهنگ ازده تاپیست سانتیمتر اززمین بلندشده برگهای طویل و برش دار دارد ، از دور بوی بتهٔ مذکور محسوس میشود . اهالی بتهٔ مذکور را از حد ساقه قطع نموده بدور حصهٔ مقطوع سنگها را میگذارند تا محفوظ مانده ازحصهٔ قطع شده لعابی می برآید نصواری رنگ که در اثرتماس هوا منجمد شده قابلیت جمع شدن را پیدا میکند . مادهٔ نصواری رنگ مذکور هنگ است که بمقابل بسا امراض معدوی خصوصاً کرم معده و کرم

بوده خیلی مجرب است ، در اندراب ومربوطات آن چمن های خوب و علف زار های مهم نیز موجود است که برای تربیهٔ حیوانات اهلی مفید میبا شد . شهرت اسپ های اندراب نیز از همین حیث علف زار های وسیع کوهستاناتش می بـا شد .

خوست و فرنگ :

خوست از چهار طرف محدود بکوه ها بوده خودش نسبتاً در زمین پست واقع شده است هوایش چندان خوشگوار نیست درسردی سرد و درگرمی خوب گرم بوده ارتفاعش از سطح بحر (۵۴۵۰) فت میبا شد لاکن چیزیکه مهم است این است که دراطراف و نواحش جنگلهای ارچه و دولانه و پشال زیاد است . درفرنگ جنگلهای مذکور کمتربنظر میآید لیکن آب وهوای فرنگ نسبت بخوست خوبتر و مرغوب تر وارتفاعش ازسطح بحر (۵۸۵۵) فت است . درخوست وفرنگ زراعت للمی موجود نبوده هر چه است آبی است . جو وگندم وشاخل وارزن و شالی و برنج لك ورشقه در آنجا زرع میشود . توت ، گلاس ، زرد آلو ، شفتالو ، انگور ، سیب وچهارمغز بمقدار زیاد و بهی بمقدار کم موجود است .

غوری :

درجهٔ حرارت غوری درتابستان (۹۹) فارن هایت (۱) و بلندی دهنهٔ غوری (۲۵۰۰) فت است . اکثر اهالی غوری زراعت پیشه اند . سرتاسر غوری آبهای جاری دارد و در اراضی آن عموماً گندم وجو ، ارزن ، باقلی و مشنگ

(۱) مقیاس یامعلوم کننده درجهٔ حرارت .

شاخل و پنبه و برنج باریك وغیره میروید ازقسم میوه : انگور ، سیب ، توت ، تاك ، زردآلو ، شفتالو ، تربوز ، خربوزه یافت میشود ، پسته وبزغنج وهنگ نیز دارد که اهالی آن راجمع نموده تجارت میکنند . آب وهوای غوری نهایت خوشگوار ، اما هوایش در تابستان نهایت گرم است و پشهٔ بسیاری دارد که مضرت که آن بدرجهٔ است که خون اسپ ها را مکیده آنها را ضعیف ولاغر میسازد . بغلان از نقطهٔ نظر زراعت واواع نباتات باغوری مساوی است لا کن شالی کاری برنج باریك دران زیاده تر میباشد .

دوشی و کیله گی و تاله وبرفك :

ارتفاع تاله وبرفك از سطح بحر (۴۳۳۰) فت است. زراعت دوشی و کیله گی و برفك بازراعت غوری مشابهت دارد اما در دوشی برنج لك خوبتر میشود . قرب دوشی طبقات آهکی وتباشیری دیده میشود .

حضرت امام صاحب :

حرارت موسم تابستان این ناحیه ۱۰۴ درجه فارن هایت است . املاك للمی کاری در ینجا معمول نبوده از جملهٔ مزروعات آبی کاری جو ، گندم ، شالی ، جواری ، ماش و باجره ، زغر و رشقه و نخود وکنجد وپنبه و غیره انواع تر کاری و فالیز تربوز و خربوزه است .

از اقسام فواکه مشهور ، توت ، زردالو ، شفتالوی بسیار و انگور اندك موجود است . به نزدیك دریای آمو به علاقه حضرت امام صاحب جنگل بزرگی است که تقریباً ۶۰ کیلو متر طول و از ۳ تا ۶ کیلو متر

عرض دارد . در میان جنگل مذکور شکار آهو و گوزن و شیر و مرغ دشتی و خرگوش و غیره ممکن است .

قندوز :

در موسم تابستان حرارت شهر قندوز و نواحی آن به ۱۰۳ درجه فارنهایت می رسد . مثل شهور یکه میگویند: گفته می «مرجوا هی قندوز برو» ازحقیقت عاری است زیرا که قندوز از نقطهٔ نظر موقعیت و خوبی آب وهوا وقابلیت زرع اراضی خیلی جالب توجه است . قندوزکهن مدعا از قلعهٔ کهنهٔ است که در جای بلندی واقع بوده ، در سه طرف آن خندق ها وعلایم برج های کهنه ودروازه ها و بالا حصاربه نظرمیرسد . ونهر (کورتیه(مشهور بسیاه آب از بین قلعهٔ وبالا حصار مذکور میگذرد و با آب خان آباد متصل شده بدریای کلان یکجا میشود . لاکن فی الحال از توجهات حکومت ترقی پرور ما شهر جدیدی در قندوز تعمیر شده که دارای جاده های وسیع ودکان های جدید وعمارات متعددی میباشد .

آیندهٔ عمرانات شهرجدید قندوز روبترقی است . اراضی قندوز برای زراعت هرگونه نباتات خیلی مستعد است . واملاك مذکور آبی است ، زمین للمی در قندوز پیدایش ندارد . در قندوز یك نهر از دریای خان آباد و دو نهر ازدریای غوری آمده اراضی آن را آب میدهد ، درقندوز موسوم باغی بیاغ چهل دختران موجود است که باغ مذکور خیلی قدیم و متعلق به دولت بوده دروسط خودصفهٔ وسیع دارد که وسعت آن ۳۰متر بوده و۱۰متر ارتفاع آن است .

ازقسم غله جات گندم آبی وجو وجواری و برنج میکارند وحاصل فراوان میبردارند . علاوه بران در زراعت تخود وکنجد و پنبه وبعضی ترکاری ها نیز

مشاغلت میورزند . زراعت پنبه درقندوز روبه ترقی است . اقسام میوه نیزدرقندوز یافت میشود مثلاً انگور بسیاراعلی وسیب و ناك وانجیروخربوزه وآلوچهٔ کوك سلطان وتوت وغیره . به لحاظ اینکه املاك وآب وهوای قندوز برای زراعت بسیار قابلیت دارد ، زراعت این ناحیه نیز ترقی زیادی حاصل خواهد نمود ، قندوز ، جنگلهای متعددی دارد یکی ازجنگلهای آن شرقاً واقع بوده ۸ کیلومتر طول و۸ کیلومتر عرض دارد . بطرف شمال قندوز دوجنگل دیگری است که یکی ۱۶ کیلومتر در۳ کیلومتر است ودیگرآن ۱۰ کیلومتر دره کیلومتر ، در جنگلهای مذکور شیر و شغال و گرك و مرغ دشتی و مرغابی وقاز ولگ لگ وروباه بکثرت وجسود دارد. علاوه بران در جنگل کلان که تا رود آمو امتداد یافته است گوزن هم دیده شده است . بلب دریای خان آباد درنواحی قندوز شکارسگ آبی نیزبعمل میآید. ماهیان بزرگ حتی بوزن دوازده سیر (۸۰ کیلومتر) هم دردریای خان آباد شکار میشود.

درکوه (قره ماتور) که بین قندوز و بغلان واقع است ، جنگل پسته موجود است.

تالقان :

موضعی است. وسیع و آب هوای آن متعدل است . باوجودیکه در زمستان چند دفعه برف هم میبارد لاکن به زودی آب شده اثری ازآن باقی نمیماند . آب های جاری و باغ های متعدد و میوه های زیاد دارد . باغ مشهورو وسیعی دارد که انواع اشجار در آن موجود و دارای حوض های مصفا است . به نزد یك تالقان دریائی عبور میکند .

زراعت نواحی تالقان دو نوع میباشد . یکی آبی و دیگری للمی .

در املاک آنی اکثر شالی کاری میشود ، جو کمتر زرع میکنند . جواری و گندم و ماش میکارند . در اراضی للمی جو و گندم و زغر و ارزن و فالیز خربوزه و تربوز و پنبه و گنجد زرع میشود . لاکن خربوزهٔ تالقان بهتر و اعلی است .

دراطراف قریهٔ تالقان کسب عمومی اهالی دهقانی است . یکی از مربوطات تالقان موضع نمک آب است که بقرب آن یک جنگل ارچه و بادام تلخ وزرشک وغیرهٔ موجود است . زرع گندم للمی وجو و زغر و فالیز کاری در انجا رواج دارد .

کلفگان :

موضع دیگری است که از نواحی تالقان محسوب و ٤٠ کیلومتر دورتر از تالقان بحصهٔ شمال واقع است . هوای کلفگان سرد و لطیف است و آبهای آن از چشمه هاست . زراعت این موضع للمی است و جو گندم و زغر و فالیز کشت میشود . متاسفانه باوجود استعداد زمین وخوبی هوا غرس اشجار درین ناحیه بقدر کافی نشده است .

فرخار و ورسج :

این دو موضوع علاقه داریهای مربوط حکومت تالقان است . درجهٔ حرارت این دومقام ۹۲ درجهٔ فارن هایت است . فرخار آب وهوای خوب وبکابل مشابهت دارد ارتفاع آن از سطح بحر تقریباً ٤٤٥٠ فت وبفاصلهٔ ٤٠ کیلو متر از تالقان واقع است . کوهای فرخار دارای جنگلهای پسته و بادام تلخ و ارچه و ارغوان و بید وگز و زرشک است . شکار آهو نیز درنواح فرخار ممکن است . درخت سیب وزردآلوو گیلاس وشفتالو و تاک و انگور وچهار مغز و سنجد

و آلوچه و بهی به تعداد کافی در فرخار موجود است . املاک فرخار آبی و للمی است و مزروعات آن گندم و جو و ارزن و زغن و نخود وشاخل و شالی است .

ورسج نیز آب و هوای مرغوب دارد و میوه های خوب درآن جا پیدا میشود . در نواح ورسج درهٔ موسوم به درهٔ (طرشت) موجود است که از طرف مغرب درهٔ مذکور آبی می آید که آبشار مرتفع و زرگی را تشکیل میدهد که برای فابریکهٔ برق اهمیت زیادی دارد .

کوههای ورسج دارای جنگلهائی است که در آنها ارچه سرخ و یخمن و بقام دره کتو وبیوا سفیدارهای کلان و قوی تر ازچنار بسیاراست مرغابی زیاد درایام سرما در حوضهای ورسج شکار می شود . یك گونه لالهٔ سفید هم در ورسج موجود است که اهالی بیخ آنرا که مشابه به پیازاست جوش میدهند و بعد ازان آنرا پوست کرده میکوبند تا که برنگك نشائسته قوام گیرد . مادهٔ نشائسته رنگ مذکور را بعد ازان در شیر جوش میدهند ، یك خوردنی شیرین وخوش مزه ازان مانند شیر برنج وعسل بعمل می آید . علاوه بر آن گرفس و سمارق قرنی نیز در ورسج پیدا میشود . اهالی ورسج اکثر بدهقانی مشغول اند . للمی کاری شان کم وزراعت آبی شان زیاداست جو و گندم وباقلی ومشنگ میکارند . قوا که درینجا به نسبت فرخار کمتر است .

نهرین :

درموسم تابستان حرارت نهرین ۹۸ درجه است . موقعیت و آب وهوای مرغوبی را داراست ، جنگلهای پسته نیز زیاد دارد لاکن بادام درجنگلهایمذکور

اندك است ، اراضی اکثر للمی و یکمقدار کم آن آبی است . درهٔ خواجه هجران یکدرهٔ تنگی است که مسافت ۱۰ کیلومتر دورتر از نهرین وقوع داشته دارای یك معدن زوغال سنگ است ، زمین های خواجه هجران با عموم للمی و کمی از آن آبی است .

چال واشکمش :

اراضی وسیع وچمن های بسیار و علف زارهای خوبی درچال واشکمش موجود است ، جنگلهای ارچه و دولانه و بادام کوهی و پستهٔ زیاد نیز دارد ، اراضی مذکور زیاده تر للمی است و کمی آبی . دراراضی مذکورگندم وجو و زغر ، نخود و شالی وپنبه و جواری میکارند . از قبیل میوه ها ، توت ، زرد آلو ، انگور وسیب یافت می شود ، شفتالو و خربوزه و تربوز نیز موجود است .

علاقه‌جات مربوطهٔ بدخشان :

بدخشان یکی از علاقه جات مشهور افغانستان است که بسمت شمال مشرقی واقع بوده دریای پنج که دریای آمویه نیز نام دارد ، بجوار آن جریان دارد . در بدخشان اقسام پیدا وار مهم گندم و جو ونخود وباقلی و کوکنار و زغر و کلول و مشنگ و ارزن بعمل میآید . حصهٔ اراضی للمی کاری زیاد است و دربعضی مواضع اراضی آبی نیز دیده میشود . اما امتیاز مهم اراضی بدخشان این است که در زمین های للمی آن تقریباً هر گونه نباتات زراعت شده میتوانند و هر رقم غله و هر قسم میوه خصوصاً درجرم و بهارك و زردیو و اشکمش و شغنان موجود است ، در بهارك و رستاق سیب آن شهرت زیادی دارد .

ازحیث آب وهوا ، بدخشان دارای جمع شرایط مطلوبه بوده هوایش سالم و آبش خوشگوار است . بنابران درین منطقه امراض کمتر دیده میشود ، و مواشی از هرنوع مثل بز ، وگوسفند و اسپ و غیره تربیه می شود ، گو سفند رقم (کدك) در بدخشان مشهور وبه نسبت قطغن زیاد تر است .

بدخشان دارای کوهستان های زیاد است خصوصاً در اطراف شمالی و جنوبی خود ، لهذا مواضع برف گیر وسرد بسیار دارد .

ازقسم معدنیات ، بدخشان شهرت زیادی دارد . معدن لعل و لاجورد و چودن و سرب و گوگرد درآنجا موجود میباشد .

در محال راغ و یفتل و در واز زیره که پیدا وار خیلی باقیمت است و جود دارد ، و در نواحی رستاق و در واز عموماً پسته و بزغنج زیاده تر است .

دربدخشان خصوصاً درعلاقهٔ در واز گرگ ور وباه و سیاه گوش و خفك زیاد موجود بوده پوست آن از جملهٔ اشیای تجارتی باقیمت بشمار میرود ، کبك و چرده در تمامی مربوطات بدخشان خصوصاً در حدود کشم و درائم بسیار شکار میشود . درحصص هموار جرم افسنتین و درحصص بلند آن شقاقل بمقدار زیاد موجود است ، نباتات مذکور درطب اهمیت زیادی دارد .

بنفشه و سمارق در جمیع نقاط بدخشان دیده میشود . زرشك و قره قات نیز در ملحقات بدخشان خصوصاً در زر دیو زیاده تر موجود است . ممیره که برای امراض چشم خیلی مفید است در پامیرات و بروغیل و زر دیو وشغنان و بوشیوه وافر است . و گیاه ریوند هم به نظر میرسد .

درتمام نقاط بدخشان گیاه (گور) نیزموجود است که برای معالجات طبی خیلی مفید ثابت میشود . چیزیکه مهم است این است که در بدخشان و نواح

آن اراضی قابل اصلاح که بعد از مصرف و توجه لازمه قابلیت زراعت را پیدا کند زیاد است و مادر اینجا مشهورترین مواضع آن را تحریر میداریم :

۱ : درموضع بهارك جائیست که مشهور بدشت افراخ بوده تقریباً ۱۰ کیلومتر طول و۷ کیلو عرض دارد ، وآوردن آب ازدریای (وردوج) برای مزروع ساختن اراضی مذکور امکان پذیر میباشد .

۲ : در مقام جرم یك دشت به نزدیك شاه ناصر مشهوربدشت (نیولج) معروف است که اراضی هموار و مرغوب دارد و از رود (یزغس) بر آن آوردن آب ممکن است . درتحت آب مذکور اگر آورده شود تقریباً از ۱۰ تا ۱۲ هزار جریب زمین آباد وقابل انزوع میشود .

۳ : در اشکاشم زیاك نیز دشتی است که آب هم دارد اما قدری توجه لازم است که جویش وسیع تر و آبش زیادتر شود .

٤ : در مشهد کشم دشتهای فراخی است که آب وافر هم دارد و در تحت آبها یمذکور گنجایش آبادی زیاد است .

حصهٔ طبقات الارضی بدخشان متعلق به عصر نیوژن وسطی است Néogène moyen که بطور صریح تر بنام دوره (پلیوسن Pliocène) یاد میشود . چنانچه طبقات نمك بدخشان این نظریه را باثبات میرساند

در بعضی جاها اراضی دشتی و ریگی که در آن سنگریزه های زیاد موجود است دیده میشود که مخصوص نیوژن علیا Néogène supérieur است که بطور صریح تر بنام میوسن Miocène یاد میشود . ودراکثر جاها اراضی از آهك ریگی (یعنی ریگ و آهك بلهم عجین) ساخته شده است .

اینچنین اراضی متعلق به نیوزن وسطی یعنی پلیوسن میباشد .

اراضی نیوژن یا جدید با شرط بودن آب جملهٔ اراضی حاصل خیزوقابل الزراعت محسوب است . چنانچه اراضی بدخشان وملحقات آن این نکته را روشن وثابت میسازد .

مرکز بدخشان فیض آباد است که ۴۵۰۰ فت ارتفاع دارد و هوای تابستان آن ۱۰۰ درجهٔ فارن هایت بوده زراعت فیض آباد تماماً للمی کاری است اما قوا که واشجار هم دارد .

ناحیهٔ (ارگو) که ۵۹۳۰ فت بلندی دارد وهوایش به نسبت فیض آباد سرد تراست ، اراضی بسیار حاصلخیز دارد . اکثر للمی کاری دران مروج است . گندم للمی را اکثر درمیزان وکمتر درحل تور وجوزا میباشند وتخود وزغن وفا لیز تربوز وخربوزه را نیز طور للمی میکارند ، و حاصل آنرا درماه سنبله ومیزان میبردارند . در ارگو قوا که کمتر است ، هوای ارگو سرد وبرف گیر میباشد .

درهٔ یفتل که از موقعات فیض آباد است ، املاک للمی که دران گندم وجو زرع میکردد زیاد دارد و زراعت آبی کمتر . آبادی فیض آباد هر خصوص غله ازنواحی یفتل و ارگو ودرائم است .

کشم و درائم و تشکان :

ناحیهٔ کشم از موقع کلفگان بفاصلهٔ ۳۶ کیلو متر بسمت شرقی واقع است و ۴۲۸۰ فت ارتفاع دارد وهوای خوب وسالم وقوا که مرغوبی را داراست .

توت وزرد آلوی آن از همه جا بهتر است ، زراعت جو وگندم وزغر وغیره نیز مروج است .

موضع مشهد بمسافهٔ ۱۲ کیلو متر از کشم دورتر واقع است و در از منهٔ سابق اراضی مزروعه و حاصلخیزی رادارابوده است . کنون بواسطهٔ بی اعتنائی اهالی به جبه زارها وچمن زارها وجنگلها تبدیل شده است . امید که از توجه حکومت بزودی اصلاح و دوباره باراضی مزروعی تبدیل داده شود .

ناحیهٔ تشگان :

درمیان درهٔ واقع است که درآن دریا جریان دارد و دو طرف درهٔ مذکور درخت ها وآبادی دیده میشود . هوایش برای زراعت مناسب است اما اراضی که درآن کشت وکارشود بمقدار کافی موجود نیست ، درائم ناحیهٔ دیگری است که نسبتاً زمین های مزروعی خوب تری دارد . لاکن اکثریهٔ آن بصورت جبه زارهائی بوده هوای خوب ندارد ، درجبال درائم پیازوسیر کوهی هم موجود است . زراعت درائم به نسبت زراعت تشگان مهم تر وزیاده تراست ، در تشگان و درائم وکشم علاوه بر گندم و جو و قالیز کاری و شالی کاری و زراعت پنبه و نخود و ماش و شرشف و شلغم نیز مروج است توت و گیلاس و زردآلو و آلوچه و آلو بالو وآلو بخارا و سیب وناك و انار و بهی و انگور و خربوزه و تربوز نیز در محلات مذکور پیدایش دارد و فواکهٔ مذکور به فیض آباد برده می شود .

ناحیهٔ راغ :

در راغ املاك للمی زیاده و املاك آبی کمتر و اراضی مذکور حاصل خیز است ، جو و زغر و ارزن و کنجد بصورت للمی زرع می شود . از جملهٔ

ترکاریها شلغم و ترب نیز دارد . در قشلاق یاوان که مربوط به راغ است و آب از دریا بزمین های شان میرسد ، توت ، زردآلو ، شفتالو ، خربوزه ، تربوزنیز یافت میشود ، و در قشلاقهای دیگر که زراعت شان لیمی است فواکه نیست ، لاکن درخت های بید و عرعر دارد .

مال داری و تربیهٔ حیوانات نیز در راغ مروج است و از شیر آن روغن ، فروت کشیده تجارت آن را به فیض آباد می کنند .

علاقهٔ جرم :

علاقهٔ جرم بفاصله ٤٨ کیلو متر از فیض آباد دور و بجنوب آن واقع است و ارتفاعش ٥٦٥٠ فت است . اراضی وافر وهوای مرغوب و آب و هوای سرد دارد ، زراعت اهالی جرم اکثر گندم و کو کنار وزغر است . در بین جرم در یای کوکچه که اهالی در آن زرشوئی می کنند ، روان است . اشجار و باغات کثیری در جرم دیده می شود . فواکهٔ لذیذی دارد مثلاً توت و زردالو و سیب و ناك و شفتالو و گیلاس وآلو بالو وچهار مغز وآلوچه و شاه توت و غیره میوه ها در آن بسیار است . انگور و خربوزه و تربوز آن کمتر است و اراضی آن خیلی حاصلخیز میباشد . ناحیهٔ جرم آبشار های زیاد دارد .

یکی ازعلاقه جات ملحقهٔ جرم درهٔ خاش است که تقریباً بفاصلهٔ ٢٤ کیلو متر از جرم دور تر بالای کوهی واقع بوده ٧١١٠ فت ارتفاع و آب و هوای سردی را دارا است . اشجار میوه دار ندارد و تنها درخت بید و سفیدار در آنجا موجود است. زراعت شان گندم وجو است ولیمی کاری به نسبت زراعت

آبی زیاده تر بوده سرغزار ها و چمن ها و چراگاهای خوبی را مالک است . زراعت کوکنار نیز رواج دارد .

دیرتگاب وردوج که یکی ازملحقات جرم محسوب است جو و گندم و باقلی و ارزن و مشنگ و کلول در برج حمل و ثور زرع می شود .

بهارك و درهٔ زردیو :

بهارك بارتفاع ۵۵۰۰ فت و به مسافهٔ ۱۲ کیلومتر راه دور از مبجوج زردیو بیك مقام مرتفع وسیع و آب و هوای خوش واقع است . دریای زردیو در عرض راهش دیده می شود و علاوه بر آن براه مذکور یك جنگل زرشك وسیاه خار ودیگر درختان جنگلی نیز موجود است . در جنگل مذکور خوك نیز دیده می شود . علاقهٔ زردیو شمالاً و جنوباً واقع بوده آبریزه اش از سرغلان ویا غرده می آید . در بهارك و زردیو توت وزرد آلو و شفتالو و آلو بالو و بهی و سیب و انگور و تاك بسیار خوب پیدا می شود . توت و گیلاس آن در آخر ماه چوزا پخته می شود ، در سرغلان تنها چهار مغز حاصل می دهد و دیگر فواکه ندارد ، و ممکن که دیگر فواکه نیز در آنجا در صورتیکه غرس اشجار آن شود بحاصل برسد .

گندم وجو وشالی در بهارك کمتر می شود ، اما زراعت کوکنار زیاده تر است ودر سرغلان بنابر سردی هوا زراعت کوکنار ممکن نیست لاکن گندم وجو و ارزن و باقلی بیشتر است .

زیباك :

ارتفاع زیباك ۹۲۵۰ فت است . از زیباك تا اشکاشم ۳۶ کیلومتر مسافه

است . بنابر سردی هوا و بادهای مختلف اکثر میوه جات این علاقه تلف می شود . فواکه درآنجا پیدا نمی شود و تنها درخت بید و عرعر وسیاه خار یافت می شود .

اشکاشم :

این علاقه ۹۴۵۰ فت ارتفاع دارد و ۲۰ کیلومتر از زیبالک دور است . در اشکاشم یکدشت کیلان بزیر قشلاق ترمت قابل آبادی است در اشکاشم گندم وجو وتنبه و زغر میکارند .

واخان :

هوای واخان سرد است و برف و باد بسیار دارد . به ایام تور و جوزا اهالی آن مشنگ و گندم وجوو باقلی و کلول میکارند و دراخیر ماه سنبله ومیزان حاصل می بردارند . اکثرچون بارندگی زیاد باسردی شدید مصادف گردد حاصلات اراضی اکثر تلف می شود .

پامیر خورد :

که شرقی وغربی افتاده علف زارها وچرا گاههای بسیار درینحصه موجود است . لیکن کشت و زراعت و درخت مطلقاً دیده نمی شود چون برف وسردی زیاد دارد امکان ندارد که درخت به پختگی برسد وهمچنین زراعت غله جات لاممکن است .

مقام شور خورد اولین منزل پامیرات و ۱۲۶۵۰ فت ارتفاع ورود باری دارد که بدو طرفهٔ آن درخت های طوس و بید جلب توجه را مینماید .

لنگر ، منزل دومین آن است که ۳۵ کیلو متر از شور خورد دور تر واقع و ۱۲۹۲۰ فت ارتفاع و موقعیت وسیع و چمن های بسیار را مالك است . بعد ازلنگر محل (بزای گنبد) است که درآن هفت گنبد دیده میشود . اراضی وسیع و چمن های کلان دارد .

اندمین :

منزل چهارم پامیر است که ۱۳۸۰۰ فت ارتفاع دارد و بفاصله ۳۵ کیلومتر ازگنبد دورتراست خود اندمین بیك مقام وسیع در یکدشت وسیع و چمن های زیاد واقع است .

پامیر کلان :

پامیر کلان نیز مانند پامیر خورد مدعا از یك درهٔ وسیع است که دارای علف زار ها و چراگاهای زیاد بوده درخت ندارد .

شغنان :

ازمربوطات حکومت واخان و پامیرات است . آبادی شغنان بدامنهٔ کوه واقع و زمینداری و زراعت شان اندك بوده فوا که در آنجا موجود است ، توت ، زرد آلو ، سیب ، نالك ، شفتالو و چهار مغز است ، گندم جو ، ارزن ، باقلی ، مشنگ وکنول در ثور وجوزا زرع و در سنبله و میزان درو میشود . در شغنان علف را بصورت عجیبی حفاظت میکنند ، علف را بالای بامها به طرز درستی چیده همان طورمیگذارند تاموسم سرما بالای آن برف ببارد، همان حصهٔ بامرا که علف برآن است از طرف زمستان نموده علف را ذریعهٔ سوراخ مذکور برای حیوانات خود میکشند باینقسم علف تقریباً تازه میماند .

لرسخ :

ناحیهٔ است مربوط به شغنان و ۸۸۵۰ فت بلند و ۲۴ کیلومتر دور از شغنان است . اراضی وسیع و غله خیزی را دارا میباشد .

اندراج :

محل دیگری است که ارتفاع آن ۸۶۵۰ فت است و مسافتش از لرسخ در حدود ۳۰ کیلو متر است و علف زارها و در ختهای سیاه خار و زرشك و یخمن و بید بسیار دارد .

دروازه :

زراعت مردم دروازه اکثریه گندم و جو و ارزن و باقلی و مشنگ است و در بعضی جاها پنبه نیز زرع میشود . و توت و گیلاس و آلو بالو وناك وانگور و انجیر و بهی نیز بکثرت بعلا حظه میرسد .

رستاق :

رستاق ۱۷۷۰ فت ارتفاع دارد و حرارت تابستانش ۹۵ در جهٔ فارن هایت است . در رستاق گندم ، جو ، زغر ، پنبه ، خربوزه و تربوز بطور للعی کشت میشود . هر قدر که در زمستان برف و در حمل باران زیاده شود زراعت رستاق خوبتر میباشد . توت و زرد آلو و گیلاس و آلوچه و آلو بالو و سیب و ناك و انگور و بهی و خربوزه خوب و تربوز وافر دارد .

چاه آب :

بدون قشلاق تخمی درچاه آب قطعاً آب جاری موجود نیست و زراعت

مردم اللمی است و آب خورا کهٔ شان ازچاه است . گندم ، جو ، پنبه ، زغر و نخود زراعت میکنند .

بنگی قلعه :

املاك وسیع و جنگل زار دارد ، شالی کاری و زراعت گندم وجو و زغر و جواری در آنجا معروج است ، وقالیز کاری نیز میشود . از حیث معلومات طبقات الارضی چیزیکه راجع به نواحی پخشان پیشتر تحریر داشته ایم بالای تمامی علاقه جاتیکه فوقاً به تذکار خصوصیات زراعتی و اقسام نباتات آن پرداختیم ، قابل تطبیق است .

حصص مشرقی افغانستان

به نسبت کمی ارتفاع (۶۰۰) متر وقریب بودن به هند که از ممالك حاره میباشد آب وهوای جلال آباد گرم است ، اکثر نباتات مناطق گرمسیر در انجا یافت میشود که مشهور ترین آن قرار ذیل است :

۱ ، نارنج : نارنج جلال آباد ترش است بنابران مصرف کم دارد ، لاکن دردیگر ممالك اقسام شیرین آن که خیلی لذیذ است موجود میبا شد . ممکن است تخم انواع شیرین را بجلال آباد بکاریم ویا نارنج های ترش را از نوع شیرین پیوند کنیم و یا نهال های نارنج شیرین را بخواهیم . ازآب نارنج ترش یك قسم تیزاب Acide oxalique (ایسد اوگزالیك) میتوان کشید که بعد از متبلور نمودن آن رابقیمت بلند بخارج میتوان بفروش رسانید . پوست نارنج ترش

وطنی ما بکمقدار زیاد عطر دارد که ماده ذهنی است که بفرانسوی (اسانس) میگویند و درمیان سلول های پوست نارنج بوده در اثر فشار بیرون می جهد ، درخارج ازآن عطر و بعضی مواد دیگر میکشند .

۲ : درخت لیمو : در جلال آباد دو قسم لیمو دیده می شود که یکی آن خورد بوده شکل مدور و پوست نازك وبوی خیلی تیز دارد ، تحفظ آن تا دیر مدت امکان پذیر است و فوائد طبی خیلی زیاد و تجارت آن درخارج اهمیت بسیاری را داراست ، درختان این نوع در جلال آباد کم است و امید میرود که در آینده در ازدیاد نباتات مفید جلال آباد توجه مخصوصی بکار برده شود . قسم دوم لیمو ، فی الحقیقت (سیترون) نام دارد و رنگ زرد دلکش و اکثر شکل مخروطی وبر سطح پوست خود دانه های برجستهٔ متعدد دارد . پوست این نوع چندان بوی تیز ندارد ، کلفت است ، ولیموی مذکور خواص طبی نوع اول را دارا نیست .

۳ : درخت خرما : این درخت حرارت زیاد و کمی آب بکار دارد . از ۱۰ تا ۲۰ متر از تفاع و برگ های طویل شانه مانند دارد . اگر بواسطهٔ دانه بخواهند که درخت مذکور را حاصل نمایند بعد از ده سال حاصل خواهد داد .

درخت خرما دو جنس دارد یعنی جنس نر آن علیحده وجنس مادهٔ آن علیحده است . بسا اوقات جنس ماده وبا جنس نر آن به تعداد چند درخت در کدام ناحیه موجود بوده ، دائم الاوقات لا حاصل مانده است که مردم سبب آن را ندانسته اند ، بنابران بالای درختان ماده اکثر آلات تذکیر درخت نر را جدا نموده می آویزند ، تادانه های زرد منی نباتی مذکر باعث بار آوری درختان

ماده گردد . نوده های بیخ جوش خرما بعد از چهار سال سر حاصل می آید درخت خرما از ٦٠ تا ٩٠ سال قابلیت حاصل دادن را دارد .

در یکجریب زمین از ٤٠ تا ٥٠ اصله درخت غرس شده می تواند و فی درخت ٥ سیر حاصل میدهد . باین حسابات فیسال از یکجریب ٢٠٠ سیر خرما که قیمت آن تقریباً ٣٠٠٠ افغانی شود حاصل می‌توان کرد ، هیچ یکدرخت مثمر همچه حاصلی داده نمی تواند ، جهم اوسط حرارت روزانه که برای درخت خرما لازمی است از جوزا تاعقرب مجموعاً پنجهزار سانتی گرید میباشد . درجلا آباد ودر باغهای دولتی بطور متفرق یك‌یك درخت آن دیده می‌شود که اکثر آن میوه نمی دهد ، یعنی میوه اش بدرجهٔ اخیر پختهگی نمیرسد . بنابران درختان مونث غرس شود ونیز چون درجهٔ رطوبت هوا درمیان باغات زیاد بوده روشنی وحرارت کافی برای درختان خرمای جلال آباد نمیرسد ، لهذا باید که آنها را در خارج شهر درمیدانها وسیع پر حرارت وپر روشنی غرس نمایند . دریکی از باغات جلا آباد ملاحظه نمودم که میوه ها را پیشتر ازپخته شدن در میان خریطه های بوریائی داخل میکنند و سر خریطه ها را میدوزند . باینصورت درجهٔ حرارت زیاد شده خرما پخته میشود .

٤ ـ درخت زیتون : درخت زیتون نیز حرارت زیاد و رطوبت کم لازم دارد ؛ در هر جا که تاك و انجیر نتیجهٔ خوب میدهد و اگر زمستان آن سردی زیاد ندارد ، درخت زیتون حیات‌کرده میتواند . در یکی ازباغات دولتی جلال آباد یك پایهٔ قوی و سالم درخت زیتون دیده شده که ثابت میسازد که زراعت درخت زیتون در مشرقی امکان پذیر است ، میوهٔ آن به سنجد مشابهت و رنگك سبزدارد ، و چون فشارش دهند ازان تیل زیتون



از مناظر کابل ؛ اثر خامهٔ یکی از محصلین شعبهٔ رسامی مکتب صنائع

Paysage de Kaboul: Peint par un des étudiants de l'Ecole des Beaux Arts.

می بر آید که خیلی خوش طعم و گوارا ست و هاضم غذا و مشتهی و یك اندازه مسهل نیز میباشد . وزن خستهٔ میوه (۲۵/ ۱۰۰) است و وزن حصهٔ نرم آن به ۱۰۰/۷۵ میرسد . در جلال آباد و قندهار و تگاب و بعضی حصص سمت جنوبی از زراعت درخت زیتون نتایج بسیار خوبی بدست خواهد آمد . ارتفاع لازمهٔ اراضی زیتون از ۷۰۰ و ۸۰۰ متر تجاوز میکند . انواع آن زیاد است چنانچه در فرانسه زیاده از صد قسم آن وجود دارد .

زمین های گرم وآفتابی را زیاده تر دوست دارد . ازنقطهٔ نظر طبقات‌الارضی اراضی صوانی وزمین های آهکی را یکسان می پسندد تنها زمین های رستی و مرطوب را دوست ندارد .

علاوه براشجار فوق‌درخت سنتره ، منه ، مالته ، چکوتره ونهال نیشکر وغیره موجود است . در زراعت نیشکر باید کوشش زیاد شود زیرا نیشکر جلال آباد که از آن شکر کشیده میشود اگر یك کار خانهٔ قندسازی در جلال آباد نصب شود قند و شکر اعلی ازان بدست خواهد آمد . چنانچه نصب کار خانهٔ مذکور ازطرف حکومت متبوعهٔ ما زیر نظر است .

از جملهٔ‌نباتات زینتی و خوشبو اقسام ذیل دیده میشود :

۱ ـ علاسکی :ـ نباتیست که برگهایش با برگ بید مشابهت دارد وبرای کناره های جویها و حفاظت باغات خیلی مفید است .

۲ ـ درخت پیپل :ـ درختی است که تنهٔ بزرگ و سرخ رنگ دارد وبرگهایش باپنجه مشابه است .

۳ ـ درخت پنبه : ـ که از میوه های دراز مخروطی شکل آن مادهٔ پنبه‌مانند که از آن در امور نساجی کار گرفته میشود ، حاصل میشود .

٤ ـ درخت هزار ریشه : ـ از بالای درخت مذکور ریشه های متعدد جدا می شود که مانند طناب ها بطرف زمین آویخته میباشد .

٥ ـ درخت گل بید : ـ برگهایش بابید مشابهت دارد و گل های سرخ گلاب مانند می کند .

٦ ـ درخت بلوط آستریا : ـ برگهای خیلی خوش ساخت و موزون دارد . میوه اش بصورت قرص های پهن ومدور بنظر میخورد ، گلهایش برای قوهٔ باه مدد می کند .

۷ : ـ درخت کیکر ـ درختی است زینتی که گلهای مجرعی زرد و گلوله دارد . برگهایش با برگهای اکاسی مشابه است .

۸ ـ درخت مرچ : ـ برگهایش مرکب است و شکل شانه را ندارد . میوه هایش بصورت خوشه های تسبیح مانند دیده می شود .

۹ ـ درخت کج نیال : ـ درختی است زینتی ودرخت ارغوان مشابهت دارد . بعضاً میوه اش را پخته میخورند و درطب نیز از آن کار میگیرند .

۱۰ ـ درخت سروی : ـ برگهایش با برگهای درخت اکاسی مشابهت دارد و گلهای خوش رنگ آبی نمای نسرم داشته برای زینت باغات مروج است .

۱۱ ـ درخت جو کلند ۱۰ ـ برگهایش مرکب بوده دو دفعه مقطوع است و خیلی خوشنما میباشد ، میوه اش بصورت قرص های مدور بنظرمی آید .

۱۲ـ درخت مجنون بید : ـ شاخچه های آویزان و میوهٔ خوشه‌ئی ونسبیح مانند و مقبول دارد .

۱۳ درخت ناجو : ـ قسمی است از صنوبر برای زینت باغها خیلی‌خوب است . دائم سبز بوده اکثر اقسام آن را بصورت چوب و هیزم می سوزانند .

۱٤ـ درخت جامنو : ـ دارای میوه های مخصوص انگور مانند است .

۱۵ ـ درخت ایلتیس (او کلیپتوس) : ـ درختی است خیلی قوی و بلند و عمر دراز دارد . برگهای آن با برگهای درخت بید مشابهت دارد لاکن به نسبت برگ بید طویل تر بوده اکثر بصورت قوس خمیدگی دارد . برای خشك ساختن اراضی مرطوب و خندقی خیلی مهم است ، در برگهایش یك خوشبوئی بسیار خوب موجود است که ازان عطر هم درست میکنند . برگهای ایلتیس برای دفع ریوش و ضیق النفس خیلی مفید است .

۱٦ ـ مور پانگ : ـ که مانند صنوبر دائم سبز است ومیوه های مدور سخت دارد و برای زینت باغها بکار میرود .

۱۷ـ درخت گندیری : ـ که با درخت بید مشابهت دارد و دارای گلهای خیلی قشنگ و برگ کلفت است .

۱۸ ـ بر بیله : ـ این درخت بدیوارهاو درخت ها بالا میشود ومانند ارغوان گلهای سرخ دارد .

۱۹ ـ درخت پام ـ : بادرخت خرما مشابه است لاکن قدش پست تر وبرای زینت درباغها وگندانهای بزرگ تربیه میشود .

علاوه برنباتات مناطق گرمسیر که درفوق ذکرشد ، درحصص مشرقی افغانستان

اکثر نباتات مناطق معتدله ازقبیل گندم وجو وجواری وارزن و باقلی ومشنگ وغیره وازقسم میوه جات توت و آلوچه و زرد آلو و انگور و امثال آن نیز بعمل میآید ، انگور جلال آباد ازسبب زنبورخیلی صدمه میبیند ، اصول تربیت انگور چنان است که تاکها را بدرخت های توت بالا میکنند . تاکستانها بیشتر درعلاقهٔ ریگ شاهمرد خان که نزدیك جلال آباد است وجود دارد . لیکن در مزروعات سمت مشرقی آنچه از همه مهمتر میباشد ، برنج است که درحصص جلال آباد و بهسود و لغمان وکنرها وغیره بمقدار کثیری کشت میشود و حاصل آن درکابل وباقی حصص افغانستان ارسال میگردد ، برنج بار یك جلال آباد ازجملهٔ برنج های خوب تمام دنیا بشمار میرود و با اکثر برنج های اعلی هند همسری میکنند .

درکوه های خوگیانی و ماما خیل وحصارك وغیره جنگلات مهم بلوط کوهی وخنجك و صنوبر و سرو و غیره به پیمانهٔ کثیری وجوددارد که برای ساختن زوغال و سوخت بمصرف میرسد .

سرخ رودکنر ها وروداث علاقه جات سرسبز و شاداب سمت مشرقی بشمار میرود و دارای مزروعات مناطق معتدله میباشد ، درکنر برنج لك بیشتر و جواری زراعت عمده محسوب میگردد .

علاقهٔ لغمان :

لغمان خیلی حاصل خیز و شالی کاری در آنجا زیاد است ، در درهٔ لغمان انگور کوهی وجود دارد که خود رو و پوست آن کلفت تر از انگور اهلی است . درلغمان و اکثر حصص مشرقی کار زراعت بواسطهٔ گاومیش اجرا میشود .

نورستان :

که مشتمل بر دره های متعدد و دامنهٔ آن تا بالای پنجشیر بسمت شمال افغانستان امتداد یافته ، علاقهٔ کوهستانی بسیار دشوار گذاری است که قسمتی از آن که عبارت از حصص اسمار باشد پوشیده از جنگلات نشتر و ارچه و بلوط وغیره است ، و باقی حصص نورستان رادره های سبز کوهستانی تشکیل داده ، اراضی مزروع خیلی کم میباشد ، در دره های نورستان نیز درختان بادام کوهی و جوز و انار خود رو بمشاهده میرسد .

در جلال آباد و سرخ رود و علاقه جات خوگیانی و اکثر حصص سمت مشرقی تربیهٔ زنبور عسل رواج داشته حاصلات مذکور را تجارت میکنند .

حصص جنوبی افغانستان

از لحاظ تقسیمات جغرافیائی ، افغانستان بسه حصهٔ مختلف منقسم است :

اول سلسلهٔ کوهای شمالی . دوم سلسلهٔ کوهای جنوبی . سوم سطح مرتفعیکه میان سلسلهٔ کوهای شمالی وجنوبی واقع است .

قسمت اعظم آن بنام دشت یاد میشود . دریای هلمند این سطح مرتفع دشتی را بدو حصه تقسیم میکند ، بطرف مشرق ریگستان و بطرف مغرب دشت مرگو و اراضی سیستان که نسبتاً سطح اراضی آن پست است . بطرف جنوب مغرب سیستان ، آب ایستادهٔ هامون هلمند وگودزره دیده میشود . بسیار ممکن است که این هر دو غدیر در ابتدا یکی بوده بعد از آن در اثر تبخیر زیاد آب وحرارت بلند ، یکحصه آب مفقود شده باعث ایجاد یك قطعه خشکهٔ مفصله

مابین غدیر های مذکور گردیده باشد، منبع غدیرگود زره ازآبخیزی های هامون هلمند است دروقت سیلابها .

ثابت شده که سیستان پیش از ترکتازی های چنگیز خان وتیمور از جملهٔ قطعات حاصل خیز سرسبز و آباد ایشیا محسوب بوده ودر اثر حمله‌های ناگهانی و مخرب فاتحین فوق الذکر بند ها و نهر ها منهدم شده اهالی آن پریشان و منتشر و باطراف عالم مهاجر شده بلاد معمورهٔ طرفین دریای هلمند بصورت دشت های ریگی بی حاصل مبدل گردیده است .

به حصص کوهی جنوبی بعضی جنگلها موجود است که درتوسعه و حفاظت آن باید توجه لازمه شود .

از حیث طبقات الارضی اراضی سیستان و قندهار و بعضی حصص دیگر جنوبی متعلق به عصر تباشیری متوسط Crétacé moyen است . عصر تباشیری یکی از تقسیمات سه گانهٔ زمانهٔ ثانوی است . و یکحصهٔ سیستان و قندهار دارای اراضی متعلقهٔ عصر Pliocène زمانهٔ ثالث نیز می‌باشدکه اسم علمی‌آن Pontien de pliocène است چنانچه سنگریزه زار ها و کانگلو میرات های اراضی مذکور شاهد آن است .

سمت جنوبی

در اراضی هموار سمت جنوبی گندم و جواری و جو میکارند . زراعت ترکاری پیشتر چندان مروج نبود . لاکن توسعه و ترقی آن هر سال زیاد شده می رود . پس در پنجا چیزیکه مهم است تذکار

انواع اشجار جنگلی و نباتات وحشی است که در جنگلات سمت جنوبی پیدا می شود . دانستن اقسام درختان جنگلی خیلی مهم است زیرا که جنگل با لذات ثروت بزرگی است که بسا احتیاجات نوع بشر توسط آن تأمین می گردد . بهزار ها خروار چوب سوخت و مقدار کلی چوب چهار تراش و مقادیر مهم زغال که از سمت جنوبی وارد کابل می گردد منبع دیگری بجز جنگلهای جنوبی ندارند . قیاس کنید که در انهدام و ضیاع جنگلهای سمت جنوبی چقدر خسارت بوطن عاید خواهد شد و در ترقی و تجدید و توسعهٔ جنگلهای مذکور چقدر بر ثروت طبیعی وطن خواهد افزود . ازهمین رهگذر منافع زیاد جنگل است که مامل رافته در حفاظت آن یك ادارهٔ پولیس مخصوص و انضباط و انتظام مکملی ترتیب داده اند .

درکوه های جنگلی سمت جنوبی نباتات جنگلی متعدد ومختلف بصورت غلو یافت می شود .

در محلات مرتفعهٔ جبال مذکور (۴۰۰۰ تا ۸۰۰۰) فت . درختانی که به نظر میخورد از جملهٔ نباتات مخروطی الاثمار اند . لفظ مخروطی الاثمار از ان جهة به اشجار موصوف اطلاق یافته که میوه های شان بصورت مخروطی میباشد درخت سرو وصنوبر وایپسیا وملز ازجملهٔ درختان مخروطی الاثمار بشمار میرود ودر علاقه جات جنوبی پیدایش دارد .

یکی از درختان مشهور سمت جنوبی درخت جلغوزه است (Chilgosa pine) که نام لاتینی آن (Pinus Gérardiana) میباشد .

دیگر از اشجار مهم جنگلات کوهای جنوبی درخت صبر است

Paris chaccy . درخت بلوط Duercus-balot نوع دیگر درخت جنگلی است که چوب آن از حیث سوخت خیلی باحرارت و با دوام میباشد .

ارچه Larix Harch که مقدار های مهم آن از سمت جنوبی و ارد مرکز شده بمصرف سوخت وتعمیرات میرسد درختی است خیلی مفید و مهم که در از دیاد تعداد و توسعهٔ جنگل آن باید کوشید .

علاوه براشجار فوق بخصص جنگلی سمت جنوبی در بعضی نقاط چهارمغز وناك وحشی نیز موجود است . یکی ازدرختان مفید ، درخت زرشك است که میوهٔ آن برای رفع مرض یرقان خیلی مفید میباشد . میوهٔ خشك مذکوررا چون میده کنند به میدهٔ غورهٔ انگور مشابهت دارد . و درطعام مانند ماده مشتهی استعمال می شود .

لیمو و بادام و حشی نیز در جنگلات مذکور پیدایش دارد .

درخت چهار مغز و بلوط وحشی نسبتاً با رتفاع کمتر و بدرجهٔ دوم دیده می شود .

تاك وحشی و درخت استرا گل و درخت نبل با یکدیگر بطور مخلوط یافت می شود . از بعضی اقسام استرا گل یك قسم گند می کشند و بیخ یك نوع آن برای دفع مرض پیچ بکار میرود . تخمیناً با رتفاع ۳۰۰۰ فت درخت زیتون جنگلی و اقسام گل و حشی مثلاً گل گلاب و حشی وغیره پیدا میشود .

درخت اکاسی (Acacie) « اقاقیا » و درخت کیکر و درخت عناب به مقدار زیاد موجود است . درحصص شرقی کوه سفید درخت یاس نیز موجود بوده برای دفع بعضی امراض مفید است .

بعضی اقسام گل وحشی مثلاً جربین وحشی، گل گلاب وحشی نیز یافت میشود درخت ارغوان که درختی است زینتی نیز درجنگلات مذکور پیدا می‌شود .

بمقامات پست ترین حصص غربی کوهای مذکور، بدون علف وبعضی بته های خوردچیز دیگری دیده نمی‌شود . درحصه های میدانی بعضی بته های خاردار مثل شترخار وبتهٔ اشقار وغیره موجود است که ازنقطهٔ نظر زراعتی چندان اهمیتی ندارند . بعضی نباتات طبی مثل حرمل که برای دفع وجع مفاصل بکار میآید وافسنتین که بمقابل تب لرزه وامراض معده استعمال میشود نیز بملاحظه پیوسته است . در اراضی مزروع علاوه برگندم وجو وجواری ، بعضی درختان میوه دار ازقبیل توت و چهار مغز نیز موجود است .

چون حصص مهم زراعت سمت جنوبی درپین کوهای جنگل دار و سرسبز آن میباشد ، معلومات قلیلی که بالای جنگلات آنسمت داشتیم فوقاً تحریر نمودیم . اراضی هموار زراعتی خیلی کم است . ثانیاً اقسام نباتات مزروع آن خیلی محدود بوده ، منحصر به گندم (خیلی کم) و جو و جواری (بمقدار بیشتر) است . در سمت جنوبی مقدار زیادی عسل جمع آوری میشود که مردمان جنوبی برای تجارت بکابل و غیره نقاط میفرستند .

ولایت قندهار

چنانچه پیشتر تحریر نمودیم ، یکحصهٔ مهم قندهار ازحیث طبقات الارضی متعلق به عصر تباشیری متوسط (Crétacé moyen) است . یکحصه اراضی قندهار بزمانهٔ ثالث نیزمتعلق میباشد . شهر قندهار که از دریای ارغنداب اراضی آن آبیاری میشود آب فراوان و هوای گرم دارد و گندم و جو

و جواری و ارزن و باقلا و مشنگ و انواع ترکاری از قبیل شلغم و کچالو و پیاز و بادنجان رومی و زردک و لبلبو و بادنجان سیاه و غیره در اراضی مذکور زرع میشود ـ گندم و جو درتیر ماه کشت میشود و در ماه جوزا درو میافتد . ولی هوای قندهار برای دوم تبه بعمل آوردن غله جات گرمی کافی را ندارد . درموسم تابستان باران خیلی به ندرت میبارد لیکن در زمستان و اوایل بهار باران های فراوان باریده بعضاً موجب حدوث سیلابها نیز می شود ، و در اول بهار است که رود های مهم ولایت قندهار از قبیل رود ترنك و رود ارغسان و رود ارغنداب و رود هلمند و غیره شعبات آن پر آب و بعضاً طوفانی می شود .

شهر قندهار :

آب و هوای نسبتاً خوشگواری دارد . درجهٔ حرارت در تابستان به ۱۰۷ درجه فارن هایت ودر زمستان به پنج درجه بالغ میگردد . برف خیلی به ندرت می بارد ، یخ بندی صحیح هیچ گاه اتفاق نمی افتد . باران زیاد می شود و در طول سال ارتفاع آب باران به (۱۰۵) سانتی متر بالغ میگردد .

شهر قندهار در حقیقت عبارت از یك منطقهٔ آبادی است که در میان دوحصهٔ دشت وریگستان (یعنی ریگستان سمت جنوبی ودشت سمت شرقی آن) افتاده وفوق‌العاده شاداب وسرسبز میباشد . قسمت بزرگ این حصهٔ آباد پوشیده از نخلستان ها و تاکستانها است و باقی آن را اراضی کشتی تشکیل داده ، در اراضی کشتی که تقریباً با تمام آبی است غله جات و سبزی کاری مختلفه که در فوق ذکر شد بکثرت بعمل می آید ، و نخلستان های قندهار که مهم ترین آن نخلستان پنجوائی واقع در غرب شهر و نخلستان

ار غنداب است مرکب از درختان مثمر از قبیل درخت انار و انجیر و تاك و زرد آلو وآلوچه وسیب و شفتالو است . در حوالی قندهار ، باغ در ظرف ۳ و ٤ سال سرحاصل می آید و عموماً در ساختمان باغها چنین ترتیب میگیرند که یکدرخت زرد آلو یا انار و یکدرخت شفتالو غرس می کنند و درخت شفتالو از همه زود تر بر سر حاصل آمده مدت ٦ و ۷ سال عمر می کند وبعد پیر شده قطع میگردد و تا آنوقت دیگر درختان انار و زردالو بر سر حاصل آمده دوام مینمایند و بعضاً درجای درختان مقطوعه ، درختان شفتالوی جدید شانده می شود ؛ چون درخت شفتالو طبعاً کوچکتر بوده ، جای کمی را میگیرد بنابران تا چندین سال به درختان انار و زردالو مزاحمتی نمیرساند وخودش نیز ازسایهٔ آنها آنقدر متاثر نمی گردد .

قسمت جنوبی شهرقندهارعبارت ازتا کستان بزرگ است که خشك آبه نام دارد و انواع انگور های اعلی ، درآن جابعمل می آید . درقندهار متجاوز ۲۰ ، ۳۰ قسم انگور وجود دارد که مهم ترین آن شندوخانی ، لعل ، صاحبی ، کشمشی وانگور آبجوش است ، واین انگور ها که اکثر آن کشمش ساخته میشود ، بمقدار کثیری تازه و بقسم کشمش بخارج فرستاده میشود ، همچنین دیگر میوه جات قندهار از قبیل انار که قسم بزرگ میوه جات تازهٔ قندهار را تشکیل داده درنفاست ورنگ ومزه و بزرگی باهترین انارهای عالم همسری می کند ، بمقدار فراوانی بخارج وداخل ارسال میگردد . خوش بختانه بتوجه حکومت متبوعهٔ ما از چند سال به اینطرف شرکتی برای صادرات میوه قندهار بنام شرکت « پشتون » تشکیل یافته که برای افزودن واصلاح باربندی وغیره ترقیات میوهٔ قندهار داخل اقدامات میباشد واکنون ازیکطرف موفق به افزایش قیمت

فروش درخارجه و از طرف دیگر موفق به تهیهٔ قطی های پاکیزه و قشنگ برای میوهٔ خشك قندهار (از قسم انگور آبجوش ، انجیر و شکر پاره) گردیده و نیز بتازگی ماشین حفظ میوه در انجا بکار افتاده که میوه جات قندهار را از شفتالو و شلیل وزرد آلو و ناك و سیب و غیره در قطی های حلبی به اصول صحی محفوظ کرده بطور (کونسروه) بخارج و داخل ارسال و تجارت خواهد شد اراضی للمی کاری چندان وسعت ندارد .

محالات اطراف قندهار از قبیل دهله و خاکریز وغیره در شرایط حاصل خیزی ونوعیت نباتات خود شبیه خود قندهار میباشد ، تنها ریگستان سمت جنوبی (طرف سپین بولدك) یعنی قلعهٔ جدید ، عاری از درختان و نباتات مختلفه است .

قلات :

قلات اراضی وسیع و شادابی دارد که بیشتر از رود ترنك و ارغسان مشروب شده ، درآن زراعت غله جات بمقدار کثیر بعمل می آید ، بادام قلات خیلی مشهور است . آب وهوای قلات نسبت به قندهار سرد تر وملائم تر میباشد ، در درهٔ رود ترنك درختان خنجك بصورت خود رو وجود دارد ، ودردشتهای اطراف قلات ونزدیك قندهار بته های خود روی مهم از قبیل سولیانك که ازآن درصابون سازی وساختن پلی استفاده بعمل می آید بکثرت میروید .

باغهای بادام قلات مقدار کثیری بادام را برای تجارت خارجه تهیه مینماید وروز بروز باغهای بادام رو بفزونی میباشد .

پشت رود :

علاقهٔ پشت رود و گرشك و زمینداور از لحاظ آب و هوا به نسبت قندهار گرم تر وخشك تر است ، زراعت غله جات در آنجا امکان پذیر و اراضی مذکور از دریای هلمند وانهار مختلفه مشروب میباشد . از حیث درختان گرشك تقریباً مشابه مرکز قندهار بوده زمین آن استعداد پرورش انواع میوه جات را دارد : انار و توت و زرد آلو بکثرت یافت می شود ، شکار از قبیل تارو و سیسی و غیره و شکار ماهی در بن علاقه ممکن است .

علاقهٔ گرمسیر خشك تر بوده ، در آنجا درختان خرما نیز بقسم خود رویده می شود .

اروزگان :

اراضی اروزگان مختلف بوده قسمتی از آن سرد سیر و برفگیر و باقی معتدل بوده بیشتر کوهستانی و زمین آن استعداد پرورش گندم وجو و جواری و بعضی نباتات مناطق معتدله را دارد ، درختان نسبتاً کمتر و میوه بمقدار کمی یافت می شود ، اروزگان از دو سمت به سطح مرتفع مرکزی اتصال داشته ، از لحاظ آب وهوا و نباتات وحیوانات بیشتر تابع منطقهٔ مرتفعهٔ مذکور میباشد .

فراه وجخانسور و سیستان

اراضی فراه حاضراً چندان حاصل خیزی نداشته ، زراعت غله جات در تمام قسمت های آن امکان پزیر بوده ، از قسم درختان نیز فراه فقیر است

و فقط درین اواخر ازتوجه حکومت متبوعهٔ ما انواع درختان مثمر و غیرآن در آنجا از قندهار و کابل وهرات نقل داده شده که امید است به زودی در تمام حصص مذکور انتشار پیدا کند .

اشجار سابقه را بیشتر در ختان توت تشکیل داده است و تاك و غیره میوجات لطیف از سبب سیاه بادکنر بعمل میآید .

دشت بکواه مملو از بته های خودرو منجمله پوشیده از نرگس دشتی وگیاه تیولیان یعنی زنبق خودرو و غیره است .و در اوائل بهار لاله نیز در آن بکثرت میروید .

چخانسور وسیستان مرکب از اراضی حاصل خیز وسیع دشتی است که برای زراعت پنبه کمال موزونیت را دارد و بتوجهٔ حکومت خبیر ما اکنون دامنهٔ زراعت پنبه در آن علاقه وسعت یافته تخم پنبه بر مینداران بقسم رایگان تقسیم میشود . نباتات چخانسور بیشتر ، نباتات خودروی وحشی است . از قسم اشجار ، درخت گز بسیار زیاد است و برای ساختمان خانه های چوبی مخصوص مردمان چخانسور و هم برای سوختانیدن بکار میرود .

حصص مغربی افغانستان

شهر هرات :

ارتفاع شهر هرات ۸۰۰ متر است ، زمستانش به نسبت زمستان کابل قدری ملایم تر بوده برف زیاد نمی بارد ، و برف به زودی آب می شود . هرات آب کافی دارد ومنبع اکثرجوهای مزارع آن هری رود است . بادشدیدی دارد که باوجود نقائص جزئی برای آب و هوای هرات فوائد زیاد میرساند ،

لاکن برای وفور آب باید که باران دراوائل بهار زیاد باشد ورنه مقدار آب متوسط خواهد بود ، هرات محدود از کوه ها و تپه ها است .

در کوه های هرات انواع متعدد اشجار جنگلی موجود است مثلاً بادام کوهی و سیاه چوب که از آن شیر خشت بعمل می آید . در اراضی قابل الزراعت هرات درخت زرد آلو و بادام و انار و آلو بالو و تاك و توت بثمر می آید ، اقسام اشجار غیر مثمر مثلاً بید و چنار و ناجو که بحدود زیارت حضرت خواجه عبدالله انصار علیه الرحمه یك عدهٔ زیاد آن موجود است نیز دیده می شود . از قسم غله جات گندم و جو و جواری و ارزن کاشته می شود .

قسم گندم زعفرانی و شاناز ی هرات مشهور است و قد گندم زعفرانی یك متر میرسد . زراعت تریاك و پنبه نیز میشود و سبزی جات آن کنم و کدو و سبزی پالك و کرم و زردك و تراتیزك و لبیو و غیره است .

علاقهٔ باد غیسات :

بسمت مشرقی و مغربی و شمالی آن تپه ها و دره های خاکی است که اکثر آن سر سبز است . آب حصهٔ باد غیسات فراوان است لاکن در بهار بعضی اوقات قلت پیدا می کند . کندن کنار بز بنابرخاکی و نرم بودن اراضی نواح مذکور ممکن است و نتیجهٔ خوب میدهد ، لاکن زمین چون شوره دارد آب آن نیز شور مزه میباشد . برف میبارد لاکن به زودی ذوب شده مدت زیادی دوام نمی کند ؛ چنانچه تحریر شد بسمت مشرقی ومغربی و شمال باد غیسات تپه های متعددی است که بالای آنها درختان غلوی پسته

دیده می‌شود ، زراعت گندم وجو و فالیز کاری خربوزه و تربوز هم درنقاط خالی ازجنگل تپه های مذکورمی‌شود ، اراضی بادغیسات چون ازمخلوط خاك رست (رس) وریگ عصرجدید زمانهٔ ثالث (نئوژن) تشکیل یافته لهذا برای زراعت خیلی مستعدو قوی است . درمیان دره های حدود باد غیسات که اهالی در آن مسکن ندارند نیز درختان پسته یافت می شود .

اهالی بادغیسات که در دره های شاداب جا گرفته اند اکثر بنابر وفور چرا گاها و علف زارها به تربیهٔ حیوانات زیاده ترشغل داشته به نهال شانی و باغبانی چندان توجه ندارند ، با آنهم به زراعت گندم وجو و بعضی اقسام سبزی جات نیز میپردازند ، درخت زردآلو وبادام وناك وانگور و توت وانار نتیجهٔ خوب میدهد .

بسمت جنوبی باد غیسات هرات ، تپه ها وکوهای زیاد است که درآن جنگل های مهم ارچه دیده میشود ، درمیان دره ها بقرب مجراهای آن اهالی مسکن گزیده باوجودی که اراضی جاهای آن خیلی مستعد بوده زراعت انواع نباتات و درختان میوه دار ممکن است تنها به زراعت گندم وجو وفالیز کاری وکمی کوکنار مشاغلت میورزند .

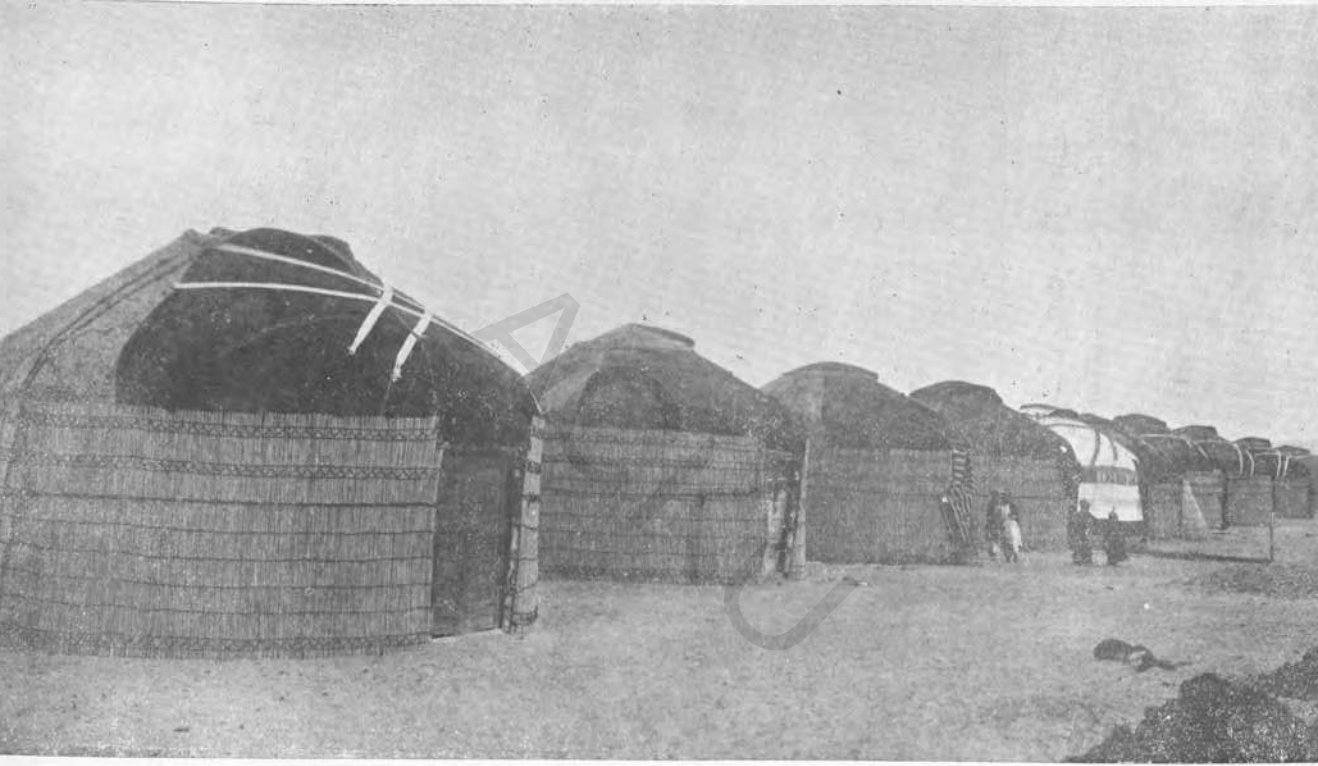
مرغاب :

اطراف ونواحی مرغاب دارای هوای معتدل وآب فراوان است ، لاکن باوجود زیادتی آب اراضی مزروعی آبی آن کم است وآب بی فائده صرف میشود . علاقهٔ مرغاب اکثر سنگ زار یعنی کوهی است وبنام سرپل و دوزق دره وقریهٔ پنیرك ولاله بای موسوم اند . همه محلات فوق الذکر دارای اشجار پسته وارچه وسیب و ناك کوهی وبادام وغیره اشجار جنگلی بوده ، طول حصهٔ



خرگاه یکی از کلان شوندگان قبائل شمالی افغانستان

La tente d'un des chefs des tribus du nord d'Afghanistan



حیات قبائل صفحات شمالی افغانستان در دشت

La vie des tribus du nord d'Afghanisan dans la plaine

جنگل مذکور از سرپل تالاله بای تخمیناً ۱۵۰ کیلومتر است. در ناحیهٔ پنیرك بعضی اقسام نبات طبی مثلاً کلپوره و پودینهٔ کوهی که افغان‌های آن ناحیه آن را (شمشوبی) مینامند و دیگر نباتات طبی بکثرت پیدا میشود. دو نبات طبی فوق الذکر برای هاضمه خیلی مفید است. در نواحی حکومت مرغاب گندم وجو وکوکنار و اقسام سبزی جات واشجار مثمر مثلاً تاك ودرخت زرد آلو وبادام وانجیر وانار وسیب وبهی وآلو بالو و غیره نتیجهٔ خوب میدهد واهالی نیز اقسام اشجار مذکور را غرس نموده اند. زمین نواحی مرغاب برای زراعت اشجار مثمر و سبزی جات مستعد است. نواحی شهرهرات خصوصاً ازحیث جنگلهای پسته خیلی مهم است بنابراین بالای جنگلهای پستهٔ هرات بطور مفصل تر ذیلاً معلومات خود را تحریر میدارم :-

جنگلات پستهٔ بادغیسات :

جنگلات مذکور بـه محال مربوط بادغیسات واقع است: قلعهٔ نو و کشك ومرغاب. بزرگی درختان پستهٔ نقاط مذکور به بزرگی بادام میرسد و دانه های پستهٔ ضخیم و در وقت پخته شدن خندان میشود.

۱ - جنگل پستهٔ قلعهٔ نو :- بطرف شرق جنگل مذکور دریای مرغاب و نخجیرستان و بطرف غرب آن خواجه چکاب و سر قول از یك و یکحصهٔ سرحدی فاصل خاك دولتین افغانستان و شوروی واقع است، بطرف شمال جنگل مذکورعلاقهٔ چنگورك و چاه اشکه و سنگه خاك پیرزال و دهانهٔ آبشاره است که مربوط حکومت قلعهٔ نو و همجوار سرحد میباشد.

بطرف جنوب آن علاقهٔ تگاب مقر و چشمهٔ دزدك و دهنهٔ کته قول و آب کمری و قریهٔ هده و کوك چائیل دیده می شود.

مسافهٔ جنگل پستهٔ قلعهٔ نو شرقاً غرباً تخمیناً ۲۰۰ کیلو متر و از شمال تاجنوب ۱۰۰ کیلو متر است . از مسافات طول و عرض مذکور دانسته می شود که جنگل مذکور چقدر سطح وسیعی را مالك است و ازحاصل گرفتن اصولی پسته و بزغنج آن چه منفعت بزرگی بوطن عاید میگردد . حفاظت جنگل مذکور و جلوگیری ازقطع و خصوصاً سوختاندن در ختان آن یکی از وظائف بزرگ ملی ساکنین مذکور بشمار میرود تا با توجه حکومات محلی در حفظ و تزئید جنگلات مذکور کوشش نمایند .

۲ ـ جنگل پستهٔ مرغاب :

شرقاً به تگاب عالم مربوط حکومتی مرغاب و غرباً به پنج آب و دریای مرغاب وسیحل و دریای مرغاب اتصال داشته وشمالاً متصل است به تخت خاتون قلعه وکوشك وقلم بلاق که مجاور خط فاصل حکومت مرغاب ومیمنه میباشد و جنوباً به بند لاله پای مرغاب اتصال دارد . مسافهٔ جنگل پستهٔ مرغاب از شرق بغرب تقریباً ۲۰ کیلو متر واز شمال تجنوب تخمیناً ۷۰ کیلو متر است .

۳ ـ جنگل پستهٔ علاقه دارای گلران : ـ علاقه داری گلران مربوط حکومت کشك و وسعت جنگل مذکور متوسط است . جمیع نقاط علاقه داری گلران جنگلی بوده مگر مع الاسف بعضی جاهای آن را در وقت انقلاب قطع واراضی آن را بمزروعات گندم وقلیز که (دیمه) نامیده می شود تبدیل نموده اند . از چکاب تا آب باریك تخمیناً بفاصله ۳۰ کیلومتر جنگل را بدیمه تبدیل نموده اند . درجنگل پستهٔ مرغاب علاوه بردرختان پسته ، درخت سیب و نماك وبام وارچه وسرو وغیره نیز موجود است . اسباب تخریب جنگل نواحی هرات چند چیز است : ـ اول خود اهالی بکحصه جنگل را برای محروقات خود

قطع میکنند . بازهم اگر درخت را بقدرچند سانتی‌متربالای زمین توسط اره قطع کنند خسارهٔ زیاد بجنگل عاید نخواهد شد زیرا کهازنقاط مقطوع نوده های جدید سر زده هرکدام بعد ازچندی درختی خواهد شد. لا کن عموماً درنواحی جنگل، درختان را کاملاً از بیخ میکشند و زمین را بخاره تبدیل میکنند . واسطهٔ دوم ضیاع جنگلهای پسته، حیوانات اهالی است که نوده های خورد شاخچه های بیخ جوش را بدندان قطع میکنند . اهالی به حفاظت جنگلهای پسته میلی ندارند و به غرس اشجار مثمر مثلاً سیب و تاك وغیره نیزشوق نشان نمیدهند . اگرهر سال اهالی یکمقدار پسته را بزمین بیفشانند چقدر برای خود شان و وطن نتائج نیك حاصل خواهد شد .

در دشتهای هرات نباتات خود روی طبی و غیر طبی از قبیل نرگس وحشی و زنبق کوهی و بتهٔ شترخار و ساجق و غیره بکثرت میروید .



ورزش و تربیهٔ بدنی

نهضت سپورت در افغانستان

ارسالی جناب محمدیعقوب خان کندکشر
منشی انجمن المپیك

سپورت که فوائد بیشمار آن بهمگان آشکار است از چند سال باینطرف با یك ترتیب خوب و اصول صحیح در جریان افتاده نه تنها دستهٔ طلاب و شاملین صنف عسکری بآن مشغول گردیده اند بلکه تمام مامورین و زارات و حتی از صنوف غریب پیشه نیز بآن تمارست پیدا نموده اند ، چنانچه میدان های متعدد سپورت در هر گوشه و کنار مملکت احداث گردیده و عصرها هزار ها نفر با یك شطارت و ذوق مخصوص به سپورت مداومت دارند .

در اثر ذوق اهالی و توجه مخصوص دولت ، سپورت درتمام مملکت تعمیم یافته و بالاخره موسسهٔ بنام انجمن ملی او لمپیك در تحت سرپرستی اعلیحضرت المتوکل علی الله و ریاست ع ، ج ا ، ا ، نشان و الاحضرت وزیر صاحب حربیه ازسه سال باینطرف درکابل تشکیل و شعبات آن در صنوف عسکری و غیره دایر گشته است .

این انجمن از بدو تاسیس خود پیشرفت شایانی نموده ورزش کاران آن در بازیهائی سپورتی جشن استقلال وطن و تورنمنت های داخلی ، و اعزام تیم محودیه بغرض بازی فت بال در هند و آخراً هیئت اولمپیك در بازیهای اولمپیك یازدهم بین المللی که در برلین انعقاد یافت بموجب دعوت کومیتهٔ اداری بازیهای اولمپیك شامل گردید و علاوه ازان هیئت اولمپیك افغانی غیر از آلمان در مما لك مختلفهٔ اروپا دعوت شده و بیازیهای مختلفه با تیم های سپورت اروپائی داخل مسابقه گردیده که اینك تفصیل آن ذیلاً ذکر میگردد :

هیئت اولمپیك افغانی که بغرض شمولیت در بازیهای اولمپیك در آلمان اعزام شده اند اسامی شان اینست :

رئیس هیئت : ع ، ص شهزاده محمد یوسف خان رئیس تربیهٔ حیوانات
منشی و منتظم هیئت : ش . محمد یعقوب خان کند کمسر سکرتر اداری انجمن اولمپیك .

اعضاء :

ص ، عبدالواحد خان ترجمان زوارت حربیه .
ش ، ظهیر الدینخان مدیر کلوب عسکری .
ش ، محمد اعظم خان معلم مکتب رشدیهٔ حربیه
ص ، فاروق شاه خان معاون ریاست تربیهٔ حیوانات
غ ، خان محمد خان تولیمشر فرقهٔ شاهی
جناب جمال الدین خان متعلم
« شجاع الدین خان «

جناب محمد آصف خان متعلم
« سعادت الملوک خان «
« سلطان محمد خان «
« سید محمد ایوب خان تاجر
« عبدالغفار خان کاتب تعمیرات وزارت حربیه
ب، نو روز علی خان بلوکمشر وزارت حربیه
« فضل حسین خان بلوکمشر منتظم کلوب عسکری
« سید علی بابا خان بلوکمشر احتیاطی وزارت حربیه
جناب سید علی عطاء خان ازافراد فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی

این هیئت که اسامی شان در فوق ذکر شد بتاریخ ۱۲ حمل ۱۳۱۵ از کابل حرکت نموده و مدتی بغرض مشق وتمرین در پشاور توقف ورزیده بعد از آن عازم اروپا گردیده اند. درهند پیش آمد خوبی باهیئت مذکوره شده وهمچنین حین ورود درپاریس ازطرف هیئت استقبالیهٔ انجمن های فرانسه و و نمایندهٔ انجمن بین المللی های پذیرائی شده اند.

هیئت انجمن اولمپیك افغانی درپاریس ۹ روزتوقف ورزیده و درین مدت سه دفعه بازی اشتغال ورزیده اند که یکی آن درشهرلیل و دوی آن درخود پاریس بوده است. و درین سه مسابقه دوی آن بنفع فرانسه و یکی آن بغالبیت تیم افغانی تمام شده است.

از فرانسه هیئت افغانی وارد پراگ مرکز چکوسلواکی شده و۲۶ روز درآنجا توقف ورزیده و درشش مسابقه شموایت ورزیده اند. .در دو مسابقه مساوی و درچهار مسابقهٔ ثانی تیم افغانی موفق وغالب شده است.

درحین توقف درپراگ تیم افغانی در دریسدن آلمان دعوت شده وباتیم دریسدن نیزمسابقه نموده درنتیجه هیچکدام موفقیت بردیگری حاصل نکرده اند .

تیم اولمپیك افغانی ازپراگ به ویانه (مرکزآستریا) حرکت نموده ودرآنجا دوشب اقامت داشتند . درینجا درمسابقهٔ هاکی برتیم ویانه تیم افغانی غالب آمد .

پس ازینجا بسویس عازم شدند درآنجا مسابقه بنفع تیم سویس تمام شد . از سویس به آلمان حرکت کردند در شهر ماتز ، بین تیم افغانی و تیم ماتز مسابقه بعمل آمده و در نتیجه هیئت افغانی بر تیم ماتز غالب آمدند .

تیم افغانی غیراز ماتز در دیگر شهرهای آلمان نیز بمسابقات پرداخته است ازین قرار :

کریس ناخ ، کولن ، مایان ، لایپزیگ ، میگدا برگ ، گورلیتز ، او لم ، وارمنز ، ار فورت ، هانوور ، همبرگ ، شتاؤ ، بریمن .

قبل ازانعقاد مسابقات اولمپیك ، هیئت افغانی بموجب دعوت هالند به هالند رفته ودرآنجا هشت روز توقف داشتند . درمدت هشت روز ۲ مسابقه بین تیم هالند و تیم افغانی اتفاق افتاده و بنفع تیم هالندی انجام یافته .

ازهالند دوباره به آلمان مراجعت کردند . طرز پذیرائی خیلی دوستانه و قابل تماشا بوده است چنانچه هیئت اولمپیك افغانی کمال رضائیت دارند .

بروز ششم افتتاح اولمپیك ، مسابقهٔ اول هیئت افغانی باتیم دنمارك بعمل آمد درنتیجه طرفین ۶-۶ گول نموده وبازی مساویانه تمام شد .

دو روز بعد آن مسابقه باتیم آلمانی بعمل آمد . هیئت افغانی مغلوب گردید اما درمسابقهٔ که باتیم بلجیم نمودند تیم افغانی ۴-۱ بالای بلجیم غالب شد . کذا

تیم امریکا را نیز ۳ـ مقابل صفر مغلوب نمودند .

در نتیجهٔ بازیهای اولمپیا افغانستان درجهٔ پنج یافت و نسبت باین موفقیت از طرف رئیس انجمن های کی المان یك کپ (۱) پال لیوتی به انجمن های کی افغانستان اعطاء گردید .

در تور نمنت های کی ۱۴ ملل مختلفه شرکت نموده و نمره هائیکه حاصل نمودند باینقرار است : هندوستان نمره ۱ ـ المان نمره ۲ ـ هالند نمره ۳ ـ فرانسه نمره ٤ ـ افغانستان نمره ٥ ـ هشت ملل دیگر اینها هستند ، جاپان ، سویس ، دنمارك ، اتازونی ، بلجیم ، اطریش ، هنگری .

در عموم بازیهای اولمپیك آلمان در جه اول و اتازونی حایز درجهٔ دوم گردید .

بعد از ختم اولمپیا ، هیئت افغانی بموجب دعوت انجمن برطانوی (کاونسل) به لندن رفته وهشت روز در آنجا اقامت ورزیدند ودرین مدت سه دفعه مسابقات بعمل آمده در یکی غالب و در دو مغلوب شدند .

سپس ازلندن عازم وطن شده ودر قاهره با نفری عسکری بریطانیا داخل در دو مسابقهٔ های کی شده و در هردو تیم افغانی غالب گردیده است . ودرپورت سعید نیز تیم افغانی با کلوب بین‌المللی آنجا داخل درمسابقهٔ های کی شده بالای کلوب مذکور تیم افغانی ۱۱ مقابل صفر غالب آمد . کذا در پورت سعید در مسابقات تینس و بلیارد نیز تیم افغانی موفق بغابلیت گردیدند .

تیم اولمپیك افغانی بعد از شش ماه مسافرت واپس بوطن مراجعت کرده و نسبت باین موفقیت که حاصل نموده بودند مورد تقدیر و احترام عمومی واقع

(۱) کپ ، جام ظفر .

شدند . زیرا درینمدت تیم مذکور داخل درچهل و پنج مسابقه شده و ازانجمله در بیست و نه مسابقه غالب و در یازده مغلوب و در پنج مساوی مانده اند .

البته کسانیکه تاریخ سپورت ونهضت آنرا درافغانستان میدانند این موفقیت تیم اولمپیك افغانی را بسی تقدیر و تمجید خواهند نمود .

اعزام تیم (محمودیه) بغرض فت بال در هند

بقرار تصویب انجمن ملی اولمپیك افغانستان تیم محمودیه بتاریخ ۱۷ جدی در تحت ادارهٔ عالیقدر محمد فاروق خان معاون منشی انجمن المپیك عازم هند گردیده و مصارف هیئت تیم محمودیه را که در « پشاور ، لاهور ، جالندهر ، پتیاله ، لدهیانه ، دهلی » و دیگر بلاد مشهور هند بازی کرده اند اعلیحضرت همایونی از پول شخصی خود پرداخته اند . نتیجهٔ مسابقات هیئت افغانی در هند ازین قرار است :

تیم	افغانی	مقابل		
«	«	«	افغان کلب پشاور	۱ـ۱ مساوی
«	«	«	ایدورد کالج «	۱ـ۳ غالب
«	«	«	اسلامیه کالج «	۴ـ۱ مغلوب
«	«	«	چیفس کالج لاهور	۳ـ۰ غالب
«	«	«	اسلامیه کالج «	۲ـ۱ مغلوب
«	«	«	گورنمنت کالج «	۲ـ۱ غالب
«	«	«	ایف سی کالج «	۱ـ۱ مساوی
«	«	«	دی ای وی کالج «	۲ـ۰ غالب
«	«	«	تیم منتخبهٔ جالندهر	۱ـ۲ مغلوب

تیم افغانی	مقابل	تیم منتخبهٔ لدهیانه	۲ـ۰ غالب
« «	« «	« دارالعلوم‌دهلی	۲ـ۱ غالب

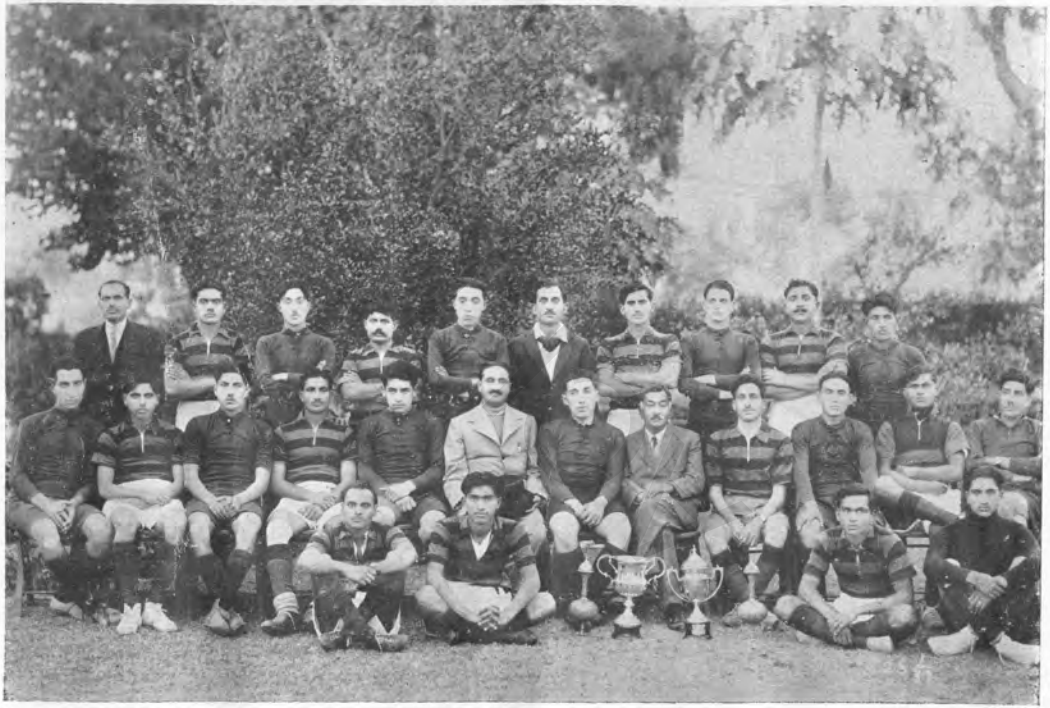
تور نمنت های داخلی

امسال تور نمنت شاه محمود در بازی هاکی در میدان سپورت کلوب حربیه بار سوم بعمل آمد ، ماسوای تیم های قطعات مختلفهٔ عسکری ، معارف ، مکتب حربیه ، یك تیم از فرقهٔ غزنی نیز در تورنمنت مذکور شمولیت داشت .

تیم قول اردوی مرکزی کابل در تور نمنت ، سوم دفعه موفق به‌درجهٔ اول گردیده و این موفقیت او قابل تمجید است .

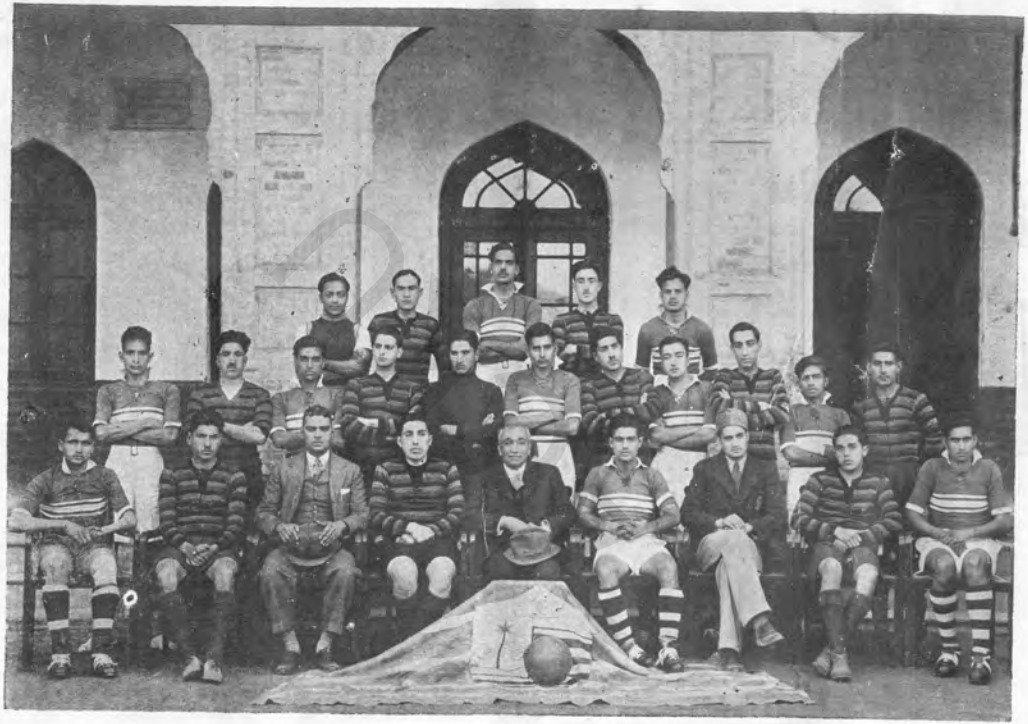
در جشن استقلال

درجشن سال هفدهم استقلال رسم گذشت پرشکوه از ورزشکاران افغانی بحضور اعلیحضرت همایونی و عموم وزرا وطبقات اهالی به نهایت انتظام وقشنگی بعمل آمده ومورد تقدیر از خود وبیگانه واقع شدند . حقیقتاً منظره پرشکوه و لطیف این روز ، نهضت سپورت را در افغانستان آشکار ساخته ودلها را بی اختیار سرور وفرحت می‌بخشید . ما ازخداوند متعال درزیر سایهٔ اعلیحضرت همایونی‌ترقی این رشته را نیزخواستار بوده وطول عمراعلیحضرت ترقیخواه‌خود را از خداوند مسئلت مینمائیم تادر هرباب در انظار از خود وبیگانه ملت افغان آبرو مند باشد .



ورزشکاران افغانی در هند ، تیم اولمپیك فت بال افغانی همراه تیم منتخبهٔ اسلامیه کالج لاهور

Le team olympic afghan avec les footballistes d'Islamia College à Lahore (Indes)



ور زشکا ران افغانی در هند ، تیم اولمپیك فت بال افغانی همراه تیم منتخبهٔ شهر جا لند هر

Les footballistes afghan avec les footballis'es de Djalinhar (indes)

پیشرفتهای اقتصادی افغانستان

بقلم سید قاسم رشتیا مهتمم سالنامه

برهیچکس پوشیده نیست که دردنیای امروزه اقتصادیات مقام بسیاربزرگی را در حیات ملل و ترقی سویهٔ مدنی جوامع بشری اشغال کرده ، اساس تمامی پیشرفتهای مادی ومعنوی جهان بسته به چگونگی اوضاع اقتصادی آن میباشد. بلی درهیچ قسمتی نیست که این عامل مهم ربط وتأثیری نداشته باشد. ازینجهت است که ملل عالم باسرگرمی فوق‌العاده وعلاقه مندی روز افزونی بسوی بهبود وترقی اقتصادیات خویش متوجه گردیده درین‌راه همه‌گونه مساعی رابخرج‌میدهند و سر چشمهٔ تمام سعادت وبختیاری حتی منبع قوت وظفرمندی را دران میدانند .

اقتصادیات عموماً به سه قسمت عمده منقسم گردیده ودر سه شکل علیحده ومشخص عرض اندام میکند ، تجارت ، فلاحت ، صناعت . هریکی ازاین اجزای سه گانهٔ اقتصاد اگرچه بذات خود یك شعبهٔ بسیار بزرگی‌را تشکیل‌داده قسمت عمدهٔ فعالیت بشری دران مرکوز میباشد ولی در عین حال یکی با دیگر خود ربط زیادی داشته همد ومتمم هم بشمار میروند. وبنابران هرگاه دریك مملکتی هرسه شعبهٔ متذکرهٔ فوق یعنی تجارت ، فلاحت وصنائع روبترقی باشد ، حتماً آن مملکت بشاهراه ترقی و تکامل سر راست بوده ، روز بروز بمدارج بلندتر پیشرفت وبختیاری خواهد رسید والبته بالعکس آن بالعکس است . اما این نعمت عظمی که عبارت ازموجود بودن هرسه اجزای اساسی اقتصادی در یك مملکت باشد ، نصیب تمام ممالك نبوده ، یك مملکت اگر برای یکی ازشعب سه گانهٔ فوق

مساعد باشد ، برای اجزای باقیماندهٔ مزبور مساعدت نمیداشته باشد. بلکه یك علاقه برای زراعت وفلاحت خیلی استعداد داشته با لمقابل صنعت دران از سبب عدم وجود مواد خام امکان ترقی راندارد وبالعکس منطقهٔ دیگری دارای منابع طبیعی ومعادن ومواد خام کثیری بوده اما فاقد اراضی زراعتی میباشد ویا بالاخره باو جود داشتن مواد خام واستعداد زراعتی موانع طبیعی وغیر طبیعی در راه ترقی تجارتش واقع بوده ، هرقدرسعی میکندبرای پیداوارخود بازارهای فروش مناسبی نمی یابد مثلاً ممالکی که در دور وپیش او واقع میباشند ازهمان اجناس پیداوار اوبکثرت داشته ، احتیاجی به خریداری اموال مملکت مذکور نمیداشته باشند وفرستادن پیدا وار مذکور بممالك دورتر ازلحاظ مسافهٔ زیاد ومشکلات حمل ونقل وغیره ، پرخرج ومشکل میباشد. ازین رودر دنیاخیلی کم ممالکی وجود دارد که ازاین هرسه نعمت بدرجهٔ کافی برخور دار بوده ، هم در زمینهٔ زراعت وفلاحت اراضی مستعدی را دارا وهم ازجنبهٔ صناعت موادخام لازمه راممالك وهمازرهگذر تجارت حائز تمام شرایط مطلو به باشد . حقیقةً این طور ممالك را باید ممالك (ممتاز) و (برگزیده) نامید . خوشبختانه افغانستان عزیز ما بتمام معنی یکی از این ممالك ممتاز یا بر گزیده بشمار میرود و حضرت خداوند جل و علی شانه در ردیف بسانعمت های مادی ومعنوی که باین خاك عطا کرده ، شرایط اقتصادی آن رانیز امتیاز خاصی بخشیده است . زیرا طوریکه بچشم سرمی بینیم علاوه ازآنکه وطن محبوب ما در بهترین حصهٔ منطقهٔ معتدله واقع و دارای ساختمان کوهستانی و آب و هوای لطیف و گوارا و آب های جاری فراوان و اقسام اراضی مختلف الشرایط و بالجمله تمامی صفات و خواص لازمهٔ یك منطقهٔ آباد و بختیار میباشد ، مخصوصاً برای پیشرفت و ترقی هر سه شعبهٔ

اقتصادیات یعنی زراعت، صناعت و تجارت بقدر دلخواه مستعد است. درین قسمت گمان می کنم ارائهٔ هیچ دلائلی لازم نباشد چه جلگه های سرسبز و دره های شاداب و دشتهای وسیع و دریاهای متعدد و چشمه های فراوان و آب و هوای معتدل افغانستان که لازمهٔ ترقی و توسعهٔ زراعت و تربیهٔ مواشی است، با منابع طبیعی دست نخورده و معادن بیشمار یکه کار آمد پیشرفت صنائع میباشد و بالاخره موقعیت جغرافیائی ممتاز افغانستان و تماس داشتنش باعلاقه جاتیکه در شرایط پیدا وار کاملاً با او مغایر هستند و بالجمله پیدا وار خاص و نادر الوجود آن در نزد هیچکس مجهول و قابل انکار نمیباشد. پس با این شرایط اگر استعداد و آمادگی ملت افغان را نیز بآن بیفزائیم بجرئت میتوانیم ادعا کنیم که وطن عزیز ما از همه جهت برای پیشرفت و ترقی بیش از هرمملکتی مساعدت داشته جلگی عوامل ترقی و تکامل دران موجود و مهیا میباشد و دیری نخواهد گذشت که این مملکت به یاری خداوند متعال و مساعی فرزندان لائق و رجال بهبخواه خود در شاهراه ترقیات مدنی و پیشرفتهای مادی و معنوی سرراست و بقدمهای سریع ومتینی بسوی شاهد سعادت و بختیاری که درخور آنست گامزن خواهد شد انشاالله تعالی.

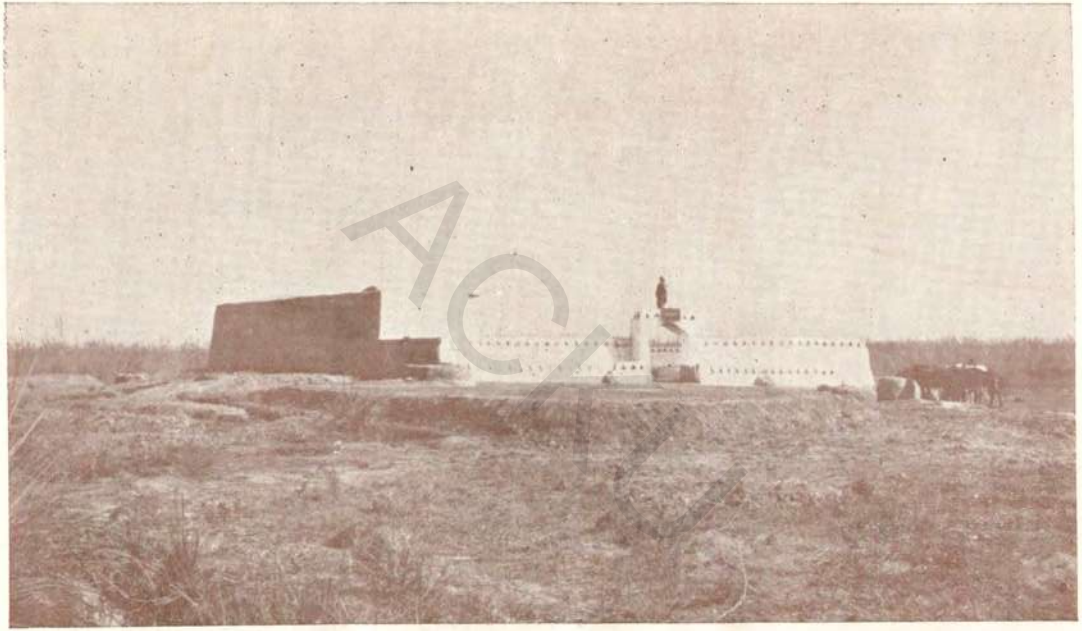
آنچه این آیندهٔ درخشان وطن عزیز مارا پیش نظر مجسم میسازد، همانا توجهات ومساعی است که خوشبختانه از چند سال باینطرف در اثر نظریات و طنخواهانهٔ حکومت متبوعه و حسن استقبال و همکاری ملت افغان، در تمام امور مملکتی با لخاصه درشعب اقتصادی مبذول گردیده ومیتوان گفت که از حالا افغانستان عزیز وارد یک مرحلهٔ نهضت جدید و بی سابقهٔ گردیده است. چنانچه شواهد این نهضت جدید اقتصادی را ذیلاً بطور خلص از نظر خوانندگان عزیز

گذارش خواهیم داد. واقعاً اگر انسان یك نظر سرسری بطرف حالت چند سال قبل افغانستان و با لخاصه اوضاع اقتصادی آن بیندازد و چگونگی حالات امروزه را با سابق مقایسه نموده، فرق وارده را پیش نظر خود مجسم نماید، بخوبی فهمیده میتواند که حقیقةً اجرای چنین یك تغیر بزرگ وعمده در بن قدر یك مدت کوتاه آنهم در ضمن قلت وسائل، زحمت وفعالیت مخصوصی را ایجاب کرده و عاملین این نهضت نو و بی سابقه حقیقةً قابل تحسین و در خور هر نوع ستایش میباشند.

علیای حال، بر ویم بسوی مطلب خود مان که عبارت از معرفی و تشریح پیشرفتهای اقتصادی اخیر افغانستان میباشد. برای این مقصد اولتر از همه لازم است که برای خاطر نشین ساختن مطالب خود همان تقسیمات سه گانهٔ اقتصادیات را که عبارت از فلاحت، صناعت و تجارت است، اساس قرار داده هر شعبه را علیحده با تطورات و ترقیات آن تذکار نمائیم.

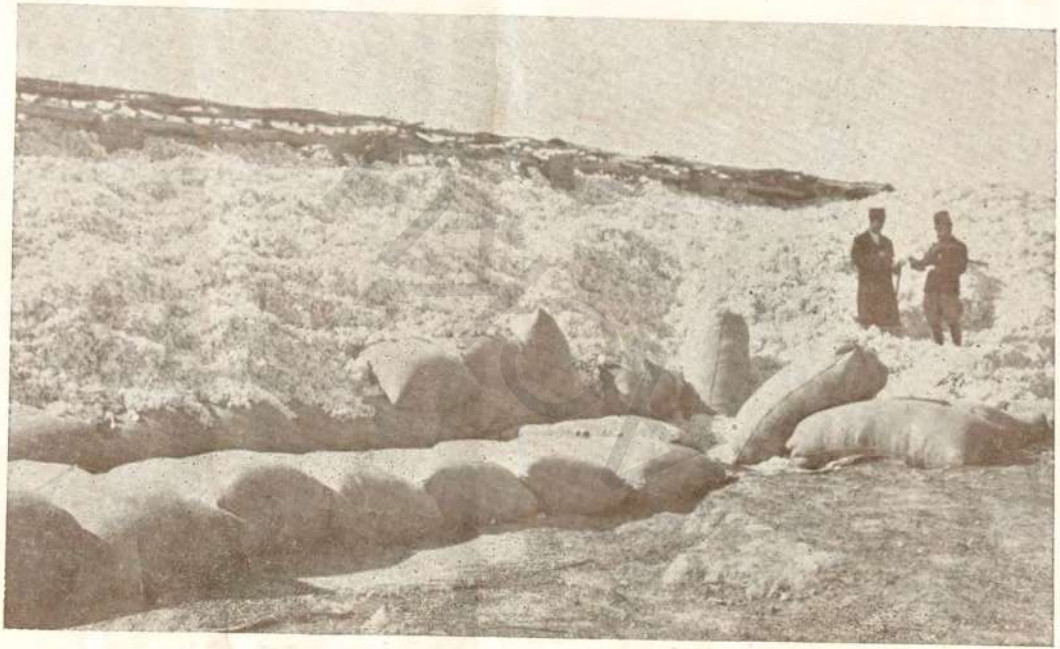
الف: در رشتهٔ فلاحت:

افغانستان طوریکه در بالا اشاره کردیم یك مملکت زراعتی است که زمین های وسیعی را مالك بوده، اگر در طرز آبیاری و استفاده از رود خانه ها و چشمه های فراوان آن مطابق اصول امروزه و کار گرفتن از وسائل جدید وفنی، اقدامات بعمل بیاید، اراضی وسیعی مستعد زراعت و پرورش مواشی خواهد شد و تقریباً تمام زمینهای مملکت قابل کشتمندی و استفاده خواهد گردید. از اینست که از بدو جلوس مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت محمدنادرشاه غازی فقید، راجع به ایجاد بند ها و کشیدن نهر ها توجه مخصوصی مبذول گردیده درظرف ۷ سالیکه از آن عصر منقضی شده یعنی در ٤ سال سلطنت



نمونهٔ تهانه های سرحدی درنزد یك‌در یای آمو(تهانهٔ یکه توت در ولایت قطغن وبدخشان)

Types des postes militaires nouvellement construits au bord de l'Amou-Daria
(prov. de Kataghan-Badakhchan)



گدام پنبه در ولایت قطغن و بدخشان که مخصوص صادرات است

Transactions de coton pour l'exportation (Prov. de Kataghan-Badakhchan)

اعلیحضرت شهید و ۳ سال فرمانفرمائی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در سر تاسر افغانستان (۷) بندجدید تعمیر و (۲) بندسابقه اصلاح وتکمیل گردیده است که اکثر آنها بپایهٔ تکمیل رسیده وباقی تحت کار بوده تا ۲ـ۳ سال دیگر خاتمه خواهد یافت ومجموعاً (۶۴۵،۰۰۰) جریب (۱۳۰،۰۰۰ هکتار) زمین زراعتی جدید مزروع میسازد. علاوه برین (۵) نهر جدید درقسمتهای مختلفهٔ وطن عزیز ما حفر و احداث شده که روی همرفته نهر های مذکور نیز قابلیت مشروب ساختن (۳۵۰،۰۰۰) جریب (۷۱،۰۰۰ هکتار) زمین را دارا میباشدکه جمع کل زمینهای قابل‌الزرع جدید به (۹۵۹،۵۰۰) جریب (۲۰۱،۰۰۰ هکتار) زمین بالغ گردیده و اگر برای کشتمندی (۵) جریب زمین یك نفر سنجیده شود، تمام این اراضی جدید الزرع روی همرفته (۱۹۱،۹۰۰) نفر از اهالی وطن عزیز را مشغول کار و صاحب معیشت خواهد ساخت.

از طرف دیگر درین دوره برای تعدیل اصول زراعت بطرز عصری و اصلاح تربیهٔ حیوانات، مؤسسات مهم از قبیل مکاتب زراعت و باغهای نباتات و مؤسسات تربیهٔ حیوانات و نسل گیری تأسیس یافته و نیز برای ایجاد جنگلها و تعمیم نهال شانی و مشجر ساختن مملکت اقدامات بسیار جدی بعمل آمده که از اثر آن نه تنها مقدار کلی نباتات جدید در مملکت وارد گردیده بلکه در ظرف چند سال اخیر متجاوز از (۵۵،۰۰۰،۰۰۰) درخت جدید در سر تا سر مملکت غرس شده است که قسمتی از آن بصورت جنگل و باقی بصورت باغات و در اطراف راه ها و جاده ها و نهر ها و غیره میباشد.

همچنین در قسمت تربیهٔ حیوانات و تکثیر حیوانات مفیده و اصلاح وتعدیل نسل های حیوانات اهلی و حمایت حیوانات وحشی قابل استفاده،

درین دوره بسا اقدامات اساسی بعمل آمده که اگر به چند کلمه تمام آن را خلص کردن بخواهیم باید تذکار نمائیم که ازبرکت تدابیر اتخاذ شده ، درین ۷ سال اخیر تعداد حاصلات پوست قره کلی که مهمترین قلم صادرات مملکت وبزرگترین چشمهٔ عوائد ملی ما را تشکیل میدهد ، سالانه از (۲۰۰۰۰۰۰) به (۱۰۵۰۰۰۰۰۰) جلد زسیده ـ همچنین اجناس عالی حیوانات اهلی ازقبیل گوسفند (مرینوس) « برای اصلاح پشم ، واسپها وگاوها وطیور مختلفه بمقصد نسل گیری از خارج وارد و بتعمیم آن که منجر باصلاح نسل حیوانات افغانی میشود توجهٔ خوبی مبذول گردیده .

از طرف دیگر برای توسعهٔ زراعت پنبه درسرتاسر افغانستان مساعی وتشویقات فوق العاده بعمل آمد حتی مقدار (۵۰۰۰۰۰۰) سیر (۳۴۵۰) تن تخم پنبهٔ اعلی (امریکائی) به زارعین مفت تقسیم شده وخوشبختانه زراعت پنبه که امروزدردنیا یکی ازپیداوار مهم وقیمت داربشمار رفته خریداران زیاد دارد ، خیلی ترقی کرده ودامنهٔ این ترقی بطورنامحدودی بسط و توسعه خواهد یافت . چنانچه قرارسنجشیکه بعمل آمده حاصلات پنبهٔ سال ۱۳۱۶ بالغ بر (۵۰۰۰۰۰۰۰) سیر (۳۴۰۵۰۰ تن) خواهد شد .

ذیلاً موسسات فلاحتی را که درین عصر ایجاد وتاسیس و اصلاح وتکمیل یافته فهرست وار نام می بریم :

الف بند ها :

۱ ـ بند فرغه ـ ۲ ـ زنه خان ـ ۳ ـ بند سرده ـ ٤ ـ بند مچلغو ـ ۵ ـ بند سرخاب ـ ٦ ـ بندخروار ـ ۷ ـ بند میمنه ـ ۸ ـ بند سراج غزنی ـ ۹ ـ بندپالتو .

ب نهر ها :

۱ ـ نهر سراج جلال آباد ـ ۲ ـ نهر سراج قندهار ـ ۳ ـ پنج نهر

درسمت غربی ـ ٤ ـ یك نهردرسمت مشرقی ـ ٥ ـ نهرخیر آباد مزار شریف .

ج : ـ مؤسسات اصلاح و تعدیل زراعت و تربیهٔ حیوانات :

١ ـ مکتب زراعت ـ ٢ ـ مؤسسهٔ زراعت و تربیهٔ حیوانات واقع خواجه ملا ـ ٣ ـ مؤسسهٔ تربیهٔ حیوانات و نسل گیری واقع علی آباد ـ ٤ ـ باغ نباتات واقع رقتی سناتوریم ـ ٥ ـ مؤسسهٔ پیله کشی .

ب : در شعبهٔ صنایع وفنون :

میتوان گفت که صنایع از مدت چند قرن به اینطرف در مملکت عزیز ما تقریباً بکلی مرده و نه تنها صنعت های قدیم که در ادوار تاریخی اسباب شهرت و افتخار افغانستان را فراهم ساخته بود ، بنابر عدم توجه مردمان تماماً ازبین رفته وچندان اثری ازآن باقی نمانده بود ، بلکه صنایع جدیده نیز ابداً وارد مملکت نشده یك تعداد مختصر صنائع ابتدائی که بحکم ضرورت روز مره باقی مانده بود هم بیك حالت بسیار ناقص و بصورت بسیار قدیمی بوده هیچ ارزش واستفادهٔ صحیحی را ارائه نمیکرد ـ تا آنکه درتاریخ ٥٠ سال گذشته ، حکومت افغانستان برای بار اول به سوی صنائع جدیده متوجه گردیده برای ایجاد بعضی کارخانه جات عصری جهة رفع حوائج مهمهٔ دولتی و تاسیس صنائع مختلفه اقدام نمود و از اثر آن متدرجاً یك تعداد کارخانه جات اسلحه سازی و پشمینه بافی وچرمگری و بوت دوزی وبسته کاری وضرابخانه وغیره درمملکت قایم و دایر گردیده پارهٔ احتیاجات ملی مارا رفع نمود . اما نهضت حقیقی صنایع نیز در عصر موجوده پیدا شده و در ظرف هفت سال گذشته چندین کارخانهٔ مهم و بزرگ مطابق جدید ترین اصول صنعتی و فنی در افغانستان وارد و اکثراً تکمیل و افتتاح گردیده و بعضی هم

تحت کار میبا شد و نیز بسا موسسات صنعتی دیگر در شرف ورود وتاسیس است که مهمترین موسسات صنعتی این دوره را ذیلا ذکر میکنیم :

۱ ـ : کارخانهٔ بزرگ نساجی :

کارخانهٔ بزرگ نساجی برای ساختمان پارچه های پنبه ئی که فوق العاده طرف احتیاج ما بوده سالانه متجاوز از (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی از سرمایهٔ ملی برای آن بصرف میرسد ـ و این کارخانهٔ بزرگ مشتمل بر (۲۰۰۰) دستگاه بر قی بوده ، بعد از جریان ، تمام احتیات اهالی وطن عزیز ما را در قسمت پارچه های پنبه ئی رفع کرده می تواند و برای خریداری این کارخانه شرکت بزرگی به سرمایه (۵۱۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی بنام (شرکت نساجی) تاسیس وازیکسال باینطرف خریداری این کارخانه از آلمان صورت گرفته و نیز برای تعمیر محل نصب آن در حصهٔ پل خمری (در راه کابل و ولایات شمال) که حائز شرایط لازمهٔ تدویر کارخانهٔ برقی است اقدامات لازمه بعمل آمده ـ این کارخانه حقیقتاً یکی از مهم ترین موسسات عام المنفعهٔ صنعتی و اقتصادی است که در افغانستان بوجود میآید و البته پس از جاری شدن آن که برای دو سال آینده در نظر است ، اقلاً مبلغ (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی سرمایهٔ ملی که حاضراً صرف خریداری پارچه های پنبه ئی میشود بجیب مباقی مانده برای دیگر اصلاحات و پیشرفت های وطن بخرج خواهد رسید .

۲ : کارخانهٔ پشمینه بافی قندهار :

پارچه های پشمی در افغانستان از سبب سردی هوا فوق العاده طرف احتیاج بوده ، حاصلات پارچه های وطنی از قبیل کرک و برک وغیره برای احتیاجات تمام اهالی بهیچ وجه کفایت کرده نمیتواند ـ حتی کارخانهٔ پشمینه بافی

قدیمی که ۳۰ سال پیشتر تاسیس یافته نه ازروی وسعت و نه ازروی قوت و فعالیت وجدید بودن بهیچوجه حوائج ملو را رفع کرده نمی تواند ، وازطرف دیگر اصول شستن و تهیهٔ پشم در مملکت از قدیم بصورت ابتدائی بوده ، علاوه از آنکه باوجود اعلی بودن پشم ، پارچه های خوبی از آن ساخته شده نمی تواند ، برای صادرات نیز پشم افغانی بصورت نامرغوبی بار بندی میگردد . بنا بر این جهات بود که چند سال قبل یك کارخانهٔ بزرگ پشمینه بافی خریداری و برای تاسیس آن در شهر قندهار که مرکز بزرگ پیدا وار پشم است ترتیبات گرفته شده ، اکنون کارخانهٔ مذکور بپایهٔ تکمیل رسیده و این کارخانه نه تنها همه قسم پارچه های پشمی را بافته می تواند بلکه اول پشم را شسته و شو کرده ، سپس فشار داده بعد او تو کشیده نخ بافته ، مطابق میل پارچه های مطلوبه را از آن می بافد ـ گویا این کارخانه یك کارخانهٔ مکملی است که ازیکطرف تقریباً تمام احتیاجات اهالی وطن عزیزما را در قسمت پارچه های پشمی و ازمواد خام پیدا وار خود مملکت رفع کرده از آن رهگذر مبلغ (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی را که سالانه طور اوسط برای خریداری پارچه های پشمی داده می شود ، بجیب اهالی مملکت باقی می گذارد و ازطرف دیگر اصول شست وشو و بار بندی پشم صادراتی را نیز بمرد مان داخلی می آموزد .

۳ـ کارخانهٔ نختابی و پارچه بافی جبل السراج :

نخ علاوه از اینکه برای همه اقسام پارچه های بافتنی طرف احتیاج میباشد ، مقدار کلی آن برای احتیاجات متفرقه نیز بصرف میرسد و از ین رو جریان وپیشرفت کارخانهٔ نساجی بزرگ فوق الذکر و بسا کارخانه جات

و موسسات پارچه بافی دیگر مملکت و احتیاجات متفرقهٔ اهالی مربوط به کارخانهٔ نخنا بی میباشد و این کارخانه که از چهار سال به اینطرف تحت ساختمان گرفته شده اکنون کار نصب ماشین های آن نیز به عمل آمده وتاچند روزدیگرافتتاح خواهد شد. کارخانهٔ مذکور مشتمل بر (۸۷) پایه ماشین برقی بوده ، علاوه برنخ ریسی پارچه های پنبهٔی مختلفه ازقسم جیم ، چیت قسرنخی و غیره نیز بافته میتواند و درجوار کارخانهٔ برق جبل السراج تاسیس یافته که قوهٔ برق خودرا ازکارخانهٔ مذکور حاصل خواهد کرد .

٤ـ مکتب صنائع :

این موسسه که برای احیا و پیش رفت صنائع موجوده و ایجاد و ترویج صنائع جدیدهٔ عصری است ، اگرچه در جزو تشکیلات معارفی مهم مملکت عزیزما محسوب وازمدت ٦ سال به اینطرف روی مکتب رسامی سابق تاسیس یافته ، در حقیقت در حیات اقتصادی و مخصوصاً صنعتی افغانستان تاثیر زیادی داشته درعین زمان یکی‌ازموسسات بزرگ صنعتی وطن مانیز بشمارمیرود ونظریات اساسی مهمی که برای توسعه وترقی این مکتب اخیراً بوجود آمده آیندهٔ درخشانی را برای موسسهٔ مذکورپیش بینی میکند و حاضراً شعبات مختلفهٔ آن از قبیل :ـ رسامی ، نقاشی ، نقشه کشی ، مهندسی ، نجاری ، معماری ، رنگ مالی ، رنگرزی ، قالین بافی ، طباعت ، خیاطی ، بسته کاری وغیره اهمیت بزرگی را برای ترقیات آتیهٔ افغانستان ارائه مینماید .

٥ ـ صنائع محبس مرکزی :

محبس‌مرکزی که از ۳ سال به اینطرف به اصول عصری تعمیر و درآن برای اصلاح احوال محبوسین و مشغول‌کردن و عادی ساختن آنها به مشاغل

مختلفه ، اساس همه قسم صنایع وحرفت های یدی گرفته شده ، امروز یکی از موسسات صنعتی بزرگ مملکت ما گردیده و روز بروز دامنهٔ پیشرفت و ترقی این موسسه کسب افزونی مینماید . چنانچه تنها از اسم بردن شعبات عمدهٔ صنعتی مذکوراهمیت حاضره و آتیهٔ صنایع مجلس مرکزی در نظرخوانندگان عزیز روشن خواهد شد :

۱ ـ کارخانهٔ تسر بافی پشمی و نخی ۲ ـ کار خانهٔ شطر نجی بافی ۳ ـ کار خانهٔ گلیم بافی ٤ ـ کار خانهٔ قالین بافی ٥ ـ کار خانهٔ الچه بافی ٦ ـ کار خانهٔ خیاطی ۷ ـ کار خانهٔ بوت دوزی و سراجی ۸ ـ کار خانهٔ کاغذ سازی ۹ ـ کارخانهٔ کاشی سازی ۱۰ ـ کارخانهٔ آهنگری و حلبی سازی ۱۱ ـ کار خانهٔ نجاری و خرادی ۱۲ ـ کار خانهٔ رنگریزی ۱۳ ـ کارخانهٔ گل وخشت سمنتی ۱٤ ـ کارخانهٔ تابلو نویسی ۱٥ ـ کار خانهٔ بنیان و جراب بافی و غیره و غیره شعبات مختلفهٔ دیگر .

این چند موسسهٔ که ذکر کردیم ، عبارت از موسسات صنعتی مهم و درجه اول بود که در ظرف ۷ سال اخیر در افغانستان بوجود آمده ، باقی موسسات مختلفهٔ صنعتی جدید التاسیس این عصر را ذیلاً بطور اختصار نام می بریم :

اول ـ کار خانهٔ ترمیم موتر و بسته کاری ، دارای ۱۸ پایه ماشین برقی ـ تاریخ افتتاح آن ۱۰ حمل ۱۳۱۱ (حاضراً دو کارخانهٔ ترمیم موتردر کابل موجود است ، یکی کارخانهٔ دولتی و دیگر متعلق بانك ملی)

دوم ـ دو کار خانهٔ صابون سازی که روزانه (۳۰۰۰) کلچه صابون تیارمیکنند ـ تاریخ افتتاح ماه جوزای ۱۳۱۱ـ سوم ـ کارخانهٔ حکاکی وسنگ تراشی وسنگ لاجورد ـ تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۱ ـ چهارم ـ کارخانهٔ تیل کشی

از نباتات ـ تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۱ ـ پنجم ـ کارخانهٔ نجاری مرکزدارای (۲۵) پایه ماشین ـ تاریخ افتتاح اول قوس۱۳۰۹ (حاضراًسه کارخانهٔ نجاری در مرکز کابل موجود است : کارخانهٔ نجاری مرکز ، کارخانه نجاری دارالفنون دارای (۱۳) پایه ماشین برقی تاریخ افتتاح ۱۰ عقرب ۱۳۱۱ و کارخانهٔ نجاری مکتب صنائع) ـ ششم ـ کارخانهٔ جراب و بنیان بافی دارای (۱۶۵) پایه ماشین برقی ـ تاریخ افتتاح آن ماه قوس ۱۳۰۹ ـ هفتم ـ کارخانهٔ دکمه‌سازی دارای (۱۲) پایه ماشین برقی ـ تاریخ افتتاح آن اول قوس ۱۳۰۹ ـ هشتم ـ کارخانهٔ چرمگری (بصورت ملی وغیراز کارخانهٔ چرمگری و بوت دوزی سابقه است) دارای (٦) پایه ماشین برقی ـ تاریخ افتتاح آن سال ۱۳۱٤ ـ نهم ـ کارخانهٔ یخ سازی (در قندهار) تاریخ افتتاح بعد از تکمیل‌سال ۱۳۱۵ ـ دهم ـ کارخانهٔ‌حفظ‌میوه (کنسروه) وغیره (درقندهار) دارای (۱۱) پایه ماشین ـ تاریخ افتتاح ثانوی پس از تکمیل‌سال ۱۳۱۵ ـ دوازدهم ـ کارخانهٔ برق قندهار ـ تاریخ افتتاح سال۱۳۱۱ ـ سیزدهم ـ کارخانهٔ برق هرات ـ تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۵ . و غیره و غیره مؤسسات خورد و بزرگ دیگر . . .

از طرف دیگر راجع به استخراج معادن افغانستان که ترقی صنائع بدون آن امکان پذیرنیست درین دوره اقدامات زیادی بعمل آمده وازاثر این مساعی تا کنون متجاوز از (۳۰۰) معادن مفیده از قبیل معدن طلا ، نقره ، ذغال سنگ ، نفت ، آهن ، مس و بسا معدنیات مهمهٔ دیگر کشف و نمونه های همهٔ آن ها درموزهٔ اقتصادی وزارت تجارت برای نمایش گذاشته شده‌که برخی تحت استخراج گرفته و هم برای استخراج بعضی دیگر از معادن مذکور مخصوصاً

چشمه های نفت که جهت استخراج آن باشرکت « انلنداکسپلوریشن کمپنی » امریکائی بتازگی قرارداد شده ومعادن جنوب که یك شرکت مختلط افغان و المان باستخراج آن اقدام خواهد کرد ، اقدامات بعمل آمده که عنقریب پس از تصویب یافتن قرارداد های مذکور از طرف شورای ملی افغانستان نتائج خوبی از آن ظاهر خواهد شد و برای ملت و مملکت فوائد بیشماری خواهد رسانید .

علاوه برین درقسمت صنائع ، مطابق نقشه های حکومت متبوعه ، برای تدویر چند کارخانهٔ مهم دیگری نیز اقدامات شده که هریك بذات خود در بهبود اوضاع اقتصادی مملکت رول مهمی بازی خواهد کرد ، مهمترین این کارخانه جات که برای خریداری وتورید آن اقدامات لازمه اتخاذ گردیده عبارت است : ـ از کارخانهٔ بزرگ قند سازی ازلبلبو که قبلاً تجارب زرع لبلبو نیز در ولایت قطغن بعمل آمده واین کارخانه پس ازنصب وبکار افتادن تقریباً تمام احتیاجات ملی را درقسمت قند وشکر که سالانه مبلغ (۱۳۰۰۰۰۰۰۰) افغانی برای تورید آن ازخارج بصرف میرسد ، تکافو خواهد کرد . واین غیراز کارخانهٔ قند سازی سابق است که ازنیشکر قنداستخراج میکند وپس ازترمیمات لازمه آنهم جریان خواهد یافت . و دیگر کارخانهٔ سمنت سازی که بادرنظر گرفتن توسعه وترقی عمرانات عصری احتیاج روز افزونی برای آن محسوس میشود ، وحاضراً هم سالانه متجاوز از (۱۰۳۰۰۰۰۰۰) برای خریداری سمنت ازخارج بصرف میرسد (واین غیر از کارخانهٔ سابق سمنت سازی است که خیلی کوچك و دارای شکست ورنخت زیادمیباشد وآن نیز تکمیل خواهدیافت) و دیگر کارخانهٔ بزرگ برق آبی بقوت (۳۰۰۰) کیلووات برای تنویرات و تدویر کارخانه جات آتیهٔ کابل و نواحی آن که کارخانهٔ برق بمقام وردك نصب خواهد شد . اضافه

برین خریداری و توریدیك مطبعهٔ عصری و مکفی تمام حوائج مطبوعات و غیره احتیاجات طباعتی مملکت ـ ویکدستگاه بزرگ تلگراف بی سیم و یك مرکز بزرگ رادیو ویك موسسهٔ اکسریز را نیز در ردیف کارخانه جات و موسسات صنعتی جدیده که عنقریب بپایهٔ تکمیل خواهد رسید بایدحساب کرد .

ج : در شعبهٔ تجارت

بهمه کس معلوم است که اصول تجارت در افغانستان تا همین ۶ ۰ ۷ سال پیش کاملاً بصورت ابتدائی و تقریباً بحال خود بخودی بوده ، ازین رو علاوه از آنکه بحال ملت ومملکت واقتصاد ملی فائدهٔ صحیحی نمیرسانید ، چون روز بروز روابط با خارجه توسعه یافته ، دردیگر ممالك عموماً اصول منظمی در تجارت قائم و جاری بوده و نیز تجار خارجی از اوضاع بیخبری تجار و عدم انتظام تجارت ما استفاده کردن می خواستند ، لهذا صدمات شدیدی بر پیکر اقتصادیات ما وارد وحتی ازآن علاوه بر امور اقتصادی مملکت امور مالی و منجمله پول افغانی نیز صدمه می خورد وروز بروز بحران اقتصادی وصدمات وارده کسب شدت میکرد ـ این احوال بقدری اوضاع اقتصادی افغانستان را باریك میساخت که ازیکطرف روز بروز نرخ مبادلهٔ پول افغانی تنزل مینمود و از طرف دیگر عوائد تجارتی بصورت روز افزون کمتر شده رفته ، قسمت بزرگ آن درجیب یك دسته تجار بیگانه میریخت ـ چنانچه کم کم نزدیك بود استقلال اقتصادی ما ازدست رفته تجار خارجی همه مجاری تجارتی را بکف خود بگیرند ـ واقعاً اگر احوال اقتصادی سالهای اول بعد ازانقلاب و آنهمه مشکلات و بحران های وارده پیش نظر آورده شود ، بخوبی فهمیده خواهد شد که حقیقةً برای تبدیل‌دادن آن اوضاع و رفع بحرانات مذکوره مساعی و زحمات

و عزم و ثبات قابل تقدیری بصرف رسیده است تا اوضاع تجارتی و مالی مملکت از آن حالت فلاکت با نتظام و استواری امروزه واصل آمده ـ بنا بر ین جهات بود که حکومت خیبر ما بفکر چاره جوئی اوضاع تجارتی و مالی افتاده ، او لتر از همه تشکیل یك موسسهٔ ملی بزرگ را بصورت بانك وشرکت لازم دانسته در سال ۱۳۱۱ اساس بانك ملی را گذاشت و متعاقب آن توجه مخصوصهٔ خود را بسوی طرح یك نقشهٔ اساسی اقتصادی مبذول کرده ، به تطبیق اصول (اجتماع سرمایه) که در عصر حاضر بزرگترین وموثرترین عوامل بهبود وپیشرفت اقتصادیات تشخیص داده شده ، پرداخت . چنانچه روی این نظریه از آن وقت تا کنون متجاوز از (۵۰) شرکت و تجارت خانه درسر تاسر مملکت عزیزما تأسیس یافته که سرمایهٔ مجموعی فعلی این شرکت ها متجاوز از (۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد ـ حکومت برای تشویق و ترغیب و هم جهت امداد و کمك شرکتهای مذکوره یك حصه امتیازات و انحصارات را که بحال ملت نیز اثرات نا گواری انداخته نتوانده ، بشرکتهای تجارتی داده و بالمقابل از آن همه تعهداتی مبنی برترقی‌دادن صادرات و اصلاح اصول تجارتی شان گرفته است . علاوه بر ین شرکت های تجارتی برای تورید کار خانه جاتی نیز اقدام کرده اند و بالجمله از اثر این اقدامات از یك طرف دست تجار خارجی از تجارت افغانستان کشیده شده ، و قسمت بزرگ تجارت مملکت بامعامله داران اصلی سر راست گردیده و از طرف دیگر صادرات و طن عزیز روز بروز چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت کسب ترقی نموده است . وبادرنظر گرفتن دیگر تسهیلاتی که از رهگذر تامین امنیت و احداث جاده ها و تمدید خطوط تیلگراف وتیلفون

وغیره برای بسط و توسعهٔ تجارت بعمل آمده ، میتوان گفت که امروز اصول تجارت در افغانستان کاملا تعدیل گردیده و مطابق اصول عصری در آمده است . علاوه برین بتوجهات حکومت متبوعه و مساعی موسسات تجارتی مشکلات تجارتی ما با ممالک خارجه تا اندازهٔ زیاد رفع و اصول سهمیهٔ تجارتی بابرخی از ممالک مرعی الاجرا گردیده .

خلاصه ، اگر پیشرفت های امور تجارتی افغانستان را که درین دورهٔ ۷ سال گذشته بعمل آمده بچند جمله خلاصه کردن بخواهیم باینقرار خواهد بود :

۱ ـ اصول تجارت مملکت ازحالت ابتدائی وخود بخودی بصورت عصری در آمده وهمه معاملات عمده روی یك نقشهٔ صحیح وسنجش موثوق بعمل می آید.

۲ ـ دست دلالان وتجار ذات البینی که ما بین تجار افغانی و کارخانه داران یانجارت خانه‌های معامله کننده ، واقع وحائل بودند ازکار کشیده شده ، اکنون اکثر تجار افغانی چه درخرید وچه درفروش را ساساً وبلاواسطه بامعامله داران اصلی خود ها که عبارت از کارخانه های بزرگ ومعتبر دنیا میباشد ، در تماس میباشند ، وخسو دشان همه قسمت های معامله راسنجیده میتوانند .

۳ ـ موازنهٔ صادرات و واردات بوسیلهٔ منع وارادات بیلزوم وترقی صادرات .

٤ ـ اجتماع و تمرکز سرمایه است که تجار و سرمایه داران و عموم افراد مملکت عزیز نظر بمساعی و تشویقات حکومت بسوی این عامل مهم پیشرفت ها وعملیات اقتصادی یعنی (اجتماع سرمایه) متوجه گردیده ، درظرف مدت کوتاهی به تعداد زیاد مؤسسات شرکتی خورد و بزرگ را در هر گوشه و کنار مملکت برای مقاصد تجارت صادراتی و وارداتی تأسیس کرده اند وعموماً ملتفت شده اندکه سرمایهٔ بزرگ به نحو بهتر وبخرج وخوف کمتر

امور اقتصادی را انجام داده توانسته رفاه عمومی را تامین میکند ـ ازاینست که امروز علاوه بر بانك مرکزی که از لحاظ اهمیت سرمایهٔ خود و هم از رهگذر عملیات واقدامات خویش مهمترین موسسات اقتصادی مملکت ما بشمار میرود ، چند اتحادیه های شرکتی دیگر که دران چندین شرکت های خورد وبزرگ اجتماع نموده ، نیز بوجود آمده وباسرمایه جات عمده وتشکیلات وسیع برای ترقی تجارت وطن عزیزما تحت پروگرام اقتصادی مجوزهٔ حکومت مشغول کار میباشند و روز بروز نتایج تازه تر ورضائیت بخش تری را ازحسن عملیات واقدامات خود ها بمفاد ملت ومملکت عرضه میکنند .

همچنین درقسمت امورمالی که آنهم درذیل شق تجارت ذکرشده میتواند ، طوریکه دربالا اشاره کردیم حکومت متبوعهٔ ما درین چند سال اخیر اقدامات قابل قدری را بعمل آورده که مهمترین آن عبارت ازاستقرار نرخ مبادلهٔ (افغانی) وقبول معیار طلا و ترویج پولهای کاغذی است ، که هریك ازاین تشبثات باقبول زحمات زیاد وپس ازسنجشهای طولانی وعمیق واخذ ترتیبات وتدابیراساسیه بعمل آمده و خوشبختانه طوریکه می بینیم ازمدت تقریباً ۲ سال باینطرف ازیك سو پول افغانی ازحالت بحران خود خارج ودریك معیارمتوسطیکه هم برای صادرات وهم برای واردات کمال مساعدت را دارد ، استقرار پیدا کرده و نرخ مبادلهٔ مستقلی را بمقابل روپیهٔ هند و بالواسطه بمقابل بسا اسعارخارجهٔ دیگرممالك شده ، از دیگر سو پولهای کاغذی که در ارو پا بکمال دقت و قشنگی بطبع رسیده وازد وسال باینسو درمعرض جریان میباشد ، بمقابل یك ذخیرهٔ بزرگ فلزات قیمتی واسعارمعتبرخارجی که ضمانت چلندآن بشمارمیرود ، درمعاملات سهولت فوق العادهٔ پیش کرده و از همه جهت موجبات مسرت و رفاهیت و اعتماد ملت افغان راحائز گردیده .

در پنجا برای معرفی مؤ سسات مهمهٔ تجارتی و طن عزیز تنها اسمای شرکت های عمدهٔ تاسیس یافتگی این عصر را با اندازهٔ سر مایهٔ و ظایف اساسی آن ها اسم برده ، از ذکر اسما و تفصیلات باقی شرکت های داخلی که از گنجایش مقالهٔ ما بیرون است صرف نظر مینمائیم :

۱ ـ : بانك ملی بسرمایهٔ مجموعی (۲٤۰۰۰۹۰۵۳۳) افغانی که درتمام امور اقتصادی مملکت دست دارد (سرمایهٔ معاینهٔ آن(۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد)

۲ـ : شرکت اتحادیهٔ شمالی بسرمایهٔ مجموعی (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار صادرات پوست قره کلی و پشم و پنبهٔ ولایات شمالی و واردات رخت باب و کلوش و غیره را میکنند .

۳ـ : شرکت اتحادیهٔ هرات بسرمایهٔ مجموعی (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی برای صادرات قره کلی و پشم و غیره و واردات اموال زرعی و غیره .

٤ ـ : شرکت تعاونی بسرمایهٔ مجموعی (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که بصورت اسهام مندرجاً جمع آوری میشود . این شرکت برای تعمیر کارخانهٔ بزرگ پارچه بافی است که شرح آن درقسمت اقدامات صنعتی آمده و بسیاری از تجار مملکت دران شریك میباشند .

۵ـ : شرکت پشتون (قندهار) بسرمایهٔ مجموعی (۱۰۶۷۳۰۰۰۰) افغانی که کار صادرات میوهٔ خشك قندهار و واردات پترول و شکر کار آمد ولایت قندهار را میکند .

٦ـ : شرکت وطن (قندهار) بسرمایهٔ مجموعی (۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار صادرات پشم و لایت قندهار و فراه و واردات اموال جایانی رامینماید .

۷ـ : شرکت صابر بسرمایهٔ مجموعی (٦۰۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که کار پوست قره کلی را میکنند .

۸ ـ شرکت	دیانت	بسرمایهٔ	(۱۰۰۰۰۰۰۰۰)	افغانی که کار پوست فره کلی را میکند		
۹ ـ «	برادران	«	(۱۰۰۰۰۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۰ ـ «	توکل	«	(۱۰۰۰۰۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۱ ـ «	قناعت	«	(۱۰۲۵۰۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۲ ـ «	کوشش	«	(۱۰۵۰۰۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۳ ـ «	رشقیا	«	(۲۰۴۹۶۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۴ ـ «	سلامت	«	(۱۰۱۰۰۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۵ ـ «	ارادت	«					
۱۶ ـ «	سعادت	«	(۱۰۵۹۵۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۷ ـ «	صداقت	«	(۱۰۱۵۰۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۸ ـ «	اخلاص	«	(۱۰۱۲۵۰۰۰۰)	«	«	«	«
۱۹ ـ «	مبمنت	«	(۱۰۰۰۴۰۵۰۰)	«	«	«	«
۲۰ ـ «	قالین بافی	«	(۲۵۰۰۰۰۰)	«	برای اصلاح وترقی قالین		
۲۱ ـ «	تریاك	«	(۱۰۵۰۰۰۰۰۰)	«	برای صادرات اصولی تریاك		

علاوه بر این در قسمت تجارت و تر قیات آن باید تذکار نمود که آنچه پیشرفت های مذکور را به نحو واضح تر و صریح تری بپایهٔ ثبوت میرساند، همانا افزونی روز افزونی است که درظرف این ۷ سال اخیر در میزانیهٔ تجارتی یعنی سر جمع واردات و صادرات مملکتی بعمل آمده چنانچه اگر به احصائیهٔ تجارتی این دوره نظر بیندازیم مشاهده میکنیم که سر جمع کل تجارت ما از سال ۱۳۰۹ به بعد یکسال به نسبت سال قبل به ترتیب ذیل اضافه شده، ـ درسال ۱۳۱۰ (۴۴) فیصد و درسال ۱۳۱۱ (۴۲) فیصد و درسال ۱۳۱۲

(۲) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۵) فیصد و با در نظر گرفتن افزونی دو سال اخیر میزان کل تجارت افغانستان درسال ۱۳۱۵ متجاوز از (۳) برابر سال ۱۳۰۹ می باشد .

این بود خلاصهٔ پیشرفتهای اقتصادی مهمه که در ظرف ۷ سال گذشته در مملکت عزیز ما بوجود آمده . اما ناگفته نماند که همچنانکه عوائد ملی و اقتصاد عمومی نظر به تشریحات فوق ترقی کرده ، عایدات حکومتی نیز طبعاً از هر جنبه کسب افزونی نموده است . چنانچه از یك طرف محاصیل گمرکی در اثر ترقی روز افزون معاملات تجارتی و نیز در نتیجهٔ تدابیر صحیحی که از طرف حکومت در قسمت جلوگیری از تجارت گریزی و رفع غیره نواقص گمرکی و تدوین تعرفهٔ اصولی بعمل آمده ، نسبت به سال ۱۳۰۹ علی الترتیب درسال ۱۳۱۰ (۱۰) فیصد و درسال ۱۳۱۱ (۳۰) فیصد و در سال ۱۳۱۲ (۱۰) فیصد و درسال ۱۳۱۳ (۱۶) فیصد و درسال ۱۳۱٤ (۲۵) و بالاخره درسال ۱۳۱۵ (٤ ونیم) فیصد افزود گردیده که به اینقرار جمع محصولات گمرکی سال۱۳۱۵ در حدود (۳) برابر جمع محصولات سال ۱۳۰۹ میباشد . همچنین دیگرعوائد دولتی از قسم مالیات و محصول مواشی و غیره چشمه های واردات نظر به اقدامات واصلاحات حکومت متبوعه و حسن انتظام امورمملکتی ومساعی مامورین مربوطه از سال ۱۳۰۹ به بعد یکسال به نسبت سال قبل به ترتیب ذیل افزوده شده است ، در سال ۱۳۱۰ (۹) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۲٤) فیصد و در سال ۱۳۱۲ (۱۲) فیصد ودرسال ۱۳۱۳ (۲۷ونیم) ودر سال۱۳۱٤ (۲۵) فیصد و درسال ۱۳۱۵ (۷ونیم)فیصد وبصورت مجموعی در سال ۱۳۱۵ به نسبت سال۱۳۰۹ بقدر (۱٤۰) فیصد ترقی کرده . همچنین

بودجهٔ مملکتی سال بسال موازنهٔ لازمه را دارا گردیده است .

درخاتمه بایدتذکار کردکه این ترقیات و پیشرفتهای اقتصادی درخشان ونمایانی که درین دورهٔ بعد ازانقلاب نصیب افغانستان عزیز گردیده وماشمهٔ از آن را بصورت مجمل ، ذکر نمودیم و چشم هر فرد وطن خواه از خواندن و دیدن آن روشن میگردد ، در ضمن مشکلات جدی که از اثر بدایت کار ونبودن وسائل لازمه و تنگی وقت و عدم تجربه و غیره وغیره در پیش بود، بعمل آمده و بنابران زحمات و عرق ریزیهای رجالی که آنرا بوجود آورده اند بالخاصه مساعی شباروزی رجل نامدار افغانستان حضرت اشرف والا حضرت سردار محمدهاشم خان صدر اعظم وباقی اعضای کابینهٔ دولت ودیگر مامورین مملکتی درنظر ازخود و بیگانه نهایت درجه قابل تقدیر بوده و ضمناً به عموم فرزندان وعلاقه مندان و بهیخواهان این خاك امید میدهد که مطابق همین پروگرام و خط مشی پیغرضانه که اکنون مورد توجه و سر دست حکومت متبوعهٔ ما میباشد ، وطن عزیز روز بروز به ترقیات و پیشرفتهای اقتصادی و مدنی بزرگتری نائل گردیده مدارج ترقی وتعالی راخواهد پیمود وبخصوصاً اند امانیکه حاضراً درنظرمیباشد ازقبیل استخراج معادن و چشمه‌های نفت وغیره موجبات سعادت و رفاهیت ملت و پیشرفت و کامگاری مملکت افغانستان را فراهم خواهد ساخت انشاءالله وتعالی .

در پایان این مقاله صورت پیشرفت و کارروائی های سال ۱۳۱۵ موسسات مهمهٔ تجارتی وطن را بترتیب همه ساله تحت عنوان « شرکت های تجارتی» برای مزید استفادهٔ قارئین گرام درج میکنیم ،

شرکت های تجارتی

بانك ملی افغان

خوش بختانه بانك ملی که مهمترین موسسات اقتصادی مملکت ما بشمار میرود در سنه ۱۳۱۰ بیش از سالهای قبل پیشرفت های مهمی کرده و موفقیت بسیار بلندی را در روابط ومعاملات خارجهٔ خود احراز و بنظریه و توجه هیئت محترم دولت پلانهای اقتصادی خود را که مراد از اجتماع سرمایه، تشکیل شرستهای اتحادیه، انتظام تجارت سمت شمال، استقرار نرخ افغانی، توسعهٔ زراعت پنبه، تشکیل یك شرکت بزرگ نساجی، تنظیم فروش قره کلی، تشکیل شرکتی برای صادرات تریاك، تحدید واردات در مقابل صادرات، تأسیس یك فابریکهٔ مهم ترمیم موتروغیره میباشدبصورت مطلوب صد فیصد عملی کردهکه ماهختصراً بشرح بعضی از جلات فوق بعنا وین آتی قارئین محترم خود رامطلع می سازیم،

تشکیلات بانك وطرز اداری و سیستم محاسباتی آن :

بانك ملی در اوائل سال ۱۳۱۰ حسب تصویب مجلس هیئت مدیرهٔ خود، شرکت اسهامی را که مراد ازشق تجارت و انحصارات و فابریکات باشد از خود مجزا نموده وتمام سرمایه را بیانك تمرکزداده و برای دوران تجارت ومعاملات شرکت اسهامی مبلغ بیست ملیون (۲۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی بسنا فع مختصری (کریدت) یعنی اعتبار داده و این شرکت را در تحت اثر

یکنفر معاون مسئول که از اعضای هیئت مدیرهٔ بانك باشد جداگانه دایر و بشعبات ذیل تقسیم نموده :

الف : ماموریت تجارتی که این ماموریت به سه شعبه تقسیم میشود .

ب : ماموریت انحصارات که این ماموریت به دو شعبه منقسم است .

ج : « ترمیم موتور « « «

د : « نساجی « « «

ه : مدیریت پترول که به دو شعبه : اجرائیه و کنترول تقسیم شده .

ریاست بانك ملی افغان :

الف : مدیریت کنترول و تفتیش عمومی که مرکب از ۲ شعبه است .

ب : ماموریت تحریرات و ماموریت که « از ۲ « «

ج : « اوراق که عبارت از ۲ شعبه میباشد .

د : مدیریت محاسبهٔ بانك به شعبات ذیل منشعب است :

شعبهٔ اطراف ، شعبهٔ مرکز، شعبهٔ خزانه ، شعبهٔ قرار داد های تجارتی .

ه : ماموریت اجرائیه و تحریرات بانك .

اعتبارات داخله و خارجهٔ بانك :

به نسبتی که بانك ملی اعتبارات خود را با اکثر بانکهای مهم قایم ساخته پیش نهاداتی از سایر بانکهای دنیا برای اعطای گریدت (اعتبار) بیانك و ارتباط معاملات آن حاصل گردیده و بمرکز بانك ملی تحت غور است ، همچنین طور یکه بانك ملی در داخل مملکت برای تهیه وفراهم آوری وسایل جدید روح تعاون اقتصادی مصروف بوده در تمام شهر های داخل مملکت شعبات دارد ، درخارج هم لحظهٔ در خصوص توسیع معاملات خود فروگذاری نکرده بانکهای زیادی را طرف معامله خود قرار داده درشعبات خارجی خود هم اصلاحات متعددی اجرا نموده است چنانچه در سنه ۱۳۱۵

(ونشتورك بانك Bank of Fereign Trade US.S.R., Moscow درمسکو) و (ایمپیریل بانك آف انديا Imperial Bank of India در پشاور) جديداً حساب مستقيمی بنام بانك ملی افغان (کابل) باز نموده و حالا بانك در بانکهای ذيل حساب جاری دارد .

لندن : « ويست منستر بانك لندن » Westminster Bank. Lmd, London

برلن : « دويچه بانك » Deutsch Bank و « دسکو نتو گز لشافت » Disconto Geselschaft .

پاريس : « ويست منسترفارن بانك ليند » Westminster Foreign Bank, Paris « کنتوار ناسيونال دی کونت دوی پاری » Comptoire nationale des comptes de Paris .

بمبئی : « امريکن اکسپريس کمپنی انکورپوريند » American Express Company Inc, Bombay « نشنل سټی بانك آف نيويارك » National City Bank of New-York, Bombay « کنتوار ناسيونال دی کونت دو پاری » Comptoire nationale des comptes de Paris, Bombay .

مسکو : « ونشتورك بانك » .

پشاور : « ايمپيريل بانك آف انديا » .

از طرف « فيدرل ريزرو بانك نيويارك » Fedral Reserve Bank, New-York « ولائيد ز بانك نيويارك » Lloyd's Bank, New-York هم پيشنهادانی اخذ گرديده که هنوز تحت غور است .

نمايندگيهای خارجهٔ بانك ملی قرار ذيل اند که هر کدام ايشان با بانکهای متعدد ديگر داخل معامله ميباشند :

نماينده گی لندن . نماينده گی برلن . نماينده گی کراچی . نماينده گی پشاور . نماينده گی چمن .

و فعلاً صدور چك و حوالهٔ تیلگرافی را بتمام مراکز خارجه و بجمیع اسعار مروجهٔ عالم صادر کرده میتوانند .

و همچنین دوائر حکومت و شرکت های تجارتی و بالاخره اکثریه ازاهالی و تجار واشخاص خارجه دربانك حساب امانت و جاری داشته بابهترین اعتبار و اعتماد روز افزون معاملات خود را با بانك وسعت داده اند که اینك نمونهٔ ازحسابات ٤ سالهٔ بانك راذیلاً بملاحظهٔ قارئین محترم خود میرسانیم :

سال ۱۳۱۲ : تعداد حساب جاری ووديعه (٥٣)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری واماناات (٦،٢٧٦،٨٦٥) افغانی و۷۸ پول

سال ۱۳۱۳ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۱۱۷)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری واماناات (۱۷،۰۳۳،۲۳۷) افغانی و٦ پول

سال ۱۳۱٤ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۱۷٦)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری واماناات (٥،۸۲۸،۷٤۳) افغانی و٦٤ پول

سال ۱۳۱٥ : تعداد حساب جاری و ودیعه (۲٤۰)

مجموعهٔ اوسط مبلغ حساب جاری وا مانات تقریباً (٥٦،٥۰۰،۰۰۰) افغانی .

در تعداد فوق قابل توجه اینست که اکثریهٔ دوائر ملی (شرکت تنویرات ریاست بلدیه و غیره) هم تسهیلات داد و ستد بانك ملی رامورد استفادهٔ خود قرار داده عائدات ومصارف خود را ذریعهٔ خزانهٔ بانك ملی اجرا میکنند .

انتظام تجارت سمت شمال :

تمام طبقات ملت مطلع بود ند که تجارت سمت شمال افغانستان که تماس بادولت جماهیر اشتراکیهٔ شوروی داشت خیلی هابی نظم بوده و اغلباً تجار انفرادی بدون فهمیدن بمفاد و ضررخود تجارت می نمودند و در نتیجه عده‌ئی

رابخاطر داریم که متوجه بضرر فاحشی شده سرمایهٔ خود و یکعده تجار دیگر رابباد فنا داده اند . این تجارت روبهم رفته باصطلاح تقریباً (جنگ دادن بخت و طالع) به طبقهٔ تجار ما معرفی شده بود (که تفصیل آنرا در تحت عنوان قرار داد تجارتی بانك ملی و سو افغان ترك) جداگانه و واضح تر شرح میدهیم . بانك ملی پس از حصول اجازه از هیئت محترم دولت در اوائل سال ۱۳۱٤ شروع باقدامات عقد یك قرار داد سه ساله راجع بخرید و فروش مال‌التجارهٔ افغانی و شوروی با ادارهٔ سو افغان ترك (یك ادارهٔ که در روسیهٔ شوروی طرف تجارت با افغانستان است) نموده ، پس از امضای این قرارداد بانك مجبور بود که برای اجرا و عملی شدن آن شرکتهائی با صول تجارت عصری با نقظام صحیحی در تحت کنترول خود بمزار ، هرات ، قندهار بشرح ذیل تشکیل بدهد :

در مزار شریف شرکت اتحادیهٔ شمالی بسرمایه پانزده ملیون (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که سی و شش لك (۳٦۰۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانك ملی خریداری کرده ـ برای صادرات پنبه و پشم .

درهرات شرکت اتحادیهٔ هرات بسرمایهٔ پانزده ملیون(۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰)افغانی که سی و سه لك (۳۳۰۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانك ملی خریداری کرده ـ برای صادرات پشم و قره کلی .

هکذادرهرات شرکت‌صادرات تریاك بسرمایهٔ یکنیم ملیون(۱۰۵۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که شش لك (٦۰۰۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانك ملی خریداری نموده ـ مخصوصاً برای صادرات تریاك (مطابق مقررات بین المللی) .

درقندهارشرکت وطن بسرمایهٔ پنج ملیون (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی که یازده

لك وبیست‌وپنج هزار (۱۰۱۲۵۰۰۰۰) افغانی‌ازاسهام آنرا بانك ملی‌خریداری نموده برای صادرات پشم. وهمچنین در نظر است شرکت مذکور صادرات پنبه را که باتوجه‌ع‌ش سردار محمدداؤد خان‌فرقه مشر ونائب الحکومهٔ قندهار در سال ۱۳۱۶ به ترتیب صحیحی درتوابع قندهار و چخانسور سر رشتهٔ زراعت آن گرفته شده مطابق هدایت بانك ملی اجرا کند.

برای شرکت های جدید التشکیل فوق الذکربانك ملی اعتبار (کریدت) زیادی باندازه بیست و پنج ملیون (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) افغانی داده است تا عند الاحتیاج شرکت های مذکور ازین‌کریدت خود استفاده کرده بتوانند.

قرار داد تجارتی بانك ملی وادارهٔ «سوافغان ترك»:

قبل ازسلطنت اعلیحضرت نادرشاه شهید امور تجارتی فیابین افغانستان و روسیه بصورت طبیعی (خودبخود) بوده بلکه بطرف تنزل تدریجی سیر مینمود خصوصاً صادرات افغانستان بطرف روسیه سالانه به پیمانهٔ وسیعی کسر میکرد وعوامل حقیقی این خساره را که بطرف ما وارد بود بصورت اختصار در نکات ذیل خواهیم یافت:

۱ - تغیرسیستم و رژیم تجارت درروسیهٔ جدید که آنها کل‌تجارت خود را با افغانستان بصورت مرکزیت جریان میدادند و ما بالعکس بصورت پاشان و متفرق و انفرادی - واین دو اصول متضاد نمیتوانست اصلی را پیدا نماید که همیشه فائدهٔ طرفین دران تأمین گردیده باشد.

۲ - چون تشکیلات اساسی تجارتی را دارا نبودیم لهذا صادرات ما بسمت روسیه درتنزل و روس ها چون دارای تجارت مرکزی بودند همیشه تعقیب توسعهٔ صادرات خود را با افغانستان داشتند.

۳ ـ مسئلهٔ اساسی دیگر اینست که چون افغانستان قبل از سلطنت اعلیحضرت نادرشاه شهید دارای تشکیلات اقتصادی نبوده لهذا همه چیز ها باصول طبیعی صد سال قبل مانده بود وار یکطرف مملکت پی در پی در امور وروابط تجارتی خود با خارج صدمه میدید و از طرف دیگر در تحت اثر فشار سرمایه و تجارت اجنبی دست تجارما از کار کشیده ودرنتیجه تجارت افغانستان یکدم سقوط کرده استقلال اقتصادی آن از دست میرفت .

لهذا روابط حسنهٔ مملکتین افغانستان و روسیه ،طرفین را وادارساخت که با مورتجارتی خود غور نموده اصولی را اتخاذ کنند که رفع نواقص ارتباط تجارتی را حایز و هم سیستم متفاوت دو اثر تجارتی با همدیگر بهتر شود ـ بنابران موافقهٔ تجارتی بتاریخ ۲۵ نور بین بانك ملی و (سوافقان ترك) منعقد و برای سه سال که از ۱۱ جوزا ۱۳۱۵ (اول جون ۱۹۳۶) شروع ودرنیمهٔ جوزای ۱۳۱۸ (اول جون ۱۹۳۹) خاتمه می یابد اموال واردات و صادرات تجارتی ذیل را شامل است :

۱ ـ اموال صادراتی افغانستان :

پنبه	ـ ۱۴۰۴۰۰	تن
تریاك	ـ ۹۰	«
پشم بصورت ناشسته	ـ ۲۹۰۴۰۰	«
کل قیمت هرسه قلم	ـ ۱۰۰۴۵۴۰۳۸۰	دالر طلائی

۲ ـ اموال وارده از روسیه :

قند و شکر	ـ ۲۵۰۲۰۰	تن
پطرول	ـ ۵۰۱۰۰	«

تیل خاك	ـ ۵۰۵۰۰	تن
کلوش	ـ ۳۳۰۰۰۰۰	زوج
تخم پمبه	ـ ۹۲۰	تن
تکهٔ کتان (برای بارجامه)	ـ ۶۹۰۰۰۰۰	متر
سیم آهنی	ـ ۳۵۲	تن
سمنت	ـ ۱۰۰۰۰۰	»
اقسام آهن	ـ ۲۰۰۰۰	»
موتر	ـ ۱۵	عراده
سامان کارخانهٔ پمبه پاك کنی و روغن کشی و عدل و بندی	ـ ۲	کارخانه
مال ذرعی	ـ ۱۳۵ ۰۸۰۰	انده .
کل قیمت وارده	ـ ۱۰۰۳۵۴۰۳۸۰	دالرطلائی .

باثر قرار داد مذکور درنتیجهٔ هرکدام نقطهٔ نظرخود را برای خود تأمین نموده به تفصیل ذیل :

نقطهٔ نظر روسیه :

الف : کارخانه داران روسیه الحال برای مدت سه سال میدانندکه درکدام ماه کدام مالی را بافغانستان تحویل وکدام مالی را از افغانستان میگیرند وقیمت آن بالغ برچه مقدار پول است .

ب : اصول « استندرد » دراموال معامله شده کامل رعایت شده .

ج : امروز دیگر روس ها باهرتاجر انفرادی که هیچ وقت نمیتوانست تعهدات خود راصد فیصدایفابدارد سروکاری ندارند . روسیه ضمانت بانك ملی را

درصحت وعملی شدن قرار دادها برسرموعد حاصل واطمینان کامل پیدا نمود ، که درموعد سه سال تجارت آن بصورت نقشهٔ که درقرار دادها وضع گردید ، صورت پیدا نماید یعنی،واد خام حاصل و درعوض مواد صناعتی خود رامیدهند .

نقطه نظر ما :

الف : از دیاد صادرات ما مخصوص مسواد زراعتی مانند تریاك و پنبه که ازیکطرف احتیاج مارا ازاینکه طلاداده ومال وارد مینمودیم مرفوع وازطرف دیگر مشکلات دهاقین ما که تنها مشغول زراعت جو وگندم وهمیشه در عسرت گرفتار بودند برای مدت سه سال رفع گردیده .

ب : روسیه قبول نموده که سیزده ونیم ملیون (۱۳،۵۰۰،۰۰۰) افغانی نسبت به سنهٔ گذشته قیمت اموال صادراتی مارابلند برده وقیمت اجناس و ارداتی خود را تنزل بدهد .

ج : روسیه قبول نموده که در سر سرحدات خود و یا درخود افغانستان نه اینکه بادیگر هیچ تاجر افرادی معامله نداشته باشد بلکه از مالدار و وبادیه نشین ها که اموال خود را بچراگاه ها میبرند نه مال بخرد ونه بفروشد .

د : کل حساب داد وستد دربانك ملی مرکزیت داده شده و باین نسبت بانك ملی موقع پیدا میکند که عملی شدن قرار دادها و صحت رفتار طرفین را کنترول نماید .

ه : روسیه قبول نموده که بعدازین تاریخ هرقدر قره کلی که از افغانستان خرید نماید درعوض طلا تأدیه بکند نه مال .

و : روسیه قبول نموده که عوض قند و شکر و پترولی که تاحال بافغانستان میفروخت وطلا اخذ مینمود ، بعد ازین تاریخ عوض طلاپشم وتریاك تحویل بگیرد .

ز : موافقه های مذکور برای تشکیلات جدید اتحادیه های سمت شمال و هرات امداد نموده که آنها زودتر میتوانند نواقص تجارت فیما بین را رفع والبته رفع این نواقص برفائدهٔ طرفین تمام میشود .

ح : طرفین درمدت سه سال از هرقسم تنزل وترقی که همیشه به تجارت اثری انداخته وگاه گاهی هم تجارت رابطرف بحران میکشاند مصئون گردیده اند زیرا برای مدت سه سال برای کل واردات وصادرات طرفین قیمت های معینی را تعین وآنرا مراعات خواهند نمود .

تاسیس شرکت نساجی باسرمایه ۵۱ ملیون افغانی :

چون جزء مهم واردات مملکت اموال زراعی و محصول تکه های پنبه نی میباشد وازطرف دیگر احتیاجات مبرمهٔ واردات اشیای دیگر مثل ماشین باب واسلحه وموتر وپترول وغیره لوازم حیاتی در تزاید است ولزوجهت دیگر برای ثروتمند ساختن اهالی پیدا نمودن کار لازم میباشد ـ لهذا برای توازن واردات وصادرات مملکت وپیدا نمودن کاربرای ملت ، بانك ملی شروع بمطالعات دراطراف عملی نمودن این پلان نموده ، پس از مشاوره بامتخصصین نتیجه را بانك ملی بحضور هیئت محترم دولت تقدیم وتشکیل شرکت نساجی را باسرمایهٔ پنجاه ویك ملیون (۵۱۰۰۰۰۰۰۰) افغانی منظوری حاصل نموده وهرسهم این شرکت صد (۱۰۰) افغانی تعین واسهام آن قرار ذیل تقسیم گردیده :

۱ـ حکومت متبوعهٔ ما ... ده ملیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی

۲ـ بانك ملی ... هشت و نیم ه (۸۰۵۰۰۰۰۰۰) «

۳ ـ شرکت هائیکه پوست قره کلی بآنها بانحصار داده شده ولزشروع امسال ازهرجلد پوستی که بخارج حمل میدارند سه افغانی سهم شرکت نساجی

را خریداری میکنند ـ هژده ملیون (۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی .

٤ ـ بتدریج ذریعهٔ بانك ملی بفروش خواهد رسید ـ پانزده ونیم ملیون (۱۵۰۵۰۰۰۰۰۰) افغانی .

جلهٔ ٤ قلم فوق : پنجاه ویك ملیون (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی .

مجموع ۵۱ ملیون افغانی شرکت فساجی درسه سال اول در تحت نگرانی بانك اداره میشود . بعد ازسه سال کاراداری شرکت مذکور باساس اصولنامهٔ اساسی آن به هیئت مدیره اش سپرده خواهد شد .

توسعهٔ زراعت پنبه :

میتوان بانك ملی را اولین سرچشمهٔ توسعهٔ زراعت پنبه در وطن عزیز ما معرفی کرد . چه مملکت سرسبز و شاداب ما از هرحیث مستعد به توسعهٔ زراعت است مخصوصاً زراعت پنبه ـ وامروز حاصلات پنبه اهمیت و مقام خاصی در صنایع دنیا دارد ـ بانك در اواخر سال ۱۳۱٤ باندازهٔ (۷۲۰) خروار (۵۳ تن) از بهترین تخم پنبهٔ امریکائی که در زراعت جنوب روسیه مروج است وارد کرده درتوابع ولایت قطغن ومزار شریف توسط شرکت شمالی‌مجانی بدهاقین تقسیم درسال ۱۳۱۵ حاصل‌فوق التصوری از زراعت مذکور نتیجه‌گرفته شده وشرکت اتحادیهٔ شمالی برای زراعت سال ۱۳۱٦ ترتیبات مفیدتری‌درنظر گرفته ویقین واثق است‌که باتوجه مخصوص و ، ج شیرمحمدخان نائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان بذر تخم پنبه سه مقابل‌سال گذشته توسعه پیدا کنند .

قراریکه توسط متخصصین فنی پنبهٔ حاصلهٔ زراعت سمت شمال افغانستان معاینه شده از قسم بهترین پنبه ها است . برای محلوج پنبه ذریعهٔ زاهوت ها (ماشین های برقی) واندهٔ بندی‌آن باشین های برقی‌فشار ، شرکت شمالی یك

یلان وسیعی را تصمیم گرفته ودر بودجهٔ خود مبالغ هنگفتی را منظوری داده است که تفصیل آن علیحده بصورت واضح تربملاحظهٔ قارئین محترم رسانیده میشود .

استقرار نرخ افغانی :

علاقه مندان اقتصاد بیاد خواهند داشت که مرام اساسی تأسیس بانك ملی که (اولا بنام شرکت سهامی یاد میشد) آنهاوی بحران پول افغانی بوده است . زمامداران بانك در اولین مرحلهٔ تدقیقات خود تشخیص عوامل بحران را علت نقص صادرات دانسته در قدم اول خود بدون اینکه مداخلتی در استقرار نرخ و بدست گرفتن کنترول اسعار بنمایند ، چارهٔ اساسی برای حل این مطلب سنجیده آن را درزمرهٔ اقدامات فوری خود گرفتند. چنانچه بوسیلهٔ توسعهٔ زراعت پنبه و ازدیاد صادرات تریاك که در احصائیهٔ صادرات ما سابقه نداشته و بدست گرفتن کنترول فروش پوست قره کلی (که یکی ازارقام عمدهٔ صادرات است) در داخل و خارج از صدور مبالغ هنگفت پول نقد در مقابل واردکردن بعضی اجناس جلوگیری کرده وبالاخره دربرج عقرب ۱۳۱٤ چنانچه قارئین محترم شرح آنرا درسالنامهٔ ۱۳۱٤ مطالعه فرموده اند بانك ملی استقرار نرخ افغانی را دفعتاً باوجودتنزل فاحش کلدار برای مدت شش ماه بدست گرفت .

و در این مدت اولین تجارب عملی خود را در اطراف جلوگیری از تنزل افغانی وبدست گرفتن احصائیهٔ واردات وصادرات حاصل نموده پس از آن باجرای عملی ساختن منظور خود مصمم گردید ودر برج جوزای ۱۳۱۵ پیشنهادی به هیئت محترم دولت تقدیم کرده و استقرار نرخ افغانی را به میعاد غیر محدودی متقبل گردید و حکومت متبوعه هم نظریهٔ بانك را تائید و منظور فرموده در مجلس عالی وزرا در ماه جوزا این پیشنهاد بانك تصویب

فرموده شد . اینك متجاوز از ۱۸ ماه از استقرار نرخ مسکوك افغانی و محدود ساختن خرید و فروش آن بیانك ملی میگذرد و بانك کا میابانه این مرام خود را بمفاد اقتصادی و طن تکمیل کرده و درین مدت مبالغ هنگفتی را از ذخائر اسعار خارجهٔ خود طلا ، نقره ، بحکومت خریداری و وارد ساخته در مقابل مسکوك افغانی گرفته است .

بانك ملی به تناسب استقرار نرخ کلدار برای اینکه خرید و فروش اسعار خارجهٔ مروجهٔ تمام ممالك را به نرخ (بورس) های دنیا اجرا کرده حتی الامکان از سوء استفادهٔ غیر جلوه گیری نماید ، در بانك یك شعبهٔ مخصوص برای وضع وترتیب نرخنامه‌ها تشکیل داده که وظیفهٔ این شعبه سنجش صحیح نرخ اسعارخارجه وطلا ونقره باساس تیلگرافهای وارده‌از روی نرخنامهٔ بورس لندن به نسبت نرخ کلدار واستقرار افغانی میباشد که وقتاً فوقتاً تغیر و تبدیل نرخهای اسعار خارجه را از روی بورس صحیح لندن اصلاح و بروز نامه و مراجع آن و شعبات خود اطلاع میدهد .

از طرف دیگر مأموریتی از طرف بانك ملی در کمرك کابل و قندهار تاسیس گردیده وهمچنین درنظراست بهرات وغیره نقاط نیز ماموریت‌ها دایر گردد واینها موظف اندکه کنترول واردات وصادرات را نموده تصدیق واجازهٔ محصول همان اموال واجناس وارداتی را بدهند که قیمت آن اسعار خارجه ازبانك ملی خریداری شده باشد یا اینکه با لمقابل اموال صادراتی داشته باشد .

سیستم محاسباتی وطرز دفتر داری بانك :

بانك ملی حتی الامکان نصب العین دارد که مامورین صحیح ولایقی بیانك استخدام کرده وآنها را تحت تعلیم و تربیه بگیرد . چنانچه یکنفر متخصص

دفتر را ازخارج مستخدم کرده و کورس بانکی را مفتوح نموده و مامورین بانك را در زیر اثرآن وادار به تعلیم دفترداری نموده و فعلاً دفتربانك باصول دفاتر بانکهای امریکا (ژور نال مجلد امریکائی) یعنی دفترداری دوطرفه (دبل انتری سیستم) جاری است .

همچنین درسال ۱۳۱۵ کورس اقتصاد سیاسی رامفتوح ساخته مامورین بانك ویکعده ازمامورین وزارتها ودوائر حکومت را برای تحصیل دروس اقتصاد سیاسی در تحت اثر وتعلیم (موسیومنچولی) مشاورمالی وزارت‌مالیه وادار به تعلیم نموده ویکعدتی کورس مذکور دایر و در نتیجه (۹۰) فیصد از شاملین کورس کامیاب شده شهادتنامه گرفتند .

هیئت مدیره ومامورین عالی رتبهٔ بانك ملی :

الف : هیئت مدیره :

ع ، ص عبد المجید خان رئیس .
« ، دوست محمدخان ایماق معاون شعبات تجارت وانحصارات « شرکت اسهامی » .
« ، غلام حیدر خان مختار زاده معاون شق بانکی .
« ، سید کریم خان .
« ، حاجی عبد الخالق خان .
« ، محمد عمر خان (رئیس شرکت اتحادیهٔ شمالی) .
« ، خیر محمد خان .

ب : مامورین شعبات مرکزی بانك :

ص ، محمد موسی کاظم خان مدیر تفتیش و کنترول
« ، محمد عمر خان ، مدیر محاسبهٔ بانك .
« ، غلام علیخان مامور تحریرات ریاست .

ص ، غلام علیخان سر خوش مامور او راق ریاست .
« ، غلام بها ء الدین خان مامور تجارت .
« ، محمد موسی خان مامور انحصارات .
« ، عبد المجید خان مامور اجرائیه .
« ، محمد زمانخان مدیر شرکت بطرول .
« ، امیر الدین خان مدیر شرکت نساجی .
« ، عبد الکریم خان احراری مامور فابریکهٔ ترمیم موتر .

ج : مدیران بانك در داخل مملکت :

ع ، سید کریم خان درهرات
« ، محمدامین خان درمزارشریف
ص ، سید احمد خان در میمنه
« ، عزیزالله خان در جلال آباد
« ، پاینده محمدخان درخان آباد
« ، عطا محمد خان در مقر
ع ، حاجی گل محمدخان در قندهار
ص ، شاه محمد خان دراند خوی
« ، صالح محمد خان در فراه
« ، محمد عثمان خان در غزنی
« ، غلام رسول خان در گردیز

د : مدیران بانك در خارج :

ع ، خیر محمد خان در کراچی
ص ، محمد یعقوب خان در لندن
« ، صلاح الدین خان درچین
« ، سیدعبدالوهاب خان درکشکی
« ، عبدالحسین خان علی اوف درترمز
ع ، خان محمد خان در پشاور
ص ، عبد الرؤف خان در برلین
« ، محمد عثمان خان در پاریس
« ، رحیم آقای احمدی درکرکی

بیلانس سال ۱۳۱٤ بانك ملی افغانی

سرمایه و قروض :

۱ـ سرمایهٔمعینه (۳۵۰۰۰۰) سهم‌فی‌سهم یك هزارافغانی ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ـ افغانی

الف : اسهام فروش شده ۱۵۰۸۸۸۰۰۰۰ـافغانی
ب : اسهام فروش ناشده ۱۹۰۱۱۲۰۰۰۰ـ «
جمله ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ـ «

سرمایه با (۸۰۱۷۱۰۵۳۳/۱۱)مفاد۱۳۱٤مساوی (۲٤۰۰۵۹۰۵۳۳/۱۱) ـ «

۲ ـ قروض ـ الف ، حساب جاری ٤۰۱۱۳۰۲۹٤/۷۱ ـ «

الف: قروض‌میعادی‌وغیره ۱٤۰۰٤۱۰۱۰۹/٦۲ـافغانی
ب : تعین‌کله دار ۱۰۵۵۰۰۰۰۰۰/۰ «
۲۹۰۵٤۱۰۱۰۹/٦۲ـ «

جمله ۳۳۰٦۵٤۰٤۰٤/۳۳ ـ «

طلبات و متفرقه ۱۸۰۱۷٤۰۳۲۸/۱۲ ـ «

جمله ۵۱۰۸۲۸۰۷٤۲/٤۵ ـ «

از بابت نقل شد سهم ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ـ «

جمله ۸٦۰۸۲۸۰۷٤۲/٤۵ ـ «

از بابت منافع ۱۳۱٤ ۸۰۱۷۱۰۵۳۳/۱۱ ـ «

جمله ۹۵۰۰۰۰۰۲۷۵/۵٦ ـ «

موجودو جایداد :

۱ ـ موجود :

الف : نقدی وقیمت اسعار خارجه ۵۰۸٤۹۰۷۷۷/۷٤ ـ افغانی

ب: قیمت‌جنسی‌اموال‌تحویل‌خانه‌ها۹۰۰۲۶۰۷۱۰/۵۹ـافغانی
ج : « « اثاثیه ۱۲۱۰٦۵۱/۱٦ «
۹۰۱٤۸۰۳٦۱/۷۵ ـ «

جمله ۱٤۰۹۹۸۰۱۳۹/٤۹ ـ «

۲ ـ جایداد :

ذمه گی دوائر حکومت ازبابت ۱۹۰۱۸۹۰۶۱۱/۷ ـ افغانی
قیمت تخمین کلهداروغیره ۸۰۰۰۰۲۰۱۳۶/۶ ـ افغانی
ذمگی معامله داران ودیون ۴۱۰۴۰۰۰۵۲۴/۹۹ «
اسهام پرداخت ناشده ۱۹۰۱۱۲۰۰۰۰ «
جمله ۹۵۰۰۰۰۰۲۷۵/۵۵ «

منافع و مضار بشکل مشروح :

الف : منافع :

شعبهٔ بانك ۲۰۱۲۴۰۲۶۴/۴۷ ـ افغانی
شعبهٔ داخله مفاد تجارتی ۴۰۴۲۴۰۹۹۰/۶۲ ـ «
« خارجه « « ۱۰۵۵۴۰۰۷۱/۲۶ ـ «
« کمیسه ۳۸۵۰۰۹۲/۲۹ ـ «
« انحصار موتر نیم ۱۰۶۸۱۰۲۹۰/۹۰ ـ «
« « شکر نیم ۱۰۸۰۶۰۱۴۴/۹۱ ـ «
جمله شد ۱۱۰۸۷۵۰۸۵۴/۴۶ ـ افغانی

شرح مضار :

ازبابت معاش ومصارف وضرر متفرقه ۳۰۲۳۳۰۶۶۶/۳۵ ـ افغانی ۳۰۷۰۴۰۳۲۱/۳۵ «
« « موتر وشکر ۴۷۰۰۶۵۵/۰ ـ « «

منافع خالص :

بدوجه ارباب اسهام ۸۰۰۸۹۰۸۱۷/۷۸ ـ افغانی ۸۰۱۷۱۰۵۳۳/۱۱ «
بحساب بیمه اضافه شده ۸۱۰۷۱۰۱۵/۳۳ ـ «

شرکت اتحادیهٔ شمالی

۲ ـ شرکت اتحادیهٔ شمالی که در اثر توجهٔ حکومت متبوعهٔ ما و اتحاد و اتفاق



هیئت اداری شرکت اتحادیهٔ شمال : ۱ـع ، ص محمد عمر خان رئیس ۲ـع ، خبر محمد خان مدیر عمومی بانك ملی ، ۳ـع ، عبدالاحمد خان مدیر عمومی محاسبه وکنترول شرکت ٤ـص ، عبدالعزیز خان مدیرشعبهٔ اول صادراتی ٥ـص ، سید ابراهیم خان مدیر دوم صادراتی ـ٦ـص ، جمال الدین خان مدیر شعبهٔ سوم وارداتی ۷ـص ، سید اقبال خان مدیر شعبهٔ چهارم وارداتی

Les membres du conseil d'administration de la Société Coopérative du Nord à Mazar-é-Charif.



نمایندگی شرکت اتحادیهٔ شمالی در کابل ؛ در وسط جناب نظام الدین خان
نماینده ـ طرف راستش جناب عبدالحکیم خان معاون ـ طرف چپش
جناب محمد عمر خان مأمور محاسبه

Les représentants de la Société Coopérative du Nord à Kaboul

بعضی شرکت های کوچك کوچك و تاجران ولایات شمال دربرج دلو ۱۳۱٤ بسرمایهٔ پانزده ملیون (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی درمزار شریف تاسیس ودرماه حمل ۱۳۱۵ رسماً افتتاح گردیده بود ، اکنون که یکسال ازتاسیس آن میگذرد دراثر جدیت وفعالیت ماموزین خود نتایج خوبی داده ومطابق سرامیکه دارد ، نایل موفقیت و پیشرفت های قابل ملاحظهٔ گردیده است که اینك ما ذیلاً خلاصهٔ آن را از نظر قارئین محترم گذارش میدهیم :

الف ـ تشکیلات شرکت و وظائف شعبات مختلفهٔ آن :

شرکت اتحادیهٔ شمالی امور خود را بچهار شعبه منقسم نموده و هر شعبه یك شق کار شرکت را عهده دار میباشد ـ اسمای آمرین شعبات چهار گانه و وظائف و اجراآت هر یك از شعبات مذکور قرار ذیل است :

رئیس شرکت : ع ، ص محمد عمرخان (سابق نمایندهٔ تجارتی در لندن) .

مدیر عمومی محاسبه و کنترول ع ، عبدالاحد خان .

شعبات چهار گانهٔ شرکت :

مدیر شعبهٔ اول صادراتی : ص ، عبدالعزیز خان تاجر کابلی .

وظیفهٔ شعبهٔ اول و اجراآت آن : ـ کار پنبهٔ تمامی ولایات شمالی و خریداری یکصدهزار (۱۰۰۰۰۰۰) پوست فره قلی است ـ به این تفصیل :

زرع و جمع آوری پنبهٔ سال ۱۳۱۵ که تخم پنبه از طرف شرکت اتحادیهٔ شمالی مجاناً برای زراعین تقسیم شده یکی از اقدامات بزرگ شرکت اتحادیهٔ شمال بشمار میرود ، وخوشبختانه درهمین سال اول شرکت موفق شدکه قسمت بزرگ مقدار مطلوبهٔ صادرات پنبه را که بممالك خارجه قرار داد شده بوقت لازمه تهیه وتدارك کند . والبته درسال ۱۳۱٦ نظر به اقداماتیکه درتمام

صفحات شمالی بالخاصه درقطغن برای افزونی حاصلات پنبه بعمل آمده ، مقدار پنبه نسبت به سال ۱۳۱۵ بسیار ترقی خواهد کرد وموجبات استفادهٔ اهالی و زارعین و شرکت را بیش ازپیش فراهم خواهد ساخت ، علاوتاً شرکت اتحادیهٔ شمالی پنبه را از اهالی باپنبه دانه خریداری کرده وسپس ذریعهٔ ماشین‌های مخصوص آن را از پنبه دانه جدا نموده وبخارج صادر مینماید . شرکت در سال ۱۳۱۵ چندین دستگاه پنبه پاکی از خارج وارد نموده بکار انداخته است که فعلاً درولایت مزار شریف وقطغن مشغول کار میباشد ، اما ازتجربهٔ که برای شرکت حاصل شده ماشین های فعلی برای سال ۱۳۱۶ کفایت کار راخواهدنمود ، بنابران شرکت ازحالایك تعداد ماشین های پنبه پاکی جدیدرا ازخارج خواسته است وهم شرکت درنظر دارد که در سال ۱۳۱۶ ماشین های روغن کشی وپنبه پاکی وغیره ماشین های کار آمد پنبه را درمزار شریف و ولایت قطغن بکشرت دایر کند چنانچه کارات مذکور از حالا آغاز گردیده .

مدیر شعبهٔ دوم صادراتی ، ص ، عبدالرحیم‌خان تاجر مزاری .

وظیفهٔ شعبهٔ دوم واجرا آت آن ، خریداری وجمع آوری تمام پشم قره‌قلی وعربی وغلزائی است باخریداری یکصد هزار پوست (۱۰۰۰۰۰) قره‌قلی به این تفصیل :

در خریداری و جمع آوری پشم طور یکه از طرف ریاست شرکت ترتیبات لازمه گرفته شده بود در سال ۱۳۱۵ ، بجمع آوری و خریداری پشم ولایت شمالی آن پلانهائی که در نظر بود عملی شده و خریداری پشم وشستن آن بیکصورت صحیح اجرا گردیده وشرکت موفق‌شده توانست که پشم را شسته و ذریعهٔ ماشین های مخصوص بار بندی نموده بصورت اصولی بخارج صادر نماید .

مدیر شعبهٔ سوم واردا تی ، ص ، جمال الدین خان تاجر مزاری .

وظیفهٔ شعبهٔ سوم وارداتی واجرا آت آن ، ـ وارد نمودن اموال زرعی و کمافش را بری از خارجه باین تفصیل :

شرکت اتحادیهٔ شمالی مصارف اجناس وکمافش روسی را در ولایات شمالی از روی سنجش تحت یك نقشه و پروژهٔ اساسی اقتصادی در آورده و اجناس لازمهٔ اهالی را به اوقات معینهٔ ضرورت آن وارد نموده وبالای اهالی یك نرخ مناسب و مستقل بفروش می رساند ، که به نسبت تر تیب سابق خیلی بهتر ومساعد تر میباشد .

مدیر شعبهٔ چهارم وارداتی ، ص ، سید اقبال خان تاجر مزاری .

وظیفهٔ شعبهٔ چهارم وارداتی واجرا آت آن ، وارد نمودن پطرول وقند و شکر و تیل خاك است باین تفصیل :

امور شعبهٔ چهارم نیز تحت یك نقشهٔ صحیح اقتصادی از طرف ریاست شرکت درسال ۱۳۱۵ به کمال موفقیت اجرا گردیده و قابل اطمینان است .

نمایندهٔ شرکت اتحادیهٔ شمال درکابل : ص ، نظام الدین خان تاجر مزاری .

ب : ـ منافع شرکت اتحادیهٔ شمالی در سال ۱۳۱۵ :

شرکت اتحادیهٔ شمالی باوجود اینکه سال ۱۳۱۵ سال اول کار آن است باز هم به اثر جدیتی که از طرف شعبات آن بعمل آمده استفاده های خوبی بدست آورده که ذیلاً شرح داده میشود :

میزان مفاد یکسالهٔ شرکت قرار اندازهٔ که شده متجاوز از (٦٥ فیصد) اصل سرمایه خواهد بود ـ البته تفصیلات منافع شرکت پس از تکمیل بیلانس بصورت صحیح معلوم خواهد شد .

درخاتمه باید اضافه کرد که این شرکت مهم که برای اصلاح و تنظیم وتمرکز دادن تجارت مواد مهمهٔ صادراتی مملکت تاسیس یافته یکی از موسسات

مهمهٔ اقتصادی مملکت بشمار رفته نتایج بسیار مطبوعی از آن مأمول است که این موفقیت های یکسالهٔ اول آن امید های زیادی به بهی خواهان وطن میدهد .

شرکت پشتون قندهار

شرکت پشتون قندهار که اکنون سومین سال حیات خود رابسر رسانیده وارد مرحلهٔ چهارم خود میشود ، همچنانکه درسال های گذشته مشاهده کردیم ، مطابق اساسنامه ومرامیکه نسبت به اصلاح وترقی صادرات میوه های قندهار دارد روز بروز دامنهٔ اقدامات خویش رادرین راه توسعه داده وازطرف دیگرتشکیلات وسرمایه وتعداد شرکای خود را نیزافزوده است . علاوه برین شرکت مذکور در داخل امتیازیکه برای واردکردن شکروتیل پترول وسائر روغنیات موتر دارد ، به واردکردن مقدار کافی شکروتیل وغیره اشیای فوق الذکر پرداخته .

اقدامات عمدهٔ شرکت مذکور درسال ۱۳۱۰ قرار ذیل است :

الف تاسیسات جدیده :

۱ ـ نصب وبکارانداختن یك فابریکهٔ جدید حفظ میوهٔ تازه (کنسروه) که فابریکهٔ مذکوردرسال ۱۳۱۵ بطور نمونه ـ یك مقدارقطی های میوهٔ سربسته را تهیه کرده که دران همه اقسام میوه جات اعلا و مشهور قندهار ازقبیل شفتالو ، زردالو ، آلوچه ، تاك ، سیب ، و غیره باصول فنی و صحی محفوظ گردید ، و قطی مذکور نیز همراه مارك (نشان تجارتی) مخصوص و نشنگ برای جلب مشتریان تهیه شده است .

۲ ـ بکار افتادن ماشین قطی سازی برای حفظ میوهٔ تازه که مقدار زیادی قطی های فلزی ساخته و سر آن را باصول فنی بسته کرده است .

۳ ـ بکار افتادن فابریکهٔ یخ سازی که در اوائل سال ۱۳۱۰ درقندهار

یخ بندان افتاده و در تمام مدت گرما بمقدار کافی یخ برای مصرف محلی تهیه نموده است . وجود این فابریکه در قندهار که بوقت تابستان هوای آن کسب حرارت میکند ، نهایت مفید و قیمتی شمرده میشود .

٤ ـ بکار افتادن ماشین پاك کردن میوهٔ خشك .

٥ ـ تاسس یك کارخانهٔ بزرگ وطنی برای تفریق اقسام میوه وپرکردن قطی ها و غیره که دران یك عده عمله مطابق استعداد و قوای خود ها مشغول کار میباشند ـ در بین مورد باید دانست که قطی های فشنگی که برای میوه جات خشك قندهار ازقبیل اقسام کشمش و آبجوش و شکر پاره (زردآلوی خشك) وانجیر وغیره ، تهیه شده ، برای جلب مشتریان بسیارمؤثر ثابت خواهد شد . چنانچه ازحالا باوجود بدایت کارقیمت یك پوند (قریب یك پاو) میوه که درداخل قطی باصول صحیح حفظ شده ازقیمت میوهٔ معمولی خیلی اضافه شده است .

ب : اجرا آت امور اداری و اقدامات متفرقهٔ تجارتی :

١ ـ ترتیب بلانس سالانهٔ شرکت که بوقت مقرره حسابات یکساله سنجش و تصفیه شده ، فائدهٔ خالص (٣٧) فیصد تعیین و به عموم شرکاء اعلان گردیدکه هرکس مطابق دلخواه خویش منفعت مذکور را اخذیا باسهام خویش اضافه کرده میتواند و هم هر شریك حق دارد که یکقسمت یا تمام سرمایهٔ خویش را واپس بگیرد .

٢ ـ انعقاد مجلس سالانه که مقارن نشر بلانس انعقاد یافته دران از عموم شرکا دعوت بعمل آمده بود و در همین مجلس معاملات شرکت توضیح و نظریات و اقدامات آیندهٔ شرکت از نظر شرکای مذکور گذشتانده شده نظریات و اقدامات پیش نهادی هیئت مدیرهٔ شرکت که دایر بر توسیع شعبات شرکت در داخل و خارج و اصلاحات مختلفهٔ مفیده ـ وتولید ماشینها وکارخانه

جات مختلفه بود ، پس ازمباحثات لازمه به تصویب رسیده ، اعلان گردید .

۳ ـ تجدید و تمدید امتیاز شرکت : که پس از ختم سال مالیاتی شرکت و ترتیب بیلانس سال ۱۳۱۵ ، چون دورهٔ سه ساله امتیازات شرکت با ول حمل ۱۳۱۶ خاتمه می‌یافت ، شرکت عرایضی بحضور حکومت تقدیم و دران حسن‌کار روائی خویش را شرح داده ، تمدید امتیازات خود را تمنا کرد و حکومت پس از مطالعات لازمه امتیاز صادرات میوهٔ خشك را برای هشت سال و انحصار شکر و پترول وسائر روغنیات موتر را برای سه سال دیگر تجدید و تمدید نمود .

٤ ـ ترقی قیمت فروش میوه جات در خارج : باثر اقدامات عاملانهٔ شرکت پشتون در سال ۱۳۱۵ قیمت فروش میوه جات قندهار اضافه به ترقیاتی که در سال گذشت نموده بود (و ما آن را در سالنامهٔ سال ۱۳۱٤ ذکر کرده ایم) باندازهٔ (۳۰) فیصد دیگر نیز ترقی کرده است .

ـ ترقی مقدار صادرات میوه : بنابر تشویقاتیکه از طرف حکومت و شرکت پشتون بعمل آمده و نظر به ترقیاتیکه در ظرف دو سال گذشته در قیمت فروش میوه‌جات قندهار رخ داده ، درسال ۱۳۱۵ مقدار صادرات میوهٔ خشك قندهار نسبت به سالهای گذشته باندازهٔ (۲۰) فیصد ترقی کرده است که دامنهٔ این افزونی سال بسال وسعت بیشتری خواهد یافت .

شرکت تنویرات

شرکت تنویرات که یکی از موسسات عام المنفعهٔ مملکت ماهیبا شد و از سالیان درازی مشغول کاربوده سال‌بسال بباثر زحمت‌کشی‌مامورین وحسن‌نظریات شرکای خود حائز پیشرفت های روز افزون گردیده در سال ۱۳۱۵ قدم

های مهمی در راه رفاه عامه و توسعهٔ امور خویش برداشته است که ذیلاً مختصر آن از نظر قارئین گرام گذارش داده می شود :

۱ - پیشترها چون اصول دفتری وحسابی شرکت تنوپرات به اصول سابقه جریان واز ین ناحیه تصفیهٔ حسابات ومعاملات مشترکین برق هرسال تاهجده ماه به طول میانجامید ، درسال ۱۳۱۰ ازتوجهات‌عالیه ونظریات بهی‌خواهانهٔ حکومت مقدس ومصلح ما به اثر پیشنهاد صداقتمآب محمدنعیم خان انجنیر ریاست شرکت تنوپرات ، صورت حسابات واردات شرکت برروی یك اساس صحیح واصول‌عصری‌طرح وپس ازمنظوری‌مقامات رفیعهٔ صلاحیت‌دار وملاحظهٔ متخصص مالی وزارت مالیه اصول حسابیهٔ جدید ازماه جوزای ۱۳۱۰ بکار افتاد .

اصول‌حسابیهٔ جدید نه تنها اصول حسابات سابقه را به اصول عصری‌تحول داده بلکه در تسریع اجرا آت وتصفیهٔ حسابات واقتصادشرکت نیزموجد نتائج وفوائد بسیاری گردیده . چنانچه باصول تازهٔ حسابی پول باقی بذمهٔ مشترکین برق بطورقطع باقی نمیماند . وتا کنون که ازبکار افتادن حسابات جدیده ده‌ماه سپر بست امورحسابیهٔ‌شرکت بطور اطمینان بخش جریان داشته وپیش میرود .

۲ - « جریمهٔ یك بر یك‌رنیم و بر دوی برق که از بد و تاسیس این موسسه در صورت عدم تادیهٔ محصول بوقت معینه ، از اهالی مشترکین برق اخذ و با پول اصل‌محصول توأماً تحویل میشد ، در بن سال نظر به عاطفهٔ بلا نهایهٔ حکومت متبوعهٔ خیر اندیش موجودهٔ ما و نظریات شرکت تنوپرات کاملاً لغوقرار داده شده‌که این الغای جریمهٔ برق نه تنها به رفاهیت‌مشترکین برق انجامیده بلکه به فیصلهٔ حسابات وسهولت کار این‌موسسه نیز مساعدت بزرگی بعمرسیده است .

۳- ادارهٔ فنی ریاست شرکت تنوپرات در سال ۱۳۱۰ در رشتهٔ امورفنی

به یك سلسله اصلاحات سیمهای عمومی برق موفق و ازین پهلو در انسداد از تجاوزات واضافه ستانیهای پارهٔ مشترکین برق اهتمام زیادی بکار برده .

٤ـ عایدات شرکت تنویرات نیز نسبت به سال های گذشته در سال ۱۳۱۵ اضافه وبرعکس صرفیهٔ برق کم بوده است .

شرکت چرم گری

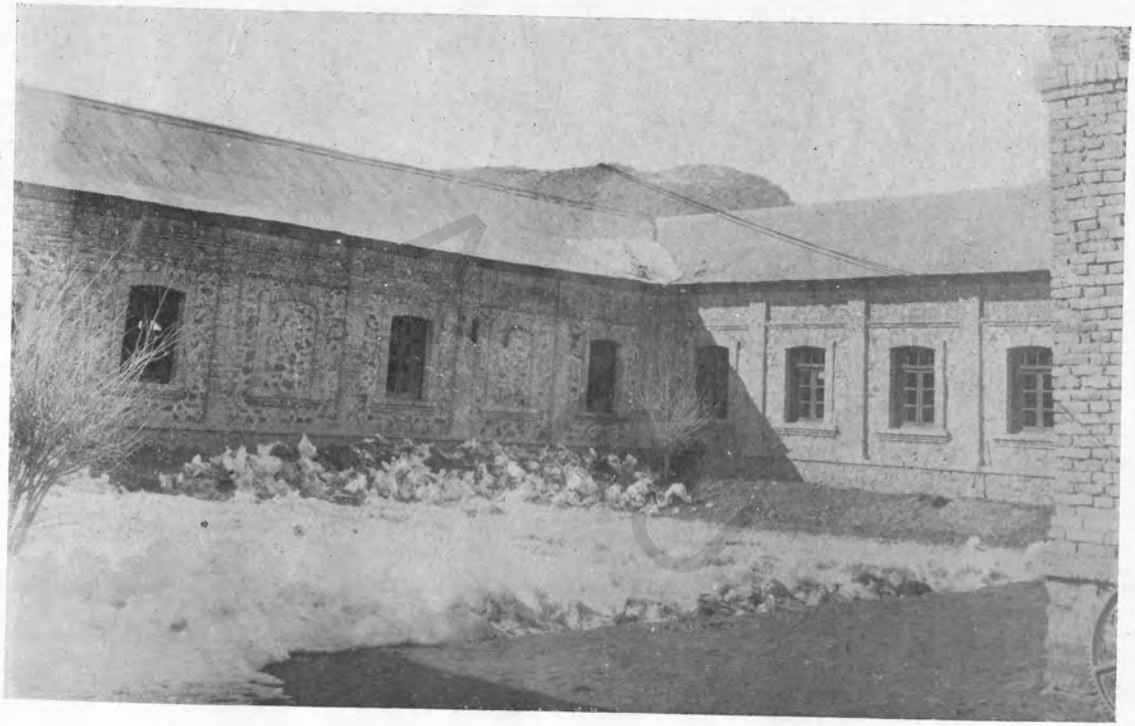
این شرکت که از چند سال به اینطرف درمرکز کابل تاسیس و برای تولید یك فابریکهٔ عصری جهت پخته کردن وتیار نمودن چرم و تعمیر عمارات لازمهٔ آن اقدامات نموده بود ، درسال ۱۳۱۵ موفق به جاری ساختن فابریکه وختم عمارات آن گردیده ، نظر به اصلاحاتیکه در امور مذکور بعمل آمده اکنون کار پخته کردن چرم وفروش آن در داخل بصورت سریع و اطمینان بخشی درجریان میباشد ، وروز بروزدامنهٔ پیشرفت این موسسه وسعت یافته میرود .

حقیقتاً شرکت وفابریکهٔ چرمگری برای وطن عزیزما یکی ازموسسات خیلی قیمت دار بشمار میرود ، زیرا هرکس میداند که در افغانستان مقدار بزرگی چرم خام به عمل میآید ، ولی تاچندی قبل اصول پخته کردن آن بصورت قدیم بوده اکثر چرمها خام بخارج صادر می گردید وبقیمت نازلی بفروش میرسید وبالمقابل همه ساله مقدار کلی چرم پخته از خارج بقیمت نسبتاً گرانی وارد مملکت میشد . امید است که این موسسه باتو سعه و پیشرفتهائی که در خور آن است از یکطرف اصول پخته کردن چرم را در مملکت تعدیل وازطرف دیگر مارا از وارد کردن مقدار کلی چرم خارجه مستغنی سازد ، چنانچه از حالا قسمی ازاحتیاجات دوائر دولتی واهالی را محصولات همین فابریکه تهیه می کند .

سرمایهٔ شرکت چرمگری مجالتاً یکصدونودوشش هزار (۱۹۶،۰۰۰) افغانی

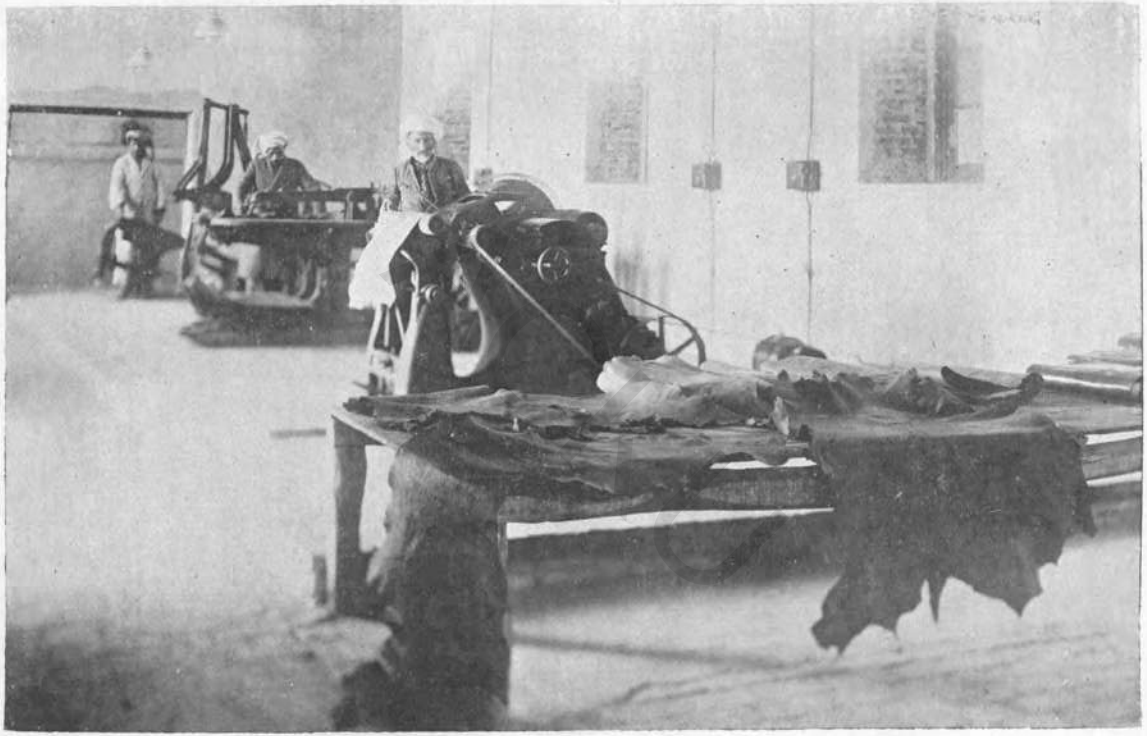


از موسسات مهمهٔ مرکز : منظرهٔ عمومی عمارت جدیدالتعمیر فابریکهٔ چرم گری
Une vue des bâtiments de la nouvelle fabrique de tan à Kaloul



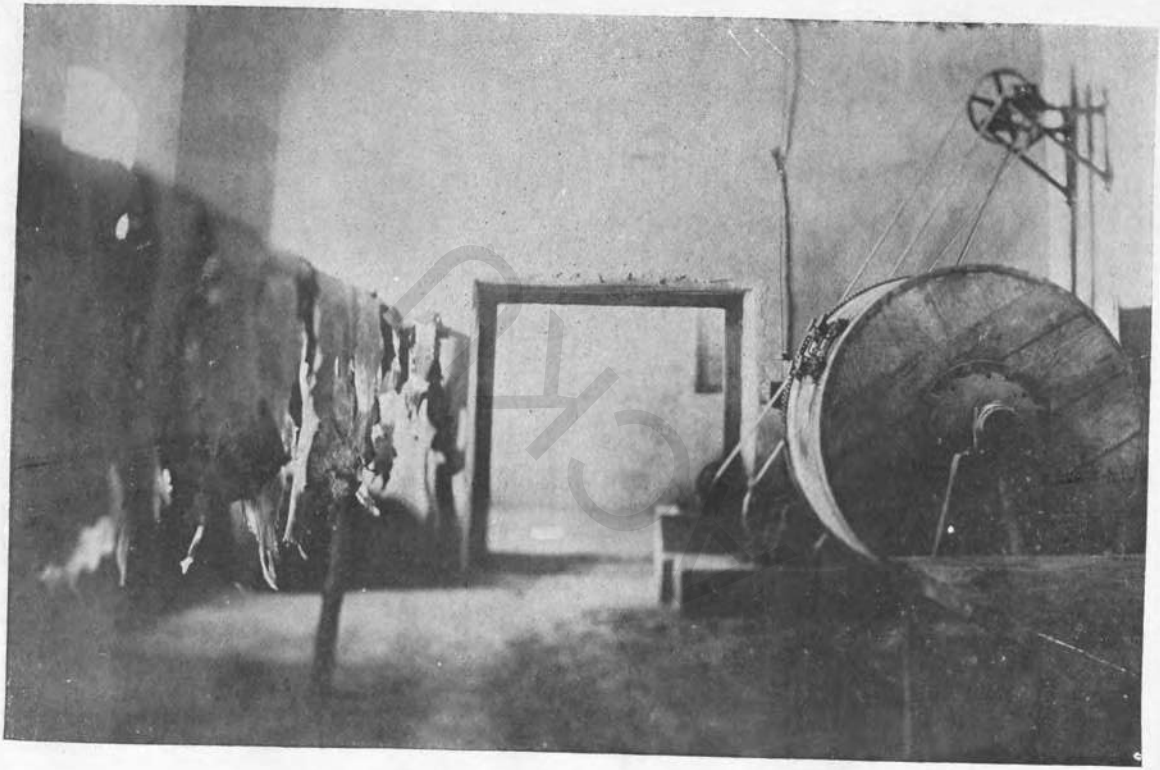
از موسسات مهمهٔ مرکز ، منظرهٔ خارجی یك قسمت از عمارت جدید التعمیر فابریکهٔ چرم گری

Une vue des bâtiments de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



از مؤسسات مهمهٔ مرکز : فابریکهٔ چرم گری، منظرهٔ داخلی اطاق ماشین های تراش کردن و جلا دادن و کش کردن چرم

Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



از موسسات مهمهٔ مرکز : فابریکهٔ چرم‌گری: منظرهٔ داخلی اطاق پخته کردن وخشك ساختن چرم

Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



حفظ الصحه

لاغری و چاقی

امروز از بسکه توجه مردم بسوی مسئلهٔ لاغری و چاقی معطوف شده است ، این موضوع یکی از موضوعات مهمهٔ اجتماعی گردیده و حاضراً درتمام ممالک زیاده از نصف نفوس جوان خواه زن و خواه مرد باشد سعی دارند که خود را از حالت موجودهٔ خود لاغر و یا فربه بسازند ، اما باز هم اگر به غور دیده شود غلبه بطرف اشخاصی است که میخواهند لاغر شوند. مقصود از بن کوشش دو چیز است ، یکی صحی و دیگر تفننی ، صحی از بن رهگذر است که لاغری و چاقی مفرط هر دو برای وجود مضر و زندگی اشخاص را ناگوار میسازد و تفننی هم از بن جهت است که مرد مان میخواهند دارای اعضای متناسب بوده و به جامعه خوب و زیبا جلوه کنند در بنظا ناگزیراً این را هم باید خاطر نشان نمائیم که این نهضت به نسبت مرد ها در زنها بیشتر واقع شده است .

گفتیم اشخاص زیاد از وضعیت خود راضی نبوده و کوشش می کنند

فربه یا لاغر شوند ، ولی این را هم باید بدانیم که اکثر مساعی هردو فرقهٔ مزبور ناکام مانده و به نتیجه مطلوب نمیرسد . زیرا در بدو خلقت اشخاص طوری بدنیا می آیند که استعداد یك اندازه چاقی معین را داشته و ازان درجه لاغر شدن و یا چاق شدن شان بیك اندازهٔ زیاد مشکل چه بلکه محال میباشد . درین کیفیت موضوع وراثت نیز دخیل است و بسا اشخاص از طرف والدین خود ، ترکیب جسمانی معینی را دارا بوده خیلی بزحمت از آن درجه چاق ولاغر شده می توانند ، ازین است که در تمام دنیا شور وشر بزرگی درسروسائل مجرب برای چاقی ولاغری جریان دارد . ولی جای تأسف است که ازین طریقه ها وعلاج ها تاکنون یکی هم چنانچه باید و شاید جواب مسئله را بدرستی داده نتوانسته واسباب رضائیت مشتریان رافراهم ننموده است . بلکه هریك درحالیکه زادهٔ تحقیقات و تجارب قیمتداری میباشد ولی فقط بیك عدهٔ محدودی مفید ثابت شده بدیگران هیچ یك اثر نیکی نمی بخشد ، علت این کیفیت طوری است که چاقی ولاغری در حقیقت معلول بکدام علت صحیح مخصوص و معین نبوده بلکه نتیجهٔ کوائف مختلفهٔ است که برحسب اشخاص فرق میکند ، وبه این واسطه یك دوا به هیچ صورت نمی تواند که درهمه اشخاص بیك سان تاثیرات گوارا و مفید را وارد بیازد . بهمین جهات از ۱۰ تا ۱۵ سال به اینطرف که مسئلهٔ چاقی ولاغری بسیار عام شده است همین وضعیت هیجان و بیقراری در بین مردمان طاری بوده وخیلی کم اشخاص بمقصد اصلی خویش مطابق دلخواه نایل شده است . ودیگران یك حالت اسفناکی شب وروز عقب مقصود نایاب میگردند . بدون آنکه هیچ گاهی آن را بدست آورده و یا اقلاً نزدیك آن برسند .

بنا برجهات فوق الذکر (انجمن تحقیقات صحی درکنله های مختلفه) که در فرانسه شهرت زیادی داشته و راجع به حفظ الصحهٔ عمومی مشغول تجارب میباشد ، درین باره توجه مخصوصی بکار برده واخیراً رسالهٔ کوچکی بنام (راز لاغرشدن وچاق شدن) نشرکرده است که ماخلص مفاد آنرا راجع به این دومسئلهٔ فوق الذکر درین جا اقتباس مینمائیم :

پیش از داخل شدن دراصل موضوع باید دانست که چاقی ولاغری در افراد ، معلول به علل بسیار مختلف میباشد که احصاء آن بچند ین جلهٔ محدود امکان ندارد ، ازین رو یافتن علاج و دوائی که برای همه کس جهت فربه شدن یالاغرشدن مفید ثابت شده بتواند ، نیز خیلی مشکل بلکه محال است ، وتنها راهیکه برای نیل به مقصود مد نظرمیتوان گرفت عبارت از بکار بردن دو اصل ذیل میباشد : برای لاغرشدن باید بدن و جهازات جسمی را زیرفشار گرفت تادرعملیات آنها سکته گی پیش شده نشو ونمای بدن تاحدی کند و بلکه متوقف گردد ، برخلاف برای چاق شدن ، باید بدن وجهازات مختلفهٔ جسمی رابوسائل غیر عادی تقویه کرد تادر نشو ونما ، سرعت و فعالیت محسوسی رخ بدهد . درحقیقت این دواصل طریقه‌های اساسی عمده برای مقصود فوق میباشدوباید شخصیکه میخواهد به‌این مقصد نایل شود ، بادرنظر گرفتن اصل‌های مزبور شروع بافدامات کرده ویکی از آن را بکار ببرد . معهذا این را هم باید نا گفته نگذاریم که عمل کردن هر دو اصل مزبور کار آسانی نبوده و چون مخالف جریان طبیعی میباشد ازین جهت عکس‌العمل هائی بظهور میرسد که عموماً مضر تمام میشود بنا بران لازم است با اختیار رویهٔ اعتدال وتجربه و معلومات به این کار اقدام شود .

ذیلاً را جع به این مقصد یك سلسله سفارشات را که انجمن تحقیقات صحی در اثر مطالعات و سیعهٔ خویش ترتیب داده و متکی بر تجارب علمی میباشد بطور خلاص ذکر مینمائیم :

آسان ترین طریقهٔ لاغر شدن :

کسانیکه میخواهند از حالت چاقی به لاغری برسند باید نکات ذیل را بدقت ملاحظه و حفظ کرده و با نهایت مراقبت عملی سازند ، بلکه تاموقع رسیدن به مقصد باید این سفارشات را سر مشق زندگی خویش قرار بدهند و باید این هم در نظر باشد که بی حوصله شدن در چنین مواقع غیر از اتلاف بیموجب وقت فائدهٔ دیگری ندارد و خواهی نخواهی دوباره این کار را تکرار کردنی میباشند ، یك نکتهٔ قابل تذکار دیگر این است که معمولاً لاغری همان اندازه را میگویند که بدن یك تناسب قشنگ حاصل کرده و اعضا با هم نواخت خوبی پیدا میکنند و در هیچ قسمت از وجود چربی اضافه احساس نمی شود ، برای لاغر شدن طوریکه معمول است خود را عذاب کردن هیچ ضرورت ندارد ، مثلاً غذا نخوردن ، آب ننوشیدن ، از صرف قند واغذیهٔ لذیذ خود داری کردن ، دویدن وغیره همه بی لزوم و بلکه مضر است ، بالمقابل نکات ذیل را رعایت باید کرد ، غذا بقدر کفایت باید خورد ، اما کمی پیش از آنکه اشتها بسر میرسد ، دست از غذا باید کشید ، و در شباروز اگر یکوقت غذا به اشتهای تمام و بمقدار نسبتاً زیاد خورده شده باشد ، از یکوقت غذا خوردن دیگر صرف نظر بهتر است مثلاً اگر شخصی چاشت خوب بخورد شب بجز کمی میوه و یا ماست چیز دیگر میل نکند ، نوشیدن آب در بین نان مجاز است اما فقط برای رفع

احتیاج ، یعنی یك و یا دوجرعه که شکم نه پندد . صبح پیش از صرف صبحانه و شب قبل از خواب نوشیدن یك گیلاس آب شیر گرم که جرعه جرعه آشامیده شود مفید ثابت شده ودر عین حال معده را هم همیشه نرم وملایم نگهمیدارد ، نان خشك هیچ خورده نشده ، و یاصبح یاعصر بمقدار کم صرف شود ، از صرف مشروبات الکلی قطعاً باید اجتناب شود ، صبح باید زود از خواب برخیزد بدون اندك تأمل از بستر یائین شده ، چست و چالاك بستر خود را خود جمع وپس ازادای فرایض بندگی در یك زینه بالاشده یك پوری سوزن باریك را در پله های مختلف زینه تیت نماید و آنوقت با نهایت حوصله مندی یك یك دانه سوزن را برداشته وهر کدام را درحالیکه قد راست ایستاده شود در پوری بگذارد و دوباره خم شده این عمل را تکرار کند تا تمام سوزن ها در پوری جمع گردد ، این ورزش در عین حال هم برای صحت و هم برای لاغر شدن بسیار مفید و مجرب است .

اما بشرطیکه بهمین طریق فوق اجرا کرده شود ، در جملهٔ ورزشها ، ریسمان کشی و خیز زدن و حرکت دادن دست ها در حال تنفس (ادمان) مفید است . اما از همه مهمتر قدم زدن روی پنجهٔ پای میباشد که به تدریج روزانه مدت دوام آن افزوده شود ، لیکن بر عکس آن ، دویدن باندازهٔ که نفس بسوزد بجای نفع ضرر بیش می کند ، همچنین دیگر ورزش ها را بحدی باید اجرا کرد که خستگی زیاد از آن احساس نشود وبالاخره در روز یا کدام کدام روز یکی دو ساعت باغبانی خیلی مفید میباشد که دراجرای آن هم دقت و حوصلهٔ تمام بکار برده شود .

این بود یك سلسله سفارشات تجربی که برای لاغر شدن تعیین گردید ،

البته کسانیکه باجرای آن مبادرت ورزند ، علاوه بر اینکه بمقصد خویش درظرف یك مدت کوتاهی نایل می گردند ، ازسبب مراعات های صحی زیادی که در آن بعمل آمده صحت شان نیز مختل و صدمه دار نمی گردد و طوریکه دردیگر طریقه های لاغر شدن معمول است ازلذات زندگی هم محروم نمیشوند . بلکه صاحب یك حیات منظمی می گردند که برای آیندهٔ آنها نیز نفع زیاد پیش می کند .

آسان ترین طریقه برای فربه شدن :

اشخاصیکه فربه شدن میخواهند باید نکات ذیل را بدقت و توجه تمام مراعات کنند .

غذای بسیار مقوی ولی سریع الهضم خورده شود ، ازقبیل شیر ومرکبات شیر ، سبزیجات برنج وحبوبات ، تخم مرغ وگوشت شکار وغیره .

غذا میده تا شده به معده نرود ، وقات خوردن اقلا در روز ٤ مراتبه (صبح چاشت ، عصر ، شب) وبفو اصل کمتر از ٤ ساعت باشد ، مختصری ورزش خفیف ومخصوصاً قدم زدن ازطرف صبح وعصر مفید میباشد . لیکن ازخسته گی کاملا اجتناب باید داشت ، زیرا در وجود تولید سمیت کرده از فربه شدن جلوگیری بعمل میآورد ، خواب اقلا ٨ ساعت بوده واگر ممکن باشد بقدر یك ساعت دیگر هم از طرف روز باید خوابید . زیرا خون را زیاد میسازد کسانیکه چاقی را اثر تنبلی وعدم حرکت میدانند و در اشتباه میباشند ، اگر چه درین حالت انسان بطور محسوسی چاق می شود اما چاقی مزبور عارضی بوده و بمجرد چند روز ترك دادن تنبلی رفع میگردد و نتیجهٔ بدست نمی آید حالانکه مقصود ما ازان چاقی است که دوامدار باشد و بجای چربی که از اثر تنبلی در بدن

پیدا میشود ، خود انساج و سلول های بدن و بالجمله عضلات کسب قوت و نشو نما کرده چاقی را تشکیل میدهد . بنابراین بر علاوهٔ سفارشات فوق باید صبح وقت ترک کردن بستر یك گیلاس آب سرد (نه آنیکه از اثر اندك یخ سرد شده باشد) بنوشد و متعاقب آن مقداری راه برود و بعد بیت الخلا رفته سعی کند که تخلیهٔ معده خوب بعمل آید ، روز سه مرتبه تخلیهٔ معده برای صحت خوب ودر چاقی موثر است . همراه ناشتا (صبحانه) مقدار شیر ، تخم مرغ وقند و یا عسل و مسکه صرف باید کرد . چه درینوقت که معده خالی میباشد ، پیش از سائر اوقات صلاحیت جذب مواد مفیده و ویتامین ها را داشته درنشو ونما اثر کلی می اندازد . قند بالعموم برای چاق شدن مفید است لیکن افراط دران مرض (قند) را بوجود میآورد که آنهم از خواص چاقی است . استعمال میوه جات تازه مخصوصاً آنچه عصارهٔ آبگین دارد ، مثل: انگور ، مالته ، سنتره وناك ، سیب ، خربوزه وغیره فوق‌العاده مفید بلکه برای‌چاق شدن ازضروریات‌است. وقت خوردن میوه ، هیچ قیدی ندارد ، صبح همراه ناشتا ، چاشت ، پیش یابعد از نان ، عصر وشب ، همه وقت میتوان آنرا صرف کرد ، روغن زیاد و گوشت های کلفت برای معده مشغولیت و زحمت زیاد فراهم کرده چنانچه باید نتیجهٔ درنشو ونمای بدن ندارد و مضر تمام می‌شود .

در خاتمه باید ملتفت بود که همچنانیکه تفریح و تفرج در چاقی اثر نیك دارد ، خستگی جسمانی و روحانی از دادن نتیجهٔ خوب جلوگیری میکنند .

فقدان اشتها وعلاج آن

خشك بودن زبان یاعدم نظافت آن (یعنی وجود مادهٔ مخاطیهٔ در سطح زبان) بهر سببی که باشد موجب فقدان اشتها می شود و واز همین یك چیز

بسیط که جز تنظیف دهان علاج دیگری ندارد امراض مهمی پیدا شد و تا اینکه بدرجهٔ نهائی میرسد .

تدخین ومسکرات ، مخدرات ، التهاب مزمن معده ، امراض مسری از هرقبیل که باشد ، سل شش ، سرطان معده ، نور استانیا و هستریا (از جملهٔ امراض عصبی نیز ازعوامل عمدهٔ فقدان اشتها بشمار میروند .

اشتها متوقف به حاسهٔ ذوق وحالت عصبیه ونفسیه است پس اگر بواسطهٔ کثرت افراز غدد مخاطیهٔ زبان ، سطح زبان را یك طبقهٔ مخاطیه بپوشاند اثر عصبی را که حاسهٔ ذوق به افرازات معده دارد معطل ساخته و بواسطهٔ آن اشتها ضعیف میشود .

فقدان اشتها از امراض شایعه از مرض نوراستنی است که در نتیجهٔ دو حالت نشأت می نماید ، اول هبوط عصبی عمومی که یکی از امراض ممیزهٔ این مرض است . دوم اقدام خود مریض به تقلیل وتبدیل غذایش بواسطهٔ اینکه مرض اوعاً دتاً توأم با امراض سوء هضم میباشد ، انقاض غذا یك علت بزرگی از موجبات ضعف اشتها میباشد .

قراریکه تجربه شده میگویند دیر خوردن غذای مؤدی به فقدان اشتها میگرددو این گویا نشان میدهد که خود غذا اشتها را تحریك میکند .

علاج فقدان اشتها را میتوان به علاج اسباب وموجبات آن خلاصه کرد . مثلاً به ازالهٔ طبقهٔ که زبان را می پوشاند ممکن است ذریعهٔ محلول کاربونات درسود (پلی) یا خمیره های عادی دندان پرداخت . علاج عادات مضره مثل تدخین وامثال آن نیز بوسیلهٔ امتناع یااعتدال ، شده میتواند .

التهاب مزمن معده مستلزم علاج غذائی ودوائی مناسب است .

تبها نیز غذای مایعی بکار داشته وباید به تنظیف دهن ذریعهٔ یك دوائی نظیر گلیسرین بوریکی پرداخته شود . درسل شش هم باید اهتمام وا عتنای زیادی را بحالت اشتها بکار برد ، زیرا لاغرشدن یکی از امراض عادی این مرض است وضعف اشتها لاغری مذکور را مضاعف میسازد در حالیکه تغذیه یکی ازمهمترین وسائل علاج درین مرض وخیم میباشد . اما حالات عصبیهٔ که موجب ضعف وفقدان اشتها می‌شود درپهلوی علاج آن بوسیلهٔ ادویه یك علاج نفسانی دقیق نیز لازم دارد . و در علاج حالات عادی فقدان اشتها بعضی ادویهٔ بسیط مثل کمی از (تنتور دونز او میك Teinture de noi vomique) و امثال آن کافی شمرده می شود .

بدبوئی دهن

یك چیزیکه موجب اذیت و ازجارخود شخص و مخصوصاً دیگران میشود بخر ، یا رائحهٔ کریههٔ دهن است ، چنانچه هرفرد ما گاهی به اشخاصی تصادف کرده خواهیم بود که با وجود عدم ابتلا بکدام علت ظاهری بوی بدو نفرت آوری از دهن شان خارج می شود ، حتی در غالب او قات خود این اشخاص هم ملتفت نقیصهٔ خود نه شده و بروی مخاطب خود ها تنفس خویش را مبد مند بی اینکه اعتنائی به انزجار آنها داشته باشند .

در پنجا مقصود ما از بوی بد ، رائحهٔ مستکرهی نیست که از کثافت بینی پیدا شده و یا اینکه بواسطهٔ خوردن زیاد سیر و پیاز و افراط درشرب الکل و امثال آن میآید . بلکه غرض ما صحبت کردن در اطراف رائحهٔ کریههٔ

تنفس است که از اختیاراتی که در کدام موضع بنیه پیدامیشود بوجود می آید بطور عمومی مقر این اختمارات در طرف مقدم قنات هضمیه و تنفسیه میباشد . غالباً بدبوئی از تحلل اجزاء غذائیه که در دهن بعد از صرف طعام باقی می ماند ، و صاحب آن ملتفت نگردیده و با خراج آنها ذریعهٔ شستن دهن و یا تطهیرآن با یکی از مرکبات تطهیرکننده اقدام نکرده میباشد ، پیدا میگردد و عادتاً این رائحه در موقع صبح پس از بیدار شدن از خواب حس شده و در صاحبان دندان های کرم خورده و فاسد بسیار ملاحظه می شود . زیرا دندانهای فرسوده و مریض ذرات غذا را در کاویدگی ها و خالی گاهای خود حفظ کرده و باختمار آنها کمك می کند و به ندرت اتفاق می افتد که دندانهای سالم موجب اختمار بقایای غذا گردد .

برای پیدا شدن رائحهٔ کریهه موجبات و علل دیگری مثل امراض معده موجود است ، مثلاً اگر معده ضعیف بوده و تمدد حاصل کرده باشد اغذیه در آن به سهولت دچار اختمار و ترشی شده و گازها تکوین میابند ، با لاخر این گاز های بد بو ذریعهٔ آروغ از دهن خارج شده و تنفس را به انتها درجه کریه و متعفن میسازد .

بسیاری امراض حلق و حنجره و شش‌مثل تقرحات و سرطان و التهاب شعبی متن نیز رایحهٔ نفس را کریه میسازد .

معالجه :

اگرمبتلای این بدبوئی دهن بمعالجهٔ این علت خویش اقدام و اهتمام نکرده و یا آن را نداند ، باید رفقا و دوست هایش با لطف و ملایمت اورا

ملتفت سازند تا هم صحبتان خود را اذیت نه نماید . علاج این عارضه هم از روی علت آن کرده می شود مثلاً اگر رائحه از عدم التفات به نظافت دهن نشأت کرده باشد ، باید دهن از طرف صبح و شام و بعد از غذا با مطهرات معروف که در بازار فروخته می شود شسته و تطهیر کرده شود .

اگر دندانها فاسد و کاویده شده باشد باید یك آن اونتر بدکتور دندان مراجعه شود تا بمعالجه و اصلاح آن بپردازد ، و اگر موجب پیدا شدن بوی بد اصابت معده به کدام عارضه باشد باید به معالجهٔ آن اقدام شود ، و البته وقتیکه عارضهٔ مزبور رفع شد رائحه هم مفقود میگردد . ولی بعضاً حوادث دیده می شود که در آن ها رائحهٔ کریهه جز بعد از یك زمان طویلی بصورت دیگر زایل نمی شود . از قبیل امراض معده . در این چنین احوال باید مسکنات دفع کنندهٔ رایحه استعمال شده و دهن با پر منگناس دوپوتاس (پنج قطره ازمحلول تیره رنگ آن در یك فاشق آب) یا کلورات دوپوتاس (۱۰ در ۱۰۰) یاسائر مطهرات شسته وغرغره کرده شود . استعمال قرصهای کاشو و قرص‌های خوشبو کنندهٔ دهن را هم بعضاً توصیه مینمایند ولی بهترین رایحهٔ محلول (جو زیرین دانور) است که محتوی بورات سودا ومنتول میباشد و کوکائین دخلی درعمل زائل ساختن رایحه ندارد ولی بورات سودا ومخصوصاً منتول ضد عفونی گفته می شود . بهرحال باید فراموش نشود که استعمال این محلول وامثال آن ازشستن دهن با مطهرات و برس (مسواك) کردن دندان بعدازهرغذا صبح و شام وهمچنان معالجهٔ سببی که موجب ایجاد این رایحه شده میباشد شخصی را مستغنی ساخته نمی تواند .

سرمشق زنده گانی

پروغرام صحت یومیه را به ۳ قسمت طرح کن :
هشت ساعت نخواب ، هشت ساعت کار کن ، و هشت ساعت دیگر را به استراحت ، ورزش و هوا خوری ، خوراك و غیره گذران .

موقع بیدار شدن از خواب :

روپوش بستره و لحاف را درمقابل پنجره یا محلی که هوای آزاد در آن وزیده بتواند بگذار ، زیرا ضیا وهوا آنها را تطهیر مینماید ودر شست و شوی آنها تعجیل کن . موقع بیدار شدن از خواب یك گیلاس آب سرد نوشیده ، و سپس یکربع ساعت را برای تمرینات بدنی (با ملاحظهٔ اینکه درموسم تابستان پنجره ها را هم باز گذاشته و در اثنای اجرای تمرینات فقط یك بنیان نازك در بر داشته باشی) در اطاق تخصیص بده ، این تمرین عبارت از اجرای چهار حرکت بوده ، و هر یك ازان باید ٤ دقیقه وقت بگیرد به این تفصیل :

حرکت اولی : در حالیکه جا بجا ایستاده میباشی مثل اشخاصیکه در آب شنا می کنند حرکت کن ودرین اثنا از راه بینی به تنفس عمیق مشغول شو .

معلوم است که تنفس بدو حرکت اجرا میشود که یکی آن ادخال هوا درشش (شهیق) و دیگری اخراج آن از ریه (زفیر) میباشد . در بنوقت حرکت شهیق را در حین دور کردن بازوها و حرکت دومی (زفیر) را درانثنای نزدیك شدن آنها اجرا کرده و این عملیه را ده مراتبه تکرار نما .

حرکت دومی : تخته به پشت در روی زمین دراز بکش و قدمهایت را در حالیکه بدنت تماماً منسبط و هموار باشد در زیر میز و یا چیز دیگر بطوری بگذار که نتوانی آنها را در وقت اجرای حرکت بلند نمائی ، سپس بدون

استعانت دست های خویش بلند شو و بهمین طریق دومرتبه خودرا به پشت بینداز و این را ده مراتبه تکرار کن .

حرکت سومی : ایستاده شده شانهٔ راست خودرا با دست چپ و شانهٔ چپ را با دست راست قایم بگیر، بعد نصف بالائی (تنه) جسمت رابکمر ا تبه بطرف راست ویکمرا تبه هم بطرف چپ بحدی خم کن که قریباً گاهی بایکدست وگاهی با دست دیگرزمین را لمس کرده بتوانی واین حرکات رانیزتا ده باراجرانما .

حرکت چهارمی : پس از ایستاده شدن پاهای خود را محکم بر زمین گذشته و دست ها یت را بهر دو پهلو بیا و یز . آ نگاه تنه ات را یکبا ر بطرف چپ و بار دیگر بطرف راست بدون ا ینکه قدمهایت بیجا شود دور بده و این را هم ده دفعه تکرار نما .

بعد ازا جرای این حرکات بدنت را با یکدستمال درشت مالش بده .

تنظیف جسم :

د ند ا ن ها یت را بو سیلهٔ مسواك (برس) و خمیر مخصوص د ندان پا ك کرده و سپس با آ بیکه در آن چند قطره آب مخصوص تنظیف د ندا ن مخلوط شده با شد مضمضه نما . بعلا و ه در سا ل یکمرا تبه بد کتور د ندا ن مرا جعت کن تامادہ حجروی و کلسوی راکه در روی آ نها تکوین و تا بیخ شان رافرا گرفته میباشد بر داشته و بد ین و سیله از خرابی و کرم خوردگی د ندانهایت جلو گیری نما ید . همین طور مو ها یت را نیز با یك برس درشت برس کرده وسرت را هم در هفتهٔ دو دفعه با صابون بشوی و بدرستی آ نرا

خشك کن (خانمها بهتر است هفتهٔ یك بار سر خود را باصابون بشویند) هفتهٔ دومرتبه در موسم تابستان و هفته یکمرتبه در موسم زمستان با آب گرم و صابون غسل کن و اگر متعسر نباشد هر روز غسل کن ، این غسل بر علاوهٔ دوش (شاور) است (در صورتیکه به آن معتاد باشی) زیرا دوش در تنظیف جسم دخالتی نداشته بلکه دوران خون را تحریك و اعصاب را قوی میسازد .

غذای صبح :

تا آنکه یك ساعت کامل از بر خواستنت از خواب نگذرد ناشتا مکن و بایست غذایت در ینوقت شیر ، یا قهوه و یا چای همرای یك یا دو دانه تخم مرغ و یکپارچه نان باشد .

تدبیر یومی منزل :

بخادمه تعلیمات بده که بسترخوابت را وقتی مرتب کند که دو ساعت از بر خواستنت از خواب گذشته باشد (برای اینکه درین مدت لوازم بستره بکلی از هوا ونور آفتاب سیر و مشبع گردد .) . همچنین به او بفهمان که به جاروب کردن اطاق وغیره پیش از آنکه آنها را آبپاشی نکرده باشد قیام ننموده وهکذا روی امتعه و اثاث البیت را بایك تکهٔ نمناك و پاك بدون تکان دادن آنها تنظیف نماید ، تا غبار در داخل اطاق بلند نشود . وهر گاه که تکان دادن یکی از اثاث البیت لازم شود در آن صورت باید آن را بدون ازینکه از پنجرهٔ خانه تکان بدهد در بیرون کشیده و پس از اجرای این کار واپس بجایش بگذارد .

بهترین طریقه برای دور ساختن گرد و غبار همان آلهٔ مخصوصهٔ (جارو ب ر قی است که فعلا ا ستعما ل آ ن در د نیا منتشر شده است) به علا وه تمام اطاق های خانه باید یومیه هوا داده شده آبهای کثیف و سائر نایا کی های هر یك از آنها دور کرده شود .

با لای د ستر خوان :

ناخنهایترا همیشه گرفته و نظیف نگهداشته و دست هایت را قبل ازنشستن بالای دستر خوان با صابون شست شو نما تا میکرو بها و جرا ثیم مضرهٔ که در آن چسپیده باشند دور شوند .

غذا رابه آ هسته گی وتأنی خورده وآن راخوب بجو ؛ زیرا جویدن نصف هضم‌است ، همین طور دروقت نان آب زیاد منوش بلکه مقدار آن‌رابقدرامکان در پنوقت کمترنما ، نان‌را تاحدی بخور که تماماً سیر شوی بلکه دسترخوان‌را در حالی ترك کن که کمی اشتها درتو باقی مانده باشد .

اگر بدخانیات عادت داشته باشی آن را در اطا قیکه پنجره ها ودر وازه های آن باز باشد استعمال کن ور نه اولا منافذ اطاق را باز کر د ه سپس به این عمل اقدام نما . زیرا د خانات همانطوریکه برای معتادین آن ضرر دارد برای کسانی هم که به آن عادت ندارند بیشتر مضر ثابت میشود .

در روز :

۱ : پنجره های اطاق را بقدر امکان باز بگذار (بشرطیکه هو ا بسیا ر سرد و یا بسیار گرم نباشد)

۲ : از دخول آ فتاب درداخل اطاق جلو گیری نکرده و از طرفی خودت

هم نزدیك پنجره ها و دور از روشنی بکار مشغول مشو .

۳ ، دراثنای کار گاه گاهی اعضای خویش را نظیر اشخاص مانده وبیکار ممتد کن یعنی کهالی کشیده و ازراه بینی تنفس عمیق نما .

٤ ، کم از کم روز یك ساعت را بهواخوری درفضای آزاد یا باغ ویا بایسکل سواری تخصیص بده وعملیهٔ تنفس را دائماً از راه بینی اجرا کن .

بین دوغذا یعنی صبح وچاشت وشام میتوانی آب زیاد بنوشی مگر یك ساعت قبل و دوساعت بعد ازنان از نوشیدن آب خود داری نما .

پیشترازان که داخل بستر خواب شوی اولاً دندانهایت رابابرس (مسواك) تنظیف وسرت را شانه نموده ودست وروپت راخوب بشوی وسپس به این کار مبادرت نما .

دروقت خواب پیراهن فراخ ووسیعی را ازپارچه های نازك ولطیف بپوش تا تمام اعضایت مستریح وآزادانه حرکت کرده بتواند . البته لباس شبینه باید غیراز لباس های روزانه ات باشد . همین طور بیشتر به پهلوی راست خوابیده و در زمستان و بهار درحالیکه بستر خوابت معروض بجریان هوا نباشد ، پنجره های اطاق را باز بگذار .

قوانین صحیهٔ عمومی :

ماکولات ، در روز بمقدار قلیلی از گوشت تازه یا به عوض آن ماهی و تخم مرغ صرف نموده وسبزی جات تازه یاخشك بیشتراستعمال کن زیرا سبزیجات جسم را نظیرگوشت تغذیه کرده ولی باندازهٔ گوشت ضرر ندارد . از طرفی ازاستعمال گوشت ها یاماهی هائیکه درقطی ها (بصورت کونسروه) بفروش میرسند خود داری نما .

اگرخواسته باشی همه روزه درغذایت مکرونی (یك نوعی ازآش اروپائی) صرف نما. درخوردن میوه جات رسیده وتازه خواه آن را می پزی و یا اینکه غیر مطبوخ میخوری بیشتر انهماك و مداومت نما ، فقط درغذا نمك زیاد استعمال نکن ، زیرا نمك زیاد بگرده ها ضرر میرساند .

مشروبات :

آب از بهترین مشروبات است اگر از صافی و پاکی آبیکه طرف استعمالت قرارگرفته استمطمئن باشیازجوشنخوردن آن نروا مکن ورنه با آلات مخصوصهٔ فلتر (صاف) آنرا ازصافی واگذران واگر آلهٔ فلتر دردست رست موجود نباشد درآنصورت آب مذکور را بقدر۳ ربع ساعت بجوشان تا کاملاً پاك وعاری از شوائب گردد .

نوشیدن جوشانده های گرم امثال جوشانده هـای بابونج وخطمی در زمستان مفید است اگرخواسته باشی می توانی درین وقت از چنین جوشانده ها صرف نمائی .

لباس :

با ملاحظهٔ اینکه لباست وسیع و فراخ باشد ، در زمستان فلانل هـای ضخیم وکلفت ودر تابستان نازك ونرم پوش وبرای بطلون گالس استعمال آن نه کنی .

هرگاه موسم تابستان باشد اطفالت را برخلاف لباس های سیاه و تاریك البسهٔ روشن وسرخ رنگ بپوشان زیرا البسهٔ سیاه حرارت را جذب مینماید ، واز طرفی مگذار درین اوقات اطفالت جوراب استعمال نمایند .

خانه :

درخانه ات دایماً ملاحظهٔ تهویه ونظافت آن ونیز ملاحظهٔ دخول افتاب را بصورت فراوان داشته باش .

اطاق خواب :

اطاق خوابت باید در موسم تابستان بسمت شمال و درموسم زمستان طرف جنوب و شرق واقع باشد ، فرش اطاق اگر بجای قالین و گلیم مشمع وامثال آن باشد بهتر است ، زیرا گرد وخاك ازان بلند نشده وبسهولت ازآن تطهیر شده می تواند .

مستراح :

در مستراح باید مراعات نظافت خیلی بعمل آمده و نیز منفذ های آن دائماً باز گذاشته شود .

در فوق اجمالاً طرز معیشت صحی را شرح دادیم تا برای اشخاص که علاقه به صحت و سلامتی خویش دارند به حیث یك دستورالعمل یا لا نحهٔ یومیه بوده و برطبق آن رفتار فرمایند .

شفاء لکنت زبان

لکنت نوعی از ثقالت زبان است که مانع حرف زدن صحیح و روان میشود . درین باره خبری در مجلهٔ علمی انگلیسی انتشار یافته است که عبارت از قیام بعضی از اطبای انگلیسی بیك تجربهٔ عجیبی میباشد که به شفای لکنت

زبان منتهی می شود . و این تجربه عبارت از بادست و پا حرکت کردن مبتلای این عارضه است در موقع حرف زدن ، که در حین حرکت گرفتگی زبانش رفع میشود . یك عده از اطبا این طریقه را در بیست و چهار نفر مبتلای این عارضه تجربه کرده و تمام آنها در اثنای راه رفتن بادست و پا باطلاقت زبان حرف زده میتوانستند .

توجیه و تعلیل این ظاهرهٔ عجیب ممکن نیست و احتمال دارد لکنت از فشار دموی که بعضی اجزای دماغ را متشنج مینماید نشأت کرده و یا کدام نوعی از تشنج باشد که یك عامل موقتی و منبه خلایای عصب موجب آن گردد و این عامل منبه هم نتیجهٔ تمدد موقتی در مجاری نازك خون در دماغ باشد ، در بنصورت و قتیکه شخص لکن بادست و پایش حرکت می نماید فشار خون در دماغش تخفیف یافته و تشنج هم موقوف میگردد . و خونیکه موجب تمدد مجاری نازك خون شده می باشد منصرف شده و لکن میتواند باطلاقت زبان تکلم نماید .

قوانین صحیه برای موسم تابستان

بهترین طریقه برای عدم احساس حرارت تابستان اعتدال خوراك وعدم افراط در اغذیهٔ آزوتی مثل گوشت ها وترجیح دادن سبزیجات ومیوه بر سائر ماکولات است .

در حرارت شدید بهتر است مقدار غذائی را که عادتاً در سائر مواسم میخوریم کمتر نمائیم چنانچه خود طبیعت هم همین خواهش را دارد . ومی بینیم

که اشتها در تابستان خیلی کمتر اززمستان بوده به ندرت واقع می‌شود که انسان درحرارت شدید بسیار گرسنه شود ۹ از اغذیهٔ چربی دار ومواد شحمیه مثل مسکه وقند وامثال آن خود داری شود . زیرا این اغذیه تاثیر بسیاری درازیاد حرارت دارند .

قوانین صحیه که باید درین موسم ازان پیروی نمائیم خیلی‌ها بسیط است ازینقرار :

برای اینکه بدرد سر و آفتاب خوردگی دچار نشویم باید درموقع تردد از تابش حرارت آفتاب بالای سر ظریفهٔ چتری یا کلاه های آفتابگیر خودرا محافظه نمائیم . برای اینکه عرق زیاد ازوجود ما خارج نشود باید از تمرینات عضلیه شدیده وگردش درآفتاب خودداری نمائیم . درموسم تابستان غالباً استعمال عینک های سبز ویا مایل بسیاهی موافق به حفظ الصحهٔ چشم است ۹ مخصوصاً درخارج شهر و محل هائیکه درآن روشنائی زیاد موجود میباشد زیرا حرارت آفتاب وانعکاس به زمین و چیزهای سفید رنگ در چشمهای بسیاری اشخاص که عادت به روشنائی تیز نمیداشته باشند موثر واقع می شود .

بهترین طریقه برای جلوگیری ازتشنگی عدم نوشیدن آب بین دو غذاست زیرا انسان هر قدر آب بنوشد احساس بگرمی و حرارت بیشترشده میرود همچنان ازصرف مشروبات بسیارسرد و یخ دار خود داری لازم است . آبیکه نوشیده می شود باید بطور معتدل سرد بوده و خالی از یخ و برف باشد ۹ و درعین حال لازم است که آب به تانی وجرعه جرعه نوشیده شود . حتی الامکان اگر آب همراه غذا نوشیده شود بهتر بوده و فرضاً اگر بعضی مشروبات بسیار سرد را بوسیلهٔ نیچهٔ بلوری که اکثراً در قهوه خانه ها استعمال

می کنند بنوشند آ نقدر ضرر ندارد زیرا به این کیفیت شخص آ شامنده مجبور می شود آ ب را با تأنی نو شیده و مایع درمعدهٔ گرم او به ندر یج داخل شود. درحالت عرق نیز از نوشیدن آ ب زیاد خود داری لا زم است ، و ا گر اتفاقاً در حالت عرق آ ب نوشیده شو د باید از معر وض شد ن بجر یان هوا اجتناب کرده شود . زیرا درین حال خیلی بوجود مضر تمام می شود . بعد از گردش زیاد ا گر بنو شیدن آ ب احتیاج واقع شد باید یکر بع ساعت انتظار کشیده و بعد آ ب نو شیده شو د . هکذا بعد از نوشیدن آ ب بلا فاصله بگر د ش برامدن منا سب نیست .

در روزچند مر تبه غذا باید خورد ؟

سر بازهای ممالك مشرقی قدیم در ۲٤ ساعت شبانه روز فقط دو دفعه غذا میخوردند . درحالیکه بطور مجموعی مردم روز ۳ مرا تبه صبح ، چاشت شام غذا صرف می نمایند . بعضی از علمای صحی درین مورد بتجر بهٔ جدیدی قیام کرده و بکار یگر هایی اینکه در مجموع مقدار غذا در هر ۲٤ ساعت چیزی بیفزاید پنج دفعه غذا میدهند گو یا زیادت دفعات خوراك بزیادت مقدار آن مربوط نمیباشد یعنی عوض اینکه شخص ۳ مرا تبه بمقدارهای زیاد غذا صرف نماید . همین غذا را به پنج قسمت کوچك تقسیم کرده و صرف نماید ، تا معده آ نها را بسهولت هضم کرده بتوانند .

ویتامین (ج)

ویتامین (ج) عموماً به نمو و حفظ الصحه مساعدت کرده و مخصوصاً به صحت دندان ها و بیر ه ها مفید واقع می شود . این ویتامین در میوه جات و

حبوبات و مخصوصاً سیب ، سبزی پالك ، شلغم ، پیاز بکثرت موجود است . حاضراً علما در نتیجهٔ تجارت خیلی و سیعی موفق به اکتشاف طریقهٔ شده اند که بوسیلهٔ آن می توان این و یتامین را در بقولات و میوه جات که در قطی ها نگهداشته می شود حفظ نمایند .

پاك کردن دندان

درشبا روز اقلاً یك مرتبه پاك کردن دندان بوسیلهٔ مسواك یا برس و چند بار دیگر همراه آب یا آب مخصوص تطهیر دهن لازمی است . اما مسواك یابرس باید از بالا به پائین روی دندانها حرکت داده شود نه در امتداد دندانها زیرا درین صورت بیره ها را مجروح و بمرور زمان بیخ دندانها را برهنه و سست میسازد و نیز باید پس از ختم عمل پاك کردن دندانها ، بیره ها ازتمام جهات همراه دستمال نرم و پاك بطرف دندانها پائین آورده شود تا بیره دوباره بجای اصلی خویش قرار گرفته بیجا نشود .

یادداشت‌های سودمند

قابل استفادهٔ خانمهای خانه دار

رنگ آمیزی مصنوعی گلها

رنگ کردن گلها یکی از مشغولیات نفیس خانگی بشمار رفته نتائج آن خیلی خوشگوار و طرب خیز میباشد. رنگ طبیعی گلها درعین حالیکه بسیار مطبوع ودلپسند است، ولی انسان بشوق می‌افتد که رنگ آنها را تبدیل داده، چیز های شگفت انگیزی بدست بیاورد، مثلاً داشتن گل نرگس سرخ وسبز و بنفش یك آرزوی بسیار شیرینی است که هر کس را دامنگیر می شود، همچنان بدست آوردن گل پتونی سبز و یا زرد خیلی طرف میل میباشد، برای این کار از مدت ها است در پی کشف اند ولی تا کنون آنچه کشف گردیده نتائج بسیار مختصر وناکافی داده که چنانچه باید شوق و آرزوی باطنی شائقین را تسکین و تسلی داده نتوانسته است.

اخیراً در دارالتجربهٔ زراعتی پاریس که مخصوص تحقیقات علمی جدید راجع به نباتات است، یك سلسله تجارب جدیدی درین مورد بعمل آمده، و چنان ادویهٔ کشف شده که می تواند بقرار دلخواه گلها را رنگ تازه و خوش

نمائی بدهد ، ادویهٔ مذکور عبارت است از رنگ (انالین) که درمقدار کمی الکل (اسپریت) مخلوط کرده ، گلها را بصورت ساقه های جدا گانه برای گذاشتن در گلدانها تیار می کنند و بمجرد بریدن بیخ ساقه ، درمحلول مذکور داخل نموده میگذارند تامطابق دلخواه رنگ بردارد ، تماشای این عمل نیمه کیمیاوی هم دل چسپ است ، زیرا ابتدا در ظرف چند دقیقه که مخلوط مذکور از راه ساقه به برگها وگلها میرسد ، رگ های کوچك کوچك گلها را رنگدار ساخته سپس به تدریج و رفه های برگ گل رارنگ آمیزی میکند و بصورت یك قسم پرداز قشنگ رنگ به تمام حصص گل برگ ها تقسیم میشود وقتیکه رنگ را خود شخص مطابق ذوق ومیل خود کافی دانست آنگاه ساقه های مزبور را از محلول مذکور خارج ساخته دربکظرف محتوی آب صاف قرار میدهد تارنگ مذکور ثابت ومحکم شود ، زیرا اینآب که بعداز رنگ دربرگ های ساقه بالا میرود عقب رنگ را بسته واز پائین شدن آن جلوگیری به عمل می آورد زیرا که آب ثقیل تراز الکل بوده الکل درآن حل نمیشود . به این قسم گلهای مطابق خواهش شخص رنگ آمیزی شده ، میتوان آنها را برای تزئین خانه بکار برد . علاوه براین محلول مذکور بقسم یك ضد عفونی نیز کار داده از فاسد شدن و پژمردگی سریع گلها جلوگیری به عمل آورده ، مدت دوام آنها را بیشتر میسازد . رنگ انالن یك صفت دیگری که دارد این است که به تناسب مدت دوام کردن گلها رنگهای مختلفی به گلها داده این رنگت ها ازبنفش کم رنگ تابنفش تیره و از گلابی کمرنگ تا سرخ تیز و ارغوانی فرق میکند و باین صورت همراه انالین میتوان زیاده از ده رنگ مختلف وقشنگ را بدست آورد .

درتجارب اخیر که در این باره بعمل آمده یك دوای دیگررا نیز کشف کرده اند که (فیو شین) نام دارد و بقسم عام در دواخانه ها بفروش میرسد وهم دررنگهای مختلفه بکار رفته نرخ نازلی دارد ، فیوشین چندین رنگ دیگررا بوجود میآورد و مناظر قشنگی تولید میکنند . از طرف دیگر توجه که مردمان تمام دنیا مخصوصاً خانمهای خانه دار در دنیای مغرب بطرف رنگ آمیزی های مصنوعی گلها نشان داده اند سبب شده که اینکار مورد توجه خاصی قرار گرفته و آخراً در پاریس دکانهای گلفروشی صدها رنگهای مختلفی بوجود آورده و گلهای تیره رنگ را نیز بواسطهٔ رنگهای تیره تر تغییر رنگ داده اند ، و حتی بعضی موفق شده اند که رنگهای جوهری معمولی را نیز پس ازمدتی زیاد در الکل حل کرده بکار ببرند و به اینقسم هر رنگی را که میل داشته باشند بدست بیاورند . گل هائی را که به سهولت میتوان رنگ کرد طبعاً عبارت است از گلهای سفید ونیم رنگ ازقبیل نرگس ، پتونیها ، جربیتها ، شبوها . . . . وغیره ولی طوریکه گفته شد بطریق فوق میتوان تمام گلها را رنگ آمیزی مصنوعی نمود شاید به زودی برگ وساقه ها را نیز بتوان مطابق دلخواه تغییر رنگ داد .

رفع رطوبت از دیوارها

اکثرمردمان از رطوبت دیوارهای خانه شکایت دارند و این رطوبت که در صحن خانه هم میباشد بواسطهٔ فرش سمنت و تبدیل کردن یکمقدار خاك از صحن مزبور اصلاح شده ولی رطوبت دیوارها بدیگر قسم رفع نشده سبب خرابی رنگ و سفیده و سیم گل شده ، علاوه براین همه وقته روی فرش

از سبب آن خاك می ریزد ، برای رفع این علت علاج آسانی بدست آمده است ، یکحصه پارافین (دوای معمولی که در دوا فروشی میرسد) و ۳ حصه روغن قطران یعنی قیر (که در تعمیرات برای اندودن چوبها بکار می برند) را بهم مخلوط کنید ، طریق مخلوط کردن این است که هر دو جز ، مزبور را در ظرفی انداخته کمی بالای آتش خفیف میگذارند تا آب شود ، آنوقت همراه یك چوب کوچك شور میدهند . تا بهم مخلوط گردد ، چون این ماده در اثر دیر ماندن سخت می شود ، لهذا باید در وقت استعمال دوباره آن را بطریق ذیل گرم و مایع کرد ، ظرفی را که این دوا دران است چند دقیقه در یك دیگ آب گرم قرار بدهید بقسمیکه از حرارت آب ، نرم و آبگین شود ـ این ماده که بواسطهٔ مو یك رنگ مالی و اگر دیوار بسیار خورده شده باشد بدریعهٔ گلمالهٔ بنائی بدیوار زده میشود از یکطرف رطوبت مزبوررا می چیند واز طرف دیگر نمیگذارد که از زیر طبقهٔ دوای مزبور نم خارج شده بادیوار را پوده وخراب کند . درنقاطیکه رطوبت زیاد است در سال یکمرتبه تکرار عمل لازم خواهد بود .

باز کردن سر بوتل

اکثر اوقات سر پوش بوتل های شیشه ئی و مساله ئی و غیره آنقدر محکم میشود که باز کردن آن بادست مشکل وهمراه آلات فلزی ازسبب شکستن بوتل و تیت شدن محتوی آن خطرناك میباشد . درین طور اوقات سر بوتل را میان دو پلهٔ دروازه قرار داده پله ها را بهم پیش بیاورید ، و زمانیکه سر بوتل بفشار میان چوب دو پلهٔ دروازه قایم شد ، خود بوتل را آهسته

آهسته بهر دو طرف بچرخانید . بزودی سر بوتل باز میشود اما در چرخ دادن احتیاط کنید تا در وقت باز شدن محتوی بوتل نریزد .

نگهداری مشکولهٔ آب گرم

مشکولهٔ آب گرم علاوه بر آنکه در اکثر اوقات بقسم علاج در تخفیف آلام جسمانی مورد استفاده قرار میگیرد ، در موقع سرما برای گرم کردن جای (بستر) نیز خیلی بخوبی کار داده انسان را در خنکهای اول و اخیر زمستان و اول بهار ازداشتن بخاری مستغنی میسازد . اما نگهداری مشکولهٔ آبگرمی قدری مشکل است زیرا بزودی از اثر ریزش آب داغ خشك شده پاره و از کار می بر آید . برای آنکه مشکوله بسیار دوام کند ، هیچگاهی دران آب جوشان نیندازید و از آب پر نیز نکنید بلکه بقدر سه ربع آب دران ریخته قبل از بسته کردن ، هوای داخلش را خارج سازید یعنی مشکوله را از زیر فشار بدهید تا آب بحصهٔ نولهٔ آن برسد و در همین حال سر پوشش را محکم کنید . با ینقسم مشکوله چندین سال کار میدهد و خراب نمیشود .



پخت و پز

پختن فاصولیه

روغن ، دنبه ، گوشت ، شوربای پخنی ، بادنجان رومی ، پیکاو ، سه خورد ، سه پاو ، سه پاو ، سه پاو ، پیاز ، فاصولیه ، نمک ، مرچ سرخ تازه ، مار صلی یا گشنیز ، پیکاو ، سه پاو ، ۶ مثقال ، ۸ دانه ، ۸ مثقال .

اول روغن داغ کرده شود بعد دنبه ریزه کرده بهمراه قدری نمک بروغن انداخته شود بعد که دنبه سرخ شد گوشت را شسته انداخته شود گوشت که آب خود را خشک کرد پیاز را چهار تکه کرده انداخته شود و شور بدهند تا که همراه گوشت برنگ بادامی شود . بعد آب بقدر ضرورت انداخته شود که گوشت کمی نرم شود بعد نصف بادنجان رومی را آب کشیده همراه کوفته های گول در میان آن بیندازند تا خوب شور با شود .

اگر چه در افغانستان اصول متری در اوزان و مقادیر رواج دارد ولی محض استفادهٔ عموم طبقات درینجا اوزان و مقادیر سابقه نشان داده شده ولی هر کس میداند که ۵ گرام یك مثقال و یك متر مساوی ۱۵ بار یعنی یك بار کم یك گز است .

کباب لوله

یکچهارك گوشت استخوان کشیده را پخته کنند که آب آن نماند بعد آن را ازماشین گوشت کشیده وسه خورد پیاز خام را هم از ماشین مذکور بگذرانند بعد هر دو را یکجا کنند که مخلوط شود بدینموجب :

دنبه گوشت پخته شده، گشنیز ، مرچ سرخ نمك ، هیل کلان ، سیر تخم مرغ

یکپاو ۳ مثقال ، ۳ مثقال ، ٦ مثقال ، ۲ مثقال ، ۱ مثقال ، ۱۵ دانه

کاهی تخم کمتر بکار میشود . باید قوام گذشته مد نظر باشد مصالح مذکور با زردی و سفیدی تخم مرغ دران مخلوط کرده بعد بدست خود لوله کرده خواه کلان خواه خورد باشد آن را بروغن درکراهی المونیوم دسته دار سرخ کنند .

چتنی آلوبالو

آلوبالو ، بادام تازه مقشر ، هیل خورد، سرکه یا آب لیمو یا آب غوره

یکپاو یك خورد نیم مثقال

بقرارخواهش ، مرچ سرخ یاسیاه هر کدام مطلوب باشد نیم مثقال . گشنیز تازه بقرار خواهش خواه داخل بکنند وخواه نکنند یك مثقال .

ترشی بودنه و مرغ

بودنه ، زیره سیاه سرخ شده ، سیاه دانه درست

سی قطعه دو مثقال دو مثقال

حلبهٔ درست ، هیل کلان سرخ شده ، میخك سرخ شده
دو مثقال دو مثقال یك مثقال
اوری درست ، جلوتری یعنی بسیاسه سرخ ناشده ، زردچوبه مرچ سرخ وکشنیز وسیر
دومثقال یکدرم
بقرار خواهش ، اما کشنیز سرخ شود . نمك بقدر حاجت تیل شر شف وسر که بقدر ضرورت میده شود .
اول بودنه هارا بآب صاف جوش داده یخنی نمایند دوم سرکه را بجوشانند که از چهارحصه سه حصه بماند سیوم تیل را صاف کنند چهارم تیل صاف شده را بدیگ انداخته پنجم حلبهٔ درست را به تیل مذکور سرخ نموده ششم بودنه های یخنی شده را بالای آن انداخته قدری سرخ کنند هفتم زرد چوبه و مرچ سرخ وکشنیز و نمك و سیر را داخل کرده قدری قدری سرکه انداخته جوش بدهند تا وقتیکه گوشت بودنه ها نرش شود بعد ازآن باقی سرکه را انداخته اوری و سیاه دانه درست و جلوتری میده شده و زیره و هیل کلان و میخك را داخل کرده چند جوش داده فرود آورده بمرتبان اندازند . مگر تیل و سرکهٔ مذکور اینقدر باشد که بقدر دو انگشت در مرتبان از بودنه ها بالا باشد . اگر بودنه کم و زیاد باشد از قرار مقداری جز و مذکور و عددی بودنه مصالح مذکوررا نیز کم و زیاد کنند .

تبستی پودین

ساختن وپختن نان آن :

قند میده ، آرد نرمیده ، تخم ،
نیم پاو نیم پاو ده دانه

اول زردی تخم را همراه قند میده خوب مخلوط کنند بعد ازان آرد نرمیده را همراه زردی تخم و قند مخلوط یك جا کرده خلط نمایند و سفیدی تخم هارا کف کرده یك جا کنند و درجامی که بر و غن چرب کرده باشد بیندازند و سرجام سردیگی گذاشته بر خر و ج آتش مانده برسرش نیز آتش بیندازند تا پخته شود .

شوربای یخنی جوش داده وفاصولیه را بالای همان گوشت بدیگ انداخته وشوربای یخنی و آب بادنجان رومی یکجا جوش داده بالای آن انداخته شود وجوش داده شود تاوقتیکه آب آن کم شود بعد گشنیز رومی ومرچ تازه را خلال کرده بیند ازند بعد چند دانه بانجان رومی دیگر را دو دو حصه کرده بالای آن چیده شود وبسر آتش نرم بگذارند تا وقتیکه پخته شود .

چغندی زرد آلو

زرد آلو خلال کرده، سرکه، گراعلی ، زنجبیل ، مرچ سیاه ، سیاندانه ، یکسیر یکسیر دونیم پاو ۱۰ مثقال ۵ مثقال ۳۰ مثقال
مرچ سرخ ، نمك ، سیر خلال کرده
۵ مثقال ۳۷ مثقال ۱۰ مثقال

اول سرکه را صاف نموده بآتش بگذارند گراعلی دران داخل نموده گرم نمایند تا که گر درسرکه آب شود بعد ازان سرکه راصاف نمایند، زرد آلو نیم پخت را خلال نموده دران بیندازند سیرراخلال کرده مرچ سرخ ونمك زنجبیل مرچ سیاه را در آن مخلوط کنند بعدخوب جوش داده تاوقتیکه زرد آلو نیم پخت خوب نرم شود و مزهٔ همه مصالحو سرکه و زردالو باهم یك شود .

پرا کری

۳ خوردبادام ویك خورد پسته‌را درآب گرم انداخته بادام و پسته را از پوست جدا کنند که مقشر شود بعد ازان در کندالهٔ کوفته‌ومیده شود مساوی آن قندرا کوفته واز میده بیز کشیده بعد بادام وپسته وقند ودانهٔ هیل را کوفته همه را مخلوط کرده درکاسهٔ چینی‌بگذارند ـ در نیم چهاریك‌آرد نرمیده بقدر یکنیم‌خورد روغن صاف کرده انداخته دست مالی کرده و آب انداخته بمثل که برای پوری سمبوسه آرد تیار میکنند بعد ازان بقدر اندازه پوریهای آرد تیار کنند هرگاه پوری خورد باشد بقدر ٦ نخود وزن هرگاه کلان باشد نیم مثقال ازهمان بادام و پسته و هیل‌که در کاسهٔ چینی گذاشته است انداخته دهن پوری را بسته کنند بمثل سمبوسه که در حین انداختن روغن باز نشود . درکراهی آهنی‌میان روغن اعلی‌سرخ کرده پوریها را ۵ ۰ خواه اضافه انداخته پخته کنند .

نسخهٔ چتنی اشتق

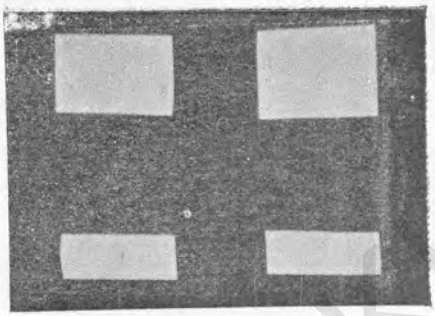
اشتق ، خرما بدون خسته ، کشمش سرخ ، خلال ادرك

۱۵ مثقال ۲۰ مثقال ۲۰ مثقال ۸ مثقال

سرچ سرخ بقدر خواهش ، نمك بقدر ضرورت ، سرکه بقدرحاجت ، اشتق شب بسرکه توشودکه برای فردا نرم باشد .

اختراعات و اکتشافات

تلویزیون در میدان عمل





عکس (۱) ـ عکس (۲)

از اختراعات مهمه و خیلی دلچسب عالم امروزی ، یکی هم « تلویزیون » است که نام آن کمابیش بگوش هر کس رسیده و مفکورهٔ ازان دارند . ودر سالنامهٔ سال اول کابل هم ازچگونگی آن تذکاری رفته . تلویزیون که عبارت ازدیدن اشیاو اشخاص ویاگزارشات یك نمایش ، از فاصلهٔ بعید است ، روز بروز در ساحهٔ تکامل پیشرفت امید افزائی نموده و متخصصین علاقه مند آن ، همواره درساخت دستگاهی که بتوان بذریعهٔ آن

اشیا را از دور دید و حرکات و سکنات و آواز آنرا استماع نمود، مصروف مساعی بوده اند. اینك در اثر این مجهودات، بالاخره به عملی ساختن این نظریه و نمایش آن بمعرض عموم، کامیاب هم شده اند، چنانکه در بین تازه گیها (درامهٔ) مخصوص نمایش تلویزیون در لندن در اطاقی که دستگاه فرستندهٔ رادیو وتلویزیون وجود داشت بمعرض تمثیل گذارده شد و از اطاق دور دست دیگری که دستگاه آخذهٔ رادیو و تلویزیون قرار داشت، عملیات نمایش مزبوررا به بسیارخوبی و بدون کموکاست دیدند و شنیدند.

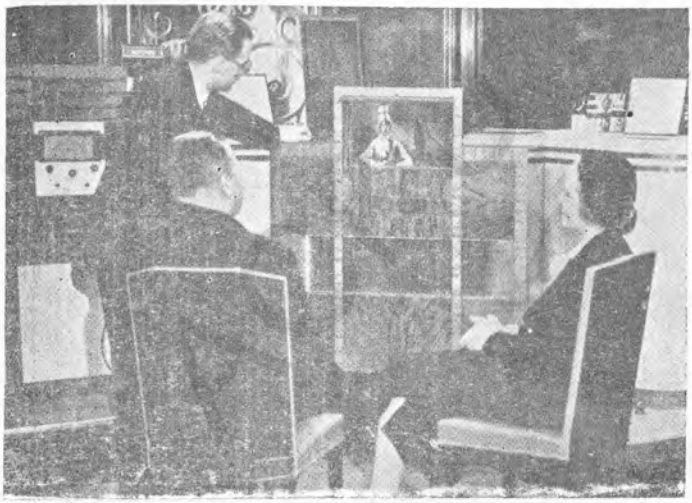




عکس (۳) - عکس (٤)

کنون این دستگاه جدید تلویزیون، مراحل اشکالات خود را

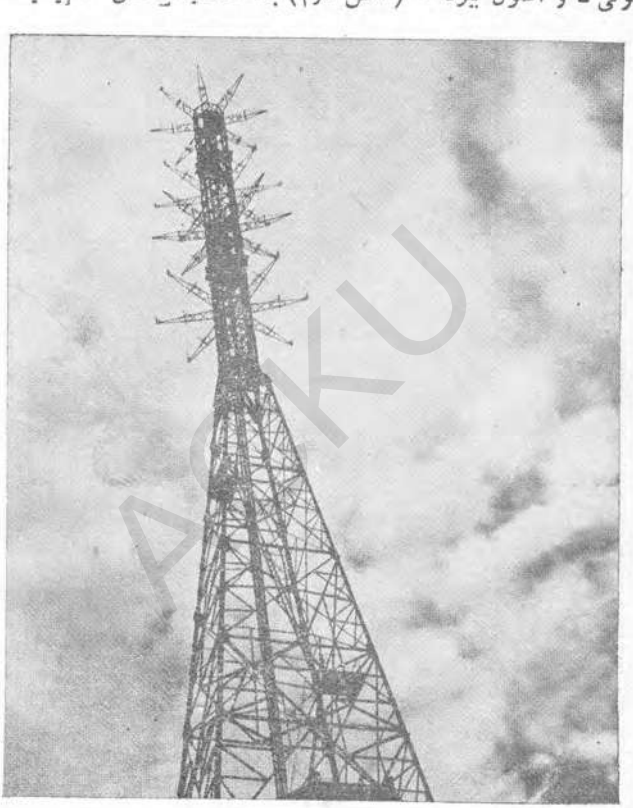
پیموده و عنقریب در بازار تجارت عرض اندام خواهد نمود . در آن وقت ، با داشتن چنین دستگاهی ، شما میتوانید سینمای ناطقی در خانهٔ خود داشته باشید ، بر حسب میل ، در امه و نمایشاتی را که در دنیای خارج بقرار پروگرام های معینه ، اجرا شدنی است ، برای العین مشاهده نمائید در آغاز یك نمایش ، چیزی که در روی پردهٔ دستگاه تلویزیون خود



تماشا کننده گان روی پرده مناظر مختلفه را می بینند

خواهید دید ، عبارت خواهد بود از روشنی سفید یکه شروع نمایش را نشان میدهد (چنانکه در عکس اول می بینید) دوم ، نوع اصول تلویزیون را خواهید دید « چه تلویزیون عجالتاً بدو اصول ساخته شده « اصول

مارکونی ـ و اصول ببرد » (عکس دوم) بعد شخصیکه خلص حکریهٔ یك درامه



برج هوائی دستگاه تبلی ویزیون

را اعلام‌میدارد ، درنظر شما جلوه‌گر خواهد شد (عکس سوم) - وسپس اصل نمایش آغاز خواهد نمود - و تمام گزارشات یك درامه را در حالیکه درخانهٔ خود استراحت نموده‌اید ، تماشا خواهید کرد (عکس چهارم وعکس پنجم) .

ولی عجالتاً منتظر عام شدن ، این گونه دستگاه باشید .

طیاره است یاموتر؟

در امریکا یکقسم طیارهٔ جدید اختراع شده که بنوع (اتوژیرو)



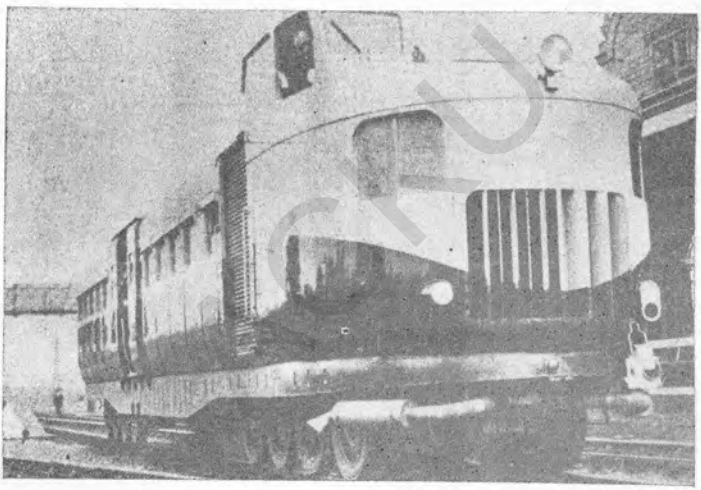
طیاره است یا موتر

شهرت دارد ، این قسم طیاره ها بخط مستقیم درجوفضا صعود کرده میتواند .

نیز درطرق و شوارع میتوان آنرا مانند موتر معمولی استعمال کرد و اگر درحین زمان رانندهٔ آن میل کنند درفضا پرواز نماید پروانهٔ آنرا چالان نموده فوراً به هوا پرواز مینماید .

قطار بی صدا

اخیراً قطار جدیدی اختراع شده که عرابه های آن از راپر و آواز حرکت



قطار بی صدا

آن شنیده نمی شود . این قطار رادراسکاتلند تجربه نمودند بکامیابی تلقی شد ، این قطار عبارة از عرابهٔ است که دران ٥٦ نفر سوار میشوند ، اطاق رانندهٔ آن در قسمت بالائی قرار یافته است .

موتر دو چرخه

اخیراً در لندن موتر کوچکی ساخته اند که فقط دو چرخ (عراده) دارد



موتر دو چرخه

و روی آنها بدرستی حرکت میکنند . این موتر ازروی بزرگی خود ٤ برابر خورد تر از موتر معمولی است و بقیمت بسیار نازلی بفروش میرسد . در پهلوی آن اوتوبوس شهری بزرگ را تماشا کنید !

موتر سی ا فغانگی؟!

گرانی قیمت موتر و مصرف سوخت آن کارخانه های موتر سازی را

بخیال انداخته است که در صدد رفع این نقایص برایند و در نتیجه اخیراً این موتر(تصویر پهلو) را برای آزمایش ساخته اند قیمت آن سه دالر (۳۰) افغانی باست و بایك گیلون تیل ۱۶۰ کیلو متر راطی میکند و سرعت متوسط آن در هرساعت ۶۰ کیلو متر است .



موتر ۳۰ افغانی کی

آلهٔ اعدام مگس

امریکائیان از هجوم مگس متأذی شده و در صدد اختراع آلهٔ اعدامی این حشره برامده‌اند و در نتیجه جعبهٔ که از سیم های برقی پوشیده شده است اختراع کرده‌اند . بمحض اینکه مگس روی آن قرار میگیرد فوراً می میرد وبین سیم های زیر جعبه می افتد .



آلهٔ اعدام مگس

ماشین تشخیص امراض

اخیراً نمایش فوق‌العاده تعجب آوری

درلندن یا بعرصهٔ ظهور نهاده وعدهٔ زیادی ازعلماءرا درتماشای (طبیب برقی) مات ومبهوت کرده است . مقصود از ین نمایش تشخیص امراض برقی بوده سرچشمهٔ این اختراع شگفت انگیز اینست که امراض بشری موجبات التهاب در ظرفیت برقی عضو مریض را فراهم میآورند .

بنابرین اگر ماشین فوق‌الذکر به بدن مریض وصل شود بو سیلهٔ تشخیص میزان جذب برق توسط این ماشین فوراً عضو مریض معلوم میشود .

آیا کرها خواهند شنید ؟

داکتر استورات اظهار میدارد که کافی است در کرها بجای گوش عضو مصنوعی دیگری قرار دهیم که قابلیت جذب تاثیر امواج صوتی را کدر تمام بدن منتشر شده داشته باشد .

بنا بر این نظریه اسبابی توسط خود داکتر ساخته شده و در آنهائیکه قدری گوششان سنگین بوده است نصب و با کمال شگفتی ملاحظه شده که سنگینی گوش بکلی برطرف گردیده است . ممکن است ترمیماتی که بعداً در اسباب اختراعی فوق‌الذکر بعمل آید موجبات تسهیل شنوائی را در کره فراهم آورده ممکن بحال آن هائی که اصلاً کر میباشند نیز مفید واقع گردد .

تانك جدید

در جنگهای اخیر ایطالیا تانك های جدیدی که در معرض استفاده گذارده شد از جمله ، تانك پل دار بود .

خاصیت این تانك عجیب این است که در موارد لازمه میتواند پل فولادی

محکمی بوسیلهٔ چرخانیدن یك چرخی از خود خارج نموده و بدین وسیله روی رود خانهٔ کوچك و نهر بزرگی را سد کنند. بنابر این عبور نفرات از روی آن آسان میشود. این تانك برای ممالك کوهستانی نهایت درجه مفید میباشد.

بایسکل پره دار

یك نفرمخترع فرانسوی اخیراً موفق به ساختن بایسکل عجیبی شده است. در مقابل دسته (هندل) بایسکل مذکور یك ملخ سه پرهٔ بزرگی ساخته شده است وزنجیر چرخ بعوض اینکه متصل بچرخ عقب باشد بالعکس متصل بملخ بوده وبواسطهٔ حرکت رکابها (پایدان) همان ملخ بسرعت زیادی میچرخد و بنابراین وسیله حرکت بایسکل را فراهم میآورد - فائدهٔ بایسکل مذکوراینست که اولاً سرعت آن بیش از بایسکل های معمولی میباشد و ثانیاً پازدن آن بمراتب آسانتر بوده شخص را زود مانده و خسته نمیسازد.

بشارت به عقیم ها

قراریکه اطلاعات جمعیت کیمیاوی امریکا نشان می دهد جدا کردن ویتامین پنجم که موسوم به ویتامین (E) است صورت علمی پیدا کرده‌است ، وبواسطهٔ این ویتامین است که جنس اناث حامله شده یا تولید می نمایند.

قوت این ویتامین طوریکه دیده شده خیلی ها زیاد است ، بحدیکه ترزیق ۳ میلیگرام آن به بعضی از حیوانات عقیم ، عقامت شان را بر طرف کرده و باثر آن حامله شده زائیده اند. قراریکه تجارب نشان میدهد این ویتامین تاثیر زیادی درزن های عقیم (سنده) هم دارد.

قواي حربي دول

(از روی شایعات جامعهٔ ملل)

تعداد عساکر

اتحاد شوروی	۱۰۳۰۰۰۰۰۰	
ایطالیا	۸۰۰۰۰۰۰	(همراه عساکر مقیم حبشه)
فرانسه	۷۴۰۰۰۰۰	
المان	۶۰۰۰۰۰۰	
جاپان	۵۰۰۰۰۰۰	
انگلستان	۲۰۰۰۰۰۰	(بدون عساکر ماورای بحر)
امریکا	۱۵۰۰۰۰۰	

تعداد طیارات

روسیه	۲۰۰۰۰
ایطالیا	۱۰۹۰۰
انگلستان	۱۰۸۰۰
فرانسه	۱۰۸۰۰
امریکا	۱۰۲۶۰
المان	۱۰۰۰۰
جاپان	۹۰۰

ACKU

جهازات بحری

	انگلستان	اتازونی	جاپان	فرانسه	ایطالیا	المان
جهاز بزرگ جنگی	۱۴	۱۷	۱۱	۱۰	۶	۲
کروزر (هرردقم)	۵۴	۳۷	۲۴	۱۸	۱۹	۱۲
راکب طاره	۱۰	۶	۸	۲	۱	۱۱
جهازرهنما	۱۷	۱۲	۲۹	۳۵	۱۲	۱۶
مخرب	۸۹	۶۲	۶۷	۳۹	۵۴	۱۲
تحت‌البحری	۵۳	۳۶	۵۰	۸۳	۶۶	۶۴
جهاز ساحلی	۶	-	-	۹	۴۲	۱۷

جهازاتیکه در سال ۱۹۳۷ ساخته میشود

	انگلستان	اتازونی	جاپان	فرانسه	ایطالیا	المان
جهاز بزرگ جنگی	-	-	-	-	-	۲
کروزر جنگی	۶	۸	۴	۲	۳	۲
راکب طیاره	-	۱	۲	۵	-	۱
مخرب	۹	۲۰	۱۱	۱۲	۸	۱۵
تحت‌البحری	۳	۶	۱۰	۸	۱۲	۱۴

پښتو څنګه وړوزو؟

لیکوکی جناب لعل الله خان ټرلاے

هرکله چه تاریخ پلټوا وګورو خو نړۍ چه دنن ورځے اقوام او ملل دی دنیا هغه اقوام او ملل دی چه له پخوانی لویو نژادو او قوموڅخه بیل سوی او خاوندان دګوښی کوښی قومیت او ملیت کړ نړیدلی دی په هغه اندازه دده وی ژبی هم هغسه ټرپی دی چه په وړستنیو دوړکیو له اساسی اولیو ژبو څخه بیلے سوی او مستقل شخصیت ے خانته مسدلی دی.

هرهغه شے چه مستقیماً د انسانانو د انسانی (اجتماعی) ژوند دن سره اړه لری د اجتماعی ژوند دن زوکړی (مولد) او د تطور او تکامل و نا موس تر تل مطیع او پرمان و پرونکی دی، نو هرکله چه ژبه هم د انسانانو د ژوند دن سره نږدے رابطه او اړه لری په اختیارکیں د تحول او تکامل وی، او همدا ژبه چه دن ورځ په دنیا کیں لوړ مقام لری، او د علمی او فنی هستی خاوند ده څوپیړی پخواه هیڅ کله نه وه او کیدو هم دفترا و نا توانی په دول او سیاه دعلم ے هیڅ اړه نه درلوده لکه د: فرانسه، انګلیسی، جرمنی ژبی او د دوی په څیر، هرکله چه د بشر مدنیت پرمخ وکړ او د معارف خلانه دیوه د دنیا په هره ګوښه کیں بلد امر نه سوه ژبی هم پرمختیا (ترقی) وکړه او وروسته وروسته ګیل والے (استقلال) خاوند سوه او د بلے ژبی د باداری پلټے نے لاړ وے څخه وا سماوه.

په دے وخت کیں چه لږ نه مرغه د پښتو ژبی روزنه او اصلاحات په نظر کیږی او د ژوند اسباب ے راغونډ یږی. نو بنائی چه یوه لنډه کتنه د ژبو د تکامل په تاریخ کیں زمونږ د حوصلے ارتنه کی اولو بلے خواه د ژبی په ژوند کیں په علمی اصولو سره موږ د تجربے څېړنتون وګرزوی. نو دا دی چه لا بندے په لنډه د ول سره د څنو مهمو ژبو د تکامل په تاریخ کیں ستر ګی ږغورو تر څو چه د پوهیږو چه د ے ژبو ته څه وخت رسیدلے د ړکړی سوی او له پاسه د ژوند ون ے چا او څه وخت او په څه د ول خدمت او کار کړیدی او موږ خپله ژبه (پښتو) څنګه وبالو.

دارویاژبی: هرکله چه د اروپا تاریخ گورو او ملتونو ادبیاتو تاریخونه ئې ترنظر تیروو نو پوهیږو چه پرمنزنی قرن کښې پرتول اروپا کښې لا تینی ژبه وه او دا حال د «رنسانس»[1] تردوهمې پورې وه. هرکله چه د رنسانس لړی د پرانګه د ایطالیا څخه پرلیدو سوه او ادبی دیوونه (دانته) مشهور شاعر ایطالیا بلدکړ، موږ هم لازم ګڼو چه مبداء د خپلو تحقیقاتو ایطالیا وګرزوو.

دایطالیا ملی ژبه: د خلورلسم قرن پراول کښې یوه رسمی اودلیک ژبه پرتول اروپا کښې پلسه لاتینی نړلیده کیده او تول کتابونه پرهرباب کښې چه وو د لاتین پرخط او ژبه لیکل کیده پاپ او درهبانانو د لے علاوه پرروحانی چوپړ (خدمت) دلیکنې دنده (وظیفه) هم ترسره رسوله. دیرکتابونه ئې ولیکل او خپاره ئې کړه، دد ے لیکونکو شهرت ډیر ډیر وه او اما سړه د ے چه د علم او ادبیت پرترقی کښې ئې خدمت کاوه او دکتاب پرلیکلو کښې ئې زیار کښې (ځکه: چه پرهغه وخت کښې مطبعه نه وه تول کتابونه پرلاس اوقلم لیکل کیدل) مګر دخپلے ملی ژبې پرژوند کښې ئې هیڅ توجه او فکر نه درلود ځکه: هغه د منزنی قرن اوسیدونکی د اروپا فکر پرشک کښې وه، او خپل خانونه ئې د خپلو پلرونو او نیکه ګانو څخه پاتر او کم کنسل اوویل برسئے چه هغه کار چه پلرونو او نیکه ګانو مونږ دې کړی موږ ئے هم باید ونه کړو ځکه: بیریدل چه پرکه نا پوهې اختنه نسې او پرآخرت کښې پرعذاب ککړتنې - پرد غه وخت کښې وه چه (دانته) ایطالیا لوی شاعر وزیږیدئ او ورپسته له تحصیل څخه ئے پرلیکلو شروع وکړه او یوه کیدی (۲) ئے د (دیوین) پرنامه ولیکله او پرهغه کښې ئے تول دایطالوی ژبه دلغاتو او اصطلاحاتو رعایت وکړ؛ داد دانته کیدی چه د ایطالیا پرژبه لیکلے سوے وه ایطالیا پرخلقو او مجلسو کښې ئے دول دول اغیزه وکړه - خو پرده بد وویل ځکه: ویل ئے چه دانته پخوانی او میراثی ژبه پرینږده او کیدی ئے پرایطالوی ژبه ولیکله؛ نو رخلق چه عموماً پرلاتینی ژبه نه پوهیده او دلاتین د ژبے بندوالی ئے پرجرا ټ د رسمیت د پاره مانع درانته د اکیدی ئے پرد یرنه رنظر وکتله او وے منله. خو کسانو چه پرتراک اوبوکاس ئے مشران وه د ے کیدی تقلید ئے وکړ، دانته پرسبب د هغو سخنو ملامتیو چه د خپلو خواه

(۱) رنسانس هغه دوره ده چه پرهغے کښې د اروپا ادبیات او ... نع توپ کړه اوله هغو حیث قابل استفاده ے وګرزیږه.

(۲) هغه د ے اوږده اونقلونه دی چه سړی خو ښحالږوی.

پرده ویلې کیدے ، کروخت چې نے خپلو بلدکیدی پنامه دجمنم لیکلو حیران ؤ، چې پرکومه څرېدنے ولیکی پرده وخت کښ
پرایطالیا اوروپه لرهغه دروپا پراکړه وملکو کښ یوبل فکر پیدا سوچې هغه فکر (هیومانیزم یعنې بشردوستی)
فکر هرکلې چې اساس دهیومانیزم دعوا مودشرېدے اهمیت اوغوره والی وه نودے فکر دانته وخیالاتو تـه
مرسته (کمك) وکړه اواخلاف دانته پترارك اوبوکاس دده په پلـه روان سوه اوپه فلورانس کښ. یومرکزپاره
دے نظرپیدا سو پنامه هیومانیزم (HUMANISME) تاسیس سو، کوم څوهم دا تولنـه لکه دانته دایطالیا
دملی څرېدنې پرځوندکښ تاوده نسوه اودملی څرېدنې ځوندون نے دخپلے دندې (وظیفې) دوهمه درجه بالـه مکړیاځم
دپرخدمت دایطالیا دملی څرېدنې پرځوندکښ وکې .

بایدووایوسره لـه دے چه دملی څرېدنې ځوندون پرایطالیا کښ دانته اودده داآثارو سره یوځاے پیدا سو
بیاځم دونـه پالنه نه کیده جکه پهغه وخت کښ ملیت اووطنیت دونـه مفهوم نه درلود.

پراروپا کښ دا ذهنیت یوه اوډده زمانه نه غوره وه اوادبی مسلکونه لکه هیومانیزم اوکلاسیزم او
اونور هرڅه چه پردے زمانه کښ موندې سوه تولولـه دے ذهنیت سره جګړه کوله - علی اوادبی انجمنونه روځ
روځ دپرېدلـه - مخصوصًا اختراع دمطبعے چه پنځلسم قرن پـه نیمه کښ پیدا (گوتنبرګ) نامې ډیواخترا ع
سوے وه لـه یوے خواه نے ادبیات لـه پرکړه اولـه بلـے خواه نے دنورو مللو دخپلے څرېدنې وځوندتـه پام کې جکه
پهفرانسه کښ (پلیاډ) انجمن تاسیس سو اودفرانسه څرېدنـه نه تریوے اندازے پورے دروزلـه اوپه خپل
ملت کښ نې رواج کړه اوپه جرمنی کښ نومدروږے (معروفـه) دوره د (رفورم) شروع سوه اوانجیل لوتر پـه
جرمنی څرېدتوجـه کې .

دفرانسه ملی څرېدنه : دفرانسه معروفه دوره (دصنعت اوادبیاتو پـه ترقی اوځوندکښ انتبـاه او
ویښتوب) دفرانس پـه مملکت کښ وروسته لـه ایطالیا څخه راغله جکه : پـه شپاړسم (۱۶) قرن کښ نړۍ لیکونکی
لکه : (رابله) او (مونتن) اولوی شعرا لکه : (مارو) او (رونسار) شرګندسول هرکلې چه دوی هم لکه دایطالیا
مشهور شاعران اوملګری دمعقود منزنی قرن دځوندتـه پراوه اوپخوانی ملی ادبیاتو تـه ئے مینه
درلوده : نولـه دے چاره چه دځینو شعرا و ادب بنا غلوکړه هغه دفرانسه څرېدنې غوره کول وه جکه پهدوی

اوملکری ددوی چې روسته لږ دے ئے دا دیا تو په دگرکښ پښه کښیښودہ غوږه اوکښلی پاڑے او آثار نے لږ ونانی اوروماځخه واخیستے اوهغه ئے دفرانسه پرښوبه (خالصه) څرګنده ترجمه اوپه پلاے روان سوه پرده ے وخت کښ د چې وطن دوست لیکونکی موسو مرپه (ژوول) لمړی پلاوئ ښیوه (تراژدی) (۱) دفرانسه پرشهر ولیکله اوخپره ئے کړه اوداخپله تراژدی ئے پرحضور هغه وخت دپادشاه (دوم هانری) هم وښوده لږ پوے خواه دهانری دپادشاهانو پرالطانو سرلوړی وګڼلده اولږ بلے خواه ئے دوطن واولاد وتر ژبې دژوندمینه ورزړه کړه جګه داطبیعی ده چې یونوی اوبکر عمل هرکلے چې دپادشاه خوښ اومنظور سی اوپه درنه ستر ګه ورته ګوری هرومرو هغه کسان چې لږ نیزدے یا لږ ے دهغه عمل کونکی دی څوئے وس وی هاند (کوشش) کوی چې دوی هم هغه عمل یادهغه عمل پرډول وکی اودپادشاهی پرالطانو سرلوړی سی نو دے عامل پرپلینو (پیروی) سره وه چې دے لیکونکو غوندے یعنی دملی ژبې پالنکو واړپه وار دپربښت وکی اودمینے پراغیزه اونړه تردد ے کسانو اوپه پالنه اوپام لرنه ددوهم هانری چې پادشاه وخت ؤ، دفرانسه ژبې ښې ملی مقام وښیو.

په دے وخت کښ چې نړۍ دے وه چې دفرانس شهر پرلیک (قطار) کښ دنورو ژبو لورمقام اومنزلت خاوندسولے بلا مرغه دهغه مملکت پرلیکونکو کښ څخه کان څرګندسول اولږ ے ددے ماشوم چې غوښته ئے چې پښوودریږی اوکټ مټ دفرانسه دملیت ډول وصوی دکلا تینی دلغاتو او کلمو پرګډولوسره ئے بیا ملاومرامات کړه ترڅو چې ترښ روح هم دژبې علما اومورخین چې غواړی دښ روے دفرانسه دژبې څېړل (بحث) وکی وائے چې دفرانسه پرشهر کښ دوه توبه (سیمه) دکلاتین دژبے کړسول یوپه منزلې قرن کښ اودوهم دانتشاء په دوره کښ.

دا اوضاع تردهغه زمانے پورے وه چې لوی ۱۳ دفرانسه پادشاه ؤ اوکلاسیکی (۲) ادبیات چې په هغه وخت کښ خپل لورمقام اوعظمت تدرسیدلی وه هم پردے واسطه وه چې نسبت د ژبې ته

(۱) هغه ډرامے اونغلوته چې سرې غم جنوی. (۲) دادبی سلکو څخه یوسلک دی چې په ۱۲ قرن کښ پرفرانسه کی لوړی مرتبے تدرسیدلی وه او بیا ئے خپل ځاے په رومان تر پرښود اوپخپله نیست سو.

دعسکری دا وضاع او تربیے پر رسم کولو او نورالوسی (اجتماعی) مسئلو باندی بحث ؤ او هغه خدمت چه ژبی تدبنا ئیلا وے نکی، نو لا زهروه چه یوه طبقه پیدا سوے وا سے تر څو چه دا نقصان نے لرمینځ څخه آخستی وا سے او د ژبی د پرمختیا و گړنے پاک گړی وا سے - دغه وه چه یوه دلرادیبے یعنی نخبه لکه بورا د فرانسه داد بیا تو پرگلا نو پیدا لو تو سوے .

دسے د ښځو شاعرانو اولیکونکو د لے وړو وړو د فرانسه پر ادبیا تو کښ ښه بریالی تو با ونفوذ څرگند کی او تردے حده نے بری وموندچه د فرانسه دادبیا تو دتگ لارے نے وگرزولا او د ژبی پر نظم او نثر کښ نے پر عوض د هغه زیړو گو وتعبیراتو او اصطلاحا تو د لا یتین او یونانی د فرانسه کښلی اوپیژلی عبارت استعمال کی .

داد ښځو ادیبانو تولنه بر دیوه معارف دوست سړی پر کور کښ چه د (مارکیز دورامبویه) پرنامه د فرانسه پر مملکت کښ اوسیده سره کیده او اخلاقی او ادبی مسئلے به نے څېړلی او پر دے مرکو کښ وتاو (منع) وه چه هغه عالمانه تعبیرات چه دلیک (کتبی) ادبیات ورانوی پر ژبه کښ نے راوړی، حتی د دے ښځو تولنے خپل نوم (پره سی یوز) (۳) کښینود او قول کا رنے د فرانسه د ژبے بوبه دل وه .

پر دے وخت کښ چه دے ښځو (مگر تر مړو نړیاتے) خپل عمر د ملی ژبی پر ښرونده باندے تر لی (حصر)، وه او د ملیت دوستی پر لارکښ نے خپل ځان د د کړی او شهرت نے پر هره خوا خپور سوی وه د صرف علما (صرفیون) او د فرانسه د علمی جرگے (اکادمی) اعضاهم تر لاوونل - تر څو چه د دے غږ تمنو ښځو سره ملاوتړی او مرسته وکی نو دا وه چه د دوی سره نے ملگړی وکړه او اکثره د نورو ژبو هغه لغات او اصطلاحات او کلمات چه پر متزنی قرن او د انتباه پر دوره کښ د فرانسه پر ژبه کښ گډ سوی وه وے ئیستل او پر دے صورت نے خپله ژبه بوبه او ادبی او د ربارې ژبه وگرزوله او وے تاکله وروسته د دے څخه تولو اعیانو او اشرافو او د علما او فضلا ؤ تولنے د فرانسه پر بوبه ژبه خبرے کولے، یونانی

(۱) اصطلاحا مصلحینو او د اصلاح غوښتونکو ترویل کیږی .

اولاتینی لغات یواځې پرښځوا وګړو خلقو کښې پاتې سوه .

(دوزمه لا) څرګنده وخت دعلماؤ څخه دی لیکې چې: «بې تسلیم خلق تاسو اعلما او فضلا اوتربیه سوی خلقو څخه دلاتین دکلما تو پرواسطه ببلد ولاړے سواے جګه: بې تسلیمان پرخپلو خبرو کښې لاتینی لغات استعمالوی» نودفرانسه دلغا تواستعمال پرخبرو او مجلسو کښې پرذریعه دبوبے فرانسوی یوله آدا بوڅخه دشروندون (معاشرت) کنل کیده .

«ریشلیو» چې دفرانسا کادمی تاسیس کړه لمړی نصب العین ئے داوه چې باید دا اکادمی د فرانسه دژبې دلغا تو یوکتاب جوړاوترتیب اوتدوین کې هرکلمه چې ریشلیو دا اکادمی تاسیس کړه او دا دنده (وظیفه) ئے ورته وټاکله چې لمړی بردفرانسه دژبې یوقاموس حاضرکړی هغه لوی لیکونکی (وولتیر) وویل: «دالکنې هیئت چې تولنه ئے جوړې دنوع بشر دګلوغټی ده جګه دیرلوی وښاغلی سړی دی دے تولنے پرګټه خدمت کوی» اودفرانسه بل پیاوړی لیکونکی (مولیر) ولیکل چې «انسان دهغه شوچې پرلاس راوستل (تحصیل) ئے دیرغواړی باید دپادشاه دحضور د مجلس مینه وی جګه، پرهیڅ ځای کښې لکه دا مجالس صحیح اورښتیا تصویب نه مندګیږی» دے دوۀ پیاوړو فرانسوی لیکونکو دویلو څخه چې نوم برئے دفرانسه دادبیا تو پرتاریخ کښې تراوسه پاتې دی جوتیږی چې دا اقدام دریشلیو پرهغه زمانه کښې ترخرګنده پورے دفرانسه دپوه اولاد دوه زره تر نیمه دے وه اوتدوین دیوه نوی کتاب جوړاوتدویے تازه څرګندونه لرپاڼه چې غواړی هغه څرګندی وګرځوی اوپرمیټ ورکی څومره قیمته (ګرانبها) اوامید ورکوونکی دی ؟

پردے خاے کښې زه هم اجازه غواړم چې هغه دول افتخارات اوسرلوڅې چې وولتیر او مولیر پرواسطه دا کادمی تاسیس دفرانسه پرتاریخ کښې ریشلیو ته منی زه هم هغه افتخارات اعلیحضرت شهید (محمد نادرشاه) رحمة الله علیه ته چې بانی دپښتو دانجمن اودپښتو دژوندون دبې وینه

لاندې نے داچې وروسته له تاسیس اوتشکیل څخه دا کادمی اوهغه اصلاحات چې دے تولنے دفرانسه پرژبه کښې وکړل دفرانسه څرګنده ترده دے حده پورے غلیچه (قوی) اوتوانا سوه کوم چې دے هغه مملکت

دا بیا تو تاریخ وپلټل سوی دی چې د روسته له هغه تاریخ څخه ئې د کلاسیک او رومانټیک او نورو ادبیاتو په باره کې، هغه آثار چې بنسټ یې چې تر اوسه په دغو ژبو کې تاریخ کې ځای درلودی (افتخار وی)

اوس هم د دې چې د فرانسې ژبې خپل لوړ مقام او ځای ته ورسیدلے ده او په ټولو علمي او فني موضوعاتو کې د پوره لغاتو او اصطلاحاتو خاوند ده بیا هم د فرانسه اولاد څنې غافل نه دی پاتې کیږي علاوه پرپام د ژبې د اکادمي نورو مطبوعات هم ستې چې مخصوص څوارلسو پوهانو ئې په نامه د (فرانسه د ژبې ساتنه) وضع کړې او په هغو کې د تخصص خاوندان هاند (سعي) لري کوچیرې بلد ژبې په واسطه د څو لغاتو د فرانسې په ژبه کې کړه سی د وګټې مخ ونسي .

نا ئې نا غلی لوستونکی د پورته تفصیل څخه د پوهیږی چې د فرانسې ژبې چې د فرانسې ژبې چې د لغاتو او اصطلاحاتو په اعتبار د دیرو والی سره د علم او معارف د نورې څو لو ژبو په سرکې ځای لري ، تر څلورلسمې قرن پورې له هستې څخه لږ او برمنډه وه ، او په اولسم (۱۷) قرن کې د لاتینې او یونانې د دیرلغاتو او اصطلاحاتو په کې ګډ وه او یوه بوبه ژبه نه وه تر ډیلکه .

داوه یوه تاریخچه د فرانسې د ژبې چې د پرلنه او په اختصار سره مې بیان وسو . نو اوس موږ هم هیله کولای سو چې زموږ د ټلونکي توکم (نسل) د دیوې څرنګوالي او علمي اوفني ژبې (ګرانې پښتو) خاوند سي او په وبه نازیږی ؟ هوکے زموږ د مشرانو اقدامات . او تود والی چې د دې ملت په اولادکې او س مند سوی دی د هیلې شغله زموږ په سر وکې ځلانده اوساتي کوي کرغای کول .

د روسي ملي ژبه: لږي باید ووایو چې د روسي ژبه د اسلاو د ژبې یوه څانګه ده چې هلته څخه د (۱۴۴) ملیونو خلقو چې د اسلاو په ژبه وئیږی (۷۷) ملیون نفوس یواځې د روسي په ژبې خبرې کوی او دا (۷۷) ملیون نفوس چې یوه بوبه روسي ژبه لري (۷۰) ملیونه ئې په هم غه معروفه روسي ژبه چې (سپینه روسي) ئې بولي خپل کړیت بریا کوی (مطلب دا کوی)(۱) او د اطبیعي ده چې په هر موقع کې جزء د کل تابع وی له هغو دول دول اوبې شمارو لهجو او ژبو څخه چې په یوه مملکت کې مروج وی هغه لهجه

(۱) د محمد رشدي افندي د احصائیې جغرافیه د سې وکتله سي .

اوژبه غوره کیږی چه د ژبوے خواه یولوی تاثیر د ملت پر کوپا ندوی اولږ ے خواه هغه لهجه د دربا ر یانو اومشرانو لهجه وی خکه پدے حاے کښ دوه لوی اوندګړ زوونکی (لایتغیر) دلیلونه ستر چه هیڅ منطقی خنی هم توجه کیدا ے نسی مثلاً :-

(۱) اجتماعیات داسی قوانین اونوامیس لری چه انسان خنی هم توجه کیدای نسی اوندے د تګ لاړ نیولاے سی اوندے نوامیس بدلولاے سی ، اواجتماع تل ترشکاره اسبا بواوعللولاندے هغه نتائج شنډی چه د طبیعی منطقیه قوانینو د سلسلو سره اړه ولری . نوهرکله چه مسئله پر دے خیړه باید ومنوچه جزء دکل تابع ، یوالسی (اجتماعی) قانون دی ، اوبیا هرکله چه وجود دے قانون ومنل سو نو هرو مړه باید دوایو چه د بشریت لوبرخه تل پر دے والے لاړی چه ځیله ژوند ، ادبیات اوخپل هڅې پر لږه برخه ومنی .

(۲) ا ... ژبه ځیره ده چه ملت تل دخپلواکدارانو د اوضاع اوعاداتو پیښے (تقلید) کوی جکه ، چه د دربار د خلقو د معاشرت طرز ، د خبرو اصول اونور عرفانی اوصاف د یرلور او خواږه اوپه فصاحت سره وی . اود سارایانو ژوندون بیله سارائی اوساده ژوندون بل څه نه ړی اود کډی تل وس کوی چه د هغوا طوارو اوعاداتو پیښے وکی چه واکدارانو هغه اطوار صفتیی سوی دی - نوپه دے سبب سره هرکله چه تاریخ پلټنو وینو ے چه پرهر حاے کښ د دربار ی لهجه پر نورد لهجو غوره سوے اوسیمی لهجه ګرزیدلے - اوتول دفتری چارې ، مطبوعات ، وینا وے (نطق) اوخطابے پرهغه لهجه کیږی ، نود غه د ول دی داصلی روسانو یر (غلبه) او غوره والی پر سپینو روسانو اود دوی د ژبې پیژندل پر رسمیت سره .

پرهرحال هرکله چه ژبوپر تمهید تردے حاے اوږد سوا و جوته موکړه چه طبیعی تګ (جریان) د ژبې پر حال کښ دا رنګه دی ، بیرته خپل مطلب ته ګرزو او وایو :-

د کتابی (امارت) د لږی تاسیس څخه پر روسیه کښ د میلادی تر لسم قرن پورے کشمکش د روسیه ژبه موجوده اماته ے د اتوری (حروف) د لوډ چه اوس ے لری ، اونه ے صرف اوخو د ر لوده د روسته



از موسسات و عمرانات جدید وزارت معا ر ف ، عمارت سینمای کابل

Nouvel immeuble du sinéma à Kaboul



از موسسات جدیدهٔ کابل ؛ عکاسخانه ومعازهٔ ملی واقع بازار شاهی تعلق جناب صاحبد اد خان عکاس

Studio moderne nouvellement construit à Kaboul

لهغه چې پرلسم قرن کښ لوی (ولادی میر) کنار. یعنی د روسیه حکمران سو د روسیه ملت هم مناسبه پراثر چې د باندنی دولتو سره ئے وموند اونګ د رانګ چې د روسانو اوخارچې دولتو سره منده سو بت پرستی ئے پریښوده اونازل سوی کتابونه ئے میل وکی اود اورتودوکس مذهب چې په شرقی روما کښ رواج وه وئے مانه او روسیه مملکت د روستم لرد ے خاوند داد بی ژبے اود ادبیاتو سو پرد ے دول چې د اسلاوی پاپولر خواه انجیل شریف اسلاو په ادبی ژبه ترجمه سو اویوه روحانی فیلسوف چې (سن سیریل) موسوم وه اود اسلاو د قوم روحانی رئیس بلل کیده یوه الف باښے د (سیریل الفبا) پرنامه اختراع کړه اود نن روحی د روسیه اوصرب اوبلغار د الف با اساس ئے کښینود نو هرکله چې د اسلاو ژبې اوخصوصًا د روسیه ژبه، پرسوری کښ د عیسوی دین اود سیریل پرنامه الف با خاوندے سوے. طبیعی وه چې د ادبیاتو لرد خواه هم نهضت وکی.

لمړی د رکبی نهضت: هرکله چې روسان د الف با خاوندان سوه - د روم د روليکونکی اوعلما پدوی کښ څوګند سوه اولږی وارښے پر روسی لهجه چې د کنازی (امیری) پر دربار کښ خبرې پرکیدے د رومرو سره یو لرخواه د یرکتابونه رد (سن بوریس ژوندون) اود (کیف د پاپو ژوندون) اود (ویلادی میرمونومالک، وصیت نامه) اود (پاپانود رئیس سیاحت) پرنامه نثر سوه کوم هم اکثر مطالب ئے دینی وه اما پاد ادبی لحاظ اولږی وار ښه پرلږ د ژبی اوادب. کیدلاے سی چې د هغه ملک ادبیاتو اود ژبی د ترقی پرتحقیقاتو کښ لوی سند وی - باید چې د اهم بی ویلو پرینږدو چې د ادب او ژبی د اوهم نهضت دی چې په دولسم قرن کی په هغه ملک کښ منده سو یعنی د روسته لرد و د قرنو. چې عیسوی دین نفوذ موندلی اوالف با ایجاد سوه د اپوړتر کتابونه لیکل سوی دی، څرنګه چې د تورک لیکونکی (سرافت عوفی) لیکی اومورد هم پورته عرض وکی چې د ادبی تمدن خاص پراعیانو اووالی د اړا نو کښ رواج درلود اود همدوی احساساتو اوعواطفو شرح ده نه د کښتو اونازلو خلقو.

د روسته لرد ے چې د روسی ژبی اوادبیاتو ئے څرنګبتا یست اوصورت وموند اوپدے کښ وه چې د روم د روچیل نیم ګړی حال پورے کی اویو وارځان بشپړ والی ته د روسوی، د روسی مملکت د پرودپیر یو

(هیرو) اوحلولکه تاتار اوبونو راتاړ سوا دهغه مملکت ادبی ژوندون بیا پرسلګیو، اوهغه لړی حال تر سیده څنګه چه دروس لوړو خلقو ادبی ژوند لږ کلیسا څخه نزده کړی وه پرلږ پرپوا اوتاړ (ګرفتار) دلوړو خلقو پرسیاسی اوعسکری چارو بیا ادبی ژوند وظیفه کلیسا اوروحانیونو تر وسپارله سوه .

که څه هم پطرس اول کبر دے پوه (تماجاتو) دروسو ژبی داصلاحاتو اوادبیاتو د ترقی مخ ونیو- اما دروس ملت بیا هم هغه مداخلات اوجکړے چه دښمن دماتوالی اودوطن دروغتیا دپاره وکړے دروس دژبی اوادبیاتو پرمخکښ بل نهال کښے نبود اوهغه نهال دروسی ژبی نثر وه چه تر هغه وخته دلغاتو اوجملو پیوند لولر حیث هیڅ وه حکه : هغوکسانو نوچه څه لیکلاے سواے اوداحملے نے پرخپل وطن اوهغه دمملکت داولا د وطن غوښتونکی هاندے ولیدنود هغوشعرا او محدود و لغاتو څخه چه لږی نے پرمذهبی کتابونکښ لیکل کیدل یادهرے روحی پرخبرو کښ استعمالول غوره جاړے وپیوند لے اوپاتی لغات نے دسارایا نود ژوندون اوزیست څخه پوره کړه یوشمیر نے دګرتـه راوئیست چه دهره حیث دروسی ژبی دتکامل سبب سواو هداوه چه مشهور اثر د «پند پر نامه د (ایګور وجنګ منقبتونه) اود (دمیتری دونسکو بریالی توب) پرسنه ۱۳۸۰ کښ لیکل سوا اودے دوه اثر څخه پوهیدل کیږی چه دروس شهر دے یادسوو عواملو پر اثر ترشه حده بریالی اوداستعداد خاوند سوه .

پرخلورلسم قرن کښ هغه وخت چه بریالی سلطان محمد دا سلام دعسکر پراوږه سوا استانبول فتح کی او اسلامی جهان نیو ونکی بیرغ نے دنصرانی صلیب پرځای پرشرقی روما کښ (بیزانس یا مقنی استانبول) وښتی ، دبیزانس ځینو اوسیدونکو چه دا سلام نور نے پرخپلو تورو سترګو کښ نه غوښت اود بریالی عثمانی سلطان جوغ نے پرخپل ورمیز نه اینبود بیزانس نے پریښو ، یوه برخه ایطالیا اونورے اروپاته ولاړل اوخه روسی تر هیله وروړه اوهلته میشت سول - دروم دامپراطوری داوبدے نه زمانے اودمعارف دنیږدے والی پرسبب ، دے تلونکو دنیا نی کماله تو برخه درلوده خه رنګه چه پرایطالیا کښ دانتباه دد ورهے لوی سبب وګرزیدل پردوسیه کښ هم زمانه پرعرفانی خدمتو ، چه دروسی وکړه ، یوه سری چه (سیلوه ستر) نومیدے اولږ دغومره بډاینو څخه وه یوکتاب نے د (دوموستر نے)

پرنامدولیکی اوګټه کتاب سره ئے لوی اودروند خدمت درروسیه دشرقی اوادبیاتو تدوین کی .

غوره کتاب چه پرروسیه کښ دشرقی اوادبیاتو په لحاظ ولیکل سواودهغه مملکت ادبی اولسانی پلرنی نهضت کښ ئے تر (۱۵۶۴ع) ساری (نظیر) نه درلوده (حواری نامه) کتاب وه چه په هغه سنه کښ یعنی په (۱۵۶۴ع) کښ لیکل سوی وه لکه دا کتاب په هغه اندازه چه دهغه مملکت په ادبیاتو کښ غوره والی لری پرواسطه دڈډی چه لیکونکی دلیک قدرت پرده کتاب کښ هووالی ښی او دشرقی دنزاکت کچئ پرده په هغه کښ سړی لیدلای سی .

په هرحال روسیه مملکت کله خو هم تر ۱۵۶۴ پورے دشرقی اوادبیاتو نه حیث خان پوره کی بیا هم پرواسطه ددی چه گرامر (صرف ونحو) ئے نه درلوده لکه دیوے گرامر لرونکی شرقی دحیثیت او اعتبار خاوند نه وه - داوه چه دا نقصان هم په (۱۶۱۸ع) کښ له مینځه ولاخیست سواو دروسی شرقی گرامر په (۱۶۱۸ع) کښ روسانو ولیکی او خپور ئے کی ورپسته له هغه دروس هغه لومړی سړی چه نوم ئے (لومونوسوف) (LOMONOSOFF) اوه هغه مملکت دډائرة المعارف خاوند دی بشپړ ئے کی .

دایشیا ځی :

عربی ژبه : عربی ژبه دیره پخوانی ژبه ده اوشه رنګه چه دا ژبه موږ مسلمانانو ته دینی اومذهبی غوره والی لری هلارنګه په شرق کښ لږی ژبه ده چه تمدن دلوړی ترقی یعنی دشلمه قرن (۲۰) ادبی او علمی حوایجو اوریتیا پوره کوی اما دشرقی دتکامل په تاریخ کښ یوه ځرګنده سلسله پرلږ پسے کولای نسو لکه عرفان زاده داسلام دمدنیت په تاریخ کښ لیکی :-

وجاهلیت اعراب په شعر، خطابت، فصاحت اوبلاغت کښ دلوئی مرتبے خاوندان وه اوهر سړی برخیل زوی ته شعراوخطابت ورزده کاوه اوډیروس بے کاوه چه زوے ئے شاعر یاخطیب لکه دوی شعرا اوخطیبان ساتونکی دعرښ اوناموس اوخادمان دعاموګمل کړی چه په کوکلی

او تبر کې شاعرانو خطیب څو ګډ وای نو هغه کلي او تبر دیره سر لوړی پرکولو او دده د عزت له پاره بهتر خو ل لوړی میلمستیا وته وبلل - او د خطیبانو او شعرا ؤ په مینځ کې به مشاعرې او مسابقې کیدلې هرڅوک چې پرې مسابقو او مشاعرو کې ترټولو غوره سوی وای د هغه شعر به په مکه معظمه کې ځړول او تل به د هغه عزت او احترام کاوه ، ترڅو لو مشهور د سوق عکاظ مسابقو چې هر کال نومدورې شاعران به هلته تولیدل او مسابقې او مشاعرې به سرکولې (معلقات سبعه) هم د دې دورې نښه ده .

وروسته له دې چې اسلام لمر وخوت او عربستان شبه جزیره ئې په خپل نور رڼا کړه او قرآن کریم نړیوال پیغمبر حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نازل سو له پاره د دې چې د قرآن کریم آیتونه د غلط لوستلو څخه وساتل سي بیا د عربي ژبې له پاره نحو جوړ سوه کومه هم د عربي ژبې د نحوې وضع کیدل د قرآن د لفظي صحت وساتنې له پاره و اما بو سیره پر هغه د ژبې دارت والې د پاره هم لویه ملګرې وکړه ، او هغه د جاهلیت د دورې د ژبې تنوع د اوول عظمت ورکې چې پر له هغه د اسلام د علمي لوړتیا او عظمت په دوره کې د شاعرانو فلاسفه ، متکلمین او علماؤ ضروریات ئې پر نښه دول پوره کاوه .

لوی صفت چې عربي ژبه لري او هغه ئې دارت والی غوره دلیل باید وګڼو هغه دادی چې د ژبې تر د علو مودترقی او تعالی پرمخ کې ځان شرګند کړی دی مثلاً هر علم او هر اصطلاح چې په مدني دنیا کې نوې ومنلا سي او د عربي په ژبه کې قابل د نقل وی په عربي کې د هغود تولوڅانګو او فروعو اصطلاح پیدا کیږي ؛ نو له دې ځمکې څخه دی چې عربي د برلس نیم قرن د شرق علمي او ادبي ژبه او بنائي چې شرقي ژبې هیڅ کله د دې له احتیاج څخه ونه ګاري نسي .

تورکي ژبې : هر کله چې انسان د تورکو د ژبې او د ادبیاتو تاریخ ګورې کولای سي چې د تورکو په ژبه کې هم بیلابیل ادبیات لکه : اویغور ، اوګوز ، چغتای ، آذري او ..... پیدا کې او د تورکو له ټولو څخه اوژبې او ادبیات د تاریخ په پاڼو کې د نولسمې یا د دې هغه ژبه چې د ورځ شرونديو د تورکو

پر ملت کښ ویدکیږی عثمانی ژبه ده چه دانا طول (آسیای صغیر) دتورکا ټوبه (مخصوصه) ژبه وه - نو موږ هم دده ژبې پرشا اوخوا کښ خپل مطالعات لیکو:-

څنګه چه ګل امیزو HILMI ZÂ لیکی:- هغه وخت چه دسلجوقیانو حکومت آسیای صغیر ته ورسیده اوفارسی ژبه سره خپله رسمی اوملی ژبه تاکلی وه پر آسیای صغیر کښ دملی تاوده وتلو نه وخت ژرګند سواودده نفضت دخپل مطلب پر سرکښ دتورکو دژبې ژوندون مقرر کړی وه اود آسیای صغیر دملوك الطوائفی پر علاقو کښ ورو ورو فارسی ژبه لرمیږی څخه واخیسته سوه اوادبی الرآ پر ترکی ژبه ژرګند سول ورو سته لدژوند څخه دژبې، دتورکو دملت پر ژبه وکښ بلد رهنما پیدا سوه چه هغه رهنما علی نفضت اود اسلامی علومو څخه فائده اخستل وه اود وی سم دلاسه اسلامی کتابونه لدعربی څخه پر تورکی ترجمه کړه دا نفضت یواځې پر یوه ولایت کښ نه وه دآسیای صغیر پر تولو ایالتو کښ ژرګند سو.

لمړی سړی چه دخارجی ژبو څخه پر تورکی ژبه کتاب ترجمه کړی دسولانا سلطان ولد زوی وه چه دپلار دتصوف مسلك ته لاړسی خواه پر لیك اوترجمه کښ راڅوست اوپه ترکی ژبه ئې څپور کی اودوهم سړی چه دترجمې کار پر تورکی کښ وکی (شیخ احمد عربشونی) وه چه فلك نامه اومنطق الطیر ئې پر تورکی ژبه ترجمه کړی.

ترهغه چه دعربی دژبې نفوذ پر تورکیه کښ ډیر وه اواکثر وعلماؤ علی، فلسفی اودکلام کتابونه پر عربی ژبه لیکل نودا نفضت هم پوه اوپه ده زمانه دعربی دعلمی اوادبی نفوذ ترزمانې عمر تاوه ترهغه چه دعثمانی پر سلطنت لسم وزن کښ دسلطنت واړه یالی (فاتح) سلطان محمد تورسیاه اود دے سلطان پر زمانه کښ پر تورکیه کی داسې نفضت ژرګند سولکه چه دزمانې ډیر ډیر پاړوپا کښ وه لکه پر دے دوره کښ یوعالم د (اسعاد افندی) پر نامه پیدا سواوده غوښتل چه دیونان فلسفه پر تورکی ژبه کښ دا خله کی نوداوه چه دارسطو دکتاب (سماء الطبیعی) متنونه ئې چه پر عربی اویونانی ژبه موجود وه سره تطبیق کړه اویو کتاب ئې پر تورکی کښ د (کتاب الشمانیه) پر نامه ولیکی.

وروستہ لږدے بیا هم روځ پر روځ د ترکو د ژبے د علماؤ اولیکونکو ګڼه ډیریده اود ترجمے شمار چوتر زیاتوب وکی او تورکی ژبه په تدریج سره د هستی او قوت خاوند کیده . د دے زمانے په هغه وخت کښ چه تورکی ژبه په پښتو دیره ښه لیکونکو په دے هیله سره چه خپله انشا لوړه وښی عربی او فارسی لغات او الفاظ ښائے د تورکی د ژبے په قالب کښ د تورکی ژبے د جلو او عبا ټوله سره کړی ول نو په دے سبب سره پروفیسور کوپرلوزاده فواد لیکی ، چه په تورکی کښ دوه سبکه لیک پیدا سوی دی بسیطه تورکی چه د بلی په نسبت سره جوړه وه او بله ګڼه تورکی ، چه د عربی او فارسی د کلمو او لغاتو ټوکه ډکوده .

د تورکی ژبے د لغت لږی کتاب : د ترکو په ژبه کښ چه لږی او غوره د لغت کتاب لیکلی سوی دی محمود کاشغری د لغت کتاب د (دیوان اللغات التورك) په نامه دی او دوهم کتاب په دے ژبه کښ هغه کتاب دی ، چه عاصم افندی په ۱۲۳۰ کښ د (مجدالدین فیروز) مشهور قاموس د اوقیانوس په نامه ترجمه کړی او هر کلمه چه د اسړی یا عربی ، فارسی ، فرانسه ژبو نه پوهیدی او تورکی ژبه نے هم په دیر سلاست نه وه اویا (۷۰) زره لغات نے د عاصم تورکانو ټوکه تول کړه او د کتاب د نورو لغاتو سره نے مقابله کړه نو پوره او غوره د لغت کتاب نے جوړ کی او د عوامو لغات نے د زړه سانے د تالاکید و ټوکه وساتل - وروسته لږده بل سړی چه حسین بن خلف نومیده د تبریز (برهان قاطع) نے په ترکی ترجمه کی او هر لغت نه نے تورکی لغت پیدا کی - په دوی پسے پلاپسے نور د ژبو پوهانو لکه : شمس الدین سامی ، معلم ناجی ، رائف نجدت او مشل د دوی په تورکی ژبه کښ دیر او د ډول د ډول د لغت کتابونه جوړ کړل او د ژبه نے د لږ تیا او قوت خاوند وګرزوله .

کخړ هم د تورکیه د ادبی په معروفه دوره کښ چه نامه د (ثروت فنون کوربی) یا دیوی د ژبے په ژوند او د املا د طرز په سموالی (اصلاح) کښ دیر خوځ لګید لی او د صرف و نحو زیات کتابونه جوړ سوی مګر د هاى دلږ والی په واسطه ډیر د تولو تفصیل پرینږدو ، معذرت غواړم او د تورکی د ژبے او سنی حال او د چه هغه ملت نن روځ پر خپله ژبه کښ څه کوی او لاسے کم لږ مقام تر سره سوی تر هغه عنوان لاندے بر سے چه (پښتو ټولنه) څه بحث وکړم .

دفارسۍ ژبې: دا فارسۍ ژبه چې نن روڼ معمول او خبرې پرې کېږي د عربي او پهلوي ژبې د ترکیب نه جوړه سوې اولنۍ تاپې نه دا وه چې په ۲۵۳ هجري کښ صفاریانو په خراسان کې اوبه ۲۷۹ هجري کښ سامانیانو په بلخ کې اساس د سلطنت کښېنود د سے دوو کورنیو نه هغه وخت په لاس ورغې چې خپله فارسۍ ژبه او خپل ملي ادبیات ورو زي - هغه وه چې فارسۍ ژبه ورو رسته له هغه تاریخ څخه دهستي او ژوندۍ خاوند سوه او د صفاریانو یا لاخص د سامانیو شاهانو تر سوري کاندے چې تول فکر د دې دفارسۍ د ژبې پرتونه کښ وه فارسۍ ژبې د بریښنا پر څېر عامه والي هغه کې اوبه لسر مده کښ د هر لوري شاعران او نثر لیکونکي پرکښ څرګند سوه په درے صورت سره چې:

د فارسۍ نثر:- آقاي نفیسي د ایران د ادبیاتو په تاریخ کښ لیکي، تر هغه ځایه چې موږ خبر یو د فارسۍ د نثر لرې اثر چې یا ته دې د څلورمې قرن پر اول کښ دې، نرد سے وراندے څه نښان نے چې یا ته دې فقط څو جملے دې چې عربي یا ایراني مؤلفینو په هغو کتابو کښ چې په عربي لیکلې نقل کړې دې او دا هم جوته خبره ده چې هر هر مې په دوهم قرن کښ د فارسۍ نثر وه حکه، (بها فرید) دماه (فرو ردین) نږدې چې د بني عباسو د خلافت تخته لمړۍ په ۱۳۲ هجري کښ نوې دین په خراسان کې راویوست کتاب نے هم په فارسۍ ژبه لیکلې وه اوبیائے د (منکر) کتاب د هندي تخنه په فارسۍ ترجمه کې ..... په لمړۍ قرن کښ د سامانې دشاهانو د لمسولو په اثر د پرکتابونه د فارسۍ په ژبه کښ تالیف سوه او هغه څه چې په درے تالیفا تو کښ د هر نورو دې هغه کتابونه دې چې د لغت د کتاب په نامه څرګند سوې حکه: د لغت د کتاب تالیف یوے ژبې ته له ضروري شیانو نه څخه دې لکه (تاج المصادر) چې د تالیف نسبت نے (ابوعبدالله جعفر) د (محمد رودکي) نږدې د لغت کتاب چې په درے دوره کښ لیکلې سوې د فارسۍ د لغت هغه کتاب دې چې (حکیم ابوحفص) د (احوص سغدي) نږدې تالیف کړې او ورو رسته له درے نورو پرکتابونه لکه د ابوالقاسم علي (د علي نږدې) د لغت کتاب او د ابوالمؤید بلخي مؤلفات او نور د اسې کتابونه، د هر څرګند او لیکل سوه او د فارسۍ ژبې نے د لوئې اولوپے

مرتبے خاوندکړ اودد ے خدمتو سلسلہ چې د فارسی دژبے دلورو الی دپاره کیده اوپه ده سوه ترڅو چې د سلطان محمود غزنوی په زمانه کښ دده پیاراده د فارسی دژبی لوی اثر (آبده) یعنی شاهنامۂ فردوسی نظم کړ اود فارسی دژبے د استقلال بنائے چې تر نن ورځی لیدلے کیږی تهینکه کړه .

بایدبیویلو پاته نه شی چې د فارسی شعراؤ خدمت د فارسی ژبی د تادای په تهینګوالی کښ د نثر لیکونکو څخه غوره اولوړ دی ځکه :

د فارسی نظم : د لولوندکړه لیکونکو په تصدیق سره لمړی سړی چې په فارسی ژبه شعروویلے اود اسے جوته کړ چې فارسی ژبه د شعرویلو استعداد لری حنظلۂ بادغیسی و، چې په ۲۱۹ع کښ مړ شو اولمړی سړی چې په سیستان کښ د فارسی په ژبه شعروویلے محمد وصیف سکزی نومی چې په سنه ۲۰۳ کښ سنے دیعقوب صفاری په مدح کښ شعروویلے اوامثال ددوی .

وروسته لدے چې د فارسی په ژبه کښ دویلو اوخبرو د ګډارت سودا سی د شعراؤ اوویونکو شمیر دیر سوچې د خیال د غولی څخه وتلے خبره ځکه ، هغه وخت چې دریم قرن پای ته ورسیده اوخلورم قرن شروع سولے وے خواه فارسی شعر خپل انتهائی لوړوالی ته ورسیده اولږ بلے خواه ګنه د شعراؤ دوننے زړه یا قوب وکړ چې د سړی د اګمان وه چې په دے زمانه کښ هرڅه دی کړ ندی د شعر لګیا توب (مشغولتیا) دی نور څه نسته ، او دهغه زمانے د پاد شاهانو په درباړ کښ شعرا اوویونکی د لمړی مقام اوعزت خاوندان وه لکه نصر بن احمد سامانی چې د فارسی دادبیا تو اوژبے تاریخ باید تل د ده په نامه سرلوړی وکی ځکه : د ده درباړ کوا کی د شعراؤ درباړاوه فارسی دژبی د ترویج اوژوندلمړی ځایے وه .

وروسته لدهغه د فارسی دژبے ادبی اومعنوی څانګړه بریده اودے مرتبے ته ورسیده .



از مناظر هرات : وضعیت دور نمای شهر نو

Vue générale de la nouvelle ville d'HÉRAT



از عمرانات جدید هرات : مسجد عیدگاه در شهر نو

Grande mosquée nouvellement construite à HÉRAT

بنائی د پاسنی بیان څخه پوهیدل سوی وی چې اوسنی فارسی هغه څرګنده چې د عربانو (۱۱-۱۲ سوکاله) کیږی او د ماندې ترهغه نږدې - اما داچې نن ورځ دایران ملت دفارسی وژبې ترڅنګ خدمت کوی او څنګه سرونږی د پښتو د سرونږ سره په عنوان کښ بحث لاندې بیان وکړ.

داوه د څښتې ژبو د تکامل یوه لنډه تاریخي چې د مثال پرډول سره پوره تر عرض کړو اوس اجازه غواړم چې پرځو جملو کښ د پښتو ژبې د اصلاح په باره کښ څه علمي قوانین ولیکم اومقاله ختمه کړم.

پښتو څنګه ورونږ؟ د پښتو خو به ژبه لکه نوی زیږیدلی ماشوم - اوس غواړی چې د دې وطن د پوهو اولادو چې په سرکښ لري مرغه مملکت لري سره (المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بنا علی پادشاه افغانستان) خاصه لري د سرونږ سره غلبیل کښ وخوانی او سره له سرونږ اود پښتون داولاد دلیک (کتبی) اووینا (شفاهی) ژبه وګرنږی - هرکله چې د دې ژبې دالمری تاپې وی چې مخ پروده څې کیږی سره صحیح او علمی لاره دې وتګ ته جوته نسی بنائی چې پرلمړی واړکښ به په کمزوا او ستونزو کښیږی اوبیا به څو نقصانونو خاوند وی - نو څرنګه چې ماشوم د سرونږ سره اوتریږی په وخت کښ به څو قیودو اتو سره مقید وی ژبه هم هرکله چې د تحول په حال کښ وی څو قیودو اتو ته اړه (احتیاج) وی اوکه نه، بنائی چې تاداسې پرست اساس کښیښوده سی اوخالی له نقصانو څخه نه وی - نو له دې جملې سره پوره ځان پوره وګڼله چې د ژبې د علم (فیلولوژی) د څو علما او تحقیق کوونکو د فکر په استناد سره د پښتو د ژبې له پاره څنګه لاره غوره کو چې برابروالی (تطبیق) ئې په دې ژبه کښ هم لکه د نورو ژبو امکان لری - دادی چې شروع په مطلب کیږی:

پښتو ژبې ته د صرف و نحو لزوم: که د پښتو ژبې اساس کښ پلټنه او تحقیق وسی نو هیڅ سوچ اړه د صرف او نحوې اصطلاحاتو د حیث له لوڼې مستې خاوند نه دی مثلاً تیر تر ډیره چې په اضافو، صفاتو، ضمایرو او ..... کښ د انتظام او مخصوص غږ خاوند نه دی تذکیر او تانیث په قواعدو کښ چې د ډیرې ژبې لکه فرانسوی او فارسی او .....

چه دلیك اوخبرو په وخت کښ مخصوص ذوق او خوندلیکونکی اوویونکی ته وایی یعنی کلم مذکر وی ضمیر هم مذکر وی اوکه اسم مؤنث وی ضمیر هم مؤنث وی ترتر راجع کیږی یا که موصوف مذکر وی صفت ئے مذکر وی اوکے موصوف مؤنث وی صفت ئے هم مؤنث راځی اوهم نور مثلاً :-

اسم	ضمیر	اسم اشاره
غوبي - غوا اوښ - اوښه ویږ - وږه	(هغه - هغے)	(دی - دا)
مذکر	مؤنث	

دالرگی سم دی -	دالښته سمه ده	(دا) اسم اشاره (لرگی) موصوف (سم) صفت (دی) حرف ربط - صفت سره لږموصوف - جمله اسمیه مفرد
داغوبي ښوږ دی -	داغواښوږ ده	
داکتاب سپین دی -	داکتابچه سپینه ده	
دزیدآس د نگر دی -	دزیدآسپه دنگره ده	(د) حرف اضافت (زید) مضاف الیه (آس) مضاف (دی) حرف ربط - مضاف سره لږمضاف الیه جمله اسمیه مفرد
دعمرو غوبي تور دی -	دبکر غواتوره ده	
داآصف قلم سور دی -	داآصف مشوانی سره ده	
زیدکور ته ولاړ -	داکور ته ولاړ په	(زید) فاعل (کور) مجرور مفعول (ته) حرف جر (ولاړ) فعل - فاعل سره لږمفعول اوفعل جمله فعلیه
زید سړی وواهه -	یزید سخه ووهله	

نهائی چمله پورته مثالونه څخه و پوهیدل سی چه دا ژبه د صرف ونحو خواه څخه پر دیر وژبو مخصوصاً شرقی ژبو لږ والی اوښه والی لری - که چیرے صرفی اونحوی قواعدو ئے سړه قول سی کیدلاے سی چه صرفی اونحوی محیط پر تولو علمی ادبی حوا څخه پیدا سی داعلم هم باید وکړه چه ژبه نه وایی چه پښتو ژبی ته دگنوی صرف ونحو جوړ سی بلکه غواړم اووایم چه د پښتو ژبه په خپل تر کښ پټ غوړه اوسړه ترسیدلی صرف ونحو لری هغه صرف ونحو دے تدوین سی - احتیاج په ښه دول پوره کوی اوښائی چه په دے دواړه

انجمن چې د اکاډمۍ یا بډو کې هیڅ کړاو نه وي پېښیږي نو له هغه انجمن او له هغو کسانو نه څخه چې غوښتونکي وي چې د ډې د صرف ونحو د تدوین وخت لري په دې بېړه بېړه د صرف ونحو تدوین هیله لري.

دعا موخلقو په لهجو او لغاتو کښې پلټنه او رائیستل د نابلدو (غیر مانوس) لغاتو او په کار وړل دهغو۔

هرکله چې انسان د پښتو په ژبه کښې څېړنه پلټنه کوي او دعادي لیک او خبرو څخه چې هره روح نه استعمالوي څه کښته ولاړ وي اوولي (ریشه) او اشتقاق او هغو تیاړو ګټو (کلمې) ته چې د پښتو د ژبې هیر سوي لغات پرانه دي وېرسیږي ګوري چې په دیرو ډیا (مفتو) ګټو برابر سوي دي۔ او اکثر هغه لغات چې په ویلو کښې عادي ګټل کیږي او زموږ په ژبه کې نسته په دې ګټو کښې موندلاسې سي مثلاً (جوګه) چې دواضح، معلوم، مبرهن پرځای ده یاد (وهاړ) اصطلاح چې په ځاې کښې د (هغه کاریزو چې یوکال او بل کال نه لري) ویلې کیږي یاد (اشتوني) لغت چې هغو وریوته چې زرې له اولکار وتلی وي اوبیا وتکولې سي ویل کیږي، همدارنګه په هره ګونه د مملکت کښې په ژبو او سارنۍ او محلي لغات، اصطلاحات سته چې د پښتو والی په واسطه موږ ګان کوو چې ژبه د لغات نه لري۔ نو هرکله چې خبره په دې ځیرده موږ څنګه وکړو؟

د ژبو علم (فیلولوژی) په دې باب کښې موږ ته بنسټ لاسرا ښودلی او زموږ مه کوي چې ترهغه حده چې روس وي باید د ژبې د تاکلو (خصوصي) ځړو (نمایندګان) په ذریعه (باید د پښتو انجمن دا دول کړي د تشویق او تحریص په وسیله د ملي ژبې وخدمت ته بلاس راولي) هغه اصطلاحات اولغات چې مثلاً په قندهار کښې سته په مشرقي کښې سته یا په مشرقي کښې سته په قندهار کښې سته یا په جنوبي کښې سته په فوري پښتو کښې نسته سره راغونډ کړي۔ او هرکله چې دا مسئله په قول ملت اړه لري او هرڅوک چې پښتون دي او په هر ولایت کښې چې میشت دي دا عهده قبلوي نو بیا به دا ډیره ډکه پاملرنه بل هیڅ دول مصارف نه غواړي کې مؤظف انجمن دا غوره او دیره لویه وظیفه مګر په کومه آسانه پرځان ومني او د خپل عملي حکمت په واسطه په دې موضوع کښې اقدام وکړي په لومړۍ کښې به خپل مطلب ته وېرسیږي او خپله پر خپل په دې کار کښې د پرلوی اوثر

څړی دوکا یا نورو اخبارونو او معارف مدیرانو دی .

دا ملا او رسم الخط دیووالی لزومه پریلیک کښی :-

کرد خدای رضاوه دحکومت پرپام لږ نرسره بنائی چه دپښتو خوږوه ژبه برلږمده کښی دکتابو، اخبارونو او مجلوخاوندو سی ، دپښتو دژبې اخبارونه او انجمن دپښتو مکلف دی چه دا املا پریووالی کښی وساتو پام وکی .

یا په بل عبارت سره هغه لفظ چه په څو لغاتو کښی د څو اقوامو په ویلو کښی توپیر لری لکه آوښته (بدلیدل) د څونوټ (حروف) پربل توری (حرف) او څرنګه چه پریک کښی نږدې نږدې اډیا نو او مشرانو (خدای دے پرډونی رحمت وکی) په هغه وخت کښی دپښتنو دیووالی او وحدت پرلحاظ سره هغه مختلف فیه لغات چه پرجوته رسم الخط لیکلی او اخلاف ئے لر میسنځ څخه آخیستی او پښتنوبلا استثنا کومغربی دی یا مشرقی که جنوبی یا نور، قولو منلی او پخوسو وکلو راپدے خواه مروج او معمول دی وسائل سی او هرسری څانته بیلابیل لاروی نی نو هغه مطلب چه دپښتو دژوند څخه لږ وهغه مطلب تر بله پرپیړه ورسیږ ومثلاً : دیوه علمی او ادبی اثر څخه بهم دمشرقی او هم دمغربی او جنوبی او هم منزانی قومونو کتنه واخلی او هم بر په ویوهیږی - هرکله چه دا دپښتو دژبې لمړی پرمختیا وه او روځ په روځ پرمخ ځی نو به کښی گنه ددرسی کتابو او مطبوعاتو دبربرې نوبایلې هغه لغات چه پردے کتابو او مطبوعاتو کښی راوستل کیږی کا ملا دا ملا او د رسم الخط دیووالی لحاظ دے وسی څکه : (سرچشمه شاید گرفتن بهمیل - چو پرشد نشاید گذشتن بر پیل)

دلغاتو د وضع کولو دپاره لاره :

هرکله چه انسان دژبو تاریخ گوری او هغوسلد یوته چه دے ژبو تیری کړی دی نظر آچوی نو او رچوته سی چه بیلابیل څنو ژبو چه عادتاً اساسی او د ژبومندی بللے کیږی لکه د آریه ، سامی، اسلاو ژبې او دوی څیرنور هم تولے ژبې چه نن د دنیا ملل خبرے پرکوی هغه ژبې دی چه

پرتاریخی سدیو کښ پراثر دیوے سلسلے سیاسی او اجتماعی حوادثو او ایجاباتو پر وجود راغلی وی لږ دے څخه څرګنده بڼه چې د الفاظو ذخیره ډیره زیاته شوې او د ژبې قوت او وسعت سوی او د ژبې د تشکیل دیوے ډیر مهم او ضروري درجے دغه ژبه خپل واکی تاسے ګرځولی ده. هرکله چې اوس څنی ژبې د ځانونو لپاره مخ مړوی او د پارسۍ دیورو کولو د پاره خپلے اړتیاوې سلے ژبې د ځانونو لپاره د ډیرو فقرو نسې. نو دا ځکه سبب سوچې د دنیا ملیت غوښتونکو د پارسۍ دے چې د خپلې ژبې خپل واکی (استقلال) هم لکه خپله نورې ملي خپل واکی وګټی. پردیو کولو د پاره د ځانونو لپاره د پښتو (شروع) وکړه او خپله ژبه بوبه وی، اوس روښ دا دود عام او قوله چې هغه ملک چې غواړی د خپل اجتماعی او اصلاحاتو کښ تر ټولو ډیر ښه ساس کښ بوځی په لږ کښ د خپلې ژبې تر نامه او مخه کړي.

جنګه: د ځانونو د تورکیه د ځلورو کا د ټولو پخواه مطبوعات او د ایران د ډیو کال پرځواه مطبوعات وګورې دا وینا به ډیره جوته سی مثلاً د تورکیه په مطبوعاتو کښ که ژوره وګورو وینو چې په دے څو کلو کښ د خپلې ژبې پاتا او مزه ډیرو لغاتو ته ژوندی کړی دی هلته رنګه ایران - او دا چې څنګه دوی دا چاره کړې ده بیا بحث دی چې زه ته باید عرض وکړم:-

د ځلورو کا د پخواه په تورکیه کښ یوا انجمن پرنامه د (دیل کورلتائی - DİL KOROLTAİ) یعنی د ژبې لویه جرګه - تأسیس سوه او څه پوهیدونکی سړی ته په صفت د عضویت پرې جرګه کښ ټاکل او دے جرګې په کار پیښه (شروع) وکړه د هغه وخت تر اوسه پرې جرګې د خپلې ژبې نیم ګړي لغات یا په واسطه د هغوی نورو لغاتو چې زیاده وتلی او پریښود سوی او یا پروسیده دوی ترکیبی لغاتو ورو ورو پوره کوی مثلاً د غه د (کورلتائی) لغت نږدې تورکی لغت وه چې د مغلو د یرغ (قاجماتو) پدوره کښ مخصوصاً د چنګیز پرلږی جرګه کښ چې د چنګیز نوم ته (حکمدار اعظم) لاندې وه ګټلی (تموچین) باله کیږه استعمال سوی وه اوس تورکا نو هغه لغت دلوټو تولنی یا لوټې جرګې په معنی وپاندې او هم د رنګې نورو او یا هرکله چې د انجمن نږدې او ځوانی قاموسونه ولټول او خپل نیم ګړي لغت تر بل لغت وند مندی. دلوی لغت وجوړیدو ته پام وکی او د ترکیب ځنډ د الفاظو او کلماتو بدل لغت جوړ کی لکه (او چوچی)

چه طیاره ته وائی اودے لغت ترکیب دادی چه: (اوچاق) دتورکی په ژبه کښ الوتو ته وائی او (جی) معنی د فاعلیت ده کوی هرکله ئے چه د (اوچو) او (جی) کلمات سره یوځای کړه د طیاره معنی ځنی وخیسته هوا پهکے دی قول چه ډیر ئے انجن چلے ژبی تبجوتد کړی اوهم ئے کنه روښ په روښ دیروی.

اما ایران؟ په ایران کښ پروسږ کال یوه اکادمی پرنامه د «فرهنگستان» تأسیس سوه اوپه هغے اکادمی کښ فاضل اوپیاوړی سړی پرعضویت وتاکل سوه اولدهغه وخت چه پدے مملکت کښ دا اکادمی وپرانیستل سوه - پدے باب کښ ئے غوږ خدمت وکی اوډیر پخوانی لغات ئے چه لرې اده وتلی وه ژوندی کړه اونوی لغات ئے چه د ژبې پوهانو په علمی توګه مستند دی وضع کړه مثلاً: پرځای دا صل (پرمایئان) اوپرځای دقشون ئی (ارتش) اوپرځای دګراوږ ئی (سږ مړاو) اوپرځای د پلیس مخفی ئی کارا ګاه اوپرځای د کشیک چی ئی (نګهبان) او..... راوستل.

بنا ئی چه اندازه دلغتونو دګرځولو (تصرف)، دنوی لغاتو دجوړولو پارې اوژوندی کول دژبې و لغاتو ښکنځه چه پورته وښودل سوه وپیژندلے سی چه دے اکادمی اصول دژبې و لغاتو په ژوند اود نوی لغاتو په جوړیدو کښ څه رول دی؟

هرکله چه دتورکی ژبې لوئی جرګی اودایران دژبې اکادمی بولغت وضع کی اوا علان ئے وکی له هغه روسته تول جرائد اومجلے هغه لغت منی او استعمالوی ئے.

هرکله چه نوی علوم اومخصوصاً د ازموئینښت (تجربی) علوم دآزموئینښت پرپرې تښکنه دی اوددنیا دملتو اوقوموخپرونه (سږ په) نورهم قوموا وملتونه دآزموئینښت اودګټې ګرځوی نومورهم هرکله چه خپلو علمی ژبه پرپښودو ږه واو دهستی اولوړیتیا خاوند ئے کوبیله ددے ما لکو، دتجربے (تکرار) بلدولو نه لرو - هرکله چه جغرافیا ول ده نوغوښتونکی یوچه دپښتو انجمن پهلګیتیا اونظر لاندے دهغونه لاړ چه ددے کار سږ روی دپخوانیو لغاتو په ژوندکښ اودنوی لغاتو په وضع کولو هغه حد چه وس وی اوزمونږ اړتیا پوره کوی اوزمونږ محیط موږ ته صلاح راکوی - وس وکی اودملیت پرمینه کار وکی.

نوی لغات څنګه وضع کوی؟ دژبو انجمنونه دنوی لغاتو دوضع کولو په وخت کښ په واسطه دډیر چه لغت

د ټول ملت مال او د ټول ملت ارتیا په دې کې چې مجبوري چې د نوي لغاتو په وضع کولو کښې د ټول ملت رائے تر نظر کې اوساتلے شي او د عامه کتنه د اړول کیږي چې هغه کسان چې د نوي لغت په وضع کولو موظف دي بولنلې فهرست جوړ کړي او اعلان ورته کړي لکه چې « د دې لغا تو پرځاى ، ثروت ، اقتصاد ، تربیه ، اجتماع او ..... لغت غواړو او ورته اړیوالا هر څوک چې نکر لیکې او دې تولنې ته ئے راوا ستوى » هر کله چې دا اعلان لږ دے تولنې څخه نشر شوى جرائد او مجلے مخصوصًا هغه مجلے چې لږ دے انجمن څخه خپرېږي دا اعلان په خپلو مسلسلو کښو کښې تول ملت ته رسوى - هر کله چې دا یو اجتماعي مؤسسه ده او تول ملت پرې اړه لري نو هغه خبرا و څېړپوهیدونکي ملت هر څوک خپل نظر یې پرې دے باب کښې وړکوى او هغه لغات ئے چې زده وى او غواړي چې د دے لغا تو پرځاے ئے استعمال کړي لیکې ئے او انجمن ته ئے راآستوى انجمن هم پرې بوه تاکلې روښ تولې هغه پرتلې چې راغلي د تولو اعضا و یعنې کښې لولي اعضا هغه تول لغات کوري هر لغت چې پرنور و غوره او مناسب وګڼي منې ئے او رسمیت ورکوى او جرائد او مجلو ته خبره ورکوى چې هغه لغت په هغه د ول استعمال کړي .

لکه چې زمونږ پښتو انجمن هم دا نظر یې پرې نظر کښې لرلے .

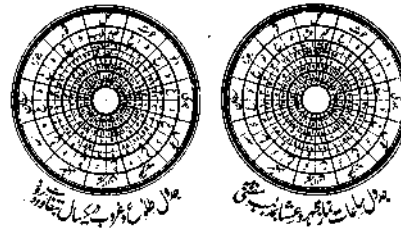
د پردیو لغاتو د منلو لاس : سره له دے چې د نیا د خپلې ژبې پرخپل وا کې کښې تود والې او پرتعصب ښکاره نګه چې بین المللي علائق او روابط انسانا نو تر یو طبیعي امر دي او هغه ژبه نګه چې هر مملکت د پردي مطاع راتلله پرخپل مملکت کښې نسې ګرځوله ، د منلو څخه د ځنو پردیو لغاتو هم چې ان سائلاسے نسي - او دا لغات ډیرا غلبا علمي او فني لغات وي چې ګرځول (تحریف) ئے پرې بلد ژبه کښې ځنډونه هم لري - او هم دا ژبه نګه لغات هر هغه چې په علم او فن اړه لري او علم و فن چې تر وطن نه لري نو ځکه ئے د دغه یو مملکت کښې لکه چې د علم و فن ځای نه نیول کیږي څوک نسو ګرځولاے - مثلاً د هغه وخت څخه چې افغانستان پلښه د ترقي او د عرفاني تکامل په پټ کښې اینبي او د دنیا د ډیرو ملتونو سره ئے علمي او فني مناسبات تینګ کړي او د دوى علم او فن څخه ګټه آخلي - ډیر لغات دي چې له خارج څخه د علمي او فني آثارو او عناصرو سره زمونږ ملک ته راغلي او د عوامو په ژبه کښې ئے ولي د ریشه څخه لکه موټر ، هوټل ، تیلفون ، تلغراف او په سوو نورو تعبیرونه - او کله چې موږ د غواړو چې د ا ټول لغات او اصطلاحات

دپښتو د ژبې څخه وباسو او پرځای ئې نور لغات استعمال کو تیر تر دے چې نور پرځپې ندلی (مانوس) لغات لاسه باسو یا ئې چې څنګه نور ہم راپیښ سی - مثلاً اول دموټر کلمه چې موږ ئے استعمالوو تقریباً موږ تر یو ملی لغت ګرځولی ځکه کله نه څرګنده وګڼو موټر هغه ګرځیدونکی ماشین ترویل کیږی چې پرې یو صنعتی اوفنی دستګاه کیښودی او هغه دستګاه چلوی او حتی موټر هغه ماشین ترویل ئې چې د لغت موبیل پرانجن کیږی نه پخپله لغت موبیل نه - لوهرکله چې دا لغت موږ پرخپله ژبه کښ نه دهغه ماشین پرځای وایو چې چلوونکی دی بلکه پخپله لغت موبیل ته موټر وایو په حقیقت کښ دا د ژبې خپل مال ګرځولی نو دا رنګه لغات څه رنګه چې دی ډیر هغسے وساتو هم دا رنګه دی د انور یو پښتو لغات او د دوی ځیر -

دیلے ژبے دلغا تو منل یا پرآسانه عبارت سره نفوذ دیوے ژبې پربله ژبه دوه لوی عامله لري چې یو اهغو سیاسي نفوذ اوغوره والی دی چې یو قوم ئے پربل قوم کوی لکه د مغلو ټخوانی نفوذ چې پرآسیائے د پرلوړ او ژبې نبمانے ئے تراوسه د آسیا پرهر یو کښ سته لکه (قا بوچی) چې تراوسه ئے موږ پرځینو محاورو کښ وایو یا د قاچاق کلمه چې تر ښ رو ځی موږ د ګمرک پرا صطلاح کښ ویلے کیږی او دوی پرځیر نور - بل علمی، ادبی او فنی نفوذ ګڼلے کله چې یونانی ژبې چې د اروپا پراوسنی ژبه کښ او د اروپا د ژبې علمی اوفنی اصطلاحات اولغات د آسیا پراوسنی ژبه کښ یاد عربی ژبې نفوذ په فارسی، هندی، تورکی اونورو..... کښ سته اوداډول نفوذ د ونے غښتلی اوتینګ دی چې خلاصی ئې ډیره مشکله دی مثلاً تیلفون، پوسته، تلګراف لدهغو لغاتو څخه دی چې د اروپا د فن منل پرموږ ایښی کومو موږ وغوا روچې دا قول د پښتو څخه د غوره ګڼو پرځای نور لغات وټاکو چې کرار او دستونزه نه وی ځکه: چې نور لغات ددے لغا تو پرځای چې زموږ په ژبه کښ ادبی مقام او مخصوص غږ منلے دا غږ او ادبیت نه ژبې څخه باسی او د ونے چې دا لغت وګڼو پرهغه ندلی بهر لغت ئے پرځای نسو عام کړو ځکه -

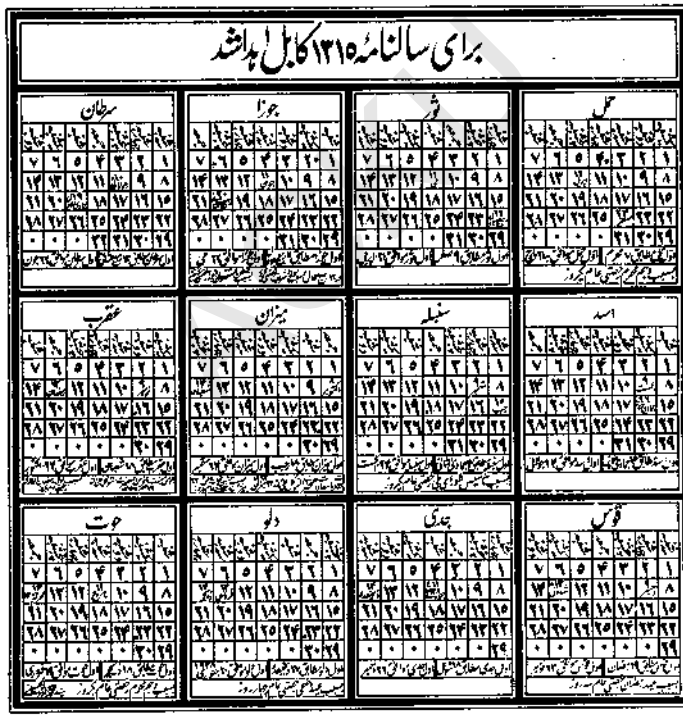
دا هم د ویلو خبره ده چې هرکله چې موږ د اروپا د ژبے علمی اوفنی لغاتو ته مجبوریږو د ونے مینه باید پرکښ ونکو چې د دود اورواج پرځای (مد) اود اړه اوعلاقی پرځای (انترست) اود طالع پرځای (شانس) دوایو اوهغه لغات چې پرځای پرهرو ژبو آسانی ښه پښتو کښو لغت منلے کیږی موږ ئے پرخپله ملی ژبه کښ ګمراه او د ملی ژبې ملاتړ پرو یولغا تو ته یعنی لغاتو ته ورځو ماته کړو -

داوه یو سلسله مطالعات چې باید کښ ځای پرځای ځیر څرګنو عوامل هم د چې د ژبې پرځپولو کښ اړونده ولري لکه عامو ئے پرمعاشرو کښ اوسیدل کیږی او بیا بیل کیږی..... اما یو عامل هم دی چې څه ما پرخیال ترټولو عامل عوره د ښی او هغه دادی چې د ادو دل سره د ژبې وړوند اوړوند له تړو تاکل سوی حد پرعلاوه پرعلم او فضل او قابلیت چې پرپښتو ژبه کښ ولري یوه بوه مینه د ملیت او د ژبې د دوی سره د کیږی او ځان د ژبې د ژوند سبب ګڼی نو دا چې پښتو د خپل ژوند او معاش ذریعه د بولی علاقه او اړه ئے څاګل پاره د معاش اولو پاره د معیشت وی — هرکله چې اصلاح د ژبې پیله عوامل وو امکان نه لري نو دا عوامل باید د ژبې د اصلاح او ژوندانه پښتو العمل (پروګرام) کښ پیدا سترګه وکښل سی او پرهغه دوی سره د پښتو ژبه پوهه ادبی او دیلټ ژبه د پښتو قوم وګڼو لسی او ښه انتخاب وکړی -



سالنمای ۱۳۱۶ جری شمسی

برای سالنامهٔ ۱۳۱۵ کابل اهداشد



مرتبه واثرقلم جناب سیدمحمد داؤد خان الحسینی خطاط معروف وطن

غلطنامهٔ سالنامهٔ کابل

۱۳۱۵

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	اول	بلند یهای و ضعیت طبیعی	بلند یها ی طبیعی و ضعیت مختلف
۱۵	٤	غلام بهاو الدین	غلام بهاو الد ینخان
۱۷	۱۵	مزا و شریف	مز ار شریف
۱۸	۹	صاحبمنصان	صا حبمنصبا ن
۲۳	۱۲	حبب الله خان	حبیب الله خان
۲۹	۱۷	مد یر تنقیش	مدیر تفتیش
۳۰	٦	معاون اول و و کیل ریاست	معاون اول
۵۰	۱٦	تگراف	تلگراف
۵۱	۹	محمد شر یف	محمد شریف خان
۵۳	۱٦	سفیل	کفیل
۵٦	۷	محمد ا کیر خا ن	محمد ا کبرخان
»	۲۱	سر کا تب تفتیش	سرکاتب تفتیش
۵۹	۷	عبد الطیف خان	عبد اللطیف خان
٦۰	۲۰	محمد قجر خان	محمد قجیر خان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦٦	١	مجلس عال اعیان	مجلس عالی اعیان
»	٤	عبد الرحیم	عبدالرحیم خان
٧١	١٠	مدیر عمومی محاسبه	مدیر محاسبه
٧٨	١٨	نونه	نمونه
»	٢١	٢	١٢
٨٣	١٣	غود	غور
٨٦	١٩	نائب بحکومه ها	نائب الحکومه ها
٨٩	٢٠	منظمناً	منظماً
٩١	١٩	بلیس	پولیس
٩٤	١١	موزنیت	موزونیت
٩٦	١٤	مرتکبین	مرتکبین
١٢٠	٩	بتجارتی	تجارتی
١٢٢	١٦	نبخیر	تبخیر
١٢٣	١	بند خواب	بند سرخاب
١٤٠	١	ترق	ترقی
١٤١	٤	نخته پل	تخته پل
١٤٣	١٧	با یجات فنی	با یجابات فنی
١٤٧	١٦	هگذ	را هگذر
١٥٠	١١	مسابقه رامیتوان کرد	سابقه را میتوان ترمیم کرد

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۵۲	۱	و خمبه امراض	و خیمهٔ امراض
»	۱۱	(محرقه)	(محرقه)
۱۵۴	۱۰	بدست میباشد	بدست می‌آید
۱۶۰	٦	جغ آوری	جمع آوری
»	۱۹	با مورین	با مأمورین
۱٦۱	۱۱	چیغك	چیچك
۱۷۰	۸	یك قوه خانه	یك قهوه خانه
۱۸٦	۱۰	حکم فرما بود	حکم فرما بوده
۱۸۸	۱۹	ابادنی	آبادانی
۱۸۹	۹	متاسی	بتاسی
۱۹۳	۸	وارد،	وارده
۱۹٦	۳	کالت و ترجانی	بوکالت وترجانی
۱۹۷	۱۸	بوارا کین	و ارا کین
۱۹۹	۱٦	ورزش کیران ها	ورزش کاران
۲۰۰	۱۰	منطقه وسایر	منطقهٔجشن وسایر
»	۱۸	سال گرهٔ میلاد واعلیحضرت همایونی	سال گرهٔ میلاد اعلیحضرت همایونی
۲۰٤	۱	رسیده شده	رسیده
۲۰۷	۱۱	قرار هند	قرار دهند
۲۱۰	۱۳	بمراسم مساعد	بمواسم مساعد

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۰	۱۴	موجب آبیاری زراعت واپیاری زراعت موجب	موجب آبیاری زراعت وفراوانی آب
۲۱۷	۱	یه	به
»	۱۸	در	از
»	۱۴	عبارت اخلافی است	عبارت از اختلافی است
۲۲۰	۱۰	مرحض	مرحض
»	۱۴	مونتر	مونترو
»	۱۵	و فائدهٔ	فائدهٔ
۲۲۱	۱۷	پلایموث	پلیمث
۲۲۳	۱۸	نظر پارهٔ	نظر به پارهٔ
۲۲۴	۶	نزداً	نزاداً
۲۲۵	۱۹	رویت	رویت
۲۲۶	۸	جارج	خارج
۲۲۷	۲۰	نر	نیز
۲۳۷	۲۱	مملك	ملك
۲۳۹	۱۹	بتقل	بقتل
۲۴۰	۷	بزگترین	بزرگترین
۲۴۹	۲	وندسر	ونزر
»	۵	»	»
»	۶	تراین	اثر این
۲۵۳	۱۷	ممکنت	مملکت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۵۶	۱۱	روابطه	روابط
۲۵۸	۲۱	تسلیات	تسلیحات
۲۵۹	۱۶	بالواسطه	میخواهد
۲۶۰	۱۴	-	هالیندامسال مبالغ هنگفتی درراه تسلیحات خود نیز صرف کرده
۲۶۶	۶	هاین	هالیند
۲۶۹	۵	ومیوزها	میوزه ها
۲۷۰	۲۰	بلوها	تابلو ها
۲۷۱	۱۱	و	او
۲۷۹	۲۰	فطم	ناظم
۲۸۱	۲	شابلو	شاملو
۲۹۱	۱۱	چیری	چیری
۲۹۳	۹	از گفتن	ورفتن
۲۹۶	۲	واسطه	رابطه
۲۹۹	۹	شمارات	در یکی از شمارات
۳۰۲	۳	بیشتر	بیشتر
«	۱۰	خواهیم	خواهم
۳۰۳	۳	نمیداد	نمیدهد
«	٤	نمیشود	میشود
«	۱۳	موزم	موزیم

ACKU

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۰٤	۱۱	نشاق	نشان
۳۰۸	۱	غربی	عربی
۳۰۹	٦	صندوقچهٔ	صندوقچه
۳۱۰	۱	نخواهید	نخواهد
۳۱۳	۳	پروش	پرورش
۳۱۵	٤	فهرمان	فهر
»	۱٦	راجپوت	راجپوت
۳۱٦	۱۷	(۱)	(۲)
۳۲٦	۱۲	مختلفهٔ	مختلطهٔ
۳۲۷	۱۷	کتاب	مجلهٔ
»	»	Antiquarry	Antiquary
»	۱۸	عتیقات	عتیقه شناسی
۳۳۱	۱۰	برهم زده	برهم زد
۳۳۲	٥	مجسمهٔ	مجسمه
»	۹	هنر مندانه	هنر مندانه
۳۳٤	۱۸	کلا	کلاه
۳۳٥	۱	سالهٔ	ساله
»	۱٦	بخوی	بخوی
٤۳۷	۸	Nleogène	Neogène
۳٤۲	۹	علی بهاءالدین	علی بن بهاء الدین
۳٤۳	۱	چندان	چندی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۴۳	۱۵	ترحذ	ترمذ
۳۴۵	۱۱	مفقود بود	مفقود و
»	۱۵	بی آب خشکیده	بی آب وخشکیده
»	۱۶	گشته است	گذشته است
»	۱۹	گه د آلو	گرد آلو
۳۴۶	۵	مناسب	مناسبت
»	۱۷	بیلوغ	بسن بلوغ
۳۵۰	٤	احسام	حسام
»	۱۳	توفقی	توفقی
۳۵۱	۱٤	که مشار الیه	که مولینا مشار الیه
۳۵۲	٦	مرتجا	مرتجی
۳۵۳	۲۰	زمان	زبان
۳۵٤	۳	یا آنکه	و یا آنکه
»	۱٦	المروف ابن	المعروف بابن
»	۲۱	شیخ	بشیخ
۳۵٦	۱٤	ولذائذ	لذائذ
۳۵۷	۹	از او یادی	اشارهٔ بحیات او
»	۱۲	عارفی	عارف
»	۲۰	یا	ما
۳۵۸	۸	خلقها	حلقه ها
»	۱۰	در عان	در نهان
۳۵۹	٤	به تحقیق	محقق

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۵۹	۹	افراید	می‌افراید
۳۶۰	۲	جاعه	جامعهٔ
۳۶۴	۱۶	نبوده است	نیست
۳۶۶	۹	ولی	وهمچنان
۳۶۷	۳	که و مرکنز	و مرکنز
۳۶۸	٤	وحدت	وحدت ذهن
»	۱۸	بریعی را	ربیعی را
۳۷۰	۳	تجرید	تجرد
»	٥	اردات	ارادت
»	۹	کس	کسی
»	۱۲	سالهای	از سالهای
۳۷۱	۲	حتی	وحتی
»	۳	موضوع	موضوع و کلام
»	»	تونا	توانا
۳۷٥	۱	اشعار	اشعاری
»	۲	به علم	به عالم
»	»	فقائی	فنائی
»	۱۱	از ین راه	در ین راه
۳۷۷	۳	حجت	صحبت
۳۷۸	۱۳	جای خیزد	جای خویش بر خیزد
۳۷۹	۱٦	عبدالغفار	عبدالغفار

ACKU

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۸۱	۱٤	فراهم گرفتن	فرا گرفتن
۳۸۲	۱۹	نمی نمود	نمی کرد
»	۲۰	ڤفکی	فڤکی
۳۸۳	٤	فصائد	قصائدی
»	۱۰	میکنند	میکند
»	۱۱	می نمایند	می نماید
»	۱۲	»	»
۳۸۵	۱۰	وار آ نجمله	وازانجمله است
۳۸۹	٦	تغیر	تغیر
»	۱٤	بماوره النهر	بماورا النهر
۳۹	۹	وچالات	زمان
۳۹۲	۳	یا حصر	حصر
»	۱۲	انشاه شعر	انشاء شعر
۳۹٦	۱۳	تقدیم	تقدم
۲۹۷	٦	عصراحترام	عصر واحترام
٤۰۲	۱۳	تبین	تبیین
٤۰٤	٤	ذواللسانی	ذو اللسانین
٤۰٦	٥	صلی الله و علیه	صلی الله علیه
»	۱٥	حسین میزا	حسین میرزا
٤۰۸	٤	وشیخ الدین	ومسیح الدین
»	۱٤	عبدالدول	عبدالاول

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٠٨	١٨	میندی	میندی
»	»	نودی	نووی
»	٢١	می برند	می‌بردند
٤١٣	٨	الجی	ایجی
٤١٣	٦	فخرالدین	فخرالدین محمدبن
»	٢٠	کشید	کشد
٤١٦	٦	اوالمعانی	ابوالمعالی
»	٩	مغلبه	مغلقه
٤٣٠	١٦	طیمی	طیمی
٤٤٠	١٦	میر غاز	میرغازی
٤٤٤	٤	گ ـ می‌میخواهی	مرگ میخواهی
٤٤٤	٨	کور تپه	گور تپه
٤٤٨	٩	پیوا	پیوا
٤٦٨	١	Paris chaccy	chaccyparis
٥٣٩	٥	تخیلهٔ	تخلیهٔ
٥٤٠	١	شد	میشود
»	٦	نفسه	نفسیه
٥٤١	٨	Noi	Noix
٥٤٤	١٦	ذفیر	زفیر
»	١٧	»	»
٥٤٧	١٥	دخانات	دخانیات

فهرست مضامین

سالنامهٔ کابل

۱۳۱۵

مضمون	صفحه
مقدمه	الف
پادشاه افغانستان	۱
افغانستان	۳
تشکیلات مملکتی	۹
صدارت عظمی	۹
وزارت حربیه	۱۱
« خارجه	۲۰
« داخله	۲۷
« عدلیه	۲۸
« مالیه	۲۹
« معارف	۳۲
« تجارت	۳۵
« فوائد عامه	۳۷
« صحیه	۴۰
« پست وتلگراف وتیلفون	۴۲
ریاسات مستقل (مبایعات ـ نسل گیری)	۴۴
تشکیلات ولایات وحکومات اعلا	۴۵
ولایت کابل	۴۵
ولایت قندهار	۴۷
« هرات	۵۰
« مزار شریف	۵۱
« قطغن وبدخشان	۵۳
حکومت اعلای مشرقی	۵۴
« « جنوبی	۵۵
« « میمنه	۵۶
« « فراه وچخانسور	۵۷
تشکیلات دوائر ملی	۵۹
ریاست عالی شورای ملی	۵۹
« « اعیان	۶۶
« بلدیهٔ کابل	۶۹
تشکیلات دوائر حضور	۷۱
وزارت دربار	۷۱

ACKU

مضمون	صفحه
دارالتحریر شاهی	۷۲
سرپاوریت حربی حضور همایونی	۷۴
مجرا آت دو ل ممکی	۷۵
ا مور حربیه	۷۵
« خارجه	۸۲
« دا خله	۸۶
« عد لیه	۹۶
« مالیه	۱۰۱
« معارف	۱۰۷
« تجارت وفلاحت وصنایع	۱۱۹
« فوا ئد عامه	۱۴۰
« صحیه	۱۵۱
« مخابرات	۱۶۳
ا متعضی دتان	۱۷۳
اجرا آت دوائر ملی	۱۷۴
مجلس شورای ملی	۱۷۴
مجلس اعیان	۱۷۵
امورریاسهٔ کابل	۱۷۵
« « چارپکار	۱۸۰
مصیریات برقی	۱۸۰
کلور هیدرم سانیت	۱۸۲
وقایع مهمهٔ تاریخی	۱۸۵

مضمون	صفحه
گذارشات دنیا	۲۱۱
موزهٔ کابل	۲۶۹
هیکل سازی قدیم افغانستان	۳۰۱
تاریخچهٔ ادبیات افغانستان (۲)	۳۴۲
مکتب صنائع نفیسه	۴۱۸
لیسات مشهور افغانستان	۴۳۴
نهضت سپورت در افغانستان	۴۸۰
پیشرفتهای اقتصادی «	۴۸۷
شرکتهای تجارتی	۵۰۸
بانک ملی افغان	۵۰۸
شرکت اتحادیهٔ شمالی	۵۲۴
« پشتون قندهار	۵۲۸
« تنوبرات	۵۳۰
« چرمگری	۵۳۲
« هنیکه در ۱۳۱۵ تاسیس یافته	۵۳۲
حفظ الصحه	۱
	۵۴۳
	۵۵۰
یاد داشتهای سودمند	۵۶۰
پخت و پز	۵۶۵
اختراعات و اکتشافات	۵۷۰
فرای حربی دول	۵۷۷
پشو، سنگه و روزو	

فهرست تصاویر

سالنامهٔ کابل

۱۳۱۵

تصاویر	صفحه
اعلیحضرت همایونی	۱
« شهید	۲
از مناظر شهر کابل	٤
« « « «	«
« « جلال آباد	٦
والا حضرت صدر اعظم صاحب	۱۰
« وزیر صاحب حربیه	۱۲
« سردار شاه ولی خان غازی	۲۲
وزیر خارجه ـ وزیر داخله	۲۸
وزیر عدلیه ـ وزیر معارف	۲۹
« تجارت ـ « فوائد عامه	۳٦
« صحیه ـ « پست وتلگراف	۳۷
رئیس شوری ـ رئیس اعیان	٦٦
وزیر دربار ـ سرمنشی حضور	٦۷
ع ، ج محمد حیدر خان نمایندهٔ جامعهٔ ملل	۷٤
« ص محمد اکبر خان مصاحب حضور همایونی	«
« امین الله خان معین عدلیه	«

صفحه

تصاویر

ع ، ش محمد قاسم‌خان قوماندان فرقهٔ قطغن ۷۰
« « عبد الغفور خان سر یاور حربی حضور «
« « عبد القیوم خان قوماندان فرقهٔ غزنی «
« ص عبد الرسول خان رئیس مبایعات «
« « محمد علیخان مستوفی هرات «
« محمد کریم خان مدیر عمومی سیاسی «
جناب عبد الله خان دکتور معادن «
موزیك سالون مخصوص وزارت حربیه «
اوکسترای هارمونی « « «
منظرهٔ عمومی مکاتب حربیه «
فرار گاه فرقهٔ تو پچی «
قشلهٔ دو منزلهٔ فرقهٔ تو پچی «
سمت دا خلی قشلهٔ تو پچی «
دروازهٔ بزرگ قشلهٔ تو پچی «
موضع تو پها در قشلهٔ تو پچی «
رخ دا خلی یك قسمت از قشلهٔ تو پچی «
موضع تو پهای درون قلعه « « «
قوماندانی عسکری فرقهٔ قطغن «
چهاونی عسکری در خن آباد «
جلسهٔ سالانهٔ جامعهٔ ملل ۸٤
کنفرانس بین المللی جلوگیری ادویهٔ مخدره «
مجلس عمومی جامعهٔ ملل «

تصاویر	صفحه
اجلاس عمومی سالانهٔ جامعهٔ ملل	۸٤
فابریکهٔ نساجی محبس کابل	۹۰
مدخل عمومی و برج کنگره دار محبس	»
عمارت نائب الحکومگی هرات	»
مکتب در شهرنو هرات	»
ریاست بلدیهٔ هرات	»
کار خانهٔ برق در هرات	»
یکی از بازار های جدید شهر نو هرات	»
بازار نو در حکومتی غوریان هرات	»
عمارت تلگرافخانهٔ مرکزی میمنه	»
» حکومتی پشتون کوت میمنه	»
یك حصه از کتاب خانهٔ معارف	۹۸
منظرهٔ خارجی کلوب معارف	»
» داخلی مکتب حبیبیه	»
عمارت مکتب زراعت	»
بند سرخاب	۱۲۲
» »	»
بند قرغه	»
بند خروار	»
موزهٔ اقتصادی وزارت تجارت	۱۳۸

ACKU

تصاویر	صفحه
تجربه خانهٔ کیمیا	۱۳۸
مقبرهٔ بابرشاه درکابل	»
حوض سنگی درجوار مقبرهٔ بابر شاه	»
یك حصه از کارخانهٔ پشمینه بافی قندهار	۱۴۴
یکی از عمارات حکومتی در قندهار	»
ماشینهای فشار پشم	»
کارگاه های بافت	»
ماشینهای مالش و آرایش پشم	»
اطاق پشم شوئی	»
ماشین آهار دادن تار	»
ماشینهای مالش وآرایش خشك وشکنجه	»
» » » »	»
» » » مرطوب	»
» رنگ ریزی	»
منظرهٔ عمومی قابریکه نخستایی جبل السراج	»
یکی ازعمارات شخصی درقندهار	۱۴۶
بازار جدید التعمیر قندهار	»
بازار توپخانهٔ قندهار	»
پل فراه رود	»
هوتل عصری درهرات	»

تصاویر	صفحه
پل مالان هرات	»
گمرک مرکزی هرات	»
شفاخانهٔ شهر نو هرات	»
بازار شهر نو هرات	»
منظرهٔ عمومی شهر هرات	»
یکی از بازارهای جدید خان آباد	»
باغ عمومی خان آباد	»
عمارت مدیریت خارجهٔ میمنه	»
یکی از عمارات دولتی »	»
موضع تعمیر فابریکهٔ برق وردك	»
عمارت مهندسین در وردك	»
برج برق متصل وزارت حربیه	»
اطاق پخته کردن چرم درفابریکهٔ چرمگری	»
مناظر داخلی فابریکهٔ نختابی جبل السراج	»
» » » » »	»
تلگرافخانهٔ شهر نو هرات	۱۷۰
» بیسیم هرات	»
قسمت شمالی شهرمیمنه	»
هوتل عصری در میمنه	»
قهوه خانهٔ دارالفنون	»

تصاویر

	صفحه
هوتل عصری دراند خوی	۱۷۰
عمارت دستگاه آخذهٔ تلگراف بیسیم کابل	»
« « صادرهٔ « « «	»
بازار جدید خیابان	۱۷۸
« « « و دیوار دریا	»
حمام قلعهٔ باقرخان	»
قسمتی مسجد پل خشتی	»
منظرهٔ عمومی بازار باغبان کوچه	»
پل قلعهٔ محمود خان	»
ع ، ج کویرسکی سفیر شوروی	۱۸٤
« ، « دوفور دولاپرار وزیر مختار فرانسه	»
« ، « پترو کوارونی « ایطالیا	»
اعلیحضرت همایونی بروز جشن استقلال سال ۱۸	۲۰۰
والاحضرت وکیل صاحب « « «	»
مرحوم سید شریف خان سرباور	۲۱۰
« آدم خان مشاور صدارت	»
« سید عبدالله خان مدیر عمومی سیاسی	»
« عنایت الله خان محصل مکتب طبی	»
« سید حامد خان دوا ساز	»
والاحضرت ولیعهد ایران	۲۲۸
منظرهٔ افتتاح خط آهن ایران	»
مرحوم آقای داور وزیر عالیهٔ ایران	»

تصاویر	صفحه
داکتر شخت وزیر اقتصاد المان	۲۲۸
مرحوم آقای نظام الدین حکمت وزیر پست و تلگراف ایران	»
از مناظر انتخابات هند	۲۳۲
عروسی شهزاده خانم ژولیانا	»
کامینف	»
تروتسکی	»
زینو ویف	»
سوکو لینکوف	»
رادك	»
پاتاکوف	»
سمیرنوف رئیس نقشهٔ پنجسالهٔ شوروی	۲۳۶
لیتوینوف کمیسر خارجهٔ شوروی	»
مجلا نوك کمیسر صنایع شوروی	»
حکمت سلیمان رئیس الوزرای عراق	»
جنرال بکر صدقی محرك انقلاب عراق	»
یاسین پاشا هاشمی رئیس الوزرای مرحوم عراق	»
ملك فاروق شاه مصر	۲۴۲
« فواد شاه فقید مصر	»
مرحوم سعد زغلول	»
شهزاده محمد علی رئیس مجلس نیابت سلطنت مصر	»

ACKU

تصاویر — صفحه

امضای معاهدهٔ انگلیس و مصر ۲۴۲
« « فرانسه و سوریه »
نمایندگان سلاطین عربی در بیت المقدس »
توفیق رشدی آپاس وزیر خارجهٔ تورکیه ۲۴۴
جنرال چنگ هسولیانگ محرک انقلاب چین »
جنرال هیاشی رئیس الوزرای جاپان »
« چیانگ کای شك دیکتاتور چین »
امضای معاهدهٔ آلمان و جاپان »
خانم سوئین »
ایدورد هشتم پادشاه مخلوع انگلستان »
خانوادهٔ سلطنتی انگلستان »
نیوائل چمبرلین وزیر مالیهٔ انگلستان »
آستن چمبرلین وزیر خارجهٔ فقید »
لارد لینلگو نائب السلطنهٔ هند »
لئون بلوم رئیس الوزرای فرانسه »
سالنگر وزیر داخلهٔ سابق فرانسه »
دلبو وزیر خارجهٔ فرانسه »
روزولت رئیس جمهور امریکا ۲۵۴
مارشال ریدز سمگلی پولندی »
شوشنگ رئیس الوزرای آستریا »
یك وزیر خارجهٔ پولند »
یك منظره از مجلس سلانهٔ حزب نازی »

ACKU

تصاویر	صفحه
نطق معروف موسولینی در میلان	۲۵۱
کونت چیانو وزیر خارجهٔ ایطالیا	»
راس امرو قائد حبشی	»
گراز یانی نائب السلطنهٔ حبشه	»
راس ایمیرو سردار فقید حبشه	»
آزانا رئیس جمهور اسپانیه	۲۶۰
کاباليرو رئیس الوزرای اسپانیه	»
جنرال فرانکو رئیس انقلابیون اسپانیه	»
دل ری ویرا محرک انقلاب اسپانیه	»
اولین ملاقات جنرال فرانکو و جنرال مولا	»
دهلیز مختانی مورهٔ کابل (هیئت عتیقه شناسی فرانسه وافغان ۶ قطعه)	۲۸۴
اطاق هده درموزهٔ کابل	»
سنگ همت قلم در گازر گاه هرات	۳۰۰
عمارت مکسان در هرات	»
سنگ تاریخی مصلای هرات	»
سنگ همت قلم نظیر سنگ مقبرهٔ سلطان حسین میرزا	»
لوحهٔ ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸	۳۱۶
« ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶	۳۳۲
« ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴	۳۴۰
مقبرهٔ حضرت مولانا جامی در هرات	۳۴۸

تصاویر	صفحه
گنبد مقبرهٔ اولاد بایسنقرمرزا در مزار شریف	۳۴۸
سمت جنوبی مسجد جامع هرات	»
مسجد و باغ صوفی اسلام در هرات	»
منظرهٔ عمومی مینار های مصلای درهرات	۳۸۰
مقبرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصار « «	»
« « عبدالواحد الشهید « «	»
باغ شاهی در هرات	»
مقبرهٔ امیر دوست محمد خان در هرات	»
یکی ازمینار های مصلای قدیم «	»
زیارت سلطان سید احمد کبیر در هرات	۳۹۶
« خواجه عبدالولید « «	»
قلعهٔ اختیارالدین « «	»
منظرهٔ عمومی دیوار شهر قدیم هرات	»
گنبد خواجه محمد یار ساد در بلخ	»
در وازهٔ نوبهار در بلخ	»
دخمهٔ منسوب باولاد سلطان سنجر در مزار شریف	»
بالاحصار قدیمی تاشقرغان	»
تصاویر شاهان افغانستان (یونیدم دوم)	۴۱۲
هلیو کلس ـ هرمایوس	»
مینانذر ـ کانشکا	»
سلطان محمود غزنوی ـ غیاث الدین غوری	»
شهاب‌الدین غوری ـ قطب‌الدین ایبك	»

ACKU

تصاویر			صفحه
آرام شاه ـ شمس‌الدین التتمش			»
رکن‌الدین فیروز شاه ـ ملکه رضیه			»
معزالدین بهرام شاه ـ علاءالدین مسعود شاه			»
ناصرالدین محمود شاه ـ غیاث الدین بلبن			»
معزالدین کیقباد ـ علاءالدین خلجی			»
ابراهیم لودی ـ شیر شاه سوری			»
میروبس خان هوتکی	شاه محمود هوتکی		۴۱۲
اعلیحضرت احمد شاه	اعلیحضرت تیمور شاه		»
« شاه زمان	« شاه شجاع		»
« دوست محمد خان	« شیر علیخان		»
« محمد افضل خان	« محمد اعظم خان		»
« محمد یعقوب خان	« عبدالرحمن خان		»
« حبیب الله خان			»
منظرهٔ عمومی مکتب صنائع			۴۱۸
دهلیز فوقانی	«	«	»
اطاق نمایش	«	«	»
شعبهٔ لیتوگرافی	«	«	»
« نجاری	«	«	»
اطاق رسم شعبهٔ نجاری	«	«	»
شعبهٔ رسامی	«	«	»
« قالین بافی	«	«	»
« لیتوگرافی	«	«	»

تصاویر	صفحه
شعبهٔ لیتوگرافی « «	«
صنف مهندسی « «	«
« « « «	«
هشتهٔ ـ افغانستان	٤٤٠
ازمناظر کابل	٤٦٠
خرگاه یکی از کلان شوندگان مردمان شمالی افغانستان	٤٧٦
حیات قبائل صفحات شمالی افغانستان	«
قالین بافی در دشت	«
قالین بافی در اندخوی	«
ورزشکاران افغانی در هند	٤٨٤
« ورزشکاران افغانی درهند	«
تهیهٔ یکه توت در ولایت قطغن	٤٩٠
گندم پنبه در قطغن	«
هیئت اداری شرکت اتحادیهٔ شمالی	٥٢٤
نمایندگی اتحادیهٔ شمالی در کابل	«
منظرهٔ عمومی عمارت فابریکهٔ چرم گری کابل	٥٣٢
« خارجی « « « «	«
« داخلی « « « «	«
« « « « « «	«
عمارت سینمای کابل	٥٨٤
عکاسخانه ومغازهٔ عصری درکابل	«
منظرهٔ عمومی شهر نو هرات	٥٩٢
مسجد عیدگاه شهر نو هرات	«
تقویم سال ١٣١٦	٦٠٠

Table des matières

		page
Préface	(الف)	A
Biographie de Sa Majesté	(۱)	1
Afghanistan	(۳)	3
Organisation administrative du pays et les fonctions des principaux titulaires	(۹)	9
Activité des administations gouvernementales	(۷۵)	75
La presse afghane	(۱۸۰)	180
Corps diplomatique à Kaboul	(۱۸۲)	182
Principaux événements de l'année en Afghanistan	(۱۸۵)	185
« « « dans le monde	(۲۱۱)	211
Musée de Kaboul	(۲۶۹)	269
Sculpture ancienne d'Afghanistan	(۳۰۱)	301
Histoire de la littérature d'Afghanistan (2è. partie)	(۳۱۲)	342
École des arts et métiers de Kaboul	(٤١٨)	418
Les principales plantes d'Afghanistan	(٤٣٤)	434
Mouvement sportif en Afghanistan	(٤٨٠)	480
Les progrés économique réalisés en Afghanistan pendant les 7 dernières années	(٤٨٧)	487

page

Activité de la Banque Nationale Afghane (۵۰۸) 508
» des principales sociétés commerciales (۵۲۱) 524

Hygiéne pratique (۵۳۳) 533
Quelques renseignements utils (۵۵۵) 555
La cuisine (۵۶۰) 560
Les inventions nouvelles (۵۶۵) 565
Les forces militaires des principaux états (۵۸۵) 575
Comment devons nous développer
la langue Pouchtou (en pouchtou) (۵۷۷) 577

اعلان

ذوانیکه خواهش خریداری این سالنامه و سالنامه های گذشته ویا اشتراك مجلهٔ « کابل » را داشته باشند بآدرس ذیل مراجعه فرمایند : «کابل جادهٔ نزدیك انجمن ادبی کابل .

Avis

Les personnes désireuses d'acheter le présent ALMANACH ou les Annuaires de la REVUE DE KABOUL ou de s'abonner à la REVUE DE KABOUL, sont priées de s'adresser au : CERCLE LITTÉRAIRE DE KABOUL (Kaboul-Afghanistan)

ACKU

